

جلد ہفتم

تفسیر جامع

کتابخانہ صدر

تہران : ناصر خسرو پارسا و معبد

تفصیل ۳۹۷۶۹۶

جلد ہفتم

تفسیر جامع

جمع آوری شدہ از تفاسیر ائمہ و کتب اخبار معتبرہ

بقلم دانشمند معظم استاد علامہ

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

آقای حاج سید ابراہیم بروجردی

حق چاپ محفوظ و مخصوص مؤلف است

از انتشارات کتابخانہ صدر

طہران - خیابان ناصر خسرو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش پروردگاری را سزا است که جهان هستی را از کتم عدم بحر صه وجود در آورد و راه و رسم سعادت را به بندگان پیام وخت و برای نجات و کامیابی بشر کتاب و راهنمایی فرستاد تا مانع انحرافات و مظالم آنان شده و آنها را بر اساس دستورات مقدسه بخیر و صلاح دعوت کند و درود بی پایان بر سر سلسله رسل و عقل کل هادی سبیل خاتم پیغمبران محمد مصطفی ﷺ و بر آل اطهار و اوصیاء ابرارش که والیان امر و حجج پروردگار و امناء رحمن و کنوز اسرار وحی و مترجم قرآن و مدائن علم و مدارج دانش و عرفانند و لعنت دائمی و عذاب سرمدی بر معاندین و مخالفین ایشان باد که جرثومه ظلم و جور و اهل بدعت و کفر و طغیانند.

و بعد نخست نکته‌ای که لازم است تذکر داد آنست که تفسیر قرآن فقط مخصوص و ویژه اهل بیت است که معدن وحی و تنزیل و تالی تلو قرآن هستند و تألیف تفسیر و تدوین حدیث از خامه شروع شد و شیعیان اول کسانی بودند که اهتمام بکتابت تفسیر و تدوین حدیث نموده و مبتکر این اساس شده و یاد دیگران دادند و قدر و ارزش آثار مقدسه اسلام و مآثر پیغمبر اکرم ﷺ را شیعیان نیکوتر دانسته و بهتر از هر فرقه و بیش از هر کس بآن اهتمام نمودند عامه و اهل تسنن در آغاز اسلام اعتناء و عنایتی به تفسیر قرآن و تدوین حدیث نداشتند چه

گمان میکردند تدوین حدیث و تفسیر قرآن جایز نیست از این جہۃ عقب ماندند چنانکہ طبری نقل نموده کہ عمر ہمیشہ میگفت قرآن را تجرید و آنرا تفسیر مکنید و از پیغمبر ﷺ حدیث نقل نکنید کہ من شریک شمایم و اکیداً قدغن کرد کسی حدیث و تفسیر از پیغمبر اکرم ﷺ باز گو نکند و نیز روایت کرده کہ ابی ہریرہ دوسی گفت حدیث و نقل گفتار از پیغمبر ﷺ را وا گذار و گرنہ تورا بسرزمین دوس روانہ خواہم کرد .

و ابن کثیر در تاریخ خود نقل نموده کہ عمر بکعب احبار گفت حدیث از پیغمبر خدا را وا گذار و گرنہ تورا بسرزمین قرده و بوزینگان روانہ خواہم کرد . و حاکم کہ یکی از علماء عامہ است در مستدرک خود روایت کرده کہ عمر بہ ابن مسعود و ابودرداء و اباذر گفت تفسیر قرآن و نقل نمودن حدیث از پیغمبر اکرم ﷺ چیست و چہ معنا دارد ؟ و آن سہ نفر را در مدینہ حبس نمود بنحاطر آنکہ تفسیر قرآن و نقل حدیث از رسول خدا ﷺ نمودند و در حبس بودند تا عمر کشتہ شد و این مطلب را علماء دیگر از عامہ نیز بیان نمودند و ہمین معاملہ را با ابو موسی اشعری انجام داد با آنکہ او نزد عمر مقرب و عادل بود .

و ابن کثیر از ابی ہریرہ روایت کردہ گفت ما توانائی نداشتیم حدیثی از رسول خدا نقل نمائیم و بگوئیم پیغمبر چنین فرمودہ تا عمر جان داد و میگفت اگر شما اصحاب تفسیر قرآن یا حدیث از رسول خدا نقل کنید ہمانا تفسیر و احادیث مخلوط و یا مشتبہ بقرآن خواہد شد و من نخواہم گذاشت بکتاب خدا چیزی مخلوط و یا مشتبہ شود .

و از آثار ناپسند این روش آن شد کہ گفتار و تفسیر و حدیث رسول خدا در میان مسلمانان متروک و فراموش شد و این سیرہ عمر ضربت مہلکی بر امت اسلام و بر تعالیم و شرف و تقدم و تعالی مسلمین بود و این سیرہ ناروا بیش از یکصد سال عامہ مسلمین را از تدوین حدیث و تفسیر قرآن عقب انداخت تا عمر بن عبدالعزیز در عصر خلافت خود فرمانی متحدالمآل در این بارہ صادر کرد ولی بعد از صد سال

خاموشی دیگر سخنان پیغمبر خدا از یادشان رفته بود۔ بسکه خاموش نشستم سخن از یادم رفت۔ سپس اول کسی که از عامه تفسیر قرآن را بصورت کتاب درآورد مجاهد بود (در سال ۱۰۴ هجری) پس از آن وافدی متوفی در سال (۲۰۷ هجری) و طبری متوفی در سال (۳۱۰ هجری) اینها چون اعتقادی بامامت و ولایت خاندان نبوت نداشتند تا از روی گفتار و فرموده های ائمه که سرچشمه فیض و معدن وحی و تنزیل هستند تفسیر قرآن را فرا گیرند پس مطابق احسانات و فطرت عادی خود خواستند چیزی از آیات قرآن و رازهای آفرینش را بدانند ناچار شدند از یهود و نصرانیهاییکه در میان عربها بودند سؤال نمایند و آنها بیشتر از طوایف حمیر مقیم یمن بودند و پس از ظهور اسلام گرچه مسلمان شدند و با احکام اسلام عمل مینمودند ولی افکار و اخباری را که کتبی و شفاهی از یهود فرا گرفته بودند همچنان نگاه میداشتند و هر گاه عربها از آنان چیزی سؤال میکردند بدون تحقیق از روی مندرجات کتاب تورا و عهد عتیق پاسخ آنها را میدادند و باین ترتیب کتب تفسیر عامه از همان منقولات یهود انباشته شد و گذشته از مفسرین یهود از میان تازه مسلمانان مسیحیان و صائبیان و زردشتیان نیز عده ای مفسر برخاستند که بعضی از ایشان در نظر عامه مسلمین مقام بلندی پیدا کردند و آنچه را که مسلمانان از آنها سؤال مینمودند مطابق اطلاعات و معلومات خود پاسخ میدادند معروف ترین آنها وهب بن منبه است که اصلش ایرانی است و مذهبش زردشتی بوده با هیئتی از طرف پادشاه ایران بجهة همراهی و معاونت فرمانروای یمن بر ضد پادشاه حبشه به یمن آمدند این عده از ایرانیان در یمن اقامت کردند و توالد و تناسل نمودند عربها آنها را ابناء (فرزندان) فارس میخواندند طاوس کیسان که یکی از تابعین مشهور است از همان طایفه میباشد پدران وهب بن منبه زردشتی بودند همینکه به یمن آمدند با یهود یمن خلط و آمیزش کردند و از عادات و رسوم یهود مطالبی فرا گرفتند سپس با حبشیان مسیحی معاشرت نمودند و از آنها چیزهایی فرا گرفتند وهب بن منبه علاوه بر این معلومات زبان یونانی هم میدانست و طبعاً از آداب و رسوم یونانی ها نیز مطلع بود

در نتیجه اطلاعات وسیعی از اوضاع دنیا و تاریخ انبیاء و سلاطین و غیره بدستی آورده بود چنانکه خود او مدعی بود که هفتاد و دو کتاب آسمانی را مطالعه کرده است بدیهی است که عامه مردم بچنین کسی اعتماد بسیار داشتند و هر چه میخواستند از او میپرسیدند و او هم بواسطه معلومات وسیع خود جوابهای مناسبی بآنان میداد از اینجهت تفاسیر عامه مطالب نادرست بسیار دارد و آنچه را میان یهود و نصاری و مجوس و سایر ادیان در جزیره العرب شایع بوده جزء تفاسیر عامه درآمده است همانطوری که بسیاری از عادات و رسوم بتپرستی جزو مسیحیت در آمد خلاصه همینکه کتب فلسفه و منطق بزبان عربی انتقال یافت و عامه مردم و مسلمانان باستدلال و قیاس و اجتهاد آشنا شدند در مندرجات تفاسیر متقدمین تجدید نظر کردند و باعتقاد خودشان آنچه را که مخالف عقل و منطق بود حذف نمودند چنانکه ابن عطیه و قرطبی و جلاله زمخشری صاحب تفسیر کشاف مطالب مخالف منطق و عقل را از تفاسیر اولیه حذف نمودند و اینان نیز چون در صدد فهم معانی قرآن برآمدند طبعاً بگفتههای رسول خدا احتیاج پیدا کردند تا با فهم احادیث نبوی معانی قرآن را درک کنند و چون منکر ولایت و امامت بودند بخاندان نبوت و احادیث وارده از آن بزرگواران رجوع نمودند احادیث و گفتار رسول خدا را از طریق صحابه گرفتند و بدیهی است میان صحابه اشخاص مناقق و جاه طلب بسیار بود و بسیاری هم از ایشان طالب ریاست و خلافت بودند و هر دسته ای بطرفداری سرسته خود دنبال دلیل تراشی رفته بود و دلایل خود را با احادیث معموله تحکیم می نمود و در نتیجه جعل حدیث میان عامه معمول شد و هرج و مرج را میافت و شکفت نیست که طمع کاران برای جلب منافع خصوصی از خود حدیث بسازند چنانکه عایشه حدیثی جعل کرد و گفت پیغمبر اکرم ﷺ میفرمود از ما جماعت پیغمبران در هم و دینار ارث برده نمیشود و این را مستمسک قرار دادند و حق و فدک حضرت زهرا (ع) را غصب نموده و از دستش گرفتند و مانند این حدیث بسیار است و مطابق گفته و نوشتههای اهل تحقیق مشهورترین کسانی که در حدیث سازی

جلد ہفتم

افراط کردند چهار نفر بودند ۱ - ابن یحیی در مدینه ۲ - وافدی در بغداد ۳. مقاتل ابن سلیمان در خراسان ۴. محمد بن سعید در شام گاهی از اوقات حدیث سازان بگناه خویش اعتراف میکردند چنانکه در سال ۱۵۳ هجری چون محمد بن سلیمان والی کوفه فرمان قتل ابن ابوالعوجا را که حدیث ساز بود صادر کرد وی گفت حال که مرا بقتل میرسانید بدانید که چهار هزار حدیث ساخته و پرداخته ام و بدان وسیله حرام شما را حلال و حلال شما را حرام کردم و با آن احادیث روزه خود را گشودید و بی حجه روزه گرفتید دیگر حدیث سازان مشهور احمد جویباری - و ابن عکاشه کرمانی - و ابن تمیم قریابی است بطوریکه ابن سهل سری میگوید اینان ده هزار حدیث از پیش خود جعل کردند .

در کافی باب اختلاف حدیث از سلیم بن قیس هلالی روایت کرد. گفت حضور امیر المؤمنین علیه السلام عرض کردم فدایت کردم از سلمان و مقداد و ابی ذر چیزهایی از تفسیر قرآن و احادیث رسول خدا می شنوم که مغایرت دارد با آنچه که در دست مردم است و از شما تصدیق گفتار سلمان و مقداد و ابی ذر را می شنوم پس از آن بسیاری از تفسیر قرآن و احادیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را از مردم می شنوم و تمام آنها مخالف فرموده های شما است آیا آن تفاسیر و احادیث باطل است و آیا آن مردم افتری می بندند بر رسول خدا و قرآن را بهوا و رای خود تفسیر میکنند و به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عمدا دروغ نسبت میدهند آنحضرت فرمود ای سلیم بن قیس سئوالی نمودی جواب آنرا نیکو بفهم بدانکه احادیث و تفاسیری که در دست مردم است مخلوط است از حق و باطل، راست و دروغ، ناسخ و منسوخ، عام و خاص محکم و متشابه، حقیقت و گمان همانا در حیوة رسول خدا صلی الله علیه و آله بحضرتش دروغهایی نسبت دادند بطوری که روزی بالای منبر تشریف برد پس از قرائت خطبه فرمود ای مردم چه شده است که این اندازه بمن نسبت دروغ میدهید و از قول من دروغهایی جعل میکنید بدانید هر کس عمدا بمن دروغ به بندد جایگاه او در آتش جهنم خواهد بود، و پس از رحلتش نیز دروغهای بسیاری بحضرتش

نسبت دادند ای سلیم بن قیس حدیثی که میشنوید و بدست شما میرسد از چهار بخش بیرون نیست و پنجمی ندارد - ۱ - حدیث کننده مردیست منافق در ظاهر مؤمن است و اظهار قدس و مسلمانی میکند و عموماً بر رسول خدا دروغ می بندد ؛ اگر مردم بدانند آن شخص منافق و دروغگو است هرگز سخن و حدیث او را قبول نمیکنند و نمی پذیرند ولی بخاطر آنکه پیغمبر اکرم را دیده و فرمایش حضرتش را شنیده حدیث او را قبول میکنند بدون آنکه خودش را بشناسند و آگاه شوند از نفاقش پروردگار توصیف میفرماید منافقین را و بیان میکند شرح حال آنها را در قرآن سوره منافقین آیه ۴ میفرماید ای رسول ما تو چون اجسام و اشکال صوری منافقین را مشاهده کنی آراستگی ظاهری ایشان تو را بشگفت آورد چنانچه سخن گویند بسخنهای آنها گوش فراخواهی داد ولی در باطن گویا مانند چوب خشک هستند بر دیوار هر صدائی بشنوند به زیان خویش پندارند ای رسول ما دشمنان حقیقی دین و ایمان اینان هستند بر حذر باش از ایشان خدا آنها را بکشد بمکر و حيله از حق بکجا باز میگردند آن صحابه منافقین پس از رحلت رسول خدا بواسطه کذب و دروغ و بهتان نزد پیشوایان باطل و گمراه مقرب شدند ، آن پیشوایان منافقین را عمال خود قرار داده و بر گردن مردم سوار کردند و یوسيله ایشان بمال و حطام دنیا رسیدند و مردم تابع پادشاهان و اموال دنیا هستند مگر کسانی که خداوند ایشان را بلطف و عنایت خود نگاه میدارد و حفظ میفرماید - ۲ - حدیث کننده کسی است که چیزی از پیغمبر خدا شنیده است ولی آنطور که باید و شاید فرمایش حضرتش را درک نکرده و نفهمیده و عمداً نسبت دروغ به پیغمبر نمیدهد اگر مردم بدانند این شخص فرمایش رسول خدا را نفهمیده از او قبول نمیکنند و چنانچه خود او هم بداند اشتباه کرده حدیث نمیکنند - ۳ - مردی است که از رسول خدا شنید که امر فرمود بچیزی پس از آن نهی کرد از آن چیز این شخص نهی حضرتش را ندانست حفظ نمود حکم منسوخ را و رها کرد ناسخ آن را اگر میدانست این امر منسوخ شده هر

گز آن را نقل نمی نمود و چنانچه مسلمانان میدانستند حدیثیکه او نقل کرده منسوخ شده و نباید بآن عمل کرد آن حدیث را رها میکردند و گوش بسخنان آن شخص نمیدادند ۴ - مردی حدیث میکند از رسول خدا و هر گز نسبت دروغ به حضرتش نمیدهد و از خدا و رسولش میترسد و دروغ و کذب نزد او مبعوض است و سخنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را نیکو فهمیده و حفظ نموده آنطوریکه سزاوار است بدانند و حفظ نماید و چیزی بر فرمایشاتش افزوده و کم نکرده ناسخ و منسوخ را میداند عمل بناسخ میکند و منسوخ را رها کرده چنین مردی سزاوار است حدیث او را قبول نمود چه فرموده های پیغمبر صلی الله علیه و آله مانند قرآن ناسخ و منسوخ و خاص و عام و محکم و متشابه دارد پروردگار فرمود آنچه را رسول خدا امر فرمود عمل کنید و هر چه را نهی کرده رها نمائید پس کلام خدا و رسولش بر مردم مشتبّه میشود نمیدانند چه اراده فرمودند باین کلام و چنین نیست تمام اصحاب هر چه از آن حضرت سؤال نمودند بدانند و بفهمند پاسخ سؤال خود را بعضی از اصحاب چیزی را پرسش میکردند و نمی فهمیدند و دوست داشتند عرب بیابانی بیاید حضور رسول خدا و چیزی سؤال کند تا آنها بشنوند من هر روز و هر شب وارد میشدم بر رسول خدا خلوت میکرد مجلس را و اسرار را بمن میفرمود تمام اصحاب میدانند رسول خدا بجز من با کسی خلوت نمیکرد و بغیر من اسرار را بکسی نمیگفت بسیاری از اوقاتیکه بمنزل من تشریف میآورد آنچه را جبرئیل آورده بود برای من بیان میفرمود حسنین و فاطمه هم حضور داشتند و هنگامیکه بر حضرتش وارد میشدم امر میفرمود زنهای از حضورش بیرون روند هر چه سؤال میکردم جواب میداد و چون ساکت میشدم حضرت ابتدا میفرمود بسخن گفتن نازل نشد بر رسول خدا آیه ای مگر آنکه پیغمبر اکرم آن را بر من تلاوت می نمود و تفسیر و املاء میفرمود و من آن را بخط خود مینویشتم و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و عام و خاص قرآن را بمن تعلیم نمود و دعا فرمود خداوند فهم تمام آنها را بمن عطا فرماید و ترك نفرمود حضرتش آنچه را که خداوند تعلیم او نموده از

حلال و حرام و امر و نهی و حوادث گذشته و آینده از اطاعت و نافرمانی مردم و عمیان آنها مگر آنکه تمام را بمن تعلیم فرمود و هرگز فراموش نکردم هرگز و کلامه ای از آنها را و فراموش نخواهم کرد حتی آن چیزهایی را که شوشتم و فرمود من هرگز نمیتروسم بر تو فراموشی را علاوه دست مبارک را بسینه من نهاد و از خداوند درخواست که مملو سازد قلبم را از دانش و فهم و حکمت و نور

و این حدیث عیناً همان خطبه‌ای است که در نهج البلاغه فرموده حد پاسخ آن کسی که سؤال نمود از حضرتش راجع باحادیث بدع و اختلاف خبر و از تمام این بیانات دانسته شد که نمیشود به تفاسیر واحادیث عامه اعتقاد نمود و بسیاری از آنها کذب و جعل است و اگر گفته شود این ملاک عیناً در احادیث شیعه نیز موجود است چه در عصر هر امامی چند نفر حدیث ساز وجود داشته‌اند چنانکه حضرت صادق علیه السلام بحرین فرمود همیشه در میان اهل کوفه دروغگویان و حدیث سازانی بوده‌اند مغیره بن سعید به پدرم دروغ می‌بست و احادیثی می‌ساخت و آنها را به پدرم نسبت میداد و ابو الخطاب احادیث دروغی بمن نسبت میداد و میگوید من اصحاب را امر کردم که نماز مغرب را بجا نیاورند تا ستارگان ظاهر شوند دروغ می‌گوید آن ملعون و در حدیث دیگر فرمود اصحاب مغیره بطور ناشناس وارد میشدند میان اصحاب پدرم و کتب آنها را می‌گرفتند به مغیره میدادند آن ملعون احادیثی از کفر و زندقه جعل مینمود و مخلوط میکرد به احادیث پدرم و نسبت میداد آنها را بحضرتش و باصحاب خود میگفت این احادیث مجعوله را انتشار دهید میان شیعیان پس هر حدیث که در کفر و زندقه مشاهده کردید در کتب اصحاب بدانید آن از ساخته گیهای مغیره و همانند او است

جواب گوئیم احادیث شیعه بطور مسلم با احادیث عامه فرق بسیاری دارد زیرا علماء عظام عمری شب زنده‌داری کردند و بدنهای خود را فرسودند و مشقت و زحمتهای کشیدند در تصحیح احادیث شیعه تا منقح نمودند آنها را و جدا کردند حق را از باطل ، و مجعول و صاف آن را از هر شبهه و کجی و ناصافی و تمیز دادند

ساخته گی ها را از غیر آن و روشن نمودند آن احادیث را مانند روشن شدن صبح از تاریکی و ظلمت شب و عادت قدماء و اصحاب معاصرین ائمه تا زمان مؤلفین کتب اربعه که بیش از سیصد سال است آن بود که ضبط مینمودند احادیث را و بدون میکردند آنها را در حضور ائمه معصومین و بدون توقف و تأمل آنچه را از امام میشنیدند مینوشتند از ترس سهو و فراموشی سپس آن نوشته ها را عرضه میداشتند بر امام و بصورت کتاب در میآوردند و آن را اصل مینامیدند ، چنانکه سلیم بن قیس هلالی در عصر امیر المؤمنین علیه السلام مبتکر این موضوع شد و اصل سلیم معروف و مشهور است و در زمان هر يك از ائمه جمعی مشغول بنوشتن و جمع آوری احادیث شدند و کتاب اصلی فراهم نمودند تا نوبت باصحاب حضرت صادق علیه السلام رسید چهارصد نفر از آنها چهارصد کتاب نوشتند و معروف و مشهور شد باصول اربعه هائیه و حلال نمیدانستند نوشتن حدیثی را که قطع بصحت آن نداشتند چنانکه کتاب عبیدالله بن علی حلبی را به حضرت صادق علیه السلام عرضه داشتند تصدیق فرمود آن را و کتاب یونس بن عبدالرحمن و اصل فضل بن شاذان را بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام عرضه داشتند تصدیق نمود و تمجید فرموده مؤلفین آنها را و دأب و عادت ائمه معصومین آن بود آگاه میکردند شیعیان را بر احوال دروغگویان و امر میفرمودند که اجتناب و دوری بجویند از آنها و عرضه بدارند احادیث ایشان را بر قرآن و سنت نبویه و روا کنند آنچه را که مخالف با قرآن و سنت است . کشی در کتاب رجال از محمد بن عیسی بن عبید نقل نموده گفت نزد یونس بن عبدالرحمن بودم بعضی از اصحاب از او سؤال کردند ای ابا محمد چرا این قدر سخت گیری میکنی در احادیث و انکار مینمائی بعضی از احادیث را که اصحاب ما امامیه روایت کرده اند جواب داد از هشام بن حکم شنیدم که حضرت صادق علیه السلام فرموده قبول نکنید حدیثی را مگر آنکه موافق قرآن و سنت باشد و یا شاعدی بیابید بر آن از احادیث متقدمه ما چه مغیره بن سعید تصرف کرده در کتب اصحاب پدرم و احادیثی جعل نموده و داخل آنها کرده شما اصحاب قبول نکنید حدیثی را که مخالف فرموده پروردگار و رسولش میباشد پس

از آن یونس گفت من بعراق مسافرت کردم در آنجا جمعی از اصحاب حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام را دیدم احادیثی از ایشان شنیدم و از روی کتبشان استنساخ کردم و آنها را به حضرت رضا علیه السلام عرضه داشتم آنحضرت بسیاری از آن احادیث را رد نمود و فرمود اینها را آن بزرگوار نفرموده اند، ابا الخطاب ملعون این احادیث را بآن حضرت نسبت داده تا امروز تا بعین آن ملعون احادیثی جعل میکنند و مخلوط مینمایند بکتب اصحاب ما، قبول نکنید حدیثی را که مخالف با قرآن و سنت است همیشه احادیث ما مطابق با قرآن و موافق با سنت میباشد زیرا ما ائمه از خدا و رسولش حدیث میگوئیم و هرگز نمیگوئیم فلان و فلان چنین گفته اند تا کلمات ما ائمه با هم تناقض داشته باشد بدانید کلام آخر ما مانند کلام اول ما میباشد و گفتار اول ما مصداق گفتار آخر ما است هر حدیثی بخلاف این بشما اصحاب رسید آن را بصاحبش برگردانید که او اولی است باین حدیث و بدانید از برای گفتار ما حقیقت و نوریت و کلامی که حقیقت و نور از برای آن نیست آن کلام گفتار شیطان است - تمام قدما و اصحاب مانند یونس احتیاط میکردند در احادیث چه ائمه بخاطر اطمینان امر فرموده بودند باصحاب عرضه بدارند احادیث را بقرآن و سنت تا مجعول و کاذب معلوم گردد آیا با این کوشش و جدیت ائمه مطابق عقل سلیم و طبع مستقیم جایز است چنین مردان بزرگ وثقه و امین حلال بدانند نقل حدیثی که اطمینان بصدق وصحت آن ندارند و اعتمادی بر حقیقتش نیست بطور مسلم عادت آنها این بود که در مصنفات و کتب خودشان ذکر نمیکردند مگر آن حدیثی را که یقین و قطع داشتند در صحت آن و صحتش مانند آفتاب روشن بود و دأب و عادت ائمه هم چنین بوده در هدایت شیعیان و آگاه نمودن آنها را بر تمام آنچه در شریعت از تغیر و تحریف واقع شده و خواهد شد زیرا آن بزرگواران حامل و حافظ و ضابط شریعت هستند و برای ایشان اصحاب خاص و نوایی از ثقات بود که اسرار احکام را بآنها یاد دادند و آگاه کردند آنان را بر مشکلات و تمام حلال و حرام خداوند خلاصه با نظر کردن در کتب رجال و مصنفات قدما

یقین حاصل میشود برای شخص متدین که تمام احادیث مضبوطه در کتب معتبره صحیح و خالص شده از هر غل و غشی و مانند احادیث عامه نیست، و مقتضای حکمت پروردگار و شفقت ائمه معصومین بر شیعیان خود مانع است از آنکه آنان را در حال ضلالت و گمراهی بگذارند و طریق روشنی بیان نفرمایند تا صدق از کذب تمیز داده شود آن بزرگواران هدایت کردند شیعیان را برآه راست و ترسانیدند آنها را از مداخله دادن کسانی که در دین بدعتی گذاشتند و معرفی کردند حدیث سازان و بدعت گذاران را بعینه و مشخصه فرمودند از آنها دوری بجوئید و مجالست نکنید با ایشان چنانکه در باره فارس بن حاتم قزوینی و حسن بن محمد بن بابا و محمد بن نصیر نمیری و ابی طاهر بن محمد بن علی بن بلال و احمد بن هلال و حسین بن منصور حلاج و ابن ابی عزا فروابی دلف و بسیاری دیگر از کسانی که خود را شیعه میدانستند و سخنانی چند در غلو و اباحه و تناسخ و گفتار شنیع از آنها ظاهر شد از ناحیه مقدس امام زمان روحی و ارواح العالمین له الفداء توقیعاتی بر لعن و کفر و بیزارى جستن از ایشان صادر شد و تمام آنها را شیخ در کتاب غیبت و کشی در رجال بیان نمودند

و اصحاب ائمه نهایت اهتمام را مینمودند و بمجرد تهمت از اشخاص اجتناب میکردند چنانکه احمد بن محمد بن عیسی بخاطر طعنیکه قمیون با احمد بن خالد برقی زدند امر کرد او را از قم اخراج کردند و چون آشکار شد مبرا بودن او از آن تهمت بر گردانید احمد را بقم و هنگام وفاتش با پای پیاده از جنازه او تشییع نمود تا مردم بدانند منزله بوده از تهمتیکه باو زدند و همین معامله را با سهل بن زیاد آدمی بجای آورد و منع کرد مردم را از آنکه حدیثی از سهل بشنوند و روایت کنند و مثل آنکه محمد بن حسن ولید منع کرد مردم را از جمله ای روات که حدیث از ایشان بشنوند و روایت کنند و از آنها بود محمد بن یحیی اشعری که جمعی از روات را در سلك ضعیفان شمردند و نسبت کذب و افترا بایشان دادند و آگاه نمودند مردم را بحال آنان مانند محمد بن علی صیرفی ابن سمیه و محمد بن سنان

و یونس بن ظبیان و یزید صایغ و غیر اینها که در کتب رجال شرح ایشان را داده‌اند .

و دیگر آنکه ائمه معصومین علیهم‌السلام و تاکید فرمودند اصحاب و شیعیان را بر کتابت احادیث و هدایت کردند آنها را در امور و احکام دین بر اوئیان احادیث و کتب ایشان و اگر در میان کتب و احادیث شیعه حدیثی معمول مانند کتب عامه یافت میشد همانا رجوع دادن بکتب اصحاب و رواه موردی نداشت چه سبب گمراهی شیعیان میشد و هرگز ائمه شیعیان خود را برای ضلالت و گمراهی سوق نمیدهند

شیخ طوسی از حذیفه بن منصور روایت کرده گفت حضرت صادق علیه‌السلام فرمود بشنا سید رتبه و منزلت شیعیان ما را بمقدار روایاتی که از ما نقل میکنند ، و در حدیث دیگر باحمد بن حماد مروزی محمودی فرمود بشناسید مراتب شیعیان ما را باندازه نیکوئی و نقل نمودن حدیث از ما اهل بیت همانا ما کسی را در زمره فقهاء محسوب نمیداریم مگر آنکه محدث باشد عرض کردند حضورش آیا مؤمن محدث میباشد فرمود مؤمن مفهم است و مفهم همان محدث میباشد و از علی بن حنظله روایت کرده گفت حضرت صادق علیه‌السلام فرمود قدر و منزلت مردم را بشناسید باندازه ای که از ما حدیث نقل مینمایند

و در محاسن از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده فرمود سو کند بخدا حدیثی که از شخص صادق در حلال و حرام بتو برسد بهتر است از آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب میکند ، در کافی از ابی بصیر روایت کرده گفت حضرت یمن فرمود احادیث ما را که میشنوید بنویسید چه شما نمیتوانید آنها را حفظ نمائید مگر بنوشتن . بمفضل

و بمفضل بن عمر فرمود احادیث ما را بنویس و نشر کن آنها را میان شیعیان و اگر وفات نمودی ارث بگذار کتب احادیث ما را برای فرزندان چه بعد از این زمان حرجی خواهد بود مردم در آن زمان انس نمیگیرند مگر با کتابهای

خود شان .

و از عبید بن زرارہ روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود کتب احادیث خود را حفظ نمائید چه شما جماعت شیعیان بعد از این محتاج بآنها خواهید شد .

و از حسین بن احمسی روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام میفرمود قلب خاطر جمع میشود بر نوشتن احادیث

شیخ بهائی روایت کرده که مردی از انصار حضور رسول خدا عرض کرد من حدیث را میشنوم ولی نمیتوانم آن را حفظ کنم فرمود باو بنویس آن را بدست راست خود و اعانت بجو بسبب نوشتن از برای حفظ کردن

و در سرائر از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که باصحاب میفرموده مقید کنید علم خود را بنوشتن

و خلاصه ائمه اطهار فروگذار نکردند درباره آنچه شیعیان بدان محتاجند و بطور واضح و آشکار بیان فرمودند تکالیف مردم را در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه چنانکه طبرسی در احتجاج و ابن بابویه در اکمال الدین و کلینی در کافی از اسحق بن یعقوب روایت کرده اند گفت نامه ای بتوسط شهاب بن عثمان العمری حضور مولای خود صاحب الامر علیه السلام فرستادم و مسائلی چند پرسش کردم در جواب نامه توقیعی بخط صاحب الزمان علیه السلام بمن رسید در آن توقیع فرموده بودند در حوادثی که پیش آید برای شما شیعیان باید بر او بان احادیث ماراجوع نمائید ایشان حجت های من هستند بر شما و من حجت خداوند میباشم ، و در دست خط دیگری که رسید فرموده بود عذری نیست برای کسی از دوستان ما که شك کنند در آنچه ثقات شیعیان از ما روایت میکنند

در کافی از عمر بن حنظله روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم دو نفر از اصحاب مادر دین یا میراث نزاعی دارند تکلیف چیست فرمود باید برای محاکمه و فصل خصومت نزد کسی بروید که حدیث مارا روایت

میکند و بحلال و حرام ما نظر مینماید و احکام ما را میداند پس راضی شوید بحکومت او من چنین کسی را احکام بر شما قرار داده ام اگر او بحکم ما حکم کند وزیر بار حکم او نروید و قبول حکم او نکنید استخفاف بحکم خداوند کرده اید و حکم ما را رد نموده اید و رد نمودن حکم ما رد نمودن حکم خداوند است و آن در ردیف شرک بخدا است

در کافی از ابی خدیجه روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود هر گاه میان دو نفر از شیعیان در حقوق نزاعی هست مبادا نزد قاضیان جور بروید بلکه بروید نزد مردیکه دانا است با حکم ما و راوی حدیث است من او را بر شما قاضی قرار داده ام

کشی در کتاب رجال از سلیم بن ابی حیه روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم میخوام از حضورتان مرخص شوم توشه ای بمن مرحمت بفرمائید فرمود برو نزد ابان بن تغلب احادیث بسیاری از من شنیده آنچه ابان برای تو روایت میکند از طرف من روایت کن آن را و حضرت باقر علیه السلام بابان فرمود برو در مسجد مدینه بنشین فتوی بده و حدیث بگو برای مردم من بسیار دوست دارم مشاهده کنم میان شیعیان اشخاصی که مانند تو هستند

و حضرت صادق علیه السلام به فیض مختار فرمود هر وقت خواستی حدیثی از احادیث ما را بشنوی برو نزد زرارۀ بن اعین و فرمود اگر زرارۀ و امثال او بمی بود احادیث ما از بین میرفت و در حدیث دیگر فرمود زنده نکرده ذکر احادیث ما را مگر زرارۀ و ابو بصیر لیث مرادی و محمد بن مسلم و برید بن معویه عجلای اینان حفاظ دین خدا و امین پدر من هستند بر حلال و حرام خدا - و در حدیث دیگر فرمود جماعتی را پدرم امین بر حلال و حرام خدا قرار داد و آنها محل اسرار علم و دانش هستند خداوند بخاطر ایشان هر بدی را از مردم برطرف کند آنان در میان شیعیان مانند ستارگان هستند در حال حیوة و ممات بواسطه ایشان هر بدعتی که در این دین گذارند بر طرف گردد و شبهه هر باطل غالی از بین برود راوی

میگوید حضورش عرض کردم چه اشخاصی هستند آنان فرمود برید عجلی و زراره و ابو بصیر و عثم بن مسلم میباشند.

در کافی از عبدالله بن ابی یعفور روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم همیشه نمیتوانم شمارا زیارت کنم اصحاب نزد من میاننده سائلی سؤال میکنند جواب آنها را حاضر ندارم چه کنم فرمود از عثم بن مسلم سؤال کن او احادیث بسیاری از پدرم شنیده و نزد او شخص و جیهی بود و در جواب سؤال عفر قوی (که گفت مسائل دین را آنچه میدانم از که پرسش کنم) فرمود از ابو بصیر - و در حدیث دیگر فرمود بشارت بدهید محبتین را به بهشت و آنها برید بن معویه عجلی و ابو بصیر و عثم بن مسلم و زراره هستند امین خدا میباشند بر حرام و حلالش اگر ایشان نبودند آثار نبوت کهنه و مندرس میشد و از بین میرفت - و نظایر این احادیث بسیار است و اگر بخواهیم تمام آنها را ذکر کنیم چند مجلد میشود و از مجموع این احادیث بطور تواتر معنوی ظاهر میشود که بنای دین مبین و احکام مسلمین در زمان غیبت ولی عصر روحی و ارواح العالمین له الفداء منوط و مربوط است بر احادیث اهل بیت و مراجعه نمودن بر او بیان آنها در فتوی و استفتاء و حکم و قضاء و بهمین سبب امر میفرمودند اصحاب با بنوشتن احادیث و کتب برای زمان آینده و بطوریکه سابقاً بیان نمودیم اول کسیکه احادیث را نوشت و بمورت کتاب در آورد سلیم بن قیس هلالی از اصحاب امیر المؤمنین (ع) بود و در عصر هر امامی جمعی مشغول بودند بنوشتن و جمع آوری احادیث تا نوبت به عصر حضرت صادق (ع) رسید کاتبین زیاد شدند و معروفین اصحاب آن بزرگوار چهار صد کتاب در حضورش نوشتند که مشهور شد باصول اربعه مائه و ائمه معصومین صحه آن اصول را تصدیق نمودند و بشیعیان امر و تأکید میفرمودند که در احکام و حوادث بآن کتب و اصول مراجعه نمایند و نهی کردند شیعیان را از عمل کردن بقیاس و گمان و اجماع و اصول مبتخره عامه و بعد از آن جمعی از علماء امامیه شکر الله سعیهم پیدا شدند آن احادیث و کتب را مرتب و منبسط کردند برای سهولت مسلمین مانند صاحبان

کتاب اربعه : شیخ کلینی صاحب کتاب کافی که در مدت بیست سال از روی کتب اصول اصحاب ائمه در زمان غیبت صغری حضور چهار نفر نایب خاص حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جمع و تدوین نمود و بنظر مبارك آن حضرت ^{و معروف است} رسید که تقریب آن کتاب فرمودند :

(الكافی كاف لشیعتنا) کتاب کافی از برای شیعیان ما کافی است - ۲- و صاحب کتاب من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق ابن بابویه همان کسی که بدعای امام زمان متولد شد و جلالت قدرش مشهور و معروف است در اطراف جهان ۳- و شیخ طوسی صاحب کتاب تهذیب و استبصار و غیر اینها از صاحبان کتب معتبره که تمام آنها از اصول اصحاب ائمه جمع آوری شده است مثل کتاب محاسن احمد برقی متوفی سال ۲۸۰ هجری و بصائر الدرجات سعد بن عبدالله قمی متوفی سال ۳۰۱ هجری و بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار و نظایر اینها و از جهة صحة و اعتبار آن کتب وجود مقدس امام زمان در حدیث سابق الذکر فرمود در حوادث واقعه رجوع نمائید بروایت کنندگان احادیث ما و ایشان را حجة خود قرار داد و فرمود رد کردن سخنان و گفتار و احادیث آنها رد نمودن سخنان و گفتار ما ائمه است و هر کس سخنان و گفتار ما ائمه را رد کند مشرک است با این وصف جمعی از دانشمندان حدیثی که مخالف ذوق و سلیقه آنان باشد و یا بعقیده خودشان بحیثیت و استفاده آنها نزد عوام مردم زیان برساند خدشه و تکذیب کرده و گاهی از اوقات نمود بالله بساحت قدس امام و یا راوی آن احادیث جسارتها کرده و مردم عوام را بر علیه آن عالم و نقل کنند، حدیث و میدارند و توهین از آن شخصی میکنند خداوند عموم مسلمانان را از شر این طایفه شرور که بسیارند در زمان ما محفوظ بدارد و از فتنه و وسوسه شیطان انسی و جنی حفظ فرماید بحرمت محمد (ص) و اهل بیت گرامش .

نکته دیگر آنست که برای هر يك از آیات قرآن مجید و هر جمله ای از کتاب پروردگار حمید ظاهر است و باطن تفسیر است و تاویل بلکه طبق اخبار

متواتره و احادیث مستغیضه هفتاد بطون و تاویلات میباشد و چنانکه ظواهر آیات قرآن در دعوت بتوحید و نبوت و رسالت خاتم النبیین وارد شده اکثر تاویلات و تنزیلات آن در فضل و شأن و جلالت و قدر و منزلت ائمه معصومین فرود آمده ولی متأسفانه مفسرین از ذکر و بیان تاویلات و تنزیلات چشم پوشیده و متعرض آنها نشده اند و در حقیقت آنچه واجب و لازم و مهم و جلیل بوده از بیان و توضیح آن خود داری کرده اند و از ذکرش مسامحه و غفلت ورزیده اند جز اندکی و شاید علل عدم تعرض و ذکر آنها یکی از جهات ذیل بوده : یا قریب بوده اند از مخالفین و از جهة تقیه بیان نمودند و یا از کثرت ممارست با کتب و تفاسیر عامه و الفت پیدا کردن با آنها غافل بودند و اکتفا کردند در تفسیر بقول و گفتار مخالفین و یا توجه داشتند بآن ولی بخاطر رضا و دوستی با عامه و خوشنودی ایشان از خود متعرض تاویلات و تنزیلات که در فضائل و منافع عترت رسول و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین نازل شده که بمنزله قطب از رحا است در قرآن ذکر و بیان نکردند و یا بضاعت و سرمایه علمیه ایشان اندک بوده و سخت و دشوار بود بر آنها بدست آوردن احادیث وارده در بیان تاویلات و تنزیلات قرآن و جمع کردن آن در تفاسیر چه احادیث معتبره در کتب اصحاب و آثار و صحف علماء ابرار متفرق و پراکنده است و جمع نمودن و بدست آوردن آنها از کتب متفرقه بسی مشکل و دشوار است و بخواست پروردگار توفیق شامل حال ما شد باز حمت طاقت فرسا آن اخبار و آثار را از کتب معتبره با پراکندگی و متفرق بودن آنها جمع آوری نموده و ذیل هر آیه و بمناسبت هر جمله از آیات قرآن که متضمن يك سلسله حقایق و معارف است بزبان ساده و پارسی روان و اسلوب نوین بیان نمودیم و این ابتکار را در میان جامعه تشیع و دانشمندان از خود بیادگار گذاشتیم و تکالیفی که در شریعت مقدسه اسلامیه بر عموم مکلفین مقرر شده ذیل آیات احکام طبق احادیث معتبره و فرموده ائمه معصومین شرح و بسط داده و معظم عبادات و فروع دین مبین را از روی فرموده های آن بزرگواران بیان نمودیم تا ناظرین و خوانندگان این تفسیر شریف احتیاج

بسیار کتب و رساله‌عملیه نداشته باشند و با خاطری آسوده و خیالی راحت و اطمینان کامل طبق آن عمل نموده و رفتار کنند و بطور یقین تکالیف دینی خود را انجام داده و بری الذمه شوند چه مذاکره آن احکام نص صریح و فرموده اهلبیت عصمت و طهارت است که اطاعت و فرمانبرداری از ایشان بنص آیات قرآن بر تمام مسلمین فرض و لازم شده از طرف پروردگار

در خاتمه تذکر می‌دهم که اخیراً جمعی از دوستان و مؤمنین و خوانندگان گرامی این تفسیر شریف از طهران و شهرستانها و خارج کشور اصرار و تقاضا و خواهش نمودند که احکام و عباداتی که در این تفسیر بیان نمودیم مجدداً و جداگانه بضمیمه احکام غیر عبادات و آنچه را از عبادات که بطور خلاصه بیان شده بصورت رساله‌عملیه شرح و بسط دهیم و برای عمل در دسترس آنها و سایر مؤمنین بگذاریم چون فرصت کافی ندارم لذا از انجام این تقاضا فعلاً معذرت می‌خواهم از پروردگار عزت خواهانم که این خدمت ناقابل را قبول فرماید و منظور توجه و نظر اعلیحضرت ولی عصر روحی و ارواح العالمین له الفداء واقع گردد و ذخیره‌ای بشود برای آخرت این بنده ضعیف و ما را جزء شیعیان خاص و خالص اهلبیت عصمت و طهارت محسوب بدارد و شفاعت آن بزرگواران را در حق ما پذیرفته و قبول فرماید و از لغزشهای گفتار و کردار محفوظمان بدارد آمین یا رب العالمین .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ (۱) عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) خَلَقَ الْإِنْسَانَ (۳) عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (۴) الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ (۵) وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (۶) وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ (۷) أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ (۸) وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (۹) وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰) فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱) وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (۱۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۳) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (۱۴)

سورة الرحمن

سورة الرحمن درمکہ نازل شدہ ہفتاد و ہشت آیہ و سیصد و پینجاویک کلمہ و ہزار و ششصد و سی و شش حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن : طہر سی از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس سورۃ الرحمن را در روز جمعہ قرائت کند و چون آیۃ فبای آلہ ربکمما تکذبان را تلاوت نمود بگوید لا بشیء من آلہ رب اکذب اگر در آن روز بمیرد شہید مردہ است و فرمود برای ہر چیزی عروسی است و عروس قرآن سورۃ الرحمن است و فرمود ترک نکنید خواندن این سورہ را زیرا قرار نمی گیرد در دلہای منافق سورۃ الرحمن - روز قیامت این سورہ بصورت آدمی نیکو منظر و خوش بو وارد محشر شود و در جوار پروردگار توقف نماید باو گفتہ شود ہر کس قیام بتو نمودہ و درد دنیا بقرائت تو مداومت کردہ از او شفاعت کن، گوید پروردگارا فلان و فلان مرا قرائت نمودہ اند - پس صورتہای ایشان سفید گردد و داخل

ترجمه سوره الرحمن

بنام خداوند بخشنده مهربان

خدای مهربان (۱) بر سولش محمد ﷺ قرآن آموخت (۲) و انسان را آفرید (۳) نطق و بیان با و تعلیم نمود (۴) خورشید و ماه با حساب معین در گره شدند (۵) گیاه و درختان او را سجده میکنند (۶) بر افراشت آسمان را و ترازوی عدل را در عالم نهاد (۷) تا تجاوز و نافرمانی نکنید در میزان عدل (۸) و هر چیزی را بترازوی عدل و انصاف بسنجید و در میزان کم نکنید (۹) و زمین را برای زید گانی خلق مقرر فرمود (۱۰) و در آن میوه های گوناگون و درخت خرما ی با پوشش و غلاف است (۱۱) و دانها که دارای برگ و ریاحین است (۱۲) ای انسان و جن بکدام يك از نعمتهای پروردگار انکار میکنید؟ (۱۳) انسان را خداوند از گلی مانند گل کوزه گران آفرید (۱۴)

بهشت شوند - و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده فرمود هر کس تلاوت کند این سوره را خداوند با ضعاف مضاعف او را رحمت کند چه او ادا شکر نعمت خدا را بجا آورده و هر که بنویسد آنرا و همراه خود نگاه بدارد کارهای سخت بر او آسان گردد و اگر مرضی دارد بخود به بندد شفا یابد و اگر بر دیوار خانه بنویسد گزند گان از آن خانه باذن خدا دور شوند - خلاصه مطالب سوره الرحمن عبارت است از احسان و انعام پرورده کار بر بندگان خود و دلایل توحید و خدا شناسی و اعاده خلایق پس از فنای آنها و وعده و وعید و اوصاف بهشت و حورالعین .
قوله تعالی : الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان :

چون این سوره مشتمل است بر تعدد نعمتهای دنیا و آخرت لذا افتتاح فرمود آنرا باسم الرحمن چه رحمن کسی است که رحمت او وسعت دارد برای هر موجود و مخلوقی خواه آن مخلوق کافر باشد یا مؤمن و از این جهت توصیف نمیکند کسی را باین اسم جز خدایتعالی و مقدم داشت تعلیم قرآن را زیر آن اجل و اشرف نعمتها است و قرآن اساس دین و منشأ شرع و اعظم وحی و اعز کتب آسمانی است چنانکه فرمود پیغمبر اکرم ﷺ شریفترین امت من حاملین قرآن می باشند و در

وَحَاقَ الْجَانُ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ (۱۵) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۶)
 رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ (۱۷) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۱۸)
 مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ (۱۹) بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ (۲۰) فَبِأَيِّ آلَاءِ
 رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۱) يَخْرِجُ مِنْهَا اللُّؤْلُؤَ وَالْمَرْجَانَ (۲۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ
 رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۳) وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ (۲۴)
 فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۵) كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ (۲۶) وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ
 ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ (۲۷) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۲۸)

حدیث دیگر فرمود یاد بگیرید قرآن را زیاد بدهید آنرا بمردم چه در قرآن تمام حقایق کتب آسمانی مندرج است و گویا این آیه جواب گفتار قریش است هنگامیکه نازل شد آیه (وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ) گفتند ما رحمانی نمی شناسیم جز صاحب یمامه که اسم او رحمن است این آیه جواب آنها و کسانی است که گفتند قرآن را بعضی از افراد بشر بمحمد صلی الله علیه و آله تعلیم و یاد داده اند پروردگار فرمود رحمن همان کسی است که قرآن را بر سولش محمد صلی الله علیه و آله آموخت و انسان را از عدم بوجود آورده و باو نطق و بیان آموخت - طبری از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود بیان اسم اعظم خداوند است که باو دانسته می شود هر چیزی و از حسین بن خالد روایت کرده گفت معنای آیات فوق را از حضرت رضا علیه السلام سؤال نمودم فرمود خداوند قرآن را بر سولش محمد صلی الله علیه و آله تعلیم فرمود و مقصود از انسان در اینجا وجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام است پروردگار آموخت بآنحضرت بیان هر چیزی که مردم بآن محتاجند از احکام دین و دنیا و معاش و معاد و اخبار گذشته و حوادث آتی.

(الشمس والقمر بحسبان) خورشید و ماه بحساب معین در گردشند .. خورشید سیز و قطع میکند برجها را در مدت ۳۶۵ روز و چند ساعت و ماه در مدت ۲۸ روز

وجنّیان را از شعله آتش متحرّک خلق کرد (۱۵) ای انسان و جن کدام يك از نعمت پرورد گارتان را انکار میکنید؟ (۱۶) آن خدائی که آفریننده دوشمال و دوشمال و دوشمال (۱۷) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پرورد گار را انکار میکنید؟ (۱۸) اواست که دودریا را بهم در آمیخت (۱۹) میان آن دودریا فاصله ایست که تجاوز بحدود یکدیگر نمیکند (۲۰) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پرورد گار را انکار میکنید؟ (۲۱) از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان بیرون آورد (۲۲) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پرورد گار را انکار میکنید؟ (۲۳) و از برای اواست کشتیهای بزرگ مانند کوه که بدریا در گردشند (۲۴) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پرورد گار را انکار میکنید؟ (۲۵) هر چه در روی زمین است دستخوش مرگ و فنا است (۲۶) و باقی وزنده همیشگی ذات با جلال و عظمت خداوند است (۲۷) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پرورد گار را انکار میکنید؟ (۲۸)

و کسری تخصیص ذکرا این دو برای زیادی منافع آنهاست از برای مردم مانند روشنائی و نور. و شناختن روز و شب و سال و ماه. و منافعهای دیگر. عجب عیسی عیسی ذیل آیه فوق از داود رفی روایت کرده که تاویل آیه را از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم فرمود خورشید و ماه دو آیت از آیات الهی هستند که بامر پروردگار بحساب معین در گردشند خداوند آنها را مثل آورده برای دشمنان ما ائمه همانکسانیکه هتک حرمت ما را کرده و بر ما ظلم و ستم نموده و حقوق ما را غصب کرده اند و فرموده آن دورا عذاب میکنم عرض کردم عذاب آنها چگونه است فرمود سؤال نمودی از چیزی دقت کن تا جواب آنها بخوبی بفهمی بدان ای دارد نور خورشید و ماه از نور عرش خدا است و جرم آنها از جهنم است روز قیامت نورشان برمی گردد بسوی عرش و جرمشان بسوی جهنم - چه در قیامت خورشید و ماهی وجود ندارد خداوند مثل آورده ماه و خورشید را از جهة عذاب باولی و دومی آیا نشنیده ای که پیغمبر اکرم فرمود: خورشید و ماه دو نور آتشند - آیا نشنیده ای که مردم منی گویند اولی و دومی دو نور و خورشید این امت هستند راوی عرض کرد بلی فرمود: پس آند و نفر در آتش جهنم هستند سو گند بخدا که قصد نکرد از خورشید و ماه غیر آند و نفر را (والنجم

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ (۲۹) فَبِأَيِّ
 آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۰) سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ (۳۱) فَبِأَيِّ آلَاءِ
 رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۲) يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ
 أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳)
 فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۴) يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ شَوَاطِئَ مِنْ نَارٍ وَفُحَّاسٍ
 فَلَا تَنْتَصِرَانِ (۳۵) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۶) فَإِذَا انشَقَّتِ السَّعَابُ
 فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ (۳۷) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۸)

والشجر يسجدان والسماء رفعها ووضع الميزان الا تطفوا في الميزان (پروردگار
 در این آیه مقابل دو نعمت آسمانی خورشید و ماه دو نعمت زمینی گیاه و درختان را ذکر
 کرد و آنها اصل و ماده ارزاق حیوانات می باشند گیاه و درختان هم بسجده اوسر بخاک
 اطاعت نهاده اند و آسمان را کاخی رفیع گردانید و میزان عدل و نظم را در عالم وضع فرمود
 و حکم کرد که ای بندگان هرگز در میزان عدل و احکام شرع من تعدی و نافرمانی
 نکنید محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود نجم رسول خدا است
 پروردگار در چند موضع از قرآن آنحضرت را نجم نامیده یکجا فرمود و النجم اذا
 هوی در جای دیگر فرمود و علامات و بالنجم هم یهتدون و شجر وجود مقدس
 امیرالمؤمنین است و ائمه طاهرین که بمقدار چشم بهم زدن خدا را معصیت نکردند
 و مراد از آسمان پیغمبر اکرم است خداوند او را بلند گردانید و میزان امیرالمؤمنین
 است منصوب نمود او را پروردگار برای خلایق بعد از رسول اکرم الا تطفوا فی المیزان
 یعنی معصیت و طغیان و نافرمانی نکنید درباره امام (واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا
 المیزان) یعنی از راه عدل و انصاف مطیع و فرمانبردار امام باشید و از او پیروی کنید
 و هرگز در حق امیرالمؤمنین و فرزندان او تعدی و ستم ننمائید (والارض وضعها للانام

هر که در آسمان و زمین است همه از او حوائج خود را میطلبند و در هر روز بشأن و کاری پردازد (۲۹) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۳۰) ای طایفه جن و انس بزودی بحساب کار شما خواهم پرداخت (۳۱) ای جن و انس کدام يك از نعمت های پروردگار را انکار میکنید؟ (۳۲) ای طایفه جن و انس اگر میتوانید در اطراف زمین و آسمانها بروید و از قبضه قدرت خداوند بیرون روید (محال است) هرگز از ملك و سلطنت خدا نتوانید خارج شد (۳۳) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۳۴) خدا بر سر شما شراره های آتش و مس گذاشته فرود آرد تا هیچ نصرت و نجاتی نیابید (۳۵) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۳۶) هنگامیکه آسمان شکافته شود مانند گل سرخ گون و چون روغن روان گردد (۳۷) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۳۸)

فيها فاكهة والنخل ذات الاكمام والحب ذو العصف والريحان) و زمین را با هزاران منفعت برای زندگانی خلق مقرر فرمود و در آن میوه های گوناگون خرمای با پوشش و برگ و شکوفه و غلات و حبوبات متنوع که دارای برگ و ریاحین است برای اذواق خلق برویانید (فبای آلاء ربکما تکذبان) این آیه در ظاهر خطاب بجن و انس است یعنی کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را انکار می کنید و در باطن خطاب بابو بکر و عمر است - در کافی از ابی بصیر روایت کرده گفت معنای آیه فوق را از حضرت صادق عليه السلام سؤال نمودم فرمود خداوند خطاب می کند بآن دو نفر بکدام يك از نعمت من بمحمد عليه السلام یا بعلی که به بندگان عطا نمودم تکذیب و انکار و کفران میکنید (خلق الانسان من صلصال كالفخار و خلق الجن من نار) انسان را خدا از گلی خشک و چسبیده مانند گل کوزه گران بدین حسن و زیبائی آفرید و جنیان را از زبانه آتش مختلف زرد و قرمز و سبز که در آن دودی نبوده خلق کرد چه مرج مخلوط شدن چیز است بچیز دیگر و جان را ابوالجان گویند چنانکه آدم را ابوالبشر نامند ابی بصیر از حضرت صادق عليه السلام سؤال نمود خبر دهید مرا از خلقت اجنه فرمود جان را خلق کرد از آتش سموم و آن آتشی است که نه حرارت دارد و نه دود و او را مارج

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ (۳۹) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۰) يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسَمِيِّهِمْ فَيَتَوَخَّذُونَ بِالْأَقْدَامِ (۴۱) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۲) هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ (۴۳) يَطُوفُونَ فِيهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ إِنِ (۴۴) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۵) وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ (۴۶) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۷) ذَوَاتَا أَفْنَانٍ (۴۸) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۴۹) فِيهَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ (۵۰) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۱) فِيهَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ (۵۲) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۳)

نامید و جفتش را از همان آتش آفرید و موسوم کرد اورا بمارجه باهم همبستر شدند فرزندی از آنها متولد شد بنام جن و از این فرزند قبایل و طوایف بسیاری بوجود آمد که یکی از آنها شیطان ملعون است و از برای جان و جن فرزندان پسر و دختر توأم آن متولد می شد تعداد آنها رسید بعدد سنگریزه های بیابان (رب المشرقین و رب المغربین فبای آلاء ربکما تکذبان) پروردگار دوشم شرق و دو مغرب است ای جن و انس کدام یک از نعمتهای خدای خود را انکار می کنید ؟ مفسرین برای تکرار آیه فبای آلاء ربکما تکذبان چند وجه ذکر کرده اند ولی تکرار برای اختلاف فوائد است چون نعمتهای مختلف را بیان کرد نزد هر نعمتی آیه را بجهت تنبیه و تذکر و توبیخ بیان و تکرار فرمود و این معنا شایع و متعارف است بین مردم و در اشعار عرب نظیرش بسیار است چنانکه یکی از ما بدیگری می گوید الم احسن الیک بان اعطیک الم احسن الیک بان خلصتک الم احسن الیک بان رفعتک الم احسن الیک بان خلعتک و در نعمتی که باو عطا کرده جمله الم احسن الیک را تکرار کرده مهلهل بن ربیعہ مرثیه ای در فوت برادر خود باین مضمون سروده :

در آن روز هیچ از گناه انس و جن نپرسند (۳۹) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۴۰) آنروز بدکاران از سیمایشان شناخته شوند پس آنها را بموی پشانی با پاهایشان بگیرند (۴۱) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۴۲) در آنروز گویند این همان دوزخست که بدکاران تکذیب آن میکردند (۴۳) اینك کافران میان آن دوزخ و در آتش سوزان آن میکردند (۴۴) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۴۵) هر کس از مقام قهر پروردگارش بترسد برای او دو باغ بهشت خواهد بود (۴۶) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۴۷) در آن دو باغ انواع گوناگون میوهها و نعمتها است (۴۸) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۴۹) در آن دو بهشت دو چشمه آب تسنیم و سلسبیل روانست (۵۰) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۵۱) در آن دو بهشت از هر میوه ای دونوع موجود است (۵۲) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۵۳)

علی ان لیس عدلا من کلیب
علی ان لیس عدلا من کلیب
علی ان لیس عدلا من کلیب
ولیلی اخیلیه در مرثیه توبه حمیری می گوید:

لنعم الفتی یا ترب کنت اذا لثقت
و نعم الفتی یا توب کنت ولم تکن
و نعم الفتی یا توب کنت بخائف
و نعم الفتی یا توب جار او صاحباً

صدور الا عالی و استسال الا ساقل
لتسبق يوماً کنت منه تخاذل
اتاک لکی تحمی و نعم المجاهل
و نعم الفتی یا توب حین تفاضل

در این ابیات جملات تکرار شده برای اختلاف احوال و معانی و وجه دیگر برای تاکید است • ابی بصیر ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مشرقین رسول خدا و امیر المؤمنین و مغربین امام حسن و امام حسین است (مرج البحرین یتقیان بینهما برزخ لایبغیان) دریای آب شور و گوارا را بهم در آمیخت تا مخلوط شدند و میان آن حائلی مقرر فرمود که با

مُتَكِينٍ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَاطِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَّا الْجَنَّتَيْنِ دَابَّ (۵۴)
 فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۵) فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ
 قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ (۵۶) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۷) كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ
 وَالْمَرْجَانُ (۵۸) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۵۹) هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا
 الْإِحْسَانُ (۶۰) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۱) وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ (۶۲)
 فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۶۳) مُدْهَأَ مَتَانِ (۶۴) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
 تُكَذِّبَانِ (۶۵) فِيهِمَا عَيْنَاتٍ نِضًّا خَاتِ (۶۶)

یکدیگر آمیخته نشوند چنانکه شیرینی آن دریا بواسطه شوری دریای دیگر تباہ
 و فاسد نگردد و لؤلؤ و مرجان از دریای شور بیرون آورند وقتی باران میبارد
 صدف سر از دریا بیرون میآورد و دهن باز میکند هر قطره باران که در دهن آن
 بیافتد مروارید میشود - طبرسی از ابن عباس روایت کرده گفت شنیدم پیغمبر اکرم
 ﷺ بحضرت فاطمه (ع) میفرمود اید دختر عزیزم بشوهرت علی دل خوش دار بخدا
 قسم علی سید و بزرگ مرد دنیا و آخرت است در این اثنا آیه فوق نازل شد فرمود
 ما دریای علم علی بن ابیطالب را با دریای حلم و عصمت فاطمه زهرا بهم در آمیخته
 و مخلوط نمودیم و از آنها لؤلؤ و مرجان یعنی حسن و حسین را بیرون آوردیم
 و جهة آنکه آن دو بزرگوار را بدریا تشبیه فرمود بخاطر توسعه فضل و بسیاری خیر
 و صفات حمیده آنها است چنانکه اسبی برای پیغمبر اکرم ﷺ هدیه آوردند
 فرمود این اسب را دریائی یافتم چه آن دارای اوصاف ستوده ای بود حضرت صادق
 ﷺ فرمود علی و فاطمه دو دریای عمیقی هستند که هیچکدام از آنها بدیگری
 ظلم و ستم ننمودند و بیرون آمد از ایشان حسن و حسین دو لؤلؤ و مرجان .
 تغلیبی که از علماء عامه است ذیل آیه فوق از سعید بن جبیر روایت کرده گفت

در آنها بهشتیان بر بسترهایی که از حریر و استبرق است تکیه کرده و میوه‌های درختانش در همان تکیه گاه در دسترس آنها است (۵۴) ای جن و انس کدام يك از نعمت‌های پروردگار را انکار میکنید؟ (۵۵) در آن بهشتها زنان زیبای با حیائیت که دست هیچک از انس و جن (پیش از شوهران) بآنها نرسیده است (۵۶) ای جن و انس کدام يك از نعمت‌های پروردگار را انکار میکنید؟ (۵۷) آن حوریان گویا در لطافت و صفا مانند یاقوت و مرجانند (۵۸) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید (۵۹) آیا پاداش نیکوئی و احسان جز نیکوئی و احسان است؟ (۶۰) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۶۱) مادون آن دو بهشت دو بهشت دیگر است (۶۲) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۶۳) درختان آن دو بهشت درمنتهای سبزی و خرمی است (۶۴) ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (۶۵) در آن بهشت دیگر هم دو چشمه آب می‌جوشد و زیر درختانش جاریست (۶۶)

پیغمبر فرمود علی و فاطمه دو دریای علم و حلم و نبوت هستند که خداوند از ایشان لؤلؤ و مرجان حسن و حسین را بیرون آورده و واسطه میان آنها من هستم . لطیفه اهل اشاره گفته اند این دو دریا یکی معرفت دل و دیگری معصیت نفس است و بین آنها رحمت و عصمت است تا معصیت نفس ستم و ظلم بر معرفت دل نکند خلاصه آنکه آیه کریمه یکی از معجزات باهره قرآن کریم در ۱۴ قرن پیش است که امروز در پرتو علم ثابت گردیده که در دریاها دو آب درجه مخالف یکدیگر حرکت مینمایند و خداوند کریم بواسطه حاجز و حائلی آنها را از خلط و مزج ممنوع فرموده است و در اصطلاح علماء کلف استریم نامیده شده است (وله الجوار المنشأت فی البحر کالاعلام) و اوراست کشتیهای بزرگ مانند کوه که در دریاها در گردشند ، ای جن و انس کدام يك از نعمتهای پروردگار را انکار میکنید؟ (کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذوالجلال و الاکرام) هر که در روی زمین است دستخوش مرگ و فنا است ، ابن عباس گفت چون آیه فوق نازل شد فرشتگان گفتند اهل زمین هلاک شدند پروردگار آیه و یبقی وجه ربك ذوالجلال و الاکرام را

قَبَائِیْ الْاَآءِ رَبُّکُمْ تُکَذِّبَانِ (۶۷) فِیْہَا فَاکِہَۃٌ وَتَغُلُّ وَرَمَانٌ (۶۸)
 قَبَائِیْ الْاَآءِ رَبُّکُمْ تُکَذِّبَانِ (۶۹) فِیْہِنَّ خِیْرَاتٌ حِسَابٍ (۷۰)
 قَبَائِیْ الْاَآءِ رَبُّکُمْ تُکَذِّبَانِ (۷۱) حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِی الْخِیَامِ (۷۲)
 قَبَائِیْ الْاَآءِ رَبُّکُمْ تُکَذِّبَانِ (۷۳) لَمْ یَطْمِثْہُنَّ اِنْسٌ قَبْلُہُمْ وَلَا جَانٌ (۷۴)
 قَبَائِیْ الْاَآءِ رَبُّکُمْ تُکَذِّبَانِ (۷۵) مُتَّکِنِیْنَ عَلٰی رُفْرَفٍ خُضْرِ وَعَبَقَرِیِّ
 حِسَابِ (۷۶) قَبَائِیْ الْاَآءِ رَبُّکُمْ تُکَذِّبَانِ (۷۷) تَبَارَکَ اسْمُ رَبِّکَ
 ذِی الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ (۷۸)

نازل نمود یعنی زندہ ابدی ذات خدای منعم با جلال و عظمت است فرشتگان دانستند
 خودشان ہم ہلاک خواهند شد ابن بابویہ ذیل آیہ فوق از عبدالسلام ہروی روایت
 کردہ گفت حضور حضرت رضا علیہ السلام عرض کردم چیست معنای روایتیکہ گفتہ اند
 ثواب گفتن کلمہ لا الہ الا اللہ نظر کردن بوجہ اللہ است فرمودای اباصات ہر کس
 وصف کند خدا را بوجہ ماتند و جودہ مردم او کافر است وجہ خدا پیغمبران و ججنتہای
 او میباشند کہ بوسیله ایشان مردم بخدا و دین و معرفت او توجہ پیدا می نمایند
 و حضرت امام زین العابدین فرمود ما ائمہ وجہ خدا هستیم مردم بوسیله ما باید
 متوجہ پروردگار شوند

(یسئلہ من فی السموات و الارض کل یوم ہو فی شأن) پروردگار در این
 آیہ بی نیازی از مخلوقات را بیان نموده و میفرماید ہر موجودیکہ در آسمانہا و
 زمین است از فرشتہ و آدمی و جن و سایر موجودات دیگر ہمہ حوائج خود را از
 او میطلبند و او ہر روز در شأن و کاری است ابن بابویہ ذیل آیہ فوق از حضرت
 رضا روایت کردہ فرمود از کار پروردگار آنست کہ روز زندہ میکند و میمیراند
 و روزی میدہد کم و زیاد میگرداند و درجات بندگان را و رفیع و یا خوار و

ای جن و انس کدام يك از نعمت‌های پروردگار را انکار میکنید؟ (۶۷)
 در آن بهشت نیز هر گونه میوه و خرما و انار بسیار است (۶۸) ای جن و انس کدام
 يك از نعمت‌های پروردگار را انکار میکنید (۶۹) در آن بهشتان زنان نیکو و با
 حسن و جمال بسیارند (۷۰) ای جن و انس کدام يك از نعمت‌های پروردگار را انکار
 میکنید؟ (۷۱) حوریانی که در سراپرده‌های خود پوشیده‌اند (۷۲)
 ای جن و انس کدام يك از نعمت‌های پروردگار را انکار میکنید؟ (۷۳)
 پیش از شوهران دست هیچ کس بدان زنان نرسیده است (۷۴) ای جن و انس کدام
 يك از نعمت‌های پروردگار را انکار میکنید؟ (۷۵) بهشتیان با حورالعین بر تخت
 و بساط زیبا تکیه زده‌اند (۷۶) ای جن و انس کدام يك از نعمت‌های پروردگار را
 انکار میکنید؟ (۷۷) بزرگوار و مبارک نام پروردگار تست که خداوند جلال
 و عزت و احسان و کرامت است (۷۸) - پایان ترجمه سورہ الرحمن

پست میکند (سفرغ لکم آیه الثقلان) ایضا - ای جن و انس بزودی بحساب کار
 شما خواهم پرداخت - محمد بن عباس ذیل آیه فوق از زرارہ روایت کرده گفت معنای
 آیه را از حضرت باقر علیه السلام سؤال نمودم فرمود ثقلین ما ائمه اهل بیت هستیم و
 کتاب خدا شاهد بر این فرمایش پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم است که فرمود انی نأرک
 فیکم الثقلین کتاب اللہ و عترتی اهل بیتی - من میان شما مردم دو چیز پر بها
 بامانت میگذارم یکی کتاب خدا و دیگری عترت و اهل بیت من است
 (یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لاتنقضون
 الا بسلطان) ایضا - ای جن و انس اگر میتوانید در اطراف زمین و آسمانها بروید و
 از قبضه قدرت خداوند بیرون روید و البته هر گز نمیتوانید بیرون بروید مگر با حجت
 علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود
 روز قیامت آسمان دنیا بر زمین احاطه نماید و آسمان دوم با آسمان دنیا و همچنین
 تا آسمان هفتم با آسمان ششم پس از آن منادی از طرف پروردگار ندا کند ای جن
 و انس اگر میتوانید بگریزید از اطراف آسمانها بیرون روید ولی هر گز نمیتوانید
 بیرون بروید مگر با حجت - راوی میگوید پس از این فرمایشات حضرت باقر علیه السلام

گریه کرد عرض کردم فدایت کردم ای فرزند رسول خدا در آن وقت پیغمبر و امیر المؤمنین کجا هستند فرمود آن بزرگواران بر منبری از نور نشسته اند تمام مردم خائف و ترسناک و محزون هستند جز پیغمبر و عترت او آنگاه تلاوت نمود آیه من جاء بالحسنة فله خير منها و هم من فزع يومئذ آمنون و فرمود ولایت امیر المؤمنین حسنه است - طبرسی از بعض مفسرین نقل نموده که آنها گفته اند معنای آیه آنست اگر بخواهید قدرت و توانائی پیدا کنید بر آنچه در آسمان و زمین است نمیتوانید مگر با حجت و بیان و از این آیه استفاده میشود چنانکه علم و دانش مخصوصی باشد میتواند بعالم بالا و آسمان و کرات دیگر برود (با اسباب و نیروی علم و دانش (یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس فلا تنصران) فرستاده شود بر سر شما شراره های آتش و مس گداخته و هیچ نصرت و نجاتی نخواهید یافت (فاذا انشقت السماء فكانت وردة كالدهان) و چون آسمان شکافته شود گلگون و مانند روغن آب شده روان گردد - یکروز پیغمبر اکرم ﷺ عبورش بجوانی افتاد که مشغول نماز بود گریه میکرد و آیه فوق را در نماز تلاوت مینمود و میگفت وای بر من از آنروز بکه آسمان شکافته شود رسول اکرم ﷺ فرمود ای جوان به آنخدائیکه جان من بدست قدرت او است که فرشتگان از گریه تو بگریستند (فیومئذ لا یسئل عن ذنبه انس ولا جان) ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت رضا ﷺ روایت کرده فرمود هر کس دارای ولایت امیر المؤمنین ﷺ باشد و از دشمنان ما ائمه بیزاری بجوید و حلال بداند حلال خدا را و حرام بداند حرام او را و گناهی مرتکب شود که در دنیا توبه نکند پروردگار او را در عالم برزخ بکیفر آن گناه عذاب مینماید روز قیامت وقتی از قبر بیرون آید گناهی بر او نباشد تا مورد پرسش و مجازات واقع گردد این حدیث را طبرسی نیز روایت کرده (يعرف المجرمون بسيماهم فيؤخذ بالنواصي و الاقدام) شیخ مفید در اختصاص ذیل آیه فوق از معویه بن عمار روایت کرده گفت حضرت صادق فرمود ای معویه مردم این آیه را چگونه تفسیر میکنند؟ عرض کردم میگویند خداوند میشناسد روز قیامت مردم را از سیمایشان فرمود دروغ میگویند آیا خداوندیکه مخلوقات را آفریده

محتاج است بر اینکه آنها را از سیمایشان بشناسد عرض کردم ای فرزند رسول خدا پس
 ممناى آیه چیست؟ فرمود زمانیکه قائم ما آل محمد عجل الله تعالی فرجه قیام کرد خداوند
 سیمای دشمنان ما را بایشان می شناساند پس امر میکند با آنحضرت که آنها را گرفته
 با شمشیر سرشان را از تن جدا کنند و این حدیث را نعمانی در کتاب غیبت و صفار
 در بصائر الدرجات روایت کرده اند (هذه جهنم التي يكذب بها المجرمون يطوفون
 بينها و بين حميم آن) روز قیامت به بدکاران گفته میشود این همان دوزخیست
 که تکذیب آن میکردید اینک کافران میان آن دوزخ و در حمیم سوزان آن
 بگردند ابن بابویه ذیل آیه فوق از عبدالسلام هروی روایت کرده گفت از حضرت
 رضا علیه السلام پرسیدم آیا بهشت و دوزخ خلق شده اند و موجود هستند فرمود بلی
 شبیکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بمعراج تشریف برد داخل بهشت شد و جهنم را از بالا
 مشاهده کرد گفتم جمعی از مردم میگویند هنوز بهشت و دوزخ آفریده نشده
 فرمود آنها از ما نیستند و ما هم از ایشان نیستیم هر کس خلقت بهشت و دوزخ
 را منکر شود خدا و رسول او را تکذیب کرده و از ولایت ما ائمه
 خارج شده است و مخلد در دوزخ باشد زیرا خداوند فرموده هذه جهنم التي يكذب
 بها المجرمون. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود شبیکه بمعراج رفتم جبرئیل دست مرا
 گرفته داخل بهشت نمود و از میوه آن بمن داد تناول کردم از آن میوه نطفه دخترم
 فاطمه منعقد شده وقتی بزمین فرود آمدم و با خدیجه هم بستر شدم فاطمه حامله
 شد و فاطمه حوراء انسیه است هر وقت مشتاق بوی بهشت میشوم آن بورا از دخترم
 فاطمه استشمام میکنم - در اختصاص از عبدالحمید روایت کرده که گفت در مسجد
 الحرام حضور حضرت صادق شریفاب شدم قرآنی بمن مرحمت کردند دیدم در آن
 قرآن آیه فوق بطریق ذیل نوشته شده: (هذه جهنم التي كذب بها تكذبان فاصليا
 فيها لا تموتان ولا تحيين) فرمود آیه خطاب با ولی و دومی است (و لمن خاف مقام
 ربه جنتان) و هر که از مقام قهر و کبریائی خدا بترسد برای او دو باغ در بهشت
 خواهد بود. در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود
 هر کس بداند که خداوند کردار و گفتار او را می بیند و می شنود و با اعمال خیر و
 شر او دانا است و در نتیجه اعمال قبیح خود را برای خاطر رضای خداوند ترك کند

آنکس از مقام پروردگار خود خائف است - ابن بابویه از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده که فرمود ام سلمه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سوآل نمود زنی بعد از شوهر اول خود که وفات نموده شوهر دیگری اختیار کرده پس از مرگ چون داخل بهشت میشوند آن زن بکدامیک از این دو شوهر تعلق دارد فرمود اختیار بدست آن زن میباشد و فرمود اختیار بکند هر کدام از آنها را که خلقش نیکوتر است ای ام سلمه حسن خلق مایه خیر دنیا و آخرت است (ذواتا افنان) در آن دو بهشت و انواع میوهها و نعمتهاست در آن بهشت دو چشمه آب تسنیم و سلسبیل روانست و از هر میوه ای دو نوع که یکی را در دنیا دیده و دیگری را ندیده موجود است (متکئین علی فرش بطائنها من استبرق و جنا الجنّین دان) بهشتیان بر بسترهایی که آستر آنها حریر و استبرق است در کمال عزت تکیه زده اند و میوه درختانش در همان تکیه گاه در دسترس آنها است و در آن بهشتها زنان زیبای با حیائیت که بچشم پرناز و غمزه جز بشوهر خود ننگرند و دست هیچیک از انس و جن پیش از آنها بآن زنان نرسیده است آن زنان حوریه در صفا و لطافت گویا یاقوت و مرجانند (هل جزاء الا حسن الا الاحسان) ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود جزای کسی که به نعمت توحید متنعم است غیر از بهشت چیزی نیست (ومن دونهما جنتان) پائین آن دو بهشت، خدا ترسان را دو بهشت دیگر است حضرت باقر علیه السلام فرمود چهار بهشت است دو بهشت برای خدا ترسان و آن اختصاص دارد به مؤمنین سابقین و دو بهشت دیگر که فضیلتش کمتر است که در قرب مخصوص اصحاب یمین می باشد و آن بهشت نعیم و بهشت مأوی است و در این چهار بهشت میوه های بسیار است بعدد پرک درختان و ستارگان و بر اطراف آنها دیواری است که بمسافت پانصد سال راه از طلا و نقره و یاقوت کشیده شده و ملاط آن مشک و زعفران است و نوری از آن می تابد که انسان صورت خود را در آن مشاهده مینماید و هشت در دارد (مدها مئتان) درختان آن بهشت در منتهای سبزی و خرمی در آن است دو چشمه آب گوارا میجوشد و زیر درختانش جاریست و در آن از هر گونه میوه خوشگوار و خرما و انار بسیار است (فیهن خیرات حسان) در آن بهشت زنان نیکو و با حسن و جمال بسیارند از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

روایت کرده اند کہ فرمود زنان بہشت دست ہر دست یکدیگر می بندند و باوازی کہ مثل آن شنیدہ نشدہ میگویند ما ہر گز خشم نکنیم و از این مکان بیرون نرویم ما آراستہ بہ خصال و جمال ہستیم برای شوہران کریم خود (حور مقصورات فی الخیام) در آن بہشت حورانی است کہ در سراپردہ های خود از چشم بیگانگان پنهانند و پیش از شوہران دست هیچکس از جن و انس بآن زنان نرسیدہ است پیغمبر اکرم ﷺ فرمود شبیکہ بہ معراج رفتہ مشاہدہ کردم در بہشت کنار نہرہا خیمہ ہائی زدہ اند از مرجان از آنجا صداهائی بلند شد السلام علیک یا رسول اللہ گفتہ ام ای جبرئیل اینان چہ اشخاصی ہستند گفت حورالعین میباشند از خدا اجازہ خواستند تا بر شما سلام کنند و می گفتند ما ہمیشہ زندہ ایم و ہر گز نمیمیریم و گرفتار عسرت نشویم و ہمبستران مردان کریم ہستیم (متکئین علی رفرف خضر و عبقری حسان) بہشتیان با حورالعین بر رفرف سبز و بساط زیبائی تکیہ زدہ اند ای طایفہ جن و انس کدامیک از نعمتہای خدایتان را انکار و تکذیب میکنید ؟ (تبارک اسم ربک ذی الجلال والا کرام) بزرگوار و مبارک نام پروردگار تو است ای انسان کہ صاحب جلال و عزت و احسان و کرامت است

در بصائر الدجات ذیل آیہ فوق از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود کہ ما جلال خدا و کرامت او ہستیم کہ پروردگار بہ بندگان خود در اثر فرمانبرداری و اطاعت از ما بآنها کرامت و عطا فرمودہ است .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱) لَيْسَ لَوْفَتِهَا كَازِبَةٌ (۲) خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ (۳)
 إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا (۴) وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا (۵) فَكَانَتْ هَبَاءً
 مُنْبَثًا (۶) وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (۷) فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۸)
 وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمِ (۹) وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ (۱۰)
 أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ (۱۱) فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (۱۲) ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ (۱۳)

سورة واقعه

سورة واقعه در مکه نازل شده بود شش آیه، و سیصد و هفتاد و هشت کلمه، هزار و هفتصد و سه حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره واقعه را در هر شب جمعه تلاوت کند خداوند او را دوست بدارد و محبوب مردم شود و در دنیا باو بدی نرسد و احتیاجی نداشته باشد و هیچ آفتی از آفات دنیا را نبیند و از رفقای امیر المؤمنین علیه السلام محسوب میشود و این سوره مخصوص آنحضرت است و کسی در آن شریک نیست و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده فرمود هر کس این سوره را تلاوت کند از غافلین محسوب نشود و اگر آن را بنویسند در منزل خود نهند خیر زیادی مشاهده کنند و هر که بر قرائت آن مداومت کند فقر از او بر طرف شود و توسعه مال

ترجمه سوره واقعه

بنام خداوند بخشنده مهربان

چون واقعه بزرگ قیامت بپا گردد (۱) و در وقوعش هیچ دروغ و شک نیست (۲) آنروز قومی را خوار و ذلیل کند و قوم دیگر را عزیز و بلند گرداند (۳) آنگاه که زمین بلرزه درآید (۴) و کوهها متلاشی و زیر و زبر شود (۵) و مانند ذرات گرد هوا پراکنده گردد (۶) در آنروز شما سه طایفه باشید: (۷) اصحاب دست راست ~~چقدر~~ چقدر حالشان نیکو است (۸) و اصحاب دست چپ چقدر روزگارشان بد است (۹) و کسانی که در ایمان بر همه پیشی گرفتند ^(۱۰) آنها مقربان در گاهند (۱۱) در بهشت های پر نعمت پیوسته متعینند (۱۲) جمع بسیاری از امت های پیشین (۱۳)

و زیادی حافظه نصیب او گردد. ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود: هر کس قرائت کند سوره واقعه را در هر شب پیش از خواب در حفظ خداوند باشد و ملاقات کند خدا را در حالتیکه صورت او مانند ماه شب چهارده است و فرمود در تلاوت سوره واقعه منفعت هایی است که قابل شماره نیست از آن جمله اگر بالین شخص محضر قرائت کنند روح آن به سهولت خارج شود و چنانکه بر میت بخوانند خداوند او را بیاورد

خلاصه مطالب سوره واقعه عبارت است از آنکه قیامت البته واقع میشود و دروغ نیست و مردم سه طایفه هستند اصحاب راست و اصحاب چپ و سابقون و بیان احوال آنها و دلایل بعث و نشو و حالات خلائق هنگام مرگ و خارج شدن از دنیا (قوله تعالی اذا وقعت الواقعة لیس لوقعتها کاذبه) هنگامیکه قیامت واقع گردد و در وقوعش هیچ ریب و کذب نیست آنروز قومی را بد و زخ فرو برد و خوار و ذلیل کند و طایفه ای را بدرجات بهشت سر بلند و رفیع گرداند. ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس پسندد نگردد بموعظه های خداوند خارج

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ (۱۴) عَلَى سُرُرٍ مَوْضُوئَةٍ (۱۵) مُتَكِينِينَ عَلَيْهَا
 مُتَقَابِلِينَ (۱۶) يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ (۱۷) بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ
 وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ (۱۸) لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزَفُونَ (۱۹) وَفَاكِهَةٍ
 مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ (۲۰) وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ (۲۱) وَحُورٌ عِينٌ (۲۲)
 كَأَمْثَالِ النُّجُومِ الْمَكْنُونِ (۲۳) جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴) لَا يَسْمَعُونَ
 فِيهَا لَهَوًا وَلَا تَأْنِيًا (۲۵) إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا (۲۶) وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ
 مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ (۲۷) فِي سِدْرٍ مَخْضُودٍ (۲۸) وَطَلْحٍ مَنضُودٍ (۲۹)

شود از دنیا با حسرت و پشیمانی سوگند بخدا نیست دنیا و آخرت مگر مانند دو
 کفه ترازو هر کدام که سنگین شود آن یکی سبک گردد سپس این آیات تلاوت فرمود
 (اذا رجت الارض رجاء و بست الجبال بسافكانت هباء منبها) آنگاه که زمین سخت بحرکت
 و لرزه در آید و کوهها از هم متلاشی شود و مانند ذرات گرد هوا پراکنده گردد (وکنتم
 ازواجاً ثلثة فاصحاب الميمنة ما اصحاب المشئمة ما اصحاب المشئمة
 والسابقون السابقون اولئك المقربون) در آن روز شما خلائق بسته طایفه مختلف شوید
 اصحاب دست راست و اصحاب دست چپ که مردمی شوم و اهل شقاوتند و کارشان درد و زخ
 سخت است و طایفه سوم آنهایی هستند که در ایمان بر همه پیشی گرفتند آنان
 بحقیقت مقربان در گاهند و در بهشت پر نعمت جاودانی متعینند . علی بن
 ابراهیم از حذیفه یمانی روایت کرده گفت در روز سیزدهم شهر صفر پیغمبر اکرم
 ﷺ امر فرمود به بلال قبل از رسیدن وقت نماز مردم را ندا کند چون صدای
 بلال بلند شد اهل مدینه ضجه و فریاد شدیدی نمودند ؛ گفتند هنوز رسول اکرم
 ﷺ وفات نکرده و از میان ما غایب نشده این چه وقت نماز است رسول خدا تشریف

و اندکی از مردم آخر زمان (۱۴) آنها در بهشت با عزت بر سریرهای
 زربافت مرصع تکیه زنند (۱۵) و با یاران رو بروی یکدیگر بر آن تخت‌های نشینند (۱۶)
 و پسران زیبا که حسن و جوانیشان همیشگی است در خدمت آنها دور میزنند (۱۷)
 با کوزه‌ها و مشرب‌ها و جام‌های پراز شراب ناب (۱۸) هر چه بتوشندنه درد سری
 یابند و نه مستی عقل ورنج خمار کشند (۱۹) و میوه‌ها از آنچه برگزینند (۲۰)
 و گوشت مرغ از آنچه بخواهند (۲۱) و زنان سیه چشم زیبا که در لطافت چون
 مروارید پوشیده شده، برای آنها مهیا است (۲۳) این پاداش اعمالی است که بهشتیان
 بجا آوردند (۲۴) در آن بهشت هیچ سخن لغوی نمیشنوند و یکدیگر گاهی
 نه بندند (۲۵) جز سلام و تحیت هیچ چیز نشنوند و نگویند (۲۶) و اصحاب راست چه
 خوش روزگاری دارند (۲۷) در سایه درختان سدر بی خار (۲۸) و درختان پر برگ
 و سایه دار (۲۹)

آورد بدرب سده مسجد حلقه در را گرفت و فرمود: ای مردم آیامیشنوید عرض کردند
 بلی ای رسول خدا مطیع فرمان بردار هستیم و ضمانت میکنیم فرمود خبر میدهم بشما که
 خداوند مردم را دو صنف آفرید اصحاب راست و اصحاب چپ مرا از اصحاب راست
 قرار داد و اصحاب راست را سه طایفه نمود اصحاب میمنه و مشئمه و سابقون من
 از سابقون و بهترین آنها میباشم و آنها را قبیل‌های متعددی قرار داد چنانکه فرمود
 و جعلنا کم شعوبا و قبائل و قبیل من بهترین قبیل‌ها است و قبیل را بیت‌هایی
 قرار داد و مرا از بهترین (خانواده) برگزید و فرمود: انما یرید الله لینهب
 عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا من بزرگترین فرزندان آدم و
 گرامی‌ترین شما هستم نزد خدایتعالی و فخری نیست برای من آگاه باشید مرا
 خداوند از میان سه نفر اهل بیت خود انتخاب نمود من و علی و جعفر دو فرزند
 ابیطالب و حمزه بن عبدالمطلب خوابیده بودیم در زمین ابطح و هر یک پیراهن
 خود را بصورت خود کشیده بودیم علی طرف راست من و جعفر طرف چپ و حمزه
 پائین پا قرار گرفته بودند بیدار شدم از خواب جبرئیل را با سه فرشته دیگر مشاهده

وِظَلِّ مَمْدُودٍ (۳۰) وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ (۳۱) وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ (۳۲) لَا
 مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ (۳۳) وَفُرْشٍ مَّرْفُوعَةٍ (۳۴) إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنِشَاءً (۳۵)
 فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا (۳۶) غُرُبًا أَتْرَابًا (۳۷) لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ (۳۸) ثُلَّةٌ مِنَ
 الْأَوَّلِينَ (۳۹) وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ (۴۰) وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ
 الشِّمَالِ (۴۱) فِي سُوءٍ وَحَمِيمٍ (۴۲) وَظَلٍّ مِنْ يَحْتُمِيمٍ (۴۳) لَا بَارِدٍ
 وَلَا كَرِيمٍ (۴۴) إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ «۴۵» وَكَانُوا
 يُصِرُّونَ عَلَى الْخَنَثِ الْعَظِيمِ «۴۶»

نمودم فرشتگان بجبرئیل گفتند بسوی کدام يك از اينها فرستاده شده ای گفت
 بسوی محمد و او بزرگ پیغمبران و علی بزرگ اوصیاء و جعفر از برای او دوابال
 سبز است که پرواز میکند در بهشت و حمزه سیدشهادا است
 (ثلة من الاولين وقليل من الاخيرين)

(علی سرر موضونه متکئین علیها متقابلین) جمع بسیاری از امم پیشین و
 اندکی از متأخرین در بهشت بعزت بر سریرهای زربافت مرصع تکیه زنند همه
 شادان با یاران و دوستان خود و بروی یکدیگر بر آن سریرها می نشینند - محمد بن عباس
 ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مراد باولین ؛ فرزند آدم
 است که برادرش او را بقتل رسانید و مؤمن آل فرعون و صاحب یس و مقصود از
 آخرین امیرالمؤمنین علیه السلام است (یطوف علیهم و لدان مخلصون با کوآب
 و اباریق و کأس من معین لا یصدعون عنها و لا ینزفون و فاکهه مما یتخیرون و
 لحم طیر مما یشتهون) و پسران زیبا که هرگز حسن و جوانی آنها از بین نرود
 گرد آنها بخدمت میگردند با کوزه های بلورین و مشربیه های زرین و جامه های پر
 از شراب ناب نه هرگز از نوشیدن آن درد سری یابند و نه مستی عقل و رنج خمار

در سایه بلند درختان (۳۰) و در طرف آبهای زلال (۳۱) و میوه‌های بسیار (۳۲) که هیچوقت قطع نشود و کسی از آنها منع نکند (۳۳) و زنان زیبا (۳۴) که آنها را مایا فریدیم (۳۵) آنان را برای همیشه با کره گردانیدیم (۳۶) شیفتگان شوهران جوان و همسال (۳۷) این نعمتهای بهشتی و یژه اصحاب راست است (۳۸) که جمعی از پیشینیان (۳۹) و جمعی از مردم آخر زمان هستند (۴۰) و اصحاب چپ چه قدر در شقاوتند (۴۱) آنها در عذاب باد سموم و آب گرم باشند (۴۲) و سایبان‌شان دود و آتش جهنم است (۴۳) هرگز بر آنها سرد نشود و نسیمی نوزد (۴۴) این کیفر برای آنست که در دنیا مغرور بودند (۴۵) و بر گناه اصرار میکردند (۴۶)

کشند و میوه خوش هر چه بر گزینند و گوشت مرغان و هر غذائی که هایل باشند - طبری ذیل آیه فوق از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از ولدان اطفال اهل دنیا هستند که نه آنها حسناتی دارند تا ثواب داده شوند و نه سیئاتی تا عقاب کنند ایشان را و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود اطفال کفار خادمین اهل بهشت میباشد در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود بهترین خورشید در دنیا و آخرت گوشت است پروردگار میفرماید و لحم طیر مما یشتون و حور عین کماثال اللوء اللوء (المکنون جزاء بما کانوا یعملون) و زنان سیه چشم که در زیبائی و لطافت چون مروارید و لؤلؤی پوشیده‌اند که هوا در آن اثر نکرده تا صفای لون و ضیاء آن را از بین ببرد برای آنها مهیا است این نعمتها پاداش عبادات و اعمالی است که در دنیا بجا آورده‌اند (لا یسمعون فیما لغوا و لا تا ثیما الا فیلا سلا ما سلا ما) در آن بهشت هیچ سخن لغو و بیهوده نشوند و نه بیکدیگر گناهی بر بندند و جز سلام و تحیت و احترام نگویند و نشنوند (و اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین فی سدر منضود و طلع منضود و ظل ممدود و ماء مسکوب و فاکهة کثیرة لا مقطوعة و لا ممنوعة و فرش مرفوعة) و اصحاب راست و یمین چه خوش روزگاری دارند در سایه درختان سدر پر میوه و بی خار و درختان پر برک و سایه دار و در سایه بلند درختان و در اطراف نهرهای زلال و میوه‌های بسیار که هیچوقت

وَكَاُنُوا يَقُولُونَ اِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا ؕ اِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾
 اَوْ اَبَاؤُنَا الْاَوَّلُونَ ﴿٤٨﴾ قُلْ اِنْ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجْمُوعُونَ
 اِلٰى مِيقَاتٍ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٥٠﴾ ثُمَّ اِنۡكُمْ اِلَّيْهَا لَصَّالُونَ اَلۡمُكۡذِبُونَ ﴿٥١﴾
 لَا كَلۡوَنَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقۡوَمٍ ﴿٥٢﴾ فَمَا لَوۡنَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَارِبُونَ
 عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَارِبُونَ شُرۡبَ الْهَلِيمِ ﴿٥٥﴾ هٰذَا نَزۡلُہُمۡ يَوْمَ
 الدِّينِ ﴿٥٦﴾ نَحۡنُ خَلَقۡنَاکُمۡ فَلَوۡلَا تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ اَفَرَاۤیۡتُمۡ
 مَا تُمۡنُونَ ﴿٥٨﴾ ؕ اَنۡتُمۡ تَخۡلُقُوۡنَہُ اَمۡ نَحۡنُ الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾

منقطع نشود و هیچکس بهشتیان را از آن میوه‌ها منع نکند و بسترهای پر بها گسترده شده و فراش (در این آیه کنایه از زنان است چه عرب‌زنان را فراش خوانند) و مرفوعه کمال حسن و زیبائی آنها است (انا انشاء ناهن انشاء فجعلناهن ابکارا عربا اترابا) مایا فریدیم آن زنان را نیکو خصال و آنها را برای همیشه دوشیزه و بکر گردانیدیم و شوهر دوست و باغنج و ناز و جوان و همسالان هم پیغمبر اکرم ﷺ فرمود: اهل بهشت چون وارد بهشت شوند جوان و سفید روی و جعد موی گردند (لاصحاب الیمین ثلثة من الاولین و ثلثة من الاخرین) این نعمتهای بهشتی مخصوص اصحاب یمین است. جمعی از پیشینیان و طایفه‌ای از این امت. در مجالس، از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده فرمود اگر یکی از زنان اهل بهشت در شب تاریک ظاهر شود نور او روشن‌تر از نور ماه شب چهارده است و عطر او تمام دنیا را فرا گیرد و اگر لباسی از لباسهای اهل بهشت را در دنیا حضور مردم باز کنند بیهوش میشوند چون بآن لباس نظر کنند دیده‌های آنها خیره شود و فرمود سو گند بآن خدائیکه قرآن را بمن نازل نمود اهل بهشت روز بروز جوانی آنها تازه‌تر گردد و حسن و جمالشان زیاده‌تر میشود بر عکس مردم دنیا که روز بروز پیرتر و فرتوت و شکسته

و میگفتند آیا ما چون مردیم و استخوانمان خاک شد باز هم زنده می شویم (۴۷) یا پدران گذشته ما زنده خواهند شد (۴۸) ای رسول ما بگو البتہ تمام خلق اولین و آخرین زنده میشوند (۴۹) و همه در وعده گاہ روز معین جمع میگردند (۵۰) آنگاہ شما ای گمراہان منکر قیامت (۵۱) از درخت زقوم دوزخ البتہ خواهید خورد (۵۲) و شکم ہارا از آن پرمی سازید (۵۳) و از آب گرم جہنم می آشامید (۵۴) بطریق کہ شتران تشنہ آب می آشامند (۵۵) این طعام و شراب ویرہ کافرانست در روز جزا (۵۶) ما خود شمارا آفریدیم پس چرا آفرینندہ خود را تضدیق نمیکنید (۵۷) آیا ندیدید کہ از اول شما نطفہ ای بودید (۵۸) آیا خود شما آن نطفہ را بصورت انسان آفریدید یا ما آفریدہ ایم ؟ (۵۹)

تر میشوند و فرمود ہر کس صلوات بر من بفرستد و بگوید صلی اللہ علی محمد و آل محمد خداوند بر او رحمت بفرستد و اگر بگوید صلی اللہ علی محمد و بر آل من صلوات بفرستد بوی بہشت بمشام او نرسد و حال آنکہ بوی بہشت از مسافت پانصد سار راہ است مشام میشود (و اصحاب الشمال ما اصحاب الشمال فی سموم و حمیم و ظل من یحموم لا بارد ولا کریم انہم کانوا قبل ذلک مترفین و کانوا یصرون علی الحنث العظیم) و اصحاب شمال در عذاب آتش سموم و آب گرم باشند و سایہ ای از دود آتش دوزخ کہ ہرگز سرد نشود و نہ خوش نسیم گردد، این عذاب برای آنستکہ پیش از این در دنیا بناز و نعمت پرداختند و از خدا غافل شدند و بر گناہ بزرگ خود کہ شرک است لجاجت و اصرار داشتند و میگفتند آیا چون ما بمیریم و استخوان ما خاک شود باز ہم دو بارہ ما زندہ می شویم یا آنکہ پدران گذشتہ ما زندہ خواهند شد ؟ (قل ان الاولین و الاخرین لمجموعون الی میقات یوم معلوم) خداوند بہ پیغمبر اکرم ﷺ خطاب نمودہ و میفرماید ای رسول ما در جواب این کفار کہ سوگند یاد کردند حشر و نشری نیست بگو البتہ تمام خلق اولین و آخرین پس از مرگ زندہ شدہ و ہمہ در وعده گاہ روز قیامت جمع خواهند شد آنگاہ شما ای گمراہان تکذیب کنندہ قیامت از درخت زقوم تلخ دوزخ خواهید

نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۶۰) عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ
 أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۱) وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ
 فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (۶۲) أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنَّا نَحْرُثُونَ (۶۳) أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ
 أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ (۶۴) لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (۶۵)
 إِنَّا لَكَاثِرُونَ (۶۶) بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۶۷) أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي
 تَشْرَبُونَ (۶۸) أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ (۶۹)
 لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَا أَجَابًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (۷۰)

خورد و شکم را از آن پر خواهید ساخت و از آب گرم دوزخ میآشامید چنانکه شتران تشنه آب می نوشند در کافی ذیل آیه / فشاربون شرب الهمیم از عثمان بن عیسی روایت کرده گفت مردی از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود بیک نفس آب آشامیدن چه صورت دارد ؟ فرمود لذتی است و باکی نیست لکن بهتر آنست که بسه نفس بیاشامند عرض کرد مردم میگویند اینگونه آشامیدن شرب همیم است فرمود دروغ میگویند شرب همیم آنستکه هنگام آشامیدن نام خدا را بزبان جاری نکنند (هذا نزلهم يوم الدين) این طعام و شراب کفار است در روز جزا و قیامت پس از آن آگاه میکند مردم را و میفرماید: (نحن خلقناکم فلولا تصدقون افرایتم ما تمنون ، انتم تخلقونه ام نحن الخالقون) ما شما را بدین خلقت زیبا آفریده ایم پس چرا آفریننده خود را تصدیق نمیکنید لطیفه بدانکه پروردگار هر گاه خبر دهد از نفس خود بلفظ جمع اشاره است بذات و صفات و اسماء خویش چنانکه میفرماید انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون و اگر خبر بدهد بلفظ مفرد مانند آنکه میفرماید انی انا الله رب العالمین اشاره است بذات مطلقا ولی اگر بنده خطاب کند به پروردگار خود باید خطاب بخویش بلفظ مفرد باشد مثل انت

مائیم کہ مرگ را بر همه خلق مقدر ساختیم و کسی بر قدرت ما پیشی نمیگیرد (۶۰) اگر بخواهیم شما را نابود کرده و مخلوقات دیگری مانند شما بیافرینیم و شما را بصورتیکه اکنون از آن بی خبرید برانگیزیم (۶۱) شما از ایجاد و پیدایش اولی خود آگاه شدید پس چرا پند نمیگیرید (۶۲) آیا آن تخمی را که در زمین میکارید دیده اید (۶۳) آن تخم را شما میرویانید یا ما میرویانیم (۶۴) اگر بخواهیم کشته شما را خشک و نابود سازیم آنگاه با حسرت و تعجب (۶۵) گوئید ما سخت در زیان و ضرر افتادیم (۶۶) بلکه از روزی خود بکلی محروم شدیم (۶۷) آیا آبی را که مینوشید متوجه اید (۶۸) آیا شما آن آب را از ابر فرو میریزید یا ما فرو دمیا و ریزیم (۶۹) اگر میخواستیم آن آب را تلخ می گردانیدیم پس چرا سپاس گذاری نمی کنید (۷۰)

یا رب نه انتم چه لفظ جمع موهم شرك و منافی توحید است ولذا گفته میشود اشهد ان لا اله الا الله تا بخصوص حضرتش گواهی بدهد آیا نمی بینید این آب منی را که شما در رحمهای این زنان میریزید آیا شما خود آن نطفه بیجان را بصورت فرزند انسان میآفرینید یا ما آنرا بیافرینیم؟ ما مرگ را بر همه خلق مقدر ساخته ایم و هیچکس نمیتواند بر قدرت ما پیشی بگیرد اگر بخواهیم شما را دفعتاً نابود کرده و مخلوق دیگری مانند شما خلق می کنیم با صورت و خلقتی که شما ندانید و اکنون از آن بی خبرید (و لقد علمتم النشأة الاولى افلولا تذکرون افرایتم ما تحرثون انتم تزرعونه ام نحن الزارعون) شما از نشأة اول خود آگاه شدید و دانستید که ما شما را از عدم بوجود آورده ایم پس چرا اندیشه نمیکنید و متذکر نمیشوید آیا نمی بینید تخمی را که در زمین می افشانید آیا شما آنرا می رویانید یا اینکه ما آنرا از زمین خارج کرده سرسبز می نمائیم. اگر ما بخواهیم کشت و زرع شما را خشک و تباه میسازیم تا آنگاه با حسرت و ندامت بسخنان بیهوده میپردازید و میگوئید ما سخت در زیان و غرامت افتادیم بلکه از روزی خود بکلی محروم شدیم - در کافی ذیل آیه و لقد علمتم . . . از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که فرمود عجب دارم از بعض مردم که منکر مرگ هستند و حال آنکه در هر شب و روز می بینند مردم

أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ (۷۱) ؕ أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ
 الْمُنشِئُونَ (۷۲) نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ (۷۳) فَسَبِّحْ
 بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۷۴) فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (۷۵) وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ
 لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (۷۶) إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (۷۷) فِي كِتَابٍ
 مَكْنُونٍ (۷۸) لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْأَمْطَرُونَ (۷۹) تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ (۸۰) أَفَبِعِذَةِ الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُذْهِبُونَ (۸۱) وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ
 أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ (۸۲) فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ (۸۳)

میمیرند و عجب است از کسانی که نشاء آخرت را انکار می نمایند در حالی که نشاء
 اول را مشاهده نمودند و از حضرت صادق علیه السلام ذیل آیه ؕ انتم تزرعونہ . . روایت
 شده که فرمود هر وقت خواستید زراعت کنید و تخم بپاشانید یکمشت از تخم
 را بدست گرفته و سه مرتبه این آیه را بخوانید و در هر مرتبه بگوئید : خداوند
 زارع است پروردگار این دانه ها را بنام مقدست می افشانیم یا آنها را کت مرحمت فرما
 و ما را از محصولش بهره مند ساز . آنگاه تخم ها را بر زمین بپاشانید

انس بن مالک گفت روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بزمین های انصار عبور
 می کرد فرمود . چرا زمینها را کشت و زرع ننموده اید عرض کردند خشکسال
 است و مدتی باران نباریده فرمود چه شده است شما را که تعقل نمیکنید پروردگار
 میفرماید زارع من هستم اگر بخواهم با آب زراعت میکنم یا بدون آب و اگر بخواهم
 بایاد بندر افشانی می نمایم سپس آیه را تلاوت نمود و فرمود باران در تمام سال
 به يك مقدار می بارد ولی چون قومی معصیت کنند خداوند باران آنها را بسرزمین
 دیگر فرود آورد و اگر تمام مردم عصیان کنند باران بکوه و دشت و دریاها ببارد
 و آن قوم از فیض رحمت باران محروم گردند .

آیا آتشی را کہ روشن میکنید مینگرید (۷۱) آیا شما درخت آنرا آفریدید یا ما آفریدیم (۷۲) ما آن آتش را مایه پند مسافران کوه و بیابان گردانیدیم تا بکار برند (۷۳) پس ای رسول ما بنام بزرگ خدای خود تسبیح گو (۷۴) سو کند یاد نمیکنم باوقات نزولستارگان (۷۵) و این سو کند اگر بدانید بسیار سو کند بزرگی است (۷۶) این قرآن بسیار بزرگوار است (۷۷) در لوح محفوظ سَرحق (۷۸) کہ جز پاکن دست کسی بدان نرسد (۷۹) این قرآن فرود آمده از نزد پروردگار عالم (۸۰) ای کافران آیا با این سخن باز انکار میکنید (۸۱) و قرار داده روزی شمارا و شما بهره خود را تکذیب میکنید (۸۲) پس چگونه خواهد بود هنگامی کہ جانشان بگلو رسد (۸۳)

(اقرایتم الماء الذی تشربون، انتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون لو نشاء جعلناه اجافا فلولاً تشکرون) هیچ توجه کرده اید بآبی کہ هر روز میآشامید آیا شما آنرا از ابر فرو فرستادید یا ما نازل کننده آن هستیم اگر میخواستیم آن آب را بجای آنکہ خوشگوار کرده ایم شور و تلخ میگردانیدیم چرا شکر این نعمت بزرگ را نمیکنید.

(اقرایتم النار الّتی تورون انتم انشاءتم شجرتها ام نحن المنشئون نحن جعلناها تذکرة و متاعاً للمقویین) آیا بآتش، کہ برای حوائج خود روشن میکنید توجه کرده اید آیا شما درخت آن را بوجود آورده اید یا ما ایجاد کننده آن میباشیم - ما آن آتش را مایه عبرت مسافران کوه و بیابان عالم ساختیم تا برای نجات از سرما و روشنی و پختن غذا از آن استفاده کند (فسبیح باسم ربک العظیم) - پس ای رسول ما خود و امت بنام خدای بزرگ تسبیح گوی اگر مردم غافلند تو متذکر نعمتهای حق باش (فلا اقسم بمواقع النجوم وانه لقسم لو تعلمون عظیم انه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لا یمسه الا المطہرون تنزیل من رب العالمین) سو کند بآیات کریمه قرآن کہ بر رسول اکرم در مواقع گوناگون فروه آمد و اگر بفهمید این سو کندی است بسیار بزرگ این قرآن بسیار عزیز و گرامی و سودمند است در لوح محفوظ

وَأَنْتُمْ حِفْظٌ تَنْظُرُونَ (۸۴) وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ (۸۵) فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ (۸۶) تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۸۷) فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۸۸) فَرَوْحٌ وَ رِيحَانٌ وَجِئَتْ نَجْمٌ (۸۹) وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۰) فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۱) وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ (۹۲) فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ (۹۳) وَتَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ (۹۴) إِنْ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (۹۵) فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۹۶)

که جز دست پاکان و پا کدلان بآن نرسد و این کتاب بزرگ از پیشگاه پروردگار جهانیان فرستاده شده ای کافران آیا بالین وصف بازقرآن را انکار می نمائید و راه نفاق می گیرید (و تجعلون رزقکم انکم تکذبون) آیا بجای استفاده از حقایق قرآن تنها بهره خود را تکذیب قرار میدهید؟ و در عوض آنکه از این کتاب مبارک پند و عبرت بگیرید آنرا تکذیب مینمائید علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از عبدالرحمن سلمی روایت کرده که شنیدم امیر المؤمنین علیه السلام آیه را بطریق زیر تلاوت می نمود: و تجعلون شکر کم انکم تکذبون و بعد فرمود میدانم که مردم میگویند چرا باین طریق قرائت کردید رسول خدا باین نحو تلاوت فرمود و بمن نیز دستور داده باین روش بخوانم (فلولا اذا بلغت الحلقوم و انتم حیفئذ تنظرون و نحن اقرب الیه منکم و لکن لا تبصرون چگونه است حال این کافران که قرآن را تکذیب میکنند و وقتی که جانشان بگلو رسد و شما وقت مرگ بالین محتضر حاضرید و مینگرید و ما با او از شما نزدیکتریم لکن شما معرفت و بصیرت ندارید - این قسمت متعلق بآیه قبل است سبب نزول آیه آن بود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بسفری تشریف برده بود جمعی حضورش رسیدند و عرض کردند ای رسول خدا تشنگی بر ما غلبه نموده و بکمال شدت رسیده است دعا کنید باران

و شما هنگام مرگ بر بالین آن محتضر حاضرید و می نگرید (۸۴) و ما باو از شما نزدیکتریم و لکن نمی بینید (۸۵) اگر چنانست که شما میگوئید خدا آفریننده نیست (۸۶) پس روح را دوباره پبدن مرده باز گردانید اگر راست میگوئید (۸۷) اگر مرده از مقربان درگاه خدا است (۸۸) در آسایش و نعمت بهشت جاودانی است (۸۹) و اگر از اصحاب دست راست است (۹۰) او را بشارت بدهید که تو را سلامتی است از یاران دست راست (۹۱) و اما اگر از تکذیب کنندگان و گمراهانست (۹۲) نصیبش آب جوش جهنم (۹۳) و جایگاهش آتش دوزخ است (۹۴) این وعدهها البته یقین و حق است (۹۵) ای رسول ما تو بنام بزرگ خدای خود تسبیح بگو و همیشه بیاد خدا باش (۹۶)

ببارد فرمود اگر من دعا کنم و خدای تعالی باران فرستد نمیگوئید که طلوع فلان ستاره یا سقوط ستاره موجب نزول باران شد عرض کردند ای رسول خدا این زمان موقع آن نیست که این سخنان را بگوئیم پیغمبر دعا کرد باران شدیدی بارید آنحضرت عبور کرد دید مردی ظرف خود را از آب باران پر کرده و میگوید این باران از اثر طلوع فلان ستاره است پیغمبر فرمود من میدانستم که بعضی از شما این سخنان را خواهید گفت آیه فوق نازل شد و فرمود شما حظ و نصیب خود را تکذیب کردید و نگفتید این باران را خدا بر رحمت خود نازل کرده بلکه گفتید فلان ستاره سبب نزول باران شده است - و شرف الدین از اهل بیت عصمت و طهارت روایت کرده که فرمودند تاویل آیه آنست ای مردم نعمت ولایت آل محمد را که خداوند بشما عطا نموده تکذیب کردید پس چگونه خواهید بود هنگامیکه جان بگلویتان برسد و چشم شما به جمال مقدس امیر المؤمنین علی بیفتد و به بیند که بدوستان خود بشارت بهشت و بدشمنانش وعده دوزخ میدهد پروردگار نزدیکتر است بآنحضرت از شما مردم ولی شما در حق امیر المؤمنین معرفت ندارید، بمقام و منزلت ایشان بصیر و آگاه نیستید و چنانکه شایسته است آن بزرگوار را نمی شناسید در کافی ذیل آیه فلولا اذا بلغت الحلقوم از حضرت صادق روایت کرده که فرمود و وقتی که جان محتضر بگلو میرسد مکان خودش را در بهشت یا دوزخ مشاهده میکند و میگوید

مرا بسوی دنیا برگردانید تا باهل و عیالم خسر جایگاه خود را بدهم میگویند
 هیئات ممکن نیست (فلولا ان کنتم غیر مدینین ترجعونها ان کنتم صادقین) اگر
 کار بدست شما و طبیعت است و خالق و کیفر دهنده ای نیست پس روح را دو باره
 ببدن مرده باز گردانید اگر راست میگوئید (فاما ان کان من المقربین فروح و
 ریحان و جنت النعیم) اهل قیامت را بسطه طبقه تقسیم نموده و میفرماید اگر آنکه بمیرد
 از مقربان در گاه خدا است آنجا در آسایش و نعمت و بهشت ابدی است و اگر
 از اصحاب یمین است پس او را بشارت دهید باین معنی و سلامت گوئید در امالی ذیل آیه
 فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود رسول اکرم صلی الله علیه و آله با امیر المؤمنین
علیه السلام فرمود تو آنکسی هستی که خداوند در ابتداء آفرینش و عالم مذر بر مخلوقاتش
 حجت آورد و فرمود بآنها (الست بربکم) آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند بلی
 آیا محمد رسول من نیست؟ عرض کردند بلی فرمود آیا علی امیر المؤمنین نیست؟ آنها
 تکبیر کرده طغیان و نمودند از ولایت تو مکراند گوی که اقرار کردند و آنها اصحاب
 یمین هستند ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود این دو آیه در
 حق اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و دوستان آنها نازل شده و آیه بعد در باره دشمنان ما
 ائمه فرود آمده روح و ریحان در قبر است و جنت نعیم در آخرت میباشد (و اما
 ان کان من الکاذبین الضالین فنزل من حمیم) حمیم در قبر دشمنان است و تصلیه
 جحیم در عالم آخرت آنها باشد یعنی اگر آنکه مرده از منکران امیر المؤمنین
علیه السلام و دشمنان اهل بیت و گمراهان است نصیبش در قبر آتش و جایگاهش در آخرت
 دوزخ است و این وعده ها البته یقین و حق و حقیقت است (فسبح باسم ربك العظيم)
 ای رسول بنام پروردگارت که او عظیم و بزرگوار است تسبیح بگو و چون این
 آیه نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد آن را ذکر رکوع قرار دهند یعنی در
 رکوع بگویند سبحان ربی العظیم و بحمده و آیه سبح اسم ربك الاعلی که نازل شد
 امر فرمود آن را ذکر سجود قرار دهند و بگویند سبحان ربی الاعلی و بحمده

پس از این سوره هائی است که اول آنها تسبیح است .

پایان سوره واقعه

سورۂ حديد



مرکز تحقیقات کمپیوٹر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱) لَهُ مُلْكُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُخَيِّبُ وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲) هُوَ
الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۳) هُوَ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا
يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَيَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَرْجُ فِيهَا وَهُوَ
مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۴)

(سورہ حدید)

سورہ حدید در مدینہ نازل شدہ ، بیست و نہ آیہ ، پانصد و چہل و چہار کلمہ
دو ہزار و چہار صد و ہفتاد و شش حرف است . خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویہ
از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ کہ فرمود ہر کس سورہ حدید و مجادلہ رادر
نمازہای خود قرائت نماید خداوند او را ہر گز عذاب نمی کند تا بمیرد و هیچ بدی
در نفس و مال و اہل بیت او نرسد . طبرسی از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ کہ
فرمود ہر کس ہر شب تمام سورہ ہای سبوح اللہ را پیش از خواب قرائت کند از
دنیا نہ رود مگر آنکہ درک کفہ حضور حضرت قائم علیہ السلام را وا گر بمیرد در جوار
پیغمبر خدا باشد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ کہ فرمود
ہر کس این سورہ را تلاوت کند بر خدا لازم است کہ او را از عذاب خود ایمن
داشته و در بہشت متنعم گرداند و اگر شخص مجبوس بر قرائت این سورہ مداومت
کند خداوند او را خلاص گرداند و اگر کسی این سورہ را نوشتہ و ہمراہ خود در
جنگ نگاہ دارد تیر و شمشیر باو اصابت نکند و در کارزار قوی دل باشد و اگر بہ

ترجمہ سورة حدید

بنام خداوند بخشنده مهربان

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خداوند مشغولند و او است پروردگار مقتدر و قاهر (۱) آنخدائی که آسمانها و زمین ملک او است و خلق را زنده می کند و می میراند و بر هر چیز قادر است (۲) اول هر چیز و آخر هر چیز و او است ظاهر و باطن، پنهان و آشکار و همه امور عالم داناست (۳) آنخدائی است که آسمانها و زمین را درش روز بیافرید پس از آن بتدبیر عرش پرداخت هر چه در زمین فرو رود و آنچه بر آید و هر چیزی که از آن فرود آید و بالا رود همه را می داند و هر کجا باشید او با شما است و با آنچه کنید خدا آگاه است (۴)

بدنش فرورفته بر آن بخواند بدون دره بیرون آید .

خلاصه مطالب سورة حدید عبارت است از تنزیه ذات اقدس پروردگار و اقرار بوحدانیت او و ترغیب بر طاعت و فرمانبرداری از او امر حق و سبقت در خیرات، و بخشی از داستان حضرت نوح و ابراهیم قواله تعالی (سبح لله ما فی السموات والارض وهو العزيز الحكيم له ملك السموات والارض یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدير) هر چه در آسمانها و زمین است تسبیح کردند خدای مقتدر و عزیز و توانا را . تسبیح عقلا عبارت است از تنزیه و تقدیس ذات پروردگار از هر گونه صفات نقص و آنچه لایق شأن خدای جل و جلاله نیست قولا و اعتقاداً و لفظاً و معنأ و تسبیح غیر عقلا و جمادات عبارت از آفرینش و هستی آنها است که دلیل است بر آنکه آنها را خالق پدید آورده که مستحق ستایش و تنزیه است یعنی افعال پروردگار و آفرینش او ذی روح و غیر ذی روح را در آسمان و زمین دلالت میکند که آنها را صانع و فاعلی بوجود آورده که مستحق ستایش و پرستش است و چون در آنها نگرند علم و اعتقاد پیدا کنند بخالق و صانعی و چون حامل تنزیه و تسبیح هستند بمنزله آنست که خود آنها تسبیح و سجده میکنند چنانکه در سورة اسری آیه ۴۷ مقرر مودند و ان من شیء الا یشبح بحمده ولكن لا یفقهون تسبیحهم و هیچ چیزی

لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ (۵) يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۶) آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُولِهِ وَ أَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ أَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (۷) وَ مَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۸) هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ إِنْ اللَّهُ بِكُمْ لَرؤُفٌ رَحِيمٌ (۹)

نیست مگر آنکه بذكر و تقدیس و تنزیه خدای تعالی اشتغال دارد ولی تسبیح موجودات را مردم نمی فهمند و موجودات عموماً از جهت خلقت پروردگار را تسبیح میکنند چه هر موجودی حادث و هر حادثی بصانع قدیم بی نیازی که او را لباس هستی ببوشد محتاج است و این توجه و احتیاج تسبیح او باشد پادشاهی و ملک آسمانها و زمین مخصوص او است خدا مردگان را برای حساب زنده نموده و میمیراند زندگان را در دنیا، و بر همه چیز قادر و توانا است قدرت دارد بر معدومات بایجاد و آفرینش آنها و بر موجودات بتغییر و فنا و نیستی ایشان و بر افعال بندگان و مقدرات آنها بسلب قدرت آنان (هو الاول والاخر و الظاهر و الباطن و هو بکل شیئی علیم) آن خدا اولی است بی ابتداء، و آخری است بی انتهاء، و غالب و قاهر است بر تمام موجودات و از حواس دور است هیچ حاسه ای از حواس او را درک نکند و دانا است با سرار نهانی - در کافی ذیل آیه فوق از ابن ابی یعفور روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام معنای آیه را سؤال نموده و عرض کردم معنای اول را میدانم تمنی دارم آخر را تفسیر بفرمائید فرمود بدان، چیزی نیست در عالم مگر آنکه کهنه می شود و تغیر و تبدیل پیدا میکند و دستخوش زوال شده از حالی بحالت

پادشاهی آسمان و زمین متعلق او است و باز گشت کارها بسوی او است (۵) شب را در روز نپان کند و روز را در شب پنهان سازد و او است که باسرار مددنی خلق آگاهست (۶) بخدا و رسول او ایمان آورید و از آنچه شما را وارث گذشتگان گردانیده است اتفاق کنید، زیرا کسانی که ایمان آورده اند و اتفاق می کنند پادشاه بزرگ خواهند داشت (۷) چه شده است که بخدا و رسولش ایمان نمی آورید و حال آنکه رسول حق شما را براه ایمان دعوت می کند و خدا هم از شما در عالم ذر پیمان گرفته است اگر باوردارید (۸) او است خدائی که بر بنده خود محمد ﷺ آیات قرآن را نازل کرد تا شما بندگان را از تاریکی چهل و گمراهی بیرون آورد و بنور دانش و ایمان رهبری کند خداوند بسیار نسبت شما مهربان است (۹)

دیگر و از رنگ و هیئتی بهیئت دیگر بر میگردد و از زیادی بنقصان و از نقصان بزیادی و از صفتی بصفت دیگر مبدل گردد ولی پروردگار جهانیان همیشه بیک حالت بوده و هست اول و پیش از هر چیزی او است و آخر و بعد از هر موجودی او است و زوال ندارد و مختلف نشود بر او صفات و اسماء چنانکه غیر او اختلاف پیدا میکند مانند انسان و سایر موجودات دیگر چه انسان از اول خاک بوده بعد از آن نطفه شده سپس خون بسته گشته بعد گوشت و استخوان و انسان کامل گردیده پس از آن می میرد و مجدداً خاک می شود و چنانکه خرما از اول بسر بود بعد رطب شده سپس تمر می شود و اسماء مختلف بر آن اطلاق میگردد پس اسماء و صفات اشیاء و موجودات تغییر و تبدیل پیدا میکند ولی هر گز اسماء و صفات خدای تعالی تغییر پذیر نیست. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمود ظاهر بودن خدای تعالی از جهة آنکه فوق موجودات تکیه نموده و بر آنها قرار گرفته نیست بلکه از جهت آنست که مقهور نموده اشیاء را و بر آنها غلبه و قدرت دارد چنانکه کسی می گوید ظهیر علی اعدائی یعنی غالب شدم بر دشمنان خود و دیگر جهة آنست که مدبر تمام موجودات است پس کدام ظاهر، واضح و هویداتر از خداست. صنعت و آثار او را بطور کامل در موجودات بهر طرف که توجه نمائی مشاهده میکنی و در وجود خود آنقدر آثار صنع الهی

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلْ أُولَئِكَ أَكْثَرُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتِلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۰) مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (۱۱) يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَايُكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

نہادہ شدہ کہہ تورا ازغیرخود بی نیاز گرداند۔ و ظاہر نسیت بما چیز نیست کہ بنفسہ هویدا است و بجده آشکاراست و ما ازجہت اسم، با خداوند مشترک ہستیم نہ ازجہت معنی چنانکہ بیان شد و اما باطن نیست ازجہت آنکہ بطون اشیاء است بلکہ مراد از باطن، علم و حفظ و تدبیر اوست باشیاء چنانکہ کسی میگوید ابطنت یعنی دانستم سرمکتوم و پوشیدہ او را و اطلاع بر او پیدا کردم و باطن نسبت بما چیز پنهانی و مستور است و اطلاق باطن بما باین معنی است۔ پس با خدا در اطلاق باطن اشتراک در لفظ داریم نہ در معنی و این دو حدیث را ابن بابویہ نیز روایت کردہ است :

محمد بن عباس از جابر انصاری روایت کردہ گفت عمار را در یکی از کوچہ های مدینہ ملاقات نمودم پرسیدم پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم کجاست جواب داد باجمعی از اصحاب در مسجد می باشند بہ مسجد رفتہ بحضورش شرفیاب شدم در آن اثناء علی ابن ابیطالب علیہ السلام نیز تشریف آورد پیغمبر از جای خود با احترام آنحضرت بلند شد و میان دیدہ های او را بوسید و پہلوی خود نشانید پس از آن فرمود یا علی از جابر خیز و باخورشید تکلم کن پاسخ تورا خواہد داد آنحضرت بخورشید خطاب

چرا در راه خدا اتفاق نمی‌کنید و حال آنکه وارث تمام اهل آسمانها و زمین خدا است مسلماً نانی که پیش از فتح مکه در راه خدا اتفاق و جہاد کردند با آنہائی کہ نکردند یکسان نیستند آنہا اجر و مقامشان بزرگتر است از کسانی کہ بعد از فتح و قدرت اسلام اتفاق و جہاد کردند خداوند بہمہ وعدہ نیکو و پاداش دادہ و او بہرچہ کنید آگاہست (۱۰) کیست کہ بخدا قرض نیکو دہد تا خداوند پاداش او را چندین برابر گرداند و جزای نیک باو عطا فرماید (۱۱) ایرسول ما بیادآور روزیرا کہ مردان و زنان مؤمن نور ایمانشان پیش رو و سمت راست آنہا بشتابد و مژدہ دہد آنرا بہ بہشتی کہ زیر درختانش نہرہای آب جاریست و در آن جاودان خواهند بود، این است رستگاری و فیروزی بزرگ (۱۲)

کرد و فرمود ای مخلوق با عظمت خدا چگونه صبح کردی عرض کرد بخیر و خوشی ای اول وای آخر وای ظاہر وای باطن وای کسیکہ ہرچیزی توانائی داری و باسرار نہانی جہانیان آگاہ ہستی ای برادر و وصی پیغمبر آخر زمان ، تمام مردم از این جواب خورشید مضطرب و حیران گشتند حضور پیغمبر مراجعت نمودہ داستان پاسخ خورشید را بامیر المؤمنین علیہ السلام بسمع مبارک پیغمبر رساندند و عرض کردند چگونه است کہ خورشید علی را باین اوصاف الہی خطاب نمود ؟ ! پیغمبر فرمود مراد باول آنست کہ علی علیہ السلام اول کسی است کہ بخدا ایمان آوردہ و منظور از آخرین کسی است کہ مرا روی تختہ مغتسل مشاہدہ می کنند و اولین وصی پیغمبر آخر زمان است و بعد از من دیگر پیغمبری نیست و مراد بظاہر آنست کہ او بر مخزون سر خداوند و من آگاہ باشد و مقصود از باطن بطون علم من باشد و اما علم خداوند : نازل نکردہ است علمی از حلال و حرام و واجب و مستحب و تنزیل و تأویل و محکم و متشابہ و مشکک را مگر آنکہ علی بہمہ آنہا داناست و اگر ترس آن نبود کہ طایفہ ای در حق او می گفتند آنچہ را کہ نصارا در حق عیسی گفتہ اند ، در بارہ علی منقبتی می گفتیم کہ عبور نمی کرد از جائی مگر آنکہ مردم خاک زیر قدم او را بر میداشتند و از آن طلب شفا می نمودند .

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ
نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ
بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ (۱۳) يُنَادُوهُمْ أَلَمْ
نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ
وَعَرَّيْتُمْ الْأُمَانِيَّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ (۱۴) قَالَ يَوْمَ
لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوِيَكُمْ النَّارُ هِيَ
مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۵)

(هو الذى خلق السموات والارض فى ستقايام) تفسیر این آیات را بیان نمودیم.
(آمنوا بالله ورسوله و انفقوا مما جعلكم مستخلفين فيه فالذين آمنوا منكم
وانفقوا لهم اجر كبير) در این آیه بمردم خطاب می کند و میفرماید ای خردمندان
خدا را تصدیق کنید و اقرار و اعتراف نمائید بیگانگی او با خلوص او را عبادت کنید و
تصدیق کنید رسولش را و اعتراف نمائید بنبوت او و در راه خدا از مال و ثروتیکه
از دیگران و گذشتگان بارث بشمارسیده انفاق کنید در این آیه خداوند بندگان
خود را آگاه می کند باینکه اموال و ثروتیکه در تصرف آنها است بارث بدیگران
خواهد رسید چنانکه از گذشتگان بایشان رسیده است و آنها را ترغیب و تحریص
می فرماید که حظ و نصیب خود را از آن اموال پیش از آنکه بارث منتقل بدیگران
شود استیفاء کنید آنگاه پاداش آنان را که در راه خدا انفاق کنند بیان می -
فرماید: کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق نمایند اجر و پاداش بزرگی
خواهند داشت .

(وما لكم لا تؤمنون بالله والرسول يدعوكم لتؤمنوا ببركم وقد اخذ
ميثاقكم ان كنتم مؤمنين) در این آیه بطریق توبیخ می فرماید چه شده است شما

در آنروز مردان و زنان منافق باہل ایمان گویند شتاب مکنید و ہنگرید مارا تا از نور و روشنائی شما ماہم بر گیریم در جواب آنها گفته شود باز گردید بمقب سر خود و از آنجا نور را طلبید در آنوقت پردہ ای میان آنها زدہ شود کہ آن را دری است درونش رحمت است و برونش شکنجہ و عذاب (۱۳) منافقان مؤمنین را ندا کنند و می گویند آیا ما باشما نبودیم گویند آری ولکن شما خودتان را در بلا افکندید و انتظار ہلاکت مؤمنان را داشتید و در کار دین شک کردید و مغرور کردہ شما را آرزوہای دنیا تا آنکہ امر خدا فرا رسید و شیطان شمارا از خدا غافل نمودہ سخت بخدای تعالی مغرورتان ساخت (۱۴) پس امروز فدا و عوضی از شما گرفتہ نشود و نہ از کسانی کہ کافر شدند و جایگاہ شما آتش دوزخ است و شما سزاوارید بآن وجہ بد منزل و باز گشتی است جہنم (۱۵)

را کہ پیروردگار خودتان ایمان نمی آورید و رسول او شمارا براہ حق دعوت می کند و خداوند ہم در عالم ذر و در عقل خودتان از شما عہد و پیمان گرفتہ است اگر ایمان دارید او آن خدائی است کہ بر بندہ خود عَلَيْكُمْ آیات و علامات و دلائلی روشن فرو فرستادہ تا شما بندگان را از تاریکی جہل و نادانی بیرون آورده و بنور علم و ایمان رہبری کند خداوند بشما بسیار مہربان و رحیم است.

(وما لکم الا تنفقوا فی سبیل اللہ واللہ میراث السموات والارض لا یستوی منکم من انفق من قبل الفتح وقاتل اولئک اعظم درجۃ من الذین انفقوا من بعد وقاتلوا وکلا وعد اللہ الحسنی واللہ بما تعملون خبیر) و برای چہ شما در راہ خدا انفاق نمی کنید ؛ و حال آنکہ میراث اہل آسمانها و زمین برای خدا است یعنی شما و اموالتان در اثر مرک نابود خواهید شد فقط ذات مقدس خدا باقی است پیش از آنکہ بر اثر مرک دنیا را ترک نمائید حظ و نصیب خود را از اموال و دارائی خود استیفاء کنید پس از آن می فرماید انفاق پیش از فتح مکہ و جہاد کردن قبل از آن نزد خدا ثواب و پاداش بیشتری داشت تا از انفاق و جہاد بعد از فتح و پیروردگار بہر یک از انفاق کنندگان وعدہ بہشت و پاداش نیکو میدہد و آگاہ است بحال ایشان و کسانی کہ در راہ او جہاد می کنند.

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (١٦) إِنْ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُخَيِّ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ يَتَنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (١٧) إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (١٨) وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُم وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (١٩)

(من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له وله اجر کریم) در کافی ذیل آیه فوق از اسحق بن عمار روایت کرده گفت معنای آیه را از حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام سؤال نمودم فرمود آیه نازل شده در شأن خویشان و خاندان آل محمد علیهم السلام و صلّه نمودن با امام زیرا خداوند احتیاجی باموال مردم ندارد تا از آنها قرض بگیرد و هر حق و مالی که بخدای تعالی متعلق است برای ولی و خلیفه او است و این حدیث را محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است و آن حضرت فرمود برود بهشت نوشته شده: بهر درهمی از قرض هیجده برابر اجر و پاداش داده میشود ولی اعطاء صدقه ده برابر اجر دارد زیرا قرض فقط بنیازمند داده میشود لکن صدقه بیشتر اوقات بدست غیر مستحق میرسد.

(یوم تری المؤمنین و المؤمنات یسمی نورهم بین ایدیهم و بایمانهم بشریکم الیوم) در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود روز قیامت نور چهره مردان و زنان مؤمن در پیش روی آنها بجلو میرود، و در طرف راست آنان، ائمه معصومین از آل محمد علیهم السلام هستند که نور دهنده ایشانند و بشتاب آنها را بسوی منازل که در بهشت دارند سوق می دهند تا آنان را بمنزلهای خود

آیا وقت آن نرسیده تا کسانی که ایمان آورده اند دلہایشان بیاد خدا ترسان گردند و ہا آنچه از حق فرود آمدہ متوجہ شوند و مانند کسانی باشند کہ پیش از این کتاب برایشان نازل شدہ دوران طولانی بر آنها گذشت و دلہایشان زنک قساوت گرفت و بسیاری از آنها تباہ کار زیان و کار شدند (۱۶) بدانید ای مردم کہ زمین را خداوند پس از مرگ خزان زندہ می گرداند ما آیات و دلایل قدرت خود را برای شما بیان کردیم تا متنبہ شدہ و اندیشہ کنید (۳۷) مردان و زنانی کہ در راہ خدا صدقہ و احسان کنند و بخدا فرض نیکو دهند خدا آنها را چندین برابر سازد و از لطف خود بایشان پاداش عطا فرماید (۱۸) کسانی کہ بخدا و رسولانش ایمان آوردند آنها بحقیقت راستگویان عالمند و برای ایشان نزد خدا اجر شہیدان است پاداش اعمال و نور ایمانشان را می یابند و آنانکہ کافر شدہ و آیات ما را تکذیب کردند ایشان اہل دوزخند (۱۹)

در بہشت وارد کنند .

ابن بابویہ از جابر انصاری روایت کردہ گفت حضور پیغمبر اکرم نشستہ بودم امیر المؤمنین علیہ السلام وارد شد پیغمبر باو فرمود یا علی بشارت بدہم تو را ہمین ساعت جبرئیل نازل شد و خبر داد کہ پروردگار صاحب عزت فرمودہ بشیعیان و دوستداران توفیق خصلت عطا کردم اول رفق و مدارا هنگام مرگ دوم انس در وقت وحشت سوم نور هنگام ظلمت و چہارم ایمنی در وقت فزع و ترس پنجم قسط و عدالت در میزان حساب و اعمال ششم عبور کردن از صراط ہفتم وارد شدن در بہشت پیش از داخل شدن سایر مردم در حالی کہ نور ایشان پیش روی آنها می شتابد .

(یوم یقول المنافقون والمنافقات للذین آمنوا انظرونا نقتبس من نورکم قيل ارجعوا واءاءکم فالتمسوا نورا فضرب بینہم بسور لہ باب باطنہ فیہ الرحمۃ و ظاہرہ من قبلہ العذاب) علی بن ابراہیم و حسین سعید ذیل آیہ فوق از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ اند کہ فرمود روز قیامت میان مردم نوری تقسیم میشود و بہر یک از آنها بمقدار ایمانشان عطا کنند منافقین در آن روز بمؤمنین میگویند

إِذْ عَلَّمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَأَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ
 فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهْدِجُ فَتَرِيهُ
 مُضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ
 رِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَاعٌ الْفُرُورِ (۲۰) سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنَ
 رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا
 بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ
 ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۱)

شتاب نکنید و بما فرصت دهید تا ما هم از نور و روشنائی شما بر گیریم مؤمنین
 در جواب بآنها می گویند بر گردید و از آنجا مانند ما کسب نور کنید یعنی بر گردید
 بسوی دنیا چه ما نور از دنیا آورده ایم در اثر اطاعت و فرمانبرداری. در این
 گفتگو باشند که بین آنها و مؤمنین حائلی کشیده شود که باطن و درون آن رحمت
 است یعنی بهشت و ظاهر آن عذاب دوزخ است، از عقب حصار منافقین فریاد میزنند
 مگر ما با شما نبودیم جواب دهند بلی راست میگوئید در دنیا باما بودید لکن شما
 خود را بفتنه و هلاکت افکندید و در معصیت پروردگار غرق شدید و در کار دین
 شك داشتید و آرزوهای دنیا شما را فریب داد تا وقتی که امر خدا فرا رسید و شیطان
 فریبنده تادم مرگ شما را از یاد خدا غافل و مغرور نمود امروز برای نجات هیچیک
 از شما فدیهای نمی پذیرند شما کافر بخدا و از منافقین هستید و جایگاهتان آتش دوزخ
 بوده است و آن آتش پاداش شماست و بمنزلگاه بسیار بدی باز میگردید حضرت
 صادق علیه السلام فرمود سو گند بخدا، که پروردگار از این آیه یهود و نصاری را قصد
 نفرموده بلکه مرداش اهل قبله و منافقین و غاصبین حقوق آل محمد میباشد
 محمد بن عباس از سلام بن مستنیر روایت کرده گفت معنای آیه را از حضرت

بدانید کہ زندگانی دنیا بحقیقت بازیچہ ایست بیہودہ ولہو و آرایش زنانه و فخر و خود ستائی بایکدیگر و حرص و افزودن مال و فرزندان در مثل مانند بارانی است کہ بموقع بیارد و گیاه از زمین بروید و بزرگران را بشکفت آرد سپس بنگری کہ زرد و خشک و پوسیدہ شود و در آخرت دنیا طلبانرا عذاب سخت باشد . و مؤمنین را آمرزش و خوشنودی برورد گار . زندگانی دنیا نیست جز بہرہ اندک و فریب دہندہ (۲۰) ای بندگان بگیریید بسوی آمرزش پروردگار و بہ بہشتی کہ عرضش مقدار پهنای آسمان و زمین است و آمادہ شدہ برای کسانی کہ بخدا و رسولش ایمان آوردند این فضل خدا است بہر کس بخواہد عطا میکند و خداوند صاحب فضل و کرم بزرگ است (۲۱)

باقر علیہ السلام سؤال نمودم فرمود این آیہ در بارہ ما اہل بیت و شیعیان و دشمنان ما نازل شدہ است روز قیامت کہ میشود خلایق را در محشر جمع نمودہ و حصاری میان آنها از ظلمت و تاریکی زدہ میشود کہ باطن آن رحمت و نور و ظاہرش تاریکی و عذاب است خداوند ما و شیعیان و دوستداران ما را در باطن آن حصار کہ نور و رحمت است وارد میفرماید و دشمنان ما را در ظاہر آن کہ تاریکی و عذاب است قرار میدہد آنگاہ دشمنان ما دوستان ما را صدا میکنند و میگویند آیا ما در دنیا با شما نبودیم دین و پیغمبر ما یکی نبودہ نماز و روزہ و حج بیک طریق نبود فرشتہ ای از طرف پروردگار بآنها جواب میدہد بلی یکی بودید و لکن بعد از پیغمبر اکرم فتنہ و فساد نمودہ و امر خدا را کہ پیغمبر اکرم در بارہ علی بن ابیطالب و اولاد آنحضرت بشما رسانیدہ بود رها کردید و در آنچه پیغمبر فرمود شک نمودید و بدنبال باطل و مخالفین حق رفتہ و مغرور شدید تا جائیکہ امیر المؤمنین علیہ السلام و ائمہ بعد از آن کہ ہمہ بر حق بودند از شما یاری خواستند و شما را براہ ہدایت دعوت کردند نپذیرفتید شیطان شما را گمراہ نمودہ و از راہ خدادوری جستید امروز عوض و فدائی ندارید تا نفس خود را بسبب آن فدا رها کنید و آن ہم پذیرفتنی نیست و حسنہ ای ہم ندارید لذا جایگاہ شما دوزخ است کہ بد منزلگاہی میباشد .

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ
 أَنْ نُنْزِلَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (٢٢) لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا
 تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُعِبُّ كُلَّ خُحْتَالٍ فَخُورٍ (٢٣) الَّذِينَ يَخْلَوْنَ
 وَ يَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (٢٤)
 لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أُنْزِلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ
 النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أُنْزِلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ
 مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (٢٥)

(الم یان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله وما نزل من الحق ولا یكونوا
 كالذین اوتوا الكتاب من قبل فطال علیهم الامد فقست و کثیر منهم فاسقون)
 سبب نزول آیه فوق آن بود که منافقین بسلامان فارسی گفتند ما را خبر بده از
 آنچه در توراۃ دیده ای از عجایب خدایتعالی آیه مزبور نازل شد و فرمود آیا وقت
 آن نرسیده است کسانی که بزبان ایمان آورده اند دلهایشان بیاد خدا ترسان گردد
 و آنچه از طرف حق نازل شده بدل توجه کنند و مانند کسانی که پیش از این بر
 ایشان کتاب آسمانی آمد و روزگار طولانی بر آنها گذشت و فسی القلب شده و اکثر
 فاسق شدند نباشند

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود تاویل این آیه جاریست
 در زمان غیبت امام عصر علیه السلام و منظور، غیبت آن بزرگوار است که مدت ها بطول
 می انجامد و این حدیث را نعمانی و مفید نیز روایت کرده اند (اعلموا ان الله یحیی
 الارض بعد موتها قد بینا لکم الایات لعلکم تعقلون) در کافی ذیل آیه فوق از حضرت
 موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده که فرمود مقصود این نیست که باران میبارد
 و زمین سبز میشود بلکه مراد آنست که خداوند مردانی را برگزیند که زنده میکنند
 زمین را بعد از آنکه مرده شده بود بظلم و ستم . سو گند بخدا اقامه حدود

ہر رنج و مصیبتی کہ در زمین یا از جهت نفس خودتان بشما می رسد همه در کتاب لوح محفوظ است ، پیش از آنکہ آنرا ایجاد کنیم و حفظ آن بر خدا آسان است (۲۲) تا اندوہگین و دلتنگ نشوید بر آنچه از دست شما رفته است . و بآنچه بشما دلشاد نگردید . خداوند دوست نمی دارد هیچ متکبر خود ستائی را (۲۳) کسانی کہ بخل میورزند و مردم را ہم بہ بخل و امیدازند . ہر کہ روی بگرداند از حق بدانید خداوند از طاعت خلق بی نیاز و ستودہ صفت است (۲۴) ما پیغمبران خود را با معجزات بسوی خلق فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا قوام حیات بعدالت و راستی بنماشدہ و آہن را فرستادیم کہ در آن منفعتهای بسیار است برای مردم تا معلوم شود کہ خدا رسولش را در پنهانی یاری می کند خداوند بسیار قوی و مقتدر است (۲۵)

خداوند در روی زمین ہودش بیشتر است از آنکہ چہل شبانہ روز باران بیازد . -
 ابن بابویہ از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود خداوند زندہ میگرداند زمین را بوجود مقدس و ظہور حضرت حجة علیہ السلام پس از آنکہ مردہ بود بسبب کافر بودن اہل زمین زیرا کافران در حکم مردگان میباشند (ان المصدقین والمصدقات و اقرضوا اللہ قرضا حسنا یضاعف لہم ولہم اجر کریم) در کافی ذیل آیہ فوق از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود : خداوند واجب نمودہ در اموال اغنیاء فریضہ ای را کہ ستایش نمیشوند در اثر اداء آن و آن فریضہ زکوۃ است . بواسطہ زکوۃ خون آنها محفوظ است و بسبب اداء زکوۃ مسلمان نامیدہ میشوند . و حقوق دیگری بر ایشان واجب فرمودہ و آیہ فوق را تلاوت فرمودند . حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام فرمود آیہ نازل شدہ در حق کسانی کہ صلہ امام بجا میآورند (والذین آمنوا باللہ و رسلہ اولئک ہم الصدیقون والشہداء عند ربہم اجرہم ونورہم) در محاسن از زید بن ارقم روایت کردہ گفت حضرت امام حسین علیہ السلام فرمود شیعیان ما صدیق و شہید ہستند . حضورش عرض کردم چگونہ آنها شہید میباشند و حال آنکہ بسیاری از ایشان در رختخواب خود مردہ اند فرمود مگر تلاوت نکرده ای آیہ ۱۹ از سورہ حدید را و آیہ مزبور را تلاوت فرمودند . وار منہال قصاب روایت

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۶) ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِمُوسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُمُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۲۷)

کرده گفت عرض کردم حضور حضرت صادق علیه السلام فدایت کردم دعا بفرمائید تا من شهید بشوم فرمود مؤمن هر کجا بمیرد شهید مرده است مگر قول خدایتعالی را نخوانده ای که میفرماید (وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَادَةُ عِنْدَ رَبِّهِمْ) .

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود امیر المؤمنین علیه السلام در یکروز اصحاب خود را چهار صد باب علم و دانش تعلیم نمود از آنجمله فرمود ای مردم دوری بجوئید از مرمان سفله و پست فطرت زیرا آنها از خداوند نمیترسند و بسیاری از آنها قاتلین پیمبران و دشمنان ما و اهل بیت هستند خداوند توجیهی بروی زمین نمود و از میان تمام مردم ما اهل بیت را برگزید و شیعیانی برای ما انتخاب فرمود آنها یاری میکنند ما را و مسرور هستند بفرح ما و محزونند بحزن ما و اموال و نفسهای خود را در راه دوستی ما بذل میکنند و کسی از شیعیان ما نیست که مرتکب معصیتی بشود مگر آنکه خداوند او را هتلا نماید به بلیه ای یا در مال و یا در فرزند و یا در نفس او و یا سكرات مرگ را بر او سخت گردانند تا از دنیا پاك و بدون معصیت برود مردگان شیعه ما شهید و صدیق هستند چه آنها امر ما را تصدیق کرده اند و بخاطر ما با دوستان ما دوست و با دشمنان ما دشمن بودند، تقرب بجستند بخدا ز رستی و دشمنی . پس از آن آیه مزبور را تلاوت نمود و فرمود از جای خود حرکت نکنید و صبر و برد یاریرا پیشه خود سازید

مانوح و ابراہیم را فرستادیم و در فرزندان شان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم از آنها بعضی هدایت یافته و بسیاری تبه کار شدند (۲۶) و از پی نوح و ابراہیم رسولانی دیگر فرستادیم سپس عیسیٰ فرزند مریم را مبعوث کرده و باو کتاب انجیل عطا نمودیم و در دل پیروان او رأفت و مہربانی نهادیم ولی آنها رهبانیت را از پیش خود اختراع کردند ما بر آنها جز رضا و خوشنودی خود چیزی ننوشتیم اما آنها آنطور کہ باید و شاید آن را رعایت نکردند بآنہائی کہ ایمان آوردند پاداش عطا کردیم بسیاری از ایشان راہ فسق و تبه کاری را پیش گرفتند (۲۷)

و دست بشمشیر نزنید و عجلہ نکنید و بدانید ہر کس از شما شیعیان در فراش خود بمیرد و بخدا ایمان و برسولش معرفت داشتہ، و عارف بحق ما اہلبیت باشد و حقوق ما را رعایت کند شہید مردہ است و اجر او با خدا است و مانند کسی است کہ بشمشیر در راہ خدا کشتہ شدہ باشد۔ محمد بن عباس از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود روزی از روزها فرشتہ بزرگی موسوم بمحمود بر پیغمبر اکرم فرود آمد پیغمبر خواست او را ببوسد عرض کرد مہلاً ای محمد صلی اللہ علیہ وسلم تو گرامی ترین تمام اہل آسمانها و زمین هستی سزاوار نیست مرا ببوسی وقتی خواست بآسمان بالا رود پیغمبر مشاہدہ کرد بر کتف محمود نوشتہ شدہ لا الہ الا اللہ محمد رسول اللہ علی الصدیق اکبر باو فرمود ای حبیب من محمود از چہ زمان این کلمات بر کتف تو نوشتہ شدہ عرض کرد دوازده ہزار سال پیش از خلقت آدم مکتوب است۔

ابن شہر آشوب از ابن عباس روایت کردہ گفت پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود علی صدیق اکبر این امت و فاروق اعظم است (والذین کفروا و کذبوا بآیاتنا اولئک اصحاب الجحیم) و آنانکہ بخدا کافر شدہ و ولایت امیر المؤمنین و فرزندان او را تکذیب کردند آنها اہل دوزخند (اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لہو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نبتاتہ ثم یہیج فترہ مصفراً ثم یکون حطاماً و فی الآخرة عذاب شدید) بدانید کہ زندگانی دنیا بحقیقت بازیچہ ایست کودکانہ و لہو و عیاشی جوانان و آرایش زنانہ و فخر و خود ستائی با یکدیگر و حرص افزودن مال و فرزندان و در مثل مانند باران است کہ بموقع

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرُسُلِهِ يُؤْثِرْكُمْ كَفَلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۸) لَيْلًا يَعْلَمُ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۲۹)

ببارہ و گیاهی در پی آن از زمین بروید و برزگران دنیا پرست را بشگفت آورد سپس بنگری کہ زرد و خشک شدہ و پوسیدہ گردد۔ در عالم آخرت دنیا طلبیان را عذاب سخت جہنم باشد۔ امیر المؤمنین علیہ السلام عمار یاسر فرمود ای عمار بردنیا غم مخور کہ تمام لذات دنیا شش چیز است مطعم و مشروب و ملبوس و منکوح و مشموم و مرکوب اما شریفترین طعامها عسل است کہ فر آورده زنبور می باشد و بہترین مشمومات مشک است کہ از خون آہو است و نفیس ترین مرکوبها اسب است کہ مردان بی شماری را ہر پشت خود بہلاکت می رساند و بہترین مشروبات آب است کہ تمام حیوانات از آن می آشامند و نیکوترین ملبوسات ابریشم باشد و آن بافتہ گرمی است و منکوحات زنانند و آنها وسیلہ دفع شہوت هستند پس دنیا چہ زبائی دارد و چگونہ می شود بآن دلبستگی و تفاخر نمود و فرمود مصیبات دنیا بسیار است و مشاربش تیرہ و هیچ دوستی را بادوستی خود برخوردار نکند۔

(سابقوا الی مغفرۃ من ربکم و جنۃ عرضہا کعرض السماء و الارض اعدت للذین آمنوا باللہ و رسلہ ذلک فضل اللہ یؤتیہ من یشاء واللہ ذو الفضل العظیم)۔

آیہ مزبور کہ نازل شد پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود جبرئیل خبر داد مرا کہ یکی از بندگان خدا بالای کوهی در وسط دریا پانصد سال عبادت میکردہ خدای تعالی چشمہ آب شیرین و درخت اناری در آنجا آفریدہ بود ہر شب کنار درخت و چشمہ آب می رفت اناری تناول میکرد سپس وضو میگرفت و مشغول نماز می شد

ای کسانی که بحق ایمان آوردید خدا ترس و پرهیزکار باشید و بر رسول او ایمان آورید تا خدا شما را از رحمتش دو نصیب مرحمت فرماید و نوری بشما عطا کند تا بان نور راه پیمائید و از گناهانتان در گذرد. خداوند بسیار آمرزنده و مهربانست (۲۸) تا اهل کتاب بدانند که آنها بهیچ چیز از فضل و رحمت خدا قادر نیستند و هر فضل و نعمتی بدست خداست بهر که بخواهد میبخشد و خداوند صاحب فضل و رحمت بی پایانست (۲۹)

تمام شد ترجمه سوره حدید

از خداوند طلب نمود که در حال سجده و روحش را قبض فرماید و بهمان حالت تا روز محشر باقی بماند و زمین جسدش را فاسد نکند و از بین نرود دعایش مستجاب شد و هر وقت به آسمان عروج میکنم او را به حالت سجده می بینم ای محمد ﷺ مشاهده میکنم آن بنده را که روز قیامت در محضر عدل الهی حاضر شده پروردگار امر فرماید که این بنده را از رحمت من داخل بهشت کنید عابد گوید به پاداش عبادت خود وارد بهشت می شوم خطاب رسد بفرشتگان او را بدوزخ برید چه مفرور بعبادت خویش شده و از نعمتهائیکه باو ارزانی داشتیم غافل است تمام نعمتهای خود را باو بخشیدیم عبادتش را بجای نعمت چشم که بوی دادیم محسوب بدارید حق و پاداشی ندارد که بآن واسطه وارد بهشت شود در آن هنگام عابد متوجه تقصیر خود شده و با عجز و زاری گوید پروردگارا بفضل و رحمت خود از تقصیر من در گذر و مرا وارد بهشت کن بفرشتگان خطاب شود باز گردانید او را حضور ما سپس فرماید ای بنده من که ترا از نیستی بوجود آورده و آفرید و انواع نعمتها داد و قوت و توانائی بتو بخشید که عبادت نمودی و که از برایت در جوار دریای شور آب شیرین خلق کرد و درخت انار رویانید آیا این نعمتها بقدرت و توانائی تو بود یا از فضل و رحمت من است! عرض می کند: پروردگارا تمام آنها از فضل و رحمت تو بوده که بر این بنده عنایت فرمودی خطاب رسد بلی تمام نعمتها را ما عطا کردیم ای فرشتگان الحال که اقرار و اعتراف نمود بفضل و رحمت ما او را از رحمت خود داخل بهشت گردانم.

سید رضی در خصایص ذیل آیه فوق از حضرت باقر ع روایت کرده فرمود

بزرگ نصاریٰ نجران نزد عمر آمد گفت اراضی ما بسیار سرد است و تاب تحمل قشون را ندارد خود من ضامن خراج می شوم و هر سال آنرا می آورم یکسال با جمعی از اعوان خود آن پیر مرد نیکو منظر خراج را آورد عمر او را دعوت باسلام نمود و فضایل اسلام را برایش بیان کرد آن نصرانی گفت ای عمر مسائلی چند دارم جواب آنها را بیان کن .

۱ - در قرآن شما هست که عرض بهشت بمقدار آسمانها و زمین است پس جای جهنم کجا است عمر از پاسخ او عاجز شد و از خجالت سر بریز افکند امیر المؤمنین علیه السلام تشریف داشت عمر عرض کرد یا علی جواب سؤال نصرانی را شما بفرمائید . فرمود چرا خودت پاسخ او را نمی دهی عرض کرد نمی دانم فرمود ای بزرگ نصرانی بگو ببینم هر وقت روز ظاهر می شود شب بکجا می رود نصرانی ماتفت شد گفت بخدا قسم تا بحال کسی جواب این سؤال مرا نداده بود سؤال کرد ای عمر این جوان کیست گفت علی بن ابیطالب پسر عم پیغمبر و داماد و پدر حسنین فرزندان رسول خدا است .

۲ - نصرانی بعمر گفت خبر ده مرا از بقیه ای که یکساعت بیش آفتاب در آن نتابید و دیگر هم نمی تابد عمر گفت یا علی علیه السلام جواب او را بده امیر المؤمنین فرمود آندریائی بود که شکافته شد برای بنی اسرائیل نصرانی گفت راست گفتی - ۳ - پس از آن سؤال نمود ای عمر آیا در دنیا چیزهائی وجود دارد که بمیوه های بهشتی شباهت داشته باشد که هر چه از آن بردارند کم نشود عمر جواب داد نمی دانم از علی سؤال کن امیر المؤمنین علیه السلام فرمود بلی آن چیز قرآن است اگر تمام اهل عالم جمع شوند و هر کس حاجات خود را از آن بردارد ابدأ از قرآن چیزی کم نمی شود نصرانی گفت راست گفتی ای جوان .

۴ - مجدداً از عمر سؤال کرد آیا برای آسمان درهائی هست و آیا برای آن درها قفلی وجود دارد؟ عمر گفت از علی علیه السلام مطالب خود را سؤال کن امیر المؤمنین فرمود بلی آسمان در دارد و قفل درهای آن شرک بخدا است و کلید درها شهادت ان لا اله الا الله میباشد و هیچ چیزی مانع آن نیست مگر عرش پروردگار

۵۔ نصرانی باز از عمر سؤال کرد اول خونیکه در روی زمین ریخته شد چه خونی بود عمر جواب داد مگر من نگفتم مسائل خود را از علی پسر امیر المؤمنین علیه السلام فرمود اول خونیکه ریخته شد خون رحم حوا بود در وقت زائیدن قایل پسر آدم لکن مردم می گویند خون هاییل بود که برادرش قایل اورا بقتل رسانید نصرانی گفت راست گفتمی بعد از آن متوجه عمر شد و گفت ای عمر باید این مسئله را خودت جواب بدهی .

۶۔ خبر بده مرا ای عمر خداوند کجاست عمر در غضب شد خواست نصرانی را بزند امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ای نصرانی جواب سؤالت را از من بشنو: روزی حضور پیغمبر بودم فرشته ای وارد شد سلام کرد پیغمبر از او پرسید از کجا می آئی گفت از آسمان هفتم از نزد پروردگار فرشته دیگری وارد شد سؤال نمود از کجا آمده ای عرض کرد از تخوم زمین از نزد پروردگار سو می رسید جواب داد از مشرق زمین از نزد پروردگار فرشته چهارم گفت من از مغرب زمین از نزد پروردگار می آیم پس خداوند در همه جا هست در آسمان و زمین و او دانا و توانا است حضرت باقر علیه السلام فرمود هفتای قرمایش امیر المؤمنین علیه السلام اینست که فرشتگان از هر طرف که بیایند از ملکوت پروردگار آمده اند و از علم خداوند چیزی پنهان نیست .

(ما اصاب من مصیبة فی الارض ولا فی انفسکم الا فی کتاب من قبل ان نبرأها ان ذلک علی الله یسیر) هر رنج و مصیبتی که در زمین از قحطی و آفت و فقر و ستم یا از نفس خویش مانند ترس و غم و درد و الم بشما رسد همه در کتاب لوح محفوظ مابیش از آنکه در دنیا ایجاد کنیم ثبت است و حفظ آن بر خدا آسان است . در کافی ذیل آیه فوق از حفص بن غیاث روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام راجع بزهد در دنیا و حد آن فرمود ده چیز است اعلی درجه زهد ادنی درجه ورع است و اعلی درجه ورع ادنی درجه یقین است و اعلی درجه یقین ادنی درجه رضوان است و زهد را خداوند در آیه لکیلا تا سوا اعلی مافکم و لا تفرحوا بما آتاکم جمع و بیان فرموده .

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود وقتیکه سر مقدس حضرت امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن بزرگوار را بریزید ملعون وارد کردند حضرت امام زین العابدین علیه السلام را باغل آهنی بسته بودند چون نگاه یزید بر آنحضرت افتاد گفت ایعلی بن الحسین علیه السلام حمدخدا را که پدرت حسین علیه السلام را کشت آنحضرت فرمود خداوند لعنت کند کشنده پدرم را ای یزید تو گمان میکنی که نعوذ بالله پروردگارم را لعن میکنم (یعنی خداوند او را نکشت بلکه تو کشتی) یزید در غضب شد امر کر سر مقدس آنحضرت را جدا کنند فرمود اکنون که قصد کشتن مرا داری دختران رسول خدا را چه کسی بمنزلهایشان برمیگرداند و حال آنکه محرمی بجز من ندارند یزید گفت خودت بر گردان از کشتن تو منصرف شدم پس از آن سوهانی طلب نمود و بدست خودش غل آهنی را از گردن آنحضرت بیرون آورد گفت میدانی چرا من اینکار را بدست خود انجام دادم فرمود بلی میخواستی دربر داشتن غل کسی بغیر از خودت منت بر من نگذارد یزید گفت آری چنین است ایعلی بن الحسین علیه السلام «ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم» یعنی این ابتلا را خودتان بدست خود درست کرده اید فرمود آنحضرت حاشا که چنین باشد این آیه در باره ما نازل نشده بلکه آیه ما اصاب من مصیبة فی الارض و لافی انفسکم الا فی کتاب در حق ما نازل شد ما اهل بیت پیغمبر تأسف نمیخوریم بر آنچه از مافوت شده و خوشحال میشویم با آنچه بما داده شده بلکه تسلیم امر پروردگار هستیم حضرت صادق علیه السلام فرمود خداوند راست فرمود و نیز رسولانش کتابهاییکه در آسمان تعلیم آنها نموده بود و کتابهای خداوند در زمین که شب قدر تعلیم ما ائمه میدهند و همچنین در غیر شب قدر که تمام آنها نوشته شده از مقدرات خلاق در باره آنها پیش از آنکه ایشان را بیآفرینند (لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لاتعرجوا بما آتاکم و الله لایعجب کل مختال فخور) حضرت صادق علیه السلام فرمود شخصی معنای آیه فوق را از پدرم حضرت باقر علیه السلام سؤال نمود فرمود این آیه نازل شده در باره ابوبکر و عمر و یاران آنها یکی مقدم و دیگری مؤخر چه ایشان غمگین شده بودند بآن چیزهاییکه خداوند عطا نموده و اختصاص داده بود بامیر المؤمنین علیه السلام از امامت

و ولایت و خوشحال بودند بآن فتنہایکه از غصب خلافت و فدک و کشتن حضرت فاطمه زهرا (ع) دختر پیغمبر اکرم و گمراه کردن خلائق بعد از رحلت رسول خدا بر پا کرده بودند سائل عرض کرد بحضرت باقر علیه السلام شهادت میدهم کہ شما ائمه فرزندان رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم بر حق هستید و شکی در حقانیت شما ندارم صاحبان حکم و موالیان خلق میباشید حضرت صادق علیه السلام فرمود دیگر کسی شخص سائل را پس از سؤال و شنیدن جواب مشاهده نمود (الذین یبخلون و یا مروون الناس بالبخل و من یتول فان الله هو الغنی الحمید) متکبرین خود خواه همان هائی هستند کہ در احسان کردن بخل ورزیده و مردم را ہم ببخل و منع احسان و امیدارند کسانی کہ از دعوت و اطاعت خداوند اعراض نموده و روگردان هستند باید بدانند کہ خدا یتعالی از طاعت خلق بی نیاز است و اوست حمید و مجید (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط و انزلنا الحديد فيه بأس شديد و منافع للناس و ليعلم الله من ينصره و رسله بالغیب ان الله قوی عزیز) در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود وصیت کرد موسی بوسی خود یوشع بن نون و وصیت نمود یوشع بفرزند هارون و وصیت نکرد بفرزندان خود زیرا خداوند بر میگزیند هر کرا بخواهد موسی و یوشع به بنی اسرائیل آمدن حضرت عیسی را بشارت دادند وقتی کہ عیسی مبعوث شد بمردم گفت بزودی بعد از من پیغمبری می آید کہ نام او احمد است و از فرزندان اسمعیل میباشد تصدیق میکند پیغمبری مرا و من نبوت او را تصدیق میکنم و این وصیت جاری شد در میان حواریین و مستحفظین. خداوند آنها را به مستحفظین ملقب فرمود چه ایشان حفظ نمودند اسم بزرگ را و آن کتابی است کہ بآن هر چیزی دانسته میشود و نزد پیغمبران گذشته بوده چنانکہ میفرماید و لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و کتاب اسم بزرگتری است کہ تفسیر میشود بآن توریة و انجیل و فرقان و در آن کتاب هائی نوح و صالح و شعیب و صحف ابراهیم میباشد کہ خداوند خبر میدهد بآن و کجا است صحف ابراهیم و موسی همان اسم بزرگ است پس پیوسته وصیت میشد بعالمی بعد از عالم دیگر تا آنکہ رد کردند آن را بسوی محمد

ابن شهر آشوب ذیل آیه وانزلنا الحديد از ابن عباس روایت کرده گفت مراد بحدید در این آیه ذو الفقار است خداوند آن را از آسمان برای پیغمبر فرستاد و آنحضرت آن را بامیر المؤمنین عطا نمود (ولقد ارسلنا نوحا و ابراهیم و جعلنا فی ذریتهما النبوة و الکتاب فمنهم مهتد و کثیر منهم فاسقون) ابن بابویه ذیل آیه فوق ازریان ابن صلت روایت کرده گفت جمعی از علماء در محضر مأمون از حضرت رضا علیه السلام سؤال نمودند ای فرزند رسول خدا آیا عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنحضرت می باشد یا غیر آل هستند فرمود عترت همان آل هستند حضورش عرض کردند که اصحاب آنحضرت روایت کرده اند که پیغمبر فرمود آل من امت من می باشند فرمود در جواب آنها خبر بدهید مرا آیا صدقه بر آل عتد حرام است یا حلال عرض کردند حرام است فرمود پس بگمان شما صدقه بر تمام امة حرام است گفتند حرام نیست فرمود فرق بین امة و آل آنست که صدقه بر آل حرام است و بر امت حلال پس آل عتد غیر از امت باشند وای بر شما آیا از ذکر خداوند رو بر گردانیدید یا از قوم مسرفین می باشید آیا نمی دانید که طهارت و وراثت واقع شده بر مصطفین و برگزیدگان و هدایت کنندگان و راهنمایان نه بر غیر آنها عرض کردند یا ابا الحسن بچه دلیل

این فرمایشات را می فرمائید فرمود بموجب آیه (ولقد ارسلنا نوحا و ابراهیم وجعلنا فی ذریئها النبوة والکتاب) مانوح و ابراهیم را فرستادیم و در فرزندان شان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم لکن آن فرزندانی که هدایت کننده هستند نه آنهایی که فاسق می باشند آیا نمی دانید هنگامی که نوح در خواست کرد از پروردگار نسبت بفرزندش و گفت خدایا فرزند من از جمله اهل من باشد و تو وعده فرمودی اهل مرا از غرق شدن نجات دهی باو خطاب رسید ای نوح این فرزندی از اهل تو نیست و او اعمال ناصالح دارد سؤال نکن از من چیزی را که علم و دانش بآن نداری من تو را نصیحت می کنم مبادا از زمره جاهلان و نادانان ناشی (ثم قفینا علی آثارهم برسلنا و قفینا بعیسی بن مریم و آتیناه الانجیل وجعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رافة ورحمة و رهبانیه ابتدعوها ما کتبناها علیهم الا ابتغاء رضوان الله فما رعوها حق رعايتها فاتینا الذین آمنوا منهم اجرهم و کثیر منهم فاسقون) پس از نوح و ابراهیم رسولانی فرستادیم سپس عیسی بن مریم را مبعوث نموده و باو کتاب انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان او رحمت و مهربانی نهادیم ، لکن آنها رهبانیت و ترک دنیا را پیش خود اختراع نموده و بدعت گذاشتند ما بر آنها جز آنکه رضا و خوشنودی خدا را طلبند در کتاب انجیل مقرر نکردیم و باز آنها چنانکه باید و شاید مراعات آنها نکردند ما هم بآنانکه ایمان آوردند پاداش و اجر شانرا عطا کردیم معذالک بسیاری از آنها براه فسق و تبه کاری شتافتند . در کافی ذیل آیه و رهبانیه ابتدعوها از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود نماز شب را خداوند بر آنها واجب نکرده بود ایشان بر خود واجب نمودند و بحساب خداوند گذاشتند و این حدیث را ابن بابویه نیز روایت کرده است طبرسی از ابی مسعود روایت کرده گفت با رسول خدا صلی الله علیه و آله سواره همراه بودم فرمود ای پسر مسعود آیا میدانی چگونه نصاری رهبانیت را بدعت گذاشتند عرض کردم خدا و رسولش بهتر میدانند فرمود بعد از عیسی ستمکاران بر مؤمنین تسلط پیدا کردند و آشکارا معصیت خدا کردند مؤمنین سه مرتبه با آنها جهاد نمودند بسیاری از ایشان کشته شدند اندکی باقی ماندند با خود گفتند اگر بار دیگر ما با

آنها جهاد کنیم همه ما را خواهند کشت و کسی از ما نخواهد ماند که دین خدا را یاری کند مادر روی زمین را برانگیزد تا آنکه عهد و پیمان را که عیسی خبر داده ظاهر شود آنها در غارها و شکاف کوه ها پراکنده شدند و آنجا ماندند بعضی بر دین خود باقی مانده و بعضی دیگر بدعتها نهادند پس از آن تلاوت نمود آیه فوق را و فرمود میدانی رهبانیت فد امت من چیست عرض کردم شما دانستارید فرمود هجرت کردن از دار کفر باسلام و جهاد و نماز و روزه و حج و عمره است پس از آن فرمود ای پسر مسعود آنهائیکه پیش از شما بودند، سفتاده دو فرقه شده اند دو فرقه از ایشان ناجی هستند و باقی هالك بکفر فرقه کسانی هستند که با ملوک و ستمکاران در دین عیسی جهاد کردند و کشته شدند فرقه دوم آنهائی میباشند که از دست ستمکاران فرار نموده و دین خود را محفوظ داشته بر طبق دستور عیسی عمل کردند.

لطیفه عرفا و اهل تحقیق گفته اند مردمان کامل آنهائی هستند که در بدعت و اختراع را بروی خود و دیگران بسته اند و بر تکالیف و احکام الهی چیزی زیاد و کم نکرده اند و ذکر و اوراد خود را بغیر آنچه در قرآن و احادیث آل عصمت و طهارت وارد شده قرار نداده اند اینان مطیع و فرمانبردار خدا و رسول صلی الله علیه و آله و اهل بیت هستند نه مخترع و بدعت گذار و اینگونه مردم بسیار اند کند

پیغمبر اکرم فرمود پس از من بدعت گذاران و شکاکان را مشاهده کنید از آنان بیزاری جوئید و تا میتوانید از آنها بد گوئی کنید و دشنام دهید و ناگهان بدستگیری ایشان قیام کنید و چندان کار را بر آنها دشوار سازید که نتوانند رخنه و فساد در دژ مستحکم اسلام ایجاد سازند و بکلی بند طمع فسادشان را ببرید و مردم را از آمیزش با آنان بیم دهید تا بدعتهای ایشان را یاد نگیرند اگر بدین دستور رفتار کردید خدای تعالی بر حسنات شما می افزاید و درجات شما را رفیع میگرداند.

و نیز فرمود هر گاه پرچمهای بدعت در میان امت من افراشته شود بایستی شخص عالم و دانشمند تیغ بیدریغ علامش را از غلاف سینه بیرون کشد و با آنان بمبارزه بر خیزد و هر عالمی چنین نکند لعنت خدا بر او باد و فرمود هر بدعتی

کہ واقع شود مایہ گمراہی است و ہر گمراہی سر انجامش آتش است (یا ایہا الذین آمنوا اتقوا اللہ و آمنوا برسلہ یؤتکم کفلین من رحمۃ و یجعل لکم نوراً تمشون بہ و یغفر لکم واللہ غفور رحیم) در کافی ذیل آیہ فوق از ابی جبارود روایت کردہ گفت حضور حضرت باقر علیہ السلام عرض کردم خداوند بادل کتاب خیر بسیاری عطا فرمودہ فرمود منظورت چیست؟ عرض کردم آیہ الذین آتینا ہم الکتاب ہم بہ مؤمنون تا آخر جملہ یؤتون اجرہم مرتین فرمود بشما مسلمانان نیز عطا فرمود و آیہ فوق را تلاوت نمودند و فرمودند مراد بنور ائمہ علیہم السلام میباشد کہ مردم بآنها اقتدا مینمایند و از سماعہ بن مہران روایت کردہ گفت سوال کردم از حضرت صادق علیہ السلام معنای آیہ کفلین من رحمۃ را فرمود کفلین حسن و حسین علیہم السلام میباشد کہ بشما عطا شدہ و نور سایر ائمہ است کہ بآنها اقتداء میکنید پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بانس بن مالک فرمود از برای علی دو نور است یکی در آسمان و دیگری در زمین ہر کس تمسک بجوید بنور علی خداوند او را بہ بہشت داخل کند و ہر کہ از او تجاوز نماید اورا وارد دوزخ نماید ای انس بشارت بدہ مردم را باین حدیث خداوند از نور صورت علی علیہ السلام ہفتاد ہزار فرشتہ آفریدہ کہ پیوستہ استغفار میکنند برای دوستان علی علیہ السلام تا روز قیامت (لئلا یعلم اهل الکتاب الا یقدرون علی شیئی من فضل اللہ وان الفضل بید اللہ یؤتیہ من یشاء و اللہ ذو الفضل العظیم) سبب نزول آیہ آن بود چون پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم جعفر را با ہفتاد نفر بسوی حبشہ فرستاد تا نجاشی پادشاہ حبشہ و اہل مملکت اورا باسلام دعوت کنند آنها رفتند و دعوت کردند نجاشی و جمعی اسلام آوردند وقتی جعفر و اصحابش خواستند مراجعت کنند جمعی از اہل حبشہ کہ ایمان آورده بودند اجازه خواستند از نجاشی ہمراہ جعفر حرکت کنند و حضور پیغمبر شرفیاب شوند نجاشی بآنها اجازه داد و حضور رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم رسیدند در غزوہ احد مشاہدہ کردند کہ مسلمین از حیث مال محتاج میباشند بہ پیغمبر عرض کردند اجازه بفرمائید ما بحبشہ برگردیم مال بسیاری آنجا داریم قدری ہمراہ خود بیاوریم و صرف محتاجین مسلمین نمایم پیغمبر اجازه داد رفتند مال بسیاری آوردند و بمسلمین عطا کردند خدایتعالی آیہ

فَالَّذِينَ آمَنُوا هُمُ الْكَتَابُ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِمُؤْمِنُونَ تَا وَمَا رَزَقْنَا هُمْ يَنْفَقُونَ رَا در بارہ ایشان نازل فرمود و نیز آیہ یُؤْتُونَ اَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ رَا در حقشان نازل نمود آنہا فخر و مباحات کردند بر مسلمین و گفتند ما را دو اجر و پاداش دهند یکی آنکہ بکتاب انجیل ایمان داشتیم و دیگری بخاطر ایمان آوردن بکتاب شما پروردگار آیہ یا ایہا الذین آمنوا اتقوا اللہ و آمنوا برسولہ یُؤْتِکُمْ کَفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِہِ و آیہ لَّا یَعْلَمُ اهل الکتاب را نازل نمود و فرمود تا اهل کتاب بدانند کہ آنہا قادر بر هیچ چیز از فضل و رحمت خدا نیستند و ہر فضل و نعمتی بدست خدا است بہر کہ میخواهد می بخشد و اودارای فضل و رحمت بی پایا نیست پیغمبر اکرم ﷺ فرمود ہر کس کنیزی داشتہ باشد و او را معارف دین تعلیم دادہ و احکام شرع بیاموزد و آزادش کند پس از آن او را بعقد خود در آورد خداوند دو اجر باو عطا فرماید و ہر بندہ ای کہ اطاعت خدا و مولایش را بجا آورد و حق پروردگار و سیدش را انجام دہد خداوند دو پاداش باو مرحمت میفرماید و ہر کس از اهل کتاب کہ ایمان دارد بآنچہ عیسی علیہ السلام آورده و آنہا را بر حق بداند و نیز ایمان دارد بآنچہ محمد پیغمبر خاتم النبیین ﷺ آورده و عمل بآن کند پروردگار دو اجر و مزد باو کرامت خواهد فرمود

پایان سورہ حدید

سورۃ مجادلہ



مرکز تحقیقات اسلامی و تاریخی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ (۱) الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا الَّتِي وَلَدْتُهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ (۲)

سوره مجادله در مدینہ نازل شدہ و شامل بیست و دو آیت و چہار صد و ہفتاد و سہ کلمہ و ہزار و ہفتصد و نوہ و دو حرف است۔ خواص و ثواب تلاوت آن مختصری در سورہ حدید بیان شد در خواص قرآن از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ مجادلہ را قرائت کند روز قیامت از دستگاران خواہد بود و اگر این سورہ را بنویسند و بر مریض بہ بندند درد اوساکن شود و اگر چیز زیر اہخواند ذخیرہ کنند این سورہ را بر آن بخوانند محفوظ بماند و اگر نوشتہ و در میان حبوبات نهند بر طرف کند ہر چیزیکہ فاسد میکند آنہا را۔ خلاصہ مطالب سورہ مجادلہ عبارت است از بیان کفارہ ظہار و عقوبت مخالفین خدا و رسول و اینکہ خداوند بر راز و اسرار درونی مردم آگاہست و امر بوسعت دادن در مجالس و بیان حال منافقین

قوله تعالى (قد سمع الله قول التي تجادلك في زوجها و تشتكي الى الله و الله يسمع تحاوركما ان الله سميع بصير) این آیات نازل شدہ در بارہ خولہ دختر خویلد و شوہر اش اوس بن صامت کہ ہردو از انصار ہستند سبب نزول آن بود کہ اوس غضبناک شد بر عیال خود و باو گفت تو مانند پشت مادرم بر من حرام ہستی سپس از گفتار خود پشیمان شد و در زمان جاہلیت رسم بر این بود کہ ہر کس این گفتار را بعیال خود میگفت آن زن بر او حرام ابد میشد و بہیچ کیفیت نمیتوانست با او ہمبستر بشود خولہ عیال اوس حضور پیغمبر رسید عرض کرد ای رسول خدا اوس شوہر و پدر

ترجمہ سورۃ مجادلہ

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما خداوند سخن آنزن را کہ در بارہ شوهرش با تو مجادلہ کرد و شکوہ او را بخدا میبرد شنید و گفتگوهای شمارا نیز میشنود والبتہ خدا بسخنان بندگان شنوا و باحوال ایشان بینا است (۱) کسانیکہ از شما با زنان خود ظہار کنند (یعنی بزن خود گویند تو بر من چون پشت مادرم هستی) آن زنان مادر حقیقی شوهران خود نخواهند بود بلکہ مادرشان همان زنہائی هستند کہ آنها را زائیدہ اند. و این مردم سخن ناپسند و باطل میگویند. البتہ خداوند آمرزندہ و عفو کننده است (۲)

فرزندان و پسر عموی من است بمن گفته انت علی کظہرامی و در زمان جاہلیت ہر کس این گفتار را بعیالش میگفت براو حرام بود ایرسول خدا من شکایت اوس را حضور شما آوردم عطا کردم باو شکم خود را و مضایقہ نمودم چیز برا از او مدد کردم اوس را در امور دنیا و آخرت و هیچگونہ نارضایتی نداشتم حال مرا ازخانہ خود بیرون کردہ شکایت او را نزد شما آوردم حکم بفرمائید درکارم، رسول خدا فرمود حکم و آیہ ای در اینخصوص بر من نازل شدہ تا میان تو و شوہرت داوری نمایم و دوست ندارم کہ از نزد خود چیزی بگویم و خود را در زحمت اندازم آن زن گریہ کرد و بخدا و رسولش شکایت نمود و از حضور پیغمبر باز گشت پروردگار سخنان آن زن را با پیغمبر دربارہ شوهرش شنید جبرئیل نازل شد آیات فوق را آورد فرمود ایرسول ما سخن آنزنرا کہ در بارہ شوهرش با تو مجادلہ میکرد و شکوہ او را بخدا میبرد شنیدیم و گفتگوی شما را محققاً میشنویم ما بسخنان بندگان خود شنوا و باحوالشان بینا هستیم کسانیکہ با زنان خود ظہار کنند یعنی بایشان بگویند انت علی کظہرامی آن زنان بر اثر این گفتار مادر حقیقی شوهران خود نخواهند بود بلکہ مادرشان همانست کہ آنها را متولد کردہ و این مردم بعادت زمان جاہلیت سخنان ناپسند و باطل میگویند. خداوند آمرزندہ و بخشنده است

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تَوْعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۳) فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ إِتْمَانُكُمْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۴) إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ (۵) يَوْمَ يَنْعَثُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَنْبَثُّهُمْ بِأَعْمَلُوا أَحْصِيهِ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۶)

چون آیه نازل شد پیغمبر اکرم ﷺ فرستاد اوس و عیالش را حاضر کردند باوس فرمود تو این سخن را بعیالت گفتی؟ عرض کرد بلی ای رسول خدا، پیغمبر ﷺ آیه را تلاوت نمود و فرمود درباره شما این آیه نازل شده است دست عیالت را بگیر و بر بخانه خود سخن دروغی باو گفتی هر گز عیالت مادر حقیقی تو نخواهد بود مادر تو کسی است که ترا زائیده خداوند آمرزید تو را و دیگر از اینگونه سخنها باو نگو اوس با عیالش باز گشت در حالیکه پشیمان بود بر گفتار خود، پروردگار راضی نبوده که دیگر مؤمنین این عمل را تکرار کنند و این سخن را بعیال خود بگویند لذا بموجب آیه ذیل کفارهای برای ظهار کنندگان نازل فرمود (وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تَوْعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ) کسانی که با زنان خود ظهار کنند آنگاه از گفته خود برگردند باید پیش از آنکه با ایشان همبستر شوند بنده ای آزاد کنند باین عمل شما پند داده میشوید و خداوند بکردار شما آگاهست و هر کس بنده نیابد باید پیش از نزدیک شدن دو ماه متصل روزه بگیرد و اگر توانائی ندارد شصت فقیر را

کسانیکه بازنان خود ظهار میکنند و سپس باز میگردند از گفته خود باید پیش از نزدیک ببندهای را آزاد کنند با این حکم شما پند داده میشوید . و خدا بکردار شما آگاهست (۲) و هر کس بندهای نیافت باید پیش از نزدیک دو ماه متصل روزه بگیرد و اگر نمیتواند شصت فقیر را طعام دهد این حکم برای آنستکه شما بخدا و رسولش ایمان آورید . این دستورات حدود خدا است و برای کافران عذاب دردناکی خواهد بود (۴) آنانکه با خدا و رسولش مخالفت میکنند آنها هم مانند کافران پیش ، برو در آتش دوزخ افتند ما آیات روشن را نازل کردیم و از برای کفار عذاب خواری و ذلت مهیا است (۵) پیاد آور روزیکه خدا تمام خلائق را برای حساب برانگیزد تا آنان را به نتیجه کردارشان که تمام آنها را خداوند بشماره ضبط فرموده و ایشان فراموش کرده اند آگاه سازد . و خدا بر همه چیز گواهدست (۶)

طعام دهد این كفاره برای آنستکه شما بخدا و رسولش ایمان آورید و این احکام حدود خدا است و از برای کفار عذاب دردناکی خواهد بود . در کافی از جمیل بن دراج روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیه السلام عرض کردم اگر کسی بعیال خود بگوید تو مانند پشت خواهر یا دختر یا عمه یا خاله من هستی این گفتار ظهار است فرمود بلی . گفتم چه وقت كفاره واجب میشود فرمود پیش از آنکه بخواهد همبستر شود با عیال خود باید كفاره بدهد عرض کردم اگر طلاق دهد او را پیش از مقاربت باز هم كفاره واجب است؟ فرمود در این صورت كفاره ساقط میشود عرض کردم اگر بعضی از ایام را روزه گرفت پس از آن مریض شد بعد از بهبودی مابقی را باید بگیرد یا مجدداً از اول شروع کند فرمود اگر یکروز از ماه زیادتیر گرفته مابقی را بگیرد و چنانچه یکماه یا کمتر گرفته از اول شروع کند و فرمود سو کند بظهار ظهار نیست و حر و مملوک در دادن كفاره مساوی هستند جز آنکه بنده نصف كفاره آزاد میدهد و كفاره او منحصر است بروزه گرفتن و صدقه و آزاد کردن بنده بر مملوک نیست و ظهار در حکم طلاق است یعنی باید در طهر غیر مواقعه باشد و در حضور دو نفر شاهد مسلمان واقع شود و در حالت ضرر و غضب ظهاری نیست و واقع نخواهد شد

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَفْلَحُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى
ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ
وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَمَةِ
إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۷) أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ
لَهَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَقْتَصِفَتِ الرَّسُولِ إِذَا
جَاؤَكَ خِيْلُكَ يَا لَمْ يُحْيِكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ
يَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۸)

محمد بن عباس ذیل آیت قد سمع الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روزی
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بدخترش حضرت فاطمه (ع) فرمود بعد از من بر سر شوهرت
علی علیه السلام مصیبتہا وارد شود فاطمه عرض کرد ای پدر بزرگوار آیا دعا نمیفرمائی
تا خداوند آنها را از علی برطرف فرماید فرمود دعا کردم و از خداوند مسئلت
نمودم خطاب رسید در علم ما گذشته است این مصیبتہا باید بر علی واقع شود جبرئیل
نازل شد و آیت را فرود آورد (ان الذین یحادون الله و رسوله کبتوا کما کبت الذین
من قبلهم وقد انزلنا آیات بینات و للکافرین عذاب مہین یوم یبعثہم الله جمیعاً فینبئہم
بما عملوا احصیہ الله ونسوه و الله علی کل شیء شہید) کسانی کہ با خدا و رسولش
مخالفت میکنند مانند کافران پیشین برو در آتش دوزخ میافتند و ما آیات روشن
خود را فرستادیم و از برای کفار عذاب ذلت و خواری مہیا شدہ ایں رسول ما یاد کن
آنروز را کہ خدایتعالی تمام خلایق را برای حساب زندہ گرداند و خبر دہد ایشان
را بآنچه عمل کردہ اند یعنی اعمالشان را در مقابل آنها آورند تا خجل و شرمندہ
شوند و این شرمندگی نوعی از عقوبت و عذاب میباشد چنانکہ یکی از ما بدیگری
میکوید تو را آگاہ کنم از آنچه کردہ ای تمام آن اعمال و معاصی را کہ بجا

آیا ندیدی کہ آنچه در آسمانها و زمین است خدا بر آن آگاهست هیچ رازی را سه کس با هم نگویند جز آنکه خداچهارم آنها است و نه پنج کس مگر آنکه خدا ششم آنها است و نه کمتر و نه بیشتر جز آنکه خدا با ایشان است هر کجا باشند، روز قیامت همه را به نتیجه نیک و بد اعمالشان آگاه خواهد ساخت. خداوند بهمہ امور دانا است (۷) ابرسول ما آیا آنانرا کہ از نجوی و راز گفتن با ہم ممنوع شدند ندیدی کہ اعتبار بہ نہی خدا نکردند و باز بایکدیگر بگناہ و دشمنی و مخالفت با رسول نجوی را از سر گرفتند و ہر گاہ حضور تو آیند از مکر و خدعہ بتو سلام و تحیتی گویند کہ خدا اینکونہ دستور فرمودہ است و پیش خود میگویند چرا خدا مارا برای این سلام تمسخر آمیز عذاب نمیکند. بدانند کہ عذاب دوزخ آنها را کافیت تا در آنجا کہ بسیار بد منزل گاہی است پیوستہ معذب بمانند (۸)

آورده اند خداوند ضبط فرمودہ و آنها فراموش کردہ اند پرورد گار ایشان را آگاہ سازد چہ او بر ہمہ چیز دانا و گواہست (اللہ تر ان اللہ یعام مافی السموات و مافی الارض مایکون من نجوی ثلثۃ الاہورا بعہم و لا خمسۃ الا ہو سادسہم و لا ادنی من ذلک و لا اکثر الا ہو معہم اینما کانوا ثم ینبئہم بما عملوا یوم القیمہ ان اللہ بکل شیئی علیم) ابرسول ما آیا نمی بینی آنچه در آسمانها و زمین است خدایتعالی میداند و براو چیزی پوشیدہ نیست هیچ رازی سه کس با ہم نگویند جز آنکہ خداچهارم آنها است و نہ پنج کس مگر آنکہ خدا ششم آنها است و نہ کمتر و نہ بیشتر جز آنکہ خدا با ایشان است ہر کجا باشند احوال آنها را میداند پس از آن روز قیامت خبر دہد آنان را بآنچہ بجا آورده اند، چہ پرورد گار بتمام چیزہای عالم دانا است۔

در کافی از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود آیہ فوق ذربارہ فلان و فلان و ابی عبیدہ بن جراح و عبدالرحمن بن عوف و سالم مولی حذیفہ و مغیرہ بن شعبہ نازل شد چہ آنها میان خودشان نامہای نوشتہ و رد و بدل کردند کہ اگر عبداللہ بن مسعود کشتہ شود و یا وفات نماید نگذارند خلافت و امامت میان بنی ہاشم باقی و برقرار بماند خداوند پیغمبرش را بوسیلہ این آیہ خبر داد و آن جماعت را معرفی نمود

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَنَاجُوا بِالْإِسْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَتَنَاجُوا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُخْشَرُونَ (۹)

إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَيْسَ بِضَارِمٍ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا يَذْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۱)

و این حدیث را ابن بابویه نیز روایت کرده و حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در معنای آیه فرمود خداوند همیشه بوده بدون زمان و مکانی و حال بهمان حالت هست و خالی نیست مکانی از خداوند و اشتغال نکرده مکانی را و مردم با هم هیچ سری را نگویند جز آنکه خداوند با آنها میباشد و برای انجام امری اجتماع نکنند مگر آنکه خداوند با آنهاست و از سر ایشان اطلاع دارد و نیست میان او و مخلوقاتش حجاب و پرده ای، از خلق محجوب و پنهان است ولی بدون حجاب و پرده خداوند بزرگ و مقتدر و دانا است (الم ترالی الذین نهوا عن النجوى ثم یعودون لما نهوا عنه ویتناجون بالاثم والعدوان ومعصیت الرسول و اذا جاؤک حیو ک بما لم یحیک به الله ویقولون فی انفسهم لولا یعذبنا الله بما نقول حسبهم جهنم یصلونها فبئس المصیر) طبرسی از ابن عباس روایت کرده که آیه فوق درباره یهود و منافقین نازل شده آنها با یکدیگر راز میگفتند در غیاب مؤمنین و نظر میکردند بمؤمنین و با چشم بهم زدن آنها را مسخره میکردند مؤمنین گمان میکردند که منافقین از کشتن خویشان و برادران آنها که بجهاد رفته اند خبری دارند لذا ملول و افسرده میشدند و چون خویشان و برادران آنها سلامت باز میگشتند مسرور و خوشحال میشدند بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله شکایت کردند از منافقین آنحضرت نهی فرمود از راز گفتن، منافقین مخالفت

ایکسانیکہ ایمان آوردید چون راز گوئید با ہم هرگز بگناه و دشمنی و نافرمانی پیغمبر راز نگوئید بلکه بر نیکوئی و تقوی راز بگوئید و از خدائیکہ پس از مرگ بسوی او باز میگردید بترسید و پرهیز کار شوید (۹) زیرا نجوی از عمل شیطان است کہ میخواهد مؤمنین را محزون گرداند و حال آنکہ هیچزیانی بآنها نمیرساند مگر بفرمان خدا و مؤمنین ہم باید پیوستہ بر خدا توکل کنند (۱۰) ای اهل ایمان هر گاہ بشما گفتند کہ در مجالس جای را بر یکدیگر فراخ کنید، جای باز کنید تا خدا بر توسعہ و منزلت شما بیفزاید و هر گاہ گفتند از جای خود بر خیزید حکم خدا را اطاعت کنید کہ خدا مقام اهل ایمان و دانشمندان را در دو جهان بلند میگرداند و البتہ خدا بہر چہ کنید آگاہ است (۱۱)

نموده و باز نایستادند از راز گفتن آیہ مزبور نازل شد، دیگر آنکہ یہودیان حضور رسول خدا میرسیدند و بجای السلام علیک السام میگفتند و السام بمعنی موت است و بعضی از منافقین حضورش شرفیاب شدہ درخواست میکردند چیزیرا کہ از برای آنها حلال نبود حلال نماید و بکلامیکہ مرسوم بود زمان جاهلیت مانند انعم صباحاً و مسائلاً بجای سلام تحیت میگفتند خداوند بہ پیغمبرش خطاب فرمود هر گاہ اینان تورا تحیت گویند بتحیتی کہ خدا دستور نداده بآنها بگو بجای تحیت شما خداوند تحیتی کہ از تحیت شما برتر و بہتر است و ان تحیت اهل بہشت کہ گفتن السلام علیکم میباشد امر و دستور فرمود: در کافی ذیل آیہ فوق از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود مرد یہودی وارد شد بر پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم عایشہ حضورش بود گفت السام علیک یعنی مرگ و شمشیر بر تو باد پیغمبر در جواب فرمود بر خودت باد یہودی دیگر وارد شد او ہم همینطور گفت رسول خدا فرمود بر تو باد سومی وارد شد او ہم همینطور، عایشہ در غضب شد گفت بر شما یہودیان سام و غضب و لعنت خدا باد ای برادران بوزینہ و خنجر پیغمبر فرمود ای عایشہ اگر فحاشی ممثل شود بصورت، بدی ممثل خواهد شد هرگز رفیق و مدارا را از دست ندہ عرض کرد ای رسول خدا مگر نشنیدی آنها چہ گفتند فرمود شنیدم منہم کلام آنها را بخودشان رد کردم و هر گاہ مسلمانانی بر شما سلام کنند در جوابش بگوئید سلام علیکم و اگر کافری

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ
 صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲)
 أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ
 اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ
 خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۳) أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَخْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَغْمَرُونَ (۱۴) أَعَدَّ
 اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۵)

سلام کند جوابش فقط عليك بگوئید

ابن بابویه از ابی سعید خدری روایت کرده که یکی از علائم نفاق داشتن
 بغض علی بن ابیطالب علیه السلام است روزی پیغمبر در مجلسی تشریف داشت دو نفر
 منافق بایکدیگر نجوی میکردند رسول خدا تا نگاهش بآنها افتاد غضب شدیدی
 بر حضرتش عارض شد و فرمود بآنخدائیکه جانم در دست قدرت او است کسی در
 بهشت داخل نمیشود مگر آنکه مرا دوست داشته باشد و دروغ میگوید کسیکه
 گمان میکند مرا دوست داشته و حال آنکه بغض علی را در دل خود پنهان کرده است
 پس از آن آیه مزبور در همان مجلس نازل شد (انما النجوى من الشيطان ليحزن
 الذين آمنوا وليس بضارهم شيئا الا باذن الله و على الله فليتوكل المؤمنون) سبب
 نزول آیه فوق آن بود که حضرت فاطمه (ع) در خواب دید پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
 حسنین و امیر المؤمنین و حضرتش را از مدینه بیرون برد رسیدند سر دوراه پیغمبر
 از راه راست آنها را برد تا رسیدند به نخلستانیکه نهر آب در آن جاری بود گوسفندی
 خرید که گوش آن نقطه سفیدی داشت ذبح نمود آن را و از گوشت آن گوسفند
 تناول کردند و همه آنها هلاک شدند از خواب بیدار شد خواب خود را بکسی اظهار
 ننمود صبح شد پیغمبر تشریف آورد و حیوان سواری همراه داشت حضرت فاطمه را

ای اہل ایمان ہر گاہ بخواہید با رسول سخن سری گوئید پیش از آن باید صدقہ دهید کہ این صدقہ برای شما بہتر و ہا کیزہ تراست و اگر از فقر چیزی نیابید در این صورت خدا آمرزندہ و مہربانست (۱۲) آیا از اینکہ پیش از راز گفتن با رسول صدقہ دهید از فقر ترسیدید؟ پس حال کہ اداء صدقہ نکردید باز ہم خدا شما را بخشید اینک نماز پیا دارید و زکوٰۃ بدهید و فرمان خدا و رسولش را برید و بدانید کہ خدا بہر چہ کنید آگاہست (۱۳) ای رسول ما آیا آن مردم را ندیدی کہ با کسانی کہ خداوند بر آنها غضب کردہ است دوستی نمودند اینان نہ از شما مسلمین هستند و نہ از فرقہ یہود و بدروغ سو گند یاد میکنند و خود میدانند کہ دروغ میگویند (۱۴) خدا برای آنها عذاب سختی مہیا کردہ و ایشان بسیار زشت کردارند (۱۵)

سوار کرد باتفاق امیر المؤمنین و حسنین از مدینہ بیرون رفتند بدو راہی رسیدند پیغمبر راہ راست را اختیار نمود رفتند تا رسیدند بہ نخلستانیکہ زیر آن نہر آب جاری بود توقف کردند پیغمبر گوسفندی خرید آنرا ذبح کرد گوشتش را کباب کردند چون خواستند تناول کنند حضرت فاطمہ بکناری رفت شروع بگریہ کرد پیغمبر فرمود اید دختر عزیزم سبب گریہ تو چیست؟ آنحضرت خواب خود را نقل نمود رسول خدا دو رکعت نماز بجا آوردہ و با خدا مناجات کرد جبرئیل فرود آمد عرض کرد ای رسول خدا شیطان است بنام الزہا آن خواب را بفاطمہ ارائه داد و در خواب چیز ہائیرا کہ سبب ہم و غم میشود بمؤمنین نشان میدہد و گفت ای رسول خدا امر کن آن شیطان حاضر شود چون حاضر شد پیغمبر باو فرمود تو بودی کہ آن خواب را بفاطمہ ارائه دادی گفت بلی ای رسول خدا پیغمبر سہ مرتبہ آب دہن بر او انداخت و فرمود قبیح شوی آنگاہ بہ پیغمبر اکرم ﷺ عرض کرد ای رسول خدا ہر گاہ یکی از مؤمنین در خواب چیزی را مشاہدہ کند کہ کراہت دارد از آن، کلمات ذیل را قرائت کند و بدمد بطرف چپ خود هیچ ضرری نمی بیند / اعوذ بما عادت بہ ملائکہ اللہ المقربون و انبیاء اللہ المرسلون و عبادہ الصالحون من شر ما رایت من رویاء و سورہ حمد و توحید و معوذتین را نیز قرائت کند پس از آن آیہ مزبور را

إِتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ (۱۶) لَنْ تَغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۱۷) يَوْمَ يَنْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُخَلِّفُونَ لَهُ كَمَا يَخْلِفُونَ لَكُمْ وَيَخْسِبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَّا يَأْتِيَهُمْ هُمُ السَّكَادِبُونَ (۱۸) إِنْ تَتَّخِذُوا عَالِيَهُمُ الشَّيْطَانَ فَأَنْتُمْ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۱۹)

فرد آورد ۔

و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود تاویل شیطان در آیه: دومی است (یا ایها الذین آمنوا اذا قيل لكم تفسحوا فی المجالس فافسحوا یفسح الله لکم و اذا قيل انشزوا فانشزوا یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات و الله بما تعملون خبیر)

سبب نزول آیه آن بود که مردم در منزل و مجلس رسول اکرم صلی الله علیه و آله ازدحام میکردند و چون تازه واردی داخل میشد در اطراف پیغمبر هجوم آورده مکانی بآنها نمیدادند و آنحضرت گرامی میداشت اهل بدر را از مهاجر و انصار روزی جمعی از اهل بدر وارد شدند از جمله آنها ثابت بن قیس بود جای باو ندادند بر پیغمبر گران آمد، فرمود بمردم غیر اهل بدر ای فلان بر خیز منافقین بمسلمانان گفتند آیا شما نمیکوئید پیغمبر با مردم بعدالت رفتار میکند این عمل برخلاف عدالت بود زیرا غیر اهل بدر پیش از این جای گرفته بودند آیه فوق نازل شد فرمود ای مؤمنین هر گاه بشما گفتند در مجالس جای را بر یکدیگر فراخ دارید امر خدا را بشنوید تا خدا بر توسعه شما بیفزاید و چنانکه گفتند از جای خود برخیزید نیز حکم خدا را اطاعت کنید زیرا خداوند مقام اهل ایمان و دانشمندان را در دو

آن منافقین سو گندہای خود را برای حفظ خود قرار دادند و خلق را از راه خدا باز داشتند برای آنها عذاب ذات و خواری خواهد بود (۱۶) هرگز مال و فرزند، ایشان را از عذاب خدا رها نکند آنها اهل دوزخند و در آن همیشه معذب خواهند بود (۱۷) روزیکه خداوند همه آنها را بر انگیزد آنگاه سو گند یاد کنند برای خدا بدروغ آنچنانکه برای شما قسم یاد میکنند و گمان دارند دارای چیزی میباشند ای مردم بدانید این منافقین دروغگو هستند (۱۸) شیطان بر آنها غالب شده و ذکر خدا را از یاد ایشان برده است اینان حزب شیطانند ای اهل ایمان بدانید که حزب شیطان بحقیقت زیان کارانند (۱۹)

جهان بدرجات بسیاری بر مردمان دیگر برتری داده و پروردگار بهره بجا آوردید آگاهست ابن مسعود باصحاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله میگفت این آیه را بخوانید تا رغبت شما در علم و دانش زیاد شود چه خداوند میفرماید من مؤمن عالم را بر آنکسی که غیر عالم است بدرجات بسیاری برتری دادم پیغمبر اکرم فرمود خدایتعالی تفضل و برتری داده عالم را بر شهید بدرجهای و شهید را تفضل داده بر عابد بدرجهای و فضل عالم بر سایر مردم همان مقدار است که فضل من بر کمترین مخلوقات میباشد مداد و قلم دانشمندان بدرجات بسیاری از خون شهیدان افضل است هر کس بمیرد و در طلب علم باشد فردای قیامت میان او و پیغمبران یکدرجه فضل بیشتر نباشد (یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول فقدموا بین یدی نجویکم صدقة ذالک خیر لکم و اطهر فان لم تجدوا فان الله غفور رحیم) سبب نزول آیه آن بود که چون مردم بسیار حضور رسول خدا میرسیدند و سوالات بی شمار میکردند و خاطر پیغمبر اکرم را افسرده و رنجور مینمودند و اغنیا و توانگران حضورش بسیار توقف میکردند و سوالات بسیار مینمودند و مانع از ورود فقراء در محضرش بودند آنحضرت هم شرم و کراهت داشت از آنکه چیزی بآنها بگوید و بر گرداند ایشان را خدایتعالی آیه مزبور را فرستاد و ادب آموخت آنها را و فرمود چون خواهید با رسول من حدیث کنید مسئله پرسید و سر گوئید پیش از آن صدقه بدهید، تمام مردم بجز امیر المؤمنین علیه السلام از سؤال و گفتگو کردن با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله باز ایستادند

إِنَّ الَّذِينَ يُعَادُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ (۲۰) كَتَبَ اللَّهُ
لِالْغَابِينَ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۱) لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ
أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ
وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ
هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۲۲)

توانگران بخل کردند از صدقه دادن و فقراء چیزی نداشتند که صدقه بدهند و
بادعای عامه و خاصه امیرالمؤمنین دیناری نداشت فروخت بده درهم و ده مرتبه صدقه داد
و بارسول خدا نجوی کرد و بر اسرار علوم واقف شد و دیگران پیغمبر را رها کرده
و رفتند و آن زحمت بخلوت مبدل شد و بسبب وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام
خدای تعالی این حکم را از امت برداشت و بآیه ذیل منسوخ فرمود () اشفقتم ان
تقدموا بین یدی نجویکم صدقات فاذا لم تفعلوا و اتاب الله علیکم فاقیموا الصلوة اتوا الزکوة
واطیعوا الله ورسوله والله خبیر بما تعلمون) آیات رسیدید از آنکه پیش از راز گفتن بارسول
صدقه دهید فقیر شوید؟ حال که صدقه ندادید خداهم شما را بخشید اینک نماز بپا
دارید و زکوة بدهید و خدا و رسولش را اطاعت کنید پروردگار بهر چه عمل کنید
آگاهست ۔ عمر گفت امیرالمؤمنین علیه السلام دارای سه چیز بود که کسی دیگر
آنها را دارا نبود و اگر من یکی از آنها را داشتم بهتر بود برایم از داشتن
شتران سرخ موی اول همسری با حضرت فاطمه ، تمام صحابه حضرت فاطمه (ع) را از
پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خواستگاری کردند آنحضرت همه را رد کرد جز اسیرالمؤمنین
علیه السلام دوم در روز خیبر رسول خدا فرمود فردا پرچم را بدست کسی خواهم داد که

کسانی که با خدا و رسولش دشمنی و مخالفت میکنند خوار و ذلیل‌ترین مردم هستند (۲۰) خداوند این مطلب را حتم گردانیده است که من و رسولانم بر دشمنان غالب شویم محققاً خداوند بسیار قوی و مقتدر است (۲۱) ای رسول ما هرگز چنین نخواهی یافت مردمی که بخدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند با دشمنان خدا و رسول دوستی کنند هر چند آن دشمنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان ایشان باشند این مردم پایدارند که خدا بر دل آنان نور ایمان نگاشته است و بروح قدس الهی آنها را مؤید و منصور گردانیده و روز قیامت آنها را به بهشتی داخل کند که زیر درختانش نهرها جاریست پیوسته در آنجا جاوید بمانند خدا از ایشان خوشنود و آنها از خدا خوشنودند اینان حزب خدا هستند آگاه باشید که تنها حزب خدا رستگاران عالمند (۲۲)

تمام شد ترجمه سوره مجادله

خدا و رسولش او را دوست دارند و او نیز خدا و رسول را دوست میدارد حمله میکند بر دشمنان و هرگز فرار نخواهد کرد، پرچم را بدست امیر المؤمنین علیه السلام داد. سوم آیه نجوی است که فرود آمد و منسوخ شد و کسی بجز امیر المؤمنین علیه السلام بآن عمل ننمود و خود آنحضرت در مقام احتجاج بر مهاجر و انصار نسبت بنصب خلافت و فدک آیه فوق را یکی از مناقب خود بشمار آورده - عبدالله هارون خراسانی گفت از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام سؤال کردم چرا صدقه بر آل محمد علیهم السلام حرام است فرمود از مطلب بزرگی پرسش نمودی بدان که چون ما خویشتن را بدادن صدقه پا کیزه کرده‌ایم خدایتعالی نخواست که بگرفتن صدقه ما را مدنس کند آنگاه فرمود میدانی این موضوع در کجای قرآن است؟ عرض کردم در آیه و یطعمون الطعام می‌باشد فرمود این آیه نیست آیه نجوی است که یکروز پیش نبود روز دیگر آیه رخصت نازل شد چه خداوند در آن آیه میفرماید ذالک خیر لکم و اطهر، صدقه دادن برای شما بهتر و پا کیزه تراست زیرا مصلحتی بآن تعلق دارد آنگاه عذر خواست برای کسانی که ندارند تا بدانند خدا تکلیف ما لایطاق نکند (الم تر الی الذین تولوا قوما غضب الله علیهم ما هم منکم و لا منهم و یحلفون علی

الكذب و هم يعلمون) این در باره منافقین نازل شد عموماً و در باره دومی بالخصوص چه آنها با یهود دوستی میکردند و اسرار مؤمنین را بیهود می گفتند خدا را از این عمل بخشم آوردند فرمود ابرسول ما آیا نمی بینی این مردم با قومیکه خداوند بر آنها غضب کرده دوستی میکنند ایشان بحقیقت نه از شما مسلمین و نه از فرق بهود هستند بدروغ سو گند میخوردند و خودشان میدانند دروغ میگویند علی بن ابراهیم از صادقین علیه السلام روایت کرده فرمودند آیه در باره دومی نازل شده رسول خدا گذشت بر او دید نزد مرد یهودی نشسته و چیزی مینویسد حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد آنحضرت باو فرمود چه چیز از یهودیها مینوشتی و حال آنکه خداوند نهی فرموده شما را از این کتابت گفت ابرسول خدا اوصاف شما را از روی تورات آنها مینوشتم پیغمبر در غضب شد. مردی از اصحاب باو گفت ای عمر چرا پیغمبر را بغضب آوردی گفت من اوصاف پیغمبر را مینوشتم پیغمبر فرمود اگر موسی بن عمران میان آنها بود و نزد ایشان میرفتی برای آنچه چیزیکه میل داری همانا تو کافر بودی پس از آن میفرماید خدای تعالی برای اینگونه مردم عذاب بسیار سختی مهیا کرده چه آنها بسیار زشت کردارند. سو گندان خود را برای حفظ خود سپر قرار دادند و خلق را از راه خدا باز میدارند و برای آنها ذلت و عذاب خواری خواهد بود پس اقرار باسلام برای فرار از جزیه و کشتن است و هرگز مال و فرزندان، ایشان را از عذاب قهر خدا رها نکند اینان اهل دوزخند و در آن همیشه مذب خواهند بود (یوم یبعثهم الله جمیعاً فیحلفون له کما یحلفون لکم و یحسبون انهم علی شیئی الا انهم هم الکاذبون) ابرسول مایبدا آور روزی را که خدا تمام منافقین را برانگیزد و برای خدا آنچنان سو گند خورند که برای شما سو گند خوردند که ما کافر نبودیم و بر حق بودیم و گمان میکنند این سو گند بدروغ برای آنها اثری خواهد داشت چه در عالم آخرت گمان محال است زیرا معرفت و شناسائی آنجا ضروری است ای مؤمنین بدانید که منافقین مردم دروغگوئی هستند شیطان بر دل آنها احاطه پیدا کرده و بکلی ذکر خدا را فراموش کرده اند ایشان بحقیقت حزب شیطانند ای اهل ایمان بدانید که حزب شیطان زیان کاران عالمند - ، روز قیامت خداوند جمع

کند آنهائیکہ ستم نموده و غصب کرده اند حقوق آل محمد ﷺ را و اعمال ایشان را بآنها نشان میدهند سو کند میخورند برای خدایتعالی که ماچنین عملی نکردیم چنانکہ بدروغ برای پیغمبر ﷺ قسم میخورند در دنیا زیرا آن مردم باهم عهد بستند کہ نگذارند بعد از پیغمبر خلافت و امامت در میان بنی هاشم باقی بماند و در عقبہ تصمیم گرفتند پیغمبر اکرم ﷺ را بقتل برسانند وقتی خداوند خبر داد و آگاہ گردانید رسولش را از تصمیم و عهد بستن ایشان آمدند حضور پیغمبر اکرم ﷺ بدروغ سو کند یاد کردند کہ ما چنین تصمیمی نداشتیم و عهد و پیمانی بستیم آنوقت آیه ۷۴ کہ در سورہ توبہ است یحلفون بالله ما قالوا ولقد قالوا کلمۃ الکفر و هموا بما لم ينالوا تا آخر نازل شد سلیم بن قیس در اصل خود روایت کرده کہ امیر المؤمنین علیؑ فرمود امت اسلام هفتاد و سه فرقه خواهند شد یکفرقه از آنها در بہشت میروند و هفتاد و دو فرقه دیگر در دوزخ هستند سیزده فرقه از هفتاد و دو فرقه اظهار محبت و دوستی ما اہل بیت پیغمبر مینمایند بکی از آنها بہ بہشت خواهند رفت و دوازده فرقه دیگر در دوزخند آن فرقه ناجیہ کسانی میباشند کہ ایمان بمن دارند و تسلیم امر من هستند من و خاندان مرا دوست میدارند و از دشمنان ما بیزاری میجویند حق و امامت مرا شناخته اند و از قرآن و جوب اطاعت و فرمان برداری مرا دانسته اند و هرگز در بارہ من شک و شبہہ نمیکنند و بواسطہ نوری کہ خداوند در دل آنها آفریده است فضل و شرافت و مقام ارجمند من و اوصیاء بعد از مرا تا روز قیامت میدانند و فهمیده اند کہ ما را خداوند در قرآن قرین خود و پیغمبرش قرار داده و یقین خالص دارند بما و میدانند خداوند ما را پاک و پاکیزہ فرمودہ و معصوم و گواہان بر خلائق قرار داده و حجت او هستیم در روی زمین بر بندگان و هیچوقت از قرآن جدا نشویم و قرآن از ما جدا نشود تا وارد شویم کنار حوض کوثر حضور مقدس پیغمبر اکرم ﷺ این فرقه کسانی هستند کہ از آتش دوزخ نجات یابند و از ہر فنہ و گمراہی مصون باشند و داخل بہشت میشوند بدون حساب و ہفتاد و دو فرقه دیگر بغیر حق هستند و کفر داده میشوند زیرا آنها یار و

مددکار دین شیطان و دوستداران او میباشند و دشمنان خدا و رسول و مؤمنین هستند که بدون حساب وارد آتش خواهند شد چه ایشان از خدا و رسولش بیزارند و پرستش نمیکنند غیر خدا را از راهیکه نمی دانند و گمان می کنند که کار نیکی انجام میدهند روز قیامت سوگند می خورند که ما مشرک نبودیم و گمان می کنند که سوگند آنها برای ایشان اثری خواهد داشت و حال آنکه خودشان میدانند بدروغ قسم میخورند (ان الذین یجادون الله ورسوله اولئک فی الازلین . کتب الله لاغلبین اناورسالی ان الله قوی عزیز) آنانکه با خدا و رسول دشمنی و مخالفت می کنند در میان خلق خوار و ذلیل ترین مردم هستند خدایتعالی در لوح محفوظ نگاشته و حکم فرموده که البته من و پیغمبرانم بر دشمنان غالب شویم پروردگار قوی و مقتدر است سبب نزول آیه آن بود که چون مسلمانان فتح کردند قری و شهرهای حجاز را گفتند امید است که خداوند ما را فتح و فیروزی بخشد تا مملکت روم و فارس را نیز گشوده و تصرف کنیم منافقین گفتند مسلمانان گمان میکنند که روم و پارس مانند حجاز است آیه مزبور نازل شد که خدای تعالی قوی و مقتدر است و روم و فارس را اگر مصلحت باشد خواهید گشود (لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حاد الله ورسوله ولو كانوا آباء هم او ابناء هم او اخواتهم او عشیرتهم اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه و بدخلهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها رضی الله عنهم و رضوا عنه اولئک حزب الله الان حزب الله هم المفلحون) ای رسول ما هرگز نخواهی یافت کسانی که بخدا و روز قیامت ایمان دارند با دشمنان خدا و رسولش دوستی و مراودت کنند هر چند آن دشمنان پدران و یا فرزندان و برادران و خویشان آنها باشند چه ممکن نیست دوستی کفار با ایمان جمع بشود خداوند ایمان را بر دل این گونه مؤمنین ثبت کرده یعنی ایمانشان ثابت و برقرار است مانند نقش بر سنگ و قوی کرده آنها را به بصیرتی و مؤید و منصور گردانیده است و در بهشت داخل کند ایشان را که زیر درختانش نهرا جاریست در آنجا جاوید بمانند خداوند از آنها خوشنود و آنها نیز از خدا خوشنود باشند ایمان بحقیقت حزب خدا هستند و تنها حزب خداوند رستگاران عالمند این آیه در شأن فرزند عبدالله ابی نازل شده روزی حضور

پیغمبر بود آنحضرت آب آشامید عرض کرد ای رسول خدا تقاضا دارم بقیہ آب و نیم خورده خودتان را بمن لطف و مرحمت بفرمائید تا ببرم برای پدرم بیاشامد شاید ببرکت این آب داش از شك و شرك و نفاق پاك شود آن آب را از رسول اکرم ﷺ گرفت و نزد پدر برد گفت این آب نیم خورده رسول خداست بیاشام شاید دلت از شرك و نفاق پاك شود عبدالله بعنوان جسارت گفت چرا بول مادرت را نیاوردی آمد حضور پیغمبر اکرم ﷺ عرض کرد ای رسول خدا! اجازه بفرمائید تا گردن پدرم را بزخم او قابل هدایت نیست آنحضرت فرمود برو و مدارا کن و با او بساز خداوند پدرت را بکیفر اعمالش خواهد رسانید۔ محمد بن عباس ذیل جملہ اولئك کتب فی قلوبہم الایمان از محمد بن حنفیہ روایت کردہ گفت پدرم امیر المؤمنین علیؑ فرمود دوستی ما اہل بیت رحمتی است کہ خداوند در طرف راست قلب بنده خود فرود آورده و نقشی است کہ ثبت شدہ۔ ہر کس را کہ طرف راست قلبش را خداوند ثبت فرماید کسی قدرت و توانائی ندارد آن را زایل نماید آیا نمیشنوید قول پروردگار را کہ میفرماید (اولئك کتب فی قلوبہم الایمان) و حب ما اہل بیت ایمان است و از طریق مخالفین ابو نعیم از سلمان فارسی روایت کردہ گفت با امیر المؤمنین علیؑ عرض کردم ای مولای من حضور پیغمبر اکرم ﷺ شرفیاب نشدم مگر آنکہ دست مبارکش را بر کتف من زد و اشارہ نمود بشما و فرمود ای سلمان بدانکہ علی و حزب او رستگارانند

پایان سورہ مجادلہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ أَلَمُّ الْخَفِيَّاتِ (۱)
 هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ
 مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ
 مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ
 وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ (۲) وَلَوْ لَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ
 عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ (۳) ذَلِكَ
 بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۴)

سورہ حشر

سورہ حشر در مدینہ نازل شدہ و بیست و چہار آیہ و چہار صد و چہل و پنج کلمہ و ہزار و
 نہ صد و سیزدہ حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن - ابن بابویہ از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ
 کہ فرمود ہر کس سورہ حشر را قرائت کند بہشت و دوزخ و عرش و کرسی و
 حجب و آسمان و زمین و فضا و باد و طیور و درختان و کوهها و آفتاب و ماہ و فرشتگان
 بر اورحمت فرستند و استغفار کنند و اگر در آن روز یا شب بمیرد شہید مردہ است
 و در خواص قرآن از آنحضرت روایت کردہ کہ فرمود ہر کس این سورہ را در
 شب جمعہ بخواند ایمن باشد از بلا تا صبح و ہر کہ چہار رکعت نماز بجا آورد و در
 ہر رکعت بعد از حمد این سورہ را تلاوت نماید ہر حاجتی از خداوند طلب کند
 غیر از معصیت حاجتش بر آورده شود و از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ کہ
 فرمود ہر کس این سورہ را بنویسد و باب پا کیزہ بشوید بیاشامد ذہن و ذکاوت او

ترجمہ سورہ حشر

بنام خداوند بخشنده مهربان

ہرچہ در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خدای مقتدر حکیم مشغولند (۱) خدائیکہ کافران اہل کتاب را برای نخستین مرتبہ از دیارشان بیرون کرد شما مسلمین گمان نمی کردید و آنها ہم حصار محکم خود را نگہبان و مانع از عذاب و شکنجہ خدای پنداشتند ولی خدا آنها را از آنجا کہ گمان نمی کردند عذاب گردد و در دل آنان ترس را افکند تا بدست خود و بدست مؤمنین خانہ و دیار خود را خراب نمودند۔ ای ہوشیاران از این داستان پند و عبرت بگیرید (۲) اگر خدا بر آنها حکم جلاہ وطن ننوشتہ بود بطور حتم آنها را در دنیا عذاب می کرد و آتش دوزخ در آخرت برای آنها خواہد بود (۳) این جلاہ وطن برای آن بود کہ آنها با خدا و رسول دشمنی و مخالفت کردند و کسانی کہ با خدا دشمنی کنند بدانند کہ عذاب خدا بسیار سخت است (۴)

زیاد شود و فراموشی او کم گردد

خلاصہ مطالب سورہ حشر عبارت از جلاہ یہودیان بنی نضیر و حکم اموال آنها و بیان حال منافقین و مدح بعض مهاجرین و انصار و تشبیہ یہود و منافقین بشیطان و بیان عظمت قرآن کریم۔

قوله تعالى - . (سبح لله ما فی السموات وما فی الارض وهو العزيز الحكيم ، هو الذي اخرج الذين كفروا من اهل الكتاب من ديارهم لاول الحشر ما ظننتم ان يخرجوا وظنوا انهم ما بعثهم حصونهم من الله فايتمهم الله من حيث لم يحتسبوا و قذف في قلوبهم الرعب يخربون بيوتهم بايديههم و ايدي المؤمنين فاعتبروا يا اولي الابصار) این آیات درباره جلاہ یہودیان بنی نضیر نازل شدہ و داستان آن بدین قرار است۔ در مدینہ سہ طایفہ از یہود سکونت داشتند پیغمبر اکرم ﷺ کہ بمدینہ نزول اجلال فرمود آن سہ طایفہ بنام بنی نضیر و بنی قریضہ و قینقاع با حضرتش مصالحہ کردند و پیمان بستند کہ اگر کار زاری پیش آید نہ بر لہاو نہ بر علیہ

مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِبَنَةٍ أَوْ نَزَعْتُمْهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أَوَّلِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُجْزِيَ
 الْفَاسِقِينَ (۵) وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ
 وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَاطِرُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ (۶) مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ
 وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ
 الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا
 وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۷)

حضرت قیام کنند چون غزوه بدر واقع شد و رسول خدا ظفر یافت گفتند این همان
 پیغمبر است که مادر تورات اوصاف او را دیده و شنیده ایم او رسول حق است و
 راستگو کسی نمیتواند پرچم او را برگرداند و بر حضرتش ظفر یابد چون جنگ
 احد پیش آمد و مسلمین در ابتدای امر مغلوب شدند گفتند این آن پیغمبر نیست
 در باره او شك کردند و عهد و پیمانی که با رسول خدا بسته بودند بشکستند و عداوت
 را با آنحضرت آشکار کردند کعب اشرف که رئیس آنها بود با چهل سوار از یهود
 بجانب مکه حرکت نمود و با قریش عهد بست که سخنان آنها یکی باشد بر علیه
 رسول خدا، ابوسفیان هم با چهل مرد از قریش وارد خانه کعبه شدند در آنجا با
 کعب اشرف و همراهانش پیمان بستند و نامه ای رد و بدل کردند کعب و اصحابش
 بمدینه باز گشتند جبرئیل نازل شد پیغمبر اکرم ﷺ را خبر داد از عهد
 و پیمانی که کعب اشرف با قریش بسته است و گفت پروردگار امر فرموده که کعب
 را بقتل برسانی وقتی رسول اکرم ﷺ مطلع شد بر خیانت و نقض عهد آنها با
 صحابه و امیر المؤمنین ﷺ حرکت کرد بعنوان آنکه مسلمانان را در دین دومی
 که عمر و بن امیه الضمیری از بنی عامر کشته بودند یاری کند پیغمبر و اصحاب

آنچه از درختان خرما بریدید و آنچه را بر جای گذاشتید همه بامر خدا و برای خواری یهودیان فاسق نا بکار بود (۵) و آنچه را خدا از مال آنها بغنیمت باز داد متعلق بر رسول است زیرا شما سپاهیان هیچ اسب و استری نتاختید بلکه خدا مسلط می گرداند پیغمبران خود را بر هر کس که بخواهد و او بر هر چیز قدرت دارد (۶) آنچه خدا از اموال کافران بر رسولش غنیمت داد مخصوص خدا و رسول او و خویشان رسول و یتیمان و فقیران و راهگزان از آل رسول است و برای آنستکه این اموال و غنائم سبب افزایش ثروت توانگران نگردد و آنچه رسول حق بشما دستور داد بگیریید و هر چه را نهی نمود و اگذارید و از خدا بترسید که عذاب او بسیار سخت است (۷)

کنار قلعه آنها رسیدند ایشان در ظاهر از حضرتش احترام کردند و در باطن تدبیر قتل آن بزرگوار را فراهم آورده و خواستند از بالای قلعه سنگی بر سر مبارکش افکنند و او را بقتل برسانند جبرئیل فرود آمد و خبر داد آنحضرت را پیغمبر باز گشت و دستور داد بمحمد بن مسلمه که برادر رضاعی کعب بود کعب را بقتل برساند و در اثناء راه بانتظار محمد بن مسلمه توقف نمود او رفت با سه نفر از طایفه بنی حارث تا رسید کنار قصر کعب، صدا زد ای کعب من محمد بن مسلمه برادر تو هستم آمده ام چند دینار از تو قرض بگیرم کعب گفت قرض نمیدهم مگر با وثیقه گفت وثیقه حاضر است فرود آی و بگیر در آن روز کعب ازدواجی کرده بود عیال جدیدش باو گفت ای کعب نمیگذارم بروی زیرا من از این صدا بوی خون استشمام میکنم کعب بسخنان او اعتنائی نکرد فرود آمد با محمد بن مسلمه مشغول گفتگو شد و قدم زدند با هم مقداری که از قصر دور شدند محمد رفقاییش را صدا زد آنها کعب را مهلت نداده و بقتل رسانیدند طایفه او از قلعه بیرون آمدند که کعب را نجات دهند دیدند کعب کشته شده و محمد بن مسلمه با اصحابش رفته اند و اثری از آنها نیست خود را صحیح و سالم حضور پیغمبر اکرم ﷺ رساندند پیغمبر بمدینه بازگشت و فردای آنروز خبر قتل کعب را بمسلمانان داد مسرور و خوشحال شدند پس از آن رسول خدا شخصی را بجانب بنی نضیر فرستاد فرمود بآنها بگو حد'رند مرا از

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا
 مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرُسُلَهُ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ (۸)
 وَالَّذِينَ تَبَوَّؤُ الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا
 يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ
 بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۹) وَالَّذِينَ
 جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ
 وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ (۱۰)

قصد شما خبر داد میخواستید مرا بقتل برسانید یا از شهر مدینه خارج شوید و یا
 مهابای جنگ باشید گفتند ما خارج میشویم عبدالله ایی که سرسلسله منافقین بود
 فرستاد شخصی را بجانب آنها و گفت مبادا خارج شوید جنگ کنید با محمد ﷺ
 ما شما را یاری میکنیم و قریش هم یاری شما خواهند آمد اگر خارج شدید ما هم
 باشما خارج میشویم و اگر کشته شدید ما هم باشما کشته میشویم آنها از تصمیم
 اولی خود برگشتند و قلعههای خود را محکم نموده و آماده کارزار شدند یک نفر
 را حضور پیغمبر اکرم ﷺ فرستادند پیغام دادند ما بیرون نخواهیم رفت و مرگ
 بما نزدیکتر است از آنکه تو میگوئی آماده جنگ هستیم و هر کار که میخواهی
 انجام ده رسول خدا باتفاق اصحاب حرکت کردند بجانب آنها در حالتیکه تکبیر
 میگفتند امیر المؤمنین علیؓ پرچم را بدست مبارک گرفته پیشاپیش لشکر اسلام در
 حرکت بود رسیدند بدیار ایشان قلعههای آنها را محاصره کردند و هر چه نزدیک
 میشدند آنجا را خراب میکردند و مردانی بودند که خانههای خود را بدست خویش
 خراب مینمودند پیغمبر امر فرمود درختان آنها را قطع کنند فریاد ایشان بجزع
 وزاری بلند شد گفتند ای محمد ﷺ آیا خدای تو امر کرده بفساد کردن اگر

غنایم مخصوص فقراء مهاجر است کہ از وطن و اموالشان بدیار غربت رانده شدہ در طلب فضل و خشنودی خدا می کوشند و خدا و رسولش را یاری می کنند ایشان بحقیقت راستگویانند (۸) و کسانی کہ پیش از مهاجرین در خانہ و ایماز جای گرفتند و آنہائی را کہ ہجرت کردند بسوی ایشان دوست می دارند و در دل خود هیچ حاجتی و حسد و بخلی نسبت بآنها نمی یابند و ہر چند خود نیازمند باشند باز مهاجرین را بر خود مقدم می دارند و کسانی کہ خود را از بخل بر حذر می دارند ایشان رستگارانند (۹) و آنانکہ بعد از مهاجر و انصار آمدند و دایم در دعا بدر گاہ خدا عرضہ میدارند پرورد گارا ما و برادران ما را کہ در ایمان بر ما پیشی گرفتند ببخش و بیامرزد و در دل ما هیچگونہ کینہ ای از مؤمنین قرار مدہ پرورد گارا نورؤف و مہربانی (۱۰)

اینہا مال شما است بگیریذ و اگر مال ما است پس قطع نکنید جبرئیل نازل شد آیہ ما قطعتم من لینۃ اوتر کتموها فائۃ علی اصولہا فباذن اللہ و لیجزی الفاسقین را آورد یعنی آنچه از درختان خرما کہ در دیار یہودیان بنی نضیر بریدید و قطع نمودید و آنچه بر پا گذاشتید ہمہ بامر خداست و برای خواری و ذلت یہودیان فاسق نابکار است عاقبت راضی شدند حرکت کنند گفتند ای محمد ﷺ ما از شہر مدینہ خارج می شویم بشرط آنکہ اموالمان را بخود ما بدهید فرمود ممکن نیست ولی ہر اندازہ میتوانید با شتر از اموال خود بردارید و خارج شوید آنها راضی نشدند و چند روز دیگر توقف نمودند پس آن حضور پیغمبر آمدند و عرض کردند پیشنہاد شمارا می پذیریم ہر چہ میتوانیم از اموال خود با شتر حمل مینمائیم فرمود اکنون دیگر امکان ندارد زیرا از اول قبول نکردید حالا باید بدون مال خارج شوید و ہر کس مالی با خود بردارد او را بقتل میرسانیم راضی شدند پس از آن رسول خدا دستور داد بہر سہ نفر آنها یک شتر و لوازم سفر بدهند تمام ایشان از مدینہ بطرف شام بیرون رفتند جز دو طایفہ کہ در فدک ساکن شدند پرورد گار آیات فوق را نازل نمود و فرمود خدا است کہ کافران اہل کتاب را اولین مرتبہ از دینارشان خارج نمود و ہر گز شما مسلمانان گمان نمی کردید کہ آنها از منازل خود بیرون روند گمان میکردند کہ حصارہای محکمہ شان آنها را از قہر و انتقام خدا نگاہ میدارد

أَمْ تَرَىٰ إِلَىٰ الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن أَهْلِ الْكِتَابِ
لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نَطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ
لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۱) لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ
وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُهُمْ وَلَئِن نَصَرُوهُمْ لَيُولَٰنَ الْأَذْبَارُ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ (۱۲)
لَآتُمْ أَشَدَّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۱۳)
لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَىٰ مُّحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ
شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (۱۴)

عذاب خدایتعالی بایشان رسید از آنجائیکه گمان نداشتند و خدا در دلهای آنها
ترس و بیم افکند آنها خانه‌های خود را بدست خود و بدستهای مؤمنین خراب
کردند پس ای هوشیاران عالم از این حادثه پند و عبرت بگیرید اگر خدا بر آنان
حکم جلاء و طردن نمیدارد در دنیا بقتل و اسارت معذب میشدند و البته در آخرت
عذاب دوزخ برای آنها خواهد بود و جلاء و طردن برای آن بود که ایشان با خدا
و رسولش سخت دشمنی و مخالفت کردند و هر کس با خدا دشمنی کند عقاب
خدا بسیار سخت است (و ما افاء الله علی رسوله منهم فما اوجفتم علیه من خیل
ولارکابولکن الله یسلط رسوله علی من یشاء و الله علی کل شیء قدير) و آنچه
را که خداوند از مال کافران باز گردانیده مخصوص پیغمبر است زیرا شما
سپاهیان اسلام بر آن هیچ اسب و استری نتاختید خدا رسولانش را بر هر که بخواهد
مسلط میگرداند و او بر هر چیز توانائی دارد (ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى
فله و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل کی لا یكون دولة
بین الاغنیاء منکم و ما آتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان
الله شدید العقاب) آنچه خداوند از اموال بنی نضیر بر رسول خود غنیمت داد تعلق

ای رسول ما آیا نمی بینی کسانی که نفاق ورزیدند و برادران خود که از اهل کتاب اند و کافرند میگویند اگر شما از دیارتان اخراج شدید ما هم با شما خارج شده و در راه حمایت شما از کسی فرمان نخواهیم برد و اگر باشما کار زار کردند ما شما را یاری می کنیم خدا گواهی می دهد که اینان دروغ میگویند (۱۱) اگر آنها از مدینه اخراج شدند هرگز منافقین با آنها خارج نخواهند شد و اگر مسلمین با ایشان کارزار کنند ایشان یاریشان نمی کنند و اگر هم بیاریشان بروند پشت بچنگ کنند و نصرت نخواهند یافت (۱۲) این مردم منافق در دلشان از شما ترس بسیار دارند تا از خدا چه آنها مردمانی هستند که هیچ فهم و شعور ندارند (۱۳) آنها باشما بطور جمع کارزار نمی کنند مگر در قریه های محکم حصار دار یا از پس دیوار، میان خودشان اختلاف و نزاع زیاد است و شما گمان می کنید آنها با هم متفق اند ولی حقیقت این نیست بلکه دلهاشان متفرق است زیرا این گروه دارای عقل و فهم نیستند (۱۴)

دارد بخدا و رسول و خویشاوندان رسول و یتیمان و بینوایان و راهگذران تا این غنیمت ها و اموال منحصر در دست ثروتمندان نگردد زیرا در زمان جاهلیت غنیمت مخصوص توانگران بود و آنچه رسول حق دستور داد بپذیرید و هر چه نهی کرد و اگذارید و از خدا بترسید که کفر و عقاب او بسیار سخت است - در کافی ذیل آیه فوق از سلیم بن قیس روایت کرده امیر المؤمنین علیه السلام فرمود بخدا قسم پروردگار از کلمه ذی القربی ما را قصد فرموده و بنفس خویش و پیغمبرش مقرون ساخته و مقصود از مساکین و ابن سبیل و یتامی از ما آل محمد هستند از برای ما سهمی در صدقات قرار نداده زیرا خداوند پیغمبر و آلش را گرامی داشته و آنها را از آنچه در دست مردم میباشد اطعام فرموده است چه صدقه اوساخ مردم است - و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود این آیه در خصوص ما آل محمد بتنهائی نازل شده ذوی القربی و مساکین و یتیمان آل محمد مراد است ارتباط ما از رسول خدا هرگز گسسته نشود سبیل ما میباشیم و جز ما سبیل و صراطی نیست -

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاتُ قُوَّةٍ وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۵)
 كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ
 إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۱۶) فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا
 وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (۱۷) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ
 نَفْسٌ مِمَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸) وَلَا تَكُونُوا
 كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسُهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (۱۹) لَا يَسْتَوِي
 أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ (۲۰)

و ذیل جمله ما آتیکم الرسول از ابی اسحق نحوی روایت کرده گفت وارد شدیم
 بر حضرت صادق علیه السلام فرمود ای ابی اسحق خداوند پیغمبرش را بر محبت خود
 ادب نمود و آیه : انک لعلى خلق عظیم را پس از آن احکام را بحضرتش فرمود
 « ما آتیکم الرسول فخذوه » و بعد فرمود « من يطع الرسول فقد اطاع الله » نازل
 فرمود سپس فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بامر خدا آنها را بامیرالمؤمنین علیه السلام وائمه
 بعد از آن بزرگوار تفویض نمود ای ابی اسحق شما شیعیان خاص تسلیم ما ائمه شدید
 و مردم انکار کردند ما و آیات وارده در حق ما را سوگند بخدا دوست دارم شما
 شیعیان را بشرط آنکه سخن بگوئید با آنچه ما ائمه گفته ایم و ساکت شوید در آنچه
 ما سکوت کرده ایم و از رأی و عقیده خود چیزی نگوئید ما واسطه میان شما و خدا
 هستیم پروردگار برای کسیکه مخالف امر ما باشد خیری قرار نداده خداوند امر
 خلق را به پیغمبرش و ما ائمه تفویض نمود تا معلوم شود چگونه مردم پیغمبر و ما
 ائمه را اطاعت مینمایند (للفقراء المهاجرین الذین اخرجوا من دیارهم و اموالهم
 یتبتغون فضلا من الله و رضوانا و ینصرون الله و رسوله اولئک هم الصادقون) غنائم
 خاص فقیران مهاجرین است که آنها را از وطن و اموالشان بدیار غربت بیرون کردند
 با این حال ایشان در طلب فضل و خوشنودی خدا میکوشند و خدا و رسولش ریاکاری

حال آنها مانند کافران پیشین است که در دنیا زود بکیفر گردازشان رسیدند و در آخرت هم عذاب دردناکی برای آنها فراهم است (۱۵) این منافقین در مثل مانند شیطانند که بانسان گفت بخدا کافر شو پس از آنکه آدم بفرمان او کافر شد باو گفت من از تو بی زارم چه از عقاب پروردگار جهانیان می ترسم (۱۶) پس عاقبت شیطان و آدمی که با او کافر شده آنستکه هر دو در آتش دوزخ مخلدند و آندوزخ کیفر ستمکاران است (۱۷) ای اهل ایمان از خدا بترسید و هر کدام از شما خوب بنگرد که چه عملی برای فردای قیامت خود پیش می فرستد و از خدا بپرهیزد که او بآنچه می کنید آگاهست (۱۸) مانند کسانی که بکلی خدا را فراموش کردند و خدا هم نفوس آنها را از یادشان برد نباشید اینان در حقیقت فاسق و تبه کارند (۱۹) اهل جهنم و اهل بهشت هر گز با هم برابر نیستند اهل بهشت همان اشخاص سعادت مند و رستگارانند (۲۰)

میکند اینان راستگویانند انصار کسانی هستند که پیش از هجرت مهاجرین در مکه برسول خدا ﷺ ایمان آوردند و مدینه را خانه اسلام و سرای ایمان قرار دادند و مهاجرین را که بسوی آنها آمدند دوست میدارند و در دل خود هیچ حسد و بخلی نسبت بمهاجرین نمی یابند و هر چند به چیزی نیازمند باشند باز مهاجرین را برخود در آن چیز مقدم میدارند و کسانی که خود را از خوی بخل و حرص نگاهدارند، ایشان رستگاران عالمند۔ چون آیه للفقراء المهاجرین نازل شد اموال بنی نضیر را اختصاص داده شد بفقراء مهاجرین، پیغمبر ﷺ بانصار فرمود اگر میخواهید با مهاجرین مواسات کنید خانه و اموالیکه دارید با آنها قسمت کنید تا اموال بنی نضیر را بطور تساوی میان شما مهاجرین و انصار قسمت نمایم چه مهاجرین در مدینه خانه و اموالی ندارند و چنانکه نمیخواهید مواسات کنید با آنها این اموال را بمهاجرین میدهم مطابق دستور خدا و اموال شما برای خودتان باشد عرض کردند ای رسول خدا ما حاضریم اموال خود را بین مهاجرین قسمت کنیم و طمع با اموال بنی نضیر نداریم آنهم خاص مهاجرین باشد جبرئیل نازل شد و آیه الذین تبوء الدار و الايمان را در مدح و ثنای انصار آورد۔ در کافی ذیل آیه (و یؤثرون علی

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ
وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۲۱) هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (۲۲) هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ
سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (۲۳) هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ
لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۲۴)

انفسہم و لو کان بہم خصاصہ) از جدیل بن دراج روایت کردہ حضرت صادق علیہ السلام
فرمود بہترین شما مردم کسانی هستند کہ با سخاوتند و شریترین شما بخیلان
باشند و از ایمان خالص است نیکوئی کردن با برادران و بر آوردن حاجات آنها
و خوبی نمودن بہ برادران را خداوند دوست میدارد و با این عمل بینی شیطان بخواک
مالیدہ میشود و سبب خلاصی از دوزخ و داخل شدن در بہشت است ایجمیل اینہا
را باصحاب خود خبر بدہ عرض کردم فدایت کردم آیا نیکوئی کردن بہ برادران
در حالت ثروت و تہی دستی است فرمود صاحب ثروت آسان است براو احسان
نمودن خداوند مدح فرمودہ آنہائیکہ تہی دست هستند و احسان میکنند آنگاہ
آیہ فوق را تلاوت فرمود و اینحدیث را شیخ مفید و طوسی نیز روایت کردہ
حضرت صادق علیہ السلام فرمود آیہ درشان امیر المؤمنین علیہ السلام نازل شد دیناری برای
قوت حضرت فاطمہ و حسنین علیہم السلام فراہم نمود دربین راہ مقداد بن اسود اظہار حاجت
کردہ آندینار را باشدت احتیاج خود بمقداد عطا فرمود و او را بر خود و خانوادہ اش
مقدم داشت فوراً جبرئیل نازل شد و آیہ مزبور را درشان آنحضرت آورد . ابن مسعود
گفت نماز شام را بارسول خدا بجا آوردم مردی از میان صف برخاست گفت ای

اگر ما این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم مشاهده می کردی که کوه از خوف خدا چگونه خاشع می شد و از هم شکافته و متلاشی میگشت این مثلها را در قرآن برای مردم بیان می کنیم تا در آیات ما اندیشه کنند (۲۱) اوست خدائی که جزا و موبودی نیست و او دانای نهان و آشکار و بخشنده و مهربانست (۲۲) اوست خدائی که غیر از او محبوبی نیست پادشاهی منزّه و پاک از هر نقص، ایمنی دلهای هراسان، نگهبان جهانیان، غالب و قاهر بر تمام خلق، دارای جبروت، بزرگ و بزرگوار و برتر از حد فکر، منزّه و پاک است از هر چه بر او شریک می پندارند (۲۳) اوست خدای آفریننده مخلوقات عالم امکان و پدید آورنده جهانیان و نگارنده صورت خلقتان، تنها برای او است نامهای نیکو آنچه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش او مشغولند و اوست خدای مقتدر و حکیم (۲۴)

پایان ترجمه سوره حشر

مهاجر و انصار مرد غریب سؤال در حضور پیغمبر اکرم ﷺ و نماز گاه میکنم مرا طعام بدهید رسول خدا فرمود ای بنده خدا نام غریب مبر که رگهای دلم را بریدی غریب چهار کس است اول مسجدیست که میان قومی باشد و در آن نماز نکنند دوم قرآن است در خانه ای که اهل آن نخوانند - سوم عالم و دانشمندیست که میان قومی و طایفه ای که احوال او نپرسند و از او تفقد نکنند چهارم اسپریست در میان کفار که خدا را نشناسند آنگاه فرمود کیست که مؤنه این مرد را متکفل شود تا خدای تعالی او را در فردوس اعلی جای دهد امیر المؤمنین علیؑ برخاست و دست سائل را گرفت بخانه برد بحضرت فاطمه (ع) فرمود ای دختر رسول خدا! این مهمان را پذیرائی کن گفت ای پسر عم در خانه جز اندکی گندم نبود از آن طعامی مهیا کرده ام بقدر یک نفر بیش نیست کودکانش ما گرسنه هستند شام روز داری امیر المؤمنین علیؑ فرمود بیاور آن طعام را چون آورد دید اندک است نزد مهمان گذاشت و دست مبارک را دراز کرد به بهانه آنکه چراغ را اصلاح کند آنرا خاموش کرد تا مهمان سیر شود چون سیر شد چراغ را روشن کرد دید طعام بر حال اول باقی است فرمود بآن مرد چرا طعام نخوردی عرض کرد یا امیر المؤمنین من طعام زیاده از متعارف خوردم

وسیع شدم خدای تعالی برکت داده است آنحضرت و فاطمه (ع) زهرا با کودکان نیز از آن طعام میل نمودند و زیادتى را بهمسایه ها مرحمت کردند صبح که امیرالمؤمنین علیه السلام مسجد تشریف بردند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود یا علی بخاطر آن عملیکه دیشب با مهمان رفتار نمودی و چراغ را خاموش کردی و طعام نخوردی تا مهمان سیر شود خداوند آیه و یثرون علی انفسهم را در شأن حضرت نازل فرموده است. امیرالمؤمنین علیه السلام جماعتی را دید فرمود شما کیستید عرض کردند ما متوکلین هستیم بتو کل زندگانی میکنیم فرمود بآنها تو کل شما بکجا رسیده است گفتند چون بیاییم بخوریم و اگر نیاییم صبر نمائیم فرمود سگهانزد ما همچنین باشند عرض کردند حضورش پس چگونه باید کرد فرمود مانند ما رفتار کنید اگر بیاییم انفاق و ایثار کنیم و اگر نیاییم شکر نمائیم (والذین جاء ومن بعد هم یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک رؤوف رحیم) کسانی که بعد از مهاجر و انصار آمدند دایم در دعا بدرگاه خدا عرض می کنند پروردگارا ما و برادران دینی ما را که در ایمان بر ما سبقت داشتند ببخش و در دل ما هیچ کینه و حسد قرار نده پروردگارا توئی که در حق بندگانت بسیار رؤوف و مهربانی عظیم عباس از ابن عباس ذیل آیه والذین جاء ومن بعدهم روایت کرده گفت خداوند واجب فرموده بر هر مسلمانی که استغفار کند برای امیرالمؤمنین علیه السلام بنص آیه فوق زیرا آنحضرت سابق امت است در ایمان و این حدیث را در مجالس از حضرت امام حسن علیه السلام روایت کرده است (الم تر الی الذین نافقوا یقولون لاخوانهم الذین کفروا من اهل الکتاب لئن اخرجتم لنخرجن معکم ولا نطیع فیکم احدا ابدا وان قوتلتهم لننصرنکم والله یشهدانهم لکاذبون) این آیه درباره عبدالله بن ابی نازل شده پیغام فرستاد به یهودیها خارج نشوید و با محمد جنگ کنید ما شمار ایاری خواهیم کرد پروردگار میفرماید خداوند گواهی میدهد که منافقین دروغ می گویند اگر یهود از مدینه اخراج شدند هرگز منافقین با آنها خارج نمیشوند و چنانکه مسلمانان با ایشان کارزار کنند منافقین یاری آنها نخواهند کرد و اگر بیماری آنان روند پشت بچنگ کرده و دیگر

نصرت نخواهند یافت زیرا این مردم منافق از شما مؤمنین بیشتر میترسند تا از خدا چه آنها مردمی هستند که هیچ فهم و شعور ندارند تا خدا ترس باشند یهودیان از ترس با شما کارزار نکنند مگر در حصارهای محکم یا از پس دیوارها شجاعت و وصولت و کارزار در بین خودشان سخت است یعنی تا بایکدیگر باشند لاف زنند و بزبان اظهار شجاعت نمایند و چون بیرون آیند از ایشان ترس دل و ضعیف تر کسی نباشد شما مسلمین گمان می کنید آنها باهم مجتمع و بایکدیگر متفقند در صورتی که دلهایشان پراکنده و متفرق است این تفرقه برای آنست که آنها شعور ندارند و عقل بکار نمی بندند (که مثل الذین من قبلهم قریباً ذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب الیم) یهودیان در مثل مانند کافران پیشین هستند در دنیا بزودی بکیفر گردایشان رسیدند و در قیامت هم عذاب دردناک برای آنها مهیا است آنگاه مثل زدن منافقین و یهود را بشیطان بقولش (که مثل الشیطان اذ قال للانسان ا کفر فلما کفر قال انی بریء منك انی اخاف الله رب العالمین فکان عاقبتهم ما انهما فی النار خالدین فیها و ذالک جزاء الظالمین) این منافقین در مثل مانند شیطانند که بانسان گفت بخدا کافر شو پس از آنکه انسان باطاعت او کافر شد آنگاه باو می گوید من از تو بزارم زیرا از عقاب پروردگار جهانیان سخت میترسم پس عاقبت شیطان و انسانیکه با او کافر شد اینست که هر دو در آتش دوزخ مخلدند و آن دوزخ کیفر ستمکاران است. طبرسی از ابن عباس و ابن مسعود روایت کرده که مراد بانسان در آیه بر صیصای راهب است و داستان او بدینقرار است در زمان فترت در صومعه ای هفتاد سال خدا را عبادت کرد شیطان هر چه خواست بر او ظفر یابد نمیتوانست یکروز شیاطین را جمع کرد و گفت مرا حیلہ ای بیاموزید در کار بر صیصا یکی از آنها گفت من تدبیری کنم ، بر صورت راهبی سر تراشیده جامعه رهبانان پوشیده بزیر صومعه بر صیصا آمد و او را صدا زد جواب نداد عادت بر صیصا آن بود که از نماز روی بر نمی گردانید مگر یکساعت برای افطار و روزه وصال داشت چون آن شیطان دید بر صیصا جواب او را نمی دهد بنماز مشغول شد بر صیصا از نماز که فارغ شد راهبی را مشاهده کرد بنماز مشغول است بهیمتی نیکو تأسف خورد که

چرا جواب اورا ندادم متوجہ او گردید و گفت ای بنده خدا مرا معذور بدار از آنکہ جواب تورا ندادم در نماز بودم اکنون فارغ شدم بفرمائید چکار دارید شیطان باو گفت مرا آرزوست کہ باتو یکجا باشم و عبادت خدا بجا آوریم من سیرت تو بر گیرم و بتو اقتداء کنم و از علم تو اقتباس نمایم و بدعای تو رغبت می کنم و من نیز تورا دعاء می کنم بر صیصا گفت من تمام مؤمنین را دعا می کنم اگر تو مؤمنی در آنها داخل می باشی گفت ای بر صیصا حاجت من آنست کہ باتو در یکجا باشم و بسیار گریہ کرد بر صیصا اورا اجازه داد داخل صومعہ شود وارد صومعہ شد چنان در عبادت و روزہ افزود کہ بر صیصا عبادت خود را حقیر شمرد و گفت عبادت و قوت این مرد بیش از عبادت و قوت من است چون یکسال گذشت بہ بر صیصا گفت من می خواهم بروم مرا رفیق دیگری است کہ از تو عابد تر است بر صیصا از مفارقت او بسیار اندوہناک شد چہ راہبی از خود عابد تر یافته است گفت ای بر صیصا تورا دعائی می آموزم کہ بہتر از ہمہ چیز است و آن نامہای خداوند است بہر بیماری بخوانی فوراً شفا یابد و دیوانگان را عقل بخشد آن دعا را باو یاد داد و بر گشت نزد شیطان گفت کار بر صیصا را تمام کردم و اورا بہلاکت انداختم پس از آن مردی را گرفت و کلوی او را فشرد آنگاہ بصورت طبیعی درآمد و گفت این مرد دیوانہ شدہ من اورا خوب می کنم راہ نمائی کرد اورا بہ نزد راہب بردند التماس کردند بر صیصا دعا کرد شفا یافت خبر بر صیصا در شہر منتشر شد تا یکروز دختر پادشاہ را نزد او بردند بر صیصا حاضر نشد دعا کند آن شیطان بصورت مردی ظاہر شد بآنها گفت دختر را در صومعہ او بگذارید و بہ برادران دختر گفت بہ راہب بگوئید این دختر کہ خواہر ما است امانت نزد تو می گذاریم و میرویم دختر را نزد بر صیصا امانت گذاشتند و رفتند بر صیصا چون از نماز فارغ شد دید آن دختر دارای حسن و جمال بی نظیر است شیطان او را وسوسہ کرد و گفت ہر گز چنین اتفاقی برای تو پیش آمد نخواہد کرد این دختر بی خبر است با او نزدیکی کن عاقبت بر صیصا را مغرور کرد بداد دختر نزدیک شد مباشرت کرد آہستہ شد شیطان نزد بر صیصا آمد گفت این چہ کاری بود

کردی خود و تمام رهبانان را مفتضح نمودی بہتر آنست کہ دختر را بکشی و در زیر این کوه دفن کنی بر صیما در شب دختر را کشت و در آن کوه اورا دفن کرد شیطان آمد گوشہ جامہ اورا از خاک بیرون کشید برادران آمدند حال خواہر را پرسیدند بر صیما گفت دختر را دیو برد و ہر من غالب شد نتوانستم اورا از دستش نجات بدم آنها باور کردند و رفتند شب شیطان بخواب برادران آمد بایشان گفت بر صیما خواہر شمارا کشتہ و در زیر کوه دفن نمودہ صبح برادران ہر یک خواب خود را برای دیگری بیان کردند آن برادر دیگر گفت من نیز چنین خوابی دیدم گمان می کنم این خوابی است کہ شیطان بنا و نمود کردہ شب دیگر شیطان بخواب آنها آمد و گفت بروید جسد خواہر شما در فلان مکان است و گوشہ جامہ او ظاہر است آنها رفتند دیدند راست بود راہب را گرفتند بشہر آوردند تا اورا بدار کشند شیطان آمد نزد بر صیما باو گفت مرا می شناسی جواب داد نہ گفت من راہب صاحب تو ہستم بعد از من آبروی خود و ہمہ عابدان را بردی ولی من چیزی بتو می آموزم تا از این گرفتاری نجات یابی گفت چکنم شیطان جواب داد مرا سجدہ کن تا بدعا چشمہای ایشان را بگیرم و تو بگریزی وقتی گریختی توبہ کن خدا توبہ تو را پذیرد بر صیما شیطان را سجدہ کرد و کافر شد .

راوی این حدیث و سلسلہ سند آن عامہ است و بر خلاف عقل و مذهب امامیہ است و این مثل برای یہودیہای بنی نضیر آوردہ شدہ چہ آنها مغرور شدند بوعده های منافقین پس از آنکہ گمراہ شدند منافقین ہم از ایشان بیزاری جستند و رہا کردند آنها را و اگر چہ آیہ نازل شد در بارہ عبد اللہ ابی و سایر منافقین لکن عام است و شامل ہر انسانی می شود کہ شیطان اورا بکفر و سوسہ کردہ چون کافر شد از او بیزاری جوید پس از این موعظہ می کند مؤمنین را بقولش / (یا ایہا الذین آمنوا اتقوا اللہ و لنظر نفس ما قدمت لغد و اتقوا اللہ ان اللہ خیر بما تعملون) ای مؤمنین از خدا بترسید و ہر نفسی باید ہنگرد تا چہ عملی برای فردای قیامت خود پیش می فرستد و از خدا بترسید کہ او بہمہ کردارتان بخوبی آگاہست (ولانکونوا کالذین نسوا اللہ فانفسہم اولئک ہم

الفاسقون) ابن بابویه ذیل آیه فوق از عبدالعزیز بن مسلم روایت کرده گفت تفسیر آیه را از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردم فرمود خداوند هیچ سهو و فراموشی ندارد مخاوقات که حادثند دارای سهو و فراموشی میباشند آیات شنوی قول خداوند را که میفرماید وما کان ربک نسیا و معنای آیه آنست که خداوند ترک می کند او را تا استعداد و قابلیت ملاقات روز قیامت را پیدا نکند (لایستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة اصحاب الجنة هم الفائزون) هرگز اهل دوزخ و اهل بهشت باهم یکسان نیستند اهل بهشت سعادت مند خواهند بود - ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آیه را تلاوت می نمود میفرمود اصحاب بهشت کسانی هستند که امر را اطاعت کنند و تسلیم علی بن ابیطالب علیه السلام باشند و اقرار بولایت آنحضرت نمایند حضورش عرض کردند اصحاب دوزخ چه کسانی هستند فرمود آنهایی که نقض کنند عهد مرا بعد از من و باعلی مجادله و قتال کنند و غضب نمایند درباره ولایت علی علیه السلام - و از مخالفین موفق بن احمد در کتاب مناقب خود از جابر انصاری روایت کرده که در خانه کعبه حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودم امیر المؤمنین علیه السلام وارد شد رسول خدا فرمود آمد بسوی شما برادرم علی علیه السلام پس از آن پرده خانه کعبه را بدست مبارک گرفت و فرمود بآنخدائی که جانم بدست قدرت او است این علی و شیعیانش رستگارانند و نیز روایت کرده دوزی حضرت فاطمه (ع) گریه مینمود پیغمبر باو فرمود ای فاطمه گریه نکن فردای قیامت که مبعوث و از طرف پروردگار خوانده شدم علی با من است ای فاطمه (ع) علی و شیعیان اوفائز و رستگار وارد بهشت میشوند (لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون) پروردگار در این آیه خبر میدهد از عظمت قرآن و بر سبیل مثل میفرماید اگر ما این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم و آن کوه از چیزهایی بود که میشنید و تعقل و اندیشه می نمود مشاهده میکردی ای محمد صلی الله علیه و آله که کوه خاشع و ذلیل شده و از ترس خدا متلاشی و شکافته میشد ولی کفار قسی القلب دلهایشان بمواعظ قرآن نرم نخواهد شد و این مثلها را در قرآن میزنیم برای مردم تا فکر و اندیشه کنند و پند و عبرت بگیرند پس از آن خبر میدهد

بعظمت و ربوبیت خود (ہو اللہ الذی لا الہ الاہو عالم الغیب والشہادۃ ہو الرحمن الرحیم۔
 ہو اللہ الذی لا الہ الاہو الملک القدوس السلام المؤمن المہیمن العزیز الجبار المتکبر
 سبحان اللہ عما یشر کون۔ ہو اللہ الخالق الباری، المصور لہ الاسماء الحسنیٰ یسبح لہ
 ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم) فرمود او آنخدائی است کہ جزا و خدائی
 نیست، دانای نہان و آشکار است، بخشنده و مہربان است در حق بندگان، او آنخدائی است
 کہ جزا و خدائی نیست، پادشاہ است، و پاک است از هر عیب و وصفی کہ لایق او نباشد
 منزہ و مبرا است، تصدیق کنندہ پیغمبران خود است، و ایمنی دلہای ہر اسان،
 و امین و گواہ است بر بندگان خود، غالب و قاهر است بر مخلوقات، با جہروت و بزرگی
 و بزرگواری است، برتر از حد فکرت، و پاک و منزہ است از آنچه مشرکین باو
 شرک می آورند و آنخدای آفریدگار است و پدید آورندہ معدومات، نگارندہ صورتہای
 مخلوقات است اورا است نامہای نیکو تر و ہر چہ در آسمانہا و زمین است ہمہ بہ
 تسبیح و ستایش اوصاف جلال و جمالش مشغولند و او است خدای قاهر و غالب حکیم۔
 انس بن مالک از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس سہ آیہ آخر سورہ
 حشر را بخواند خداوند گناہ گذشتہ و آیندہ او را بیامرزد و ہر کہ در صبح بگوید
 اعوذ باللہ السميع العليم من الشيطان الرجيم وسہ آیہ آخر این سورہ را تلاوت کند
 خداوند تعالی ہفتاد فرشتہ را براو موکل گرداند تا شب صلوات بفرستند و اگر آنروز
 بمیرد شہید مردہ است و همچنین است اگر شب بخواند آنہارا، و از آنحضرت سؤال
 کردند از اسم اعظم خدا فرمود بر شما باد بہ تلاوت کردن آخر سورہ حشر در کافی
 ذیل آیہ لہ الاسماء الحسنیٰ از ہشام بن حکم روایت کردہ گفت سؤال نمودم از حضرت
 صادق علیہ السلام اسماء خداوند و اشتقاق آنہارا فرمود اللہ مشتق است از الہ بمعنای پرستش
 کردن و ہر پرستشی پرستش کردہ شدہ ای میخواید یعنی ہر عابدی معبودی لازم
 داد و اسم غیر معنی و مسمی است و ہر کس پرستش کند اسم را بدون توجه بہ معنا کافر است
 و عبادت نکردہ خدا را و اگر پرستش نماید اسم و معنی ہر دورا مشرک است و عبادت
 کردہ دو چیز را و آنکہ پرستش کند معنای تنہا را او موحد و خدا پرست است عرض
 کردم حضورش فدایت گردم توضیح بیشتری بیان فرمائید فرمود ای ہشام برای
 خداوند نود و نہ اسم می باشد اگر ہر اسمی بعینہ همان معنی و مسمی بود همانا ہر اسمی

خدائی است لکن خداوند معنائی است که دلالت دارند بر او تمام اسامی و جمیع آنها غیر معنی میباشند ای هشام مثلی برایت میزنم تا روشن شود نان اسم است برای چیزی که میخورند و آب برای آنکه می آشامند و لباس برای آنچه می پوشند آتش اسم است برای آنچه میسوزاند ای هشام فهمیدی اینها را حفظ کن تا بتوانی با دشمنان ما مباحثه کنی و بر آنها غالب شوی هشام عرض کرد فدایت کردم فهمیدم فرمود خداوند بتواند برحق ثابت گرداند هشام میگوید سو کند بخدا از آنروز که حضرت صادق علیه السلام این فرمایشات را بمن فرمود در توحید و خدا شناسی کسی بر من غالب نشد .

این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بامیر المؤمنین علیه السلام فرموده برای خداوند نود و نه اسم باشد هر کس آنها را حفظ کند و بشمارد داخل بهشت می شود و آنها بدین قرار است - الله - الاله - الواحد - الاحد - الصمد - الاول - الاخر - السميع - البصیر - القدير - القادر - القاهر - العلی - الاعلی - الباقی - البدیع - الباری - الاکرم - الطاهر - الباطن - الحی - الحکیم - العلیم - الحلیم - الحفیظ - الحق - الحسیب - الحمید - الخفی - الرب - الرحمن - الرحیم - الذاری - الرزاق - الرقیب - الرؤف - البار - السلام - المؤمن - المهیمن - العزیز - الجبار - المتکبر - السید - السبوح - الشهید - الصادق - الصانع - الطاهر - العدل - العفو - الغنی - الغیاث - الفاطر - الفرد - الفتاح - الفالق - القدیم - الملك - القدوس - القوی - القریب - القیوم - القابض - الباسط - قاضی الحاجات - المجید - المولی - المنان - المحیط - المبین - المقیت - المصور - الکبیر - الکافی - کاشف الضر - الوتر - النور - الوهاب - الناصر - الواسع - الودود - الهادی - الوفی - الوکیل - الوارث - البر - الباعث - التواب - الجلیل - الجواد - الخیر - الخالق - خیر الناصرین - الدیان - الشکور - العظیم - اللطیف - الشافی .

و فرمود آنحضرت عالم غیب چیز است که در این جهان نیست و مشاهده نمیشود و عالم شهادت چیز است که موجود بوده مشاهده میشود - و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند بر پیغمبرش صلی الله علیه و آله نازل فرموده لا اله الا هو الحی

القیوم را و نامیده می شود باین اسماء الرحمن الرحیم العزیز الجبار العلی العظیم...
 درباره خدای تعالی بحیرت افتادند و هوشها از دست داده شده لذا برای خدامثلهاژده اند
 و او را ناشیائی تشبیه کردند و اشباهی برای او قرار دادند و گفتند خدا حلول میکند
 در اشیاء و زایل میشود از اشبائی این قبیل از مردم در دریای بی پایانی فرو رفتند نمی
 دانند انتهای آن را و درك نکنند اندازه دوری آنرا . و از امیر المؤمنین علیه السلام روایت
 کرده فرمود بخل نکنید در سلام کردن و غضب نکنید نیکو و پاکیزه سخن بگوئید
 شبانگاه و قتیکه مردم در خوابند نماز بجا آورید تا داخل بهشت شوید پس از آن تلاوت
 فرمود این آیه را : السلام المؤمن المہیمن ...

پایان سورہ حشر



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمُ
بِالْمُودَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ
أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي
تَسِرُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا تُخْفِيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ
فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (۱)

سوره ممتحنه

سوره ممتحنه در مدینه نازل شده و سیزده آیه و سیصد و چهل کلمه و هزار و پانصد و ده حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن - ابن بابویه از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره ممتحنه را در نمازهای واجب و مستحب تلاوت نماید خداوند امتحان فرماید دل او را از برای ایمان و دیده او را نورانی گرداند و فقر و دیوانگی در اولادش بهم نرسد هرگز. و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند فرشتگان بر او رحمت فرستاده و استغفار کنند و اگر در آن روز بمیرد شهید مرده است و مؤمنین شفیع او بشوند در روز قیامت. و هر که آنرا بنویسد و بآب بشوید و سه روز متصل بیاشامد دره جگر بر او باقی نماند و ایمن باشد از بادهای و امراض در مدت حیات خود باذن خداوند.

خلاصه مطالب سوره ممتحنه عبارت است از نهی نمودن مؤمنین از مراوده و

ترجمہ سورہ ممتحنہ

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای اهل ایمان نباید دشمنان من و دشمنان خود را یاران خود بر گرفته و طرح دوستی با آنها افکنید چه آنان بکتاییکه بر شما آمد کافر شدند و رسول خدا و شما مؤمنین را بجرم ایمان بخدا از وطن خود آواره کردند و اگر شما برای جهاد در راه من و طلب رضا و خوشنودی من بیرون آمدید پنهانی با ایشان دوستی نکنید که من با سرار نهان و اعمال آشکار شما از هر کس دانا ترم و هر که از شما چنین عملی انجام دهد براه ضلالت و گمراهی شتافته است (۱)

دوستی با کفار و یاری کردن از آنها و نأسی کردن بحضرت ابراهیم و حکم زنان مهاجرات و بیعت نمودن آنها در روز فتح مکه قوله تعالی (یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا عدوی وعدوکم اولیاء تلقون الیهم بالمودة وقد کفروا بما جاءکم من الحق بخر چون الرسول و ایاکم ان تؤمنوا بالله ربکم ان کنتم خرجتم جهادا فی سبیلی و ابتغاء مرضاتی تسرون الیهم بالمودة وانا اعلم بما اخفیتهم و ما اعلنتم و من یفعله منکم فقد ضل سواء السبیل) این آیات نازل شده در حق خطاب بن ابی بلتعہ و سبب نزول آن بود،

زنی بنام سارۃ مولای ابی عمرو بن صفی بن هاشم بن عبد مناف از مکه بمدینه آمد حضور پیغمبر اکرم ﷺ دو سال بعد از جنگ بدر آنحضرت باو فرمود آمده ای مسلمانان بشوی گفت خیر فرمود هجرت کرده ای عرض کرد خیر چون مولای من شمائید و من در مکه مولائی ندارم بسیار محتاج شده ام آمده ام تا بمن چیزی مرحمت بفرمائید تا باز کردم بسوی مکه فرمود چرا از اهل مکه درخواست ننمودی و آن زن در مکه پیشه اش غنا و نوحه سرائی بود عرض کرد پس از روز بدر کسی رغبت و میل پیدا نکرد و خوانندگی من رسول خدا بفرزندان عبدالمطلب فرمود چیزی باو بدهید تا بر گردد بمکه، آنها ده دینار و لباس و شتری باو دادند. رفت نزد خطاب بن ابی بلتعہ و از او چیزی خواست خطاب اسلام آورده و هجرت نموده بود عیالش حاضر نشد باو و هجرت نماید در مکه توقف کرد قریش چون خائف

إِنْ يَتَّقُوا اللَّهَ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَسْئِلْتَهُمْ
 بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ (۲) لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُهُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۳) قَدْ كَانَتْ لَكُمْ
 أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ
 وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ
 وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ
 لَا أُسْتَغْفِرُ لَكَ وَ مَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا
 وَإِلَيْكَ أُنِيبُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۴)

بودند از حرکت پیغمبر بسوی مکه لذا بعیال خطاب گفتند نامه ای بشوهرت بنویس
 تا ما را خبر دهد از خیل عجم و اهل بیت او نامه ای نوشت و بوسیله همان زن مغنیه
 فرستاد خطاب در جواب نامه نوشت که پیغمبر خیال جنگ دارد و نامه را بساره
 مغنیه داد تا ببرد آن زن نامه را میان پای خود پنهان کرد و بجانب مکه حرکت کرد
 جبرئیل نازل شد و پیغمبر را از نامه خبر داد آنحضرت امیر المؤمنین علیه السلام و زبیر بن
 عام را در تعقیب آن زن فرستاد تا نامه را بگیرند، در بین راه بآن زن رسیدند
 امیر المؤمنین علیه السلام باو فرمود نامه کجا است بمن بده گفت نامه ای نزد من وجود ندارد
 و گریست و سوگند یاد نمود که نامه ای ندارم متاعش جستند چیزی نیافتند خواستند
 برگردند و به رسول خدا خبر بدهند که نامه ای نزد او نیست امیر المؤمنین علیه السلام
 فرمود رسول خدا دروغ نمیگوید و جبرئیل هم دروغ نمیگوید نامه نزد او است پس
 از آن شمشیر کشید و فرمود بآن زن، بخدا سوگند اگر نامه را بیرون نیاوری سرت
 را از تن جدا خواهم کرد و برای پیغمبر میبرم چون این فرمایشات را از آنحضرت شنید

اگر کفار بر شما تسلط یابند باز همان دشمن دیرینند هر چه بتوانند بدست و زبان بر دشمنی شما میکوشند و چه قدر دوستدارند اگر شما کافر شوید (۲) هرگز روز قیامت خویشان و فرزندان شما سودی برایتان ندارند آنروز میان شما جدائی میافکند و خدا بهر چه کنید آگاهست (۳) برای شما مؤمنین بسیار پسندیده است که بایراهم و پیروانش اقتدا کنید چه آنها بقوم مشرک خود گفتند ما از شما و بتہائیکہ بجای خدا می پرستید بیزاریم. نگر ویدیم بشما و ہمیشہ میان ما و شما کینہ و دشمنی خواهد بود تا آنکہ بخدای یگانه ایمان آرید، مگر نہ آنکہ ابراہیم بپدرمادری خود گفت اگر ایمان آوری من برای تو از خدا آمرزش میطلبم و بر نجات تو از عذاب خدا هیچ کاری نتوانم کرد. پروردگارا بر تو کل کردیم و بسوی توباز گشت نمودیم و باز گشت تمام خلق بسوی تست (۴)

گفت روی بگردان تا نامہ را بیرون آورم آنحضرت صورت خود بر گردانید زن نامہ را از میان پای خود بیرون آورد و تسلیم امیر المؤمنین علیہ السلام نمود آنحضرت نامہ را حضور پیغمبر آورد رسول خدا دستور داد مخاطب را حاضر کردند باو فرمود این چه خیانتی بود کہ تو کردی عرض کرد ایرسول خدا بہ پروردگار سوگند کہ منافق نشدم و تغییر در دین ندادم و مراعات قریش نکردم گواہی میدهم کہ نیست خدائی جز خدای یکتا و شما پیغمبر بر حق هستید چون قریش با اہل و عیال من نیکوئی و معاشرت میکنند من دوست داشتم کہ پاداش دهم قریش را لذا این نامہ را نوشتم و من از قریش میترسم خواستم اینمعل منہی باشد از من نزد آنها عمر گفت ایرسول خدا اجازه بفرمائید گردش را بزعم او منافق است فرمود از اہل بدر است خدا میآمرزد او را از مسجد بیرونش کنید مردم با پشت دست او را از مسجد بیرون کردند و او متوجہ رسول خدا بود چون بدر مسجد بردند پیغمبر فرمود باز گردانید او را و فرمود توبہ کن توبہ کرد رسول خدا توبہ او را پذیرفته و قبول فرمود جبرئیل نازل شد آیات را در حق او آورد و فرمود ایمؤمنین بادشمنان من و دشمنان خودتان دوستی نکنید و طرح دوستی با آنها میفکنید چه آنها کافر شدند بقرآنیکہ بسوی شما از طرف خدا فرستادہ شدہ و رسول خدا و شما مؤمنین

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ
 الْحَكِيمُ (۵) لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أَنْسُوءٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ
 الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۶) عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ
 وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۷) لَا يَنْهَيْكُمْ
 اللَّهُ عَنْ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ
 وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (۸) إِنَّمَا يَنْهَيْكُمْ اللَّهُ عَنْ الَّذِينَ
 قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ
 تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹)

را بجرم آنکه بخدا ایمان آورده‌اید از وطن خود آواره کرده‌اند پس نباید اگر
 شما برای جهاد در راه من و طلب رضا و خوشنودی من از مکه هجرت کرده و بیرون
 آمده‌اید در پنهانی با کفار دوستی کنید من با سرار پنهان و اعمال آشکار شما از
 هر کس داناتر و هر کس از شما مؤمنین چنین عملی انجام بدهد براه ضلالت و گمراهی
 شتافته است اگر آنها بر شما تسلط یا بند باز دشمنی کنند و هر چه بتوانند بدست
 و زبان بردشمنی شما میکوشند و چه قدر دوست دارند که شما باز کافر شوید. ای مؤمنین
 بدانید روز قیامت خویشان و فرزندان شما هیچ سودی نخواهند رسانید در آن روز
 بکلی میان شما جدائی افکنند و خدا بهر چه کنید آگاهست (قد کانت لکم اسوة
 حسنة فی ابراهیم والذین معه اذ قالوا لقومهم اننا برآؤا منکم ومما تعبدون من دون
 الله کفرنا بکم وابدایننا و بینکم العداوة والبغضاء ابدآ حتی تؤمنوا بالله وحده الا قول
 ابراهیم لابیہ لاستغفرن لک وما املک لک من الله من شیئی ربنا علیک توکلنا والیک انبنا
 و الیک المصیر) برای شما مومنین نیکو و پسندیده است که با ابراهیم خلیل و
 آنهایی که با او بودند اقتدا کنید یعنی در موضوع بیزارى جستن از کفار چه آنها بقوم

پرورد گارا مارا سبب آزمایش کافران مگردان مارا بیامرز پرورد گارا تنها تو هستی درستکار و مقتدر (۵) برای شما مؤمنین هر که بخدا و ثواب روز آخرت امیدوار است پیروی کردن با ابراهیم و یارانش نیکو است و هر که روی از خدا بگرداند خدا بی نیاز و ستوده است (۶) امید است که خدا دوستی میان شما و دشمنان برقرار گرداند چه خدا بر هر کاری توانائی دارد و آمرزنده و مهربانست (۷) خدا شما را از دوستی آنانکه در دین قتال و دشمنی نکرده اند و شمارا از دیارتان بیرون ننموده اند نهی نمیکند تا بیزاری از آنها بجوئید با چنین اشخاص بعدالت و انصاف رفتار کنید . خداوند مردم با عدل و داد را دوست می دارد (۸) همانا خدا شمارا از دوستی کسانی که در دین با شما کارزار کردند و از وطنتان بیرون نموده و هم پشت شدند در بیرون کردن شما نهی کرده تا آنها را دوست نگیرید و کسانی که با آنان دوستی کنند ظالم و ستمکارند (۹)

مشرک خود گفتند ما از شما و بتها ئیکه بجای خدای پرستید بیزاریم ما منکر و مخالف شما هستیم و میان ما و شما دشمنی و دوری همیشه خواهد بود تا آن وقت که بخدای یگانه به تنهایی ایمان آورید. مگر نه آنکه ابراهیم پسر مادری خود گفت اگر ایمان آری من برای تو از خداوند آمرزش میطلبم تا از شرک پیشین تو درگذرد و اگر ایمان نیاوری دیگر من بر نجات تو از قهر و غضب خدا هیچ کاری نتوانم کرد آنگاه رو بدر گاه خدا کرد و گفت پرورد گارا ما بتو توکل کردیم و از همه جا رو بدر گاه تو آوردیم و میدانیم که باز گشت تمام خلق بسوی تو خواهد بود . پرورد گار در این آیه میفرماید مؤمنین باید در جمع خصال بحضرت ابراهیم اقتدا کنند مگر در يك خصلت که او مخصوص خود آنحضرت است که بخاطر عذر ظاهری برای پدر مادری خود استغفار نمود لکن استغفار حضرت ابراهیم مشروط بشرط ایمان پدر مادری او بود و چون شرط که ایمان است حاصل نشد مشروط که استغفار بود تحقق پیدا نکرد خدایتعالی این داستان را بیان فرمود تا مؤمنین بدانند که استغفار برای مشرکین نشاید و جایز نیست هر چند آن مشرک پدر مؤمن باشد چنانکه در آیه دیگر فرمود ما کان للنبي والذين آمنوا ان يستغفروا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَأَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ
أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَأَهُنَّ
حِلٌّ لَهُنَّ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ
تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تَنْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُوفَارِ وَاسْأَلُوا
مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكَمُ حُكْمُ اللَّهِ يُحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ (۱۰) وَإِنْ فُتِنْتُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَمَا قَبْتُمْ فَأَتُوا
الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِنْكُمْ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۱۱)

للمشركين و لو كانوا اولی القربی آنگاه دعا میکند حضرت ابراهیم و میفرماید
پروردگارا ما را مایه امتحان کفار مگردان و از شر آنها محفوظ بدار و بلطف و
کرم خود ما را بیمارز تنها توئی که بر هر کار مقتدر و دانائی باز خداوند این امت
را مخاطب قرار داده و میفرماید البته شما مؤمنین اگر بخدا و روز قیامت امیدوارید
نیکو و پسندیده است که اقتدا کنید با ابراهیم و پیروانش و هر کس از خدا روی
بگرداند خداوند بینای و بذات خود ستوده است (عسی الله ان يجعل بینکم و بین
الذین عادیتهم منهم مودة و الله قدير و الله غفور رحيم) امید است که خدا دوستی
میان شما و دشمنانتان که مشرکینند بر قرار گرداند بوسطه ایمان آوردن ایشان
و این عده تحقق پیدا کرد و بسیاری از آنها ایمان آوردند و با مؤمنین وصلت و
ازدواج کردند چه خداوند بر هر کار قادر و توانا است و آمرزنده و مهربانست
(لاینبهیکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان
تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین)

خداوند از دوستی کسانی که با شما در دین کارزار نکردند و از خانه و دیارتان
بیرون نمودند نهی نمیکند و با آنها بعدالت رفتار کنید و نیکوئی در حق ایشان

ای اہل ایمان زنانیکہ بعنوان اسلام و ایمان از دیار خود ہجرت کنند و نزد شما آیند آنها را آزمایش کنید خدا بر است و دروغ ایمانشان دانا تر است اگر با ایمان شناختید آنانرا بر نگردانید ایشانرا بسوی کفار این زنان بر کفار و آنها بر این زنان با ایمان حلال نیستند ولی مهر و نفقہ ایکہ شوہران کفار خرج اینان کردہ اند بآنها پردازید و با کی نیست بر شما مسلمانان کہ با این زنان ازدواج کنید و مهرشانرا بدہید و چنگ نزید باز دواج کردن با زنان کافرہ و اگر زنانشان از اسلام بکفر برگشتند از کفار مهر و نفقہ آنها را مطالبہ کنید کفار ہم مهر و نفقہ طلب کنند این است فرمان خدا میان شما بندگان حکم میفرماید و خدا بامور دانا و درست کردار است (۱۰) و اگر زنان شما بسوی کفار رفتند در مقام انتقام بر آئید و بمقدار همان مهر و نفقہ ایکہ خرج کردہ اند بمردانیکہ زنانشان رفتہ اند بدہید و از خدائیکہ با و ایمان آورده اید بترسید (۱۱)

بنمائید پروردگار مردم با انصاف و صاحب عدل را بسیار دوست میدارد (انما ینہیکم اللہ عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخر جوکم من دینکم و ظاہروا علی اخراجکم ان تولوہم و من یتولہم فاولئک ہم الظالمون) در کافی ذیل آیہ ربنا لاتجعلنا فتنۃ للذین کفروا از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود از فرزندان آدم نبود مومن مگر فقیر و محتاج و بینوا و نبود کافر مگر غنی و ثروتمند تا زمان حضرت ابراہیم آنحضرت دعا کرد و گفت پروردگار! اینحالت را از مؤمنین بردار و ما را مورد امتحان کفار قرار مده خداوند آنحالت را بر گردانید مسلمین را غنی و فقیر و ثروتمند قرار دادہ طبرسی ذیل آیہ لاینبہیکم اللہ عن الذین لم یقاتلوکم) از ابن عباس روایت کردہ آیہ مزبور در بارہ خزاعہ و بنی مدلیج نازل شدہ چہ آند و طایفہ بارسول خدا صلح کردند تا کارزار نکنند و بیاری دشمنان اسلام قیام نمایند لذا فرمود آنهائیکہ با شما کارزار نمیکنند مودت و دوستی با ایشان را خداوند منع نمیفرماید ولی کسانیکہ در دین با شما کارزار کردہ و از دیار و خانہ ہایتان بیرون نمودند البتہ نہی میکند خداوند کہ با این قبیل اشخاص دوستی و مراودہ کنید و آنانکہ با ایشان طرح دوستی و مراودہ افکنند از جملہ ستمکاران خواهند بود

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِهَتَّانٍ يَفْتَرِيهِ يَفْنَىٰ أَيْدِيَهُنَّ وَأَرْجُلُهُنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ قَدْ يَتَّبِعُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَتَّبِعُ الْكَافِرُ

من أصحاب القبور (۱۳)

(یا ایہا الدین آمنوا اذا جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن الله اعلم بايمانهن فان علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن الى الكفار لانهن حل لهن ولا هم يحلون لهن وآتوهن ما انفقوا ولا جناح عليكم ان تنكحوهن اذا آتيتهموهن اجورهن ولا تمسكوهن بمعصم الكوافروا اسئلوا ما انفقتم ولا يسئلوا ما انفقوا اذلكم حکم الله يحکم بینکم والله علیم حکیم) سبب نزول آیہ آن بود رسول اکرم در سال حدیبیہ با مشرکین صلح نمود و یکی از شرایط صلح این بود ہر کس از اہل مکہ بسوی مدینہ رود پیغمبر او را باز فرستد و ہر کہ از مدینہ بمکہ برود کفار او را رد نکنند پس از مدتی زنی بنام سبیعہ دختر حارث اسلمیہ مدینہ آمد و اسلام اختیار نمود شوہرش کافر بود حضور پیغمبر رسید عرض کرد ای محمد این زن از من گریختہ حضور شما آمدہ مطابق صلح و قرار داد او را بمن بدهید آیہ فوق نازل شد ابرسول ما و مؤمنین ہر گاہ زنانی بعنوان اسلام و ایمان از دیار خود ہجرت کنند و بجانب شما آیند خداوند براست و دروغ ایمانشان داناتر است شما آنها را امتحان کنید اگر از روی حقیقت ایمان آورده اند آنها را باز نگردانید بطرف مشرکین و ہرگز این زنان مؤمن بر آن شوہران کافر و آنها بر این زنان حلال نیستند ولی مہر و نفقہ ایکہ شوہران مخارج آن زنان کرده اند بآنها پردازد و باکی نیست شما مسلمانان با این زنان ازدواج کنید در صورتیکہ اجرت و مہرشان را بدهید و ہرگز متوسل

چون زنان مؤمن آمدند نزد تو ای پیغمبر تا بیعت کنند بر ایمان که دیگر شرک بخدا نیاورند و دزدی و زنا کاری نکنند و فرزندان خود را بقتل نرسانند و بر کسی اقرا و بہتان نزنند میان دست و پاهای خود و نافرمانی نکنند با تو با ایشان باین طریق بیعت کن و طلب آمرزش کن از خدا برای آنها خدا آمرزنده و مہربانست (۱۲) ای اہل ایمان ہرگز قومی را کہ خدا بر آنها غضب کردہ دوست و یار خود نگیرید چہ آنان از عالم آخرت نومید شدہ اند چنانکہ کافران از اہل قبور نالیدند (۱۳)

پایان ترجمہ سورہ ممتحنہ

نشوید بعصمت های زنان کافره و اگر زنهای شما از اسلام بکفر برگشتند از کفار مہر و نفقہ مطالبہ کنید آنها ہم مہر و نفقہ از شما طلب کنند این حکم خدا است در میان شما بندگان و خداوند بحقایق امور دانا و بمصالح خلق آگاہست و چون آیہ نازل شد پیغمبر اکرم ﷺ سبیعہ را سو گند داد بخدا او سو گند یاد کرد کہ چیزی مرا وادار نکرده بہجرت جز رغبت در اسلام و دین خدا . پیغمبر مہر اورا بشوہرش داد بحکم آیہ و آن زن را برنگردانید بشوہر کافرش ولی ہر کس از مردہا بمدینہ میآمد مطابق قرار داد اورا باز میگردانید بسوی قریش و اگر بخاطر صلح و قرار داد نبود مہر را بمشر کین نمیداد و امتحان برای آن بود کہ مبادا ہجرت آن زن بخاطر بغض بر شوہرش بودہ و یا بعشق یکی از مسلمانان داخل در اسلام شدہ است و چنانکہ از روی بصیرت بودہ و ثابت شود کہ راست میگوید بعد از استبراء رحم، مسلمین او را تزویج مینمودند . در کافی ذیل آیہ فوق از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس نزد او زن کافراست اسلام را باو عرضہ بدارد اگر قبول کرد عیال او است و اگر قبول ننمود خداوند نہی فرمودہ کہ چنگ بزنند بعصمت کافره و چنانکہ زن مسلمانی ملحق بکافر شد صدق آنزن را از کفار میگیرند و بمرد مسلمان میدهند و اگر آن کافر رد نکرد و مسلمانان غلبہ نمودند و اموال آنها را بغنیمت بردند باید پیش از قسمت غنیمت اول مہر آنزن را بمرد مسلمان بدهند و ہر گاہ زنی از کفار اسلام آورد

مهر آن زن را بشوهر کافرش میدهند (و ان فاتکم شیئی من ازواجکم الی الکفار
 فمأقبتم فاتوا الذین ذہبت ازواجہم مثل ما انفقوا و اتقوا اللہ الذی انتم بہ مؤمنون)
 سبب نزول آیه آن بود کہ دختر امیہ بن مغیرہ عیال عمر بود با او ہجرت نکرد
 بمدینہ و ماند بامشر کین معویہ اورا گرفت رسول خدا صدق اورا بدستور آیہ فوق
 و امر پرورد گار از معویہ گرفت و بعمر داد (یا ایہا النبی اذا جاءک المؤمنات یتابعنک
 علی ان لا یشرن کن باللہ شیئا ولا یسر قن ولا یزنین ولا یقتلن اولادہن ولا یتن بیہن ان یفتربنہ
 بین ایدیہن و ارجلہن ولا یعصینک فی معروف فبایعہن و استغفر لہن اللہ ان اللہ غفور
 رحیم) این آید روز فتح مکہ نازل شد پیغمبر اکرم ﷺ میان نماز ظہر و عصر
 جلوس فرمود در مسجد الحرام مردہا باحضرتش بیعت کردند و پس از نماز عصر
 امر فرمود ظرفی را پر از آب کردند آنحضرت دست مبارک خود را در آن آب
 گذاشت و بزنها فرمود ہر کس میخواہد بیعت کند دست خود را داخل آب کند
 و من با زنان مصافحہ نخواہم کرد و قرائت نمود آیہ مزبور را بر آنها کہ از شروط
 بیعت ایشان است امہ حکیم دختر حارث بن عبدالمطلب عرض کرد ای رسول خدا
 معروف چیست ؟ کہ ما ذنبا باید در آن نافرمانی شما نکنیم و خداوند ما را امر بآن
 نمودہ فرمود معروف عبارت از آنست کہ صورتہای خود را نخرائید و سلی بصورت
 خود ننزید و موہای خود را نکنید و گریبان چاک ننزید و لباس سیاہ نپوشید و صدا
 را بواویلا بلند نکنید و کنار قبرہا توقف ننمائید آن زنان با شروط در آیہ بکیفیت
 مزبور باہر پیغمبر خدا بیعت کردند حضرت صادق (ع) فرمود معروفیکہ باید معصیت
 رسولش را در آن بجا نیاورند عبادت است از نماز و روزہ و سایر واجبات دیگر .
 موفق بن احمد کہ یکی از علماء مخالفین است در مناقب ذیل آیہ فوق از زہر بن
 عوام روایت کردہ رسول اکرم ﷺ فرمود اول زنیکہ بامن بیعت نمود و پیادہ از
 مکہ بمدینہ ہجرت کرد فاطمہ دختر اسد مادر امیر المؤمنین (ع) بگو (یا ایہا الذین
 آمنوا لاتتولوا قوما غضب اللہ علیہم قد یئسوا من الآخرۃ کما یئس الکفار من اصحاب
 القبور) محمد بن عباس ذیل آیہ فوق از زیاد بن منذر روایت کردہ گفت امیر المؤمنین

ﷺ فرمود عجب است از ایامیکہ بین مام جمادی و رجب میباشد مردی حضورش
 عرض کرد آن عجب چیست کہ شما از آن تعجب میکنید فرمود مادرت بعزایت
 بنشیند کدام عجیبی عجیب تر میباشد از آنکہ مردہ گان با شمشیر بزنند گردن
 دشمنان خدا و رسول و اہل بیت پیغمبر را چنانکہ خدایتعالی میفرماید (ثم رددناکم
 الکرة علیہم و امددناکم باموال و بنین و جعلناکم اکثر نفیرا) این آیه تاویل آیه
 مزبور است خداوند در زمان ظهور حضرت حجة ﷺ روحی و روح العالمین لہ الفداء
 مردمانی را بر گرداند بدنیا و زندہ گرداند تا آنها با دشمنان خدا و رسول و اہل بیت
 پیغمبر ﷺ جہاد و کار زار نمایند و آنقوم ستمکار را بدیار ہلاکت رسانند و بجہنم
 فرستند پروردگار را مازار زندہ بداد یا بر گردان بدنیا تا چنان روزی را مشاہدہ
 نمائیم تا مشفی قلب ما بشود در اثر دیدن ذلت و خواری و پریشانی دشمنان آل
 رسول و منکرین احادیث اہل عصمت و طہارت بجاہ خانم پیغمبرانت محمد و آل او، صلواتک
 علیہم اجمعین آدین یارب العالمین

پایان سورہ ممتحنہ

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱)
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۲) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ
 تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا
 كَانَتْ لَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ (۴)

سورہ صف در مدینہ نازل شدہ و چہار دہ آیہ و دو بیست و بیست و یک کلمہ و نہصد حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویہ از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ صف را در نمازہای واجب و مستحب تلاوت نماید خداوند او را در ردیف فرشتگان و پیغمبران قرار بدہد انشاء اللہ و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس تلاوت کند سورہ صف را حضرت عیسیٰ برای او استغفار و رحمت بفرستد مادامیکہ در دنیا است و ہر کہ در مسافرت مداومت کند بر قرائت این سورہ تا بر گردہ بوطن خود از ہر شر ایمن گردد خلاصہ مطالب سورہ صف عبارت است از توبیخ منافقین و یہود و نصاری و امر بفرمانبرداری از رسول خدا و یاری کردن او و عمل نمودن بشریعت اسلام

قوله تعالی (سبح لله ما في السموات وما في الارض وهو العزيز الحكيم) تفسیر این آیہ در سور سبحات پیش گذشت (یا ایہا الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون کبر مقتاً عند اللہ ان تقولوا ما لا تفعلون) سبب نزول آیہ آن بود کہ مسلمانان گفتند اگر ما میدانستیم کدام عمل نزد خدا محبوب است آنرا بجای می آوردیم و مال و جان خود را بذل مینمودیم خدایتعالی امر فرمود بر سولش بآنہا بگو یدجہاد در راہ من

ترجمہ سورہ صف

بنام خداوند بخشنده مهربان

ہرچہ در آسمانها و زمین است همه به تسبیح خدا مشغولند و او ست مقتدر و حکیم (۱) ای اہل ایمان چرا بزبان چیزی میگوئید کہ بآن عمل نمیکنید (۲) این عمل کہ سخنی بگوئید و خلاف آن کنید بزرگی است و خدا را بخشم و غضب میآورد (۳) خدا آن مؤمنین را کہ در صف جہاد در راہ او مانند سد آهنین پایدارند بسیار دوست میدارد (۴)

از همه اعمال افضل و محبوب تر است ہر کہ طالب این عمل است باید در وقت جہاد ثابت قدم باشد چون روز احد پیش آمد بسیاری از آنها گریختند و در کار در تو بیخ ایشان آیہ فوق را فرو فرستاد و فرمود چرا چیزی بزبان میگوئید کہ در مقام عمل خلاف آن رفتار میکنید خداوند با صاحب پیغمبر وعدہ نصرت داد اگر مخالفت امرش ننمایند و عہدیکہ در بارہ امیر المؤمنین علیہ السلام با آنها بستہ شدہ نقض نکنند و میدانست بسیاری از ایشان بعہد خود پایدار نیستند و بآنچہ میگویند قیام نمیکنند لذا فرمود این عمل کہ سخنی بگوئید و خلاف آن رفتار کنید معصیت بزرگی است و خدا را بخشم و غضب میآورد ، پروردگار ، این قبیل از مردم را مؤمن نامید بواسطہ اقرار بزبانشان اگر چہ بقلب تصدیق ندارند (ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله فأنهم بنیان مرصوص) خدایتعالی آنها ئیکہ در جہاد با کفار مانند سد آهنین پایدارند دوست میدارد پس از آن بیان میفرماید صدق نیت و ثبات عزم و پایداری حضرت موسی را در مقابل اذیت و آزار قوم برای تسلیت خاطر مقدس پیغمبر کرم صلی اللہ علیہ وسلم بقولاش (محمد بن عباس ذیل آیہ فوق از ابن عباس روایت کردہ گفت آیہ مزبور در بارہ امیر المؤمنین علیہ السلام و حمزہ و عبیدہ بن الحارث و سہل بن حنیف و حارث بن ابی وجانہ انصاری نازل شدہ و این حدیث را عیناً حمیری کہ از مخالفین است روایت کردہ) (و اذ قال موسی لقومه یا قوم لم تؤذوننی و قد تعلمون انی رسول الله الیکم

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَتُذَوْنَنِي وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۵)
وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (۶) وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۷)

فلما زاغوا از اغ الله قلوبهم و الله لا يهدي القوم الفاسقين (ايرسول ما بياد آور وقتي را كه موسى بقوم خود گفت براي چه مرا دنج و آزار ميدهيد در صورتيكه ميدانيد من رسول خدا هستم بسوي شما. اذيت و آزار آنها اين بود كه نسبت زنا بآنحضرت دادند و متهمش كردند بگشتن برادرش هارون و گفتند موسى ساحر دروغ گوئي است و چون سخن موسى را نشنيدند و بالاجت از حق روي گردانيدند خدا هم آنها را از سعادت و اقبال بگردانيد يعنى ايشان را مخذول نمود و لطف خود را از آنها باز گرفت چه خداوند هر گز راهنمائي نكند مردم فاسق را) و اذ قال عيسى بن مريم يا بني اسرائيل اني رسول الله اليكم مصدقا لما بين يدي من التوراة و مبشرا برسول ياتي من بعدى اسمه احمد فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا سحر مبين (ايرسول ما بياد آور وقتي را كه عيسى بن مريم به بنى اسرائيل گفت من رسول خدا هستم بسوي شما و بحقانيت كتاب توراة كه پيش از من است تصديق ميكنم و شمارا مرده ميدهم كه بعد از من پيغمبر بزرگواري كه نامش احمد است پياد چون آن رسول ما، با آيات و معجزات بسوي آنها آمد گفتند اين معجزات سحر آشكار است مرد يهودي از رسول اكرم ﷺ سؤال نمود براي چه شما با احمد و محمد و بشير

ایرسل ما بیاد آور زمانی را که موسی بقوم خود گفت برای چه مرا رنج و آزار می دهید و حال آنکه من فرستاده خدا بسوی شما هستم پس چون از حق روی گردانیدند خداهم دلہای آنها را بگردانید و خدا طایفه بدکاران را ہدایت نمیکنند (۵) بیاد آور هنگامیکہ عیسی فرزند مریم بہ بنی اسرائیل گفت من فرستادہ خدا ہستم بسوی شما و کتاب توریہ کہ مقابل من است تصدیق میکنم و شما را مژدہ میدہم کہ بعد از من پیغمبریکہ نامش احمد است می آید چون آن پیغمبر ما جا آیات و معجزات بسوی آنها آمد گفتند این معجزات و قرآن سحر است آشکار (۶) کیست ستمکار تر از آنکہ بخدا دروغ و افترا می بندد و او را براہ اسلام میخوانند خدا ہر گز قوم ستمکار را ہدایت نخواہد کرد (۷)

و نذیر نامیدہ شدہ اید فرمود اما محمد برای آنستکہ در زمین محمود و پسندیدہ ہستم و احمد بخاطر آنکہ اہل آسمانہا بیش از اہل زمین مرا ستایش میکنند و بشیر چون بہ بہشت بشارت میدہم بفرمان خدا و نذیر برای آنکہ اشخاص معصیت کار و گناہکاران را از آتش جنم میترسانم (و من اظلم ممن افتری علی اللہ الکذب و هو یدعی الی الاسلام و اللہ لایہدی القوم الظالمین) کیست ستمکارتر از آنکہ بر خدا دروغ افترا می بندد در آنحال کہ او را باسلام دعوت میکنند خداوند ہدایت نخواہد کرد ستمکاران را

(یریدون لیطفئوا نور اللہ بافوا ہم و اللہ مہم نورہ و لو کرہ الکفرون) در کافی ذیل آیہ از محمد بن فضیل روایت کردہ معنای آیہ را سؤال نمودم از حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام فرمود ارادہ کردند منافقین کہ خاموش کنند نور ولایت امیر المؤمنین علیہ السلام را بزبانہای خود و خداوند تمام کرد نور او را بامامت ائمہ از فرزندان آن بزرگوار و شاہد بر اینکہ مراد از کلمہ امام است آیہ آمنوا باللہ و رسولہ و النور الذی انزلنا معہ می باشد و نور در آیہ امام است عرض کردم معنای ہو الذی ارسل رسولہ بالہدی و دین الحق یعنی چہ فرمود منظور ولایت امیر المؤمنین علیہ السلام و ائمہ است کہ امر نمود خداوند بمحمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و دین حق ولایت است گفتم لیظہرہ علی الدین کلمہ یعنی چہ فرمود آن ولایت را ظاہر میگرداند بر تمام ادیان در وقت

يُبَيِّدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاحِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸)
 هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ
 كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ
 مِنْ عَذَابِ أُنْهِيمَ (۱۰) تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱)
 يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 وَمَسَاكِينٌ طَيِّبَةٌ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲)

ظہور حضرت حجة اللہ علیہ وسلم گفتہ و اللہ متہ نورہ چیست فرمود نور ولایت را بوجود قائم ما آل محمد علیہ السلام تمام میکند و اگر چه کفار و منافقین کراہت داشتہ باشد ولایت امیر المؤمنین علیہ السلام حضورش عرض کردہ این بیانات کہ فرمودید تنزیل آیہ بود فرمود اما کلمہ ولایۃ تنزیل و غیر آن تاویل آیہ است و این حدیث را محمد بن عباس نیز روایت کردہ است (یا ایہا الذین آمنوا ہل ادلکم علی تجارتہ تنجیکم من عذاب الیم) ای اہل ایمان آیا شما را بتجارتی سودمند کہ از عذاب دردناک آخرت نجات دہد دلالت کنم ابی جارود از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود چون آیہ نازل شد مؤمنین گفتند اگر میدانستیم چیست کہ ما را از عذاب نگاہ میدارد ہمانا نفس و فرزند و اموال خود را بخاطر آن بذل مینمودیم تا باخیاییم آن را آیہ ذیل فرود آمد (تؤمنون باللہ ورسولہ و تجاهدون فی سبیل اللہ باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون) حسن بن ابی الحسن دیلمی ذیل آیہ فوق از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ کہ امیر المؤمنین علیہ السلام فرمودہ منہ آن تجارتیکہ سودمند و نجات دہندہ است از عذاب دردناک قیامت (یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنات تجری من تحتہا الانہار و مساکن طیبۃ فی جنات عدن ذلک الفوز

کفار می‌خواهند نور خدا را بگفتار باطل خود خاموش کنند و خدا نور خود را تمام و محفوظ خواهد داشت هر چند کفران کراهت داشته و خوش ندارند (۸) اوست خدائی که رسولش را بر اهنمائی خلق و دین حق فرستاد تا بر همه دین‌ها غالب گرداند اگر چه مشرکین کراهت دارند (۹) ای اهل ایمان آیا شما را بتجارتی سودمند که از عذاب دردناک آخرت برهاند دلالت کنم (۱۰) آن آنست که بخدا و فرستاده او ایمان آورید و بمال و جان در راه خدا جهاد کنید این کار از هر تجارت برای شما بهتر است اگر بدانید (۱۱) تا خدا گداهان شما را بیامرزد و در بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست داخل گرداند و در بهشتهای عدن منزلهای نیکو عطا فرماید و این همان رستگاری بزرگ است (۱۲)

العظیم) تجارت سودمند آنست که بخدا و رسولش ایمان آورید و مال و جان خود را در راه خدا بذل کنید و جهاد نمائید این از هر تجارت برای شما بهتر است اگر دانا باشید تا خدا گداهان شما را ببخشد و در بهشتی داخل کند که زیر درختانش نهرهای آب جاریست و در بهشتهای عدن منزلهای نیکو و قصرهای عالی را بشما عطا فرماید این همان رستگاری بزرگ است (و آخری تحبونها نصر من الله وفتح قریب و بشر المؤمنین) و تجارت و خصلت دیگری که شما آن را دوست میدارید نصرت و فتح نزدیکی است چه انسان از روی طبع بشریت نزدیک را دوست میدارد مقصود از فتح فتح مکه و غالب شدن مسلمین بود بر قریش و کفار مکه آنگاه فرمود ای رسول ما بمؤمنین این دو چیز را که فتح و ظفر و ثواب و پاداش آخرت است بشارت و مرده بده (یا ایها الذین آمنوا کونوا انصار الله کما قال عیسی بن مریم للحواریین من انصاری الی الله قال الحواریین نحن انصار الله فامنت طائفة من بنی اسرائیل و کفرت طائفة فایدنا الذین آمنوا علی عدوهم فاصبحوا ظاهریین) در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود حواریون عیسی شیعیان او بودند و شیعیان ما حواریون ما هستیم رجواریون عیسی بهتر از حواریون ما نبودند وقتی عیسی گفت کیست که مرا یاری کند برای خدا آنها گفتند ما انصار خدا هستیم سو گند بخدا از یهودیها کسی یاری نکرد عیسی را و جز یهود کسی با

وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۳) يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لَلْحَوَارِيِّينَ مَنْ
 أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمْنَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ
 بَنِي إِسْرَءِيلَ وَكَفَرَتِ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ
 فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ (۱۴)

عیسیٰ جنگ نہ کر دیا۔ شیعیان ما از وقتیکہ پیغمبر اکرم ﷺ بر حمت ایزدی
 پیوست یاری نمودند مارا و در راه ما جہاد کردند آنہارا سوزانیدند و عذاب کردند
 و از دیارشان خارج نمودند خداوند بایشان جزای خیر عطا فرماید امیر المؤمنین
 علیہ السلام فرمودہ بخدا سو گند اگر با شمشیر بر فرق سر دوستان خود بزنم و آنہا را
 دو نیمہ کنم دست از دوستی من فرزندانم بر نمیدارند و بغض و عداوت پیدا نکنند۔
 و چنانچہ دشمنان خود را پناہ دادہ و مالہای دنیا را با آنان ببخشم دست از بغض و عداوت
 بامن و فرزندانم برندارند و ہر گز دوست ما نشوند
 پایان سوره صف

و نعمتی دیگر کہ آنرا دوست می دارند نصرت و یاری خدا و فتح نزدیک و مژده
 باہل ایمان (۱۳) ای اہل ایمان شما ہم یاران خدا باشید چنانکہ عیسیٰ فرزند مریم
 بحواریین گفت : کہ مرا برای خدا یاری میکند ؟ حواریین گفتند ما یاران خدا
 هستیم پس طایفہ ای از بنی اسرائیل باو ایمان آوردند و طایفہ دیگر کافر شدند
 ما ہم آنانکہ ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تاہر
 دشمنان غالب و ظفر یافتند (۱۴)

پایان ترجمہ سورہ صف



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ اللَّهَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۱)
 هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ
 وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲)
 وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۳)

سوره جمعه

سوره جمعه در مدینه نازل شده و یازده آیه و صد و هشتاد کلمه و نهصد و بیست حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود
 بر مؤمن اگر از شیعیان ما باشد لازم است در هر شب جمعه سوره جمعه و سبح اسم
 راقرائت نماید و در نماز ظهر جمعه سوره جمعه و منافقین را تلاوت کند هر گاه چنین عمل
 نماید خداوند جزا و ثواب او را بهشت مرحمت فرماید و در کافی از حضرت باقر علیه السلام
 روایت کرده فرمود خداوند گرامی داشته مؤمنین را بسوره جمعه و سنت قرار داده
 آن را پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از برای مؤمنین و منافقین را بسوره منافقین توبیخ و سر
 زدن نموده و هر کس عمداً ترک کند آن دو سوره را نمازی برای او نیست - و در
 خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده هر کس این سوره را قرائت نماید
 نوشته شود برای او از حسنہ بتعداد کسانی که در تمام شهر ها جمع میشوند برای
 اداء نماز جمعه و هر که آن را در هر شب یا هر روز تلاوت نماید ایمن باشد از آنچه
 میترسد و از وسوسه شیطانی خلاصه مطالب سوره جمعه عبارت است از آنکه هر

ترجمہ سورہ جمعہ

بنام خداوند بخشنده مهربان

ہر چہ در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خداوند پادشاہ منزہ و پاک از نقص و غالب درستکار مشغولند (۱) اوست خدائیکہ در میان مکیان پیغمبری فرستاد تا بر آنها آیات وحی خدا را تلاوت کند و آنان را پاک سازد و شریعت کتاب آسمانی و حکمت بیاموزد اگر چہ پیش از این در گمراہی آشکار بودند (۲) و قوم دیگر را چون بآنها ملحق شوند راہنمائی کند و او خدای غالب و درست کردار است (۳)

موجودی شہادت و گواہی میدہد بر وحدانیت و تنزیہ و بدایع حکمت و عجایب خلقت پروردگار و تشبیہ یہودیان کہ عمل نمیکنند بتورات بہمار و امر بنماز جمعہ و نہی از بیع در وقت نداء و توییح منافقین
قوله تعالی (یسبح لله ما فی السموات وما فی الارض الملك القدوس العزيز الحكيم) ہر چہ در آسمانها و زمین است همه بہ تسبیح و ستایش خداوند پادشاہ منزہ و پاک و مقتدر و دانا مشغولند

(هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم يتلوا علیہم آیاتہ ویزکیہم و یعلمہم الكتاب والحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین) او آنخدائی است کہ فرستاد میان اہل مکہ پیغمبری را بر آنها آیات وحی خدا را تلاوت کند و آنان را از نادانی و اخلاق زشت پاک سازد و ایشان را کتاب آسمانی و حکمت بیاموزد اگر چہ آنها پیش از این در ضلالت و گمراہی بودند -

ابن بابویہ ذیل آیہ از عہد بن ابی نصر و علی بن اسباط روایت کردہ گفتند حضور حضرت باقر علیہ السلام و حضرت صادق علیہ السلام عرض کردیم مردم میگویند پیغمبر اکرم نمیتوانست بخواند و بنویسد فرمود دروغ میگویند خداوند لعنت کند آنها را چگونہ چنین بود و حال آنکہ خداوند میفرماید و یعلمہم الكتاب والحکمة عرض کردیم پس بچہ سبب اورا امی نامیدہ اند فرمودند بچہ نسبت دادن حضرتش

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ (۴) مَثَلُ الَّذِينَ
 حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِشَىْءٍ مَثَلُ الْقَوْمِ
 الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵) قُلْ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ
 إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۶) وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
 بِالظَّالِمِينَ (۷) قُلْ إِن الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ
 إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۸)

بمکه چه مکہ را ام القری گویند چنانچه میفرماید لتند ام القری و من حولها
 و از اینجبه آنحضرت را امی میگفتند (و آخرین منهم لما یلحقوا بهم و هو العزیز
 الحکیم) و نیز قومی دیگر را که هنوز بایشان نرسیده اند و ملحق نشدند کتاب
 و حکمت پیامورد و او خدائی است قادر و مقتدر و حکیم و مقصود از قوم دیگر
 کسانی هستند که بعد از اصحاب آنحضرت میباشند تا روز قیامت چه پروردگار
 آن بزرگوار را بر تمام روی زمین تا روز رستاخیز مبعوث فرمود خواه عرب باشد
 یا عجم و ترک و روم و غیر اینها و چون آیه نازل شد صحابه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
 سؤال کردند ای رسول خدا دیگران کیستند آنحضرت دست مبارک خود را بر وی
 شانه سلمان گذاشت و فرمود اگر دین در ثریا باشد و اشاره نمود بآسمان جماعتی
 از فارسان دست بآن زنند پیغمبر اکرم فرمود در خواب دیدم گوسفندانی سیاه
 در عقب میروند . و گوسفندانی دیگر بر نگیهای مختلف متابعت از آنها میکنند
 تعبیر این خواب را از جبرئیل سؤال نمودم گفت عرب مسخر شما میشوند آنگاه
 از پی ایشان عجم و ترک و روم و ملل دیگر و فرمود در اصلا ب مردان امت من مردان
 و زنانی هستند که بهشت میروند بدون حساب و آیه فوق را تلاوت فرمودند (ذلک

این نعمت و کرامت خداست بهر که بخواهد عطا میکند و خدا صاحب فضل بزرگ است (۴) آنانکه بار کردند علم تورات را و خلاف آن را عمل نمودند در مثل مانند الاغی است که بار کتابهایی بر پشت کشد و از آن هیچ بهره ای نبرد بد است داستان قومیکه آیات خدا را تکذیب کرده اند و خدا هرگز طایفه ستمکاران را راهنمایی نخواهد کرد (۵) ابرسول ما به یهودیان بگو اگر شما گمان کرده اید که دوستان خدائید نه مردم دیگر؛ پس آرزوی مرگ کنید اگر راست میگوئید (۶) و هرگز آرزوی مرگ نکنید بسبب آنچه پیش فرستاده اید بدست خود از کردار زشت و خدا از کردار ستمکاران آگاه است (۷) ابرسول ما به یهودیان بگو عاقبت مرگی که از آن میگریزید شمارا ملاقات خواهد کرد و پس از مرگ بسوی خدائیکه دانای هر پنهان و آشکار است باز میگردید و او شما را با آنچه عمل کرده اید خبر خواهد داد (۸)

فضل الله يؤتیه من یشاء و الله ذو الفضل العظیم) این نبوت که خداوند بر رسول اکرم ﷺ عطا فرموده فضل و کرامت پروردگار است و این لطف را در حق هر که بخواهد بحسب صلاح و مصلحت می بخشد و خداوند فضل و رحمتش بی پایان است - در کافی ذیل این آیه از ام سلمه روایت کرده گفت پیغمبر اکرم ﷺ فرمود اجتماع نکنند هیچ قومی در مجلسی که بیان میشود فضایل محمد ﷺ و علی ﷺ و اهل بیت او مگر آنکه فرشتگان از آسمان فرود آیند و اطراف آنقوم را احاطه کنند چون متفرق شدند فرشتگان بالا روند و فرشتگان دیگر بآنها میگویند ما رایحه خوشی از شما استشمام میکنیم که تا بحال بشما نرسیده است گویند ما حضور قومی بودیم که مشغول مذاکره و بیان فضایل محمد ﷺ و آل او بودند -

در حدیث دیگر فرمود در آسمان دنیا فرشتگانی هستند که اطلاع پیدا میکنند بر یکی و یا دو و یا سه نفر از مردم که ذکر فضائل محمد ﷺ و آل او را مینمایند بعضی از آن فرشتگان به بعضی دیگر میگویند آیا نمی بینید این مردم با اندک بودن عددها چگونه وصف مینمایند فضیلت محمد ﷺ و آل او را طایفه دیگر میگویند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ
وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۹) فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ
فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ (۱۰) وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ
قَائِلًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ
وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱)

این وصف کردن فضیلتی است از جانب پروردگار بهر که خواهد عطا میفرماید
و خداوند صاحب فضل بزرگی است
پس از آن مثل زد بیهودیانیکه عمل بتورات نکردند بچهار پایان حمل، و بار
آنها کتاب است بقولش (مثل الذين حملوا التوراة ثم لم يحملوها كمثل الحمار
يحمل اسفارا) بش مثل القوم الذين كذبوا بآيات الله والله لا يهدي القوم الظالمين) آنان
که بر داشتند تورات را و خلاف آن عمل نمودند در مثل مانند الاغی هستند که
بر میدارد بار کتابها را و از آن چیزی نمی فهمد و بهره ای نمیرد این یهود هم
نمیدانند در کتاب توریة چیست آری بد قومی هستند آنها ئیکه داستان حالشان چنین
است که آیات خدا را تکذیب میکنند و خدایتعالی کافران و ستمکاران را بر ا سعادت
و بهشت رهبری نخواهد کرد همینطور است حال کسانی که قرآن میخوانند و بر
طبق آن عمل نمیکنند پیغمبر اکرم ﷺ فرمود بسیاری از تلاوت کنندگان
قرآن « قرآن آنها دالعت میکند ».

(قل يا ايها الذين هادوا ان زعمتم انكم اولياء الله من دون الناس فتمنوا الموت
ان كنتم صادقين ولا يتمنونه ابدا بما قدمت ايديهم و الله عليم بالظالمين) ايرسول
ما به يهوديان بگو اگر شما گمان میکنيد که دوستان خداييد نه مردم ديگر پس

ای اهل ایمان چون شما را برای نماز جمعه در روز جمعه ندا کنند بشتابید بسوی نماز و کسب و تجارت رها کنید که این نماز جمعه از هر تجارت سودمندی بهتر است از برای شما اگر بدانید (۹) آنگاه که نماز پایان یافت برای کسب و کار خود روی زمین پراکنده شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید و بسیار یاد خدا کنید تا رستگار گردید (۱۰) این مردم چون تجارت یا لهو و لعبی به بینند بسوی آن بشتابند و تورا در نماز تنها گذارند ای رسول ما بآنها بگو آنچه نزد خدا است بهتر است برای شما از لهو و لعب و تجارت های دنیا و خدا بهترین روزی دهند گانست (۱۱)

پایان ترجمه سوره جمعه

آرزوی مرگ کنید چنانچه راست میگوئید چه مرگ میرساند انسان را بسرای آخرت و آنهائیکه دوستان خدا هستند آرزوی مرگ میکنند زیرا در اثر مرگ از زندان دنیا راحت میشوند و یهود نه تنها آرزوی مرگ نمیکنند بلکه از آن گریزان هستند در اثر کردار بدیکه بدست خود برای آخرت خویش پیش فرستاده اند و خداوند از انجام اعمال ستمکاران آگاهست (قل ان الموت الذی تفرون منه فانه ملائیکم ثم تردون الی عالم الغیب و الشهادة فینبئکم بما کنتم تعملون) ای رسول ما به یهودیان بگو عاقبت آن مرگی که از آن گریزان هستید شما را دریابد و نمیتوانید از آن فرار نمائید و پس از مرگ بسوی خدائیکه میدانند هر پنهان و آشکاری را باز میگردید و او شما را بکردار نیک و بدیکه در دنیا بجا آورده اید آگاه میسازد و بکیفر اعمالتان میرساند -

امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه ای فرمود ای مردم هر کس ملاقات میکند آنچه را از آن فرار مینماید و هرگز راه فراری از مرگ نیست و هر نفسی رانده میشود بسوی اجلش و فرار کردن از آن ملاقات کردن او است و فرمود بخدا قسم با کی ندارم از آنکه مرگ مرا دریابد یا من مرگ را ملاقات کنم در آنوقت که ابن ملجم مرادی ملعون ضربتی بفرق مبارکش زد و دانست که از دنیا رحلت میکند فرمود بخدای کعبه ظفر یافته و رستگار شدم چه یقین داشت چگونه میرود و بکجا

میرود و فرمود هر گاه اسباب راحتی مؤمن است و سبب بیچارگی منافق و کافر (یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله وذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون) این آیه دلیل است بر وجوب نماز جمعه چه باتفاق عامه و خاصه مراد بند کردن آیه نماز جمعه یا نماز و خطبه نماز است و امر هم حقیقه در وجوب است و معنای آیه این است ای مؤمنین هر گاه مؤذن نماز در روز جمعه ندا کند بزودی بسوی نماز جمعه که ذکر خدا است بشتابید و کسب و تجارت را رها کنید که این نماز جمعه از هر تجارت سودمندی بهتر است برای شما اگر بدانید و وقت نماز جمعه ضیق است برای مسلمانان لذا باید شتاب کنند در رفتن از برای نماز. حضرت باقر علیه السلام فرمود شنیده‌ام که اصحاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خود را در روز پنجشنبه مجهز مینمودند برای نماز جمعه زیرا وقت آن مضیق است و مقصود آنست که خود را فارغ میکردند از کار و حوایج دنیا تا مانع نشود آنها را از حضور نماز جمعه در روز جمعه و آیه شریفه عام است و وجوب آن شامل است از برای زمان حضور و غیبت امام و دیگر مطلق است مشروط بزمان حضور امام علیه السلام و اذن آن بزرگوار نیست و مؤید آیه احادیث و اخبار بسیار است که از ناحیه مقدسه آل عصمت و طهارت بما رسیده و ما اکتفا مینمائیم بذکر و بیان چند حدیث برای تیمن و تبرک :

۱- در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند واجب فرموده بر مردم از جمعه تا جمعه دیگر سی و پنج نماز یکی از آنها را بجماعت فرض و واجب نموده و آن نماز جمعه است و وجوب آن را از نه طایفه برداشته است ۱- غیر بالغ ۲- و پیر مرد ۳- و شخص دیوانه ۴- و مسافر ۵- و مریض ۶- و زن ۷- و بنده ۸- و کور ۹- و کسیکه منزلش از محل اقامه جمعه بیش از دو فرسخ باشد .

۲- در فقیه و تهذیب از زراره روایت کرده‌اند گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام بر چه کسی نماز جمعه واجبست؟ فرمود بر هفت نفر از مسلمانان هر گاه جمع شوند و نماز جمعه بر کمتر از پنج نفر واجب نیست که یکی از آنها امام باشد و چهار نفر دیگر مأموم و هر گاه هفت نفر جمع شدند و خوف و تنقیه

نہود بعضی از آنها امام میشود و خطبہ برای آنها میخواند ۔

۳ - و از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده فرمود خداوند نماز جمعہ را بر شما فرض و واجب قرار داده هر کس با بودن امام عادل از روی استخفاف و انکار در حال حیات من و با بعد از وفات من ترك کند نماز جمعہ را خداوند پرا کند گیہای او را مجتمع نفرماید و در کار او برکت ندهد ای مردم بدانید و آگاہ باشید کہ نمازی برای او نیست و زکوٰۃ و حجی برای او نخواهد بود و هیچ گونه اعمال نیک از او مقبول نیست تا آنکہ توبہ کند از ترك نماز جمعہ ۔

۴ - و در حدیث دیگر فرمود نماز جمعہ بر شما مسلمانان فریضہ و واجب نوشته شدہ تا روز قیامت ۔

۵ - در فقیہ از امیر المؤمنین علیہ السلام روایت کردہ فرمود نماز جمعہ واجب است بر ہر مؤمن مگر بر اطفال و مریض و دیوانہ و شیخ کبیر و کور و مسافر و زنہا و عبد مملوک و آنکہ منزلش دو فرسخ یا زیادتر باشد ۔

۶ - و از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود نماز جمعہ فریضہ است و اجتماع کردن بر آن واجب میباشد با پیشنماز و اگر کسی بدون علت سہ جمعہ را ترك نماید او منافق است ۔

۷ - ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کہ در سہ ہفتہ متوالی بدون علت نماز جمعہ را ترك کند خداوند بر دل او مہر میزند ۔

۸ - تہذیب از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر گاہ قومی در روز جمعہ اجتماع کردند در قریہای اگر کسی پیدا شد کہ خطبہ بخواند نماز جمعہ بجا میآورند زمانیکہ پنج نفر بودند و الا نماز ظہر میخوانند ۔

۹ - در تہذیب از محمد بن مسلم روایت کردہ گفت سؤال نمودم از حضرت باقر علیہ السلام آیا در قریہہا روز جمعہ باید نماز جمعہ بجا آورند فرمود بلی اگر در میان آنها کسی باشد کہ بتواند خطبہ بخواند ۔

۱۰ - در کافی و تہذیب از محمد بن مسلم روایت کردہ اند گفت سؤال کردم نماز جمعہ را از حضرت صادق علیہ السلام فرمود آن واجب است بر ہر کسی کہ منزلش

تا محل اقامه نماز جمعه دو فرسخ باشد و بر زیادتر از آن واجب نیست -

۱۱ - و از زرارہ روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود نماز جمعه بر

آن کسی واجب است که نماز صبح خود را در منزلش بجا آورد و حرکت کند و درک نماز جمعه را بنماید پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز جمعه بلافاصله نماز عصر را بعد از نماز جمعه بجا میآورد تا مردم بتوانند پیش از فرارسیدن شب بمنزلهای خود باز گردند و این طریقه و شریعت آنحضرت تا روز قیامت باقی است -

۱۲ - در تہذیب از زرارہ روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام باندازه ای

ما را ترغیب فرمود بر نماز جمعه که گمان کردیم اراده دارد ما بحضورش برای نماز جمعه حاضر شویم عرض کردم فردا برای نماز جمعه شرفیاب خواهیم شد فرمود مقصود من نیست از آنکه شما اینجا حاضر بشوید بلکه نزد خودتان نماز جمعه را بر پا بدارید و بخوانید -

احادیث در وجوب نماز جمعه و عینی بودن آن بسیار است و فرقی نیست میان غیبت و حضور امام علیه السلام و آنچه بعضی تصور کرده اند که در زمان غیبت امام واجب نیست برخلاف صریح آیه شریفه قرآن و احادیث صحیحہ بسیار و اجتهاد در مقابل نص است چه آیه و روایتی نیست و یافت نمیشود که با آیه و احادیث وجوب معارضه کند یا عموم و اطلاق آنها را تقیید یا تخصیص بدهد و اشتباهات بعضی ناشی شده از توهمات چند که بطور اختصار ذیلا بیان میشود اول آنکه از لفظ امام در احادیث تصور کرده اند که امام مفترض الطاعة میباشد و این تصور بیجا است و از فهم و عقل دور است چه در آن احادیث فرمود اگر کسی پیدا شد یا توانست خطبه بخواند نماز جمعه بجا آورند آیا ائمه نمیتوانند العیاذ باللہ خطبه بخوانند یا در احادیث دیگر که وارد شده امام با ایشان نماز جمعه بجا آورد آیا ممکن است کسی گمان کند که مراد از این امام در این موارد امام اصل و نائب او است و مراد امام جماعت نیست آیا این خیالات از عقل و از شعور و فهم و دانش دور نیست دوم آنکه گمان کرده اند اجماعات منقولہ متعارضہ عموم آیه و احادیث و اطلاق آنها را تقیید و تخصیص میدهد بزمان حضور نه غیبت این توهم نیز بیجا است برای آنکه

اولا اجماع دلیل شرعی نیست تا بتواند عموم و اطلاق آیات و احادیث را تفسیر و تخصیص بدهد چه اجماع از مخترعات عامه است و امامیه اجماع را معتبر میدانند باعتبار قوم معصوم نه برای آنکه آن دلیل و حجت مستقلی است مانند کتاب و احادیث ائمه چنانچه محقق در کتاب معتبر میگوید اما اجماع نزد ما امامیه حجت است بانضمام قول معصوم و اگر صد نفر از فقهاء امامیه متفق باشند بر قولی و قول آنها از قول امام خالی باشد اتفاق ایشان برای ما حجت نخواهد بود ولی اگر دو نفر قولشان با امام موافق باشد حجت است برای ما بخاطر قول امام نه بواسطه متفق بودن آن دو نفر پس در حقیقت باز گشت اجماع بقول معصوم است و ثانیاً تمام این اجماع منقوله مورد ادعا معارض هستند با اجماع منقوله ای که خود این مدعی یا علماء دیگر بیان و نقل نمودند در این باب چنانچه شیخ زین الدین که یکی از علماء امامیه است کتابی تصنیف کرده در بیان مسائلی چند که شیخ طوسی در آنها ادعای اجماع کرده بر حکمی و باز خود او در آنها در کتاب دیگرش دعوی اجماع کرده بر خلاف آن حکم و قریب چهل مسئله را در آن کتاب از شیخ طوسی تنها نقل نموده تا چه برسد بدیگران پس اجماع منقول معارض است و نمیتواند تفسیر یا تخصیص بدهد عموم آیه و احادیث وارده در وجوب نماز جمعه را و ثالثاً چنانچه اجماع دلیل و مدرک شرعی بود هر آینه از ناحیه مقدسه ائمه معصومین اذن و اجازه و حدیثی صادر میشد در مدرکیت و حجت بودن آن چه پوشیده نیست بر کسی که مشاهده نماید احادیث و روایات اهل بیت را که آن بزرگواران فرو نگذاشتند امری از اموری که انسان بآن محتاج است مگر آنکه بیان فرمودند آداب و سنن و احکام آن را مانند اکل و شرب و خواب و نکاح و تزویج و تخلیه و سفر و حضر و پوشیدن البسه و امثال این امور و همچنین تفسیر فرمودند احکام شرعی و حدود آنها را پس چگونه ممکن است غفلت کنند از اجماع و حجت آن با اعتقاد متمسکین باجماع که آن مشتمل است بر اصول احکام شرعی و اساس آنها و با آنکه در زمان ائمه کسانی بودند از قبیل شافعی و امثال او از عامه که یکی از مدارک آنها اجماع بوده و استنباط احکام شرعی را از روی اجماع و قیاس و استحصال مینمودند و

این موضوع معلوم و ظاهر بود نزد شیعیان و سؤال نمودن آنها از ائمه از روی غفلت نبوده بلکه بخاطر این بود که اجماع را از مخترعات عامه میدانستند و عمل نمودن و پرسش از آن برای شیعیان بی‌مورد بود بر فرض آنکه اصحاب غفلت کردند از سؤال نمودن اجماع چگونه ائمه راضی شدند که شیعیان خود را دلالت نکنند بچنین مدرک و حجتی با آنکه بعقیده بعضی اجماع از اصول احکام شرعیه است و نه تنها در باره حجیت آن بیانی نفرمودند بلکه از بعضی احادیث منع از عمل باجماع دانسته میشود و یقینی است، چنانچه در روضه کافی بسند حدیثی از حضرت صادق علیه السلام روایت میکند آنحضرت در نامه‌ای که بشیعیان مرقوم داشت و آنها را امر فرمود بعمل بر مضمون نامه و ممارست و تعهد بر آن فرمود ای طایفه مرحومه و ای رستگاران بدانید خداوند نعمت خود را بر شما تمام نمود و آنچه خیر شما بود بر شما ارزانی داشت بدانید خداوند نهی فرموده بندگان خود را از آنکه دین خدا را از روی هوی و رأی و قیاس اخذ کنند پروردگار قرآن را نازل فرموده و در آن بیان هر چیزی را نمود و قرار داد برای قرآن و علم بآن اهلی را و کسانی که خداوند علم قرآن را بآنها عطا فرمود نمیتوانند بر رأی و هوی نفس و قیاس در دانستن و فهمیدن مراد از قرآن عمل کنند زیرا خداوند آنها را بی‌نیاز فرموده از رأی و هوی و قیاس بخاطر علم و دانشی که بایشان عطا نمود، و آنها را مخصوص گردانیده بعلوم قرآن و اختصاص آنها بدانش قرآن و پیروی کردن مردم از ایشان و تصدیق و فرمانبرداری از آنها و هدایت و راهنمایی ایشان در علم خدا گذشته است آنها کسانی هستند که بی‌نیاز نمیشود احدی از علومشان، ایشان راه حق هستند و مردم را بسوی پروردگار هدایت و رهبری مینمایند هر کس امور دین و دینار را از آنها سؤال کند گمراه نخواهد شد شقی و گمراه کسانی هستند که از اهل ذکر سؤال نمیکند و دین و احکام آن را از روی نفس و رأی و قیاس اخذ میکنند چه آنها اهل قرآن و ایمان را بگمان خود کافر میدانند، و اهل ضلالت و جهال بقرآن را مؤمن می‌پندارند، و بسیاری از حلالهای خدا را حرام و حرامهای او را حلال میدانند، و این عقیده ثمره و نتیجه رأی و هوای نفس و قیاسهای آنهاست و حال آنکه پیغمبر

اکرم ﷺ پیش از رحلت از ایشان عهد گرفت که برای و قیاس و هوای نفس عمل ننمایند و فرمود کتاب خدا و عترت خود را در میان شما امانت گذاشتم باید امور خودتان را از عترت من که اهل ذکر هستند سؤال نمائید با اینصورت بعد از رحلت پیغمبر اکرم ﷺ گفتند ما وسعت داریم که عمل نمائیم باجماع و برای که مردم در آن اجتماع کردند بعد از رحلت رسول خدا ﷺ و بعد از عهدیکه پیغمبر با ما نمود که بجز قرآن و دستور عترت و احادیث وارده از آن بزرگواران عمل ننمائیم پس چه کسی جری تر است بر خدا و گمراه تر است از اشخاصیکه دین خود را از روی هوای نفس و قیاس و رأی مجتمع مردم میگیرند و اخذ و عمل مینمایند و گمان میکنند که وسعت دارند و میتوانند عمل باین گونه مخترعات کنند بخدا قسم پروردگار امر و واجب فرموده بر مردم که اطاعت کنند او امر پیغمبر اکرم ﷺ را چه در حال حیات و چه در ممات او و پیروی کنند از فرموده های آنحضرت تا روز قیامت.

از این حدیث بطور واضح فهمیده میشود که اصل اجماع از مخترعات و بدعت های عامه است و باید در تفسیر قرآن و معانی آن و بیان احکام شرع بایسته معصومین و آل و عترت پیغمبر اکرم ﷺ رجوع نمود و احادیث آن بزرگواران مانند اصل است در معرفت قرآن و مشکلات و بیان مفصلات و تفسیر مجملات و تعیین مراد و مبهمات آن چنانچه در حدیث ثقلین که متواترین شیعه و سنی است پیغمبر اکرم ﷺ فرموده است که هرگز افتراق بین عترت و قرآن نمی باشد و ممکن نیست چون مرجع قرآن در احکام بسوی ائمه است و تفسیر و تأویل قرآن و بیان متشابهات و تعیین مراد از آن اخذ نمیشود مگر از ائمه پس قرآن از ائمه جدائی و مفارقت نمیکند و چون اقوال و افعال و گفتار ائمه مقتبس است از قرآن پس ائمه نیز از قرآن جدا نخواهند شد.

و این حدیث و احادیث دیگر و خبر ثقلین دلالت دارند بر آنکه تکیه گاه مردم در تمام امور نیست مگر بر قرآن و احادیث آل عصمت و طهارت و سوای قرآن و عترت هر چه باشد از درجه اعتبار ساقط است و اگر بخواهیم احادیث وارده

در این باب را بیان کنیم کتاب جدا گانه‌ای لازم دارد و چنانکه انشاء الله موفق شدیم بعد از خاتمه تفسیر رساله‌ای در این موضوع مینگاریم

سوم: کسانی که نماز جمعه را در زمان غیبت واجب نمیدانند گمان کرده‌اند که چون بعضی متقدمین و اصحاب ائمه اقامه نماز جمعه نمیکردند در نظر ایشان واجب نبود و متوجه این موضوع نشدند که اقامه نکردن آنها برای این بود که ایشان در زمان خوف و تقیه واقع شده بودند و شیعیان قدرت و توانائی نداشتند از آنکه جدا گانه و بدون اقتداء بمخالفین نماز جمعه بجا آورند زیرا امام جمعه از طرف مخالفین منصوب و تعیین شده بود و امامیه جایز نمیدانند اقتدا کردن بمخالفین را لذا در خانه و منزلهایشان نماز را بجا می‌آوردند و گاهی از اوقات پس از اداء نماز برای تقیه بآنها اقتدا می‌کردند یا صورتاً بمخالفین اقتدا مینمودند و پیش خود قرائت می‌خواندند یا پس از خاتمه اقتداء بآنها نماز را منفرداً بجا می‌آوردند چنانکه امیر المؤمنین علیه السلام باین کیفیت خلف خلفای سه گانه رفتار میکردند و سبب ترك کردن متقدمین نماز جمعه را از این لحاظ بود ولی بعضی از متأخرین خیال کردند که متقدمین از جهت واجب نبودن آن نماز جمعه را ترك میکردند و بجا نمی‌آوردند و چون اصحاب ائمه و یا متقدمین زمانی بجا می‌آوردند نماز جمعه را و در بعضی اوقات و زمان ترك مینمودند لذا بعضی متأخرین گمان کردند که نماز جمعه واجب تخییری است نه عینی و سر ترك نمودن آن در بعضی از منتهای خاطر ممکن و قدرت مخالفین بودنه از آن جهت که نماز جمعه در نظر آنها واجب تخییری است نه عینی و از تعجبات است که بعضی از علماء معاصر ما گفته‌اند در زمان غیبه نماز جمعه حرام است و از برای حرمت آن بفرمایش حضرت امام زین العابدین علیه السلام در صحیفه سجاده در دعای چهل هشتم تمسك جستند آنجا که میفرماید (اللهم ان هذا يوم مبارك ميمون و المسلمون فيه مجتمعون في افطار ارضك) تا آنجا که میفرماید (اللهم ان هذا المقام لخلقائك واصفيائك ومواضع امنائك في الدرجة الرفيعة التي اختصصتهم بها قد ابتزوها و انت المقدر لذلك لا يغالب امرك ولا يجاوز المحتوم من تدبيرك كيف شئت و اني شئت و لما انت اعلم به غير متهم على خلقك و لا لارا دتك حتى عاد صفوتك و خلفاؤك مغلوبين مقهورين

مبتزین یرون حکمک مبدلا و کتابک منبوذا و فرائضک محرفة عن جهات اشراک و سنن نبیک متروکة)

تا آنجا کہ میفرماید (و عجل الفرج والروح و النصر و التمکین و الناید لهم) چه گفته اند مراد امام کہ فرمودہ هذا المقام لخلفائك نماز جمعہ و عید و خطبہ آنها است و لام لخلفائك لام اختصاص است و همچنین قولش اختصاصتہم و فرمایش دیگرش قد ابتزوها تمام اینها دلالت دارد براینکہ نماز جمعہ و اقامہ آن مخصوص است بامام و دشمنان دین مانند خلفاء ثلاثہ و بنی امیہ و بنی العباس این منصب و اختصاص را ربودہ و غارت کردہ اند این اشتباه و توہم بعضی معاصرین از چند جهت باطل و بیجا است : یکی آنکہ چنانچہ احتمال دارد لام در خلفائك لام اختصاص باشد احتمال ہم دارد لام استحقاق بودہ باشد یعنی ائمہ استحقاق آن را دارند کہ اقامہ نماز جمعہ و عید نمایند و استحقاق داشتن شخص بہ امر و موضوعی دلالت ندارد بر آنکہ دیگری استحقاق آن امر و موضوع را ندارد چنانکہ محقق دوالی کہ یکی از علماء متأخر است در حاشیہ خود بر شرح مختصر عضدی اشارہ باین مطلب کردہ و گفته است این اختصاص بمعنی حصر نیست بلکہ کفایت در آن ارتباط خاصی است و گفته اند ہر گاہ احتمالی دیگر پیش آید استدلال باطل میشود

دوم آنکہ از کجا و بچہ مدرک مشار الیہ هذا نماز جمعہ باشد بلکہ یا صریح است یا قوت دارد بر خلافت کبریٰ چہ در جمعہ و عید ظاہر میشود آثار خلافت کبریٰ زیرا حکمت بزرگی است از برای ظہور دولت حقہ و تمکن و قدرت پیدا کردن ائمہ بر امر و نہی و ہدایت و ارشاد بندگان و اقتدا کردن خلائق بر آنها و جملہ حتی عاد خلفائك مغلوبین تا سنن نبیک متروکة اشارہ بخلافت کبریٰ است و از واضحات است کہ امور مذکورہ از اثرات ولایت عظمیٰ و خلافت کبریٰ است چنانچہ حضرت باقر علیہ السلام بعد از بن دینار فرمود ای عبد اللہ در ہر روز جمعہ و عید فطر واضحی کہ ویژہ مسلمانان است حزن و اندوہ ما آل محمد علیہم السلام تازہ میگردد عبد اللہ حضورش عرض کرد چرا چنین است ؟ فرمود برای آنکہ می بینند امامت و خلافت کہ حق خودشان است در دست دیگران میباشد ۔

سوم آنکہ ممکن است خلفاء در فرمایش آنحضرت اعم از امام و علماء شیعہ و فقہاء اثنا عشری باشد چہ علماء و فقہاء وارث علوم ائمہ و راویان احادیث آن بزرگوارانند و شاهداین معنی روایتی است کہ صدوق و دیگران از پیغمبر اکرم ﷺ نقل نموده اند فرمود رسول خدا: پرورد گارا پیام رزخلفا و جانشینان مرا اصحاب عرض کردند ایرسول خدا خلفا و جانشینان شما چہ اشخاصی هستند؟ فرمود آنہائی هستند کہ بعد ازمن متولد میشوند احادیث و سنت مرا روایت میکنند و بعد ازمن احکام شرع را بمردم تعلیم میدہند ۔

چہارم آنکہ عطف فرمودہ امام اصفیاء را بر خلفاء کہ اشعار دارد بر مغایرت آنها چنانکہ مقتضای قانون محاورہ ہمین است پس ممکن است مراد آنحضرت از خلفاء ائمہ یا ایشان و منصوبین خاص آنها باشد و مقصود از اصفیاء عدول شیعیان بودہ و تأسیس اولی از تا کید می باشد ۔

پنجم آنکہ حصر در این فرمایش حصر حقیقی نیست بلکہ شامل حصر اضافی ہم خواہد بود و بر فرض تسلیم عام است و عہد و میت آن تخصیص دادہ میشود باحادیث و ادلہ ایکہ دلالت میکنند بر عموم اذن و تصرف در این حق، ہم در زمان حضور و ہم در زمان غیبت ۔ و از احادیث فوق ظاہر شد امر فرمودن ائمہ اصحاب را باقامہ نماز جمعہ بدون تخصیص دادن مخاطب را بغیر مخاطب و بدون تخصیص دادن زمانی بزمان دیگر۔ و از این بیان و احادیث واضح شد کہ حصر در صحیفہ و فرمایش حضرت امام زین العابدین علیہ السلام حصر حقیقی نیست و تمسک معاصرین ما باین فرمایش ناوارد است و اشارہ کردیم باین توہمات تاروشن شود کہ هیچ یک از آنها صلاحیت ندارند کہ معارضہ کنند با آیہ و احادیث صحیحہ معتبرہ پس چگونہ میتواند کسیکہ از خدا و پیغمبرش خائف است چنین واجب مهمی را ترك کند و مہمل بگذارد فرمود: خدایتعالی فلیخذ الذین یخالفون عن امرہ ان تصیبہم فتنۃ او یصیبہم عذاب الیم۔ باید بترسند آنہائی کہ مخالف امر خدا میکنند از عذاب دردناک و فتنہ ایکہ بایشان میرسد در اثر ترك نمودن واجبات و مخالفت با فرمودہ های پرورد گار۔ اما نماز جمعہ دو رکعت است

که باید در روز جمعه بجای نماز ظهر خوانده شود و کیفیت آن بدین قرار است: اول امام باید پیش از اداء نماز دو خطبه قرائت میکند و آن دو خطبه بمنزله دو رکعت از نماز است. و آنچه در خطبه شرط است حمد و ثنای پروردگار و درود بر پیغمبر اکرم ﷺ و آل او و موعظه و پند دادن مردم بر تقوی و قرائت نمودن سوره کوچکی از قرآن. پس از آن اندکی می نشیند، دوباره بر میخیزد برای خطبه دوم، در آن نیز حمد و ثنای پروردگار را تلاوت مینماید و صلوات میفرستد بر محمد ﷺ و آل او و برای مؤمنین استغفار مینماید و سوره یا آیه ای از قرآن قرائت میکند و پس از فارغ شدن اقامه نماز میگوید و دو رکعت نماز بجا میآورد. در رکعت اول بعد از حمد سوره جمعه تلاوت میکنند و در رکعت دوم بعد از فاتحه سوره منافقین قرائت مینماید و رکوع و سجود بجا میآورد و تشهد و سلام میگوید، نماز تمام میشود و بعد از آن نماز عصر بجا میآورد در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود زمانیکه امام خطبه قرائت میکند سزاوار نیست کسی تکلم نماید تا فارغ شود از قرائت دو خطبه اما اگر بین فراغ و برخاستن برای نماز تکلم نماید بر او بحثی نیست.

در تهذیب از آنحضرت روایت کرده فرمود باید امام جماعت خطبه را در حال قیام قرائت کند و در آن حمد و ثنای خداوند و درود بر پیغمبر ﷺ و آل او بجا آورد و مردمان را بتقوی و پرهیزکاری سفارش کند و در آخر آن یکسوره کوچک از قرآن تلاوت مینماید سپس می نشیند بعد از آن بر میخیزد برای خطبه دوم و در آن نیز بیان میکند حمد و ثنای پروردگار را و درود میفرستد بر محمد ﷺ و آل او و برای مومنین طلب آمرزش مینماید بعد از آن دو رکعت نماز بجا میآورد و در رکعت اول بعد از حمد سوره جمعه و در دوم سوره منافقین قرائت میکند.

ابن بابویه و کلینی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده اند فرمود خداوند آیه (حافظوا علی الصلوات و الصلوة الوسطی) را در سفر و روز جمعه بر پیغمبر اکرم ﷺ نازل فرمود و مراد از نماز وسطی نماز ظهر است آنحضرت نماز ظهر را در سفر و در حضر در روز جمعه بحال خود که دو رکعت است و گذاشت و در غیر روز جمعه در حال حضر دو رکعت افزود و بخاطر دو خطبه، نماز در جمعه نیفزود چه خطبه

بمثله دور کعت از نماز است و هر کس در روز جمعه نماز جمعه بخواند باید نماز ظهر را چهار رکعت بجا آورد مانند سایر روزها و از محمد بن مسلم روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت باقر علیه السلام آیا در نماز جمعه اذان و اقامه هست فرمود امام بعد از اذان بر منبر میرود و خطبه میخواند و مردم در حال قرائت خطبه نماز بجا نمیآورند و بعد از فراغ از خطبه اول بمقدار قرائت سوره قل هو الله می نشیند و بر میخیزد برای قرائت خطبه دوم. پس از فارغ شدن از آن از منبر فرود میآید و اقامه میگوید و با مردم نماز جمعه را بجا میآورد.

در تهذیب از حفص بن غیاث روایت کرده گفت یکی از شیعیان از ابن ابولیلی سؤال کرد آیا نماز جمعه بر بنده و زنهار و مسافر واجب است یا خیر؟ جواب داد واجب نیست مجدداً پرسید اگر یکی از مسافرین و زنهار و مملوک کین حاضر شدند و نماز جمعه بجا آوردند آیا کفایت میکند از نماز ظهر؟ ابولیلی قاضی گفت بلی آن شیعه جواب داد چگونه چیزی که خداوند واجب نکرده از نماز ظهر یکبار واجب فرموده کافی است ابولیلی نتوانست جواب او را بدهد حفص میگوید من از آن شیعه جهتش را سؤال نمودم جواب داد خداوند نماز جمعه را بر تمام مردم اعم از زنهار و مردان و مسافر و مملوک واجب نموده ولی رخصت داده بر زنهار و مسافرین و مملوک که بر نماز جمعه حاضر نشوند پس وقتیکه حاضر شدند رخصت ساقط میشود و لازم میگردد بر آنها فریضه اول و از این جهت برای ایشان نماز جمعه کافی است از نماز ظهر گفتم این فرموده کیست؟ جواب داد فرمایش حضرت صادق علیه السلام است. در کافی و تهذیب از خلیبی روایت کرده اند گفت از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم کسی که خطبه روز جمعه را درک نکند تکلیف او چیست؟ فرمود اگر پیش از رکوع دوم بامام برسد نماز جمعه را درک نموده و یکر رکعت دیگر را خودش بخواند و بلند قرائت کند و چنانچه بعد از رکوع دوم درک کند نماز جمعه را باید چهار رکعت نماز ظهر بجا آورد و اما فضیلت روز جمعه چون در کتب ادعیه بیان شده ما از شرح آن صرف نظر نمودیم.

در کافی ذیل آیه (یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة)

از ابی حمزه ثمالی روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام سؤال نمودم برای چه نامیده شده روز جمعه بجمعه فرمود آن روزیست که خداوند تمام مخلوقات اولین و آخرین را جمع نمود از برای آنکه عهد و میثاق بگیرد از آنها بولایت محمد صلی الله علیه و آله و وصی او علی علیه السلام از این جهت آن را جمعه نامید .

در اختصاص از جابر جعفی روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیه السلام آیه یا ایها الدین آمنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة رافرائث مینمودم فرمود ای جابر تأمل کن تا خبر دهم تو را بتأویل اعظم آن . عرض کردم بفرمائید فرمود: خداوند روز جمعه را برای آن جمعه نامید چون تمام خلق اولین و آخرین را از جن و انس و آسمان و زمین و دریا و بهشت و جهنم و سایر موجودات دیگر را در عالم ذر برای گرفتن عهد و پیمان بر بیعت خود و نبوت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام در آن روز جمع نمود و با آسمان و زمین فرمود: ائتیا طوعا او کرها قالنا اتینا طاعین پس از آن فرمود: ای مردم می که در آن روز ایمان آوردید وقتی شما را برای نماز صدا کردند (و مقصود از نماز در اینجا وجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام است که ولایت کبری است) بشتابید بسوی ذکر خداوند که نیز آنحضرت است و در آن روز پیغمبران و فرشتگان و تمام موجودات لبیک گوین حاضر شدند سپس خطاب شد بآنها و ذروا البیع یعنی رها کنید اولی را ذلك خیر لکم یعنی عهد و پیمان بر ولایت علی و بیعت با آنحضرت بهتر است برای شما از بیعت نمودن با اولی اگر بدانید (فاذا قضیت الصلاة) یعنی هر وقت بیعت ولایت علی علیه السلام را اخذ نمودید فانتشروا فی الارض و مراد بارض در اینجا ائمه معصومین است که خداوند امر فرموده باطاعت و ولایت آنها چنانکه امر نموده باطاعت پیغمبر و امیر المؤمنین علیه السلام و کنایه آورده پروردگار از اسامی ائمه بزمین و (ابتغوا من فضل الله) فرمود ای جابر یعنی و ابتغوا فضل الله علی الاوصیاء (واذکروا الله کثیرا لعلکم تفلحون) این آیه خطاب به پیغمبر است در عالم ذر فرمود ای محمد صلی الله علیه و آله هر گاه شکاک و منکرین مشاهده کنند تجارتی را یعنی اولی را «اولهوا» یعنی دومی را «انقضوا الیها» یعنی میشتابند بسوی آنها «وتر کوک قائما» یعنی ای پیغمبر تو را با علی تنها گذارند (قل ما عند الله

خیر من اللہ و من التجارة و اللہ خیر الرازقین) یعنی بگو ای محمد آنچه نزد خدا از ولایت امیر المؤمنین علیہ السلام و ائمه می باشد بهتر است از اولی و دومی برای کسانی که پرهیز کارند .

علی بن ابراہیم از ابی جارود روایت کرده گفت از حضرت باقر علیہ السلام معنای فاسعوا را سؤال نمود فرمود سعی عبارت از کوتاه کردن شارب و گرفتن ناخن و موهای زیر بغل و عورت است و دیگر غسل جمعه و پوشیدن لباس نظیف و استعمال عطریات است چه خداوند میفرماید و من اراد الاخرة و سعی لہا سعیہا و هو مؤمن و فرمود: و ذروا البیع - ترك کردن معامله است و در مدینہ وقتی صدای مؤذن بلند میشد منادی ندا میکرد خرید و فروش حرام است

(فاذا قضیت الصلوة فانتمشوا فی الارض و ابتغوا من فضل اللہ و اذکرو اللہ کثیرا لعلکم تفلحون) حضرت صادق علیہ السلام فرمود نماز روز جمعه و انتشار در روز شنبہ است و نیز فرمود ذکر خدا را فقط اختصاص ندهید در نماز بلکه بہر کاری مشغول بودید از یاد خدا غفلت نکنید پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود ہر کس در بازار یاد خدا کند در آنوقتیکہ مردم از یاد خدا غافلند و سرگرم معامله و خرید و فروش هستند خداوند در نامہ اعمال او ہزار حسنہ بنویسد و می آہرزد او را در قیامت بطوریکہ در قلب هیچ بشری خطور نکند .

(و اذا راوا تجارة اولہا انفضوا الیہا و ترکوک قائما قل ما عند اللہ خیر من اللہ و من التجارة و اللہ خیر الرازقین) سبب نزول آیہ آن بود کہ روز جمعه پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم مشغول نماز جمعه بود . قافلہ مال التجارة وارد مدینہ شد و برای اعلام ورود طنبور و دف میزدند مردم نماز جمعه را ترك کردند و پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را رها کردہ و تنہا گذاشتند جز چند نفری و بقیہ بتماشای تجارت و لہو و لعب رفتند و رسول خدا در بالای منبر ایستاد ، مشغول تلاوت خطبہ بود کہ آیہ فوق نازل شد حضرت صادق علیہ السلام و حضرت رضا علیہ السلام آیہ را بطریق ذیل قرائت فرمودمانند : قل ما عند اللہ خیر من اللہ و من التجارة للذین اتقوا و اللہ خیر الرازقین

پایان سوره جمعه

سورة المنافقون

<http://fb.com/ranajabirabbas>

ترجمه سوره منافقین

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما چون منافقین نزد تو آیند گویند گواهی میدهیم که تو رسول خدائی و خدا میداند تو رسول او هستی و خدا گواهی میدهد که منافقین دروغ میگویند (۱) سوگندهای دروغ خود را سپر جان خویش قرار داده اند تا باینوسیله راه خدا را بروی مردم ببندند. آنچه عمل میکنند بسیار بد است (۲) چه آنها پس از ایمان آوردن بدل کافر شدند خدا هم مهر بر دلهای ایشان زد پس آنها چیزی نمی فهمند (۳)

دلو ابن سیار بدلو جهجه پیچید و بسته شد با یکدیگر نزاع کردند جهجه سیلی بصورت ابن سیار زد خون جاری شد طایفه خود خزر ج را بیازی طلبید و جهجه هم قریش را بنصرت خود خواند از دو طرف جمع شدند و اسلحه بروی یکدیگر کشیدند نزدیک بود فتنه ای برپا شود عبدالله ابی صدای آنها را شنید گفت چه خبر است داستان را برای او بیان کردند در غضب شد گفت من کراحت داشتم باین سفر بیایم همانا ذلیل خواهم کرد عرب را. هرگز تصور نمی کردم که من زنده باشم و چنین روزی را مشاهده نمایم و نتوانم تغییر بدهم آنگاه نزد اصحاب خود رفت و بآنها گفت این نتیجه عمل شما است که پیغمبر و مهاجرین را جا دادید و وارد منزلهای خود کردید و با مال و جان با ایشان مواسات نمودید و خودتان را برای کشته شدن و اسیری زنان و فرزندان خود در معرض هلاکت افکندید. اگر آنها را از مدینه بیرون کنید عیال دیگران خواهند بود البته وقتی وارد مدینه شویم بیرون میکنیم بزرگترین آنها را تا حقیر و ذلیل ترین اشخاص شوند و مقصود از بزرگ آنها پیغمبر اکرم بود زید بن ارقم که جوان تازه بالغی بود این سخن عبدالله را شنید رسول خدا در سایه درختی استراحت کرده بود و جمعی از مهاجر و انصار اطرافش را گرفته زید حضورش شرفیاب شد و سخنان عبدالله ابی را بسمع مبارکش رسانید پیغمبر ﷺ باو فرمود ای زید شاید تو اشتباه شنیدی یا در غضب بودی و خیال کردی. عرض کرد ای رسول خدا سوگند به پروردگار نه در غضب بودم و نه عوضی

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خُشْبٌ مَسْنَدَةٌ يَخْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ ثُمَّ الْعَدُوُّ فَأَحْذَرْتُمْ فَأَتَلْتُمُ اللَّهَ أَنْيُ يُؤْفَكُونَ (۴) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّاْ رُؤُسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (۵) سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۶) هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (۷)

شنیدہام پیغمبر بفراموشی امر فرمود سوار راحلہ بشود و مردم را اعلام کہ حرکت کنند چون مردم را اعلام داد گفتند پیغمبر در این وقت حرکت نمیکند سعد بن عبادہ حضور پیغمبر آمد عرض کرد ای رسول خدا اکنون وقت حرکت نبود چہ پیش آمدی کردہ . فرمود مگر نشنیدی سخن رفیق را ؟ عرض کرد ای رسول خدا من رفیق و مصاحبی جز شما ندارم فرمود عبداللہ ابی را میگویم کہ خیال دارد وقتی وارد مدینہ شود ما را بیرون کند تا خوار و ذلیل شویم . سعد عرض کرد ای رسول خدا شما واصحاب عزیزترین مردم میباشید و عبداللہ و یارانہش خوار و ذلیلترین مردم اند پیغمبر اکرم ﷺ حرکت نمود و آنروز با کسی تکلم نفرمود . طایفہ خزرج نزد عبداللہ ابی رفتند و اورا توبیخ و سرزنش کردند بدروغ قسم یاد نمود کہ من چنین سخنی نگفتم گفتند بیا برویم حضور پیغمبر و عذر خواهی کن سرش را بزیر افکند پیغمبر اکرم ﷺ تمام شب را پس از خواندن نماز حرکت کرد و راه پیمود فردای آنروز کہ فرود آمدند و اصحاب بسیار خستہ بودند عبداللہ حضور رسول خدا رسید و قسم یاد کرد کہ من چنین گفتاری بزبان جاری نکردم و شہادت

ای رسول ما چون آن منافقین را مشاهده کنی آراستگی ظاهر آنها تو را بشگفت آورد و اگر سخن گویند بسخنانشان گوش فرا خواهی داد ولی درون آنان مانند چوب خشکی است که بر دیوار نهاده اند هر صدائی بشنوند بر زبان خویش گمان کنند ایشان دشمنند بر حذر باش از منافقین، خدا آنها را بکشد. چگونه از حق باز میگردند (۴) هر گاه بآنها گفته شود بیائید تا رسول خدا برای شما طلب آمرزش کند آنها سرپیچی میکنند و بنگری که با تکبر و نخوت دوی میگردانند (۵) اگر طلب آمرزش کنی از برای آنها یا نکنی بحالشان یکسان است خدا هر گز ایشان را نمی آمرزد و خداوند قوم بدکار را براه هدایت راهنمایی نخواهد کرد (۶) آنها همان کسانی هستند که میگویند بر اصحاب رسول اتفاق مال نکنید از اطراف او پراکنده شوید بدانند که خداوند صاحب گنجهای آسمان و زمین است و لکن منافقین نمی فهمند که روزی بدست خدا است. (۷)

بوحدانیت پروردگار و نبوت پیغمبر داد و گفت زید دروغ گفته است در صورت ظاهر پیغمبر از او قبول نمود طایفه خزرج زید را مورد اذیت و آزار قرار دادند و باو میگفتند چرا به بزرگی ما توهین کرده ی زید میگفت خدایا تو شاهی که من دروغ بر عبدالله نبستم پیغمبر و اصحاب از آن مکان حرکت کردند قدری طی مسافت نمودند حالت وحی بر پیغمبر رخ داد ناله آنحضرت سنگین شد نزدیک بود بر زمین قرار گیرد جبرئیل نازل شد سوره منافقین را فرود آورد پیغمبر صورت مبارکش را از عرق خشک نمود دست برد گوش زید بن ارقم را گرفت و او را از روی ناله اش بلند کرد و فرمود ای جوان سخن تو در باره عبدالله راست بود قلبت محکم باد خداوند در باره آنچه تو گفتی آیاتی چند نازل فرموده آنگاه اصحاب را عموماً جمع نمود و سوره منافقین را بر آنها تلاوت فرمود خداوند مفتضح کرد عبدالله ابی را - ابان بن عثمان از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود فرزند عبدالله ابی به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد ای رسول خدا! اگر قصد کشتن پدرم را دارید اجازه بفرمائید خود من سر او را جدا کنم سو گند بخدا که من بهترین فرزندان او هستم و علاقه بی پایان با پدر خود دارم. طایفه خزرج و اوس میدانند علاقه مرا به

يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْمِرَّةُ
وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا لَا تُلْهِمُكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (۹) وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ
أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصْدَقْ
وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ (۱۰) وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا
وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

پدر خود ولی این علاقه در قبال علاقه بدین هیچ است. میترسم اگر دیگری او را
بقتل رساند نقسم آرام نگیرد که مشاهده کنم قاتل پدرم را و عاقبت قاتل او را بقتل
برسانم و بخاطر پدر کافرم مؤمنی را بکشم و مخلص در جهنم شوم. رسول خدا!
باو فرمود: تو از یاران نیکوی ماهستی. مادامیکه بسا ماباشی مدارا کن با قدرت.
من خیال کشتن او را ندارم *

(اتخذوا ایمانهم حنة فصدوا عن سبيل الله انهم ساء ماكانوا يعملون ذلك بانهم آمنوا
ثم كفروا فطبع على قلوبهم فهم لا يفقهون) - سو گندهای دروغ خود را سپر جان خود
قرار داده اند یعنی هر گاه کاری پیش آید که پرده منافقین در آن کار دریده خواهد
شد بسو گند دفع آن میکنند چنانکه در کارزار مرد دفع تیر و شمشیر با سپر میکند
و از راه خدا اعراض میکنند و مردم را هم باز میدارند. ای مؤمنین بدانید منافقین
بدکاری انجام میدهند چه آنها بر زبان ایمان آوردند سپس بدل کافر شدند. خدا هم
مهر بر دلهای آنها زدو باین جهت است که ایشان ایمان نخواهند آورد و آنها
نمیدانند و حقایق ایمان را درک نمیکند - در کافی از عهد بن فضیل روایت
کرده گفت معنای آیه فوق را از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمودم فرمود

میگویند اگر بمدینه باز گشت کنیم باید عزیزترین ما خوار و ذلیل‌ترین را بیرون کنند اما عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنین است منافقین نمی‌دانند (۸) ای اهل ایمان مبادا مشغول سازد شما را مال و فرزندانان از یاد خدا کسانی که مال و فرزندانشان آنان را از یاد خدا باز دارند زیان کارانند (۹) از آنچه روزی شما کردیم در راه خدا اتفاق کنید پیش از آنکه مرگ بریکی از شما فرا رسد و در آنحالت با حسرت بگوئید پروردگارا اجل مرا بتاخیر انداز تا صدقه و احسان بسیار کنم و از نیکوکاران شوم (۱۰) و خدا اجل هیچکس را از وقتش که فرا رسد تأخیر نیندازد و او بهر چه کنید آگاهست (۱۱)

خداوند کسانی را که از پیغمبرش پیروی نکرده‌اند در ولایت وصی او امیر المؤمنین علیه السلام منافقین نامیده و منکرین امامت و وصایت را منکرین خود و پیغمبر قرار داده و این موضوع را در قرآن چنین بیان کرده و فرمود: ای محمد زمانی که آمدند منافقین بولایت و امامت علی علیه السلام نزد تو و گفتند شهادت می‌دهیم که تو رسول خدا هستی، خداوند میداند که تو رسولش میباشی و خداوند گواهی میدهد که منافقین بولایت علی علیه السلام دروغ میگویند و سوگندهای خودشان را سببی قرار داده‌اند و راه خدا را که ولایت علی علیه السلام است بروی مردم بسته‌اند و این عمل بد عملی است. آنها بر سالت تو ایمان آوردند و بولایت و امامت علی علیه السلام کافر شدند خداوند هم مهر بر دل‌های ایشان گذاشت و لذا چیزی نمی‌فهمند. فضیل میگوید عرض کردم لایفقهون یعنی چه فرمود یعنی در نبوت پیغمبر تعقل نمی‌کنند و هر گاه بآنها گفته میشود باز گردید بسوی ولایت علی علیه السلام تا طلب مغفرت و آمرزش نماید پیغمبر از برای گناهان شما سرهای خود را بزیر افکنند. ای محمد صلی الله علیه و آله مشاهده کنی آنها را که جلو گیری و ممانعت می‌نمایند از ولایت علی و تکبر می‌ورزند بر او. ای پیغمبر چه برای ایشان استغفار نمائی یا ننمائی هرگز خدا آنها را نمی‌آمرزد و خداوند راهنمائی نمی‌کند کسانی را که ظلم و ستم بوصی تو علی می‌نمایند *

(و اذا رایتم تعجبك اجسامهم وان یقولوا تسمع لقولهم کانهم خشب مسندة یحسبون کل صیحة علیهم هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله انی یؤفکون) - ای رسول ما تو چون

کالبد جسمانی آن منافقین را مشاهده کنی بآراستگی ظاهر تو را بشگفت آورند (این عباس گفت عبدالله ابی مردی بود فربه و نیکو صورت و فصیح چون او سخن میگفت پیغمبر اکرم ﷺ از دور صدای او رامیشنید) ولی آن منافقین صورتند بدون معنی مانند چوبهای خشک که بر دیوار نهاده اند. هر صدائی که میشنوند بر زبان خویش پندارند. دشمنان دین و ایمان بحقیقت ایشانند، از آنها بر حذر باش خدا آنان را بکشد چه قدر بمکر و حيله و دروغ از حق باز میگردند آیا اینها بکجا رو برمی گردانند.

چون خداوند بیان کرد اوصاف منافقین را برای رسولش عبدالله ابی و تابعینش را بآنها معرفی کرد طائفه او باو گفتند مفتضح شدی بیا برویم حضور پیغمبر و درخواست کنیم از حضرتش تا استغفار کند برایت. او سر پیچید و دوری جست از رفتن حضور رسول خدا.

(هم السذین يقولون لا تنفقوا علی من عند رسول الله حتی ینفضوا و لله خزائن السموات و الارض ولیکن المنافقین لا یفقهون. يقولون لئن رجعنا الی المدینة لیخرجن الاعز منها الاذل و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین ولیکن المنافقین لا یعلمون) منافقین همان مردم بد خواهی هستند که میگویند بر اصحاب رسول اتفاق نکنید تا یارانش از اطراف او پراکنده شوند در صورتیکه گنجهای آسمان و زمین از برای خدا است لکن منافقین درک نمیکنند. میگویند! اگر بمدینه باز گردیم همانا عزیزترین مردم که مقصود خود آنهاست ذلیل ترین آنها را از شهر مدینه بیرون کنند یعنی مسلمانان را اخراج نمایند و حال آنکه عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنین است ولی منافقین نمیدانند. در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود: خداوند امور مؤمن را در دست خود گرفته و هر گز نمیخواهد که او ذلیل و خوار باشد آیا نمیشنوی قول خدا را که میفرماید: و لله العزة و لرسوله و للمؤمنین. پس مؤمن عزیز است و ذلیل نمیشود. مؤمن سخت تر است از کوه چه کوه بوسیله آلتی و اسبابی تراشیده میشود ولی دین مؤمن بهیچ چیز متزلزل و ناقص نمیشود. خداوند او را عزیز نموده پایمان و اسلام و سزاوار نیست از برای مؤمن که

ذلیل کند نفس خودش را . اصحاب حضورش عرض کردند بچه چیز نفس ذلیل می شود فرمود بآنکه عرضه بدارند براو چیزی را که طاقت آنرا نداشته باشد و داخل شود در چیزی که توانائی بر آن را ندارد .

(یا ایها الذین آمنوا لا تلهکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکر الله و من يفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون) مخاطب این آیه مؤمنین اند . میفرماید : ای مؤمنین مبادا مال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل سازد . مراد از ذکر نماز است و کسانی که مال و فرزندان شما را از یاد خدا باز دارد ایشان در حقیقت از زیانکاران عالمند (و انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یاتی احدکم الموت فبقول رب لولا اخرتني الی اجل قریب فاصدق و اکن من الصالحین) - ای مؤمنین از آنچه روزی شما کردیم در راه خدا اتفاق کنید پیش از آنکه مرگ بر یکی از شما فرا رسد و در آن حالت بحسرت گوید پروردگار! اجل مرا اندکی بتأخیر انداز تا صدقه و احسان بسیار کنم و از نیکوکاران شوم . ابن بابویه ذیل آیه فوق از ابن عباس روایت کرده گفت نیست کسی که بمیرد و مالی داشته باشد که زکوة آنرا نداده یا مستطیع بوده و بحج نرفته مگر آنکه آرزو کند در وقت مردن که برگردانند او را بدنی تا زکوة بدهد و بحج رود و این حدیث را از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند .

(ولن یوخر الله نفساً اذا جاء اجلها والله خبیر بما تعملون) پروردگار در جواب این مردم میفرماید هرگز خدا اجل کسی را که فرا رسیده است از وقتش بتأخیر نیندازد و او بهره چه کنید از بد و نیک آگاهست . حضرت باقر علیه السلام در معنای این آیه فرموده : نزد خدا کتابی است . مقدم میدارد هر چه را بخواهد و مؤخر میدارد آنچه را اراده فرماید و در شب قدر نازل میکند هر چیزی را که باید انجام شود و هر گاه نازل کرد آن را و نوشته شد در کتاب آسمان دیگر تأخیر پذیر نیست .

پایان سورہ منافقین .

سورۃ تغابن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ
 عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱) هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ
 وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲) خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ
 فَأَنْحَسَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۳)

سورہ تغابن در مکہ نازل شدہ و ہمجندہ آیہ و دوہست و چہل ویک کلمہ و
 ہزار و ہفتاد حرف است مرکز تحقیق کتب و علوم اسلامی
 خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ
 فرمود ہر کس سورہ تغابن را در نمازہای واجبہ قرائت کند روز قیامت شفیع او
 گردد و مفارقت نکند از او تا داخل بہشت شود ۔
 و از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کہ این سورہ و مسبحات
 را تماماً قرائت کند پس از خواب در ہر شب نمیرد تا آنکہ درک کند حضرت
 قائم علیہ السلام را و اگر بمیرد در جوار پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم قرار بگیری و در خواص
 قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کہ این سورہ را تلاوت نماید
 خداوند مرگ ناگہانی را از او برطرف سازد و اگر ہنگام ورود بخانہ پادشاہ
 و سلطان جائز قرائت کند خداوند کفایت کند او را از شر آن پادشاہ و ہیچ بدی
 باو نمیرسد ۔

خلاصہ مطالب این سورہ عبارت است از بیان حال کفار و معصیت کلان و سبب

ترجمه سوره تغابن

بنام خداوند بخشنده مهربان

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خداوند مشغولند پادشاهی و ستایش مخصوص اوست و خداوند بر هر چیز توانائی دارد (۱) اوست آنکه آفرید شما را پس بعضی از شما کافر و بعضی دیگر مؤمن هستید و خدا با آنچه میکنید بینا است (۲) آسمان و زمین را بحق آفرید و شما آدمیان را زیباترین صورت بیاراست و باز گشت همه خلایق بسوی اوست (۳)

هلاکت آنها و حال فرمان برداران و بعضی از زنان و فرزندان شخص دشمن او هستند و باید حذر کرد از آنها.

قوله تعالی (یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض له الملك وله الحمد و هو علی کل شیئی قدير) هر چه در آسمانها و زمین است به تسبیح و ستایش خداوند مشغولند و شکر و سپاس مخصوص او است چه تمام نعمتها و منافع بامر او است و او بر هر چیز قدرت و توانائی دارد

(هو الذی خلقکم فمنکم کافر و منکم مؤمن و الله بما تعملون بصیر) در کافی ذیل آیه از حسین بن نعیم صحافروایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام معنای آن را سؤال نمودم فرمود خداوند شناسانیده ایمان مردم را بواسطه ولایت مائمه و کفر آنها را بانکار ولایت مادر عالم در همان روزیکه عهد و پیمان گرفت از ایشان در آنوقتیکه پشت آدم بودند

(خلق السموات و الارض بالحق و صورکم فاحسن صورکم و الیه المصیر يعلم ما فی السموات و الارض و يعلم ما تسرون و ما تعلنون و الله علیم بذات الصدور) خدا آسمان و زمین را بحق آفرید و شما آدمیان را زیباترین صورت بیاراست و نیکو نگاشت و باز گشت همه خلایق بسوی او است آنچه در آسمانها و زمین است و هر چه در پنهان و آشکار بجا آورید همه را میداند و باسرار دلهای خلق آگاهست (الم یاتکم نبؤ الذین کفروا من قبل فذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب الیم ذلک

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ (۴) أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَنَادُوا بِالنَّارِ
أَمْرِهِمْ وَكَانَتْ عَلَيْهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
فَقَالُوا أَأَبْشَرُ يَهُودُنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌ حَمِيدٌ (۵)
زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُعْمِنُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّيُنَّ بِمَا
عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (۶) فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي
أُنْزِلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۸)

بأنه كانت تأتيهم رسلهم بالبينات فقالوا ابشر يهودنا فكفروا وتولوا واستغنى الله
و الله غنى حميد) آياداستان حال پيشينيان كه بخدا كافر شدند بشما نرسیده چگونه
چشیدند كيفر عمل خود را و از برای آنها عذاب درد ناکی مهیا است، پس از آن
بیان میکند علت عذاب آنها را تا کسی گمان نکند که بایشان ظلم شده. میفرماید
این عذاب برای آن بود چون پیغمبران باادله و معجزات بسوی آنان رفتند ایشان
پیغمبران را تکذیب و طعن زدند و گفتند آیا بشری مانند ما میتواند ما را زهبری
کنند و برسولان ما کافر شده و روی از آنها بر گردانیدند و گمان کرده بودند
که باید پیغمبران آنها فرشتگان باشند باین سبب کافر شدند و این سببی بود که
بایست بآن ایمان آورند چه اگر پیغمبر آنان از جنس بشر نبود باو الفت نمیگرفتند
و مانوس نمیشدند خدایتعالی هم از کفر و ایمان خلق بی نیاز و او توانگر بالذات و
بتمام صفات ستوده است

(زعم الذين كفروا ان لن يعمشوا قل بلى و ربى لتبعثن ثم لتنبئن بما عملتم
و ذلك على الله يسير فآمنوا بالله ورسوله والنور الذى انزلنا والله بما تعملون خبير)
كافران گمان کردند که هرگز پس از مرگ برانگیخته نمیشوند ابرسول ما با آنها

آنچه در آسمانها و زمین است و هر چه را که شما پنهان یا آشکار کنید همه را میداند و اوباسرار دلہای مردم دانا است (۴) آیا داستان حال پیشینیان کہ بخدا کافر شدند بشما نرسیده چگونه عقوبت کرد ارشان را چشیدند و از برای آنها عذاب درد ناکی خواهد بود (۵) این عذاب برای آن بود کہ فرستاد گانی باادله و معجزات بسوی آنها آمدند و ایشان آنان را تکذیب کرده و بطعنه گفتند آیا بشری مانند ما میتواند رہبری کند ما را و بہ پیغمبران کافر شدہ و روی از آنها گردانیدند و خدا از خلق بی نیاز و او توانگر و ستودہ است (۶) کافران گمان کرده اند کہ ہرگز پس از مرگ بر انگیختہ نشوند ایں رسول ما بآنها بگو بخدای من سو کند کہ البتہ بر انگیختہ میشوید و سپس بہ نتیجہ اعمال خود خبر دار میشوید و این بر انگیختن بر خدا آسانست (۷) پس بخدا و رسولش و نور روشنی کہ فرستادہ ایم ایمان آورید و خدا بآنچه عمل کنید آگاہست (۸)

بگو سو کند بخدای من کہ البتہ بر انگیختہ میشوید و سپس بہ نتیجہ اعمال خود آگاہ میگردید این بر انگیختن بر خدا بسیار آسانست پس بخدا و رسول او و نوریکہ فرستادیم ایمان آورید خداوند از نیک و بد کردار شما آگاہست ۔

در کافی از ابی خالد کابلی روایت کردہ کہ معنای آیہ را از حضرت باقر عجلالہ تعالیٰ سؤال نمودم فرمود ای ابا خالد بخدا قسم نور در اینجا ائمہ از آل محمد علیہ السلام میباشد تا روز قیامت سو کند بخدا ائمہ ، مان نوری هستند کہ خداوند نازل فرمود و آنها نور آسمان و زمین باشند ای ابا خالد نور امام در دلہای مؤمنین از نور آفتاب کہ می تابد روشن تر است سو کند بخدا امامان نور افشانی میکنند قلوب مؤمنین را و خداوند میپوشاند نور امامان را از ہر کس کہ بخواہد پس تاریک و ظلمانی شود دل آنها بخدا قسم ای ابا خالد دوست نمیدارد ما را کسی مگر آنکہ پاکیزہ گرداند خداوند قلب او را و پاکیزہ نگرداند خداوند دل کسی را تا آنکہ تسلیم ما ائمہ شود و چون سلم و تسلیم مآشد خداوند او را سلم گرداند از سختی حساب و ایمن باشد از ترس و هول روز قیامت و عذاب جہنم

(یوم یجمعکم لیوم الجمعہ ذلک یوم التغابن و من یؤمن باللہ و یعمل صالحا

يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ
 صَالِحًا يُكْفَرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلُهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۹) وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
 أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۱۰) مَا أَصَابَ مِنْ
 مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
 (۱۱) وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأِنَّا
 عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۱۲)

يكفر عنه سيئاته ویدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدين فيها ابدًا
 ذلك الفوز العظيم) بیاد آورید روزی را که خداوند همه را بعرضه محشر برای
 حساب جمع میکند و آنروز روز غیب و پشیمانی است پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود
 هیچ بنده ای نیست از مطیع و عاصی مگر آنکه روز قیامت حسرت خورد بد کردار
 حسرت خورد که چرا بد کرده و نیکو کار بخاطر آنکه چرا بیش از این عمل نیک انجام
 نداده و هر که بخدا ایمان آورد و نیکو کار باشد خداوند گناهان او را بپوشاند و
 در بهشت هائی که زیر درختانش نهرها جاریست داخل گرداند و در آن بهشتها
 همیشه متنعم باشد و در حقیقت ظفر و دستگیری بزرگ است .

ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روز
 تلاقی روزیست که ملاقات میکنند اهل آسمانها با اهل زمین و روز تناد روزیست که اهل
 جهنم با اهل بهشت میگویند عطا کنید بما آنچه را خداوند نصیب شما کرده و روز
 تغابن روزیست که غبطه میخورند اهل جهنم با اهل بهشت و روز حسرت روزی باشد که
 مرگ را بصورت کوسفندی آورند و آن را ذبح کنند
 (و الذين كفروا و كذبوا بآياتنا اولئك اصحاب النار خالدين فيها و بئس

بیاد آورید روزی را که خدا همه خلایق را برای حساب بعرصه محشر جمع میگرداند آنروز روز زیان بدکاران است هر که در دنیا ایمان آورده و نیکو کار باشد خدا گناهانش را بپوشاند و در بهشت که زیر درختانش نهرها جاریست داخل گرداند و در آن همیشه جاوید بماند این است رستگاری بزرگ (۹) آنانکه کافر شده و آیات ما را تکذیب کردند اهل دوزخند و در آنجا همیشه بمانند و بدمنزلگاه و باز گشتی است آتش دوزخ (۱۰) هیچ رنج و مصیبتی نرسد مگر بفرمان خدا و هر کس بخدا ایمان آورد خدا دل او را راهنمایی کند و او بهر چیزی دانا است (۱۱) فرمان خدا و پیغمبر را اطاعت کنید و اگر روی بگردانید بر رسول ما جز رسانیدن احکام با بیان روشن تکلیفی نخواهد بود (۱۲)

المصیر) و آنهاییکه کافر شده و آیات ما را تکذیب کردند اهل دوزخ هستند و در آنجا جاویدان باشند و بسیار بد منزلگاهی است
(ما اصاب من مصیبة الا باذن الله و من يؤمن بالله يهد قلبه والله بكل شيء عليم) در این آیه بخاطر تسلی و دلخوشی صاحبان مصائب میفرماید هیچ رنج و مصیبتی نرسد بشما مگر بفرمان خدا چه انسان وقتی دانست که مصائب باذن خدا است و دانست که صلاح او در آن است پس راضی و تسلیم شود بامر خدا و هر که بخدا ایمان آورد خداوند دلش را بمقام عالی رضا و تسلیم هدایت کند و او بر همه امور عالم آگاهست -

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس را خداوند هدایت کند گواهی میدهد بخداوند قلب او و چون خداوند راه را بیان کرد اختیار میکند هدایت را و پروردگار زیاده میگرداند بر او هدایتش را چنانکه میفرماید و الذین اهتدوا زادهم هدی

(و اطیعوا الله و اطیعوا الرسول فان تولیتهم فانما علی رسولنا البلاغ المبین الله لا اله الا هو و علی الله فلیتوکل المؤمنون) همیشه فرمان خدا و رسولش را اطاعت کنید و اگر روی برگردانید و مخالفت او کنید بر پیغمبر ما جز رسانیدن

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (۱۳) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 إِن مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ يَعِدُوا لَكُمُ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعَفَّوْا وَتَضَحَّوْا
 وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۴) إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فَتْنَةٌ
 وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ (۱۵) فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمُوا وَاطِيعُوا
 وَأَفِيقُوا خَيْرٌ لَّأَنفُسِكُمْ وَمَن يُوقْ شَحْ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۶)
 إِن تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ
 حَلِيمٌ (۱۷) عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۸)

احکام و اتمام حجت با بیان روشن تکلیفی نخواهد بود او است آن خدائی که بجز
 او خدائی نیست بر خدا توکل کنند اهل ایمان در تمام امور خود -
 در کافی از حسین بن نعیم صحیف روایت کرده که معنای آیه را از حضرت
 صادق علیه السلام سوال نمودم فرمود بعد از قسم هلاک نشدند پیشینیان و هلاک شدند
 تا زمان قائم ما آل محمد علیهم السلام مگر در اثر ترک کردن ولایت ما و انکار نمودن حق
 ما ائمه رحلت نمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا تا آنکه عهد و پیمان گرفت از
 این مردم بر حق ما و خداوند هر کس را بخواهد براه راست هدایت میفرماید
 (یا ایها الذین آمنوا ان من ازواجکم و اولادکم عدو لکم فاحذروهم وان
 تعفوا و تصفحوا و تغفروا فان الله غفور رحیم) ای مؤمنین بدانید که بعضی از
 فرزندان و زنان شما دشمنند با شما از آنها دوری بجوئید و دل از محبتشان برکنید
 و اگر از ایشان عفو و چشم پوشی کنید همانا خداوند آمرزنده و مهربانست
 ابی جارود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود آیه فوق در حق جمعی
 از مسلمانان نازل شده خواستند از مکه هجرت کنند بسوی مدینه دوستی زنها و
 و فرزندان و اسباب و اموال دامن ایشان را گرفت زنان و فرزندان آنها گفتند

او است خدای یکتائی کہ جز او خدائی نیست و باید اهل ایمان در تمام امور باو توکل کنند (۱۳) ای اهل ایمان بدانید بعضی از زنان و فرزندان شما هستند پس حذر کنید از آنها و اگر در گذرید و چشم پوشید و عفو کنید از آنان خدا هم آمرزنده و مهربان است (۱۴) همانا اموال و فرزندان شما سبب آزمایش شما هستند و نزد خدا اجر و پاداش بزرگ خواهد داشت (۱۵) پس آنچه میتوانید از خدا بترسید و بشنوید و فرمان برید و اتفاق کردن در راه خدا برای شما بهتر است و هر کس از بخل و لثامت نفس خود را نگاه داشت چنین اشخاص از جمله رستگارانند (۱۶) اگر بخدا قرض نیکو دهید خدا آن را برای شما چندین برابر گرداند و از گناهانتان درگذرد و خدا جزا دهنده و سپاس پذیر و بردبار است (۱۷) خدا دانای نهان و آشکار و غالب و درستکار است (۱۸)

پایان سورہ تغابن

شاهد و گواہ میآوریم خدا را اگر تو هجرت کنی ما ضایع میشویم رها میکنی عیالات و اموال خود را در مکه و مدینه میروی بی خانمان و مسکن و محتاج میشوی بر فراق تو نمیتوانیم صبر کنیم و با تو هم توانائی نداریم هجرت نمائیم بعضی از آن مردم اطاعت کردند سخنان اهل و عیال خود را و توقف نمودند نزد آنها و هجرت نکردند آیه فوق نازل شد کہ این اهل و عیال شما دشمنند با شما چه منع میکنند شما را از اطاعت و فرمانبرداری از او امر خدا و بعضی دیگر با اهل خود گفتند اگر با ما هجرت نکنید و بعد از این خداوند جمع کند میان ما و شما در دار هجرت کہ مدینه است هر گز نفعی بشما نخواهیم رسانید و چون خداوند میان آنها جمع کرد امر فرمود بایشان کہ عفو کنند از آنها و احسان و نیکوئی نمایند در حق آنان .

(انما اموالکم و اولادکم فتنۃ و اللہ عندہ اجر عظیم) بحقیقت اموال و فرزندان شما سبب امتحان و آزمایش شما هستند چه انسان را باز میدارند از امور آخرت و او میدارند او را باجر ائمه اعمال ~~این~~ مسعود از پیغمبر اکرم ~~و~~ باز گو کرده کہ فرمود

مَكُوْنِيْكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ چِه كَسِى نِيْسَتْ كِه گِرْفَتَارِ زَنْ وَ فَرْزَنْدِ وِمالِ نَباشْد بَلَكِه بگوئيد **اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ** مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ طَبْرِسى از بریده اسلمى روايت كرده كه روزى پيغمبر اكرم **ﷺ** بالاي منبر مشغول موعظه بود حضرت امام حسن و امام حسين وارد شدند پيراهن سرخى پوشيده بودند پاي مبارك آنها به پيراهن مى گرفت رسول خدا از منبر فرود آمد و ايشانرا گرفت بالاي منبر برد بدامن مبارك نشانيد فرمود راست فرموده خداوند كه مال و فرزند اسباب فتنه هستند دلم آرام نگرفت اين فرزندانم را رها كنم بدانيد كه نزد خدا اجر بزرگى خواهد داشت .

(فَاتَّقُوا اللّٰهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَاطِيعُوا وَانْفِقُوا خَيْرٌ لَّانْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شَحْ نَفْسِهٖ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) تا ميتوانيد خدا ترس و پرهيز كار باشيد و سخن حق بشنويد و اطاعت كنيد و از مال خود براى ذخيره آخرت انفاق نماييد و كسانى كه از خوى لئامت و بخل نفس خود محفوظ بمانند آنها رستگاران جهانند ابن شهر آشوب از عبد خير روايت كرده كه از امير المؤمنين **عليه السلام** معنای آيه را سؤال نموديم فرمود سو گند بخدا غير اهل بيت پيغمبر كسى عمل باين آيه نكرده ما ياد ميكنيم پروردگار را و هرگز فراموش نخواهيم كرد او را ما شكر گذار خدا هستيم و هيچوقت كفران نعمتش را بجا نياوريم ما فرمانبردار او هستيم و ابدا معصيتش را نكنيم سپس فرمود بشنويد او امر خدا را و اطاعت كنيد خدا و رسول و ائمه اهل بيت را در آنچه امر ميكنند شمارا .

در كافى از فضل بن ابي مره روايت كرده گفت حضرت صادق **عليه السلام** را ديدم طواف مينمود از اول شب تا آخر شب و مي فرمود **اَللّٰهُمَّ** و قنّى شح نفسى عرض كردم حضورش فدايت كردم نشنيدم در تمام اين اوقات دعائى جز اين دعا بفرمائي فرمود چيزى سخت تر از بخل نفس نيست و آيه را تلاوت نمودند . ابن بابويه از فضل بن عباس روايت كرده گفت حضرت صادق **عليه السلام** بمن فرمود ميداني شح نفس چيست ؟ عرض كردم بخل است فرمود شح سخت و شديد تر از بخل است بخیل بخل ميورزد بآنچه در دست دارد و شح بخل ميكند در مال خود و مال ديگرى بطورى كه نمى بيند مالى را در دست مردم مگر آنكه آرزو ميكند كه مال خودش باشد بحال با بجرام و هرگز

سیر نمیشود و قناعت نمیکند بچیزی که خداوند روزی او فرموده و از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود بخیل کسی است که بدست آورده مالی را از غیر حلال و صرف کند آنرا در غیر حق و شح کسی است که منع میکند حق خدا را و اتفاق می نماید آن مال را در غیر حق خدا - . و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده بخیل کسی است که نام مرا نزد او به برند بر من صلوات نفرستد .

(ان تقرضوا الله قرضا حسنا يضاعفه لكم و يغفر لكم والله شكور حلیم عالم الغیب والشهادة العزیز الحکیم) اگر به خدا قرض نیکو دهید مقصود صدقه دادن و اتفاق کردن به بندگان محتاج است، خدایتعالی چندین برابر گرداند پاداش آنرا و پیامرزد صاحبش را و خدا بسیار سپاس گذار و پاداش دهنده و ببرد بار است بامور نهان و آشکار خلائق دانا است و پادشاه مقتدر ملک وجود است و بصلاح و نظام آفرینش آگاه است.

پایان سورہ تغابن

مركز تحقيق و نشر علوم اسلامی
jabir.abbas@yahoo.com

سوره طلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُخْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (۱)

سوره طلاق در مدینه نازل شده و دوازده آیه و دویست و چهل کلمه و هزار و بیست حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن - ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود: هر کس سوره طلاق و تحریم را در نماز واجب قرائت کند خداوند حفظ نماید او را در قیامت از ترس و حزن آرزو و معاف بخرد او را از آتش جهنم و داخل گرداند او را در بهشت و این دو سوره مخصوص پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است . در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده فرمود: هر کس این سوره را تلاوت کند خداوند موفق گرداند او را بتوبه نصوح و اگر این سوره را بنبات و آب بشوید و آن آب را بپاشد در منزلی ، کسی نمیتواند در آن منزل سکونت کند و همیشه شری در آن منزل حادث میشود تا خارج گردد از آن . و جایز نیست این عمل مگر از برای مستحقین .

خلاصه مطالب این سوره عبارت است از احکام و مسائل طلاق و انواع آن و حکم زن طلاق داده شده .

ترجمه سوره طلاق

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای پیغمبر چون زنان را طلاق دهید بوقت عده آنها طلاق دهید و زمان عده را بشمارید و از خدا که آفریننده شما است بترسید و آن زنان را از خانه بیرون نکنید مگر آنکه کار زشتی آشکارا مرتکب شوند و بیرون نروند این احکام حدود خدا است و هر کس از حدود خدا تجاوز کند بنفس خودستم کرده تو ندانی شاید خدا پس از طلاق کاری از تو پدید آورد (۱)

قوله تعالى: (يا ايها النبي اذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن واحصوا العدة واتقوا الله ربكم لا تخرجوهن من بيوتهن ولا يخرجن الا ان ياتين بفاحشة مبينة وتلك حدود الله ومن يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه لا تدري 'بل الله يحدث بعد ذلك امرا) - اگر چه مخاطب این آیه پیغمبر اکرم ﷺ است لکن در حقیقت مقصود امت است چنانکه خطابات عموماً چنین است « اقسام طلاق را در بخش اول تفسیر ذیل آیه ۲۲۹ سوره بقره بیان نمودیم »

در کافی ذیل آیه فوق از زرارہ روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیہ السلام عرض کردند از برای من معنای طلاق سنت و طلاق عده را بیان فرمائید فرمود: طلاق سنت آنست که مرد بایست صبر کند تا عیالش حیض به بیند و پاکیزه شود و با او نزدیکی نکند و در حضور دو نفر شاهد عادل او را طلاق بدهد پس از آنرها کند او را تاسه مرتبه حیض به بیند در این صورت عده آن زن گذشته است و شوهر او مانند مردان دیگر است اگر بخواهد میتواند او را مجدداً تزویج نماید. و در زمان عده نفقه و مخارج آن زن بر عهده شوهر است و چنانچه یکی از آنها در مدت عده بمیرد دیگری از او ارث میبرد. طلاق عده آنست که باید صبر کند تا زن حیض به بیند و از حیض پاکیزه گردد سپس بدون نزدیکی کردن با او در حضور دو نفر شاهد عادل او را طلاق بدهد بعد از آن در مدت عده باو رجوع کند و گواهی بگیرد بر رجوع و نزدیکی کند با عیالش و با او باشد تا حیض به بیند

فَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهُنَّ فَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا
ذَوِي عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّوَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ
بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۲) وَ يَرْزُقْهُ مِنْ
حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ
قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (۳) وَالَّتِي يَنْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ
إِنْ أَرَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحِضْ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ
أَنْ يَضُمَّنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا (۴)

پس از آنکه حیض دید و پا کیزه گردید بدون نزدیکی، مرتبه دوم او را در حضور دو نفر شاهد عادل طلاق بدهد بعد از آن رجوع کند با و پیش از خارج و منقضی شدن عده و شاهد بگیرد بر رجوع و نزدیکی کند با آن زن و با او باشد تا حیض به بیند و پا کیزه گردد. و بدون نزدیکی مرتبه او را در حضور دو نفر شاهد عادل در این صورت حرام میشود بر او تا دیگری او را تزویج کند بطریق شرعی و پس از مدتی طلاق بدهد اینست طلاق سنت - و از صفوان روایت کرده گفت مردی از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود من عیال خود را در یک مجلس سه نوبت طلاق دادم آیا او بر من حرام است؟ فرمود خیر آنگاه آیه فوق را تلاوت نمود و فرمود هر طلاقیکه مخالف قرآن و فرموده پیغمبر صلی الله علیه و آله بود صحیح نیست و باید بر گردد بسوی کتاب و سنت. از حدیث فوق و از حدیث صحیحیه معتبره مستفیضه ظاهر میشود که حرمة طلاق سوم مشروط است بدو شرط یا عده و یا سنت یعنی یا سه طلاق عده بر زن واقع شود و آن عبارت بود از آنکه زن را در طهر غیر مواقعه در حضور دو نفر شاهد عادل طلاق بدهد و بگذارد عده او منقضی شود مجدداً او را عقد کند و مرتبه دوم او را در طهر غیر مواقعه بطریق اول طلاق بدهد و صبر کند عده او تمام شود مجدداً

و چون مدت عدہ را بپایان رسانند پس یا بہ نیکوئی نگاهشان دارید و یا بخوش رفتاری رهایشان کنید و بر طلاق آنها دو نفر مسلمان عادل گواہ گیرید و برای خدا بیای دارید گواہی را باین پند خدا کسیکہ باو وروز قیامت ایمان آورده بہرہ مند میشود و ہر کس خدا ترس و پرهیزکار شد خدا راہ پیروز شدن از گناہ را براو می گشاید (۲) و از جائیکہ گمان نبرد باو روزی عطا میفرماید و ہر کس بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواہد کرد ہمانا خدا رسانندہ کار خود است و برای ہر چیز قدر و اندازہ ای مقرر فرمودہ (۳) زنانیکہ از حیض دیدن نومیدند اگر شك دارید عدہ آنها سہ ماہ است و چنین است زنانیکہ هنوز حیض ندیدند و زنان باردار عدہ ایشان نہادن حملشان میباشد و ہر کس از خدا بترسد و پرهیزکار باشد خدا کار او را آسان میگرداند (۴)

او را تزویج نماید دو مرتبہ مطابق دستور طلاق بدهد اورا یا سہ نوبت طلاق سنت باو بدهد و در ہر دو صورت رجوع بہ تنہائی بدون نزدیکی کردن کافی نیست برای حرمت طلاق سوم چنانکہ مذهب اہل عامہ و جماعت اہل سنت و معمول بہ نزد بعضی از امامیہ است نہایت فرقیکہ میان این بعض و عامہ است آنستکہ عامہ سہ نوبت را در يك مجلس معتبر میدانند ولی این بعض سہ نوبت را در سہ مجلس یا سہ روز معتبر میدانند خلاصہ سہ طلافیکہ در این عصر معمول و متداول است بر خلاف قرآن و سنت است و بہیچ وجہ سبب حرمت نمیشود اما عدہ زنان اگر از آنہائی باشند کہ حیض می بینند سہ حیض است و عدہ زن حاملہ بوضع حمل او است (فاذا بلغن اجلهن فامسکوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف و اشہدوا ذوی عدل منکم و اقيموا الشہادۃ للہ ذلکم یوعظ بہ من کان یؤمن باللہ و الیوم الآخر و من یتق اللہ یجعل لہ مخرجاً و یرزقہ من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی اللہ فہو حسبہ ان اللہ بالغ امرہ قد جعل اللہ لکل شیئی قدراً) چون عدہ زنان بہ پایان رسد پس نگاہ دارید ایشانرا بہ نیکوئی یا رہا کنید آنها را بخوش رفتاری . یعنی چون نزدیک شود کہ عدہ آنها بسر آید و بپایان رسد اگر بخواہند رجوع کنند آنها را نگاہ دارید و بلغ در

ذَٰلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا (۵) اُنْكُتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارِرُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمِلٍ فَلَا تُنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَارْتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَاتَّبِعُوا يَنْبَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَارَفْتُمْ فَتَرَضِعْ لَهُ أُخْرَى (۶) لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُفْسِقْ مِمَّا آتَتْهُ اللَّهُ لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَىهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (۷)

اینجا بمعنای قارب است چه اگر بمعنای پایان و گذشتن عده باشد امساك و نگاهداری بی مورد است زیرا پس از گذشتن عده زوج هیچگونه حقی بر زوجة ندارد و نمیتواند او را نگاه دارد مگر بعقد جدید آنها در صورتیکه زوجة حاضر شود برای تجدید ازدواج . واستیناف هم مواصله و امساك نیست . * در کافی ذیل آیه از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده فرمود بانوی طلاق داده شده خود را زینت و آرایش میکند و لباسهای نیکو میپوشد تا شوهر را بخود جلب کند چه خدای تعالی میفرماید (لعل الله يحدث بعد ذلك امرا) یعنی امید است که پس از طلاق خداوند کاری از تو پدید آرد و آن کار رجوع شوهر و میل پیدا کردن او است بعیال خود و مراد بمعروف در مردو جا مطابق شرع است یعنی چنانچه او را نگاه داشتید باید نفقه و کسوه باو بدهید و خوشرفتار و مهربان باشید با او و اگر رها کردید او را زیان و ضرری باو نرسانید تا نتواند شوهر دیگری اختیار کند و بر رجوع و طلاق دو شاهد عادل بگیرید و برای خدا اقامه گواهی کنید باین موعظه و پند الهی آنکسیکه بخدا و روز قیامت ایمان دارد بپرهمنده خواهد شد و هر کس خدا ترس و پرهیزکار شد خدایتعالی راه بیرون شدن از حوادث و گناهان را بر او میگشاید و از جائیکه گمان نبرد باو روزی عطا کند و هر کس بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد

این احکام فرمان خدا است برای شما فرو فرستاده و هر کسی از خدا بترسد خدا گناہانش را ببوشد و پاداش بزرگی باو عطا کند (۵) زنا آنیکہ طلاق دادید در منزل خود مطابق وسع خویش جای دهید و زیان بآنها نرسانید تا در مضیقہ و رنج در افکنید و اگر بار دار باشند تا وقت نهادن حمل بایشان تقہہ دهید سپس اگر فرزند شما را شیر دهند اجریشان را باقرار دادہ متعارف بین خود بہ پرہیزید و اگر سخت گیری کنید دیگر را برای شیر دادن طلب کنید (۶) و باید مرد ثروتمند بوسعت و فراوانی اتفاق کند بشیر دہندہ و آنکہ تنگ دست است بمقدار وسع خود اتفاق کند (۷)

کردہ و خداوند امرش بر ہمہ عالم نافذ و روانست و برای ہر چیز قدر و اندازہ ای مقرر داشتہ است ۔

طبری ذیل جملہ آخر از ابن عباس روایت کردہ کہ قسمت آخر آیہ در بارہ عون بن مالک اشجعی نازل شدہ و داستان آن بدین قرار است: مشرکین فرزند او را بنام سالم باسیری گرفتند عون حضور پیغمبر رفت عرض کرد ای رسول خدا مشرکین فرزندم را باسیری گرفتند چیزی ندارم تا فدیہ دہم و او را باز ستانم پیغمبر باو فرمود برو با عیال خود بسیار بگوئید لاحول ولا قوۃ الا باللہ العلی العظیم عون رفت بمنزل و بعیالش گفت رسول خدا چنین دستور دادہ . پدر و مادر سالم پیوستہ این ذکر را گفتند طولی نکشید کہ فرزند او از دست کفار گریخت و در بین راء بشتیان مشرکین رسید آنها را بغنیمت گرفته ہمراہ خود آورد عون مجدداً حضور پیغمبر رفت عرض کرد ای رسول خدا سالم باز گشت و مقداری شتر از مشرکین بغنیمت آورده آیا حلال است بر من آنچه او آورده فرمود بلی جبرئیل نازل شد در آنوقت و آیہ فوق را آورد ۔

یکروز مردی نزد عمر رفت باو گفت مرا شغل و پیشہ ای بدہ عمر جواب داد ای مرد قرآن میداننی گفت خیر، عمر گفت برو قرآن بیاموز کہ ما عمل و شغلی نمیدہیم بکسی کہ قرآن نمیداند آن مرد رفت و قرآن را یاد گرفت بامید آنکہ چون قرآن یاد بگیرد عمر باو شغلی بدہد وقتی در قرآن بآیہ و من یتق اللہ رسید طمع از شغل دادن عمر

وَكَايْنٍ مِنْ قُرَيْيَةَ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسِبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا
وَعَذَبْنَاهَا عَذَابًا مُتَكَرِّرًا (۸) فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا
خُسْرًا (۹) أَعْدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ
آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا (۱۰) رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ
مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا (۱۱) اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ
وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۱۲)

برید و نزد او رفت پس از چندی عمر او را دید گفت قرآن یاد گرفتی جواب
داد بلی گفت پس بیا تا شغلی بدهم آن مرد گفت نمیخواهم عمر سبب را سؤال
کرد جواب داد بقرآن مستغنی شدم از شغل تو عمر مجدداً پرورش کرد چگونه بی
نیاز شدی پاسخ داد چون بآیه (و من یتق الله) رسیدم از تو و غیر تو بی نیاز شدم
(واللائئ ینسن من المحیض من نسائکم ان ارتبتم فعدتهن ثلثة اشهر واللائئ لہم یحض
و اولات احمال اجلهن ان یضعن حملهن ومن یتق الله یجعل له من امره یسرا)
در کافی ذیل آیه (و من یتق الله) از علی بن عبدالعزیز روایت کرده گفت
حضرت صادق علیه السلام احوال عمر بن مسلم را از من سؤال کرد عرض کردم ترک تجارت کرده
و در منزل خود مشغول عبادت است فرمود وای بر او هر کس کسب و تجارت را
ترک نماید خداوند دعای او را باجابت نرساند چون آیه فوق نازل شد جمعی از
اصحاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در خانه های خود نشستند و درها را بروی خود بستند

وچہ بسا مردم شهرهائی کہ نافرمانی کردند امر پروردگار خود و رسولان او را و ما آنها را بحساب سخت مؤاخذہ کردیم وبعذاب بسیار شدید شکنجه دادیم (۸) تا چشیدند کیفر کردار خود را وعاقبت کارشان زیانکاری وحسرت گردید (۹) و خدا برای آنها عذاب سخت جہنم را مہیا ساخت پس ای خردمندانی کہ ایمان آورده اید از خدا بترسید خدا برای ہدایت مؤمنین قرآن را فرستاد (۱۰) وپیغمبر را کہ برای شما آیات روشن بیان خدا را تلاوت کند فرستاد تا کسانی کہ بخدا ایمان آورده و نیکوکار شدند از ظلمت نادانی بسوی معرفت وایمان بازآرد و ہر کس بخدا ایمان آورد و نیکوکار باشد داخل گرداند او را در بہشتی کہ زیر درختانش نہرہا جاری است و در آن جاوید بماند و خدا نیکو گردانید برای او روزی را (۱۱) و خدا همان کسی است کہ ہفت آسمان را آفرید و مانند آن زمین را و امر نافذ خود را در بین آسمانہا و زمین فرودآرد تا بدانید کہ خدا بر ہر چیزی توانائی دارد ودانش او بر ہر چیز احاطہ نمودہ (۱۲)

پایان سورہ طلاق

و مشغول عبادت شدند و گفتند خداوند کفایت کند ما را این خبر بسمع مبارک رسول خدا رسید امر فرمود آنها را حاضر کردند بایشان فرمود شما را چہ واداشته کہ ترک کسب و تجارت کردہ اید عرض کردند ای رسول اکرم ﷺ خداوند تکفل فرمودہ روزی ما را ما ہم بعبادت او مشغول شدہ ایم فرمود ہر یک از شما ترک کسب و تجارت کند و مشغول عبادت شود خداوند دعای او را باجابت نرساند در این آیہ پروردگار بیان میکند عدۃ زنان را کہ باید عدہ نگاہ بدارند زنان شوہر داری کہ طلاق دایہ شدنبہ مدخولہ هستند یعنی شوہر با آنها نزدیکی کردہ اگر چہ یکمرتبہ باشد یا نزدیکی نمودہ اگر غیر مدخولہ باشند اساساً برای آنها عدہ نیست مگر عدہ وفات کہ شوہر شان فوت کردہ و اگر مدخولہ باشند یا یاائسہ هستند و آنها بانوائی میباشند کہ عمرشان پنجاہ سال در غیر زنان ہاشمی وسادات و در زنان سادات و ہاشمی بہ شصت سال رسیدہ اینان نیز بجز عدہ وفات عدہ ندارند و چنانچہ غیر یاائسہ هستند اگر حمل و بار دارند عدہ آنها بہ نہادن بار و وضع

حمل آنها است و هر گاه زن حامله همان روز طلاق وضع حمل نمود عده او پایان رسیده و در آن روز میتواند با مرد دیگری ازدواج کند نهایت شوهر در مدت نفاس او که ده روز است نمیتواند با او همبستر شود و اگر نه ماه طول بکشد و هنوز وضع حمل ننموده عده او باقی است تا وضع حمل کند و چنانکه حامله نیستند اگر حیض می بینند عده آنها سه حیض میباشد و اگر نمی بینند یا تجاوز میکند حیض آنها از یکماه، عده ایشان سه ماه است بنص آیه فوق

در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود عده بانوانیکه حیض نمی بینند ولی در سن حائض هستند که پنجاه و یا شصت است و دیگر مستحاضه که پاک نمیشود از خون، سه ماه است و بانوانیکه حیض آنها برقرار است سه حیض است و ریه بانوئی است که حیض او از یکماه تجاوز میکند او هم باید چشم پوشی کند از حیض خود و سه ماه عده نگاه بدارد و دخترانیکه هنوز حیض ندیده اند آنها نیز سه ماه باید عده نگاه بدارند و هر کس برهیزکار و خدا ترس باشد پروردگار کار او را آسان میگرداند.

(ذالك امر الله انزل اليكم و من يتق الله يكفر عنه سيئاته و يعظم له اجرا) این احکام فرمان خدا است که برای شما نازل شده هر که از خدا بترسد و برهیزکار باشد خداوند گناهانش را ببوشاند و او را پاداش بزرگی عطا فرماید

(اسكنوهن من حيث سكنتم من وجدكم ولا تضاروهن لتضيقوا عليهن وان كن اولات حمل فانهقوا عليهن حتى يضعن حملهن فان ارضعن لكم فأتوهن اجودهن و اتمروا بينكم بمعروف و ان تعاسرتم فسترضع له اخرى لينفق ذو سعة من سعته و من قدر عليه رزقه فلينفق مما آتاه الله لا يكلف نفسه الا ما آتاه الله بعد عسر يسرا) در کافی ذیل آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود زنانی را که طلاق دادید بطلاق رجعی باید در منزل خود جای بدهید و تا در عده هستند - خدای تعالی آنها را بدهید و اگر حامله است نفقه او بر شما لازم است تا وضع حمل کند و نباید باو زیان برسانید و در مضیقه و رنج اندازید و قهراً حمل را نهاد اگر فرزند شما را شیر داد اجرش

را بطریق متعارف بین خود به پردازید و چنانچه سخت گیری کرد دیگر بر ابرای شیر دادن طلب کنید و باید شخص ثروتمند و دارا بوسعت و فراوانی خود نفقه زن شیر ده را بدهد و آنکه تهی دست است آنچه خدا باو داده انفاق کند پروردگار هیچکس را جز آنچه توانائی دارد تکلیف نمیفرماید و خداوند بعد از سختی و عسرت رفاه و آسانی فراهم آورد -

در کافی از عبدالرحمن بن حجاج روایت کرده گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمودم بانوی حامله را اگر طلاق دادند و حملش را سقط کرد عده او گذشته است ؟ فرمود بلی حامله هر گاه وضع حمل کند مولود تمام باشد یا ناقص حتی اگر مضغه هم باشد عده او به پایان رسیده است و از عبدالرحمن بن ابی لیلی روایت کرده گفت سؤال کردم از حضرت صادق علیه السلام اگر حامله یک فرزند بزمین بشهد و فرزند دیگری در شکم باشد چگونه است عده او ؟ فرمود بوضع حمل اول عده او گذشته است ولی ازدواج کردن با او جایز نیست تا دوی را هم وضع کند .

(و کاین من قرية عنت عن امر ربها ورسله فحاسبناها حسابا شديدا و عذبا عذابا نكرا فذاقت وبال امرها و كان عاقبة امرها خسرا) و چه بسیار مردم دیاریرا که از امر خدا و رسولانش سر پیچیدند آنها را بحساب سخت مواخذه کردیم و بعذاب بسیار شدید و منکر گرفتار نمودیم تا بکیفر کردار خود رسیدند و عاقبت کارشان زیان و حسرت بود و خداوند برای آنها عذاب سخت جهنم را مهیا ساخت پس ای خردمندانیکه ایمان آورده اید از خدا بترسید

(الذین آمنوا قد انزل الله اليكم ذكرا رسولا يتلو عليكم آيات الله مبینات لیخرج الذین آمنوا و عملوا الصالحات من الظلمات الى النور و من یؤمن بالله و یعمل صالحا یدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدين فیها ابدا احسن الله له رزقا) آنها نیکه بخدا ایمان آوردند خداوند برای هدایت ایشان رسول خاتم را فرستاد تا آیات روشن الهی را برایشان تلاوت کند و کسانی که بخدا ایمان آورده و

نیکو کار شدند از ظلمت جهل و نادانی بیرون آورده و بسوی معرفت و ایمان برساند و بدانید هر کس ایمان آورد و نیکوکار باشد داخل گرداند او را در بهشتی که زیر درختانش نهرها جاریست و همیشه در آن بهشت جاوید بماند و خداوند در آنجا رزق بسیار نیکو برای او مهیا ساخته است .

ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود ذکر در آیه رسول خدا صلی الله علیه و آله است و ما اهل ذکر هستیم که خداوند امر فرموده مردم از ما سؤال کنند چیز را که نمیدانند و این معنا را پروردگار در سوره طلاق بیان فرموده و آیه را تلاوت نمودند .

(الله الذی خلق سبع سموات ومن الارض مثلین یتنزل الامر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قذیر و ان الله قد احاط بکل شیء علماً) خدا آنکسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن زمین را خلق فرمود و امر نافذ خود را در بین آسمانها و زمین نازل کند تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا و باحاطه علمی بر همه امور عالم آگاه است . ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود امیر المؤمنین علیه السلام در مسجد جامع کوفه تشریف داشت مرد شامی از جای خود بلند شد عرض کرد یا امیر المؤمنین علیه السلام مسائلی دارم فرمود سؤال کن از روی دانائی نه از راه تکبر و سرکشی مردم همه متوجه شدند بآن مرد سؤال نمود از آنحضرت خبر دهید مرا از اول چیزی که خداوند آفرید فرمود آفرینش نخست نور بود عرض کرد آسمان را از چه خلق نمود فرمود از بخار آب زمین را از چه آفرید فرمود از کف آب عرض کرد کوه از چیست ؟ فرمود از موجهای آب سؤال نمود بچه سبب مکه را ام القری مینامند فرمود بواسطه آنکه زمین از آن نقطه گشوده شده گفت آسمان از چیست ؟ فرمود از موج بسته عرض کرد رنگ آسمانهای هفتگانه و نام آنها چیست ؟ فرمود اسم آسمان اول که آسمان دنیا است رفیع است و آن از آب و بخار است و آسمان دوم فیدوم و برنک مس است سوم نامش ماروم و برنک برنج است چهارم نامش او فلون و برنک نقره است پنجم بنام هیعون و رنگ آن طلائی است ششم نامش عروس و برنک آن یاقوتی است هفتم نامش عجم و مانند در سفید است و این حدیث مفصل است مورد حاجت را بیان نمودیم .

سورہ تکوین

سورة تحریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یا ایہا النبی! لَمْ تُحَرِّمْ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱) قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلِيكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ (۲) وَإِذْ أَسْرَأَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضُهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ (۳)

سورة تحریم در مدینہ نازل شدہ و دوازده آیه و دو یست و چهل و هفت کلمہ و ہزار و ششصد حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن شطری در سورة طلاق بیان نمودیم در خواص قرآن از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده فرمود ہر کس سورة تحریم را قرائت کند خداوند باو ثواب توبہ نصوح را عطا فرماید و اگر این سورة را ہر شخص ہارزدہ بخوانند باذن خداوند شفا یابد و زہر در بدنش کارگر نشود •

و از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود اگر مدیونی مداومت کند بر قرائت این سورة خداوند دینش را ادا کند و اگر بر مریض یا مصروع بخوانند شفا یابد و بر کسیکہ خوابش نمی برد بخوانند بخواب رود

خلاصہ مطالب سورة تحریم عبارت است از داستان زنان پیغمبر اکرم کہ اسرار آنحضرت را افشاء مینمودند و خداوند ایشان را تأدیب فرمود و بمؤمنین امر کرد تا اہلشان را تأدیب نمایند و خیانت کردن عیال نوح و لوط پیغمبر و مدح آسیہ

ترجمه سوره تحریم

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای پیغمبر گرامی برای چه حرام میکنی آنچه را خداوند بر تو حلال نمود خوشنودی زنان خود را بجوئی خداوند آمرزنده و مهربانست (۱) خدا واجب کرد برای شما کشودن سوگندهای خودتان را و خدا آگاه کرد و دانای درست کردار است (۲) و چون پیغمبر با بعضی از زنان خود راز گفت و از یگری را و خدا بر سولش خبر داد پیغمبر بر آن زن شناساند بعضی را و بعضی دیگر را اظهار نکرد آن زن گفت ای پیغمبر تو را که اطلاع داد که من رازت را فاش کردم فرمود خداوند خیر و دانا مرا خبر داد (۳)

عیال فرعون .

قوله تعالى (يا ايها النبي لم تحرم ما اهل الله لك تبتغي مرضات ازواجك و الله غفور رحيم قد فرض الله لكم تحلة ايمانكم و الله موليكم و هو العليم الحكيم و اذ اسر النبي الى بعض ازواجه حديثا فلما نبأت به و اظهاره الله عليه عرف بعضه و اعرض عن بعض فلما نبأها به قالت من انباك هذا قال نبأني العليم الخبير) سبب نزول این آیات آن بود چون پیغمبر در خانه هر يك از زنان تشریف می برد ماریه قبطیه كنیز آنحضرت خدمتش را مینمود روزی در خانه حفصه دختر عمر تشریف داشت حفصه برای حاجتی از منزل بیرون رفته بود پیغمبر میل نمود بماریه وقتی حفصه باز گشت مشاهده کرد در بسته است آگاه شد بحال غضب به پیغمبر عرض کرد امروز نوبت من است و اینخانه و فراش بمن تعلق دارد چرا در خانه و فراش من با ماریه نزدیکی نموده اید رسول خدا حیا کرد و فرمود بس است بیش از این مرا آزرده نکن من دیگر با ماریه نزدیک نمیشوم و او را بر خود حرام کردم سرتی بتو میگویم آن را بکسی اظهار نکن و اگر این سرتی را اظهار و افشا نمودی لعنت خداوند و فرشتگان و مردم بر تو باد عرض کرد البته آن را اظهار نخواهم کرد فرمود بدان ابوبکر بعد از من بجور و ستم متعددی خلافت میشود و بعد از او

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَفَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ
 مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (۴) عَسَى
 رَبُّهُ إِنْ طَلَقَكُمُ أَنْ يُسَدِّدَ لَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُمْ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ
 قَانِتَاتٍ تَآمَنَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا (۵) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا
 مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ
 وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (۶)

پدیت عمر بظلم و جور خلافت را غصب میکند حفصه سؤال کرد این خبر را از
 کجا میفرمائید فرمود خداوند مرا آگاه فرموده حفصه همانروز این خبر و داستان
 حرمت و نزویک نشدن پیغمبر بماریه را بعایشه دختر ابوبکر خبر داد عایشه فوراً
 به پدرش ابوبکر گفت ابوبکر نزد عمر رفت گفت عایشه از قول حفصه چنین خبری
 بمن داده ولی من بقول عایشه اطمینان ندارم ای عمر برو از دخترت این خبر را سؤال
 کن چنانکه راست است مقدمات آن را از حال فراهم کنیم عمر از حفصه دخترش
 سؤال نمود حفصه اول انکار کرد پس از اصرار گفت بلی پیغمبر این سخن را فرمود
 ابوبکر و عمر با هم شور و مشورت کردند و تصمیم گرفتند که پیغمبر را مسموم
 کنند تا زودتر بخلافت برسند جبرئیل نازل شد و خبر داد از تصمیم ابوبکر و عمر
 و آیات را آورد پیغمبر اکرم به حفصه فرمود مگر من نگفتم این سر را بکسی
 اظهار نکن چرا افشا کردی حفصه عرض کرد که خبر داد شما را که من این
 سر را افشا نمودم فرمود پروردگار دانا و توانا ابن عباس میگوید من از عمر
 سؤال نمودم کدام یک از زنان پیغمبر بود که سر آنحضرت را افشا نمود این آیات
 در حقش نازل شد عمر جواب داد افشا کنندگان حفصه و عایشه بودند و این حدیث

ای حفصہ و عایشہ اگر بدرگاہ خدا توبہ کنید روا است چه دلهای شما برگشته و چنانکہ باہم بر آزار و اذیت پیغمبر اتفاق کنید همانا خداوند یار و نگہبان او است و جبرئیل امین و مرد نیکو کاری از مؤمنین و فرشتگان بعد از این مددکار اویند (۴) اگر پیغمبر طلاق بدہد شما را شاید پروردگار او زمانی بہتر از شما عوض دہد اورا کہ آنها فرمانبردارو با ایمان و خضوع و اہل عبادت و توبہ کنندگان و زہسپار، از دوشیزگان و زنان ثیبہ می باشند (۵) ای اہل ایمان خود خانوادہ خویش را از آتش دوزخ کہ ہیزمش مردمان و سنگہای کبریائی است نگاہ دارید بر آن دوزخ فرشتگانی دل سخت و درشت سخن مأمورند کہ ہرگز نہافرمانی خدا نکنند و آنچه بآنها امر شود انجام دہد (۶)

را بسیاری از محدثین بازگو کرده اند و نیز امالی و علی بن ابراہیم و طبرسی روایت کرده اند و چون این داستان و افشاء سر از حفصہ بروز نمود رسول خدا حفصہ را طلاق داد و بخانہ پدرش عمر فرستاد عمر بن دختر خود خشم نمودہ و باو گفت اگر در آل خطاب خیر بود رسول خدا تو را طلاق نمیداد

(ان تنوبا فقد صغت قلوبکما وان تظاهرا علیہ فان الله هو مولیہ وجبرئیل وصالح المؤمنین و الملائکۃ بعد ذلک ظہیراً) و اگر توبہ کنید ای حفصہ رواست چہ دلهای شما بر خلاف رضای پیغمبر میل کردہ و اگر باہم اتفاق کنید بر اذیت و آزار پیغمبر ہرگز بر او غلبہ نکنید چہ خداوند یار و نگہبان او است و جبرئیل و مرد نیکو کاری از مؤمنین مند کار او ہستند و فرشتگان بعد از این ہم پشتیبان و یار او خواہند بود ۔

نہ بن عباس ذیل آیہ فوق از عبد اللہ بن ابی رافع روایت کردہ گفت در آن روزی کہ پیغمبر اکرم ﷺ وفات نمود حضورش بودم گاہی بیہوش میشد و زمانی بہوش میآمد من گریہ میکردم و دستہای مبارکش را میبوسیدم میگوئتم کیست مولای من و فرزند نام بعد از شما ابر رسول خدا ؟ فرمود و بی عن صالح المؤمنین علی بن ابیطالب (علیہ السلام) مولای تو است و پنجاد و دو حدیث علی بن عباس از طرق عامہ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۷)
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمُ
سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ
النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْمَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيَمَانِهِمْ يَقُولُونَ
رَبَّنَا آتِنَا لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۸) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
جَاهِدُوا الْكَافِرَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوِيَهُمْ
جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (۹)

و خاصہ نقل نموده است کہہ صالح مؤمنین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب
علیہ السلام است ۔

ثعلبی و سدی کہ ہر دوازہ مخالفین ہستند بطرق عدیدہ از ابن عباس روایت
کرده اند کہ مراد از صالح مؤمنین در آیہ وجود مقدس امیرالمؤمنین علیہ السلام است
(عسی ربہ ان طلقکن ان یبدلہ ازواجہ خیر منکن مسلمات مؤمنات ثابتات
عابدات سائحات ثیبات وابکارا) ای بانوان اگر پیغمبر شمارا طلاق بدہد امید است
خداوند زنانی بہتر از شما با او ہمسر کند کہ ہمہ خاضع و خاشع و با ایمان
و پارسا و توبہ کنندہ و تسلیم خدا و رسولش بودہ چہ دختر باشند یا زنان ثیبہ
وابکار۔ تعریض بعایشہ است چہ پیغمبر اکرم ﷺ دختر بکر بجز عایشہ تزویج
نمود و پس از آنکہ عایشہ و حفصہ سر پیغمبر را افشاء نمودند آنحضرت مدت یک
ماہ از تمام زنان خود دوری جست بامر پروردگار و در مشربہ ام ابراہیم تشریف
داشت و ماریہ قبطیہ کنیز آنحضرت خدمتش رامیکرد تا آیہ تخییر نازل شد

(یا ایہا الذین آمنوا قوا انفسکم و اہلیکم نارا و قودہا الناس و الحجارة علیہا
ملائکۃ غلاظ شداد لا یعصون اللہ ما امرہم و یفعلون ما یؤمنون یا ایہا الذین کفروا

ای کفار روز قیامت عذر میاورید جز این نیست که آنچه بجا آورده اید جزا داده شوید (۷) ای اهل ایمان بسوی خدا باز گردید و توبه کنید توبه خالص تا گناہان شمارا پروردگار تان محو کند و بپوشاند و در باغهای بهشتی که زیر درختانش نہرہا جاریست داخل کند در آن روزیکہ خدا پیغمبر و آنها کہ ایمان آوردند با پیغمبرش ذلیل و خوار نسازد و نور آنها در پیش رو و سمت راست ایشان می رود و میگویند پروردگارا تو نور مارا بحد کمال رسان و بپاہرز مارا تو بر ہر چیزی توانائی داری۔ (۸) ای پیغمبر با کفار و منافقین جہاد کن و بر آنها سخت گیر جایگاہ ایشان دوزخ است و بدمنزلگاہ و باز گشتی است آنها را (۹)

لا تعذبوا الیوم انما تجزون ما کنتم تعملون) ای اهل ایمان خود و خانواده خویش را از آتش دوزخ کہ ہبزم آن مردم کافر سخت دل و سنگ آتش افروز است نگاہ دارید و بر آندوزخ فرشتگانی بسیار دل سخت مأمورند کہ ہر گز نافرمانی خدا را نخواہند کرد و آنچه بانہا حکم شود فوراً انجام میدہند ۔
در کافی ذیل آیہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود چون آیہ مزبور نازل شد مردی از مؤمنین بگریہ افتاد و گفت من از نفس خود عاجز ہستم چگونہ تکلیف کنم اہل و عیال خود را رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم باو فرمود کفایت میکند تورا کہ امر نمائی آنها را آنچه امر شدہ بنفس خودت و باز داری ایشان را آنچه را نہی شدہ ای۔ ابی بصیر میگوید :

حضور حضرت صادق علیہ السلام عرض کردم چگونہ اہل خود را از آتش دوزخ بترسانم تا پرهیز کار شوند فرمود امر و نہی کن آنها را بامر و نہی پروردگار پس از آن بیان میکند آنچه را کہ روز قیامت بکفار گفتہ میشود ایکافران امروز کہ روز قیامت است توبہ و عذر خواهی نکنید کہ پذیرفتہ نیست فقط آنچه را کہ در دنیا انجام دادہ اید و مرتکب شدید بمجازات و کیفر آن خواہید رسید ۔
(یا ایہا الذین آمنوا توبوا الی اللہ توبۃ نصوحا عسی ربکم ان یکفر عنکم سیئاتکم و یدخلکم جنات تجری من تحتها الانہار یوم لا یخزی اللہ النبی والذین آمنوا

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ (۱۰) وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ائِنِّي لِي عِنْدَكَ يَتِيمٌ فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وََعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱) وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْعَمَلِ (۱۲)

معه نورهم یسمی بین ایدیہم و با یمانہم یقولون ربنا اتمم لنا نورنا و اغفر لنا انک علی کل شیء قدير) ای مؤمنین بدر گناه خدا از روی خلوص توبہ کنید تا خدا گناہان شمارا محو کند و در بہشتی کہ زیر درختانش نہر ہا جاریست داخل نماید در آنروزیکہ خدا پیغمبر خود و گرویدگان باور خوار و دلیل نسازد در آنروز نورایمان آنها در پیش رو و سمت راست ایشان میروہ و در آنحال می گویند پرورد گارا تو نور مارا بحد کمال رسان و مارا بلطف و کرم خود بخش زیرا تو بر ہر چیز قدرت و توانائی داری ۔

در کافی از ابی صباح کنانی روایت کردہ گفت معنای آیہ را از حضرت صادق علیہ السلام سؤال نمودم فرمود توبہ نصوح آنستکہ بندہ از گناہ خود توبہ کند و دیگر آن گناہ را مرتکب نشود و برنگردد بسوی آن و تکرار نہماید و باطن او بہتر از ظاہرش باشد و از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کسی برای اونوری باشد روز قیامت نجات خواهد یافت و از برای ہر مؤمن نور است و حضرت صادق علیہ السلام فرمودائمہ معصومین و نورایشان در پیش رو و سمت راست مؤمنین میروہ تا آنها را وارد منزلہایشان در بہشت نمایند ۔

(یا ایہا النبی جاهد الکفار والمنافقین و اغلظ علیہم و ماویہم جہنم و ہنس المصیر)

خدا برای کفار زن نوح و لوط را مثل زد کہ زیر فرمان دو بنده نیکوی ما بودند بآنها خیانت کردند و آن دو پیغمبر دفع نکردند از آنها چیزی از عذاب خدا را و گفته شد بآن دو زن با دوزخیان در آتش جہنم وارد شوید (۱۰) و برای مؤمنین زن فرعون را خداوند مثل زد هنگامیکہ گفت پرورد گارا تو خانہای در بہشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون و کردار او رها کن و از طایفہ ستمکاران نجات بخش (۱۱) و یاد کن مریم دختر عمران را کہ اندام خود را از فساد و زنا نگاہداشت ما در او از روح خود بد میدیم و مریم کلمات پرورد گار را تصدیق کرد و باور داشت کتب آسمانی او را و از بندگان مطیع خدا بود (۱۲)

ای رسول ما با کفار و منافقین بجہاد پرداز و بر آنها سخت گیر جایگاہ آنان دوزخ است و بسیار بد منزلگاہی است .

طبرسی از حضرت صادق (علیہ السلام) روایت کردہ آنحضرت آیہ را بطریق ذیل قرائت نمودند جہاد الکفار بالمنافقین و فرمود پیغمبر اکرم با منافقین جہاد نکرد آن حضرت با کفار جہاد نمود و امیر المؤمنین (علیہ السلام) با منافقین پس جہاد علی (علیہ السلام) نیز جہاد پیغمبر است .

و در امالی از ابن عباس روایت کردہ وقتی آیہ فوق نازل شد رسول خدا فرمود البتہ جہاد خواہم کرد با عمالقہ (یعنی کفار) و منافقین جبرئیل گفت ای رسول خدا شما و علی با کفار و منافقین جہاد میکنید پیغمبر اکرم با کفار و امیر المؤمنین بعد از رسول خدا با منافقین جہاد کردند .

و ضرب اللہ مثلاً للذین کفروا امرأۃ نوح و امرأۃ لوط کانتا تحت عبیدین من عبادنا صالحین فخانتاهما فلم یغنیا عنہما من اللہ شیئاً و قیل ادخلا النار مع المکذبین .
 پرورد گار در این آیہ مثل آورده برای زنان پیغمبر اکرم (صلی اللہ علیہ وسلم) و می فرماید خداوند برای کافران عیال نوح و لوط را مثل آورده کہ زیر نظر بنده صالح ما بودند و بآنها نفاق و خیانت کردند و آن دو شخص با وجود رتبہ و مقام پیغمبری نتوانستند عیال خود را از قہر خدا برہانند و گفته شد آن دوزن را با دوزخیان در آتش افکنید .

شرف الدین نجفی از حضرت صادق علیہ السلام روایت کرده فرمود خداوند آیه را مثل آورده برای عایشه و حفصه که خیانت کردند بر رسول خدا و سر او را افشا کرده و تظاهر نمودند چنانچه زنان نوح و لوط بآن دو پیغمبر خیانت کردند و کافر شدند هنگام مرگ بعایشه و حفصه گویند داخل آتش جهنم شوید که هیچگونه اتصالی میان شما و پیغمبر نیست و عایشه بر خلاف دستور خداوند و قرآن از منزل خارج شد و بر امیر المؤمنین علیہ السلام و مسلمین خروج کرد و تشکیل جنگ جمل داد و بسیاری از اصحاب پیغمبر اکرم را در بصره شهید کرد و بماریه قبطیه مادر ابراهیم فرزند رسول خدا تهمت زد حضرت صادق علیہ السلام فرمود قائم ما که ظهور نمود بر عایشه حد جاری خواهد کرد.

«و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأة فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة و نجنی من فرعون و عملہ و نجنی من القوم الظالمین و مریم ابنت عمران الّتی احصنت فرجها فننفخنا فیہ من روحنا و صدقت بکلمات ربها و کتب و کانت من القانتین» و خدا برای مؤمنین آسیه عیال فرعون را مثل آورد از شوهر کافرش بیزاری جست و گفت پرورد گارا تو خانه ای برای من در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کردارش و از قوم ستمکار نجات بخش . -

محمد بن عباس از حضرت صادق علیہ السلام روایت کرده فرمود آیه مزبور مثلی است که خداوند آورده برای رقیه دختر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که عیال عثمان و مقصود از قوم ظالمین بنی امیه می باشد و نیز فرمود آنحضرت پروردگار مریم را مثل آورده از برای حضرت فاطمه علیہا السلام که حفظ نمود خود را خداوند هم ذریه آن سیده دنیا و آخرت را بر آتش جهنم حرام فرمود . -

طبرسی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود مردان کامل در دنیا بسیارند ولی زنان کامل نیستند جز چهار نفر یکی آسیه دختر مزاحم عیال فرعون دوم مریم دختر عمران سوم خدیجه دختر خویلد همسر رسول خاتم صلی الله علیه و آله چهارم حضرت فاطمه زهرا علیہا السلام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله . و در خصال از آنحضرت روایت کرده فرمود افضل زنان اهل بهشت حضرت فاطمه زهرا علیہا السلام و حضرت خدیجه و مریم و آسیه عیال فرعون است .



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي يَدِيهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱) الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ
وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ (۲) الَّذِي خَلَقَ
سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَافُوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ
هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ (۳)

سوره ملك در مكہ نازل شدہ وسى آيہ و سيصد وسى كلمہ و ہزار و سيصد
حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن - ابن بابويہ از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده
فرمود ہر كس سوره ملك را قرائت كند پيش از آنكه بخوابد تا صبح در امان
خدا است و ايمن است از عذاب قيامت تا داخل بہشت گردد
در كافى از حضرت باقر عليه السلام روايت كرده فرمود ہر كہ سوره ملك را
قرائت كند برميتى هنگاميكہ وارد ميكنند اورا در قبر منع كند آن سوره ميت
را از عذاب قبر و نكير و منكر كہ داخل قبر ميشوند براى سؤال بآنها گويد شما
نمي‌توانيد از من سؤال كنيد چہ اين شخص بر قبر من ايستاده و سوره ملك را
قرائت نموده -

و در خواص قرآن از پيغمبر اكرم صلی اللہ علیہ وسلم روايت كرده فرمود اين سوره نجات
دهنده است از عذاب قبر و ہر كس آن را حفظ نمايد مونس او باشد در قبر و
عذاب را بر طرف كند از او تا روز قيامت و شفيع او گردد نزد پروردگار تا داخل
بہشت شود -

و از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده فرمود ہر كہ اين سوره را قرائت كند
برميتى خداوند عذاب اورا تخفيف دهد و اگر ہديه كند اين سوره را بسوى مردگان

ترجمہ سورہ ملک

بنام خداوند بخشنده مهربان

بزرگوار خدائیکہ پادشاهی بدست اوست و بر هر چیز توانائی دارد (۱) خدائیکہ مرگ و زندگانی را آفرید تا شما را بیازماید کدام نیکوکارترید و اوست مقتدر و آمرزنده (۲) آن خدائیکہ هفت آسمان را بطبقاتی منظم بیافرید و هیچ تفاوتی در آفرینش خداوند نمی بینی پس چشم را باز گردان آیا نقصانی می بینی (۳)

مانند برق بآنها میرسد باذن خداوند

خلاصه مطالب سورہ ملک عبارت است از بیان عظمت و علو شأن و کمال قدرت پرورده کار و عذاب شیاطین و کفار و پاداش پرهیزکاران و خلقت مرگ و حیات و مثل آوردن از برای مؤمنین و کفار . قوله تعالی (تبارک الذی بیدہ المملک و هو علی کل شیء قدير الذی خلق الموت والحیة لیبیلو کم ایکم احسن عملا و هو الغفور) بزرگوار است آن خدائی کہ پادشاهی ملک هستی بدست قدرت اوست و بر هر چیز قادر و توانائی دارد او آن خدائی است کہ مرگ و زندگانی را آفرید تا بیازماید کدام یک از شما نیکوکارتر هستند و او مقتدر و آمرزنده گناہان است .

در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود موت و حیات دو مخلوق از مخلوقات خداوند هستند موت کہ وارد شد در انسان حیات خارج میشود و داخل نمیشود موت بر چیزی مگر آنکہ حیات از آن خارج میگردد طبری از ابو قتاده روایت کرده کہ معنای ایکم احسن عملا را از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم سؤال نمود فرمود شما را آزمایش میکنند تا کدام یک نیکوتر باشید از حیث عقل پس از آن فرمود هر کس عقلش تمام تراست ترسش از خدا بیشتر است و بہتر اطاعت و فرمانبرداری میکند از او امر و نواہی پرور . کار هر چند مستحبات را اندک بجا آورد و در حدیث دیگر فرمود آزمایش میکنند شما را تا معلوم شود کہ کدام یک در محرمات باتقوی ترید و واجبات را بسرعت انجام میدہید و فرمان بردار

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ (۴)
 وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا
 لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ (۵) وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ
 الْمَصِيرُ (۶) إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ (۷) تَكَادُ تَمَيَّزُ
 مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ (۸) قَالُوا
 لَبِىْ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ
 إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ (۹)

ہستید در کافی از حضرت صادق علیہ السلام روایت کرده فرمود معنای آیہ آنست کہ آزمایش
 میکنند شما را تا معلوم شود کدام یک باقی می ماند بر عمل و خلوص پیدا میکنید
 چه عمل نیکو و خالص آنست کہ صاحبش قصد نکند از آن عمل توصیف و ستایش
 کردن مردم او را بر آن عمل بلکه جز رضا و خوشنودی خداوند منظوری نداشته
 باشد و نیت انسان افضل از عمل است پس از آن قرائت کرد آیہ را

(قُلْ كُلْ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ) یعنی ہر کس عمل میکند ہر طبق نیت خود
 و مقصود از باقی بودن بر عمل اینست کہ حادث نشود ستایشی از طرف مردم بر
 آن عمل تا عاری از ریا باشد و این کار دشوارتر است از عمل

(الذی خلق سبع سموات طباقا ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع
 البصر هل تری من فطور ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئا و هو حسیر)
 آنخدائی کہ ہفت آسمان را با طبقاتی منظم بیا فریدی یعنی ہر طبقہ ای بالای دیگر و
 مقصود از طبقہ شباحت داشتن بعضی از آسمانها است بہ بعض دیگر از حیث نظم و
 اتقان و استحکام و نمی بینی در آفرینش خدای رحمان هیچگونہ نقصان و بی نظمی
 از طریق حکمت و مصلحت اگر چه از نظر صورت و اشکال موجودات با ہم اختلاف
 و تفاوت دارند بطور عموم، و این آیہ دلیل و شاهد است ہر اینکہ کفر و معاصی

باز دوبارہ بچشم بصیرت بنگر تا دیدہ خود زبون و خسته بسوی تو باز گردد
(۴) ما آسمان دنیا را بچراغهای ستارگان آراستیم و آنها را رانندگان ^{شیاطین} قرار دادیم
و برای آنان عذاب سوزنده‌ای مهیا ساختیم (۵) و برای کسانی که کافر شدند به
پروردگار خود عذاب دوزخ که بد منزلگاهی است فراهم است (۶) چون کافران
در آن دوزخ افکنده شوند از آن آتش فریاد منگری شنوند مانند صدای خران و
آن آتش چون دیگ بزرگ میجوشد (۷) دوزخ از خشم کافران نزدیک است شکافه
وپاره شود. هر طایفه‌ای را که بآتش در افکنند خازنان دوزخ بآنها گویند آیا پیغمبر
بیم کننده‌ای بسوی شما نیامد (۸) در جواب گویند بلی رسول حق آمد ولی ما او
را تکذیب کردیم و گفتیم خداوند چیزی نفرستاده و شمار سولان نیستید مگر
کمراهی بزرگ (۹)

را خداوند نیافریده است چه اختلاف و تفاوت بسیاری هست در آن بارها بدیده عقل
در نظام مستحکم آفرینش بنگر آیا هیچ هستی و خلل در آن میتوانی بیابی باز
دو باره بچشم بصیرت دقت کن تا دیدہ خرد زبون و خسته بسوی تو باز گردد
(ولقد زینا السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها رجوما للشياطين واعثدنا لهم
عذاب السعير وللذين كفروا ببرهم عذاب جهنم وبئس المصير) ما آسمان دنیا را
بیاراستیم بستارگانی که مانند چراغها روشنی میدهند و به تیر شهاب آن ستارگان
شیاطین را رانندیم و عذاب دوزخ برای آنها مهیا ساختیم و این آیه دلیل است بر اینکه
شیاطین هم مانند بشر مکلف هستند با حکامی و برای کسانی که بخدا کافر شدند
عذاب جهنم آماده است و بدمنزلگاهی است جهنم

(اذا لقوا فيها سمعوا لها شهيقا وهي تفور تكدت من الغيظ كلما لقي فيها
فوج سئلهم خزنتها ألم ياتكم نذير قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا و قلنا ما نزل
الله من شيء ان انتم الا في ضلال كبير وقالوا لو كنا نسمع او نعقل ما كنا في اصحاب
السعير فاعترفوا بذنبهم فسحقا لاصحاب السعير) در این آیه توصیف میکند دوزخ
را و میفرماید چون کافران را بدوزخ افکنند فریاد منگری مانند آواز خران از آن
آتش بشنوند و عذاب آنها افزون گردد از اثر هول آن صدا نزدیک است که دوزخ

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۰) فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ (۱۱) إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ (۱۲) وَأَسِرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۱۳) أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (۱۴) هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (۱۵) أَمِنتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ (۱۶)

هکافته وقطعه قطعه شود در اثر خشم کردن پرکافران و هر فوجی از کافران را که در دوزخ افکنند خازنان دوزخ بآنها گویند آیا پیغمبری برای راهنمایی شما نیامد ایشان گویند بلی رسولان حق بسوی ما آمدند ولی ما آنها را تکذیب کرده و گفتیم خداوند چیزی نفرستاده و شما دروغ میگوئید در ضلالت و گمراهی هستید آنگاه اهل دوزخ با تأسف بیکدیگر میگویند اگر ما در دنیا سخن پیغمبران را شنیده و یا بدستور عقل رفتار مینمودیم امروز از دوزخیان نبودیم در آن دوزخ بگناه خود اعتراف کنند و اعتراف آنها بر خودشان حجت باشد در آنوقت خطاب رسد که ای اهل دوزخ از رحمت خدا دور باشید -

ابن بابویه ذیل آیه مزبور از ابی بصیر روایت کرده گفت مردی از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود برای چه خداوند رسولان و پیغمبرانی بسوی مردم فرستاد فرمود تا آنکه حجتی نباشد از برای آنها بر خداوند و تا نگویند ترساننده و بشارت دهنده ای بسوی ما نیامد آیا نمیشنوی قول پروردگار را که حکایت میفرماید از گفتگوی مالک دوزخ با اهل جهنم اَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ قَالُوا بَلَىٰ يَا پیغمبر و ترساننده ای بسوی شما نیامد آنها میگویند بلی رسول حق بسوی ما آمد (ان الذين يخشون ربهم بالغيب لهم مغفرة واجر كبير) کسانی که از خدا در پنهانی

آنگاه گویند اگر ما در دنیا سخن پیغمبران را شنیده و میفهمیدیم امروز از دوزخیان نبودیم (۱۰) پس اعتراف کنند بگناه خود و خطاب رسد که اهل آتش را از رحمت خدا دوری باد (۱۱) کسانی که از خدای خود در پنهانی میترسند برای آنها آمرزش و پاداش بزرگ خواهد بود (۱۲) شما سخن پنهان گوئید یا آشکار خدا با سرار دلها آگاهست (۱۳) آگاه باش خدائیکه خلق را آفریده میداند اسرار آنها را و او بیاطن امور بینا است (۱۴) او آنخدائی است که زمین را برای شما رام و هموار کرد تا در اطراف آن حرکت کنید و از روزی او بخورید و باز گشت خلق بسوی او است (۱۵) آیا از خدائیکه در آسمان مقتدر و حکم فرما است ایمنید که شما را بزمین فرو برد آنگاه چون دریا موج زند (۱۶)

میترسند برای ایشان آمرزش و پاداش بزرگ خواهد بود.

پیغمبر اکرم فرمود پاداش نمیدهند مردی را بر نماز و روزه و عبادات دیگر مگر بمقدار عقل او اصحاب آنحضرت مدح و ستایش کردند شخصی را حضورش رسول خدا بآنها فرمود چگونه است عقل او عرض کردند ای رسول خدا ما خبر میدهیم از تقوی و عبادت و پارسائی آن شخص شما سؤال میفرمائید از عقل او فرمود شخص احمق در اثر حماقت میرسد بگناهی که بزرگتر است از گناه فاجر و فاسق بدانید در قیامت درجات بندگان و قرب آنها نزد پروردگار بمقدار عقل ایشان است (و اسروا قولکم او اجهروا به انه علیم بذات الصدور) این آیه در حق مشرکین و منافقین نازل شده چه آنها سخنان ناروایی در باره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله میگفتند جبرئیل خبر داد از گفتار ایشان بر رسول خدا آنها گمان کردند که آنحضرت از کسی شنیده است لذا بیکدیگر میگفتند آهسته سخن بگوئید تا کسی نشنود و خبر به پیغمبر ندهد آیه فوق نازل شد و فرمود شما مشرکین و منافقین سخن پنهان بگوئید یا آشکارا خداوند با سرار دلها آگاهست.

(الایعلم من خلق وهو اللطیف الخبیر) آیا آنخدائیکه شما را آفریده عالم و دانا با سرار دلهای شما نیست و حال آنکه بیاطن تمام امور عالم آگاهست مردی عبور میکرد از کنار بیشه جنگلی پیش خود گفت اگر کسی در اینجا معصیتی

أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ
 نَذِيرٍ (۱۷) وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (۱۸)
 أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يَمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ أَنَّهُ
 بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ (۱۹) أَمْنَ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصَرُّكُمْ مِنْ دُونِ
 الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ (۲۰) أَمْنَ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ
 أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ (۲۱) أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ
 أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۲)

بجای آورد هیچکس از حال او خبر ندارد آوازی شنید که میگفت ایعلم من
 خلق و هو اللطيف الخبير پس از آن بیان میکند نعمتهائیکه به بندگان عطا
 فرمود بقولش :

(هو الذی جعل لکم الارض ذلولا فامشوا فی منا کبها و کلوا من رزقہ والیہ
 النشور) خداست که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید تا در پست و بلندیهای
 آن حرکت کنید و روزی او بخورید و شکر او را بجا آورید و بدانید باز گشت
 خلاق بسوی خدا است .

(ءامنتم من فی السماء ان یرسل بکم الارض فاذا هی تمور ام امنتم من فی السماء
 ان یرسل علیکم حاصبا فستعلمون کیف نذیر و لقد کذب الذین من قبلهم فکیف
 کان نکیر) آیا از خدائیکه در آسمان مقتدر و حکم فرما است ایمنید که شما
 را بزمین فرو نمی برد و حال آنکه زمین چون دریا بموج واضطراب در افتد و تخصیص
 داد آسمان را از جهة آنکه جز خدا کسی در آنجا تصرف نکند و راه نبرد یا بر
 طبق عقیده مشرکین که گفتند الله خدای آسمان است و بتها خدایان زمین یا از
 خدائیکه در آسمان است ایمنید از آنکه تند بادی بفرستد و بر شما سنگ ریزه
 ببارد چنانکه بر قوم لوط بارید تا بدانید عذاب من چگونه میباشد همانا امتیهای

یا ایمنید از آنکہ تندبادی بفرستد و بر سر شما سنگ ببارد پس بزودی بدانید کہ وعدہ عذاب چگونہ است (۱۷) امتہائی کہ پیش از اینہا بودند رسولان ما را تکذیب کردند پس چگونہ بود عذابیکہ انکار کردند (۱۸) آیا مرغان ہوا را نمینگرند کہ بر بالای سرشان پر گشودہ و گاہ بیحرکت و لحظہای با حرکت بال پرواز میکنند کسی جز خدا آنہا را در فضا نگاہ نمیدارد و او بر احوال ہر موجودی بینا است (۱۹) آیا کیست سپاہ و لشکر و یاری کنندہ شما جز خدای مہربان. کافران نیستند مگر در غرور مذهب و اعتقاد (۲۰) آیا آن کیست کہ بتواند بشما روزی دہد اگر خداوند روزی را نگاہ بدارد. کفار ہم انکار نکنند بلکہ لجاجت کردہ اند در سر کشی و عصیان (۲۱) آیا آنکس کہ سرنگون و بروی میرود بہدایت و راہ راست اولی و سزاوارتر است یا آنکہ براہ راست و مستقیم میرود (۲۲)

پیش از این مردم رسولان ما را تکذیب کردند و چگونہ سخت آنہا را ہلاک ساختیم (اولم یروا الی الطیر فوقہم صافات و یقیمن ما یمسکھن الا الرحمن انه بکل شیئی بصیر) در این آیہ پروردگار آگاہ میکند بندگان خود را بقدرت و توانائی خود بفرو بردن آنہا بزمین یا باریدن سنگ بر سر آنہا و میفرماید آیا این کافران نمی بینند مرغان ہوا را کہ از بالای سر ایشان پر و بال گسترده گاہی بیحرکت و گاہی باحرکت بال پرواز میکنند و کسی جز خدا آنہا را در فضا نگاہ نمیدارد و او بر ہمہ چیز دانا و بینا است .

(امن هذا الذی ہو جندکم ینصرکم من دون الرحمن ان الکافرون الا فی غرور امن هذا الذی یرزقکم ان امسک رزقہ بل لجوا عتو و نفور) آیا آنکہ سپاہ و مدد کار شما است و شما را یاری و حمایت میکند جز خدا کسی ہست نیستند کافران مگر در غرور در این مذهب و اعتقادیکہ دارند و گویا خداوند بکفار میفرماید بچہ قوت و قدرت منافرمانی و معصیت مرا بجا میآورید آیا لشکر و سپاہی دارید تا آنکہ دفع کنند عذاب مرا از شما آیا کسی ہست بشما روزی برساند اگر خداوند رزق خود را از شما باز گیرد کفار ہم انکار نمیکنند کہ جز خدا کسی روزی نمیرساند بلکہ ایشان بہوای نفس در طغیان و عصیان و لجاجت از حق اعراض میکنند

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۲۳) قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُعْشَرُونَ (۲۴) وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۲۵) قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ (۲۶) فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِه تَدْعُونَ (۲۷) قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَمَن مَّعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَن يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۲۸) قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۲۹) قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَن يَأْتِيكُم بِمَاءٍ مَّعِينٍ (۳۰)

(افمن یمشی مکبا علی وجهه اهدی امن یمشی سویا علی صراط مستقیم)
آیا آنکس که بروی در افتاده بهتر هدایت و راهنمایی یافته یا آنکه براه راست ایمان میرود -

این آیه مثلی است که خداوند زد برای کفار و مسلمین و کافر را تشبیه کرده بر وی در افتاده در راه رفتن و مؤمن را بآنکه براه راست میرود و اشاره بآنستکه روز قیامت که خلایق بر انگیزخته شوند کفار بصورت در دوزخ روند و مؤمنین با قدم و سرعت از روی صراط عبور کنند و داخل بهشت شوند -

در کافی ذیل آیه مزبور از محمد بن فضل روایت کرده گفت معنای آیه را از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمودم فرمود خداوند مثل زده کسانی که از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام تجاوز کرده اند بآنها بیکه بصورت راه میروند و بجائی نمیرسند و اشخاصیکه پیروی نمودند از ولایت آنحضرت بکسانی که با قدم بر امر راست میروند و صراط مستقیم در اینجا وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام است -

و نیز از فضیل روایت کرده گفت باتفاق حضرت باقر علیه السلام از در بنی شبیه

ایرسل ما بگو آن خدا است که شما را آفرید و گوش و چشم و دل برای شما قرار داد با این وصف شکر و سپاس او را اندک بجای می آورید (۲۳) او است خدائیکه آفرید شما را در زمین و بسوی او باز می گردید (۲۴) کافران میگویند این وعده قیامت کی خواهد بود اگر شما پیغمبران راست میگوئید (۲۵) بگو علم آن تنها نزد خدا است وظیفه من جز این نیست که شما را از عذاب روشن بترسانم (۲۶) و چون آن عذاب را از نزدیک مشاهده کنند رخسار آنها از ترس زشت و سیاه شود، بآنان گفته شود این همان عذابیست که درخواست میکردید (۲۷) ایرسل بکافران بگو آیا میدانید اگر خدا من و کسانی که بامن است هلاک کند یا رحم بفرماید فرمان او است اما آنهاییکه کافرند کیست که از عذاب درونک جهنم نجاتشان بدهد (۲۸) ایرسل ما بگو او خدای مهربانست که باو ایمان آورده و براو توکل کردیم و بزودی میدانید کیست که آشکارا در گمراهی افتاده (۲۹) ایرسل بگو آیا میدانید اگر آب شما صبحگاهی بر زمین فرو رود جز خدا کیست که باز آب برای شما پدید آورد (۳۰)

پایان ترجمه سوره ملك

وارد کعبه و مسجد الحرام شدیم آنحضرت نظرش بمردم افتاد که مانند بهائم طواف مینمودند فرمود زمان جاهلیت هم چنین طواف میکردند این مردم نمی شناسند حق را و متدین بدینی نیستند ای فضل مشاهده کن آنها را چگونه بصورت در می افتد خداوند لعنت کند این قبیل مردم را از مخلوقات هستند که مسخ میشوند روز قیامت بصورتهایشان و آیه فوق و این آیه را تلاوت نمودند (فلما راوه زلفه سیئت وجوه الذین دفروا و قیل هذا الذی کنتم به تدعون) ای فضیل ناامید نمیشود کسی بامیر المؤمنین (علیه السلام) جز علی بن ابیطالب و هر کس نام خود را امیر المؤمنین گذارد یخداوند دروغ و افترا بسته سوگند بد پروردگار در این سال حج گننده ای برای خدا نیست غیر شما شیعیان و خداوند گناهان کسی را نمی آمرزد و عبادتش را قبول نصیفرماید مگر شما دوستان ما آل محمد و پیغمبر و صدق حقیقی آیه (ان تجتنبوا کمایر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلا کریم) شما

شیعیان و دوستان ما آل عصمت و طہارت میباشید

(قل هو الذی انشا کم وجعل لکم السمع و الابصار والافتدہ قليلا ما تشکرون)
قل هو الذی ذرکم فی الارض والیہ تحشرون) ایرسول ما بکافران بگو او آن
خدائست کہ شمارا از نیستی بہستی آوردہ گوش و چشم و دل بشما داد و اندکی از
شما شکر گذاری میکنند و او است خدائیکہ از خاک بیافرید شما را در زمین و
و پس از مرگ بسوی او باز میگردید ۔

ابن بابویہ از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود قلب چہار قسم است یکی
قلب از ہر و آن قلب مؤمن است اگر خداوند باو نعمتی عطا کند شکر میکنند و
چنانکہ مبتلا گردانند او را صبر و بردباری مینماید دیگر قلب مطبوع و آن قلب
منافق است سوم قلب منکوس کہ قلب مشرک و کافر است چہارم قلبی است کہ در
آن ایمان و نفاق است اگر در حالت نفاق اجلش برسد ہلاک گردد و چنانکہ در
وقت ایمان بمیرد نجات یابد

(و یقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین قل انما العلم عند اللہ و انما
انانذبر مبین) کافران از روی تمسخر میگویند وعدہ قیامت کی خواہد بود اگر
شما پیغمبران راست میگوئید ای محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بآنها بگو علم آن فقط نزد خدا است
وظیفہ من آنستکہ شما را از عذاب حق بترسانم پس از آن بیان میکند حال کفار
را هنگام نزول عذاب بقولش :

(فلما راوہ زلفة سیئت وجوہ الذین کفروا و قيل هذا الذی کنتم بہ تدعون)
چون کافران عذاب سخت را بہ چشم خود مشاہدہ کنند رخسار ایشان از ترس زشت
و سیاہ شود بآنها گویند این همان عذابی است کہ جدأ در خواست مینمودید ۔

در کافی ذیل آیہ فوق از زرارہ روایت کردہ گفت تأویل آیہ را از حضرت
باقر علیہ السلام سؤال نمودم فرمود آیہ دربارہ دشمنان امیر المؤمنین علیہ السلام نازل شدہ چہ
آنها آنحضرت را روز قیامت کہ مشاہدہ کردند در بہترین مقام و منزلت و قرب
نزد پروردگار صورتہایشان سیاہ شود و بینکدیگر میگویند این همان امیر المؤمنین
است کہ مقام او را غصب نمودہ و مدعی اسم او بودید و خود را امیر المؤمنین

ﷺ می پنداشتید و این حدیث را در کتاب کامل الزیارة و در مناقب روایت کردند و طبرسی از حاکم ابو اسحق کہ از منافقین است نقل کرده است و از یوسف بن ابی سعید روایت کرده حضرت صادق ﷺ فرمود روز قیامت کہ خلائق محشور شدند نوح پیغمبر را طلب کنند از او سؤال میکنند آیات تبلیغ رسالت کردہ ای عرض کنند بلی ای پروردگار خطاب رسد شاہد و گواہ تو بر تبلیغ کیست میگوید پیغمبر خاتم محمد ﷺ است در آنوقت حضور پیغمبر شرفیاب میشود عرض میکنند ای رسول خاتم پروردگار از من بر تبلیغ رسالت شاہد خواستہ است رسول خدا بجمہر و حمزہ میفرماید بروید شہادت بدهید برای نوح پیغمبر آنها در محضر عدل اللہی شہادت میدہند کہ نوح تبلیغ رسالت کردہ ابی سعید میگوید حضور حضرت صادق ﷺ عرض کردم فدایت کردم چہ الامیر المؤمنین برای نوح شہادت نمیدہد فرمود مقام آنحضرت بزرگتر از آنست و فرمود روز قیامت کہ میشود دشمنان امیر المؤمنین ﷺ مشاہدہ میکنند آنحضرت را کہ پرچم حمد در دست دارد و در کنار حوض کوثر ایستادہ دوستانش را سیراب میکند و مانع از ورود دشمنان میشود در آنوقت صورتهای ایشان سیاه و زشت میگردد و بیکدیگر میگویند این شخص امیر المؤمنین ﷺ است کہ شما دعوی مقام و منزلت و خلافت او را مینمودید و خود را بجای آنحضرت بمردم نشان میدادید و حق او را غصب کردہ بودید .

(قل ارايتم ان اهلكنى الله و من معى او رحمتنا فمن يجير الكافرين من عذاب اليم) کفار آرزوی مرگ پیغمبر و اصحابش را میمودند خدایتعالی فرمود ای رسول ما باین کفار کہ تمنای مرگ تو را میکنند بگو اگر خدا من و اصحاب مرا هلاک کند یا بر ما لطف و رحمت فرماید کیست کہ کافران را پناہ دہد از عذاب دردناک یعنی با آنکہ ما ایمان بخدا داریم بین خوف و رجاء هستیم شما کہ کافرید با کفرتان کہ حمایت خواہد کرد از شما .

شرف الدین از ابی بصیر روایت کردہ گفت از حضرت صادق ﷺ سؤال نمودم معنای آیه مزبور را فرمود این آیه تحریف شدہ ہرگز خداوند محمد ﷺ و کسانی کہ با او ایمان آورده اند هلاک نخواہد کرد چہ پیغمبر اکرم ﷺ بہترین

فرزندان آدم است و آیه را جبرئیل بطریق ذیل نازل نموده .

(قل ارايتم ان اهلكم الله ومن معكم ونجاني ومن معي فمن يجير الكافرين من عذاب اليم) و این حدیث را برقی نیز روایت کرده

(قل هو الرحمن آمنا به وعليه توكلنا فستعلمون من هو في ضلال مبين قل ارايتم ان اصبح ماء وكم غورا فمن ياتيكم بما معين) ايرسول ما بكافران بگو آنكه من شما را بسوی او میخوانم خدای بخشنده و مهربانست و ما باوایمان آورده و بر او توكل کرده ایم و بزودی بشما معلوم خواهد شد کیست که آشکار در ضلالت و گمراهیست ايرسول ما بگو بدیده تأمل بنگرید اگر آب که مایه زندگانی شما است صبحگاهی همه بزمین فرو رود جز خدا کیست که باز آب گوارا برای شما پدید آورد - .

ابن بابویه ذیل آیه فوق از عمار یاسر روایت کرده گفت در رکاب پیغمبر اکرم ﷺ بجهاد رفته بودم امیر المؤمنین علیه السلام جمعی از کفار را بقتل رسانید از آنها عمر بن عبدالله جهمی و شیبۀ بن نافع بود حضور پیغمبر اکرم ﷺ عرض کردم ايرسول خدا امیر المؤمنین علیه السلام آنطوریکه سزاوار بود در راه خدا جهاد کرد فرمود ايعمار علي از من و من از علی هستم او وارث علم و فاضی دین من است بوعده من وفا میکند علی بعد از من خلیفه خدا است اگر علی نبود مؤمن محض و خالص شناخته نمیشد بعد از من جنگ با او جنگ با من است و دشمنی با او دشمنی با من است و دشمنی با من دشمنی با خدا است تسلیم او تسلیم من و تسلیم من تسلیم با خدا است او پدر دو سبط من است و ائمه معصومین از صلب علی است و مهدی این امت از فرزندان علی است عرض کردم فدایت کردم مهای کیست فرمود ايعمار خداوند با من عهد فرموده که بیرون آورد از صلب حسین فرزندم نه امام و نه می آنها از نظر مردم غایب میشود چنانکه خداوند میفرماید (

(قل ارايتم ان اصبح ماء وكم غوراً فمن ياتيكم بما معين) غیبت او طولانی است بر میگردند از آنحضرت طایفه ای و ثابت و برقرار میمانند بر حضرتش طایفه

دیگر از مردم در آخر زمان، خارج و ظاهر گردد و دنیا را پر از عدل و داد کند پس از آنکه مملو از جور و ستم بوده و جہاد میکند بر تاویل قرآن چنانکہ من جہاد نمودم بر تنزیل آن نام او نام من است و شباهت تام بمن دارد ای عمار بہمین زودیہا پس از من فتنہ ہائی بر پا شود شود ہر گاہ فتنہ ای برخاست از علی پیر و کن علی با حق است و حق با علی ای عمار بہمین زودی پس از من در رکاب علی جہاد میکنی با نا کشتن و مار قین، تو را فرقہ گمراہ و یاغی میکشند عمار میگوید عرض کردم ای رسول خدا این جہاد بارضای خدا و شما است فرمود با رضای خدا و رضای من است ای عمار آخر زاد تو از دنیا شربت شیری می باشد عمار میگوید در جنگ صفین از امیر المؤمنین اجازہ خواستم بمیدان کارزار بروم فرمود تأمل کن خدا تو را رحمت کند بعد از ساعتی مجدداً اجازہ خواستم باز فرمود اندکی تأمل کن عاقبت مرتبہ سوم اجازہ داد و گروہ بسیاری نمود عرض کردم حضورش مگر امروز همان روز موعود نیست کہ پیغمبر اکرم ﷺ بمن وعده دادہ دیدم از اسب خود فرود آمد دست بگردن من انداخت و وداع کرد با من و فرمود ای عمار خداوند از جانب پیغمبرش و از طرف من جزای خیر بتو عطا فرماید تو خوب اصحاب و برادری بودی من از گریہ آنحضرت متأثر شدم و بگریہ افتادم و عرض کردم حضورش ای امیر المؤمنین علیؑ سو کند بخدا پیروی نکردم از شما مگر از روی معرفت و بینائی شنیدم از پیغمبر خدا کہ بمن فرمود ای عمار بعد از من فتنہ ہائی بر پا خواہد شد ہر گاہ مشاہدہ نمودی آن فتنہ ہا را ملازم با علی و از حزب او باش بدان علی با حق و حق با علی است بزودی پس از من در رکاب علی جہاد میکنی با نا کشتن و مار قین ای امیر المؤمنین علیؑ خداوند از طرف اسلام بشما جزای خیر عطا فرماید بہترین جزائی نصیحت فرمودید و رسانیدید باین مردم او امر و نواہی و احکام خدا و دین اسلام را پس از آن سوار شدم آنحضرت ہم سوار شد عمار بمیدان مبارزہ رفت حملہ کرد بر اصحاب معویہ ملعون ہیچہ نہ نواز آنها را بچہنم واصل کرد شربت آبی طلبید آب نبود در عوض باو شیر دادند گفت این همان عہد است کہ پیغمبر اکرم بمن فرمود آخر زاد تو از دنیا شربت شیری است عاقبت دو نفر از اہل شام نیزہ ای باو زدند و شہیدش کردند

چون شب شد امیر المؤمنین علیہ السلام در میان کشتگان قدم میزد ببالین عمار رسید سر او را بدامن گرفت و گریه بسیاری نمود و اشعار ذیل را در بالین اوسرود

الا ایها الموت الذی لیس تارکی ارحننی فقد افنیت کل خلیلی
ایا موت کم هذا لتفرق عنوة فلست تبقی خلۃ لخلیل
اراک بصیرا بالذین احبهم کأنک تمضی نحوهم بدلیل

ای مرگی که رها نخواهی کرد مرا تو، نابود کردی تمام دوستان مرا بیا و مرا هم از این زندگی راحت نما ای مرگ تا چه اندازه بقهر و غلبه تفرقه و جدائی می افکنی باقی نگذاشتی هیچ دوستی و حبیبی را برای محبوبش می بینم تو آگاه و بینشائی بدوستان من گویا دلیل و راهنمائی تو را بدوستان من هدایت میکند۔

در کافی از علی بن جعفر روایت کرده گفت معنای آیه را از برادرم حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام سؤال نمودم فرمود معنای آن آنست هر گاه مفقود نمودید امام خود را و از نظر شما غایب و پنهان گردید و مشاهده جمال او ننمودید چه کسی بسوی شما امام و پیشوائی آورد؟ چه کار میکنید و چه عملی انجام میدهید در غیبت امام و خلیفه خداوند؟۔

و از فضالة بن ایوب روایت کرده گفت شخصی آیه فوق را از حضرت رضا علیہ السلام سؤال نمود فرمود ائمه ابواب و درهائی هستند میان خداوند و مخلوقاتش و آب در آیه علم و دانش امام است و مقصود آنست اگر شما سر دم صبح نمودید و امام خود را در پس پرده غیبت مشاهده کردید کیست که علم و دانش امام را بسوی شما آورد و چه کسی امام جدیدی بمانند امام غایب بسوی شما میفرستد۔

یکی از زنادقه عبور کرد از کنار شخصی که قرائت میکرد آیه (قل ارایتم ان اصبح ما و کم غورا فمن یاتیکم بماء معین) آن زندیق گفتا گر آب بزمین فرو رود مردان قوی با کلنک های تیز آب بیرون آورند همان شب خوابید چشمش آب سیاه آورد صدائی شنید که باو میگوید بیاور آن مردان و کلنک های تیز را تا آب چشم تو را بیرون آورند و دید گانت روشن و بینا گردد

پایان سوره ملک

سورة القلم

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۱) مَا أَنْتَ بِمُجْنُونٍ (۲)
وَأِنْ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ (۳) وَإِنَّكَ لَسَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ (۴)
فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (۵) بِأَبْصَارِكُمُ الْمَفْتُونُ (۶) إِنْ رَبُّكَ هُوَ أَعْلَمُ
بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ (۷) فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ (۸)

سوره قلم در مکه نازل شده و پنجاه و دو آیه و سیصد کلمه و هزار و دویست و پنجاه و دو حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن : این بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس قرائت کند سوره نوالقلم را در نمازهای واجب و مستحب خداوند محفوظ بدارد او را از فقر و فشار قبر - .

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند خداوند ثواب کسانی که بآنها حلم بسیاری عطا نموده مرحمت فرماید و کسی که دندان او درد گرفته اگر این سوره را بنویسد و همراه خود بر دارد درد او ساکن شود - .

خلاصه مطالب این سوره عبارت از سوگند پروردگار بر آنکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مفتون و فریفته امیرالمؤمنین علیه السلام نشده و آنچه در باره آنحضرت میگوید همه بر حق و از طرف خدای تعالی نازل شده است و آزمایش کردن اهل مکه و داستان اصحاب حدیقه و کیفر کفار و پاداش مؤمنین در عالم آخرت و توبیخ مشرکین و منافقین .

قوله تعالی (نوالقلم وما یسطرون ما انت بنعمة ربك بهجنون) سوگند بقلم

ترجمه سوره قلم

بنام خداوند بخشنده مهربان

سو گند بنون و قلم و آنچه خواهد نگاشت (۱) نیستی تو بنعمت پرورد گارت دیوانه (۲) و تو را پاداشی است نامحدود (۳) و تو بر خوی بزرگ آراسته ای (۴) و بزودی تو و مخالفان مشاهد می کنید (۵) که از شما کدام يك دیوانه اند (۶) همانا پرورد گار تو داناتر است بکسیکه از راه او گمراه شده و آگاه تر است به هدایت یافته گان (۷) پس ابرسول ما از مردم کافریکه تکذیب آیات ما میکنند پیروی مکن (۸)

و آنچه خواهد نگاشت نیستی تو بنعمت پرورد گارت دیوانه چنانکه کافران پندارند مفسرین در معنای نون اختلاف کرده اند ابن عباس گفت حرفی است از حروف الرحمن و بعضی گفتند اسم سوره است مانند حم دیگری گفت مراد بآن ماهی در دریا است چه ماهی از آیات با عظمت خدا است و از مخلوقات آبی است اگر آن را از آب خارج کنند میمیرد و زندگانی خود را از دست میدهد چنانچه بعضی از حیوانات و مخلوقات خاکی اگر داخل در آب شوند بمیرند .

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود نون نمریست در بهشت خداوند آن را منجمد نمود مرکب گردید پس از آن بنظر هیبت بقلم نگریذ آنگاه بآن فرمود بنویس عرض کرد چه بنویسم فرمود هر چه بوده و خواهد بود تا روز قیامت در لوح محفوظ بنگار قلم نوشت در لوح سپس آن را پیچید و در رکن عرش گذاشت و ختم شد دهان قلم و دیگر نطق نکرد و نخواهد کرد پس مداد از نور و قلم از نور و لوح از نور بود راوی میگوید حضورش عرض کردم این موضوع را بطور تفصیل برای من بیان فرمائید فرمود اگر اهل جواب نبودی پاسخ را نمیدادم بدان که نون فرشته ایست که میرساند بفرشته دیگر که قلم باشد و او بلوح که فرشته است میرساند و لوح باسرافیل و اسرافیل بمیکائیل و او بجبرئیل و جبرئیل به پیغمبران میرساند .

و قلم آلتی است که بآن کتابت میکنند پرورد گار بآن سو گند یاد نمود

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (۹) وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ (۱۰) هَآءِ
 مَثَآءُ بَنِي إِسْرَءِيلَ (۱۱) مَتَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُغْتَدٍ أَثِيمٍ (۱۲) عُثْلٍ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ
 (۱۳) أَن كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (۱۴) إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ
 الْأَوَّلِينَ (۱۵) سَنَسِفُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ (۱۶) إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا
 أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷) وَلَا يَسْتَشْنُونَ
 (۱۸) فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹)
 فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰)

بخاطر منفعت بسیاری که در او است از برای انسان زیرا آن یکی از دو بیان است
 بآن اظهار منویات خود میکند برای اشخاص دور چنانکه زبان اظهار درونی کند
 برای شخص حاضر، بوسیله قلم حفظ میشود احکام دین و امور عالم چه بیان زبان
 در اثر گذشتن ماه و سال فراموش میشود ولی بیان قلم ثابت و برقرار میماند،
 دانشمندان میگویند قوام دین و دنیا بدو چیز است یکی قلم و دیگری شمشیر و قلم
 از شمشیر تیزتر و زبردست تر است پس رواست که خداوند بآن سوگند یاد نماید
 و مراد از نعمت ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است و شرحش گفته شود .

(و ان لك لاجرا غير ممنون وانك لعلی خلق عظیم فستبصر و يبصرون بايكم
 المفتون) و تورا مزد و پاداشی خواهد بود نامحدود و تو بر دین بزرگ و خلق
 نیکو آراسته ای بزودی تو و کفار مخالفانت مشاهده کنید که کدام یک دیوانه آید
 طبرسی و محمد بن عباس از ضحاک بن مزاحم روایت کرده اند گفت چون
 قریش مشاهده کردند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را مقدم داشته
 و بزرگ می شمارد فریاد کردند و گفتند پیغمبر فریفته علی علیه السلام شده طولی نکشید
 جبرئیل فرود آمد و آیات سوگن و القلم را آورد سوگند یاد نمود پروردگار بقلم

کفار دوست دارند که تو با آنها نرمی و مدارا کنی تا آنها هم با تو مدارا کنند (۹) پیروی مکن از کسی که دایم سوگند دروغ میخورد و خوار پست است (۱۰) و دایم عیب جوئی و سخن چینی میکند (۱۱) و هر اندازه ای بتواند مردم را از خیر و نیکوئی باز میدارد و ستم و گناهکاری را از حد گذارنده (۱۲) با این همه عیب بدخوی و متکبر و بی اصل و نسبند (۱۳) برای آنکه مال و فرزندان بسیار دارند (۱۴) چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید این آیات افسانه های گذشتگان است (۱۵) بزودی بر بینهش داغ شمشیر نهیم (۱۶) ما کافران را بقحط و سختی مبتلا کنیم چنانکه صاحبان باغ را مبتلا نمودیم چون سوگند یاد نمودند که صبحگاه میوه های باغ را ببرند (۱۷) و هیچ استثنا نکردند (۱۸) هنوز خواب بودند که از طرف پروردگار تو آتشی بر آنها آمد (۱۹) و سحرگاه آن بستان و باغ را چون خاکستری سیاه کرد (۲۰)

و آنچه فرشتگان مینویسند که محمد ﷺ فریفته علی نشده و او برخوی نیکو آراسته است بزودی منافقین و مخالفین می بینند که مفتون و دیوانه کیست البته خداوند داناتر است بآن کسی که از راه او گمراه شده است و سبیل در اینجا وجود مقدس امیر المؤمنین علی است و از ابی ایوب انصاری روایت کرده گفت در آنوقتیکه پیغمبر اکرم ﷺ دست امیر المؤمنین ﷺ را گرفت و بلند نمود و فرمود هر کس من مولای او هستم علی نیز مولای او است منافقین گفتند پیغمبر ﷺ مفتون و فریفته علی شده پروردگار آیات فوق را نازل فرمود - ابن بابویه از ابی جارود روایت کرده گفت از حضرت باقر ﷺ سؤال کردم معنای خلق عظیم را فرمود مراد دین بزرگ اسلام است -

در امالی از حضرت صادق ﷺ روایت کرده فرمود خداوند مردان بزرگی را در روی زمین خلق نموده برای برآوردن حاجات برادران مؤمنین و آنها مورد مجد و ستایش هستند پروردگار دوست میدارد مکارم اخلاق را و پیغمبرش را مخاطب قرار داده و درباره او فرموده و انک لعلی خلق عظیم و خلق بزرگ سخاوت و خوی نیکو است -

فَتَنَادُوا مُصِیْبِیْنَ (۲۱) اِنْ اَعْدُوا عَلٰی حَرِّکُمْ اِنْ کُنْتُمْ صَارِمِیْنَ (۲۲)
 فَانطَلَقُوا وَهُمْ یَتَخَفَتُوْنَ (۲۳) اَنْ لَا یَدْخُلْنَهَا الْیَوْمَ عَلَیْکُمْ مَسْکِیْنٌ
 (۲۴) وَاعْدُوا عَلٰی حَرِّیْ قَادِرِیْنَ (۲۵) فَلَمَّا رَاَوْهَا قَالُوا اِنَّا لَضَالُوْنَ
 (۲۶) بَلْ لَّحْنٌ مَّحْرُومٌ (۲۷) قَالَ اَوْسَطُهُمْ اَلَمْ اَقُلْ لَّکُمْ لَوْ لَا
 تُسَبِّحُوْنَ (۲۸) قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنَّا کُنَّا ظَالِمِیْنَ (۲۹) فَاقْبَلْ
 بَعْضُهُمْ عَلٰی بَعْضٍ یَّتَلَاوُمُوْنَ (۳۰) قَالُوا یَاوَدَّکُنَّا اِنَّا کُنَّا طَاغِیْنَ (۳۱)
 عَسٰی رَبَّنَا اَنْ یَّیْدِلَنَا خَیْرًا مِنْهَا اِنَّا اِلٰی رَبِّنَا رَاغِبُوْنَ (۳۲)

امیر المؤمنین علیہ السلام فرمود نیکوئی خلق، انسان را بہ بہشت میکشاند و سوء خلق، بدوزخ۔

پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود خداوند دوست میدارد کسانی را کہ خوی نیک دارند و دشمن میدارد آنہائیکہ سخن چینی میکنند۔

و فرمود اول چیزیکہ در ترازوی اعمال می نهند خوی نیکو است و فرمود ہر فرستادہ اند تا تمام کنم مکالم اخلاق را و مرا خدا ادب آموخت و نیکو آموخت و فرمود مؤمن بخوی نیکو دریابد درجہ و مرتبہ کسانیکہ روزہا را روزہ میدارند و شبہا بنماز اشتغال دارند۔

در کافی ذیل آیہ بایکم المفتون از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود روزی عمر ملاقات نمود امیر المؤمنین علیہ السلام را عرض کرد شما قرائت میکنید آیہ را و کنایہ آورید از من و ابو بکر، آنحضرت فرمود ای عمر خبر بدہم تو را بآیہ اینکہ خداوند در بارہ بنی امیہ نازل کردہ فہل عسیتم ان تولیتہم ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم عمر گفت ایعلی تو تکذیب میکنی بنی امیہ و بنی تیم و بنی عدی را اینہا از تو بہترند! (فلا تطع المکذبین و دوالو تدعن فیدہنوں ولا تطع کل خلاف

صبحگاه یکدیگر را صدا کردند (۲۱) برخیزید اگر میوه بستان را میخواستید
 بچینید به نخلستان برویم (۲۲) آنها سوی بستان روانه شده و آهسته سخن میگفتند
 (۲۳) که امروز مواظبت کنید فقیری وارد بستان نشود (۲۴) و صبحدم با عزم توانائی
 بباغ رفتند (۲۵) چون باغ را بآنحالت دیدند با خود گفتند مایقین راه را گم کرده ایم
 (۲۶) یا باغ همانست و ما بقهر خدا از میوه اش محروم شدیم (۲۷) بهتر آنها بآنان
 گفت من بشما نگفتم چرا شکر و سپاس خدا را بجا نیاوردید (۲۸) گفتند منزله
 است پروردگار، ما خود در حق خویش ستم کرده ایم (۲۹) و رو بیکدیگر کرده
 بملامت و نکوهش هم پرداختند (۳۰) و گفتند وای بر ما که سخت سرکش و گمراه
 بودیم (۳۱) امیدواریم که پروردگار ما بجای آن، بستان بهتری بما عطا کند و
 بعد از این همیشه بخدای خود مشتاقیم (۳۲)

مہین ہماز مشاء بنمیم مناع للخیر معتدائیم عقل بعد ذالک زنیم) ایرسول ما پیروی
 نکن این کافران و منافقین را کہ تکذیب میکنند علی بن ابیطالب ؑ را دوست
 دارند این منافقین کہ تو با آنها مدافعت و مدارا کنی تا ایشان غش کنند در بارہ
 امیر المؤمنین ؑ و بنفاق و پردہ پوشی با تو مدارا کنند و اطاعت مکن کسی از
 منافقین را کہ دایم بدروغ سو گند یاد میکنند حضرت باقر ؑ فرمود خلاف عمر
 است کہ قسم یاد نمود از برای رسول اکرم ؐ و پیمانیکہ از او گرفته در
 بارہ ولایت امیر المؤمنین ؑ نقص نکند و پیروی نکن از منافقینی کہ دایم عیب
 جوئی و سخن چینی میکنند و مردمان را از خیر و سعادت ایمان باز میدارند و بستم
 و بدکاری میکوشند خیر در این آیہ وجود مقدس امیر المؤمنین است کہ بہ حضرتش ستم
 نمودند و حق او را غصب کردند با این ہمہ عیب منافقین خشن و متکبر و حرام زادہ
 و بی اصل و نسبند و زنیم حرام زادہ را گویند چنانکہ شاعر میگوید ۔

زنیم تداعاه الرجال تداعیا کمایذ فی عرض الادیم الاکارع

حرام زادہ ایستکہ مردان بسیاری ادعای فرزند ی او را میکنند و زیادی
 مدعیان باندازہ طول بیابان کراع است تا مدینہ یعنی بہ مقدار آن زمین مردان بسیاری
 ادعای فرزند ی او را مینمایند ۔

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (۳۳) إِنَّ
 لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ (۳۴) أَفَتَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ
 (۳۵) مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ (۳۶) أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ
 (۳۷) إِنْ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ (۳۸) أَمْ لَكُمْ أَيَانٌ عَلَيْنَا بَالِقَةَ إِلَى
 يَوْمِ الْقِيَمَةِ إِنْ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ (۳۹) سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ (۴۰)
 أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ (۴۱) يَوْمَ يُكْشَفُ
 عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ (۴۲)

طبرسی از ابن عباس روایت کرده گفت شخصی سوال نمود معنای عتل و زنیہ را از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود پست نسب و شدید الخلق و پر خور و فراخ شکم و ستمکار و فرمود داخل بہشت نمیشود کسیکہ منع خیر و بدخوی جانی و فراخ شکم و پر خور است .

(ان کان ذامال و بنین اذا تتلى عليه آياتنا قال اساطير الاولين) برای آنکہ مال و فرزند دارد چون آیات مارا براو بخوانند گوید این سخنان پیشینیان است یعنی بخاطر مال و فرزند پیروی از او نکنید چہ حب مال و فرزند مانع است از آنکہ تصدیق پیغمبر و آیات قرآن را بنماید و آیہ کنایہ از ابوبکر است .

(سنسمہ علی الخرطوم) یعنی بزودی بر بینی اوداغ شمشیر نہیم مقصود زمان رجعت است چون امیر المؤمنین بسوی دنیا رجعت کند و دشمنان آنحضرت نیز باز گردند بدنیا آنها را با ابزاریکہ بہایم راداغ میکنند داغ نمایند .

(انابلوناہم کما بلونا اصحاب الجنة اذا قسموا لیصر منها مصبحین ولا یستنون فطاف علیہا طائف من ربک و ہم نائمون)

چنین است عذاب دنیا و عذاب آخرت سخت تر است اگر مردم بدانند (۳۳)
 همانا پرہیز کاران برای ایشان نزد پروردگار بہشت پر نعمت خواهد بود (۳۴) آیا
 مسلمین را با کافریں بدکار یکسان قرار میدہیم (۳۵) چگونه شما حکم میکنید (۳۶)
 آیا شما را کتابیست آسمانی در آن این حکم را میخوانید (۳۷) و در آن کتاب
 ہرچہ بخواہید بہوای نفس نگاشته اند (۳۸) یا شما را بر ما عہد و سوگند دائمی
 است تا روز قیامت کہ چنین حکمی بسود خود میکنید (۳۹) از آنها بپرس کدام
 در گروی این پیمانند (۴۰) یا آنها گواہانی بردعوی خود دارند اگر راست میگویند
 آن گواہان را حاضر کنند (۴۱) بیاد آورند روزیرا کہ دامن از ساق برداشته شود
 و بسجده خداوند خواندہ شوند و نتوانند سجده کنند (۴۲)

ما اہل مکہ را بقطر و بلا مبتلا کنیم چنانچہ مبتلا ساختیم اہل آن بستان
 را کہ سوگند خورده بودند کہ صبحگاہ میوہ آن بستان را بچینند و استثنا نکردند
 یعنی انشاء اللہ نگفتند و هنوز خواب بودند کہ از جانب پروردگار آتش عذاب نازل
 شد و ہامداد آن بستان را چون خاک کستر سیاہ مبدل نمود .

طبری از ابن عباس روایت کردہ گفت: در حوالی بمن نزدیک صغنا باغستانی
 بود بنام صروان تعلق داشت بمردی مؤمن و اہل صلاح ثمرہ و میوہ آن را داخل
 منزل خود نمیکرد مگر آنکہ ابتداء حق فقرا و بینوایان را ادا مینمود خدای
 تعالی باو برکت عطا میفرمود چون آن مرد وفات نمود آن باغ بارث بہ سہ پسرش رسید
 آنها بیکدیگر گفتند ما عیال بسیاری داریم و مالمان اندک است نمیتوانیم مانند
 پدر رفتار کنیم و حق فقیران را بدعیم از قضا در آن سال کہ پدرشان از دنیا رفته بود
 آن باغ ثمرہ و میوہ فراوانی داشت شبانگاہ وارد باغ شدند نظرشان بمیوہ افتاد
 گفتند سحر گاہ پنهانی و پیش از اطلاع فقراء میوہ ہارا میچینیم و سوگند خوردند
 بر این عمل و انشاء اللہ ہم نگفتند آن شب بخاطر طغیان و ستمیکہ بفقرا نمودند از
 جانب پروردگار آتشی فرود آمد ثمرہ و میوہ آنها را بسوخت و ایشان هنوز در
 خواب بودند چون صبح شد یکدیگر را صدا زدند بر خیزید اگر میوہ بستان را

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ
 (۴۳) فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا
 يَعْلَمُونَ (۴۴) وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ (۴۵) أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ
 مِنْ مُمْرِمٍ مُتَقَلِّوْنَ (۴۶) أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ (۴۷) فَاصْبِرْ
 لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ (۴۸)

میخواهید بچینید به نخلستان رویم آنها بسوی بستان روانه شده و آهسته سخن می‌گفتند که امروز مواظب باشید فقیری وارد نشود با شوق و عزم و توانائی وارد بستان شدند چون آن باغ را دیدند از فقر طعم باخود گفتند ما یقین راها را گم کرده ایم چون نیک مشاعده کردند و دانستند که همانست گفتند ما بقر خدا از میوه این باغ محروم شدیم و خیر این بستان را از ما باز گرفتند برای آنکه ما از فقرا باز گرفتیم عادل ترین ایشان بآنها گفت آیا من بشما نگفتم چرا شکر و تسبیح خدا بجا نمی‌آورید و عادل ترین ایشان کوچکترین آنها بود از حیث عمر چه وسطی به دعای نیکو است چنانچه خداوند فرمود (ای امت محمدی! شما کوچکترین امت هستید از حیث عمر ولی بهترین امتها میباشید) آنها گفتند خدای ما منزله است از ظلم و ستم ما خود در حق خویش ستم کردیم که ترك احسان نمودیم و منع کردیم نصیب فقیران را و روی بیکدیگر کرده بملامت و نکوهش هم پرداختند و می‌گفتند ای وای بر ما که سرکش و یاغی بودیم و اسراف و تعدی کردیم در کفران نعمت و منع حقوق الهی و امیدواریم که پروردگار ما بجای آن، بستان بهتری از لطف و کرم خود بما عطا کند چه ما بسوی خدای خود مایل و متوجه هستیم چون آنها از روی صدق و صفا رو بدر گاه خدا آوردند پروردگار بآنها بستانی کرامت فرمود که يك نهوشه انگیر آن بار شتری بود و نام آن بستان حیوان بود پروردگار داستان ایشان را ذیل چند آیه از این سوره بیان فرمود .

چشمانشان فرو رفته خواری و ذلت آنها را فرا گرفته پیش از این آنان را با تن سالم بسوی اطاعت و سجده خدا خواندند اجابت نکردند (۴۳) ایرسول ما تو کیفر تکذیب کنندگان این قرآن را بمن واگذار تا آنها را از آنجا که گمان ندارند بعذاب سخت در افکنیم (۴۴) و آنها را مهلت دادم همانا کید من بسیار قوی و محکم است (۴۵) آیا از ایشان مزد رسالت میخواهی که بار غرامتش بر آنها گران است (۴۶) یا آنکه از آن عالم آگاهند پس چیزی از آنجا مینویسند (۴۷) ایرسول ما برای فرمان پروردگار خود شکیباش و مانند یونس که از ختم در عذاب امت تعجیل کرد مباش (۴۸)

در کافی ذیل آیه اذا قسموا لیصر منها مصبحین از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود انسان مرتکب گناه میشود خداوند در اثر آن دوزی او را قطع میکند و آیه فوق را شاهد بر فرمایشات خود بیان نمودند .

پس از این برای تهدید بندگان میفرماید عذاب چنین است و عذاب آخرت بزرگتر و سخت تر است ! اگر مردم بدانند .

(ان المنقین عند ربهم جنات النعیم افعجل المسلمین کالمجرمین مالکم کیف تحکمون ام لکم کتاب فیه تدرسون ان لکم فیه لما تخیرون) برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان بهشت های پر نعمت خواهد بود آنگاه برای تذکر و تنبه میفرماید آیا مسلمانان را با کافران در پاداش و منازل و احکام یکسان قرار میدهم چگونه شما این حکم ناروا و ظالمانه را میکنید آیا برای شما کتابی از آسمان فرود آمده که این حکم را در آن خوانده اید و در آن کتاب هر چه بهوای نفس بخواهید نگاشته اند یا آنکه شما را بر ما عهد و قسم همیشگی است تا روز قیامت که چنین حکمی بییقین بر نفع خود میکنید ای پیغمبر از آنها بپرس کیست از شما که پابند این عهد و پیمان است که برای کافران همان پاداش مسلمانان خواهد بود آیا ایشان بر دعوی مساوی بودن کافر با مسلمین در پاداش و ثواب گواهانی دارندا گر راست میگویند آن گواهان را حاضر کنند .

(یوم یکشف عن ساق و یدعون الی السجود فلا یستطیعون خاشعة ابصارهم)

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ (۴۹)
 فَاجْتَبِيَهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (۵۰) وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا
 لِيُزَيِّقُوا نَفْسَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ
 (۵۱) وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۵۲)

ترهقهه ذلّه و قد کانوا یدعون الی السجود وهم سالمون (بیاد آورید روز سختی را که دامن بمیان زده و میخواستند برای خدا سجده کنند و نمیتوانند سجده نمایند این آیه شدت و سختی روز قیامت را بیان میکند چه دنیا که منقضی شد در تکلیف و توبه بسته میشود و ثواب و عقاب را معاینه بینند مردم پس از آنکه شنیده بودند و این جمله یکشف عن ساق تشبیه و اشاره بسختی آن ساعت است چه عرب کار سختی که برای او پیش آید دامن را از ساق پا بر گیرد و بالا زند تا در آن کار سعی بتواند کند -

ابن بابویه ذیل آیه فوق از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود روز قیامت که میشود حسابی است از نور بر داشته میشود مؤمنین برای عظمت پروردگار بسجده در افتند و منافقین هر چه سعی میکنند که سجده کنند نمیتوانند چه پشتان آنها مانند شاخهای گاو شود و فرو نیاید تا بتوانند سجده کنند در آن وقت ذلیل باشد چشمهای ایشان و ترس و حسرت آنها را فرا گرفته و پیش از این پیغمبران دعوت میکردند آنها را در دنیا باتن سالم بطاعت و سجده کردن از برای خدا اجابت نمیکردند -

در محاسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود منافقین و کفار توانائی داشتند که عمل کنند بآنچه امر شده بود بآنها از جانب پروردگار و ترک نمایند آنچه را منهی بود امتحان شدند باو امر و نواهی خدا نیست برای هیچ بنده ای قبض و بسطی از آنچه خداوند امر و نهی فرموده در آن مگر امتحان و آزمایش است از جانب خدا و این حدیث را ابن بابویه نیز روایت کرده است .

واگر لطف و رحمت پرورد گارش را در نیافتہ بودہ ما نا از شکم ماہی بصرای
بی آب و گیاه افتادہ بود و آنکوش و سرزنش میکردند (۴۹) پس خدایش او را
برگزید و از شایستگان قرار داد (۵۰) ایرسول نزدیک بود کافران چشم زنند تو را
بدیدہ گان خود چون آیات قرآن شنیدند میگویند اودیوانہ است (۵۱) ونیست این
قرآن مگر پند و حکمتی برای جہانیان (۵۲)

پایان ترجمہ سورہ قلم

(فذرنی ومن یکذب بہذا الحدیث سنستدرجہم من حیث لا یعلمون واملی لهم
ان کیدی متین) ایرسول ما تو کیفر تکذیب کنندگان و منکران قرآن را بمن
واگذار کہ از آنجا کہ نفہمند و گمان نکنند بعذاب سخت درافکنیم و آنها را مہلت
دادیم تا در نعمت ورفاہیت مغرور شوند و در گناہ و معصیت بیفزایند ہما نا عذاب من
قوی و بسیار سخت است پس از آن برای توبیخ فرمود ای پیغمبر آیاتو از کافران
امت اجر و مزد رسالت میخواہی کہ ایشان از غرامت گرانبار میشوند و قوت آن
ندارند یا آنکہ از عالم غیب باخبرند و از آنجا چیزی مینویسند و این محالات را
میگویند ایرسول ما صبر کن بر حکم پروردگار خود و مہاش مانند یونس کہ تعجیل
کرد در عذاب امت خود و خشم گرفت بر آنها عاقبت پشیمان شد چہ امتش توجہ بخدا
نمودند خدایتعالی ہم عذاب را از ایشان برطرف کرد یونس در غضب شد و راہ دریا
را پیش گرفت سوار کشتی شد عاقبت او را بدریا افکندند ماہی او را بلعید در ظلمت
و تاریکی شکم ماہی بحال غم و اندوہ خدا را بر نجات خود خواند و شرح او را
در بخش سوم تفسیر ذیل آیہ ۹۸ سورہ یونس بیان نمودیم *

(و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارہم لما سمعو الذکر و یقولون انہ
لہم جنون و ما ہوا الا ذکر للعالمین)

ایرسول ما نزدیک بود کہ کافران از حسد بچشمان بد چشم زخم زنتد چون
شنیدند آیات قرآن را و در فصاحتش متحیر شدند باز میگویند کہ شخص دیوانہ
ایست و حال آنکہ این قرآن نیست جز پند و حکمت برای جہانیان ۔

سبب نزول آیه آن بود کفار میخواستند رسول اکرم ﷺ را چشم بزنند تا وفات کند یا کشته شود طایفه ای از بنی اسد معروف بودند بچشم بد هر گاه یکی از آنها بگاو یا شتری نظرمی افکند فوراً آن حیوان میمرد یا مجبور میشدند آنرا ذبح و نحر کنند یکی از آنها کنیزی داشت میگفت باو بر خیز و زنبیل را همراه من بیاور تا گوشت فراهم کنم میرفت هر کجا بشتر یا گاو و گوسفند نیکوئی میدید میگفت چه قدر نیکو است مانند این حیوان ندیده ام فوراً صاحبش از ترس آنکه هلاک شود آن را میکشت و نصیبی باو میداد و بر هر چه چشمش اصابت میکرد طولی نمیکشید که او هلاک میشد قریش بآن مرد گفتند بیا و نظر بر محمد ﷺ افکن تا چشمت باورسد آن مرد آمد نزد رسول خدا آنحضرت مشغول فرائت قرآن بود ساعتی بعد حضرتش نظر انداخت و اندیشه میکرد و هیچ شك نداشت در آنکه پیغمبر اکرم ﷺ بچشم او زده میشود و این بیت را انشاء کرد و گفت .

قد کان قومك يحسبونك سيدا
واخال انك سيد معيون

پروردگار آیه وان یکاه را نازل نموده و آنحضرت را از چشم بد آن مرد نگاه و

محفوظ داشت .

پیغمبر اکرم فرمود چشم بد انسان را داخل در قبر و شتر را وارد در دیک میکنند و نیز فرمود اگر چیزی بر قضای الهی غلبه میکرد چشم بد بود اسماء دختر عمیس گفت ای رسول خدا فرزندان جعفر را چشم بد میرسد اجازه میفرمائید تعویذی برای آنها بنویسم فرمود بلی روا باشد .

در تهذیب ذیل آیه فوق از حسان جمال روایت کرده گفت حضرت صادق (ع) را از مدینه بمکه میبردیم وقتی به مسجد غدیر خم رسیدیم آنحضرت نظری بطرف چپ کوه انداخت و فرمود اینجا محل قدم مبارک پیغمبر اکرم ﷺ است که امیر المؤمنین (ع) را بروی دست بلند نمود و فرمود هر کس که من مولای او هستم علی نیز مولای او است پروردگارا دوست بدار کسی را که علی را دوست میدارد و دشمن بدار آنکه علی را دشمن میدارد بعد از آن نظری نمود بطرف دیگر و فرمود اینجا محل خیمه فلان و فلان و سالم مولایی حذیفه و ابی عبیده جراح میباشد وقتی مشاهده

کردند پیغمبر اکرم ﷺ را که امیر المؤمنین علی علیه السلام را بروی دست مبارک بلند نمود بیکدیگر گفتند نظر کنید به چشمان محمد ﷺ که چگونه دور میزند گویا مانند چشم شخص دیوانه است و خواستند حضرتش را چشم بزنند جبرئیل نازل شد و آیه وان یكاد را آورد و مقصود از ذکر وجود مقدس امیر المؤمنین علی علیه السلام است حسان میگوید عرض کردم سپاس و ستایش میکنم پروردگار را که این حدیث را از دلب شما بزرگوار بگوش خود شنیدم فرمود ای حسان اگر نبودی شتربان ما این حدیث را برای تو ذکر نمی کردم زیرا تصدیق نمیکنند این مردم تو را درباره این حدیث

پایان سوره نوالقلم



مرکز تحقیقات و پژوهش در تاریخ و فرهنگ اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَاقَّةُ (۱) مَا الْحَاقَّةُ (۲) وَمَا أَذْرِيكَ مَا الْحَاقَّةُ (۳) كَذَّبَتْ ثَمُودُ
وَاعَادُ بِالْقَارِعَةِ (۴) فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ (۵) وَأَمَّا عَادُ
فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ (۶) سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَلَاثَةَ
أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ (۷)

سورہ الحاقہ در مکہ نازل شدہ و پنجاہ ودو آیہ ودویست و پنجاہ و شش کلمہ و
ہزار و ہشتاد و چہار حرف است خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویہ از حضرت
صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمودہ کہ کسی سورہ الحاقہ را قرائت کند در نمازهای واجب و
مستحب از کسانی است کہ بخدا و پیغمبر او ایمان آورده چہ این سورہ نازل شدہ در
حق امیر المؤمنین علیہ السلام و معاویہ ملعون ، و دین فاری آن زایل نشود تا خدا را ملاقات
کند، و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمودہ کہ کسی این سورہ
را قرائت کند خداوند حساب او را سبک گرداند و ہر کہ او را بنویسد و ہر زن
حاملہ بہ بند حمل او محفوظ بماند و اگر بنویسد و باب بشوید و آن آب را بطفل
شیرخوار بدہد آن طفل باحافظہ و ذکاوت شود و نیکو بہ بار آید .

خلاصہ مطالب این سورہ عبارت است از احوال قیامت و ہلاک قوم عاد و ثمود
و فرعونیان و داستان نوح و نفع صور و بیان احوال اہل جہنم .
قوله تعالى .

(الحاقۃ ما الحاقۃ و ما اذریک ما الحاقۃ) دوری بجوئید از عذاب قیامت چہ
عذاب سختی است و چہ آگاہ کردہ است تو را کہ عذاب این روز قیامت چگونہ
سخت و بزرگ است - حاقہ نامی است از نامہای قیامت و حاقہ نامیدہ شدہ برای
آنکہ حق است و درست ؛ و در او کارہای حقیقت و حق واقع میشود چہ جزای اعمال

ترجمہ سورہ الحاقہ

بنام خداوند بخشنده مهربان

روز قیامت چہ روزیست (۱) دوری بجوئید از عذاب قیامت (۲) چہ آگاہ کرد
تورا کہ این روز قیامت چہ روزیست (۳) قوم عاد و ثمود تکذیب کردند عذاب روز
قیامت را (۴) اما قوم ثمود بسبب طغیان هلاک شدند (۵) قوم عاد بیاد تندوسر کش
بہلاکت رسیدند (۶) و آن باد تندرا خداوند ہفت شب و ہشت روز پی در پی بر آنها
مسلط کرد کہ دیدی گویا آن مردم ^{مانند} ساقہ خشک درخت خرما بودند و بخاک در افتادند (۷)

بر حق و واجب است .

(کذب ثمود و عاد بالقارعة فاما ثمود فاهلکوا بالطاغية) ثمود کہ قوم صالح
بودند و عاد کہ قوم ہودند تکذیب کردند عذاب روز قیامت را اما ثمود بکیفر کفر
و طغیان هلاک شدند و شرح ہلاکت آنها را در بخش سوم تفسیر ذیل آیہ ۶۳ سورہ
ہود بیان نمودیم .

(واما عاد فاهلکوا بریح صرصر عاتية سخرها عليهم سبع لیل وثمانية ايام حسوما
فتری القوم فیہا صرعی کانہم اعجاز نخل خاویہ فہل تری لہم من باقیہ) اما عاد هلاک
شدند بیادی تندو سخت و سرد و سرکش و آن باد را خداوند ہفت شب و ہشت روز
پی در پی بر آنها مسلط کرد و گویا آن مردم چون ساقہ خشک درخت خرما بودند و
بخاک در افتادند آیا هیچ میبینی از ایشان اثری باقی و بر جا است داستان عاد را
نیز در بخش سوم تفسیر آیہ ۵۱ سورہ ہود بیان نمودیم ابن بابویہ ذیل آیہ فوق از
حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود روز چہار شنبہ روز نحس مستمریست چہ
آن روز اول و آخر روزی بود کہ خداوند مسخر کرد در آن ایام باد سرد را بر
قوم عاد .

(وجاء فرعون و المؤمنون تفکات بالخاطئة فمضوا رسول ربهم فاخذهم اخذ قرايہ)
و فرعون و کسانی کہ پیش از او بودند و اہل مؤتفکات بزشت و خطا کاری برخاستند
و بارسول پروردگارشان مخالفت کردند خدا ہم ایشانرا بعذاب سخت گرفتار ساخت .

فَهَلْ تَرَىٰ لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ (۸) وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ
 بِالْخَاطِئَةِ (۹) فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً (۱۰) إِنَّا لَمَّا
 طَغَا الْهَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ (۱۱) لِنَجْمِلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أذُنٌ
 وَاعِيَةٌ (۱۲) فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳) وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ
 وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً (۱۴) فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱۵)
 وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ (۱۶) وَالْمَلَكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ
 عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَلَاثَةٌ (۱۷)

شرف‌الدین نجفی ذیل آیه فوق از حمران روایت کرده گفت از حضرت باقر
 علیه السلام شنیدم که میفرمود مراد فِرْعَوْن در این آیه سومی است و مقصود از من قبله اولی
 و دومی است و مؤتفکان اهل بصره هستند و خاطئه عایشه است امیر المؤمنین علی در
 خطبه معروفه که در ذم و توبیخ اهل بصره است خطاب نمود بآنها و فرمود یا
 اهل المؤتفکه و معنای ائتفکت خسف و گرفتن است چه بصره را سه مرتبه آب فرا
 گرفت و مرتبه دیگر هم فرا خواهد گرفت چنانچه حضرتش خبر داد و فرمود گاهی
 بمسجد کم کجئو جئی سفینه فی لجه بحر گویا می بینم آب بصره را گرفته و مسجد
 آن مانند کشتی بر روی آب قرار دارد . .

(انا لما طغى الماء حملناكم في الجارية لنجعلها لكم تذكرة و تعيها اذن
 واعية) چون آب طغیان کرد و از حد برفت در عهد نوح ما شما را در کشتی نشانیدیم
 تا غرق نشوید و مایه پند و عبرت مردم قرار دهیم و لکن گوش شنوای هوشمندان
 این پند و تذکر را میتواند بشنود . .

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود وقتی آیه
 مزبور بر پیغمبر اکرم ﷺ نازل شد بامیر المؤمنین علی فرمود یا علی آن گوش

آیا هیچ بینی که بروز گار از آنها اثری باقی باشد (۸) و فرعون و گنہگارانش پیش از او بظنکاری برخاستند (۹) و با رسول پروردگارشان مخالفت کردند خدا ہم آنها را بعذاب سخت گرفتار نمود (۱۰) آن هنگام کہ آب طغیان کرد پدرانہان را بکشتی سوار کردیم و نجاتشان دادیم (۱۱) تا سبب پند و عبرت شما مردم قرار دہیم ولی نگاہدارد این پند را گوش شنوای ہوشمندان (۱۲) چون دمیدہ شود در صور یکبار دمیدنی (۱۳) و زمین و کوهها برداشته شود و درہم شکستہ و متلاشی گردد یکمرتبہ (۱۴) پس در آنروز واقعہ بزرگ قیامت برپا شود (۱۵) و آسمان شکافتہ وسعت شود در آنروز (۱۶) و فرشتگان بر اطراف آسمان باشند و عرش و پروردگار را در آنروز ہشت فرشتہ بر گیرند (۱۷)

شنوا توهستی ۔

طبرسی از بریدہ اسلمی روایت کردہ کہ روزی پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بامیر المؤمنین علیہ السلام فرمود یا علی خداوند مرا امر فرمودہ تا ترا نزدیک کنم و دور نگرہانم و تو را بیاموزم و تو یاد گیری و بر خدا واجب است کہ تو یاد گیری یعنی توفیق عطا کند بتو تا حفظ کنی امیر المؤمنین علیہ السلام فرمود پس از آن چیزی را فراموش نکردم بریدہ میگوید پس از فرمایش پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم طولی نکشید کہ جبرئیل نازل شد و آیہ مزبور را آورد ابن بابویہ از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ کہ امیر المؤمنین علیہ السلام فرمود اذن واعیہ کہ خداوند در قرآن سورہ الحاقہ نازل نمودہ من ہستم و این حدیث را عیاشی و سعد بن عبد اللہ و ابن شہر آشوب روایت کردہ اند ۔

محمد بن عباس بسی سند از طرف عامہ و خاصہ روایت کردہ کہ پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بامیر المؤمنین علیہ السلام فرمود یا علی از خداوند درخواست نمود کہ اذن واعیہ گوش تو باشد و این حدیث را ثعلبی کہ از علماء عامہ است در تفسیر خود بیان کردہ است ۔

(فاذا نفخ فی الصور نفخة واحدة وحملت الارض والجبال فذکاة واحدة فیومئذ وقعت الواقعة وانشقت السماء فہی یومئذواہیہ والملك علی ارجائها و یحمل

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ (۱۸) فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ
 يَمِينَهُ فَيَقُولُ هَٰؤُلَاءِ أَفْرَؤُا كِتَابِيَهٗ (۱۹) إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ
 (۲۰) فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۲۱) فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۲۲) قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ
 (۲۳) كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْغَالِيَةِ (۲۴) وَأَمَّا
 مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ (۲۵) وَلَمْ
 أَدْرِ مَا حِسَابِيَهٗ (۲۶) يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ (۲۷) مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ
 هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ (۲۹)

عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانیه يومئذ تعرضون لا تخفى منكم خافیه (بیاد آور آن
 وقتی که ناگهان اسرافیل در صورت دمد و زمین و کوهها را بر گیرند و یکمرتبه همه
 را بشکنند و متلاشی سازند آنگاه روز موعود واقع بزنگ قیامت واقع گردد و
 بنای محکم آسمان ازهم بشکافد و سست شود و فرشتگان بر اطراف آسمان منتظر
 فرمان باشند و عرش پروردگارت را در آن روز هشت نفر مقرب بر گیرند آنروز
 که در پیشگاه حساب شما را حاضر کنند هیچ کار از اسرار بر شما پنهان
 نخواهد ماند .

در کافی ذیل آیه و بحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانیه از حضرت صادق علیه السلام
 روایت کرده فرمود عرش عبارت از علم است چهار نفر از ما و چهار نفر از سایر مردم
 آنهایی که خداوند میخواهد حاملین عرشند و محمد بن آس از حضرت باقر علیه السلام
 روایت کرده فرمود حاملین عرش چهار نفر از سابقین هستند و آنهانوح و ابراهیم موسی و
 عیسی میباشد و چهار نفر از متأخرین محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و
 امام حسین علیه السلام میباشد و معنای آنکه حمل میکنند عرش را یعنی علم را
 بر میدارند .

آنروز کہ در پیشگاه حساب شما را حاضر کنند هیچ کار از اسرار پنهانی شما پنهان نخواهد ماند (۱۸) اما کسیکه نامہ اعمال او را بدست راستش بدهند از شادی گوید بیائید نامہ مرا بخوانید (۱۹) من یقین داشتم کہ ابن روز حساب را ملاقات میکنم (۲۰) چنین کسی در عیش و زندگانی خوشی خواهد بود (۲۱) در بہشت عالی مرتبہ (۲۲) کہ میوہ ہای آن ہمیشہ در دسترس است (۲۳) بآنها گویند از طعام و شرابہای بہشتی ہر چہ خواهید تناول کنید گوارا باد شما را کہ این پاداش اعمال گذشتہ است کہ برای امروز خود پیش فرستادہ اید (۲۴) و اما آنکس کہ نامہ اعمالش را بدست چپ دہند با کمال شرمندگی گوید ایکاش نامہ مرا بمن میدادند (۲۵) و نمیدانستم حساب من چیست (۲۶) ایکاش مرگ مرا از این غصہ و عذاب نجات میداد (۲۷) مال و ثروت من امروز بفریاد من نرسد (۲۸) ہمہ قدرت و شوکت من نابود گردید (۲۹)

(فاما من اوتی کتابہ بیمینہ فیقول ہاءوم اقرؤا کتابیہ انی ظننت انی ملاق حسابیہ) کسیکہ نامہ عملش را بدست راستش میدہند از شادی گوید بیائید نامہ مرا بخوانید من ملاقات این روز حساب را اعتقاد داشتم محمد بن عباس ذیل آیہ فوق از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود آیہ مزبور در شأن امیرالمؤمنین علیہ السلام نازل شدہ و جاریست در حق مؤمنین و این حدیث را ابن شہر آشوب و بعضی از مخالفین نیز روایت کردہ اند ۔

ابن بابویہ از عمار یاسر روایت کردہ کہ پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود فرشتگان حافظین علی علیہ السلام افتخار میکنند بر تمام حفظہ زیرا بالا نمیبرند بسوی پروردگار چیز را کہ بغضب آورد او را و این حدیث را اخطب خوارزم و موفق بن احمد و ابن مغازلی شافعی کہ از مخالفین هستند روایت کردہ اند ۔

عیاشی از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود روز قیامت ہر طایفہ ای را بخوانند و حاضر کنند با امامیکہ در عصر آن امام از دنیا رفته اند اگر اقرار و اعتراف نمودند بامام و اعتقاد بامامت او داشتہ نامہ اعمالش را بدست راستش دہند

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ (۳۰) ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ (۳۱) ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ
ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ (۳۲) إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ (۳۳) وَلَا
يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۳۴) فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَيْئَةٌ حَمِيمٌ (۳۵)
وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ (۳۶) لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْغَاطِنُونَ (۳۷) فَلَا أَفْسِمُ
بِأُتْبِصِرُونَ (۳۸) وَمَا لَا تُبْصِرُونَ (۳۹) إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ
(۴۰) وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ (۴۱) وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ
قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ (۴۲) تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۳)

چنانکہ میفرماید .

(یوم ندعو کل اناس بامامهم فمن اوتی کتابه بیمنہ فاولئک یقرؤن کتابهم)
ویمین، اثبات و اعتقاد داشتن بامام است چه کتاب آن بزرگوار است وائمه دوستان و
دشمنان خود را از سیمایشان می شناسند و هر کس منکر امام شود و اعتقاد باو
نداشته باشد از اصحاب شمال است و نامہ اعمال اورا بدست چپش میدهند .

(فہو فی عیشۃ راضیۃ فی جنۃ عالیۃ قطوفہا دانیۃ کلاوا و اشربوا ہنیئاً بما اسلفتم
فی الایام الخالیۃ) چنین مردمی در عیش و زندگانی خوش خواهند بود در بہشت
عالی رقبہ کہ میوہ ہای آن ہمیشہ دسترس است از طعام و شرابہای لذیذ و گوارای
بہشتی ہر چہ خواهند تناول کنند گوارا باد آنہا را کہ این پاداش اعمال گذشتہ
دنیا است کہ برای امروز خویش پیش فرستادہ اند .

(و اما من اوتی کتابہ بشمالہ فیقول یالیتنی لم اوت کتابیہ ولم ادر ما حسابیہ
یالیتھا کانت القاضیۃ ما اغنی عنی مالہ ہلک عنی سلطانیۃ) و آن کسیکہ نامہ عملش
را بدست چپ اودہند با کمال شرمندگی و اندوہ گوید ایکاش نامہ مرا بمن نمیدادند
و من از حساب اعمالم آگاہ نمیشدم ایکاش مرگ مرا از این غصہ و عذاب نجات

خطاب رسد اورا بگیریڈ ودر غل و زنجیر کشید (۳۰) پس در آتش افکنید (۳۱) آنگاہ بزنجیریکہ طولش هفتاد ذرع است در کشید و در آتش اندازید (۳۲) چه او بخدای بزرگ ایمان نیاورده بود (۳۳) و هرگز فقیر را بر سفرہ طعام نخوانده بود (۳۴) پس امروز هیچ خویش و دوستداری کہ بفریادش رسند ندارد (۳۵) و طعامی جز چرک و کثافت دوزخیان نصیبش نیست (۳۶) و آن طعام را جز اهل دوزخ کسی نمیخورد (۳۷) سو گند یاد نمیکنم بآنچه می بینید (۳۸) و آنچه نمی بینید (۳۹) همانا این قرآن وحی و گفتار رسول بزرگوار است (۴۰) و قرآن نیست سخن شاعری اگر چه اندکی مردم بآن ایمان می آورند (۴۱) و نیست قرآن گفتار کاهن اگر چه اندکی از مردم متذکر آن میشوند (۴۲) این قرآن نازل شدہ از طرف پروردگار جهانیان (۴۳)

میداد مال و ثروت من امروز بفریاد من نرسد همه قسدرت و حشمت منحو و نا بود گردید .

(خذوه فغلوه ثم الجحيم صلوه ثم فی سلسلۃ ذرعا سبعون ذراعا فاسلكوه انه كان لا يؤمن بالله العظيم ولا يحض على طعام المسكين فليس له اليوم هبنا حميم ولا طعام الا من غسلين لا ياكله الا الخاطئون) خطاب قهر خدا رسد بخازنان دوزخ کہ او را بگیریڈ ودر غل و زنجیر کشید و بدوزخ درافکنید آنگاہ بزنجیریکہ طوایش هفتاد ذرع است بآتش در کشید چه او بخدای بزرگ ایمان نیاورده و هرگز فقیر برابر سفرہ طعام خود بمیل و رغبت نخوانده باین سبب امروز هیچ خویش و دوستی کہ بفریادش برسد ندارد و طعامی جز چرک و کثافت دوزخیان نصیبش نیست و نمیخورند آن طعام را جز گناه کاران و اهل دوزخ .

در کافی ذیل آیہ (ثم فی سلسلۃ ذرعا سبعون ذراعا) از حضرت صادق علیه السلام

روایت کردہ فرمود معاویہ صاحب سلسلہ است و اوفرعون این امت می باشد .

ابن بابویہ از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود اگر یک حلقہ از آن

زنجیر را بر تمام کوهها نهند از شدت حرارت آن گداخته شوند .

(فلا اقسم بما تبصرون و مالا تبصرون انه لقول رسول کریم و ما هو بقول شاعر

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ (۴۴) لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ (۴۵)
 ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ (۴۶) فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (۴۷)
 وَإِنَّهُ لَتَذَكَّرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ (۴۸) وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ
 (۴۹) وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ (۵۰) وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ
 (۵۱) فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۵۲)

قلیلا ماتؤمنون ولایقول کاهن قلیلا ما تذکرون تنزیل من رب العالمین (قسم بآنچه
 از آثار حق می بینید و آنچه نمی بینید که این قرآن بحقیقت وحی خدا و از
 تلاوت و حکایت رسول بزرگوار است نه آنکه کلام و گفتار او است و این قرآن
 سخن و گفتار خیالی و موهومی شاعری نیست اگر چه اندکی از مردم هوشیار بآن
 ایمان می آورند و این قرآن سخن و حرف کاهن غیب گوئی باعتقاد شما نیست
 اگر چه اندکی از مردم متذکر حقایق آن میشوند .

در این آیه پروردگار پیغمبر اکرم ﷺ را منزله فرمود از شعر و کهنات
 چه کفار گاهی حضرتش را شاعرو بعضی از اوقات کاهن میگفتند در صورتیکه شعر
 کلام موزون و مقفی باشد و قرآن موزون و مقفی نیست و اندیشه نکردند که هر کس
 این سخنان را از ایشان بشنود تمسخر کند آنها را و کاهن آن باشد که ادعا میکند
 مرا از جن رفیقانی هست که از غیب و غایب خبر میدهند مرا، خداوند در جواب
 ایشان فرمود این قرآن بوحی والقاء جن و شیاطین نیست بلکه از جانب خدای
 جهانیان فرود آمده است آنگاه برای تنبیه کفار و خطای کمان بد آنها که بد پیغمبر
 و قرآن بردند که ممکن است این قرآن از کلام محمد ﷺ و از تلقاء نفس او باشد
 فرمود اگر چنان است که شما میگوئید محمد ﷺ سخنان دروغی بما بسته
 است البته ما او را بقر و انتقام خود میگرفتیم و رگ تنش را جدا میکردیم و هیچ
 يك از شما بر دفاع از او قادر نبودید .

و اگر ٹھسختانی دروغ بما میبست (۴۴) ما او را بقهر و انتقام میگرفتیم (۴۵) و رگ دلش را جدا میکردیم (۴۶) و هیچیک از شما قادر بردفاع از او نبودید (۴۷) این قرآن پند و تذکرست از برای پرهیزکاران (۴۸) و ما میدانیم بعضی از شما آنرا تکذیب میکنند (۴۹) و تکذیبش عاقبت مایه حسرت کافرین است (۵۰) و این قرآن حق و حقیقت خالص است (۵۱) پس تو ای رسول گرامی نام خدای بزرگوار خود را بر این نعمت عظیم بستایش یاد کن (۵۲)

پایان ترجمہ سورہ الحاقہ

در کافی ذیل آیہ: وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کرده فرمود آن مردم گفتند کہ صلی اللہ علیہ وسلم بر خدا دروغ بسته است و پروردگار امر نکرده او را بروایت امیر المؤمنین علیہ السلام خداوند آیہ فوق را نازل نمود و فرمود اگر صلی اللہ علیہ وسلم بر ما سخنان دروغی بسته بود محققاً او را بقهر و انتقام میگرفتیم و رگ تنش را جدا میکردیم و کسی بردفاع از او قادر نبود پس از آن عطف فرمود بر آن آیات ذیل را:

(و انه لتذكرة للمتقين) یعنی ولایت امیر المؤمنین علیہ السلام پند و تذکرست بحقیقت برای پرهیزکاران جهان •

(وانا لنعلم ان منكم مكذبین) و البته ما میدانیم کہ بعضی از شما تکذیب ولایت امیر المؤمنین علیہ السلام را مینمائید •

(وانه لحسرة على الكافرين) و وجود مقدس امیر المؤمنین علیہ السلام مایه حسرت و پشیمانی کفار و تکذیب کنندگان است •

(وانه لحق اليقين) ولایت امیر المؤمنین علیہ السلام و وجود مقدسش برحق و حقیقت و یقین خالص است •

(فسبح باسم ربك العظيم) پس ای رسول گرامی نام خدای بزرگوار را بر این نعمت بزرگ و فضیلتی کہ بتو و علی عطا فرمودہ بستایش یاد کن و سپاسگزار باش
پایان سورہ الحاقہ

سورۃ معارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ (۱) لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ (۲) مِنَ اللَّهِ
ذِي الْمَعَارِجِ (۳) تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ
أَلْفَ سَنَةٍ (۴) فَأَصْبَرَ صَبْرًا جَمِيلًا (۵) إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (۶) وَرَأَيْهُ
قَرِيبًا (۷) يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْهَيْلِ (۸) وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِثْنِ (۹)

سورہ معارج درمکہ نازل شدہ و چہلو و چہار آیہ و دوہست و شانزدہ کلمہ و ہزار و
شصت و یک حرف است خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام
روایت کردہ فرمود ہر کس بسیار سورہ معارج را قرائت کند روز قیامت خداوند
از گناہانش سئوال نکند و اورا در جوار پیغمبر در بہشت قرار میدہد و در خواص
قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس این سورہ را قرائت کند از
مؤمنینی باشد کہ درک نمودہ دعوت حضرت نوح را و اگر محبوس یا معسور آن را
قرائت نماید خداوند فرج در کار او عطا فرماید و حفظ کند او را تا بر گردد بسوی
اہل خود .

و از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس این سورہ را در شب
قرائت کند ایمن باشد از جنایت و احتلام تا صبح خلاصہ مطالب سورہ معارج عبارت
است از بیان اوصاف قیامت و پرسش و جوابا نشدن هیچ خویش و اقربائی از ارحام و
اقرباء . در اثر گرفتاری و شدت قیامت و ہول آن .

نولہ تعالی .

ترجمہ سورہ معارج

بنام خداوند بخشنده مهربان

سائلی از عذاب قیامت کہ وقوعش حتمی است و درخواست نمود (۱) آن عذاب را از کافران نتوانند کسی دفع کند (۲) آن عذاب از طرف خداوند صاحب درجات است (۳) فرشتگان و روح الامین برای گرفتن فرمان بسوی او بالا میروند و روزیکہ اندازہ آن پنجہزار سال است (۴) پس تو ای رسول ما بردبار باش و صبر نیکو در درپیش گیر (۵) این کافران روز قیامت را دور می بینند (۶) و ما نزدیک می بینیم (۷) روزیکہ آسمان چون قلزی گداخته شود (۸) و کوه ها مانند پشم زده متلاشی گردند (۹)

(سئل سائل بعذاب واقع للكافرين ليس له دافع من الله ذي المعارج) سائلی درخواست نمود از عذابیکہ واقع خواهد شد برای کافران و کسی نمی تواند دفع کند آنرا، آن عذاب از قہر خدای صاحب درجات است۔

طبرسی از حسین بن محمد روایت کردہ گفت از سقیان بن عیینہ سؤال نمودم آیہ فوق در بارہ چہ کسی نازل شدہ جواب داد سؤال کردی از چیزی کہ پیش از تو کسی این سؤال را از من ننمود خبر داد مرا حضرت صادق علیہ السلام از پدرانش چون رسول خدا روز غدیر خم دست امیر المؤمنین علیہ السلام را گرفت و بلند کرد در حضور مردم و فرمود ہر کس من مولای او ہستم علی نیز مولای او است و منصوب نمود آنحضرت را با امامت آشکارا و در قبایل عرب منتشر شد حارث بن نعمان فہری حضور پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم آمد عرض کرد ای محمد صلی اللہ علیہ وسلم امر نمودی ما را بگفتن اشہدان لا الہ الا اللہ و ان محمداً رسول اللہ قبول کردیم و گردن نہادیم دیگر امر کردی در پنج وقت نماز بجا آوریم پذیرفتیم امر بزکوۃ و روزہ و حج و سایر واجبات فرمودی اطاعت نمودیم، بتمام اینہا راضی نشدی، تا بازوی پسر عمت علی را گرفتی و بالای منبر بلند کردی و او را با امامت و وصایت منصوب نمودی این کار را از طرف خود انجام دادی یا خدایتعالی تورا بآن امر نمود؟ رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود بآنخدائی کہ

وَلَا يَسْتَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (۱۰) يُبْصِرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ
عَذَابِ يَوْمَئِذٍ بَيْنِيهِ (۱۱) وَصَاحِبَتِيهِ وَأَخِيهِ (۱۲) وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ
(۱۳) وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ (۱۴) كَلَّا إِنَّهَا لَأُظْلَى (۱۵)
نَزَاعَةً لِلشَّوَى (۱۶) تَذْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى (۱۷) وَجَمَعَ فَأَوْعَى (۱۸)
إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (۱۹) إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (۲۰) وَإِذَا مَسَّهُ
الْخَيْرُ مَنُوعًا (۲۱) إِلَّا الْمُصَلِّينَ (۲۲) الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ
(۲۳) وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ (۲۴) لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۲۵)
وَالَّذِينَ يُبْذَرُونَ يَوْمَ الدِّينِ (۲۶)

جز او خدائی نیست من بامر و فرمان پروردگار علی را منصوب نمودم حادثه‌رو
بر گردانید و گفت اللهم ان كان هذا هو الحق فامطر علينا حجارة من السماء او ائتنا
بعذاب الیم پروردگار! اگر آنچه محمد ﷺ میگوید در باره علی از جانب تو و بر
حق است پس از آسمان بر سر ما سنگی ببار یا بعذاب دردناکی گرفتار کن ما را هنوز
براحله خود نرسیده بود که سنگی از آسمان فرود آمد و بر سر او اصابت کرد و
آناً بهلاکت رسید خدای تعالی آیه فوق را نازل نمود -

در کافی ذیل آیه للکافرین لیس له دافع از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
فرمود سو کند بخدا جبرئیل آیه مزبور را بطریق ذیل نازل نموده: للکافرین بولاية
علی لیس له دافع و در صحف حضرت فاطمه همین طور ثابت است و سبب نزول آیه را در
سوره انفال مفصلاً بیان نمودیم *

(تعرج الملائكة والروح اليه في يوم كان مقداره خمسين الف سنة فاصبر صبرا
جميلا انهم يرونه بعيدا ونريه قريبا يوم تكون السماء كالمهل وتكون الجبال كالعهن
ولا يستل حميم حميما) فرشتگان و روح الامین برای گرفتن فرمان بسوی عرش بالا

و کسی از خویش و رحم خود نپرسد (۱۰) و حقیقت حال بآنها نمودار شود
 آنروز گنه کار آرزو کند ایکاش بتواند فرزندان خود را فدا بدهد و از عذاب برهد
 (۱۱) وزن خود و برادرانش (۱۲) و هم خویشاوندان و قبیله اش که همیشه حمایت
 میکردند از او (۱۳) و هر که روی زمین است همراه او فدا شود گرداند تا از عذاب
 نجات یابد (۱۴) چنین نیست که بفدا نجات یابد آتش دوزخ بر او زبانه کشد (۱۵)
 تا سرو صورت و اندامش را بسوزاند (۱۶) دوزخ کسی را میخواند که از خدا روی
 گردانیده و با او مخالفت کرده (۱۷) و مال دنیا را جمع و ذخیره نموده (۱۸)
 انسان طبیعتاً حریص آفریده شده (۱۹) چون زیانی باو رسد بی قراری نماید (۲۰)
 و چون مال و دولتی باو رو کند بخل و رزد و منع احسان نماید (۲۱) مگر نماز گذاران
 (۲۲) همان کسانی که همیشه در نمازند (۲۳) و آنها تیکه در مال خود بهره ای معین
 کرده اند (۲۴) تا بفقران آبرومند محروم رسانند (۲۵) و آنانکه روز قیامت و جزا
 را تصدیق میکنند (۲۶)

روند در روزیکه مقدارش پنجاه هزار سال است از سالهای دنیا و این عروج از زیر
 زمین تا بالای آسمان هفتم باشد برای فرمان امر الهی و آنچه در سوره سجده فرمود
 فی یوم کان مقداره الف سنة مراد بالارفتن فرشتگان باشد از زمین تا آسمان اول
 در صعود و نزول چنانچه بیان آن در سوره سجده گذشت و مقصود آنست اگر
 انسانی بخواهد از اسفل زمین تا فوق آسمان هفتم سیر کند این مسافت را باید در
 پنجاه هزار سال طی نماید و بعضی گفتند مراد از آیه آنست اگر حساب خلایق
 بخواهند در دنیا بکشند یا تفویض کنند آنرا بلشانی پنجاه هزار سال طول بکشد
 چنانچه طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اگر متصدی حساب
 خلایق غیر از خدایه مالی باشد پنجاه هزار سال طول کشد ولی خداوند در مدت یک
 ساعت از حساب خلایق فارغ شود و فرمود روز قیامت بنصف نرسد مگر آنکه اهل
 بهشت در بهشت و اهل جهنم در جهنم قرار بگیرد و بعض دیگر گفتند معنای آیه
 آنست ابتداء نزول فرشتگان بدینا برای رسانیدن اوامر و نواهی و قضای الهی بین

وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ (۲۷) إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ
 (۲۸) وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (۲۹) إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا
 مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ (۳۰) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ
 هُمُ الْمَادُّونَ (۳۱) وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (۳۲) وَالَّذِينَ
 هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ (۳۳) وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۳۴)
 أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ (۳۵) فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ
 (۳۶) عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ (۳۷)

خلاق تا آخر عروج آنها با آسمان که روز قیامت است پنجاه هزار سال خواهد بود
 پس مقدار دنیا پنجاه هزار سال است و معلوم نیست چه مقدار گذشته است و چه مقدار
 باقی مانده . .

در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر گاه
 یکی از شما مردم حاجتی از خدا طلب میکند و میخواهد حاجتش بر آورده شود باید
 بکلی از مردم چشم بپوشد و مأیوس گردد و اسیدواری او بجز خدا نباشد و خداوند از
 دل او آگاه است اگر چنین باشد پروردگار حاجت او را روا کند و فرمود ایم مردم
 حساب نفس خود کنید پیش از آنکه بحساب شما برسند بدانید، از برای قیامت
 پنجاه موقف است هر موقعی هزار سال طول بکشد پس از آن آیه را تلاوت فرمودند . .
 و از ابوسعید خدری روایت کرده که حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم
 چقدر روز حساب طولانی است فرمود بآن خدائیکه جانم در دست قدرت او است آن
 روز برای مؤمن کمتر است از بجا آوردن نماز واجب در دنیا . .

ای رسول ما صبر کن صبر نیکو، و صبر نیکو آنست که بدون جزع باشد این
 کافران روز قیامت را دور میبینند و ما آنرا نزدیک می بینیم برای آنکه هر چه

و کسانی که از عذاب پروردگار خود ترسانند (۲۷) همانا از عذاب پروردگار کسی ایمن نیست (۲۸) و آنهائیکه اندام خود را از شهوت نگاه میدارند (۲۹) مگر بر زنان حلال و کنیزان ملکی خود که در شهوت رانی با آنها هیچ ملامتی برایشان نیست (۳۰) و هر کس جز این جوید ستمکار است (۳۱) و کسانی که امانت و عهد و پیمان را رعایت میکنند (۳۲) و آنهائیکه برای شهادت بحق قیام کنند (۳۳) و آنهائیکه بر نماز محافظت مینمایند (۳۴) این طوایف در باغهای بهشت با عزت و احترام متنعمند (۳۵) ای رسول ما چه سبب شده که کافران بجانب تومیشتابند (۳۶) و از راست و چپ پراکنده میشوند (۳۷)

آمدنی است نزدیک باشد یاد کن روزی که آسمان با آن عظمت از هول چون زر گداخته شود و کوه ها بآن سختی چون پشم زده پراکنده شود نپرسد هیچ خویشی از خویشاوند خود در اثر آنچه بخود مشغول باشد آنروز چون حقیقت حال را بآنها بنمایند کافر بدکار آرزو کند که ایکاش توانستی فرزندان را فدای خود سازد و از عذاب برهد و هم زن و برادرش و خویشان و طایفه ایکه همیشه حمایتش میکردند و هر کس که روی زمین است همه را فدای خود گرداند تا از عذاب آنروز نجات یابد و هر گز بقدا نجات نیابد و آتش دوزخ بر او سخت شعله ور است و سرو صورت و اندامش را تمام بسوزاند هر کس که از ایمان دوری جست و بر گردیده و پشت بر او کرده دوزخ بسوی خود بخواند چه این کافران مال دنیا را جمع کرده و همه را ذخیره نمود و در راه خدا اتفاق نکردند پس از آن وصف آدمی کرد و فرمود انسان را حریص آفریده اند و حرص او بر حرام بیشتر است از حلال و چون باو بدی رسد جزع کند و اگر نیکی برسد بخل ورزد مقصود از شر در این آیه فقر و احتیاج است و مراد از خیر غنا و ثروت است آنگاه خارج کرد از این قبیل مردم نماز گذاران را و فرمود مگر آنهائیکه پیوسته در نماز و طاعت خدا عمر خود را میگذارند -
ابن بابویه در تفسیر آیه الذین هم علی صلوتهم دائمون از حضرت موسی بن جعفر

أَيُّطْعُمُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ (۳۸) كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ
 مِمَّا يَعْلَمُونَ (۳۹) فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ
 (۴۰) عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۴۱) فَذَرْنَاهُمْ
 يَخُوضُوا وَيَتَكَبَّرُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ (۴۲) يَوْمَ
 يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ (۴۳)
 خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ (۴۴)

عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده فرمود منظور از آیه شیعیان ما هستند که در شبانه روز پنجاه رکعت نماز بحال می آورند یعنی واجبات پنجگانه را با نوافل مرتبه آنها ادا میکنند۔

در کافی ذیل آیه والذین فی اموالهم حق معلوم للسائل والمحروم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند از برای فقرا در اموال اغنیاء حق واجب نموده که بواسطه اداء آن ستایش کرده نمیشود و آن حق زکوة است بدادن زکوة خون آنها محفوظ میشود و مسلمان بآنها میگویند و حق معلوم، غیر زکوة است و آن چیز است که شخص بقدر وسع و استطاعت مالش بر خود واجب میکند اگر بخواهد در هر روز و یا در هر جمعه و هفته و یا در هر ماه ادا میکند آنرا۔

سائل کسی است که از مردم طلب و درخواست میکند و محروم آنست که از پیشه و حرفه و کدیمین ممنوع و محروم است و ذیل آیه والذین یصدقون بیوم الدین از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از دین در این آیه روز ظهور و خروج حضرت قائم حجة الله است •

(والذینهم من عذاب ربهم مشفقون ان عذاب ربهم غیر مأمون) و آنانکه از قهر و عذاب خدای خود
 الذینهم علی صلواتهم یعنی مگر مأمون ؟)

آیا طمع دارند که هر مردی از آنها در بهشت پر نعمت داخل شوند (۳۸) چنین نیست ما آفریدیم آنها را از آنچه میدانند (۳۹) چنین نیست سو گند بخدای مشرق و مغرب های جهان که ما توانائیم (۴۰) آنها را هلاک سازیم و بجای ایشان مخلوق بهتری بیافرینیم و کسی در قدرت بر ما پیشی نخواهد یافت (۴۱) پس تو ای رسول آنها را بکفر و گمراهی خود وا گذار که بیازیدند دنیا مشغول شوند تا روزیکه ملاقات کنند آن عذابیکه بآنها وعده داده شده (۴۲) آنروز بشتاب سراز قبرها بر آورده و گویا بسوی بت هائیکه بجای خدا می پرستیدند شتابان روند (۴۳) در حالیکه دبدبه های شان فرورفته و ذلت و خواری آنها را احاطه کرده این همان روزیست که رسولان حق بایشان وعده دادند (۴۴)

پایان ترجمه سوره معارج

میترسند چه از عذاب خدا هیچکس ایمن نیست .
والذینهم لفروجهم حافظون الاعلیٰ ازواجهم او ما ملکتم ایمانهم فانهم غیر ملومین فمن ابتغی وراء ذلك فاولئک هم العادون) آنهائیکه فرجها و اندام خود را از شهوت رانی نگاه میدارند جز بر زنان و کنیزان ملکی خود که حلالست بر ایشان و شهوت رانی با آنها هیچ ملامتی ندارد و هر کس جز این چیزی طلب کند که حلال بر او نباشد متجاوز و ستمکار است و بر خود ظلم کرده و حفظ نفس خود را ناقص نموده - ۱ - در کافی ذیل آیه مزبور از ابی ساره روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام متعه با زنان حلال است ؟ فرمود بلی لکن تزویج نکن مگر زنان عقیقه را و نگذار فرج خود را در محلیکه اطمینان بردارم خود نداری یعنی بازنان متهمه بسرقت و ناموس فروش ازدواج نکن .

(والذینهم لاماناتهم و عهدهم راعون والذین هم بشها داتهم قائمون والذینهم علی صلواتهم یحافظون اولئک فی جنات مکرمون) و مگر آنانکه عهدهای خود و امانت های مردم را رعایت و نگاهدارند و کسانی که برای اداء شهادت بحق قیام کنند و آنهائیکه بر نماز محافظت میکنند تا در اوقاتشان بجا آورند و کسانی که جامع این خصال باشند در باغهای بهشت عزیز و مکرمند .

این بابویه ذیل آیه والذینهم علی صلواتهم بحافظون از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود کسانی که از شیعیان مانماز پنجگانه را در اوقاتشان بجا آورند و عارف بحق نماز باشند و کاری را بر نماز مقدم ندارند در نامه اعمال آنها بیزاری از آتش دوزخ را برای ایشان بنویسند و آنهایی که نماز را بجای میآورند ولی کارهای خود را بر آن مقدم میدارند اگر بخواهد خداوند آنان را بیمارزد و اگر بخواهد نمی آمرزد .

(فما للذین کفروا قبلک مطمین عن الیمین وعن الشمال عزین ایطمع کل امرئ منہم ان یدخل جنة نعیم کلا انا خلقناهم مما یعلمون) سبب نزول آیه آن بود مشرکین و منافقین پیرامون پیغمبر اکرم جمع میشدند و استهزاء باو و اصحاب میکردند و میگفتند اگر چنان است که محمد صلی الله علیه و آله میگوید اینان به بهشت خواهند رفت ما پیش از این مؤمنین به بهشت خواهیم رفت و جای ما بهتر از ایشان باشد پروردگار آیه را نازل نمود و فرمود آیا طمع دارند این منافقین و مشرکین که در بهشت با ناز و نعمت داخل شوند هر گز این نشود چه آنها خود میدانند که ما ایشان را از نطفه و علقه آفریده ایم پس کسی مستوجب بهشت نمیشود بنسب که اصل خلقت یکی است بلکه بطاعت و عمل صالح مستوجب بهشت میشوند .

(فلا قسم برب المشارق والمغرب انا لقادرون علی ان نبذل خیرا منهم ومانجن بمسبوقین) سوگند به پروردگار مشرق و مغرب های عالم که ما قادریم آنها را هلاک سازیم و بجای ایشان خلقی بهتر از آنها بیافرینیم و هر گز کسی در قدرت بر ما پیشی نخواهد یافت .

شرف الدین نجفی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مشارق در این آیه پیغمبران و مغارب اوصیاء آنها میباشند .

(فذرهم یخوضوا ویلعبوا حتی یلاقوا یومهم الذی یوعدون یوم یخرجون من الاحداث سراعا کانهم الی نصب یوفضون خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلک الذلک الیوم الذی کانوا یوعدون) پس از آن برای تهدید میفرماید ای رسول ما رها کن این کفار و منافقین را بازی کنند در دنیا و دل بآن بندند تا ملاقات کنند روزی را که

وعدہ عذاب بآنها داده اند آنروز بشتاب سر از قبرها برآورده و بسوی معبودان باطل و نتیجہ اعمال زشت خود بسرعت بروند در حالیکہ چشمان آنها از هول و ترس قیامت بخواری فرو رفته و ذلت کفر و نافرمانی بر ایشان احاطہ کردہ این همان روزیستکہ رسولان حق بآنها وعدہ دادہ بودند ۔

شرف الدین نجفی ذیل آیہ ذلک الیوم الذی کانوا یوعدون از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود روز موعودہ روز ظهور و خروج حضرت قائم حجت عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف می باشد •

پایان سورہ معارج



مرکز تحقیقات و پژوهش در علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

سورۃ نوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱) قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ (۲) أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا (۳) يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۴)

سورہ نوح در مکہ نازل شدہ و بیست و نہ آیہ و دو بیست و بیست و چہار کلمہ و نہصد و بیست و نہ حرف است . خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمودہ ہر کس سورہ نوح را قرائت کند در نماز ہای واجب خود خداوند در بہشت دو بیست حور العین باو تزویج نماید و ہر کس شب و روز مداومت کند بر قرائت این سورہ نمیرد تا آنکہ جایگاہ خود را در بہشت مشاہدہ کند و ہر کس آن را قرائت کند و در خاتمہ قرائت حاجات خود را از خداوند طلب نماید بر آوردہ شود و ہر کس ایمان بخدا دارد تلاوت این سورہ را رها نکند و او از کسانسی باشد کہ درک نمودہ دعوت نوح را .

خلاصہ مطالب این سورہ در بحث نوح و تبلیغ اوست و تکذیب کردن و ایمان نیاوردن مردم بہ آن حضرت و ہلاک و غرق شدن آنها است .

قوله تعالى (انا ارسلنا نوحا الى قومه ان انذر قومك من قبل ان ياتيهم عذاب اليم قال يا قوم اني لكم نذير مبين ان اعبدوا الله واتقوه و اطيعون يغفر لكم من ذنوبكم و يؤخركم الى اجل مسمى ان اجل الله اذا جاء لا يؤخر لو كنتم تعلمون)

ترجمہ سورہ نوح

بنام خداوند بخشنده مهربان

ما نوح را بسوی قومش فرستادیم تا آنها را بترساند پیش از آنکه برایشان عذاب دردناک فرا رسد (۱) نوح گفت ای قوم من شما را با بیانی روشن از عذاب خدا میترسانم (۲) خدا را بیکنائی بپرستید و پرهیز کار شوید و مرا فرمان برید (۳) تا خدا از گناهان شما درگذرد و عمرتان راتا مدت معین بتأخیر اندازد و عذاب الہی چون وقتش فرا رسد مؤخر نشود اگر بدانید (۴)

لکم من ذنوبکم و یؤخرکم الی اجل مسمی ان اجل الله اذا جاء لایؤخر لو کنتم تعلمون) ما نوح را برسالت بسوی قومش فرستادیم و گفتیم کہ آنها را پندو اندرز بدهد و بترساند پیش از آنکہ عذاب دردناکی بایشان برسد نوح بسوی آنها رفت و گفت ای امت ، من شمارا با بیانی روشن از عذاب قہر خدا میترسانم خدا را بیکنائی بپرستید و از معاصی او اجتناب کنید و فرمان من بپرید (چہ فرمان پیغمبر فرمان خدا است) تا خدا شما را بیمارزد و عمرتان راتا وقت معین و طبیعی بتأخیر اندازد و اجل الہی چون وقتش رسد تأخیر در آن نباشد اگر بدانید . و این آیہ دلیل است بر ثابت بودن دو اجل یکی ادنی و دیگری اقصی و اقصی مشروط است بایمان و تقوی و عبادت خداوند چون ایمان نیاوردند و تقوی را پیشہ خود نساختند باجل اقصی نرسیدند و باجل اول ہلاک و غرق شدند (قال رب انی دعوت قومی لیلا و نهارا فلم یزدہم دعائی الا فرارا و انی کلما دعوتہم لتغفرلہم جعلوا اصابعہم فی اذانہم و استغشوا ثیابہم و اصروا و استکبروا استکبارا ثم انی دعوتہم جہارا ثم انی اعلنت لہم و اسررت لہم اسراراً فقلت استغفروا ربکم انہ کان عفارا) نوح گفت : پروردگارا من آنچه قوم را شب و روز دعوت میکنم دعوت من جز بر فرار و دوری آنها نمی افزاید و ہر چہ آنان را بمغفرت و آمرزش تو خواندم انگشت ہا در گوش نہادند و جامہ بر خسار کشیدند و بر کفر اصرار و لجاجت کردند و سخت راہ تکبر و نخوت پیمودند باز ہم ایشان را بعدای بلند

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (۵) فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا
 فِرَارًا (۶) وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ
 وَاسْتَفْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا وَاسْتَكْبَارًا (۷) ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ
 جِهَارًا (۸) ثُمَّ أَنِّي أَغْلَتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (۹) فَقُلْتُ
 اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا (۱۰) يُزِيلُ السَّمَاءَ عَنْكُمْ مِذْرَارًا (۱۱)
 وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا
 (۱۲) مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا (۱۳) وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (۱۴)

دعوت کردم اجابت نکردند آنگاه آشکارا دعوت نمودم و در خلوت و پنهان بهر
 وجه که ممکن بود دعوت کردم و گفتم ای مردم بدرگاه خدای خود توبه کنید و
 آمرزش طلبید که او بسیار خدای آمرزنده است.

در کافی از سعید بن یسار روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام
 عرض کردم از برای من فرزند متولد نمیشود فرمود هر شب صد مرتبه استغفار کن
 و اگر فراموش کردی در روز بگو چه خداوند میفرماید :

(و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا)
 استغفار کنید تا خداوند شما را بمال بسیار و پسران متعدد کمک فرماید و باغهای
 خرم و نهر های جاری بشما عطا کند وابرش کلبی نیز شکایت کرد از بی فرزندی
 بحضرت باقر علیه السلام آنحضرت هم همین دستور را باو داد :

(ما لکم لا ترجون وقارا و قد خلقکم اطوارا) نوح بامت خود گفت چرا
 شما خدا را بزرگی و عظمت یاد نمیکنید و حال آنکه خداوند شما را از نطفه ای
 بانواع خلقت و اطوار گونا گون بیافرید نطفه را علقه و مضغه و عظام و لحم
 مبدل کرد آنگاه روح در او دمید طفل و کودک و جوان و پیر خرف گردانید.

نوح گفت پرورد گارا من شب و روز ، قوم را دعوت میکنم (۵) جز بر فرار و دوری نیفزود آنها را (۶) و هر چه آنان را خواندم تا پیامرزی ایشان را انگشتهای خود را بر گوشها نهادند و جامه برخسار کشیدند و بر کفر و سرکشی اصرار کردند و راه کبر و نخوت پیمودند (۷) باز هم آنها را به آواز بلند خواندم (۸) پس از آن آشکارا و در خلوت دعوت نمودم (۹) و گفتم از خدای خود طلب آمرزش کنید او آمرزنده است (۱۰) میفرستد بر شما از آسمان ابر بسیار بارنده (۱۱) و شما را بمال و فرزندانی کمک کند و نهر ها جاری نماید برای شما (۱۲) چرا شما مردم خدا را بیزرگی یاد نمیکنید و باو امیدوار نیستید (۱۳) همانا خدا شمارا از نطفه گوناگون آفرید (۱۴)

الم تروا کیف خلق الله سبع سموات طباقا و جعل القمر فیهن نورا و جعل الشمس سراجا و الله انبئکم من الارض نباتا ثم یعیدکم فیہا و یخرجکم اخراجا و الله جعل لکم الارض بساطا لتسلکوا منها سبلا فجاجا) آیا نمی بینید که خداوند چگونه هفت آسمان را بطبقاتی بسیار منظم و محکم آفرید و ماه را در آن نور دهنده و خورشید را چراغی فروزان ساخت و خدا شما را مانند نباتات مختلف از زمین برویانید پس از آن بار دیگر بزمین بازگرداند آنگاه شما را از خاک برانگیزد و بیرون آورد و خداوند زمین را برای شما بستر بگسترانید تا در آن راههای مختلف برای تحصیل معاش و معاد به پیمائید .

(قال نوح رب انهم عصونی و اتبعوا من لم یزده ماله و ولدہ الا خسارا و مکروا مکرا کبارا و قالوا لا تذرن آلہتکم ولا تذرن ودا و لا سواعا ولا یفوث و یعوقو نسرا) نوح گفت پرورد گارا این قوم مخالفت کردند با من و پیروی کسانی شدند از ارباب دنیا که مال و فرزندان آنها را جز زیان کاری نیفزاید و بر ضد من بزرگترین مکر و حیلہ را بکار بردند .

مکر بزرگ آن بود که مردم دست فرزندان خود را می گرفتند و آنها را نزد نوح میبردند و میگفتند بفرزندان خود این مرد پس از مکر ما شما را فریب

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا (۱۵) وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا (۱۶) وَاللَّهُ أَنْتَبَسُكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا (۱۷) ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَ يُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا (۱۸) وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا (۱۹) لَتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا (۲۰) قَالَ نُوحُ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا (۲۱) وَ مَكَرُوا مَكْرًا كَبِيرًا (۲۲) وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا (۲۳)

نہدہ فرمان او را نبرید کہ جادو گر و دیوانہ است سخنی نمیگوید کہ در آن خیر و صلاح باشد رؤسای امت نوح باتباع خود گفتند ہرگز دست از خدایان خود بر ندارید وبت ود - و سواع و یغوث و یعوق و نسر را رها نکنید ۔

ابن بابویہ ذیل آیہ فوق از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود پیش از نوح طائفہای از مؤمنین بودند کہ بسیار عبادت بجا میآوردند وفات کردند برادران ایشان سخت بر آنها اندوہناک شدند شیطان نزد ایشان آمد گفت محزون نشوید من تمثال آنها را برای شما میسازم تا انس بآن صورتها پیدا کنید چند بت بصورت آنها ساخت و نام آن مؤمنین را بر آن بتها گذاشت مردم بہ آن صورتها انس پیدا کردند و مشغول عبادت پروردگار شدند چون زمستان شد آن صورتها را داخل خانہ کردند قرنی گذشت و آن مردم وفات نمودند شیطان نزد فرزندان آنها آمد بایشان گفت اینان خدایانی هستند کہ پدران شما آنها را پرستش مینمودند آنها آن صورتها را پرستش کردند و گمراہ شدند و ابتداء بت پرستی از آن زمان شد خدای تعالی نوح را فرستاد تا آنها را بخدا پرستی دعوت کند

آیا ندیدید چگونه خداوند هفت آسمان را بطبقاتی منظم آفرید (۱۵) و در آن آسمانها ماه شب را فروغی تابان و خورشید روز را چراغی فروزان ساخت (۱۶) و خدا شما را مانند نباتات از زمین رویانید (۱۷) سپس باز میگرداند شما را در آن زمین و بار دیگر از زمین برانگیزد (۱۸) و خدا زمین را برای شما چون بستر بگسترانید (۱۹) تا در آن راههای مختلف برای تحصیل معاش و معاد به پیمائید (۲۰) نوح گفت پروردگارا این قوم مرا نافرمانی کردند و پیروی نمودند از کسیکه مال و فرزند او جز بزیانش نیفزود (۲۱) و مکر و حيله بزرگ بکار بردند (۲۲) و گفتند هرگز خدایان خود را رها نکنید و دست از پرستش بتهای ود - وسواع - یغوث - و یعوق و نسر باز ندارید (۲۳)

نوح هر چه ایشان را دعوت نمود نپذیرفتند لذا از خداوند هلاک آنها را خواست.

چون طوفان شد بتهای در زیر خاک و کل پنهان شدند شیطان آنها را برای مشرکین عرب بیرون آورد حضرت باقر علیه السلام فرمود:

ود بت طایفه کلاب و سواع بت قبیله هذیل و یغوث بت طایفه مراد و یعوق بت قبیله حمدان و نسر بت طایفه حسین بود.

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود فریش بتهای خود را اطراف خانه کعبه گذاشته بودند یغوث مخازی در خانه و یعوق طرف راست و نسر طرف چپ قرار داشت آنها را بمشک و عنبر خوشبو میکردند و اطراف آن بتهای طواف مینمودند و میگفتند اللهم لبیک لبیک لا شریک لک الا شریک لک الا شریک هو لک تملک و مالک خداوند زبورهای سبزی فرستاد تا آن مشک و عنبر بتهای را بخورند و آیه ذیل را نازل کرد.

(یا ایها الناس ضرب مثل فاستمعوا له ان الذین تدعون من دون الله لن یخلقوا ذبابا ولو اجتمعوا له و ان یسلبهم الذباب شیئا لا یتنقذوه منه ضعف الطالب و المطلوب) سوره حج آیه ۲۳ ای مردم مشرک باین مثل که زده شده برای شما

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَالًّا (۲۴) مِمَّا خَطَبْنَا بِهِمْ
 اُغْرِقُوا فَأَدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا (۲۵) وَقَالَ
 نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا (۲۶) إِنَّكَ إِنِ
 تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (۲۷) رَبِّ اغْفِرْ
 لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ
 الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا (۲۸)

گوش فرا دارید آن بتها که بدون خدا میخوانید هرگز بر خلقت مگسی هر
 چند همه اجتماع کنند قادر نیستند و اگر مگس نا توان چیزی از آنها بگیرد قدرت
 بر باز گرفتن آنها ندارند طالب و مطلوب که عبارت از عابد و معبود است هر دو
 نا توانند.

(و قد اضلوا كثيرا ولا تزد الظالمين الا ضالا) و آنها بسیاری از خلق را
 گمراه کردند یعنی در اثر پرستش بت بسیاری گمراه شدند و نسبت دادن گمراهی
 به بتها با آنکه جماعند برای آنست که سبب گمراهی، بتها بودند نظیر آیه ربهم
 اضلل كثيرا من الناس آنگاه نوح بر آنقوم نفرین کرد و گفت پروردگارا
 ستمکاران را میفزا جز هلاکت و آنها از زیادی کفر و معصیت عاقبت در دریا
 غرق شدند و به آتش دوزخ در افتادند و جز خدا هیچ یار و یاروی نیافتند.

(و قال نوح رب لا تذر على الارض من الكافرين ديارا انك ان تذرهم يضلوا
 عبادك ولا يلدوا الا فاجرا كفارا) نوح گفت پروردگارا رها مکن بر روی زمین
 از کافران کسی را یعنی هیچکس را باقی نگذار چه اگر باقی گذاری بندگان با
 ایمان را گمراه میکنند و فرزندی هم جز بد کار کافر نزنند و جمله اخیر خبر
 دادن از غیب است چه خدای تعالی خبر داد نوح را که ایمان نیاورند هرگز قومت.

آنها بسیاری از خلق را گمراه کردند نوح گفت پرورد گارا جز بگمراهی ستمکاران چیزی نیفرزا (۲۴) آنقوم از زیادی گناہانشان غرق شدند و باتش دوزخ در افتادند و جز خدا برای خود هیچ یار و یاور نیافتند (۲۵) نوح گفت پرورد گارا تو در روی زمین هیچکس از این کافرین را باقی مگذار (۲۶) اگر از آنها باقی بگذاری بند گانت را گمراه کنند و جز بد کار و کافر فرزندی نزنند (۲۷) آنگاه نوح گفت پرورد گارا من و پدر و مادرم و هر کس داخل خانه من شود با ایمان و مردان و زنان و مؤمنین و مؤمنات را ببخش و بیمارز و ستمکاران را جز برہلاک و عذابشان میفرزای (۲۸)

پایان سورہ نوح

علی بن ابراہیم ذیل آیہ فوق از صالح بن میثم روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیہ السلام عرض کردند نوح از کجا دانست کہ آن مردم جز فاجر و کافر فرزند نزنند فرمود مگر نشنیدی قول خداوند را کہ میفرماید از برای نوح لن یؤمن قومک الا من قد آمن .

(رب اغفر لی و لوالدی و لمن دخل بیتی مؤمننا و للمؤمنین و المؤمنات و لا تزدد الظالمین الا تبارا) پس از آن نوح برای خود و پدر و مادر و مؤمنین دعای خیر نمود و گفت پرورد گارا من و پدر و مادرم را و هر کس کہ در خانه من آید و مؤمن باشد و مردان و زنان با ایمان را بیمارز و ببخش و ستمکاران را جز بر ہلاک و عذابشان میفرزای .

در کافی ذیل آیہ فوق از حضرت صادق علیہ السلام روایت کرده فرمود مقصود از بیت در اینجا ولایت است و هر کس داخل در ولایت شد در خانه پیغمبران وارد شدہ است و مراد از مؤمنین امیر المؤمنین علیہ السلام و مؤمنات حضرت فاطمہ علیہا السلام است و قصد نموده از ظالمین در آیہ آخر ستمکاران آل محمد علیہم السلام را و کسانی کہ بر اہل بیت ظلم و ستم نموده و حقوق آن بزرگواران را غصب کردند .

پایان سورہ نوح

سورة الجن

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا (۱)
يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا (۲) وَأَنَّهُ تَعَالَى
جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا (۳) وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ
شَطَطًا (۴) وَأَنَا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا (۵)

سورہ جن در مکہ نازل شدہ و بیست و ہشت آیہ و دو و سست و ہشتاد و پنج کلمہ و ہشتصد و ہفتاد حرف است •
خواص و ثواب تلاوت آن ، ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس بسیار سورہ جن را تلاوت کند از اذیت و آزار اجنہ و سحر جادو گران محفوظ بماند و در امان باشد و در مکانیکہ جنیان ہستند اگر این سورہ را قرائت کند از آنجا بروند و پراکنده شوند و اگر بخواند آن را و وارد بر پادشاہ بشود از شر آن در امان باشد و اگر محبوس این سورہ را قرائت کند خداوند آسان کند براو بیرون آمدن از حبس را و اگر در حال تنگی معیشت قرائت کند آن را پروردگار فرج و گشایش باو عطا فرماید و در خواص قرائت آن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس این سورہ را قرائت کند خداوند بتمداد جنیانی کہ بہ رسول خدا ایمان آوردہ اند اجر و ثواب باو مرحمت فرماید .

خلاصہ مطالب سورہ جن عبارت است از داستان ایمان آوردن اجنہ در اثر گوش فرا دادن بقرآن و قدرت پروردگار بر سود و زیان رسانیدن بر بندگان و کیفر گناہکاران و جز خداوند کسی بر قیام قیامت آگاہ نیست و غیر از خداو

ترجمہ سورہ جن

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایر سول ما بگو وحی شد بسوی من کہ چند نفر از جنیان شنیدند آیات قرآن را پس گفتند کہ ما شنیدیم قرآنی شکفت آور (۱) این قرآن دلائل میکند بسوی رشد و صلاح پس ما بآن ایمان آورده و هرگز کسی را شریک و انباز با پروردگار خود قرار ندهیم (۲) همانا بلند مرتبہ است پروردگار ما و هرگز ہمدم و فرزندی نگرفته است (۳) والبتہ بیخردان ما بخدا دروغ بستند (۴) و ما چنین گمان میکردیم کہ هرگز آدمی و جن بر خدا دروغ نگویند (۵)

برگزیدگان او کسی دانای بعیب نیست .

قوله تعالى (قل اوحى الى انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا يهدى الى الرشدا فآمنا به ولن نشرك بربنا احدا وانه تعالى جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا وانه كان يقول سفيها على الله شططا) ایر سول ما بمردم بگو مرا وحی رسید کہ طایفہای از جنیان بآیات قرآن هنگام قرائت من گوش دادند و پس از شنیدن گفتند ما قرآن عجیبی می شنویم این قرآن خلاق را براه خیر و صلاح ہدایت و رہبری میکند بدین سبب ما بآن ایمان آورده و از این پس هرگز برای خدای خود شریک و انباز نخواہیم گرفت. همانا بزرگوار و بلند مرتبہ و عظیم الشان است پروردگار ما و هرگز ہمسر و جفت و فرزندی نگرفته است سفيهان و بیخردان ما بخدا دروغ بستہ اند کہ نسبت فرزندی باو داده اند .

این آیه دلیل است بر آنکہ پیغمبر اکرم ﷺ مبعوث شدہ بر جن و انس و دیگر آنکہ جنیان دارای عقل و شعور هستند و مورد خطاب پروردگار واقع میشوند و آنها بلغات عرب عارف هستند و تمیز میدہند معجزہ را از غیر آن و قوم خود را با اسلام دعوت کردند و خبر دادند آنها را باعجاز قرآن و آنکہ قرآن کلام پروردگار است چہ آنکہ کلام و گفتار بندگان سبب تعجب نمیشود و تعجب قرآن برای آنستکہ از حد عادت از حیث تالیف و فصاحت خارج است و مباین است از

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنسِ يُعْذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (۶)
وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا (۷) وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ
فَوَجَدْنَاَهَا مُمْلِئَةً حَرًى شَدِيدًا وَشُهَبًا (۸) وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ
لِلْمَسْمُوعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا (۹) وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ
أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا (۱۰) وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ
وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا (۱۱) وَأَنَا ظَنْنَا أَن لَّنْ نُهْزِ اللَّهَ
فِي الْأَرْضِ وَلَن نُّعْزِزَهُ هَرَبًا (۱۲)

جہت لفظ و معنی و نظام با کلام مظلوم و کسی توانائی ندارد کہ آیہ و سورہ ای
مانند قرآن بیاورد و متضمن داستان گذشتہ و آیندہ است و جاری نمودہ آن را
خدایتعالی بردست کسیکہ درس ندخواندہ و تحصیل دانش و آموزش نمودہ و درمیان
مردم جزیرہ العرب کہ ابدا بہرہ ای از علم و دانش نداشتند نشأ و نما کردہ لذا بزرگی
شمرند او را و تعجب کردند از بیان قرآن ہنگامیکہ شنیدند .

طبری از ابن عباس روایت کردہ کہ پیغمبر اکرم ﷺ در ابتداء امر
جنیان را ندید تا قرآن را بر آنها قرائت کند آنحضرت با جمعی از اصحاب بسوی
بازار عکاظ تشریف بردند و چون مانع شدند از بالا رفتن جنیان و شیاطین بآسمان
باز گشتند بسوی قوم خود بآنها گفتند ممنوع شدہ ایم از رفتن بآسمان و باتیر شہاب
مارا راندند گفتند بیکدیگر متفرق شویم در اقطار عالم تا بہ بینیم چہ حادثہ ای
پیش آمدہ کہ در اثر آن ما را نمیگذارند بآسمان برویم آنها پراکنده شدند در
روی زمین جمعی از ایشان آمدند بطرف تہامہ تا رسیدند زیر درختی کہ در
حوالی سوق عکاظ بود مشاہدہ کردند پیغمبر اکرم ﷺ با اصحاب مشغول نماز
صبح است و در نماز تلاوت قرآن مینمایند گوش فرا دادند بقرآن و شنیدند آیاتی

ہمانا مردانی از نوع بشر بمردانی از جن پناه میبردند پس آنها را افزودہ سرکشی (۶) و جنیان مانند شما آدمیان می پنداشتند کہ ہرگز برنہنگیزد در قیامت خدا کسی را (۷) و جنیان گفتند ما دریافتیم کہ آسمان پر شدہ از نگہبانان و توانا و تیر شہاب آتشبار (۸) و ما پیش از نزول قرآن در کمین می نشستیم برای شنیدن سخنان آسمانی اینکہ ہر کس بخواہد گوش بدهد تیر شہاب آتشبار در کمینگاہ او است (۹) و ما نمیدانیم کہ آیا بدی خواستہ شدہ برای آنهاست کہ در زمین ہستند یا آنکہ پروردگار ارادہ فرمودہ ایشان را براہ خیر رستگار فرماید (۱۰) ہمانا بعضی از ما صالح و شایستہ اند و بعضی دیگر ناشایستہ و ما طوایف مختلف و متفرق ہستیم (۱۱) و ما چنین پنداشتیم کہ ہرگز خدا را در زمین عاجز نکنیم و نتوانیم براو غالب شویم و از محیط اقتدارش بیرون رفتہ و فرار کنیم (۱۲)

چند از قرآن را پس از آن رفتند و بقوم خود خبر دادند و گفتند مبعوث شدن محمد ﷺ سبب شدہ کہ ما را نہ میگذارند با آسمان بالا رویم و آنها نہ تفر بودند از طایفہ جنیان نصیبین و شیبیان کہ بزرگترین طایفہ جنیان ہستند ۔ در تہذیب از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود دو چیز است ہر گاہ شخصی آنها را در نماز بخواند نمازش فاسد می شود یکی گفتن تبارک اسمک و تعالی جدک و لا الہ غیرک این سخن گفتار جنیان است و ندانستند کہ بخداوند جندتوان گفت و پروردگار در این آیہ حکایت قول جنیان را نمودہ و دیگر گفتن السلام علینا و علی عباد اللہ الصالحین است یعنی در تشہد اکتفاء بآن کند و السلام علیک ایہا النبی را نگوید ۔

(و اما ظننا ان لن نقول الانس و الجن علی اللہ کذبا و انه کان رجال من الانس یعوذون برجال من الجن فزادوهم رهقا) و ما چنین گمان کردیم کہ هیچ جن و انسی بر خدا دروغ نگوید لذا بقول آنها اعتماد کردیم اکنون دانستیم خلاف آن است کہ ایشان گفتند خدای را زن و فرزند است خداوند منزہ است از آنکہ برای او فرزند و ہمسری باشد و مردانی بودند از انسیان کہ بمردانی از جنیان پناه میبردند پس افزود آنها را سرکشی ۔

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا (۱۳) وَأَنَّا مِمَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِمَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا (۱۴) وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا (۱۵) وَأَن لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَّاءً غَدَقًا (۱۶) لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسُدِّكُمُ عَذَابًا صَعَدًا (۱۷) وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا (۱۸) وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا (۱۹) قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا (۲۰)

علی بن ابراہیم ذیل آیہ فوق از زرارہ روایت کرده کہ معنای آیہ را از حضرت باقر علیہ السلام سؤل نمودم فرمود پیش از ولادت پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم مردم نزد اشخاص کاهن میرفتند و باو میگفتند شیطان و جنی کہ رفیق تو است بگو فلانی پناه برده بتو و جنیان وارد میشدند بر کہنہ و خبر میدادند آنها را باخبار آسمان و آنچه شنیده بودند از فرشتگان و کہنہ آن اخبار را بمردم میگفتند چون پیغمبر متولد شد جنیان از رفتن بسوی آسمان منع شدند و آنها را راه ندادند و نگذاشتند اخبار آسمان را کشف کنند و بکہنہ برسانند و ایشان بمردم بگویند لذا بعد از ولادت پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم کاهن از بین رفت ۔

طبرسی از مجاہد روایت کرده گفت چون یکی از عربہا هنگام مسافرت در بیابان خوفناکی میرسید میگفت پناه میبرم بہ بزرگی این بیابان از شرسفیان چون این سخن را میگفت یقین پیدا میکرد کہ او در امن و جوار آن بزرگی است و اول کسیکہ پناه برد بجنیان طایفہای از اهل یمن و بنو حنیفہ بودند پس از آن سرایت کرد یسایر عرب

(وَانْهَمُ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ اَنْ لَّنْ يَبْعَثَ اللّٰهُ اَحَدًا) و آنها ہم مانند شما آدمیان

و ما چون شنیدیم قرآن را ایمان آوردیم بآن و هر که بخدای خود ایمان آورد دیگر نرسد از نقصان خیر و ثواب و ازرنج و عذاب (۱۳) و ازما بعضی مسلمان و بی آزار و بعضی دیگر کافر و ستمکارند و کسانی که اسلام آورده و تسلیم امر پیغمبر ﷺ شدند براه رشد و ثواب شتافتند (۱۴) و کسانی که ستمکارند هیزم آتش دوزخند (۱۵) و اگر بر طریقه ایمان پایدار بمانند بنوشانیم آنها را آب گوارا و بسیار (۱۶) تا بآن نعمت آنها را بیازمائیم و هر کس از یاد پروردگار خود رو بگرداند بعذاب و شکنجه سخت در آورد اورا (۱۷) مساجد و محل سجدگان مخصوص خدا است پس نباید با خدا کسی را بخوانید (۱۸) و چون بنده خاص خدا برای آنکه اورا بخواند قیام نمود نزدیک بود کفار بر او حمله کنند (۱۹) ایرسول بخلق بگویند خدای خود را بیگانهگی میپرستیم و هرگز کسی را با او شریک قرار نمیدهم (۲۰)

گمان کردند که خدایتعالی از مردگان در قیامت کسی را زنده نخواهد کرد یعنی چنانکه در میان شما کافرانی هستند که اعتقاد بمعاد و حشر و نشر ندارند و در میان ما جنیان نیز وجود دارد

(و انا لمسنا السماء فوجدناها ملئت حرسا شديدا و شهابا وانا كنا نقعد منها مقاعد للسمع فمن يستمع الان يجد له شهابا رصدا وانا لاندرى اشر اريد بمن فى الارض ام اراد بهم ربهم رشدا) جنیان گفتند ما خواستیم باسمان بالا رویم یافتیم آنرا که مملو بود از فرشتگان نگهبانان قوی و تیر شهاب آتشبار و پیش از این در کمین شنیدن سخنان آسمانی می نشستیم اکنون چون می خواهیم سخنان فرشتگان را بشنویم شهاب و ستاره ای از آتش ما را منع کند و غرض جنیان از شنیدن سخنان فرشتگان آن بود که بمردم بگویند ما علم غیب میدانیم و آنها را در اشتباه اندازند چون خبری میشنیدند آن را بمردم می گفتند آنها هم گمان میکردند جنیان علم غیب میدانند -

و ما هنوز نمیدانیم که آیا خدای تعالی برای اهل زمین چه می خواهد شرو بلا و نکبت و بیماری و تنگدستی یا صلاح و رشد و تندرستی و توانگری -
علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از ابن بکیر روایت کرده گفت شنیدم حضرت

قُلْ إِنِّي لَا أُمِلِّكَ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا (۲۱) قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا (۲۲) إِلَّا بَلَاغًا وَرِسَالَاتٍ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ ثَأْرَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا (۲۳) حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعُفٌ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا (۲۴) قُلْ إِنْ أَذْرِي أَقْرَبُ مَا تُوْعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا (۲۵) عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا (۲۶) إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (۲۷) لِيَعْلَمَ أَنْ قَدَأْتَابُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَخْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (۲۸)

بافر علیه السلام قرائت نمود آیه را و فرمود سو کنید بخدا پروردگار اراده شر نمود برای مردم هنگامیکه آنها بیعت کردند با معاویه ملعون و رها کردند حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را

(و انا منا الصالحون و منادون ذلك كنا طرائق قدا) و در میان ما مانند ^{انسان} بعضی صالح و نیکوکار و بعضی دیگر فروتر باشند در صلاح ما و بر هواهای مختلف و فرقه های متشتت هستیم بعضی مؤمنین و طایفه ای کافر و منافق بعضی مسلمان و جمعی یهود و ترسا و ما یقین داریم که هرگز خدا را عاجز نتوانیم کرد و از حکومت و اقتدار او نمیتوانیم گریخت و فرار نمود

(و انا لما سمعنا الهدی امنابه فمن یؤمن بر به فلا یخاف بخسا ولا رهقا) و ما چون آیات قرآن گوش دادیم هدایت یافته و ایمان آورده ایم و هر که بخدای خود ایمان آورد دیگر از نقصان خیر و ثواب و از رنج و عذاب بر خود نترسد. در کافی ذیل آیه مزبور از محمد بن فضل روایت کرده که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام معنای آیه را سؤال نمود فرمود هدایت ولایت امیر المؤمنین علیه السلام

و بگو من نمیتوانم بشما خیر و شری برسانم و مالک آنها نیستم (۲۱) و بگو هرگز کسی مرا از قهر خدا در پناه خود نتواند گرفت و بجز او پناہگاهی نخواهم یافت (۲۲) تنها محل امن و پناه من رسانیدن احکام و پیغام خدا است و هر که نافرمانی خدا و رسولش کند آتش دوزخ که همیشه جاوید در آن بماند برای او آماده شده (۲۳) تا روزیکه عذاب موعود خود را بچشم ببینند، پس بزودی بدانید کیست که یارانش ناتوان تر و سپاهش کمتر است (۲۴) ایرسول بگو نمیدانم عذاب موعود شما نزدیک است یا خدا مدت بسیاری برای آن قرار داده است (۲۵) دانای غیب خدا است و کسی را بر علم غیب خود آگاه نکرده (۲۶) مگر آنکس را که از رسولان برگزید، است و بر محافظت او از پیش رو و پشت سر نگهبانی میفرستد (۲۷) تا بدانند که آن رسولان پیغامهای پرورده گار خود را بخلق رسانیدند و خدا با آنچه نزد رسولانست احاطه کامل دارد و بشماره هر چیز دانا است (۲۸)

پایان ترجمه سورۃ جن

است آنها ایمان آوردند بولایت مولای ما و هر کس ایمان آورد بولایت ما آل محمد ﷺ از عذاب و خسران نمیترسد فضیل می گوید: بآنحضرت عرض کردم این معنا که فرمودید تنزیل آیه است فرمود خیر تاویل آیه میباشد عرض کردم حضورش معنای آیه لا املک لکم ضرا ولا رشدا چیست؟ فرمود پیغمبر اکرم ﷺ مردم را دعوت نمود بسوی ولایت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب ﷺ قریش اجتماع کردند حضورش و گفتند ای محمد ﷺ ما را معاف بدار از ولایت علی بن ابیطالب ﷺ فرمود بامر خداست بمن ربطی ندارد آنحضرت را متهم کردند و از حضورش بیرون رفتند و اتهام ایشان آن بود که گفتند محمد ﷺ بر خدا دروغ بسته است درباره ولایت علی بن ابیطالب ﷺ خداوند آیه ذیل را نازل فرمود (قل انی لن یجیرنی من الله احد ولن اجد من دونه ملتجدا الا بلاغا من الله ورسالاته ومن یعص الله ورسوله فان له نار جهنم خالدین فیها ابدا) - آیه ۲۲ - ۲۳ همین سوره است، یعنی بگو ایرسول ما مرا چه کسی از قهر خدا میتواند در پناه بگیرد و بغیر او هیچ گریز گاهی هرگز نخواهم یافت تنها محل امن و پناه من رسانیدن احکام و اوامر خدا است و هر کس نافرمانی خدا و رسولش

را کند البته کیفر او آتش دوزخ است و در آنجا جاوید خواهد بود .

(و انا انما المسلمون و من القاسطون فمن اسلم فاولئك تحروا رشدا و اما القاسطون فكانوا لجهنم حطباً) و از ماجنیان بعضی مسلمانند و بعضی دیگر کافر و ستمکارند هر که اسلام آورد به راه رشد و ثواب شتافته است اما ستمکاران هیزم دوزخ خواهند بود .

(و ان لو استقاموا على الطريقة لاسقيناهم ماء غدقا لنفتنهم فيه و من يعرض عن ذكر ربه بسلكه عذابا بعدا) و اگر بر طریق حق ثابت و برقرار ماندند بجای آتش بآنها آب خوشگوار و بسیار بنوشانیم و تخصیص داد آب را از بین سایر نعمتها برای مناسبت و مطابق بودن با آتش که در آیه پیش گذشت و دیگر هر جا آب باشد درخت و نباتات هم می باشد و آنجا مال بسیار و عیش خوش باشد تا امتحان کند ایشان را در آن مال و نعمت و هر که از ذکر خدا اعراض کند خدایتعالی او را به عذابی بسیار سخت معذب گرداند .

در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود طریقه در این آیه ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه بعد از آن حضرت میباشد اگر این مردم با استقامت و پایدار باشند بر ولایت ما ائمه خداوند بیاشامد دلهای آنها را از ایمان . طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود معنای آیه آنست اگر این مردم بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه بعد از آن حضرت باقی و برقرار بمانند خداوند بآنها علم و دانش بسیاری نصیب گرداند و آنها را از ائمه معصومین یاد گیرند و خداوند ایشان را آزمایش فرمود بوجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندان گرامش .

(و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا) سبب نزول آیه آن بود که جنیان حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردند ما چگونه حاضر شویم بنماز در مسجد عقب شما راه ما دور است آیه فوق نازل شد و فرمود تمام بقعه های زمین مختص خدا است شما نباید با خدای یکتا کسی دیگر را پرستش کنید - پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود - خداوند زمین را برای من مسجد قرار داده و خاکش را طهور ساخته تا هر کجا

برسم خود و امت من نماز کنیم و هر جا آب نیافتیم بخاک تیمم نمائیم و ماحدیثی از حضرت جواد علیه السلام در جواب سؤال معتصم عباسی در بخش دوم تفسیر ذیل آیه السارق والسارقہ بیان نمودیم که فرمود آنحضرت مقصود از مساجد اعضاء هفت گانه است جبهه و کف دو دست و دو زانو و دو انگشت پاها که در موقع سجده باید در زمین قرار بگیرد . .

در کافی از حماد روایت کرده که روزی حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود ای حماد آیا نماز نیکو میتوانی بجا آوری عرض کردم کتاب حریز را در نماز حفظ نمودم فرمود با کی نیست بر تو ای حماد بلند شو نماز بخوان حماد میگوید در حضور آنحضرت نماز بجا آوردم فرمود ای حماد نماز نیکو نیست چه قدر قبیح است برای مردی مانند شما که شصت یا هفتاد سال از عمرش بگذرد و نتواند نماز را با حدود و شرایط آن بجا آورد حماد میگوید خجل و شرم منده شدم و عرض کردم فدایت گردم مرا یاد بدهید آنحضرت ایستاد مقابل قبله و دستهای مبارک را در حالتیکه انگشتانش منظم بود بیکدیگر قرار داد بدو طرف خود و فاصله میان قدمهایش پیش از سه انگشت باز نبود و تمام بدن مبارکش مستقیماً مقابل قبله قرار گرفت و با حالت خشوع و خضوع فرمود الله اکبر پس از آن حمد و قل هو الله را با ترتیل قرائت نمود بعد بمقدار نفس کشیدن صبر کرد آنگاه دستها را محاذی صورت بلند کرد و الله اکبر گفت پس از آن بر کوع رفت زانوهای حمد را بعقب برد و کفهای دست را در حالتیکه انگشتانش باز بود روی زانو قرار داد و گردن را کشید بطوری پشت خود را مستوی کرد که اگر قطره آبی ریخته میشد همانجا قرار میگرفت و زایل نمیشد سه مرتبه گفت با ترتیل سبحان ربی العظیم و بحمد پس از آن بلند شد و گفت سمع الله لمن حمده بعد دستها را برای تکبیر محاذی صورت بلند کرد آنوقت بسجده رفت و کفهای دست را در حالیکه انگشتان مبارکش منظم بود بزمین گذاشت محاذی صورت سه مرتبه گفت سبحان ربی الاعلی و بحمد و بسجده نمود بر هشت موضع جبهه و دو کف دست و دوسر زانو و دو انگشت ابهام پا و سر بینی و فرمود سجده نمودن بر هفت موضع واجب است چنانچه فرمود خدا یتعالی و ان المساجد لله فلا تدعوا

مع الله احدا و نهادن بینی بر زمین مستحب است و بجز هشت موضع چیزی از بدن مبارکش در حال سجده بر زمین قرار نگرفت سراز سجده برداشت پس از آنکه قرار گرفت بر زمین در حال جلوس فرمود الله اکبر و نشست بطرف ران چپ بطوریکه ظاهر قدم راست بر باطن قدم چپ قرار گرفت و گفت استغفر الله ربی و اتوب الیه تکبیر دیگر گفت در حال جلوس و سجده دوم رفت مانند اول ذکر سجود را گفت و چیزی از ذراعین خود را بر زمین قرار نداد باین طریق دو رکعت نماز بجا آورد چون از نماز فارغ شد فرمود ای حماد باین کیفیت نماز بجا آور -

و از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از مساجد ائمه و اوصیاء یکی بعد از دیگری میباشد و نباید بجز آنها کسی دیگر را امام و وصی دانست اگر کسی غیر از ائمه را امام بداند مثل آنست که برای خدا شریک قائل شده *

(وانه لما قام عبدالله يدعو كادوا يكونون عليه لبدا) و چون بنده خاص خدا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله قیام کرد تا مردم را بسوی خدا دعوت کند نزدیک بود قریش بر او حمله کنند و نور او را خاموش کنند و چون حضرتش مسلمانان را بسوی ولایت امیر المؤمنین علیه السلام دعوت مینمود منافقین خواستند او را از بین ببرند *

(قل انما ادعو ربی ولا اشرك به احدا قل انی لا املك لكم ضرا ولا رشدا قل انی لن یجیر نى من الله احد ولن اجد من دونه ملتحدا الا بلا غم من الله ورسالاته و من یعص الله ورسوله فان له نار جهنم خالدين فیها ابدا) در کافی ذیل آیه فوق از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود پس از آنکه قریش به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله گفتند ای محمد ما را معاف بدار از ولایت علی علیه السلام فرمود من میرسانم بسوی شما آنچه را خداوند در باره ولایت علی علیه السلام بمن امر فرموده و هر کس نافرمانی خدا و مرا کند در باره ولایت علی علیه السلام در آتش دوزخ جاوید بماند و فرمود علی علیه السلام قسمت کننده بهشت و دوزخ است. بدوزخ میگوید این شخص از برای تو و آن دیگر برای من. منافقین عرض کردند چه زمان علی قسم بهشت و دوزخ است و این وعده چه وقت خواهد بود آیه ذیل نازل شد و فرمود ای رسول ما را که آنها را روزیکه عذاب موعود خود را بچشم مشاهده کنند آن زمان میدانند که تو و آنها کدام یک یارانش ناتوان تر

و سپاهش کمتر است .

امیر المؤمنین علیه السلام هم بعمر فرمود ای پسر سها! اگر عهد خدا و رسولش و کتاب پروردگار نبود که باید من مظلوم باشم همانا میدانستی کدام یک از ما ناتوان و یارانش کمتر است .

و چون رسول خدا بمنافقین خبر داد حوادثیکه در زمان رجعت واقع میشود آنها گفتند رجعت چه وقت خواهد بود خداوند آیه ذیل را نازل نمود (قل ان ادری اقرب ما توعدون ام يجعل له ربی امدا عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احدا الا من ارتضى من رسول فانه یسلک من بین یدیه و من خلفه رسدا) فرمود ای رسول ما در جواب آنها بگو ندانم آنچه شمارا وعده میدهند از خبر رجعت و قیامت و عذاب نزدیک است یا خدای تعالی آن را مدت بسیاری قرار داده است، از دانای غیب است و کسی را بر غیب خود آگاه نکند مگر آن را که او بر گزیند به پیغمبری و بر محافظت او فرشتگان را از پیش رو و پشت سر میفرستد .

در کافی ذیل آیه مزبور از حمران بن اعین روایت کرده که معنای آیه را از حضرت باقر علیه السلام سؤال نمودم فرمود بخدا قسم محمد از کسانی است که بر گزیده او را و راضی است که غیب خود را باو اطلاع دهد و خداوند دانا است بآنچیزیکه غایب است از نظر خلایق پیش از آفرینش آنها و پیش از آنکه حکم و امر بفرماید بفرشتگان . ای حمران نزد خدا علمی است که موقوف است بر مشیت حکم میفرماید در آنچه اراده کند و گاهی بدا حاصل میشود . حکم و امضا نمیکند اما آنچه را مقدر فرموده خدای عزوجل و حکم و امضا فرموده علم و دانش آن را بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله عطا فرموده و آنحضرت بما ائمه تعلیم نموده و نزد ما موجود است .

و در حدیث دیگر فرمود امیر المؤمنین علیه السلام پسندیده خدا و رسول است و از طرف خداوند در قلب او علم و دانش بیشمار است و از پیش رو و عقب سر فرشتگان و نگهبانانی است که تعلیم میکنند بعلی علم را و الهام میگردد از خداوند و رصد تعلیم نمودن از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است تعلیم میدهد خدا و رسولش علی علیه السلام را بعلوم اولین و آخرین و آنچه واقع شده و خواهد شد از اخبار قائم علیه السلام و

رجعت و قیامت .

(لیعلم ان قد ابلغوا رسالات ربهم واحاط بما لدیهم و احصى کل شیئی عددا)
تا بدانند که رسولان خدا پیغام و رسالت پروردگار را بخلق رسانیدند و در آن هیچ
خلل نکردند و خدای تعالی محیط و عالم است بآنچه نزد رسولانست و بشماره هر
چیز که در عالم است بخوبی آگاهست .

فرمود آنحضرت امیر المؤمنین علیه السلام احاطه دارد بعلم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله
و خداوند بآنحضرت عطا فرموده دانش هرچیزیکه از زمان آدم بوده و تا قیامت
خواهد بود از قلمه ای که در عالم ایجاد میشود. زلزله باشد یا گرفتن ماه و خورشید
و یا هلاکت امتهای گذشته و آینده و عدد پیشوایان عادل و ظالم تمام آنها را با اسم
و رسم و نسب میشناسد. و آنچه میمیرند یا کشته میشوند و چه تعداد پیشوایانی
هستند که خوار و ذلیل میشوند زیر دست مردم و کسی آنها را یاری نمیکند

پایان سوره جن

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

سورة المزمل
مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ (۱) قُمْ الْيَلَّ إِلَّا قَلِيلًا (۲) نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا (۳)
 أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (۴) إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (۵)
 إِنَّ نَاشِئَةَ الْيَلِّ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَاقُومٌ قِيلًا (۶) إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْعًا
 طَوِيلًا (۷) وَإِذْ كُنَّا نَمُوتُ رَبُّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا (۸)

سوره مزمل درمکه نازل شده و بیست آیه و دو یست و هشتاد و پنج کلمه و هشتصد و سی و هشت حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره مزمل را قرائت کند در نماز عشاء یا در آخر شب و روز آن سوره شاهد او باشد و خداوند باو زندگانی نیکو و پاکیزه ای عطا فرماید و بمیرد در حالت نیکویی -

در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند مانند کسی است که بندگان بسیاری در راه خدا آزاد کرده و خداوند عسرت را در دنیا از او برطرف گرداند و هر کس مداومت کند بر قرائت آن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را در خواب مشاهده کند و حاجات خود را از او بخواهد خداوند حاجات خیر او را برآورده نماید و هر کس در شب جمعه صد مرتبه این سوره را قرائت کند خداوند صد گناه او را بپارزد و صد حسنه در نامه عملش بنویسند.

خلاصه مطالب سوره مزمل عبارت است از امر نمودن پیغمبر بقیام از برای نماز شب و صبر و بردباری و تحمل کردن در مقابل اذیت و آزار مشرکین و تکذیب کنندگان، و تهدید کفار و تأکید حجت بر اهل مکه و تهدید آنها و تخفیف و بر

ترجمہ سورہ مزمل

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایر سولیکہ بر خود جامہ پیچیدہ ای (۱) شب را برخیز مگر اندکی (۲) نیمہ شب را یا کم کن اندکی از آن (۳) یا چیزی بر نیمہ آن بین او شمرده تلاوت کن قرآن را با توجہ کامل (۴) ما کلام بسیار سنگین را بر تو القاء میکنیم (۵) همانا برخاستن شب بہترین صدق گفتار و قویترین اخلاص است (۶) تورا دوز روشن در طلب روزی فرصت وسیعی است (۷) و دایم یاد کن نام پروردگارت را و از غیر او علاقه خود را منقطع کن و باو پرداز (۸)

داشتن وجوب نماز شب از پیغمبر اکرم ﷺ و اصحابش

قوله تعالى (يا ايها المزمل قم الليل الا قليلا نصفه او انقص منه قليلا اورد عليه ورتل القرآن ترتيلا انا سنلقى عليك قولاً ثقیلاً ان ناشئة الليل هي اشد وطاء واقوم قليلا ان لك في النهار سبحا طويلا وادكر اسم ربك وتبتل اليه تبتيلا) پروردگار ندا میکند رسول اکرم ﷺ را در حالتیکہ بر آن حال بود در ابتداء وحی و این سورہ در شب فروہ آمد برای نماز شب. ایکسیکہ در جامہ خود پیچیدہ و خفته ای برخیز شب را برای نماز مگر اندکی را کہ نصف یا کمتر از آن باشد کہ با استراحت پرداز یا چیزی بر نصف بیفزای یعنی مخیری اگر میخواهی نصف شب برخیز و اگر میل داری بر نصف بیفزای یا از نصف چیزی کم کن و آیات قرآن را باتانی و توجہ کاملاً قرائت کن یعنی مانند شعر آن را تلاوت نکن. بطوری قرائت کن کہ دلہای قساوت دار آن را بشنوند.

در تہذیب ذیل آیہ فرق از محمد بن مسلم روایت کردہ گفت معنای آیہ را از حضرت باقر علیہ السلام سؤال نمود فرمود خداوند امر کردہ بہ پیغمبرش کہ تمام شبہا بنماز مشغول باشد مگر آن شبہائی کہ بیمار و یا عذر داشتہ باشد ما بر تو سخن گرانی القاء میکنیم سخن گران وحی قرآن و احکام و فرایض حدود و ایستادن در شبہا برای نماز شب بہترین شاہد اخلاص قلب و دعوی بر صدق ایمانست چہ بر

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا (۹) وَاصْبِرْ عَلَى
 مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا (۱۰) وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ
 وَمَسْهُلَهُمْ قَلِيلًا (۱۱) إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا (۱۲) وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ
 وَعَذَابًا أَلِيمًا (۱۳) يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا
 مَهِيلًا (۱۴) إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
 رَسُولًا (۱۵) فَاصْبِرْ فَإِنَّ الرُّسُلَ فَآخِذْنَاهُ أَخَذًا وَبَيِّنًا (۱۶) فَكَيْفَ
 تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا (۱۷) السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ
 كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا (۱۸)

خاستن دردل شب از فراش استراحت سخت و گران است ۔

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مقصود آنست
 که شخص از فراش خود بر خیزد و اراده کند بآن قیام بخدارا نه غیر او را۔ تو را
 روز روشن در طلب روزی وقت کافی و فرصت وسیعی است و دایم در شب و روز یاد
 خدا کن و بکلی از غیر او علاقه ببر و دنیا را رها کن و بخدا پرداز و توجه کامل
 باو پیدا نما ۔

(رب المشرق و المغرب لا اله الا هو فاتخذہ وکیلا و اصبر علی ما یقولون و
 اهجرهم هجرا جمیلا) همان خدای مشرق و مغرب جهان که جز او هیچ خدائی نیست، او
 را بر خود وکیل و نگهبان قرار ده و در تمام کارها بر او توکل کن و بر آنچه این
 کافران میگویند از طعن و یاوه گوئی و تکذیب کردن تو صبر و شکبیا باش و
 بطرز نیکوئی از آنها دوری نما ۔

(و ذرنی و المکذبین اولى النعمة و مهلهم قلیلا ان لدینا انکالا و جحیما و

همان پروردگار مشرق و مغرب کہ جز او عداوتی نیست پس اورا و کیلیدو نگهبان خود قرار بده (۹) و شکبیا باش بر گفتار تکذیب کنندگان و بطرز نیکو از آنها دوری کن (۱۰) و کار تکذیب کنندگان مغرور در نعمت و مال را بمن واکذار و اندکی بآنها مهلت ده (۱۱) نزد ما غل و زنجیر آتش سخت برای کافران مهیا است (۱۲) و طعامیکه از فرط اندوه کلو گیر است و عذاب دردناک برای آنها آماده است (۱۳) آنروزیکه زمین و کوهها بلرزه درآید و تل ریگی شود و چون موج روان گردد (۱۴) ما بسوی شما رسولی فرستادیم تا گواه باشد بر شما چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم (۱۵) پس فرعون نافرمانی رسول کرد ما هم او را بقر و انتقام سخت بگرفتیم (۱۶) پس اگر کافر شوید چگونه از عذاب پرہیز میکنید روزیکہ کودک از ترس آن پیر میشود (۱۷) و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده ثواب و عقاب خدا وقوع یابد (۱۸)

طعاما ذاغصۃ و عذابا الیما یوم ترجف الارض و الجبال و کانت الجبال کشیبامہیلا) ایرسول بمن رها کن این کافران را کہ تو را تکذیب میکنند چون صاحب مالند آنها مغرور بنعمت و مال خود شدند مهلت ده ایشان را اندکی از روز گارچه آنها بزودی بشمشیر تو کشته شوند و باتش من سوخته گردند و این آیه برای تهدید و وعید کفار و منافقین است ۔

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود معنای آیه آنست: ای محمد صلی اللہ علیہ وسلم صبر کن بر آنچه در باره شما میگویند و رها کن کفار را و واکذار مرا با کسانی کہ تکذیب میکنند امیر المؤمنین وصی تو را۔ محمد بن فضل میگوید سؤال نمودم از آنحضرت این معنی تنزیل آیه است؟ فرمود بلی و این حدیث را ابن شهر آشوب نیز روایت کرده۔ پس از آن تهدید دیگری میکند و میفرماید نزد ما غل و زنجیر عذاب و آتش دوزخ برای کیفر کافران آماده است و غل زنجیر دوزخیان برای آن نیست تا ایشان نگرینند بلکه عادت اهل زندان است و نوعی دیگر از عذاب باشد و طعامی باشد از برای دوزخیان

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (۱۹) إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنُصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۲۰)

کہ از فرط غصہ و اندوہ گلو کیر آنها میشود و عذاب دردناک برای ایشان آماده است ۔

یہ کروڑا میرا مومنین دندانش درد گرفت و از آن متالم شد گفت پرورد گارا شما کہ در بارہ استخوان این ہمہ درد و رنج میتوانی بیافرینی پس ما را آیہ ان لدینا انکالا وجہیما چہ احتیاج است آن روز کہ زمین و کوهها بلرزہ در آید و کوهها مانند تلریگی شود و چون موج روان گردد ۔

(انا ارسلنا الیکم رسولا شاهدا علیکم کما ارسلنا الی فرعون رسولا ، فعمی فرعون الرسول فاخذناه اخذا و بیلا) ما بسوی شما پیغمبری فرستادیم تا گواہ باشد بر اعمال شما چنانکہ بر فرعونیان ہم پیغمبری فرستادیم پس فرعون عاصی شد و نافرمانی کرد از پیغمبر خود ما ہم او را بقہر و انتقام سخت بگرفتیم ۔

(فکیف تتقون ان کفرتم یوما یجعل الولدان شیبا ، السماء منفطر بہ کان وعدہ مفعولا ، ان ہذہ تذکرۃ فممن شاء اتخذ الی ربہ سبیلا) پس اگر امروز بخدا کافر شوید چگونہ پرهیز کنید از عذاب روزیکہ کودک از ترس آنروز پیر شود

این است یاد آوری تا هر که بخواهد راهی بسوی خدا پیش گیرد (۱۹)
 خدا بحال نو آگاهست که تو و جمعی که با تو هستند نزدیک دوثلث یا نصف
 یا ثلث شب را همیشه بر میخیزی برای طاعت و خدا گردش روز و شب را
 مقدر میکند و او میداند که شما هرگز تمام شب را ضبط نخواهید کرد پس در
 گذشت از شما و تلاوت کنید قرآن را آنچه میسر میشود خدا میداند که بزودی
 بعضی از شما مریض و ناتوان میشوید و بعضی در سفر برای تجارت از فضل و کرم
 خدا روزی میطلبید و بعضی در راه خدا بجهاد مشغولید پس آنچه توانید تلاوت کنید
 قرآن را و نماز بپا دارید و زکوة بدهید و برای خدا بمحتاجان قرض نیکو دهید
 و هر چه برای آخرت خود پیش فرستید پاداش آنرا نزد خدا بیابید و آن پاداش
 بسی بهتر و بزرگتر است و دایم از خدا طلب آمرزش کنید همانا خداوند آمرزنده
 و مهربانست (۲۰)

پایان ترجمه سورة مزمل

و آسمان از وحشت آنروز شکافته و از هم بپاشد و وعده ثواب و عقاب خدا بوقوع
 انجامد این آیات قرآن برای تذکر و یاد آوری فرستاده شده تا هر که بخواهد
 راهی بسوی خدای خود پیش گیرد یعنی اگر اطاعت کند بنوایی که خدا وعده داده
 برسد و اگر اطاعت نکند بسوء اختیار او باشد

(ان ربك يعلم انك تقوم ادنى من ثلثي الليل و نصفه و ثلثه و طائفة من
 الذين معك و الله يقدر الليل و النهار علم ان لن تحصوه قتاب عليكم فافروا ما تيسر
 من القرآن علم ان سيكون منكم مرضى و آخرون يضربون فى الارض يبتغون من
 فضل الله و آخرون يقاتلون فى سبيل الله فافروا ما تيسر منه و اقيموا الصلوة و آتوا
 الزكوة و اقربوا الله قرضا حسنا و ما تقدموا لانفسكم من خير تجدوه عند الله هو خيرا
 و اعظم اجرا و استغفروا الله ان الله غفور رحيم) ایرسول ما خدای تو میداند که
 تو بر میخیزی کمتر از دوثلث شب را یا نصف و ثلث آنرا و همچنین کسانی که با
 تواند و خدا اندازه و مقدر میکند شب و روز را و میداند که شما هرگز تمام ساعات
 شب را نتوانید شمرده و ضبط کرد یعنی طاقت ندارید تمام شب را زنده دار باشید و

عبادت مشغول شوید لذا از شما در گذشت و عذر شما را پذیرفت پس بخوانید از قرآن آنچه میسر میشود برای شما آنگاه بیان میکند که این تخفیف برای آن است که میدانند بعضی از شما مریض و ناتوان و بعضی در سفر برای کسب و تجارت از فضل و کرم خدا روزی میطلبید و بعضی در راه خدا بجهاد میروید پس در هر حال بخوانید از قرآن آنچه میسر شود و نماز بپا دارید و زکوة مال بدهید و برای خدا بمحتاجان قرض نیکو دهید و بدانید که هر چه بیش از خود بفرستید از عمل خیر و نیکو و صدقه پاداش آنرا نزد خدا بیابید و آن اجر و ثواب آخرت بهر و بزرگتر است از آنچه داده اید و از خدا آمرزش طلبید که او آمرزند، و مهربانست .

شیبانی در کتاب نهج البیان از حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمودند سبب نزول آیه آن بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اصحاب او تمام شب را بعبادت مشغول بودند بطوریکه قدمهای آنها از بسیاری بپا ایستادن ورم کرده و دشوار بود بر آنها این آیه برای تخفیف عبادت ایشان در شب نازل شد چنانکه فرمود علم ان لن تحصوه یعنی طاقت ندارید .

طبرسی ذیل جمله : و آخرون یضربون فی الارض از ابن مسعود روایت کرده گفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود هر مردی متاعی از شهری بشهر دیگر از شهرهای مسلمانان ببرد و بفرخ روز بفروشد ثواب او نزد خدا ثواب شهیدان باشد و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده ذیل جمله ما تیسر منه فرمود مراد خشوع دل و صفای باطن است و فرمود قرض در این آیه غیر از دادن خمس و زکوة است .

طبرسی ذیل جمله و طائفة من الذین معک از ابن عباس روایت کرده گفت مقصود از طایفه در اینجا امیر المؤمنین علیه السلام و ابوذر غفاری است .

پایان سوره مزمل

سورة المائدة

مركز تحقیقات کمپیوٹر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ (۱) قُمْ فَأَنْذِرْ (۲) وَرَبُّكَ فَكَبِّرْ (۳) وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ
(۴) وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ (۵) وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ (۶) وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ (۷)
فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ (۸) فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ (۹) عَلَى الْكَافِرِينَ
غَيْرُ يَسِيرٍ (۱۰) ذُرِّي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا (۱۱) وَجَعَلْتُ لَهُ
مَالًا مَمْدُودًا (۱۲)

سورہ مدثر پنجاہ و شش آیہ ہو ویست و پنجاہ و پنج کلمہ و ہزارودہ حرف است ۔
خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویہ از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود
ہر کس سورہ مدثر را قرائت کند در نمازهای واجب بر خدا است کہ اورا در جوار
پیغمبر اکرم ﷺ قرار بدهد و در دنیا شقاوتی باو نرسد و در خواص قرآن از پیغمبر
اکرم ﷺ روایت کردہ فرمود ہر کہ این سورہ را قرائت کند عطا فرماید خداوند
باو از اجر بتعداد کسانی کہ محمد ﷺ را تصدیق کردہ اند و ہر کس مداومت نماید
بر قرائت آن پاداش بزرگی برای او خواہد بود و ہر کس بعد از ختم ہر سورہ
ای از قرآن از خداوند طلب نماید حفظ آن سورہ را نمی میرد تا آن سورہ را حفظ
بنماید و از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس مداومت نماید بر قرائت
سورہ مدثر و از خداوند درخواست کند حفظ آن سورہ را یا حاجتی بطلبد خداوند
حاجت اورا بر آورد ۔

خلاصہ مطالب سورہ موثر عبارت است از امر نمودن پیغمبر اکرم ﷺ را
بہ تبلیغ رسالت و ترسانیدن مردم از عذاب خدا و تطہیر و صفای باطن و تہدید کفار

ترجمہ سورہ مدثر

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایر سولیکہ لباس بخود پیچیدہ ای (۱) بر خیز و خلق را بترسان (۲) و پروردگار خود را به بزرگی یاد کن (۳) و لباس خود را پا کیزه بدار (۴) و از گناه و پلیدی دور شو (۵) و احسان مکن بکسی تا بیش از آن عوض بستانی (۶) و برای پروردگار صبر و بردباری پیش گیر (۷) و چون درصور بدعند (۸) آنروز روز بسیار سختی است (۹) برای کافران هیچ راحت و آسانی نیست (۱۰) ایرسول بمن وا گذار آنکسیکه اورا تنها آفریدم (۱۱) و باو مال و ثروت فراوان دادم (۱۲)

و مشرکین و سوگند پروردگار بر وقوع کیفر کفار و بزرگ وسخت بودن عقوبت آنها و آنکه هر نفسی در گرو اعمالی است که بجا آورده است .
قوله تعالی .

(یا ایها المدثر قم فانذر وربک فکبر وثیابک فطهر) طبری از جابر روایت کرده گفت از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم شنیدم فرمود در کوه حراء بودم مرا ندا کردند از چپ و راست و پیش و عقب نگاه کردم کسی را ندیدم نگاهی بطرف آسمان نمودم فرشته ای میان آسمان و زمین مشاهد کردم ابهت آن فرشته مرا گرفت متوحش شدم بمنزل خدیجه رفتم باو گفتم جامه بر من افکند و مرا بیوشاند جامه بر من افکند بحالت خواب رفتم ناگاه جبرئیل بر من نازل شدو آیات فوق را آورد و گفت ایجامه بخود پوشیده بر خیز و قوم را بترسان و آنها را بسوی خدا بخوان و پروردگارت را به بزرگی یاد کن دانستم که وحی از جانب خدایتعالی است بمن رسیده چه شیطان هیچ وقت این گونه سخن نمی گوید .

در کافی ذیل آیه وثیابک فطهر از سلمة بیاع القلان روایت کرده گمت حضور حضرت باقر علیه السلام بودم حضرت صادق علیه السلام وارد شد و باو فرمود ای فرزندم برو لباس را تطهیر کن ما گمان کردیم لباس آنحضرت آلوده شد، به چیزی رفت و لباس خود را کوتاه نمود و باز گشت ما حضورش عرض کردیم فدایت شویم لباس او چه بود فرمود

وَبَيْنَ شُهُودًا (۱۳) وَمَهْدَتْ لَهُ تَمِيْدًا (۱۴) ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ (۱۵)
 كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا (۱۶) سَأَرْهَقُهُ صُعُودًا (۱۷) إِنَّهُ فَكَّرَ وَ
 قَدَّرَ (۱۸) فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۱۹) ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ (۲۰) ثُمَّ
 نَظَرَ (۲۱) ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ (۲۲) ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ (۲۳) فَقَالَ إِنْ
 هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَىٰ (۲۴) إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ (۲۵) سَأُصْلِيهِ سَقَرَ
 (۲۶) وَمَا أَذْرِيكَ مَا سَقَرُ (۲۷) لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ (۲۸) لَوَاحَةٌ
 لِلْبَشَرِ (۲۹) عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ (۳۰)

بلند بود امر کردم کوتاه کند آن را و آیه را قرائت نمود و فرمود خداوند میفرماید
 لباسستان را کوتاه کنید تا بزمین کشیده نشود و تطهیر او کوتاه کردن است و از
 محمد بن مسلم روایت کرده که حضرت صادق (علیه السلام) نظر کرد بشخصی که لباسش
 بزمین مالیده میشد باو فرمود این لباس پاکیزه نیست آن را کوتاه کن -
 امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود ای مردم لباسهای خودتان را بشوئید و از چرک و
 کثافات پاکیزه کنید که پاکیزگی لباس هم و غم را بر طرف می کند -
 (والرجز فاهجر ولا تعنن تستکثر ولربك فاصبر) و از ناپاکی و پلیدی دوری
 بجو و بر هر که احسان کنی منت مگذار و عوض نخواه و برای خدا صبر کن بر آزار
 و ایذاء و رنجها که تو را می دهند -

(فاذا نقر في النافور فذلك يومئذ يوم عسير على الكافرين غير يسير) چون در
 صور دهند آنروز بسیار روز سختی است برای کافران هیچگونه در آنروز آسایش و
 راحتی نیست بعضی از صحابه قرآن می خواندند چون باین آیه رسیدند چند بار
 تکرار کرده و نعره ای می زدند و جان دادند -
 شیخ مفید در اختصاص ذیل آیه فاذا نقر في النافور از مفضل بن عمر روایت

و پسران حاضر بخدمت نصیب او کردم (۱۳) و اقتدار و تمکن و عزت دادم (۱۴) پس طمع دارد آنکہ زیاد کنم آنها را (۱۵) هرگز بر نعمتش نیفزایم چه او با آیات ما ستیزه و دشمنی میکرد (۱۶) بزودی او را با آتش دوزخ در افکنیم (۱۷) او فکر و اندیشه بد میکرد (۱۸) پس کشته شود چگونه اندیشه و تقدیر نمود (۱۹) باز هم کشته شود چگونه فکر خطائی کرد (۲۰) آنگاه اندیشه کرد (۲۱) و روی ترش کرد و چہرہ درہم کشید (۲۲) پس از آن روی گردانید و سرکشی کرد (۲۳) و گفت این قرآن بجز سحر کہ آموخته شود چیز دیگری نیست (۲۴) نیست این قرآن مگر گفتار بشر (۲۵) بزودی این کافر تکذیب کننده را با آتش دوزخ در افکنیم (۲۶) و چہ میدانی کہہ چیست دوزخ (۲۷) شرازہ آن دوزخ باقی نگذارد و باز ندارد کسی را (۲۸) آن آتش بر آدمیان رونماید (۲۹) بر آن آتش نوزده فرشتہ موکلند (۳۰)

کرده گفت از حضرت صادق علیہ السلام معنای آیہ را سوال نمود فرمود امامی از ما ائمہ از نظر مردم غایب و پنهان میشود هر وقت خداوند ارادہ فرماید آن امام ظاہر گردد بقلب مبارکش الہام شود و قیام نماید .

و از جابر بن یزید جعفری روایت کردہ کہ حضرت باقر علیہ السلام فرمود ناگوار صدائی است کہ از آسمان شنیدہ می شود . منادی ندا کند ای مردم آگاہ باشید کہ ولی شما حجة بن الحسن عسکری روحی و روح العالمین علیہ السلام الفداء قیام بحق میکند و منادی جبرئیل امین است سہ ساعت پیش از ظہور آنحضرت ندا کند و آنروز برای کفار و منافقین بسیار سخت است همانہائی کہ بنعمت خداوند ولایت امیر المؤمنین کافر شدند .

(ذرنی ومن خلقت وحیداً) این آیات در حق ولید بن مغیرہ نازل شدہ ، داستان آن بدین قرار است ، ولید یکی از رؤسای عرب و پیرمرد ثروتمند و باتجربہ ای بود قریش نزد او رفتند و گفتند ای عبد شمس این کلمات چیست کہ عزیز اللہ علیہ می خواند شعر است یا خطبہ و یا کہانہ بآنها جواب داد مرا وا گذارید تا سخنان عزیز اللہ علیہ را بشنوم

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ
كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَتَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا
يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ
وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي
مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ
(۳۱) كَلَّا وَالْقَمَرِ (۳۲) وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ (۳۳) وَالصُّبْحِ إِذَا أُنْفَرَ
(۳۴) إِنَّهَا لَا إِلَهَ إِلَّا الْكَبِيرُ (۳۵) نَذِيرًا لِلْبَشَرِ (۳۶)

ود بارہ آن حکم نمایم حضور پیغمبر اکرم رفت عرض کرد برای من مقداری
از اشعار خود بخوان آنحضرت فرمود کلام پروردگار است این سخنان نہ شعر
خوشنود می کند فرشتگان و پیغمبران و مؤمنین را .

ولید گفت مقداری از آنها برای من تلاوت فرمائید آنحضرت سورہ حم سجدہ
را برای ولید قرائت نمود چون بآیہ فان اعرضوا فقل اندر تکم صاعقہ مثل صاعقہ
عاد و ثمود رسید ولید از ہیبت آیہ لرزید و موهای بدنش از جابلندشد بمنزل خود
رفت و اعتنائی بقریش ننمود آنها نزد ابوجہل رفتند و گفتند ای اباحکم عبد شمس
بدین محمد ﷺ میل کرده مگر نمی بینی بسوی ما باز نکشت ابوجہل بمنزل ولید
رفت باو گفت ما را مفتضح و رسوا کردی دشمنان بما شہادت می کنند و می گویند
ولید بدین محمد ﷺ میل کرده ولید گفت چنین نیست بدین او مایل نشدم ولی کلماتی
از او شنیدم کہ بدنم را بلرزہ در آورد ابوجہل سؤال کرد آن کلمات خطبہ است یا
شعر؟ ولید جواب داد خطبہ نیست چہ خطبہ کلام متصل است و بعضی از آن شباهت ندارد
ببعض دیگر و شعر ہم نیست من تمام اقسام شعرهای عرب را از بسیط و کشیدہ و رمل

و ماخازنان دوزخ را غیر فرشتگان عذاب قرار ندادیم. و عدد آنها را جز برای آزمایش و محنت کفار نگردانیدم و تا آنکه اهل کتاب یقین کنند البتہ بوحی خدا است و بر یقین مؤمنان بیفزاید و دیگر دلدل اهل کتاب و دومیین هیچ شکی نماند و تا آنہائی کہ دلہایشان مریض است و کافران بگویند خدا از این مثل چہ خواستہ و منظورش چہ بودہ همچنین خدا بحالت گمراہی و امیدگذازد ہر کرا بخوابد و دوزہبری میکند کسی را کہ مشیتش تعلق بگیرد و کسی نمیداند سپاہ پرورد گارت را مگر او نیست این آیات مگر پند و تذکری برای بشر (۳۱) چنین نیست سو گند بہماہ تابان (۳۲) و قسم بشب تار چون باز گردد (۳۳) و سو گند بصبح چون روشن شود (۳۴) ہمہ انہا آن دوزخ یکی از بزرگترین بلاہا است (۳۵) بیم کنندہ ہر آدمی است (۳۶)

ورجز شنیدہ ام هیچ یک از آنها نیست ابو جہل گفت پس چیست ولید پاسخ داد مرا وا گذارید تا در بارہ آن فکر کنم روز دیگر فریش نزد ولید جمع شدند و باو گفتند ای عبد شمس در بارہ آن کلمات چہ می گوئی گفت بگوئید سحر است زیرا دلہای مردم را متوجہ خود می کند و میان پدر و فرزند وزن و شوہر جدائی می افکند آیات مزبور نازل شد خطاب کرد ای رسول ما بما وا گذار کار آنکس را کہ در شکم مادر آفریدہ ایم اوراتنها بدون مال و ثروت و فرزند و اتباع و جہت آنکہ ولید را وحید نامید آن بود کہ بقریش می گفت من بہ تنہائی در گوشہ منزل خود می نشینم و شما با جمعیت خود یک سال بیرون بروید و در اجتماع رفت و آمد کنید چہ من مال و ثروت بسیار دارم . ولید در طائف باغ و بہستانی داشت کہ میوہ آن تا سال دیگر منقطع نمیشد و دہ بندہ داشت بہر یک ہزار دینار دادہ بود تا برایش تجارت کنند و قنطاری طلا داشت و بیست فرزند کہ تمام آنها در مکہ حضورش بودند خداوند فرمود بولید مال و ثروت فراوان دادم و پسران با اقتدار و حاضر بخدمت و تمکن و عزت عطا کردم باز ہم طمع دارد کہ در مال و فرزندان او بیفزایم ہر گز افزودہ نکنم ولید بآیات و کتاب و دلایل و بینات ما دشمنی و عناد ورزید رسول ما را سخریہ و استہزاء نمود

لَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (۳۷) كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ
 (۳۸) إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ (۳۹) فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ (۴۰) عَنِ الْمُجْرِمِينَ
 (۴۱) مَا سَأَلَكُمْ فِي سَقَرٍ (۴۲) قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ (۴۳) وَ لَمْ
 نَكُ نُطْعِمِ السَّكِينِ (۴۴) وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ (۴۵) وَ كُنَّا
 نُكَذِّبُ يَوْمَ الدِّينِ (۴۶) حَتَّى أَتَيْنَا الْيَقِينَ (۴۷) فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ
 الشَّافِعِينَ (۴۸) فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُبْرِضِينَ (۴۹) كَانَتْهُمْ حُجُورٌ
 مُسْتَنْفِرَةٌ (۵۰) فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ (۵۱) بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ
 أَنْ يُؤْتَى صُحُفًا مُنشُورَةً (۵۲) كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ (۵۳) كَلَّا
 إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ (۵۴) فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ (۵۵) وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ
 يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْإِذْقَرَةِ (۵۶)

بزودی او را بعقبہ سخت دوزخو آتش جہنم در افکنیم فکرو اندیشہ بسدی کرد
 زیرا بعد از فکر گفت محمد ﷺ ساحر و قرآن سحر است خدا بکشد اورا چگونہ
 تقدیر کرد باز ہم خدا بکشد او را چگونہ غلطی کرد و تکرار برای آنستکہ دو
 تقدیر نمود یکی آنکہ گفت محمد ﷺ ساحر است و دیگر علت آورد سحر او
 را بآنکہ جدائی می افکنند میان شخص و اہلش آنگاہ اندیشہ کرد و روی ترش نمود
 و چہرہ برہم کشید سپس روی بر گردانید و تکبیر کرد و گفت این قرآن عند ربی
 جزیان سحر انگیزی هیچ نیست این آیات گفتار بشری بیش نیست ما این منکر
 تکذیب کنندہ را بکیفر کفرش بآتش دوزخ افکنیم تو چہ دانی کہ سختی عذاب تا
 چہ حد است .

تا از شما بشر هر که بخواهد در ایمان پیش رود یا باز ماند (۳۷) و هر نفسی در گرو عملیست که انجام داده است (۳۸) مگر اهل ایمان که اصحاب راستند (۳۹) آنها در بهشت سؤال می کنند (۴۰) از احوال گناهکاران (۴۱) چه عمل شما را بدوزخ افکند (۴۲) گویند ما از نماز گزاران نبودیم (۴۳) و نه فقیر را طعام دادیم (۴۴) و با اهل باطل مصاحبت میکردیم (۴۵) و روز قیامت را منکر بودیم (۴۶) تا آمد ما را مرگ (۴۷) پس در آنروز شفاعت شفیعان در حق آنها پذیرفته نیست (۴۸) پس چرا ایشان از یاد قرآن دوری میجویند (۴۹) گویا آنها الاغهای وحشی هستند (۵۰) که از شیردنده فرار میکنند (۵۱) بلکه هر يك از آنها می خواهند که نامه سرگشاده ای از آسمان بر ایشان نازل شود (۵۲) چنین نیست که گمان کرده اند بلکه از عذاب آخرت نمیترسند (۵۳) چنین نیست که آنها گمان کرده اند قرآن همه پندو اندرز است (۵۴) پس هر کس که می خواهد بآن پند بگیرد (۵۵) و نمیخواهند جز آنکه خدا بخواهد او را آسان از برای ترسیدن، او است اهل تقوی و او است آمرزنده گناهان (۵۶)

پایان ترجمه

عیاشی از محمد بن مسلم روایت کرده حضور حضرت باقر علیه السلام عرض کردند هشام در بعضی از گفتارش گفته من ولید وحید هستم فرمود وای بر او اگر میدانست معنای وحید را افتخار نمیکرد باو عرض کردند معنای وحید چیست؟ فرمود ولد زنا و کسیکه پدری برای او شناخته نشده و این آیات جاریست در حق منافقین و کسانی که منکر ولایت امیر المؤمنین هستند.

^۱ (لا تبقی ولا تذ) هیچ رها نکنند و باقی نگذارد کسی را آندوزخ و همه را بسوزاند آن آتش بر آدمیان ظاهر شود و روی نماید موکل باشند بر آن نوزده نفر فرشته چون آیه مزبور نازل شد ابو جهل بقریش گفت میشنوید محمد صلی الله علیه و آله میگوید خا زنان دوزخ نوزده نفرند شما شجاعانی هستید که هر يك ده نفر را میتوانید دفع کنید ابو الاسود بن کنده بن اسد بن خلف جمعی گفت من هفده نفر از آنها را کفایت کنم و تمام شما دو نفر دیگر را کافی خواهید بود آیه ذیل

نازل شد : (وما جعلنا اصحاب النار الا ملائكة وما جعلنا عدتهم الا فتنة للذين كفروا ليستيقن الذين اوتوا الكتاب ويزداد الذين آمنوا ايمانا ولا يرتاب الذين اوتوا الكتاب والمؤمنين وليقول الذين في قلوبهم مرض والكافرون ماذا اراد الله بهذا مثلا كذلك يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء وما يعلم جنود ربك الا هو وما هي الا ذكرى للبشر) و ما خازنان دوزخ را غير فرشتگان عذاب قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و آزمایش و اختصار کفار نوزده نگردانیدم و کفار گمان میکنند فرشتگان مانند مردان دنیا هستند و قوت آنها فوق قوت فرشتگان میباشد و میگویند این عدد اندک با خلائق بسیار چگونه مقاومت میتوانند نمود و نیز تا اهل کتاب یقین کنند که رسول ما صادق است و آنچه میگوید از طریق وحی میگوید چه این عدد مطابق تورات و انجیل است و پیغمبر کتاب تورات و انجیل نخوانده و نیز بر یقین مؤمنین بیفزاید چون بشنوند از اهل کتاب که آنچه رسول اکرم ﷺ فرمود مطابق حق است و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنین باسلام هیچ شکی نماند و نیز تا کافران آنها نیکه شاکنند و دلهایشان مریض است بطعنه نگویند خدا را این مثل که عده فرشتگان را نوزده شمرده چه منظور داشت - در کافی ذیل آیه مزبور از محمد بن فضیل روایت کرده گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام معنای آیه را سوال نمودم فرمود اهل کتاب یقین نمودند که خداوند و رسول و وصی او امیر المؤمنین علیه السلام بر حق است عرض کردم معنای و یزداد الذين آمنوا یعنی چه فرمود ایمان مؤمنین بولایت علی زیاد میکرد گفت و لا يرتاب الذين اوتوا الكتاب یعنی چه فرمود آنها در ولایت امیر المؤمنین علیه السلام شك نمی کنند عرض کردم و ما هي الا ذكرى للبشر یعنی چه فرمود ولایت آن حضرت نیست مگر تذکری از برای بشر گفتیم آنها لاحدی الکبر فرمود یعنی وجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام یکی از بزرگترین آیات خدا است گفتیم لمن شاء ان يتقدم او يتأخر فرمود هر کس مقدم بدارد ولایت دیگری را بر ولایت ما آخر و عاقبت او جهنم است و آنکه ولایت ما را مؤخر بدارد او نیز از اهل دوزخ است گفتیم الا اصحاب اليمين فرمود سو کند بخدا آنها شیعیان ما هستند عرض کردم معنای لم نك من المصلين یعنی چه فرمود صلوة در این آیه ولایت

امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندان آنحضرت است یعنی ما دوست نداشتیم علی علیه السلام را و دارای اوصیاء نبودیم و بر آنها صلوات نمی فرستادیم گفتیم فعالهم عن التذکرة معرضین فرمود یعنی از ولایت علی علیه السلام دوری میجویند عرض کردم کلا آنها تذکرة فرمود ولایت آنحضرت تذکرة ایست .

(کذلک یضل الله من یشاء ویهدی من یشاء و ما یعلم جنود ربك الا هو و ما هی الا ذکر للبشر کسلا و القمر و اللیل اذا ادبر و الصبح اذا اسفرانها لاحدی الکبر نذیر للبشر لمن شاء ان یتقدم او یتاخر) چنین قرارداد عده فرشتگان خازنان دوزخ را تا اواخر کرا بخواند بحالت گمراهی و اگذار دوزخ را خواهد توفیق عنایت کند تا هدایت یابد و جز خداوند کسی عدد لشگرهای پروردگار را نمیداند و این آیه جواب گفتار ابو جهل است که بقریش گفت شما مردان شجاع و بسیاری هستید و از عهده نوزده نفر خازنان دوزخ بیرون می آئید و نیست ذکر دوزخ مگر برای پند و موعظه بشر چنین نیست که کفار گمان کرده اند قسم بماء تابان و شب تار چون باز گردد و قسم بصبح چون جهان را روشن سازد که آن دوزخ یکی از بزرگترین آیات خدا است میترساند آدمیان را آنهائیکه خواهند در مقام ایمان و طاعت پیش افتند یا باز مانند .

(کل نفس بما کسبت رهینه الا اصحاب الیمین فی جنات یتسائلون عن المعجمین ما سلكکم فی سقر قالوا لم نک من المصلین و لم نک نطعم السکین و کننا نخوض مع الخائضین و کننا نکذب بیوم الدین حتی آتینا الیقین) و هر نفسی در گرو عملی است که انجام داد، است یعنی بعمل خود گرفتار است مانند چیزیکه گروگان نهاده مگر اصحاب راست که اهل بهشت باشند و ایشان در گرو نباشند برای آنکه خداوند آمرزیده آنها را ابو حمزه ثمالی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود اصحاب یمین ما ائمه و شیعیان ما میباشند آنها از گناهکاران می پرسند چه عملی شما را بدوزخ افکند جواب دهند ما از زمره نماز گزاران نبودیم بینوایان را طعام نمیدادیم و با اهل باطل در معاصی فرو رفتیم و یار و همکار بودیم روز قیامت و جزا را دروغ پنداشتیم تا آنکه بمرگ یقین بقیامت یافتیم .

در کافی از ادریس بن عبدالله روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام تفسیر آیه لم نک من المصلین را سؤال نمودم فرمود یعنی نبودیم از پیروان ائمه و حقوق و خمس آل محمد و آل علی را ندادیم .

(فما تنفعهم شفاعۃ الشافعیین فمالهم عن التذکرة معرضین) پس در آنروز شفاعت شفیعیان در حق آنها هیچ پذیرفته نشود چرا از ذکر قرآن و یاد روز سخت قیامت دوری می جویند .

حضرت صادق علیه السلام فرمود اگر تمام فرشتگان مقرب و پیغمبران مرسل شفاعت کنند در حق ناصیین آل محمد و آل علی شفاعت آنها قبول نشود .

(کانهم حمر مستنقرة، فرت من قسورة بل یزید کل امری، منهم ان یؤتی صحفا منشرة کلاب لا یخافون الاخرة کلانہ تذکرة فمن شاء ذکره وما یدکرون الا ان یشاء الله هو اهل التقوی و اهل المغفرة) گویا منافقین و کفار الاغیائی هستند که از شیر درنده رمیده و گریزانند بلکه هر يك از آنها میخواهند صحیفه وحی آسمانی برای ایشان آید تا ایمان آورند سبب نزول آیه آن بود که جمعی از قریش گفتند ای محمد و آل علی اگر می خواهی ما بتو ایمان آوریم باید کتاب خاصی از جانب خداوند بیاید که در آن نوشته شده باشد ایفلان به محمد و آل علی ایمان آور تا ما متابعت از تو نمائیم . -

علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود قریش گفتند ای محمد و آل علی بما خبر داده اند که هر مردی از بنی اسرائیل گناه می کرد صبح مینمود در حالتیکه آن گناه بر جبین او نوشته شده بود و کفاره گناه نیز نوشته بود جبرئیل فرود آمد گفت ای رسول خدا قوم تو طریقه ارتکاب معصیت بنی اسرائیل را سؤال مینمایند اگر بخواهند آنها را مانند بنی اسرائیل قرار می دهیم و همان عذابیکه بآنها نازل نمودیم بایشان نازل می کنیم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله کراحت داشت این طریقه را برای امت خود و هرگز این نخواهد شد که تمام آنها مقام رسالت یابند، چنین نیست که گمان کرده اند بلکه از عذاب آخرت نمی ترسند چنین نیست که ایشان گمان کرده اند قرآن همه پند و اندرز است تا هر که خواهد متذکر حق بشود

و یاد نکنند از قرآن مگر آنکہ خدا بخواهد او اہل و سزاوار آنست کہ از او بترسند و اہل آنست کہ بیمارزد کسانی را کہ از خدا میترسند و از معاصی او اجتناب میکنند .

ابن بابویہ از ابی بصیر روایت کردہ گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیہ السلام معنای آیہ را فرمود خوانند تبارک و تعالی میفرماید من اہل آن ہستم کہ پیرہیزند از من و شریک قرار ندہند بندگان مرا با من و اگر شرک بہ من نیاورند داخل کنم آنها را بہ بہشت و فرمودہ قسم بہ ذات مقدس خود عذاب نکنم اہل توحید را با آتش جہنم

پایان سورہ مدثر



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

سورة القيامة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَمَةِ (۱) وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ (۲) أَيْخَسِبُ
الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَ عِظَامِهِ (۳) بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ (۴)
بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (۵) يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَمَةِ (۶) فَإِذَا
بَرَاقَ الْبَصَرُ (۷) وَخَسَفَ الْقَمَرُ (۸) وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ (۹)

سوره قیامت درمکہ نازل شدہ و چہل آیت و صد و نود و نہ کلمہ و سیصد و پنجاہ و دو حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس مداومت نماید بر قرائت سوره قیامت و عمل ہم بہ آن نماید خداوند اورا با پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم محشور گرداند در بہترین صورتی تا عبور کند از صراط و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم روایت کردہ فرمود ہر کس سوره قیامت را قرائت کند من و جبرئیل شہادت میدہیم کہ او از یقین دارندگان بروز قیامت است و بیرون آید از قبر در حالتیکہ صورت او نورانی باشد و مداومت کردن بر قرائت این سوره سبب وسعت رزق و محبوب بودن نزد مردم میشود و ہر کس آنرا قرائت کند از هیچ پادشاہی نترسد و از شر آن محفوظ بماند در شب و یا روزیکہ آن سوره را قرائت نمودہ باذن خداوند .

خلاصہ مطالب سورۃ قیامت عبارت است از شرح احوال مردم در روز قیامت و

ترجمه سوره قیامت

بنام خداوند بخشنده مهربان

چنین نیست که گمان کردند سو گند بر روز قیامت (۱) و قسم بنفس علامت کننده (۲) آیا آدمی میبندارد که ما جمع نخواهیم کرد استخوانهای پوسیده او را (۳) آری ما توانائی داریم که راست کنیم سرانگشتان او را (۴) بلکه انسان میخواهد آنچه از عمرش در پیش است همه را بفسق و فجور گذراند (۵) می پرسند کی خواهد بود روز قیامت (۶) بگو آنروز که خیره شود از ترس دیدگان مردم (۷) وتیره وتاریک شود ماه تابان (۸) و میان خورشید و ماه جمع گردد (۹)

جمع و بیان قرآن از طرف خدا است و حالات کفار و منافقین هنگام مرگ .
قوله تعالى (لا اقسم بيوم القيمة ولا اقسم بالنفس اللوامة اي حسب الانسان ان لن نجمع عظامه بلى قادرين على ان نسوي بنانه بل يريد الانسان ليفجر امامه يسئل ايان يوم القيمة) - مفسرين اختلاف کرده اند در آنکه قسم مثبت است یا منفی طائفه ای گفته اند لا حرف نفی است و قسم منفی است و در نفی هم اختلاف نمودند و بعضی گفتند معنای آن اینست: قسم نمیخورم بر روز قیامت چه آن ظاهر است بادلّه عقلیه و دیگری گفت معنای آن این است: قسم نمیخورم بر روز قیامت زیرا شما کفار اعتقاد بآن ندارید .

و بعضی دیگر گفتند لارد بر گفتار و سخنان مشرکین است و هر سو گندی واقع بشود بر رد کلامی باید مقدم بر قسم، لا آورد تا فرق باشد میان انکار و اثبات سو گند، چنانکه گویند لا والله ان الرسول حق- یعنی دروغ گفتند آنها نیکه انکار رسالت او کرده اند بلکه پیغمبر است و انکار ایشان در صحت نبوت او تأثیری ندارد پس بنابر این معنای آیه چنین است: نیست آنچه کافران گمان کردند پس از آن ابتداء میکند بکلام و میفرماید قسم بر روز قیامت- و جمعی گفتند قسم مثبت است و لازید باشد یا صله و بعضی از قراء لا قسم قرائت کردند و گفتند لام تأکید است یعنی البته

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُغُ (۱۰) كَلَّا لَا وَزَرَ (۱۱) إِلَىٰ رَبِّكَ
يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ (۱۲) يُنْبِئُوا الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ (۱۳) بَلِ
الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ (۱۴) وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرُهُ (۱۵) لَا تُحَرِّكْ
بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ (۱۶) إِنَّا عَلَيْنَا جَمْعُهُ وَقُرْآنُهُ (۱۷) فَإِذَا قَرَأْنَاهُ
فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (۱۸) ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (۱۹) كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ
(۲۰) وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ (۲۱) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ (۲۲) إِلَىٰ رَبِّهَا
نَاصِرَةٌ (۲۳) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ (۲۴) تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ
(۲۵) كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ النَّارَاقِي (۲۶) وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ (۲۷)

بطور حق قسم میخورم بروز قیامت وبنفیس ملامت کننده آیا آدمی می پندارد که
ما استخوانهای پوسیده او را جمع نخواهیم کرد؟ بلی ما قادریم بر آنکه سرانگشتان
او را راست کنیم بلکه آدمی میخواهد آنچه از عمرش در پیش است همه را بفجور و
هوای نفس گذراند و میپرسد کی روز قیامت و حساب خواهد بود. این آیات درباره
عدی بن ربیعہ بن ابی مسلم نازل شده که همجوار پیغمبر اکرم ﷺ در مکه بود
حضرتش مکرر در دعا میفرمود خدایا مرا از شر این همسایه بد کفایت بفرما
داستان او بدین قرار است : عدی حضور پیغمبر اکرم ﷺ آمد و گفت ای محمد ﷺ
مرا خبر ده از روز قیامت کی خواهد بود و کجا باشد و چگونه است رسول خدا
شطری از احوال و احوال روز قیامت را بیان فرمود عدی گفت ای محمد ﷺ اینک
تو میگوئی اگر چه بعیان ببینم باز یقین نکنم چگونه ممکن است که استخوانهای
پوسیده و پراکنده را جمع کنند آیات فوق نازل شد و فرسود چنین پندارد عدی که
استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد و زنده نمیشود پس از مردن؟! و عظام در آیه کنایه

در آنروز آدمی گوید کجا است محل فرار و گریختن (۱۰) هرگز راه فرار نیست (۱۱) آنروز جز بند گاه خدا قرار گاهی نیست (۱۲) در آنروز آدمی خبر داده شود بآنچه پیش فرستاد و عقب انداخت (۱۳) بلکه آدمی بنفس خود بینا است (۱۴) اگر چه پرده های عذر بر چشم خود بیفکند (۱۵) ابرسول مابا شتاب و عجله زبان بقرائت قرآن مگشای تا تعجیل کنی به آن (۱۶) همانا برماست جمع کردن و قرائت آن (۱۷) پس چون بر تو خواندیم پیروی کن خواندن آنرا (۱۸) پس از آن بر ما است که حقایق آنرا بر تو بیان کنیم (۱۹) نه چنین است که کافران گمان کردند بلکه دوست دارند دنیای حاضر و شتابنده را (۲۰) و میگذارند و رها میکنند آخرت را (۲۱) آنروز رخسار طایفه ای با طراوت و نورانیست (۲۲) و بسوی پروردگار خود نظر کنند (۲۳) و رخسار طایفه دیگر عبوس و غمگین است (۲۴) و گمان دارند که حادثه ناگواری در پیش است و پشت آنرا میشکند (۲۵) چنین نیست که منکران قیامت گمان کرده اند چون روح برسد باستخوانهای بالای سینه (۲۶) و گفته شود کی چاره درد این بیمار کند (۲۷)

از تمام بدن است چه قوام تن باستخوانها میباشد استخوان چون قالبی است و گوشت و پی و پوست بروی آن پوشیده شده است -

در محاسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود فجر در این آیه بمعنای تکذیب و مکر و حيله است و اراده کرده که انسان نسبت بامیر المؤمنین علیه السلام مکر و حيله بنماید ، پس از آن بیان میکند علامت قیامت را. روز قیامت همانروزی است که دیدگان خلایق از وحشت و ترس خیره بماند و ماه تابان تارک شود و میان خورشید و ماه جمع گردد یعنی نور هر دو گرفته شود و بعض از مفسرین گفتند هر دو را جمع کنند و در دریا افکنند آب دریا از مجاورت آنها آتش شود چنانکه میفرماید و اذا البحار سجرت (یقول الانسان یومئذ این المفر کلا لا و زر المی ربک یومئذ المستقر ینبئوا الانسان یومئذ بما قدم و اخر بل الانسان علی نفسه سیرم و لو الفی معافیرہ) در آنروز انسان زشتکار میگوید گریز گاه کجا است تا از هول

وَضَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ (۲۸) وَالتَّفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ (۲۹) إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ
 الْمَسَاقُ (۳۰) فَلَا صَدَقَ وَصَلَى (۳۱) وَلَكِنْ كَذَبَ وَتَوَلَّى (۳۲)
 ثُمَّ ذَهَبَ إِلَى أَهْلِهِ يَتَمَطَّى (۳۳) أَوْلَى لَكَ فَأُولَى (۳۴) ثُمَّ أَوْلَى لَكَ
 فَأُولَى (۳۵) أَيْحَسِبُ أَنَّ يُتْرَكَ سُوءِي (۳۶) أَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ
 مَنِيٍّ يُنْفِئُ (۳۷) ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى (۳۸) فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ
 الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (۳۹) أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُخْصِيَ الْمَوْتَى (۴۰)

این روز بگریزیم، هر گز راه فرار نیست آنروز جز بسوی خدا پناہگاه و قرار گاهی
 نیست در آنروز انسان هر نیک و بدی که درمقدم و مؤخر خود کرده از نتیجه آن
 آگاه شود بلکه انسان خود بر نیک و بد خویش بخوبی آگاهست هر چند پرده‌های
 عذر بر چشم بصیرت خود پیفکند *

در کافی ذیل آیه فوق از عمر بن یزید روایت کرده که خدمت حضرت صادق علیه السلام
 بودم آیه فوق تلاوت شد فرمود انسان میدانند چه کاری انجام میدهد تا تقرب بخدا پیدا
 کند و نیز آنچه را بخلاف امر خدا در پنهان بجا می‌آورد میداند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله
 فرمود هر کس پنهان کند امر خود را خداوند میبیند و او را چه خیر باشد یا شر و
 فرمود چکار میکند یکی از شما هر گاه ظاهر خود را آراسته کند و در باطن مرتکب
 عمل زشت بشود آیا بر نمیکرد نتیجه اعمال او بسوی خودش و خداوند آنطور که
 اظهار نموده نیست و فرمود هر گاه باطن شما نیکو بود ظاهرتان قوی خواهد شد.
 در تهذیب از زید شحام روایت کرده گفت سؤال نمودم از حضرت صادق علیه السلام
 خفته و خفقین وضوء را باطل میکند فرمود انسان بر نفس خود بصیرت دارد
 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود هر کس طعم خواب را یافت نشسته باشد یا ایستاده بر
 او وضوء واجب میشود (لا تحرك به لسانك لتعجل به ان علينا جمعه و قرانه فاذا

و بیمار یقین کند کہ وقت مفارقت وجدائی است (۲۸) و ساقہای پای او پیچیدہ شود (۲۹) در آنروز اورا بسوی پروردگار خود خواہند راند (۳۰) پس وای بر آنکس کہ تصدیق نکرد و نمازیجا نیاورد (۳۱) بلکہ تکذیب کرد خدا را و روی گردانید (۳۲) و آنگاہ با تکبر و نخوت بسوی اہلش روی آورد (۳۳) وای بر این زندگی صدوای بر مرگ تو (۳۴)۔

پس از مرگ وای بر برزخ و صدوای بروز محشر تو (۳۵) آیا آدمی گمان میکند کہ اورا مہمل و باطل و میگذارند و از او سؤال نمیکنند (۳۶) آیا در اول قطرہ آب منی نبود کہ ریختہ شد در رحم (۳۷) پس از آن خون بستہ و آنگاہ باین صورت زیبا آفریدہ و آراستہ گردید (۳۸) پس از آن از دو صنف نر و مادہ پدید آورد (۳۹) آیا چنین پروردگار با قدرت نمیتواند پس از مرگش باز زندہ گرداند (۴۰) پایان ترجمہ سورۃ قیامت

قرا ناہ فاتبع قرانہ ثم ان علینا بیانہ) طبرسی از ابن عباس روایت کردہ چون جبرئیل وحی میآورد پیغمبر اکرم ﷺ از شدت شوقیکہ بر قرائت آن داشت پیش از خاتمہ وحی شروع مینمود بقرائت قرآن خداوند فرمودہ ابرسول ما در حال وحی با عجلہ و شتاب زبان بقرائت قرآن نگشای و صبر کن تا خاتمہ وحی ما خود قرآن را جمع کنیم و بر تو فرا خوانیم و آنگاہ کہ بر تو خواندیم پیرو قرآن باش و احکام آن را عمل کن و بتعلیم امت بکوش پس از آن بر ما است کہ حقایق آنرا بر تو بیان کنیم و حلال و حرام را شیح دہیم تفسیر قرآن اختصاص بما دارد و کسی نمیتواند آنرا بیان کند این معنای نہی نمودن پیغمبر اکرم ﷺ است از چیزی و روا نباشد بر ساحت مقدس آنحضرت لذا بعض از مفسرین مانند بلخی گفتند آیہ قرآن را ارادہ نکردہ بلکہ مراد نامہ اعمال بندگان است در روز قیامت و مناسبت آن با آیات گذشتہ و آیندہ همین است و توبیخ میکند بندگان را ہنگامیکہ عجلہ و شتاب سودی برای آنها ندارد یعنی قرائت کن نامہ اعمال خود را و شتاب تنها چہ در اثر نگاہ کردن بر آن بر نفس خود بصیرت

و بینائی پیدا خواهی کرد چون سیئات را مشاهده کردی صبر کن تا حجت بر تو تمام شود چه ما تمام اعمال را جمع و بر تو عرضه میداریم و نمیتوانی انکار نمائی آنها را و اگر انکار کنی ما بیان میکنیم تمام اعمال را و محفوظ میداریم آنها را تا پرده نشان دهیم .

(کلاب تحبون العاجلة و تذرون الآخرة وجوه يومئذ ناضرة الى ربها ناظرة و وجوه يومئذ باسرة تظن ان يفعل فاقرة) هرگز کافران لجوج بخدا و قیامت نگروند بلکه دنیای نقد و حاضر را دوست دارند و بکلی آخرت و نشأه قیامت را رها کردند پس از آن اهل آخرت را دو قسمت نمود و فرمود در آنروز رخسار طایفه ای از شادی برافروخته و نورانیست و بچشم دل خدا را مشاهده کنند و رخسار طایفه دیگر عبوس و غمگین است و میدانند که حادثه ناگواری در پیش است که پشت آنها را میشکند .

مشبهه باین آیه تمسك جستند به آنکه خدا را میتوان دید و دلیل ایشان بکلی باطل است زیرا نظر در کلام عرب بمعنای رؤیت نیامده و شاهد براین قول آنها است که میگویند نظرت الی الهلال فلم اراه بماه نگریدم ندیدم آن را و اگر نظر بمعنای رؤیت بود این کلام متناقض بود و بمنزله آن بود که گفته مامرا دیدیم و ندیدیم .

ابن بابویه ذیل آیه وجوه يومئذ ناضرة الی ربها ناظرة از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود صورتهائی باشند نورانی، نظر میکنند بشواب و پاداش پروردگار خود که به آنها عطا میشود .

و از ابی بصیر روایت کرده گفت به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم مؤمنین روز قیامت مشاهده میکنند خدایتعالی را فرمود مشاهده نمودند او را پیش از روز قیامت عرض کردم در چه روز دیدند فرمود روز عهد و میثاق همان روزیکه خداوند به آنها فرمود الست بر بکم جواب دادند بلی پس از آن قدری توقف نمود و فرمود مؤمنین درد دنیا خدا را مشاهده مینمایند آیا تو خدا را نمی بینی گفتم فدایت گردم اجازه میفرمائید این حدیث را از قول شما بیان کنم فرمود خیر چه آنرا جاهلین و نادانان منکر میشوند زیرا درك نمیکند معنای حدیث را و دیگر طایفه قائل

برویت چشم شدہ مشبہ و کافر میشوند و مشاہدہ دل و قلب نیست مانند مشاہدہ
بچشم کہ ہر کس بتواند خدا را مشاہدہ نماید ای ابی بصیر ذات مقدس پروردگار
مبرا و منزہ از آنست کہ بچشم دیدہ شود یا تشبیہ کنند اورا بچیزی چنانکہ مشبہ
و کفار و ملحدین اورا تشبیہ نمودند .

(کلا اذا بلغت التراقي و قيل من واق و ظن انه الفراق والتفت الساق بالساق
الی ربك يومئذ المساق فلا صدق ولا صلی) چنین نیست کہ منکران قیامت پنداشتند
چون جان بیالای سینہ و کلورسد و اہلش گویند کہ چارہ درد این بیمار کہ تواند
کرد و بیمار یقین کند بمفارقت از دنیا و خارج شدن روح از تنش چہ عزرائیل
را بچشم بیند و ساقہای او از شدت وسختی جان کندن بہم مالیدہ و پیچیدہ شود در
آنروز خلائق بسوی خدا را اندہ میشوند .

طبرسی از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود چون بندہ در حال سکران
موت باشد اعضاء بدن او ہر یک بر دیگری سلام میکنند و میگویند این مفارقتی
است تا روز قیامت .

وای از آنروز برای کسانی کہ حق را تصدیق نکردند و ایمان نیاوردند و
نماز بجانیاورند سبب نزول آیات فوق آن بود کہ پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم مردم را
دعوت میکرد روز غدیر خم بسوی بیعت کردن با امیر المؤمنین علیہ السلام چون رسانید
بمردم آنچه را مأمور بود از جانب پروردگار ربّارہ آنحضرت و مردم از امر
پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم برگشتند معاویہ ملعون تکیہ کردہ بود بر مغیرہ بن شعبہ و
ابی موسی اشعری متوجہ عشیرہ خود شد و گفت بخدا قسم من ہرگز ایمان و
اقرار بولایت علی علیہ السلام نخواہم آورد و تصدیق نمیکنم گفتار محمد صلی اللہ علیہ وسلم را در بارہ
علی علیہ السلام خداوند آیات فوق را حکایت از گفتار او نازل نمود و فرمود وای براو
کہ امر ما را تکذیب میکند و از حکم ما ہر میگردد و بسوی اہلش با تکبر و
نخوت روی آورد وای بر چنین شخصی کہ بعداب و مرگ سزاوار تر است و عرب
کلمہ اولی فاولی را بکسی اطلاق میکند کہ بہ بلا و عذاب نزدیک است پس از مرگ
ہم وای از عذاب برزخ و روز محشر براو و چون آیات نازل شد معاویہ بر گشت بخاند و
اہل خود تنقید و مسخرہ میکرد پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را آنحضرت بالای منبر

تشریف برد خواست بیزاری بجوید از معاویہ خداوند آیه لا تحرك به لسانك لتعجل به را نازل نمود پیغمبر سکوت اختیار کرد بامر خداوند -

طبرسی از صحابہ روایت کرده روزی پیغمبر اکرم ﷺ گریبان ابوجہل را گرفت و فرمود اولی لك فاولی ابوجہل گفت ای محمد ﷺ مرا تهدید میکنی به خدای خود تو و خدایت بمن هیچ زیان و ضرری نمیتوانید رسانید من قوی و عزیز ترین اهل مکہ هستم آیات ذیل را جبرئیل فرود آورد .

(ایحسب الانسان ان يترك سدى الم يك نطفة من منى یمنى ثم كان علقۃ فخلق فسوی فجعل منه الزوجین الذکر و الانثی الیس ذلك بقادر علی ان یحیی الموتی) آیا آدمی پندارد کہ او را مهمل خواهند گذاشت تا هر چه خواهد انجام دهد و از او سؤال نخواهند کرد مگر نه او قطره آبی بود از منی پس از آن خون بسته شد آنگاه باین صورت زیبای حیرت انگیز آفریده و آراسته گردید و از آن دو جفت نر و ماده پدید آورد آیا چنین خدائی با قدرت و حکمت قادر نیست کہ مردگان را پس از مرگ زنده گرداند؟ چون این آیه نازل شد پیغمبر اکرم ﷺ پس از تلاوت فرمود سبحانک اللهم بلی و کریه بسیاری نمود .

پایان سوره قیامت

سورة الدهر

مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينَ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا (۱)
 إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (۲)
 إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (۳) إِنَّا نَعْتَدُ لِلْكَافِرِينَ
 سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا (۴)

سورة دهر در مدینه نازل شده و سی و یک آیه و دویست و چهل کلمه و هزار و پنجاه و چهار حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره دهر را قرائت کند در صبح روز پنجشنبه خداوند تزیین نماید او را هشتصد حور العین و بوده باشد با پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله -

و در خواص قرآن از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند بر خدا است که پاداش بدهد او را بهشت و هر که مداومت کند بر قرائت این سوره نفس ضعیف او قوی گردد و اگر بنویسد آن را و بآب بشوید و آن آب را بیاشامد نفع رساند بتمام دردهای بدنش خصوصاً درد دل.

خلاصه مطالب سوره دهر عبارت است از آفرینش انسان از اختلاط آب مرد و زن و بیان کردن راه هدایت و گمراهی و کیفر کفار و پاداش مؤمنین و امر نمودن پیغمبر به بردباری و صبر در مقابل اذیت و آزار مشرکین و منافقین

قرله تعالی (هل أتى على الإنسان حين من الدهر لم يكن شيئاً مذكوراً انا خلقنا الإنسان من نطفة أمشاج نبتليه فجعلناه سميعاً بصيراً انا هديناه السبيل إما شاكراً وإما كفوراً) آیا بر انسان روز گاری نگذشت که در آن روز کار چیزی مذکور

ترجمه سوره دهر

بنام خداوند بخشنده مهربان

آیا بر انسان روزگاری نگذشت که چیزی لایق ذکر نبود (۱) ما آدمی را از آب نطفه مختلط بحرارت و برودت آفریدیم و بیازمائیم او را و گردانیم او را شنوا و بینا (۲) ما راه حق و باطل را بانسان نمودیم حال میخواهد شکر گذار و یا ناسپاسی کند (۳) ما برای کسافران غل و زنجیرها و آتش سوزان آماده کردیم (۴)

نبود بعضی از مفسرین گفتند مراد بانسان آدم است چه او مدتی خاک بود و کل تا آنکه روح در او دمیده شد

ابن شهر آشوب و رازی گفتند در تفسیر اهل بیت مراد بانسان امیر المؤمنین علیه السلام است و هل بمعنای مای نافیه است بمعنای آن چنین است: هیچ روزگاری نیامد مگر آنکه در آن روزگار چیزی مذکور بود یعنی پیوسته وجود مقدس امیر المؤمنین علیه السلام معروف و مذکور و مشهور بود چگونه مذکور و معروف نباشد آنکسی که نامش با نام خدا و رسول بر ساق عرش و بر در بهشت و سرادقات و اوراق و اشجار نوشته شده پیش از خلقت آدم و دلیل بر صحت این تفسیر آیه انا خلقنا الانسان من نطفة و آیات بعد از آن است چه لام انسان لام تعریف عهد است و بدیهی است که آدم را خداوند از نطفه نیافریده است و بعضی گفتند مراد بانسان نوع بنی آدم است و هل استفهام تقریری است یعنی ایکسیکه منکر صانع و قدرت او هستی آیاروزگاری بر تو نگذشت که مذکور نبودی و در عالم خلق وجودی نداشتی هر چند در علم خداوند موجود بودی و این آیه دلیل است بر اینکه معدوم شئی است معلوم اگر چه مذکور نیست .

در محاسن از حمران روایت کرده که از حضرت باقر علیه السلام معنای آیه را سؤال نمودم فرمود بنی آدم چیزی بودند مذکور اند در خلقت و ذکر در علم خداوند گفتم امشاج یعنی چه فرمود آب مرد است که مخلوط با آب زن میشود از آن می آفرینند

إِذَا الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُوراً (۵) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا
 عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيراً (۶) يُوفُونَ بِالْأَنْذَرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ
 شَرُّهُ مُسْتَطِيراً (۷) وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا
 (۸) إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُوراً (۹) إِنَّا
 نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَتَطِيراً (۱۰) فَوَقَّيْهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ
 وَلَقَّيْهُمْ نَصْرَةً وَغُرُوراً (۱۱) وَجَزَاءُكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ جَنَّةٌ وَحَرِيرٌ (۱۲)
 مُتَكِنِينَ عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (۱۳) وَدَانِيَةً
 عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ أَقْطُوفُهَا تَذْلِيلًا (۱۴)

انسان را سپس آزمایش میکند و شنوا و بینا میگرداند و تکلیف مینماید او را با حکامی
 تا فرمان بردار از نافرمان و مطیع از عاصی معلوم گردد - .

در کافی ذیل آیه اناهدیناه السبیل از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود
 خداوند شناسانید بمردم راه عدالت را میگیرند آن راه را و یا رها میکنند و آیه
 رد سخنان جبری مسلمانان است که خیال کرده اند بندگان از خود اختیاری ندارند
 چه پروردگار میفرماید ما راه خیر و شر را نشان داده ایم حال میخواهد هدایت یابد و شکر
 گذار این نعمت باشد یا کفران نعمت کند و گمراه گردد آنگاه کیفر کفار
 و پاداش مؤمنین را بیان میکند بقولش

(انا اعتدنا للكافرين سلاسل و اغلالا و سعيرا) ما برای کیفر کافران غل و
 زنجیر و آتش سوزان و دوزخ تافته مهیا ساختهایم

(ان الابرار يشربون من كأس كان مزاجها كافورا عينا يشرب بها عباد الله
 يفجرونها تفجييرا) و نکوکاران در بهشت از شرابی خورند که طبعش آمیختگی

همانا نیکو کاران در بهشت می‌آشامند از شرابیکه طبع آن از کافور است (۵) از چشمه گوارائی، آن بندگان خاص خدا مینوشند و باختیارشان جاریست هر کجا که بخواهند (۶) آنها وفا میکنند بنذر و می‌ترسند از روزیکه سختیش همه اهل محشر را فرا گیرد (۷) و بخاطر دوستی با خدا بفقیر و اسیر و یتیم طعام میدهند (۸) و میگویند ما فقط برای رضای خدا بشما طعام میدهیم و از شما هیچ پاداش و سپاس گزاری نمی‌طلبیم (۹) ما از پروردگار خود می‌ترسیم آن‌روزیکه رخسار خلق درهم و غمگین است (۱۰) خدا هم از شرفتنه آن‌روز آنها را نگاهداشت و بایشان روی خندان و دل‌شادمان عطا نمود (۱۱) و پاداش آنان بسبب آنچه صبر کردند بهشت و لباس حریر است (۱۲) در آن بهشت بر تخت‌ها تکیه‌زنند و در آن، آفتاب سوزان و سرما نبینند (۱۳) و سایه درختان بهشتی بر سر ایشان گسترده شده و میوه‌هایش در دسترس و باختیار آنها است (۱۴)

بکافور است از سرچشمه گوارائی نوشند آن بندگان خاص خدا که باختیارشان هر کجا خواهند گشاده و جاری میشود تکیه‌زنند و در آن، آفتاب سوزان و سرما نبینند (۱۳) و سایه درختان بهشتی بر سر ایشان گسترده شده و میوه‌هایش در دسترس و باختیار آنها است (۱۴)

(یوفون بالنذر ویخافون یوما کان شره مستطیرا و یطمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیم و اسیرا انما نطعمکم لوجه الله لانرید منکم جزاء و لا شکور افوقهم الله شر ذلک الیوم و لقهم نضرة و سرورا و جزاهم بما صبروا جنة و حریرا) مفسرین عامه و خاصه اتفاق دارند در اینکه این آیات در شأن امیر المؤمنین و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام و فضه کنیز آنها نازل شده و داستان آن بدین‌تقرار است حسین علیه‌السلام بیمار شدند جدشان پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با جمعی از اصحاب بعینادت آنها تشریف بردند با امیر المؤمنین علیه‌السلام فرمودند اگر نذر کنی در حق حسنین روا باشد امیر المؤمنین علیه‌السلام و حضرت فاطمه (ع) و فضه کنیزشان و خود حسنین هر یک سه روز روز نذر کردند اگر خداوند آنها را عافیت دهد بشکرانه آن‌روزه بگیرند چون خدا یتعالی ایشان را شفا داد امیر المؤمنین علیه‌السلام بحضرت فاطمه (ع) فرمود وقت آن است که ما بنذر خود وفا کنیم چیزی نداشتند امیر المؤمنین

و يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا (۱۵) قَوَارِيرَ
 مِنْ فِضَّةٍ قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا (۱۶) وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا
 (۱۷) عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا (۱۸) وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُغَلَّدُونَ
 إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنثورًا (۱۹) وَإِذَا رَأَيْتَ ثُمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَ
 مُلْكًا كَبِيرًا (۲۰) عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُوا أَسَاوِرَ
 مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (۲۱) إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَ
 كَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا (۲۲) إِنَّا نَعْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا (۲۳)

ﷺ نزد یہودی بنام شمعون رفت تا مقداری جو فرض کند یہودی گفت یا علی
 این پشم را بگیر و بزنان بده تا برای من بریسند و این سه صاع جو را مزد
 بگیرند آنحضرت آنها را گرفت و بخانہ آورد حضرت فاطمہ یکصاع آن را آسیا
 کرد و پنج قرس از آن نان پخت ہر یکی را قرصی، ہمہ روزہ دار بودند چون
 نماز شام بجا آوردند و خواستند افطار کنند هنوز دست بطعام نبرده بودند سائلی
 بدرخانہ آمد و گفت من مسکینی ہستم از مسلمانان مرا طعام دہید خداوند شمارا
 از خوانہای بہشت طعام دہد امیرالمؤمنین بحضرت فاطمہ فرمود -

فاطمۃ ذات المجد و الیقین	یا بنت خیر الناس اجمعین
اما ترین البائس المسکین	قد قام بالباب لہ حنین
یدعو الی اللہ و یستکین	یشکو الینا جایع حزین
کل امرئی بکسبہ رھین	و فاعل الخیرات یتدین
موعدہ جنة علیین	حرّمہا اللہ علی الضنین
و للبخیل معوق مہین	تھوی بہ النار الی السجین
شرابہ الصدید و الغسلین	یمکث فیہ الدھر و السنین

و ساقیان زیبا با جامهای سیمین و کوزههای بلورین بر آنها دور میزنند (۱۵) و آن بلورین کوزهها مانند نقره خام و باندازه متناسب اهلش مقدر کرده اند (۱۶) و در آنجا شرابی که طبعش چون زنجبیل و عطر آلوده است بآنها بنوشانند (۱۷) و آنجا چشمه ایست که سلسبیلش نامند (۱۸) و دور میزنند بر آن بهشتیان پسرانی زیبا که همیشه جوانند و خوش سیماء، هر گاه بینی آنها را پنداری از فرط صفا چون لؤلؤ و مروارید پراکنده اند (۱۹) چون آنجایگاه را مشاهده کنی جهانی پر نعمت و کشوری بزرگ خواهی یافت (۲۰) بر بالای بهشتیان دیبای سبز و ابریشم است و آراسته شوند بدستبندهای نقره خام و سیراب گردانند آنها را پرورده گارشان از شراب پاکیزه و گوارا (۲۱) اینها همه پاداش شما است و سعیتان در رام خدا پسندیده و مقبول است (۲۲) ای رسول، ما این قرآن عظیم الشان را بر تو فرستادیم (۲۳)

فرمود ای فاطمه ای که بزرگوار و عزیز و بلند مرتبه و بایقینی - ایدختر بهترین مردمان عالم - مگر نمی بینی فقیر بینوائی در خانه ایستاده ناله و فریاد میکند - و خدا را میخواند و اظهار گرسنگی بما میکند بدانکه هر شخصی در گروی اعمال خود میباشد و نیکوکاران عمل نیک خود را بقرض میدهند و سر آمد مدت وام آنها بهشت علیین است . خداوند حرام کرده آن بهشت را بر هر خسیس و بخیلی، و از برای بخیل جایگاه خوار و ذلیلی است و آن دوزخ است و سجیل، و شراب او کثافات زنان زانیه است همیشه در آن دوزخ جاوید بمانند - حضرت فاطمه علیها السلام در جواب آنحضرت گفت :

امرك سمع یا بن عم و طاعة	مالی من لوم ولا بضاعة
عذبت بالبر و لى صناعة	اطعمه ولا ابالى الساعة

و ادخل الخلد و لى شفاعة

گفت ای پسر عموی عزیزم امر و فرمان شمارا می شنوم و اطاعت میکنم و از هیچ ملامت کننده و بی چیزی با کی ندارم پیشه من کرم و اجسان به بینوایان و برونیکوئی بآنها است و در این دنیا از هیچ مشقت و سختی با کی ندارم زیرا میدانم پاداش تمام اینها بهشت جاوید است که در آن داخل میشوم و شفاعت است که خداوند ویژه من

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِيعْ مِنْهُمْ أُولَئِكَ كَفُورًا (۲۴) وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (۲۵) وَمِنَ اللَّيْلِ فَانْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (۲۶) إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا (۲۷) نَحْنُ خَافِقَانَهُمْ وَشَدَدْنَا أُنُورَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْنَاهُمْ تَبْدِيلًا (۲۸) إِنَّ هَذِهِ تَذَكِيرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا (۲۹) وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (۳۰) يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۳۱)

قرار داده است -

امیرالمؤمنین علیه السلام قرص نان خود را بآن فقیر ایثار نمود حضرت فاطمه و حسنین علیہم السلام و فضه نیز بآن حضرت اقتدا نمودند و نان خود را بفقیر دادند و آن شب بآب تنها افطار باز نمودند. روز دیگر صاع دوم را حضرت فاطمه آسیاب کرد و پنج قرص نان پخت پس ازاداء نماز، چون خواستند افطار کنند یتیمی درخانه آمد و گفت السلام علیکم یا اهل بیت النبوة و معدن الرسالة و مختلف الملائكة. یتیمی از فرزندان مهاجر هستم پدرم در رکاب رسول خدا شهید شده است مرا طعامی بدهید امیرالمؤمنین علیه السلام چون صدای یتیم را شنید فرمود قرص من را باو بدهید حضرت فاطمه علیہا السلام و حسنین و کنیز آنها فضه بآن حضرت اقتدا نموده هر یک قرص نان خود را به یتیم دادند و آنشب نیز بآب افطار نمودند. شب سوم هنگام افطار سائلی بدرخانه آمد و گفت من اسیری هستم مرا طعامی بدهید امیرالمؤمنین علیه السلام قرص خود را بآن اسیر داد حضرت فاطمه علیہا السلام و حسنین و فضه نیز سهم خود را بآن اسیر دادند آنشب هم بآب افطار کردند روز چهارم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بمنزل دخترش حضرت فاطمه تشریف برد دید حسنین از شدت ضعف میلرزند از حال آنها سؤال نمود حضرت

پس بر اطاعت حکم پروردگار صبور و بردبار باش و از مردم گناهکار و ناسپاس فرمان مبر (۲۴) و نام خدا را هر صبح و شام بزرگی یاد کن (۲۵) و بعضی از شب را در نماز بسجده خدا پرداز و شبهای دراز را به تسبیح و ستایش او صبح گردان (۲۶) این مردم غافل دوست میدارند دنیای شتابنده را و میگذارند پشت سر خود آنروز سخت و سنگین قیامت را (۲۷) ما آنها را آفریدیم و محکم بنیان ساختیم و اگر بخواهیم همه را نابود کرده و طایفه دیگری مانند ایشان خلق میکنیم (۲۸) این آیات پند و تذکرست تا هر که بخواهد راهی بسوی پروردگار خود پیش گیرد (۲۹) و نمیخواهید شما مگر آنکه خدا بخواهد، همانا خداوند دانا و درست کردار است (۳۰) هر کرا بخواهد در بهشت و رحمت خود داخل میکند و برای ستمکاران عذاب دردناکی آماده کرده است (۳۱)

پایان ترجمه سوره دهر

فاطمه داستان را بعرض مبارکش رسانید، رسول خدا گریست، در این اثناء جبرئیل نازل شد و آیات: ان الابرار یشر بون من کأس کان مزاجها کافورا تا آخر آیه و کان سيعکم مشکورا را آورد پیغمبر ﷺ حمد و سپاس پروردگار را بجا آورد و تبسمی بصورت آنها نمود و فرمود بگریید تهنیت و مبارک باد خدا را که جبرئیل آورده و از جانب پروردگار بشما سلام میرساند، و این آیات را درشان شما نازل نموده خداوند نعمتی بشما عطا فرموده که هرگز نابود شدنی نیست این دختر محمد ﷺ گوارا باد! تو را قرب رحمن و جوار پروردگار، درخانه جلال و جمال، خداوند میپوشاند شما را سندس و استبرق و ارجوان بهشتی، و سیراب میشوید از شربت رحیق مختوم بوشما نزدیکترین مخلوقات هستید بخداوند رحمن و ایمن باشید در آنوقتی که همه مردم محزون و ترسان میباشند. خوشا بحال دوستداران شما و کسانی که شما را عزیز و محترم میشمارند. در آن عصر و زمانیکه مردم خوار و ذلیل مینمایند شما را. ویاری میکنند شما را در آنوقتیکه یار و یابوری ندارید. وای بر امت من وای بر امت از طرف خدا. پس از آن بوسید حضرت فاطمه و امیر المؤمنین ﷺ را و بوسینه خود چسبانید حسنین را و فرمود خداوند خلیفه من است بر شما در حال حیات و ممات

من باو می سپارم شمارا کہ بہترین حافظ و نگہبان است، محفوظ بدارد خداوند دھر کسیرا کہ شمارا حفظ مینماید۔ وصلہ کند، با آنکہ باشماصلہ مینماید، یاری کند کسیرا کہ شما رایاری مینماید و خوارو ذلیل گرداند آنکسیرا کہ شما را خوار و ذلیل میکند، بزودی بمن ملحق خواهید شد نزد خداوند و حساب و پاداش شما با خدا خواهد بود۔ و این حدیث را ابن بابویہ و بسیاری از محدثین عامہ و خاصہ روایت کردہ اند و در معنای: یوفون بالنذر و یخافون یوما... از حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام روایت کردہ فرمود شیعیان ما وفا کردند بآن عہدی کہ خداوند گرفت از آنها بر ولایت ما آل محمد علیہم السلام و ترسیدند از روز پیمان و عہد کہ در عالم ذر از ایشان گرفتہ شد بر ولایت ما ائمہ۔

در کافی ذیل آیہ و یطعمون الطعام علی حبہ مسکینا ویتیمہ واسیرا۔ از حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام روایت کردہ فرمود عیال مرد، حکم اسیر را دارد، سزاوار است کہ انسان در نعمت و ارزاق و البسہ آنها در وسعت توسعہ بدهد تا آرزوی مرگ اورا نکنند۔

ابن بابویہ ذیل آیہ: واذا رایت ثم رایت نعیمہ او ملکا کبیرا۔ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود وقتی اہل بہشت داخل بہشت شدند خداوند رسولی بسوی اولیا خود می فرستد، دربان او را نگاہ می دارد تا برود اذن و اجازہ بگیرد از آن ولی و رسول پروردگار، بدون اجازہ حضور او نمی رسد، اینست سلطنت و پادشاهی بزرگ۔

(انا نحن نزلنا علیک القرآن تنزیلا قاصرا لحکم ربک ولا تطع منهم آثما او کفورا) ای رسول، ما این قرآن را نازل کردیم و فرو فرستادیم بر تو بشکرانہ آن بر اطاعت حکم پروردگار شکیبا و بردبار باش و پیروی مکن از مردم کافر بزه کارو بد کیش۔ و مقصود از آثم کفور بعضی گفتند ابوجہل است، چہ او گفت اگر محمد صلی اللہ علیہ وسلم را دیدم نماز می خواند پای خود را بر گردن او می نہم تا ہلاک شود و بعض دیگر گفتند مراد عقبہ بن ربیعہ و ولید بن مغیرہ است۔ عقبہ گفت ای محمد صلی اللہ علیہ وسلم اگر دست

از این دعوت برداری هر يك از دختران مرا كه بخواهی بدون مهر بتو میدهم و در تمام عرب از دختران من نیکوتر نیست ولید گفت ای محمد ﷺ اگر از این دعوت دست برداری چندان مال بتو میدهم كه خوشنود شوی قریش میدانند كه در میان آنها کسی بیشتر از من مال ندارد .

(واذكر اسم ربك بكرة واصيلا ومن الليل فاسجد له وسبحه ليلا طويلا) هر بامداد و شبانگاه نام خدادا بپزرگی یاد کن - مراد نماز صبح و مغرب است و بعضی از شب رادر نماز بسجده خدا پرداز و شام را به تسبیح و ستایش خدا صبح گردان مقصود نماز عشاء است .

(ان هؤلاء يحبون العاجلة ويذرون وراءهم يوما ثقیلا، نحن خلقناهم وشددنا أسرهم، واذ شئنا بدلنا امثالهم تبديلا) این کفار و مردم غافل دنیای نقد حاضر را دوست می دارند و آنروز سنگین و سخت قیامت را رها کرده و پشت سر انداخته و از یاد برده اند. ما آفریده ایم ایشانرا و بنیان آنها را محکم ساخته ایم و اگر بخواهیم آنانرا از بین میبریم و بجای ایشان طایفه دیگری خلق می کنیم .

(ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا وما تشاؤون الا ان يشاء الله ان الله كان عليما حكيما يدخل من يشاء في رحمته والظالمين اعد لهم عذابا ليما) این آیات پند و تذکر است تا هر كه بخواهد راهی بسوی خدای خویش پیش گیرد و نخواهد شما مردم مگر آنچه خدا بخواهد یعنی کارهای خود را به نادانان و گذارد چه خداوند باحوال خلق دانا و بصلاح بندگان آگاهست خدا هر كرا بخواهد در رحمت خود داخل گرداند و برای ستمکاران و کافران عذابی دردناك مهیا ساخته است .

در کافی از محمد بن فضیل روایت کرده كه از حضرت موسی بن جعفر عليه السلام

سؤال نمود معنای ان هذه تذكرة را فرمود اشاره است بولایت امیر المؤمنین عليه السلام عرض کردم يدخل في رحمته یعنی چه فرمود رحمت، ولایت ما آل محمد عليه السلام است در بصائر الدرجات ذیل آیه الا ان يشاء الله از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود

خداوند دل‌های ائمه را محل اراده خود قرار داده است هر گاه بخواهد چیزی را آنها نیز خواسته اند و معنای آیه همین است -

در کافی ذیل آیه یدخل من یشاء فی رحمته والظالمین اعدا لهم عذابا الیما از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود رحمت خدا ولایت ما ائمه است و خداوند اجل و اعز است از آنکه باو ظلم و ستم شود یا نسبت ظلم باو بدهند لکن پروردگار مخلوط نموده ما ائمه را به نفس خود و قرار داده ظلم بما را ظلم بخود و دوستی و ولایت ما را دوستی و ولایت خود سپس در این مورد آیه ای نازل نموده و فرموده: وما ظلمنا هم و لکن کانوا انفسهم یظلمون. محمد بن فضیل راوی حدیث می گوید حضورش عرض کردم این بیان تنزیل آیه است فرمود بلی -

ابن شهر آشوب از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود رحمت، وجود مقدس امیر المؤمنین (ع) و فرزندان گرامش هستند .

پایان سوره دهر

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

سورة المرسلات

مركز تحفہ کتب و علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا (۱) فَأَلْمَاصَاتِ عَصْفًا (۲) وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا (۳)
فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا (۴) فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا (۵) عُذْرًا أَوْ نُذْرًا (۶) إِنْهَا
تُوعَدُونَ نَوَاقِمٌ (۷) فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (۸) وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۹)
وَإِذَا الْجِبَالُ سُفِفَتْ (۱۰) وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِيتَتْ (۱۱) لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ
(۱۲) لِيَوْمِ الْفَصْلِ (۱۳) وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ (۱۴)

سوره والمرسلات در مکہ نازل شدہ و پنجاہ آیت و صد و ہشتاد و یک کلمہ و
ہشتصد و شانزدہ حرف است۔
خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ
فرمود ہر کس سورہ مرسلات را قرائت کند خداوند او را بہ پیغمبرش صلی اللہ علیہ وسلم
معرفی کند و در خواص قرآن از رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس
این سورہ را قرائت کند نمیباشد از مشرکین و اگر هنگام محاکمہ آن را قرائت
کند خداوند قوی گرداند او را بر خصمش و غالب گرداند او را بر دشمنش و اگر
این سورہ را بنویسند و بآب پیاز محو کنند و آن را بکسی دهند کہ درد شکم دارد
آن درد باذن خدا برطرف گردد۔

سورہ مرسلات مشتمل است بروعدہ پروردگار از بعث و نشور و ثواب و عقاب
و تہدید و توبیخ تکذیب کنندگان و کیفر آنها و ثواب و پاداش مؤمنین۔

قوله تعالى (و المرسلات عرفا و العاصفات عصفا و الناشرات نشرا) فالفرقات
فرقا فالملقيات ذكرا (عذرا او نذرا) قسم بفرستاده شدگان از پی ہی یا بادهای پی
در پی، یا فرشتگان و یا پیغمبران و قسم ببادهای تند و سخت و قسم بفرشتگانی کہ

ترجمه سوره مرسلات

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم بر سولانی که از پی هم به نیکی فرستاده شدند (۱) و سو گند بفرشتگانی که سرعت باد در انجام حکم خدا میثابند (۲) قسم بآنکه وحی خدا را در عالم نشر میدهند (۳) و بحق آنها ئیکه بین حق و باطل را جدا میکنند (۴) و بفرشتگانی که وحی خدا را به پیغمبران میرسانند (۵) تا عذر مؤمنین و ترس بدان شود (۶) سو گند بهمه اینها آنچه از ثواب و عقاب آخرت بشما وعده داده اند البته واقع خواهد شد (۷) آنگاه که ستارگان همه بی نور و معوض شوند (۸) و آسمان شکافته شود (۹) و کوهها پراکنده شوند (۱۰) آنگاه که بر سولان اعلان کنند وقت ثواب و عقاب را (۱۱) برای کدام روز معین (۱۲) برای روز جدا کردن حق از باطل (۱۳) و چگونه میتوانی تصور کنی بزرگی آنروز را (۱۴)

وحی و حکم الهی را در عالم نشر میدهند و به پیغمبران میرسانند و سو گند بکسانی که بحکم خدا حق و باطل را جدا میکنند و بحق آن فرشتگانی که وحی خدا و کتب آسمانی را به پیغمبران میرسانند برای اعدا و انذار، یعنی تا بترسانند و حجت بر مردم تمام کنند که پس از عقاب و کیفر برای ایشان حجتی نباشد این آیات قسم بود و جوابش :

(انما توعدون لواقع) آنچه شما را وعده میدهند از بعث و نشور و ثواب و عقاب البته بطور یقین واقع خواهد شد و خلافتی در آن نیست. پس از آن وقت آنرا بعلامات بیان میفرماید نه بزمان :

(فاذا النجوم طمست و اذا السماء فرجت و اذا الجبال نسفت و اذا الرسل اقتلای يوم اجلت لیوم الفصل و ما ادریک ما یوم الفصل) وعده های خدا آنوقت واقع میشود که ستارگان همه بی نور شوند و اثر آنها محو شود و آسمان را بشکافند و کوهها از جای کنده و پراکنده گردد و اعلام کنند پیغمبران را برای ثواب و عقاب مردم و برای روز معین یعنی روز قیامت. پس از آن بیان میکند آن را که چه روزی است روز قیامت همانروز فصل حکومت بین حق و باطل و جدائی میان سعید و شقی

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۱۵) أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ (۱۶) ثُمَّ نَبْعَثْهُمْ
 الْآخِرِينَ (۱۷) كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ (۱۸) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ
 (۱۹) أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ (۲۰) فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ (۲۱)
 إِلَىٰ قَدَرٍ مَعْلُومٍ (۲۲) فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ (۲۳) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
 لِلْمُكَذِّبِينَ (۲۴) أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا (۲۵) أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا (۲۶)
 وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا (۲۷) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ
 لِلْمُكَذِّبِينَ (۲۸) انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ (۲۹) انْطَلِقُوا
 إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ (۳۰) لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ الْهَبِ (۳۱) إِنَّهَا
 تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ (۳۲) كَأَنَّهُ جِبَالٌ صَفَرٌ (۳۳)

است وچہ دانی تو ای عجز و استغناء و چگونه میتوانی بزرگی آنروز جدائی را
 تصور کنی .

(ویل یومئذ للمکذبین الم نهلك الاولین ثم تبعهم الاخرین کذلک نفعل با -
 لمجرمین ویل یومئذ للمکذبین) وای در آنروز بحال کسانی که تکذیب کردند
 پیغمبران و کتابهای آسمانی و قیامت را آیا ما پیشینیان را بکیفر کفر هلاک
 نکردیم ؟ از پس آنها قومیکه منکر قرآن هستند هلاک خواهیم نمود همچنین
 بدکاران را هلاک میسازیم . وای از آنروز بحال تکذیب کنندگان . وجه تکرار آیه
 همانست که در سوره الرحمن بیان نمودیم *

(الم نخلقکم من ماء مهین فجعلناه فی قرار مکیں الی قدر معلوم فقدرنا
 فنم القادرون) آیا ما شما را از نطفه بیقدر باین زیبائی نیافریده ایم ؟ بلی ما آن نطفه
 را از صلب پدر بقر از گاه رحم مادر منتقل ساخته ایم تا مدت معین که در رحم مادر بماند

در آنروز وای بحال منکرین و تکذیب کنندگان روز قیامت (۱۵) آیا ما پیشینیان را هلاک نکردیم (۱۶) از پی آنها هم طایفه دیگر را هلاک میکنیم (۱۷) بد کاران را چنین هلاک میکنیم (۱۸) در آنروز وای بحال تکذیب کنندگان (۱۹) آیا شما را از آب بیقدر نیافریدیم (۲۰) و ما آنرا بقرار گاه رحم استوار گردانیدیم (۲۱) تا مدت معین و دانسته شده (۲۲) و ما توانائی داشتیم بر تعیین مدت و نیکو تقدیر کردیم باقیماندن در رحم را (۲۳) وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۲۴) آیا زمین را انگردانیدیم جمع کننده (۲۵) برای زنده ها و مرده ها (۲۶) و ما قران دادیم در آن زمین کوههای بلند و آب دادیم شما را آب شیرین خوشگوار (۲۷) وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۲۸) گفته شود بآنها بروید امروز بسوی آندوز خیکه تکذیب میکردید آنرا (۲۹) بروید زیر سایه های دودهای آتش سه شاخه (۳۰) نه آنجا سایه خواهد بود و نه از شراره آتش نجات خواهید یافت (۳۱) آن آتش هر شراره ای بیفکند مانند قسریست (۳۲) گویا آن شراره های آتش، شتران زردند (۳۳)

و آن نه ماه است و ما تقدیر مدت رحم و تعیین سرنوشت او را معین کردیم و نیکو تقدیر کننده و حکیمی هستیم.

(الم نجعل الارض کفاتا، احياء و امواتا و جعلنا فيها رواسی شامخات و اسقینا کم ماء فرااتا) آیا ما زمین را کافی قرار ندادیم تا زندگان روی زمین تعیش کنند و مردگان درونش پنهان شوند؟ کفات مسکن است، امیر المؤمنین علیه السلام چون از جنگ بازگشت نظرش بقبرها افتاد فرمود این جا کفات مردگان است پس از آن نگاهی بخانه های کوفه نمود و فرمود اینجا مساکن زندگان است و آیه فوق را تلاوت فرمود -

در کافی ذیل آیه مزبور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود دفن میشود از انسان موها و دندانهای او -

و بیافریم در زمین کوههای بلند و سخت را و از باران، بشما آب زلال کواری نوشانیدیم

(انطلقوا الی ما کنتم به تکذبون انطلقوا الی ظل ذی ثلاث شعب لا ظلیل ولا

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۳۴) هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ (۳۵) وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ (۳۶) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۳۷) هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ (۳۸) فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ (۳۹) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۰) إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ (۴۱) وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ (۴۲) كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۴۳) إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۴۴) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۵) كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ (۴۶) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۷) وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ازْكُمُوا لَا تَزْكُمُونَ (۴۸) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ (۴۹) فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ (۵۰)

یعنی من اللہ بابت تر می بشر کہ القصر کا نہ جمالہ صفر) خطاب میرسد بکفار ای منکران امروز بسوی آندوزخی کہ تکذیب می کردید بروید ، در زیر سایہ های دود آتش دوزخ کہ از سه طرف شمارا احاطہ کردہ است، در آنجانہ سایہ ای خواہد بود ونہ از شرارہ آتش نجاتی توانید داشت آن آتش ہر شعلہ و شرارہ ای کہ افکند مانند قصریست ، گویا آن شرارہ چون شتران زرد موی است ۔

شیخ طوسی ذیل آیہ فوق از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر گاہ مردم از عطش و تشنگی بآنها گویند پناہ ببرید بامیر المؤمنین علیہ السلام همانکسیکہ تکذیب می کردید اورا ، چون بحضرتش پناہ ببرند بایشان گفتہ شود بروید زیر سایہ های دود آتش دوزخ کہ از سه جانب شمارا احاطہ خواہد کرد ۔

(ہذا یوم لا ینطقون ولا یؤذن لم فیعتمدون) این همان روزیست کہ کافران بر نجات خود سخن نگویند و رخصت عذر خواہی بآنها دادہ نشود۔ در کافی ذیل آیہ فوق

وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۳۴) این روزیست که کافران سخن نگویند (۳۵) و بآنها رخصت عذر خواهی نخواهند داد (۳۶) وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۳۷) این روز حکم جدائی نیک و بد است و روزیست که شما را با گذشتگان بعرصه معشر جمع کنیم (۳۸) پس اگر مکروه حبله ای میتوانید بکنید انجام دهید (۳۹) وای بحال تکذیب کنندگان در آنروز (۴۰) آنروز پرهیزکاران در سایه درختان و کنار چشمه های بهشت متنعمند (۴۱) به آنها گفته شود از هر نوع میوه که میخواهید مهیا است (۴۲) بخورید و بیاشامید گوارا باد شمارا، اینها پاداش اعمالیست که بجا آوردید (۴۳) نیکوکاران را اینچنین پاداش میدهیم (۴۴) وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۴۵) ای کافران شما هم بخورید و لذت ببرید لذت اندکی، همانا شما بد کارید (۴۶) وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۴۷) چون بآنها گفته شود رکوع کنید رکوع نکنند (۴۸) وای در آنروز بحال تکذیب کنندگان (۴۹) پس بکدام سخن بعد از تکذیب قرآن ایمان می آورید (۵۰)

پایان ترجمه سوره مرسلات

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند اجل و عادل تر از آنست که عذر بندگان را نپذیرد و نگذارد آنها حاجت خود را بیان کنند لکن چون فلج شدند و عذری ندارند از این جهت نمیتوانند سخن بگویند .

(هذا يوم الفصل جمعناكم والاولين فان لكم كيد فكيدون) اینروز روز فصل حکومت و جدائی نیک و بد است و شما را با همه گذشتگان پیشین بعرصه معشر جمع کنیم پس اگر چاره ای دارید بر نجات خود بیاورید .

(ان المتقين في ضلال و عيون و فوا که ممایشتهون کلوا و اشرابوا هنيئا بما كنتم تعملون انا كذلك نجزي المحسنين) روز قیامت بندگان با تقوی و پرهیزکاران در سایه درختان بهشت و اطراف نهرهای جاری متنعمند و از هر نوع میوه که مایل باشند فراهم است بآنها خطاب لطف شود که از هر طعام و شربتی بخواهید بخورید و بیاشامید گوارا باد بر شما، اینها پاداش اعمال نیکی است که در دنیا بجا آورده اید ما اینگونه نیکوکاران را پاداش می دهیم -

ابن شهر آشوب از تفسیر ابی یوسف ابن یعقوب کہ یکی از مخالفین است و او از مجاہد و ابن عباس روایت کردہ گفت مقصود از متقین در این آیہ امیر المؤمنین علیہ السلام و حسنین علیہ السلام است آنہا در سایہ درختہای بہشت و خیمہ ہائی از لؤلؤ کہ طول ہر خیمہ ای یکفرسخ است سکونت دارند و مراد از: و كذلك نجزي المحسنين کسانی ہستند کہ صرفاً مطیع امر خداوند بودہ و ایشان اہل بیت علیہم السلام باشند در بہشت و این حدیث را ابی یوسف کہ او نیز از علماء مخالفین است نقل نمودہ است .

در کافی از ع بن فضیل روایت کردہ گفت از حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام سؤال کردم متقین چہ اشخاصی ہستند فرمود سو گند بخدا ماو شیعیان ہستیم و کسی جز ما بر ملت حضرت ابراہیم نیست و سایر مردم از آن ملت بیزاری میجویند عرض کردم حضورش مجرمین چہ اشخاصی ہستند فرمود بنی امیہ و بنی عباس گفتم مکذبین چہ مردمانی باشند فرمود کسانی کہ تکذیب کردند ولایت امیر المؤمنین علیہ السلام را و اولین آنہائی ہستند کہ پیغمبران گذشتہ را تکذیب نمودند در اطاعت اوصیاء و آنہا و مجرمین این امت کسانی بودند کہ ظلم نمودند بآل علیہم السلام و اعمال ناشایستہ ای نسبت بوصی محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم امیر المؤمنین علیہ السلام بجا آوردند .

و حضرت رضا علیہ السلام فرمود مراد باولین اولی و دومی و مقصود از آخرین سومی و بنی امیہ و بنی عباس است و این حدیث را شرف الدین نجفی نیز روایت کردہ است .

(کَلُوا وَ تَمْتَعُوا قَلِيلًا اِنَّكُمْ مُجْرِمُونَ ، وَ اِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ وَ يَلْعَنُوا يَوْمَئِذٍ اِنَّ الْمَكْذِبِينَ فِيْهَا حَدِیْثٌ بَعْدَهُ يُؤْمِنُوْنَ) در این آیہ خطاب می کند بکفار و گنہگار : بخورید و لذت برید بعمر کوتاہ دنیا ، شما مردم بسیار بد کردار و مجرم ہستید و چون باین کافران گویند نماز بجا آورید اطاعت نکرده و فرمان نبرند و ای بحال تکذیب کنندگان آیات خدا - آنانکہ قرآن و آیات خدا را تکذیب کردند بکدام حدیث و کتاب ایمان خواہند آورد .

شرف الدین ذیل آیہ فوق از ابی حمزہ ثمالی روایت کردہ گفت سؤال نمودم از حضرت باقر علیہ السلام معنای آیہ را فرمود باطن آیہ آنست: چون بنماضیہا گویند بر گردید بسوی ولایت ائمہ و متوجہ آنہا بشوید و دوست بدارید ائمہ را بر نگردند و توجہی بایشان پیدا نکنند .

پایان سوره و المرسلات

سورة النبأ

مركز تحقیق و ترویج علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ (۱) عَنِ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ (۲) الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ (۳) كَلَّا
 سَيَعْلَمُونَ (۴) ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (۵) أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا (۶)
 وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا (۷) وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا (۸) وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُباتًا (۹)
 وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا (۱۰) وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا (۱۱) وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ
 سَبْعًا شِدَادًا (۱۲) وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا (۱۳)

سوره نباء در مکه نازل شده و چهل آیه و صد و نود و سه کلمه و سیصد و نود حرف است.

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره نباء را تا مدت یکسال هر روز قرائت کند زیارت مکه معظمه را نصیب او گردانند.

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند و حفظ نماید برای او حسابی در قیامت نباشد مگر بمقدار نوشتن این سوره تا داخل بهشت شود و هر که بنویسد آن را و همراه خود بدارد باقوت و هیبت گردد و جانوری باو نزدیک نشود و اگر مسافر در حال سفر آن را قرائت کند در شب از هر بلائی محفوظ بماند باذن خداوند.

سوره نباء مشتمل است بر احوال قیامت و تکذیب کردن قریش از قرآن و پیغمبر و قیامت و کیفر کفار و گناهکاران و توبیخ و تهدید آنها و پاداش مؤمنین قوله تعالی (عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ) مردم از چه می پرسند؟ از خبر بزرگ که در آن اختلاف میکنند.

ترجمہ سورہ نباہ

بنام خداوند بخشنده مهربان

از چه چیز می پرسند (۱) از خبر بزرگ قیامت (۲) که در آن با هم اختلاف میکنند (۳) چنین نیست بزودی خواهند دانست (۴) پس بزودی : خطای خود آگاه میشوند (۵) آیا مازمین را محل آسایش نگردانیدیم (۶) و کوهها را میخ و ستون زمین نساختیم (۷) ما شما را جفت آفریدیم (۸) و خواب را برای شما مایه قوام و استراحت قرار دادیم (۹) و شب را لباس و پوشش گردانیدیم (۱۰) و روز را برای تحصیل معاش مقرر داشتیم (۱۱) و بر فراز شما هفت آسمان محکم بنا کردیم (۱۲) و چراغی چون خورشید درخشان برافروختیم (۱۳)

مفسرین در نباہ عظیم اختلاف کرده اند بعضی گفتند قرآن است که در آن خلاف کردند جمعی سحرش خواندند و بعضی شعر و فرقه ای افسانه و طایفه ای گفتند نباہ پیغمبر است که ساحر و کاهن و شاعر و دیوانه اش خواندند و در تفسیر اهل بیت عصمت و طهارت نباہ عظیم امیر المؤمنین علیه السلام است چنانکه در کافی از ابی حمزه روایت کرده که سؤال نمودم از حضرت باقر علیه السلام معنای نباہ عظیم را فرمود امیر المؤمنین علیه السلام است خود آنحضرت فرموده برای خدا آیه و نباہ بزرگتری از من نیست و این حدیث را در بصائر الدرجات با زیادتیی این جمله روایت کرده فرمود آنحضرت ولایت مرا خداوند بر امتهای گذشته فرض و واجب نموده با همان اختلاف زبانیکه داشتند بسیاری از آنها قبول نمودند و اقرار بفضیلت من نکردند ابن بابویه از حضرت امام زین العابدین علیه السلام و حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمودند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با امیر المؤمنین علیه السلام فرمود یا علی تو باب و راه خدا و حجة پروردگار و نباہ عظیم و صراط مستقیم و مثل اعلی هستی - و حافظ عهد بن مؤمن شیرازی که یکی از مخالفین است در کتاب مستخرج از تفاسیر اثنی عشر ذیل تفسیر آیه فوق از سدی روایت کرده گفت صخر بن حرب وارد شد بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد ای عهد امر ولایت بعد از شما برای کیست ؟ فرمود برای

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَاجًا (۱۴) نَخْرِجُ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (۱۵)
وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (۱۶) إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا (۱۷) يَوْمَ يُنفَخُ فِي
الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۱۷) وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹) وَسُيِّرَتِ
الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا (۲۰) إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا (۲۱) لِلطَّاغِينَ
مَأْبًا (۲۲) لَا يَتَّبِعُ فِيهَا أَحْقَابًا (۲۳) لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا
(۲۴) إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَاقًا (۲۵) جَزَاءً وَفَاقًا (۲۶) إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ
حِسَابًا (۲۷) وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا (۲۸) وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا
(۲۹) فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَ كُمْ إِلَّا عَذَابًا (۳۰)

کسی است که او نسبت بمن بمنزله هرون است نسبت بموسی جبرئیل نازل شدو
آیات فوق را آورد و گفت ای رسول خدا بعضی از امت تو تصدیق ولایت و خلافت
علی علیه السلام را بنمایند و بعض دیگر تکذیب کنند و بزودی شناسند و یقین نمایند
بولایت علی علیه السلام در قبر هنگام سؤال کردن از آنها بدانکه در مشرق و مغرب عالم
و بیابان و دریا نمیرد کسی مگر آنکه نکیر و منکر سؤال کنند از او در باره ولایت
و خلافت علی و می پرسند پرورده گار تو کیست و دین تو چیست و پیغمبر تو کیست
و امام تو کیست ؟ و از علقمه روایت کرده گفت روز جنگ صفین مردی از لشکر
شام با سلاح بیرون آمد و قرآنی حمایل خود کرده بود بجای رجز خواندن چنانکه
مرسوم اعراب است میخواند :

(عم يتساءلون عن النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون) من خواستم پیش او
روم امیر المؤمنین علیه السلام فرمود بر جای خود باش. خود آنحضرت پیش رفتی بآنمرد
گفت منم نبأ عظیم و خبر بزرگی که در من خلاف کردید و در ولایت من نزاع
نمودید و از ولایت من باز آمدید آنگاه قبول کردید و بظلم و بغی و ستم هلاک

و از فشار و تراکم ابرها آب ریزان فرو ریختیم (۱۴) تا بان دانه و گند
 رویانیدیم (۱۵) و بوستان بهم پیچیدہ پدید آوردیم (۱۶) همانا روز قیامت کہ
 روز فصل خصومت است و عہدہ گاہ خلق میباشد (۱۷) آنروز کہ در صور دمیدہ
 شود مردہ گان زندہ شوند و فوج فوج بمحشر در آیند (۱۸) و گشودہ شود
 آسمان و پدید آید درہای مختلف (۱۹) و کوهہا مانند سراب روان گردد (۲۰)
 همانا دوزخ در انتظار بدکاران است (۲۱) آندوزخ جایگاہ مردم سرکش و ستمکار
 است (۲۲) در آندوزخ قرنہا درنگ کنند (۲۳) و ہرگز آب سرد و شراب پاکیزہای
 نچشند (۲۴) مگر آب جوشان و چرک و ریم (۲۵) کہ با کیفر کردار آنها موافق
 است (۲۶) چہ آنان امید بروز حساب نداشتند (۲۷) و آیات ما را تکذیب کردند
 (۲۸) و ما ہر چیزی از کردار آنها را در لوح محفوظ شمردیم (۲۹) پس ہمیشہ
 عذاب را و ہرگز جز شکنجہ و عذاب بر شما نیفرائیم (۳۰)

شدید از کفر بوسیلہ شمشیر من بیرون آمدید و روز غدیر را دانستید و روز قیامت
 خواہید دانست آنچه بجا آورده اید و بکیفر آن خواہید رسید پس از آن شمشیر
 کشید و سرش را از تن جدا کرد و بدرك واصل شد۔
 و از اصبح بن نباتہ روایت کردہ گفت روز جنگ جمل در بصرہ سواری از
 لشکر بصرہ بیرون آمد و آیات فوق را میخواند امیر المؤمنین علیہ السلام پیش رفت و باو فرمود
 می شناسی آن خبر بزرگ را عرض کردہ خیر فرمود بخدا قسم منم نباء عظیم کہ
 در من خلاف کردید بزودی خواہید شناخت مرا آنوقتیکہ میان بہشت و دوزخ
 بایستم و خلایق را قسمت کنم و بدوزخ گویم این برای تو و آندیکہ برای من بگیر
 اورا کہ از دشمنان منست و دست بر دار از این شخص کہ از دوستان منست و بزودی
 خواہید دانست کہ من نباء عظیم ہستم آنزمان کہ در کنار حوض کوثر بایسم و
 طایفہای را از حوض کوثر برانم چنانکہ در دنیا شتر غریب را از کنار حوض آب
 برانند پس از آن بصری را بقتل رسانید و بجای خود باز گشت ۔

(اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ مِهَادًا وَالْجِبَالَ اَوْتَادًا وَخَلَقْنَا لَكُمْ لُزُوجًا وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ
 سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا وَ

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا (۳۱) حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا (۳۲) وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا (۳۳)
وَكَأْسًا دِهَاقًا (۳۴) لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَابًا (۳۵) جَزَاءُ
مَنْ رَبَّكَ عَطَاءَ حِسَابًا (۳۶) رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ
لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا (۳۷) يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا
يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا (۳۸) ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ
فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا (۳۹) إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ
الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا (۴۰)

جعلنا سراجا وهاجا و انزلنا من المعصرات ماء ثجاجا لنخرج به حبا و نباتا و
جنات الفافا (آيا ما زمين را محل آسايش خلق قرار داديم و كوهها را ستون و
ميخهای زمين و نگهبان آن نساختيم ماشما را جفت نر و ماده آفريديم و خوابرا
برای شما مایه قوام و استراحت قرار داديم و شب را سائر و لباس خلق گردانيديم
يعنی بتاریکی همه چیز پوشیده شود و روز را برای تحصیل معاش خلق قرار داديم
و بر فراز شما هفت آسمان محکم بنا کردیم و در آن چراغی فروزان چون خورشید
رخشان بر افروختیم و از فشار و تراکم ابرها آب باران فری ریختیم و بآن آب
دانه و گیاه رویانیدیم و باغهای پر درخت و انواع میوه ها پدید آوردیم -

در کافی ذیل آیه و جعلنا سراجا وهاجا از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
فرمود خورشیدی که مشاهده میکنید نور او یکجزء از هفتاد جزء نور کرسی است و
نور کرسی يك جزء از هفتاد جزء نور عرش است و نور عرش يك جزء از هفتاد جزء
نور حجاب و نور حجاب يك جزء از هفتاد جزء نور ستر است *

(ان يوم الفصل كان ميقاتا يوم ينفخ في الصور فتأتون افواجا و فتحت السماء
فكانت ابوابا و سیرت الجبال فكانت سرابا) روز قیامت که روز فصل خصوصت است

ہمانا برای پرهیز کاران دستگاریست (۳۱) باغها و بوستان است (۳۲) و دختران زیبا و دلربا که همه مانند یکدیگرند (۳۳) و جامهای پر از شراب طهور (۳۴) هرگز سخن بپهوده و دروغ نشنوند (۳۵) این نعمتها پاداش و عطای پرورده گاراست (۳۶) همان پرورده گار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است خدای بخشنده که از قهر و سطوتش با اولب بگفتگو نتوانند گشود (۳۷) روزیکه روح و فرشتگان صف زده و بنظم بایستند. کسی سخن نگوید جز آنکه خدا رخصت دهد و سخن بصواب گوید (۳۸) این روز حق و راست است، پس هر که میخواهد نزد خدای خود منزلتی یابد در راه طاعت بکوشد (۳۹) ماشما را از غذایی که نزدیک است میتراسانیم روزیکه آدمی بنگرد آنچه کرده و در پیش روی خود حاضر بیند. کافران در آنروز از فرط عذاب آرزو کنند ایکاش خاک بودند و بچنین غذایی گرفتار نمیشدند (۴۰)

پایان ترجمہ سورہ نباہ

آنروز وعده گاه خلق است یعنی آنچه خداوند وعده فرموده در آنروز انجام گیرد روزی که در صور دمند مردگان زنده شده و فوج فوج بمحشر در آیند۔ معاذ جبل گفت در خانه ابو ایوب انصاری از رسول خدا معنای آیه را سؤال نمودم فرمود ای معاذ از کار بزرگی سؤال کرده ای روز قیامت مردم بر ده نوع محشور شوند. خدایتعالی برای هر نوعی علامتی معین فرمود تا تمیز داده شوند مؤمنین از یکدیگر۔ بعضی بصورت بوزینه و بعضی بصورت خوک و بعضی سرنگون و بعضی کور که باین طرف و آنطرف میروند و می افتند و راه را نمی بینند و بعضی کر و گنگ و طایفه ای زبانهایشان بر سینه افتاده و بعضی دست و پای بریده و بعضی را بروی درخت آتش نشانیده اند و بعضی را لباس قطران بپوشانند و طایفه ای بوی عفونت مانند بوی مردار از ایشان بیرون آید آنهایی که بصورت بوزینه محشور میشوند کسانی هستند که سخن چین و نمام بودند در دنیا و اهل سحت و رشوه خواران بصورت خوک باشند و ربا خواران سرنگون بمحشر آیند و قاضیان کور وارد محشر می شوند و کزان و کنگان مردمانی هستند که عبادت ریا و عجب بجا می آوردند و علمائی که عمل بعلم خود نکردند وارد محشر می شوند درحالتیکه

زبانهای خود را جویده و بروی سینه های ایشان افکنده شده و کسانی که همسایگان خود را اذیت و آزار میکنند دست و پا بریده وارد محشر شوند و آنهایی که سعایت میکنند از برای مردم نزد پادشاهان و امراء بر درختهای آتشین آویخته شده و به محشر آیند و کسانی که در دنیا مشغول شهوترانی و لذات حرام بودند در محشر بوی عفونتی از آنها خارج شود که اهل محشر از آن بوی متأذی شوند و متکبرین و گردنکشان را لباس قطران و آتشین بپوشانند و وارد محشر کنند.

و در جامع اخبار از ابن مسعود روایت کرده گفت حضور امیر المؤمنین علیه السلام بودم فرمود در قیامت پنجاه موقف است و هر موقفی هزار سال طول کشد.

موقف اول خارج شدن از قبر است هر کس ایمان بخدا و رسول و بهشت و دوزخ و حشر و حساب داشته و اقرار و اعتراف نموده بآنچه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خداوند آورده از گرسنگی و عطش روز قیامت نجات یابد پس از آن آیه را تلاوت فرمودند.

(و آنروز درهای آسمان را بکشایند و کوهها را برفتن آرند تا چون سراب گردد.)

(ان جهنم کانت مرصدا للطاغین ما با لاثین فیها احقابا لا ینزفون فیها برذا ولا شرابا الا حمیما و غساقا جزاء و فاقا انهم کانوا لا یرجون حسابا و کذبوا بآیاتنا کذا با) همانا دوزخ در انتظار بدکاران است و آن جایگاه مردم سرکش و ستمکاران است در آنجا قرنهای مقام کنند و عذاب کشند.

ابن بابویه ذیل آیه مزبور از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود احقاب جمع حقب است و هشتاد حقب باشد و هر حقبی هشتاد سال و هر سالی سیصد و شصت روز است و هر روز هزار سال از سالهایی که شما میشمارید. عیاشی از حهران روایت کرده که سؤال نمودم از حضرت باقر علیه السلام آیه را فرمود این آیه مخصوص اهل توحید و کسانی است که از جهنم عاقبت خارج میشوند و آنها فساق و ستمکارانند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود بیرون نمی آید کسی از جهنم مگر بعد از مکث کردن احقابی. اما کفار و منافقین هرگز خارج نخواهند شد.

در آندوزخ قطره‌ای آب سرد و شربت پاکیزه و گوارا نیاشامند مگر آب جوشانیده و سوزان و کثافات اهل دوزخ که با کیفر اعمال آنها موافق است. چه آنها امید بروز حساب نداشتند و آیات ما را تکذیب مینمودند و حال آنکه ما هر چیز را در کتابی بشماره نوشته ورقم کردیم۔ پس بچشید که بر شما چیزی جز رنج و عذاب دوزخ نیفزائیم ابو بربیده اسلمی گفت: سؤال کردم از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم از سخت ترین آیه اینکہ در باره اهل دوزخ نازل شدہ فرمود آیه: فذوقوا فلن نزيدکم الا عذابا، است •

(ان للمتقين مفازا حدائق و اعنابا و کوا عب اترابا و کاسا دهاقا لا یسمعون فیہا لغوا ولا کذابا جزاء من ربک عطاء حسابا)

در این آیات بیان میکند پاداش پرهیز کاران را: برای پرهیز کاران نجات و رستگاری و آسایش است و برای ایشان آماده شدن باغها و بستان و درختهای انگور و دختران زیبا و دلربائی که پستانهایشان برآمده و همه در خوبی و جوانی مانند یکدیگرند و جامهای پر از شراب ظهور و هرگز سخن لغو و بیہودہ و دروغ نشنوند این نعمتها پاداش و عطاء پروردگار است همان خدائی کہ آسمان و زمین و آنچه میان آنها است بیا فرید و بخشانیدہ و مہربانست و کسی از قہر و سطوتش با او بگفتگو لب نتواند گشود یعنی بدون فرمانش کسی شفاعت نتواند نمود •

(یوم یقوم الروح و الملائکۃ صفا لا یتکلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا ذلک الیوم الحق ، فمن شاء اتخذ الی ربہ ماآبا ، انا انذرناکم عذابا قریبا، یوم ینظر المرء ما قدمت یداء ویقول الکافر یا لیتنی کنت ترابا) روزیکہ روح بایستد و فرشتگان صفزدہ، سخن نگویند مگر آنکہ خدا دستوری دہد و جز حق و صدق نگویند۔

در کافی ذیل آیه فوق از محمد بن فضیل روایت کردہ گفت از حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام سؤال نمودم معنای آیه را فرمود بخدا قسم ما ائمہ هستیم کہ خداوند اذن و اجازه دادہ کہ روز قیامت تکلم کنیم عرض کردم در آنروز چه تکلمی میفرمائید فرمود حمد میکنیم پروردگار را و درود میفرستیم بر محمد و آل او و شفاعت

میکنیم از شیعیان خود و خداوند شفاعت ما ائمه را رد نخواهد نمود و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود روز قیامت خلائق را در مکانی جمع کنند و محو شود از دل آنها گفتن لا اله الا الله مگر آن کسانی که بولایت امیر المؤمنین علیه السلام اقرار کردند و این است معنای آیه شریفه -

آنروز قیامت حق است پس هر کس میخواهد نزد خدای خود در آن روز مقام و منزلتی یابد در راه طاعت بکوشد و از معصیت اجتناب کند ما شما را از عذاب نزدیک روز قیامت میترسانیم آنروز مرد نگران باشد از عملی که بجا آورده و منتظر است جزاء و یا کیفر اعمال خود را که پیش فرستاده و کافران در آنروز از شدت عذاب آرزو کنند که ایکاش خالک بودند و بچنین عذابی گرفتار نمیشدند محمد بن عباس ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود کافر میگوید ایکاش من ابو تراب (امیر المؤمنین) را دوست میداشتم -

ابن بابویه از عبایه بن ربیع روایت کرده گفت بابن عباس گفتم بچه مناسبت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام را ابو تراب کنیه داد گفت برای آنکه آنحضرت صاحب زمین و حجة خداوند است بر اهل زمین، و زمین بوجود مقدس آن حضرت ساکن و باقی است شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود روز قیامت چون کفار مشاهده کنند آنچه را که خداوند وعده داده بود بشیعیان علی علیه السلام از اجر و قرب و منزلت و کرامت آرزو میکنند و میگویند ایکاش ما هم از شیعیان علی و ترابی بودیم یعنی با آنحضرت منسوب بودیم - اینست معنای یالیتی کنن ترابا یعنی علوی بودیم و ابو تراب را دوست میداشتم -

پایان سورہ نباہ

سورة النازعات

مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا (۱) وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا (۲) وَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۳)
فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا (۴) فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا (۵) يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ (۶)
تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ (۷) قُلُوبٌ يُومِنُ وَاجِفَةٌ (۸) أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ (۹)
يَقُولُونَ ءِإِنَّا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ (۱۰) ءِإِذَا كُنَّا عِظَامًا نَخِرَةً (۱۱)
قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ (۱۲)

سورة نازعات در مکہ نازل شدہ چهل و شش آیه و صد و نوزده کلمہ و هفتصد و پنجاه حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره نازعات را قرائت کند مگر سیراب و محشور نشود مگر آنکه سیراب داخل بهشت شود و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند از عذاب خدا ایمن باشد و روز قیامت او را از شراب سرد سیراب گرداند و هر کس مقابل دشمن این سوره را قرائت کند منحرف شود آندشمن از او وسالم و محفوظ بماند و ضرری باو نرساند و اگر از کسی بترسد وقت داخل شدن بر او این سوره را قرائت کند نجات یابد و ایمن باشد از شر او بآذن خداوند سوره نازعات مشتمل است بر احوال قیامت و احوال آن و شطری از داستان موسی و فرعون و تهدید و توبیخ منکرین قیامت و حشر .

قوله تعالى (وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا وَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا) قسم بفرشتگانی که جان کافرانرا بسختی بگیرند و قسم بفرشتگانی که جان مؤمنین را باسایش و نشاط ببرند .

ترجمہ سورہ نازعات

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم بفرشتگانی که جان کافران را بسختی بگیرند (۱) و بفرشتگانی که جان اهل ایمان را با سایش و نشاط ببرند (۲) و بفرشتگانی که با سرعت فرمان حق را انجام دهند (۳) و قسم به پیشی گیرندگان و شتابنده ها (۴) و قسم بتدبیر کنندگان کار (۵) روزی که زمین بلرزد در آید و شکافته شده و اهلش بیرون آیند (۶) و از پی آن بمحشر حاضر شوند (۷) در آنروز دلها هراسان و ترسان شود (۸) مردم چشمها بزیر افکنند (۹) گویند آیا ما پس از مرگ باز میگردیم بحال زندگانی (۱۰) چگونه زنده شویم و حال آنکه استخوان ما پوسیده شده (۱۱) گویند این باز گشتن بسی زیانکار خواهیم بود (۱۲)

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود فرشتگان جان کفار را از میان پوست و از زیر هر موی و ناخن بسختی بیرون میآورند و کافر در وقت مرگ خود را چون غرقشده میبیند و مؤمنین در وقت مرگ با نشاط هستند چه هنگام مرگ بهشت را بایشان نشان میدهند و حوریان بآنها میگویند بسوی ما آی که در انتظار توهستیم مؤمن از این مسرور و با نشاط شود.

ابن فهد در کتاب عده از معاذ جبل روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود هلاک نکنید مردم را که سکهای اهل جهنم هلاک مینمایند شما را خداوند میفرماید والناشطات نشطا میدانید ناشطات چیست؟ آنها سکهای اهل آتش هستند که گوشت و استخوان بدن شما را میکنند و با نشاط میشوند.

قسم بفرشتگانی که با کمال سرعت فرمان حق را انجام میدهند و قسم به ارواح مؤمنینی که سبقت میگیرند بر یکدیگر بسوی بهشت -

حضرت باقر علیه السلام فرمود ارواح مؤمنین سبقت میگیرند بر یکدیگر بسوی بهشت و ارواح کافرین بسوی جهنم چنانچه در دنیا با یکدیگر پیشی میگیرند .
و قسم بفرشتگانی که فرمان حق در تدبیر نظام خلق میکوشند
پروردگار تدبیر امور دنیا را بچهار فرشته وا گذار فرموده جبرئیل و

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ (۱۳) فَإِذَا مِمَّ السَّاهِرَةِ (۱۴) هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ مُوسَى (۱۵) إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِاللَّوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى (۱۶) إِذْ هَبَّ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (۱۷) فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَنْ تَزْكَىٰ (۱۸) وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ (۱۹) فَأَرَاهُ الْكُفْرَىٰ (۲۰) فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ (۲۱) ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَىٰ (۲۲) فَحَشَرَ فَنَادَىٰ (۲۳) فَقَالَ أَنَارُبْكُمْ الْأَعْلَىٰ (۲۴) فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ (۲۵) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشَىٰ (۲۶) ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنِيهَا (۲۷) رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيَهَا (۲۸)

میکائیل و اسرافیل و عزرائیل جبرائیل موکل بر باد ها و لشکرها میکائیل جوکل بر باران و نباتات و ارزاق خلائق اسرافیل موکل بر فرمان الهی عزرائیل موکل بر قبض ارواح است -

ابن بابویه ذیل آیه والمدبرات امرا از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود جمعی از خواص اصحاب پدرم حضرت صادق علیه السلام در شب ماه تابی حضورش نشسته بودند گفتند ای فرزند رسول خدا چقدر نیکو است منظره آسمان و نورانی است ستارگان فرمود بدانید مدبرات امور چهار فرشته هستند جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل بزمین نظر میکنند و شماوبرادرهایتان را در اطراف عالم مشاهده مینمایند و نور شما شیعیان در زمین و آسمان بهتر و نیکوتر است از نور این ستارگان ؛ و اهل آسمان هم سخنان شما را میگویند چقدر نورانی هستند مؤمنین.

این آیات قسم بود و جواب آنها محذوف است و آنست قسم باین چیزها هر نفسی آنچه عمل کرده و انجام داده جزا دهم و بعض از مفسرین گفتند جواب قسم آیه ان فی ذلك لعبرة لمن یخشی میباشد و شایسته است آیه برای جواب .

جز این نیست که يك نداء است (۱۳) پس آنگاه همه از خاک بسوی محشر رهسپار شوند (۱۴) آیا داستان موسی بتو رسیده (۱۵) هنگامیکه خدا او را دروادی مقدس صدا کرد (۱۶) برو بسوی فرعون که او سرکشی نموده (۱۷) پس بگو باو آیا میل داری که از پلیدی پاکیزه شوی (۱۸) و تور را رهنمائی کنم بسوی پروردگارت پس بترسی و فروتن شوی (۱۹) پس موسی آیه و معجزه‌ای براو نمود (۲۰) فرعون تکذیب و نافرمانی کرد (۲۱) پس از آن روی بگردانید و میشتافت (۲۲) پس جمع کرد و صدا زد مردان دربار خود را (۲۳) و بآنها گفت منم خدای بزرگ شما (۲۴) خدا هم او را بعقاب دنیا و آخرت گرفتار کرد (۲۵) همانا هلاکت فرعون عبرت است برای کسیکه از خدا میترسد (۲۶) آیا خلقت شما آدمیان استوارتر است یا بنای آسمان بلند (۲۷) برداشت آسمان را سقفی بلند و استوار ساخت آنرا (۲۸)

يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة قلوب يومئذ واجفة ايسارها خاشعة يقولون ائنا لمردودون في الحافرة ائذا لما نخرة قالوا تلك اذا كرة خاسرة فانما هي زجرة واحدة فاذا هم بالساهرة (روزی که نفخه صور بدمد و زمین شکافته و بلرزه در آید و اهلش بیرون آیند و از پی آن بمحشر حاضر شوند در آنروز دلها سخت هراسان و ترسان باشد مردم از ترس دیدگان را بزیر افکنند گویند آیا پس از مرگ باز زندگانی دیگر خواهیم یافت پس از آنکه استخوانهای ما پوسیده شده دوباره زنده خواهیم شد؟)

محمد بن عباس از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمود راجفه حضرت امام حسین عليه السلام است و رادفه امیر المؤمنین عليه السلام اول کسیکه خاک را از سر خود دور میکند امام حسین عليه السلام است با هفتاد و پنج هزار نفر چنانکه خداوند میفرماید انا لننصر رسلنا و الذین آمنو فی الحیوة الدنیا و یوم یقوم الا شهداء یوم لا ینفع الظالمین معذرتهم و لهم اللعنة و لهم سوء الدار- گفار گفتند این رجعت رجعتی باشد زیان کار یعنی اگر چنان است که عند ربنا میگوید ما در این رجعت زیان کار باشیم و این سخن را بطریق سخریه گفتند -

محمد بن عباس از حضرت باقر عليه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحِيهَا (۲۹) وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيهَا (۳۰)
 أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعِيهَا (۳۱) وَالْجِبَالَ أَرْسِيهَا (۳۲) مَتَاعًا لَّكُمْ
 وَلِأَنْعَامِكُمْ (۳۳) فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَى (۳۴) يَوْمَ يَتَذَكَّرُ
 الْإِنْسَانُ مَا سَعَى (۳۵) وَبُرُزَّتِ السَّجَنُ لِمَنْ بَرَى (۳۶) فَأَمَّا مَنْ طَغَى
 (۳۷) وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۳۸) فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى (۳۹) فَأَمَّا مَنْ
 خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى (۴۰) فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى (۴۱)

فرمود کرہ مبارک کی کہ نفع میرساند باہلش روز حساب ولایت من و ولایت علی علیہ السلام
 و فرزندان او و پیروی کردن از من و از علی و فرزندان علی است بواسطہ داشتن
 ولایت ما خداوند امر میفرماید آنها را داخل بہشت کنند و کرہ خاسر و زیان -
 آور دشمنی کردن با من و علی و اوصیاء بعد از او باشد بواسطہ این عداوت خداوند
 امر میکند آنها را در اسفل السافلین جہنم داخل گردانند -

پس از آن خداوند در جواب کفار میفرماید جز یک آواز کہ در صور دهند
 بیش نباشد کہ بآن صدا نا گہان ہمہ از خاک بیرون آیند و بزمین قیامت حاضر
 باشند .

(هل اتیک حدیث موسی اذنادی ربہ بالواد المقدس طوی اذهب الی فرعون
 انه طغی) در این آیہ پروردگار بیان میکند داستان فرعون را کہ رسول خدا موسی
 را تکذیب کردند برای تسلیت خاطر پیغمبر اکرم ﷺ ایرسول ما آیا خبر موسی
 بتورسیدہ آنگاہ کہ خداوند او را در وادی مقدس صدا کرد و فرمود برو بسوی فرعون
 کہ طغیان کردہ بگو باو آیا میل داری کہ از پلیدی پا کیزہ شوی و ترا براہ ہدایت
 و خدا دلالت کنم تا از عظمت و قدرت او خاشع و فروتن شوی موسی نزد فرعون
 رفت و او را دعوت کرد فرعون از موسی معجزہ خواست و چون موسی آیہ و معجزہ

و شبش را تاریک و روزش را روشن گردانید (۲۹) و زمین را پس از آن بگسترانید (۳۰) و بیرون آورد از آن آب و گیاه را (۳۱) و کوهها را ستون آن ساخت (۳۳) تا از آن آب و گیاه قوت شما و چهار پایانتان بر آید (۳۳) پس چو واقعہ بزرگ قیامت پدید آید (۳۴) آنروز آدمی ہرچہ از خیر و شر کردہ بیاد آورد (۳۵) و دوزخ برای بینندگان آشکار شود (۳۶) پس ہر کس طغیان و سرکشی کردہ (۳۷) و زندگی دنیا را برگزیدہ (۳۸) دوزخ جایگاہ اوست (۳۹) و اما آنکس کہ ترسید از حضور در پیشگاہ خدا و باز داشت نفس خود را از خواہش ہا (۴۰) همانا بہشت منزلگاہ اوست (۴۱)

بزرگ باو نمود فرعون تکذیب و نافرمانی کرد آنگاہ روی بر گردانید از موسی و کوشش کرد در دفع موسی و با مردان بزرگ دربار خود انجمن کرد و ایشان را ندا کرد و گفت من خدای شما ہستم و بجز من خدائی نیست، خدا ہم در اثر این غرور و سرکشی اورا بعقاب دنیا و آخرت گرفتار کرد و در این ہلاکت فرعون عبرتی است از برای کسانی کہ از خدا میترسند .

(۱) انتم اشد خلقا ام السماء ، بنیہا رفع سمکها فسواھا و اغطش لیلہا و اخرج ضحیہا) در این آیہ مکلفین را مخاطب قرار دادہ و میفرماید شما سخت ترید در خلقت یا آسمان کہ خدایتعالی آنرا بنا کردہ یعنی چون از آفریدن آسمان بارفت و شدت عاجز نیست از آفریدن شما ہم عاجز نخواہد بود سقفی بلند ستون و استوار و آراستہ ساخت و شبش را تیرہ و تاریک و روزش را روشن گردانید و زمین را پس از آن بگسترانید و آبی پدید آورد و گیاه زار و کوهها بر روی زمین ثابت گردانید تا از آب و گیاه قوت شما و چهار پایانتان بر آید .

(فاذا جائت الطامة الكبرى يوم يتذكر الانسان ما سعى و برزت الجحيم لمن یری) چون واقعہ بزرگ قیامت پدید آید آنروز ہرچہ آدمی از خیر و شر بجا آورده بیاد آورد و تأسف خورد و گوید چرا عمل شرم بجا آوردم و یا عمل خیر بیشتر نکردم و دوزخ را برای بینندگان آشکار سازند .

(فاما من طئى و آثرا الحیوة الدنيا فان الجحيم هی الماوی) و ہر کس از

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا (۴۲) فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا (۴۳)
إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهِيهَا (۴۴) إِنَّهَا أَنْتَ مُنْذِرٌ مَّنْ يَخْشِيهَا (۴۵) كَانَتْهُمْ يَوْمَ
مَوْتِهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحِيًّا (۴۶)

حکم خدا سرکش و طغی شد و زندگی دنیا را بر آخرت برگزید دوزخ جایگاه او باشد .

(و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی فان الجنة هی الماوی)
و هر کس از حضور در پیشگاه خدا بترسد و از هـوای نفس دوری جست بهشت منزلگاه او باشد .

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس بداند خداوند او را میبیند و گفتارش را میشنود و عملش را از خیر و شر میداند پس خود را از اعمال قبیح و زشت حفظ کند این شخص کسی است که از مقام پروردگار ترسانست .

ابن شهر آشوب از ابن عباس روایت کرده است که این آیه مخصوص امیر المؤمنین علیه السلام و کسانی است که بر طریقه آنحضرت مشی مینمایند .
(یَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسِيهَا فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا أَلَيْ رَبِّكَ مُنْتَهِيهَا)
انما انت منذر من يخشيها كأنهم يوم يرونها لم يلبثوا الا عشية او ضحیها (ایرسول ما سؤال میکنند از تو قیامت کی برپا خواهد شد تورا چکار افتاد که از آن بیاد آری یعنی علم آن بتو تعلق ندارد غایت و منتهی علم آن با خداوند است و جز خدا کسی نمیداند. آنچه کار تو است و بتو تعلق دارد: تو ترساننده کسی هستی که از یاه آنروز و احوال آن ترسانست چون آنروز بر مردم پدیدار شود گویا چنان است که تمام دنیا شبی تا صبح یا روزی تا شام بیش نبوده است -

در کافی از ابی حمزه ثمالی روایت کرده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود شخصی با اهل بیت خود بکشتی سوار شد در اثر امواج خروشان دریا کشتی

ایر سول ما از تو سؤال میکنند کہ قیامت چہ وقت برپا میشود (۴۲)
 تورا چکار افتاد کہ از آن بیاد آری (۴۳) بسوی پروردگار است نہایت
 آن (۴۴) جز این نیست کہ تو بیم کنندہ ای آنکسی کہ از قیامت میترسد (۴۵)
 گویا آنروز را کہ مردم بینند در نیک نمودند مگر در شبانگاہ یا چاشتگاهی (۴۶)
 پایان ترجمہ سورہ نازعات

شکست و تمام اہل بیتش غرق شدند جز یک نفر زن جوان آنہم روی یکی از
 الواح کشتی نشست و خود را بجزیرہ ای رسانید در آن جزیرہ مردی قطاع الریق
 بود کہ از ہیچ مجرمات و عمل زشتی رو گردان نبود متوجہ شد بانوئی جوان و
 صاحب جمال و نیکو منظر بالای سر او ایستادہ سؤال کرد از او انسیہ هستی یا
 جنیہ آن بانو گفت انسیہ ہستم مرد دیگر تکلم نکرد مانند شوہری کہ بروی عیال
 خود قرار میگیرد بروی آنزن قرار گرفت خواست عمل منافی با عصمت انجام
 دہد مشاہدہ کرد کہ آن بانو مضطربست و میلرزد گفت این چہ حالت است کہ در
 تو مشاہدہ مینمایم جوابداد و اشارہ نمود بطرف آسمان کہ من از خداوند و کیفر
 او در روز جزا میترسم آیا تو از خدادوری و جدائی، آنمرد متوجہ شد و برخاست
 بگوشہ ای رفت و از روی خلوص توبہ و استغفار نمود، در یکی از مسافرتہا صاحب
 و رفیق راہ راہبی شد خورشید شدت تمام بر آنہا تابیدہ عطش بر ایشان غلبہ کرد
 آبی ہم وجود نداشت راہب باو گفت ای جوان خدا را بخوان تا ابری بفرستد و
 بر ما سایہ افکند آن جوان گفت من نزد پروردگار حسنہ و عمل نیکی ندارم تا
 بوسیلہ آن جرئت پیدا کنم و از خداوند در خواست و تقاضائی بنمایم راہب گفت
 پس من دعا میکنم تو آمین بگو جوان گفت روا باشد راہب دعا کرد و جوان
 آمین گفت طولی نکشید ابری ظاہر شد و بر سر آنہا سایہ افکند مقداری راہ
 با ہم سیر نمودند رسیدند سر دوراہ راہب مسیرش از مسیر جوان جدا بود او بہ
 راہی و جوان براہ دیگر سیر کردند راہب دید ابر بسر جوان سایہ افکندہ و از

او دور شد گفت ای جوان تو بہتر از من هستی خداوند دعای تو را اجابت فرمود نہ
 دعای مرا بگو بہ بینم چہ کاری انجام دادہ ای و داستان تو از چہ قرار است کہ خداوند
 نظر لطف و مرحمت بتو دارد جوان داستان خود را با آن بانو در جزیرہ بیان کرد
 راہب گفت خداوند گناہان گذشتہ تو را آمرزیدہ در آن وقتی کہ متوجہ او شدی و
 از کیفر روز جزا ترسیدی، متوجہ آتیہ خود باش .

پایان سوره نازعات



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

سورۃ عبس

مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَ تَوَلَّى (۱) اَنْ جَاءَهُ الْاَعْمَى (۲) وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَزْكُى (۳)
 اَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الْذِّكْرُى (۴) اَمَّا مَنِ اسْتَغْنٰى (۵) فَاَنْتَ لَهُ تَصَدَّى
 (۶) وَمَا عَلَيْكَ اَلَا يَزْكُى (۷) وَاَمَّا مَنِ جَاءَكَ يَسْعٰى (۸) وَهُوَ
 يَخْشٰى (۹) فَاَنْتَ عَنْهُ تَلَهٰى (۱۰) كَلَّا اِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (۱۱) فَمَنْ شَاءَ
 ذَكَرْهُ (۱۲) فِى صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ (۱۳)

سورہ عبس در مکہ نازل شدہ و چہل و دو آیہ و صد و سی کلمہ و پانصد و سی حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کرده فرمود ہر کس سورہ عبس را قرائت کند در بہشت زیر سایہ کرامت خداوند جا جا گیرد و روز قیامت خندان باشد ،

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کہ این سورہ را قرائت کند از قبر بیرون آید خرم و خندان و اگر آن را بر پوست آہو بنویسد و ہمراہ خود بدارد بہر طرف کہ متوجہ شود نمی بیند مگر خیر و خوبی

سورہ عبس مشتمل است بر ذکر قومیکہ امیدوارند مسلمین اسلام آوردن آنہا را و داستان ابن مسکتوم و بیان شطری از نعمتہائیکہ خداوند بہ بندگان عطا فرمودہ

قوله تعالى (عبس و تولى ان جاءه الاعمى وما يدريك لعله يزكى او يذكر فتنفعه الذكرى اما من استغنى فانت له تصدى وما عليك الا يزكى واما من جاءك

ترجمہ سورہ عبس

بنام خداوند بخشنده مهربان

رو ترش کرد و روی گردانید (۱) چون آنمرد نابینا آمد (۲) چه چیز دانا کرد تو را شاید او مردی پارسا و پا کیزه باشد (۳) یا پند گیرد و سرد دهد او را پند (۴) اما کسیکه بی نیازی جست (۵) چرا تو یار و یاور او هستی و باو توجه میکنی (۶) و او اگر از کفر پا کیزه نشود بر تو تکلیفی نیست (۷) اما کسیکه بسوی تو میشتابد (۸) و او از خدا میترسد (۹) پس تو از او مشغول میشوی (۱۰) نه چنین است همانا قرآن پند است (۱۱) پس هر که بخواهد پند گیرد (۱۲) آیات قرآن در صفحات مکرم نگاشته شده است (۱۳)

یسمی و هو یخشی فانت عنه تلهی (رو ترش کرد و رو بر گردانید چون آنمرد نابینا حضورش آمد تو چه میدانی؟ شاید آن مرد پارسا و پا کیزه و پاک سرشت باشد از گناه، و پند گیرد و یاد حق و ذکر خدا او را سود دهد و کسیکه دارا و بی نیاز است چرا تو یار و یاور او هستی و باو توجه میکنی بر ته آن ثروتمند از کفر پاک و پا کیزه باشد یا نباشد و اما آنکس که بسوی تو میشتابد و خدا ترس و با تقوی است تو از توجه باو خود داری میکنی نه چنین است آیات حق و قرآن برای پند و تذکر همه خلق است پس هر که بخواهد پند گیرد - مفسرین عامه گفتند سبب نزول آیه آن بود عتبه بن ربیعہ و ابو جہل بن هشام و پسران امیہ بن خلف و عباس بن عبدالمطلب حضور پیغمبر اکرم ﷺ بودند آنحضرت با آنها سخن میگفت و ایشان را باسلام دعوت مینمود مرد نابینائی موسوم بعبدالله بن مکتوم وارد شد عرض کرد ای رسول خدا چیزی از قرآن برای من بخوان و مرا شرایع اسلام بیاموز این سخن را چند بار تکرار کرد رسول خدا صورت از او بگردانید و کراحت داشت سخنش با آن جماعت قطع شود و دیگر آنکه نخواست آن کافران بگویند اتباع و پیروان محمد ﷺ مردمان نابینا و سفلہ هستند از این جهة کراحت بصورت پیغمبر پدیدار شد خدای تعالی آیات فوق را فرو فرستاد عجب این است این صفات مذمومہ

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ (۱۴) بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (۱۵) كِرَامٍ بَرَرَةٍ (۱۶) قُتِلَ
 الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرُهُ (۱۷) مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۱۸) مِنْ نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ
 فَقَدَرَهُ (۱۹) ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (۲۰) ثُمَّ أَمَّانَهُ فَأَقْبَرَهُ (۲۱) ثُمَّ إِذَا
 شَاءَ أَنْشَرَهُ (۲۲) كَلَّا لَئِمَّا يَقْضِ مَا أَمَرُهُ (۲۳) فَلَيَنْظُرَ الْإِنْسَانُ إِلَى
 طَعَامِهِ (۲۴) أَنَا صَبَّبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (۲۵) ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا (۲۶)
 فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (۲۷) وَعَيْنًا وَقَضْبًا (۲۸) وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (۲۹)
 وَحَدَآئِقَ غُلْبًا (۳۰) وَفَاكِهَةً وَأَبًّا (۳۱)

را اگر بعضی از فقہا و دانشمندان دارا باشند مردم از آنها دوری میجویند پس
 چگونه روا است در حق پیغمبریکه خداوند درباره او فرمود ولو کنت قطأ غلیظ
 القلب لانقضوا من حولک و آنحضرت را بحسن خلق و طبع کریم وصف فرموده
 و اخبار و احادیث متواتر است که آنحضرت با دشمنان و کافران بر خلاف این
 رویه بود پس چگونه با دوستان و مؤمنین اینگونه رفتار مینمود

طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود آیه فوق نازل شده در
 باره مردی از بنی امیه که حضور پیغمبر اکرم بود چون ابن مکتوم وارد شد آن
 اموی از روی غرور و تکبر صورت خود را عبوس کرد و روی بر گردانید جبرئیل
 نازل شد و آیات فوق را در حق او آورد علی بن ابراهیم از آنحضرت روایت کرده
 فرمود آیات در باره عثمان و ابن مکتوم نازل شده چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ابن
 مکتوم را مقدم داشت بر عثمان روی خود را ترش نمود و اعراض کرد از پیغمبر
صلی الله علیه و آله و بیرون رفت از محضر آنحضرت، جبرئیل نازل شد و آیات فوق را آورد
 طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هر وقت ابن
 مکتوم را مشاهده مینمود باو میفرمود مرحبا بتو ای ابن مکتوم کسی نمیتواند

آنها بلند مرتبه و پاکیزه اند (۱۴) بدست نویسندگان سپرده شده است (۱۵) و آنان گرامی و مقرب و نیکوکارند (۱۶) کشته باد آدمی چرا تا این حد کفر میورزد (۱۷) اوازچه چیز آفریده شده است (۱۸) از آب نطفه بیقصد آفرید او را پس اندازه کرد او را (۱۹) سپس آسان کرد بر او راه را (۲۰) آنگاه او را بمیراند و بخاک قبر سپرد (۲۱) پس چون خواست زنده کند و باز گرداند او را (۲۲) نه چنین است هنوز بجای نیاورده آنچه را خدا امر فرموده او را (۲۳) باید آدمی بطعام و غذای خود بچشم خرد بنگرد (۲۴) ما آب باران را از ابر فرو ریختیم (۲۵) آنگاه زمین را شکافتیم (۲۶) و نهانه ها را از رویانیدیم (۲۷) و انگور و میوه ها (۲۷) و درخت زیتون و نخل خرما برویانیدیم (۲۹) و باغها پر از درختان (۳۰) و میوه های تر و تازه و چراگاه (۳۱)

مرا تو بیخ و سرزنش کند در باره تو و آنحضرت لطف بسیار باین مکتوم مینمود (فی صحف مکرمه مرفوعه مطهرة بایندی سفره کرام بررة قتل الانسان ما اکفره من ای شئی خلقه من نطفة خلقه فقدره ثم السبیل یسره ثم اماته فاقبره ثم اذا شاء انشره) آیات الهی در صحیفه های مکرم معظم یعنی لوح محفوظ نگاشته شده و آن صفحات بلند مرتبه و بلند منزله و پاک و منزله است بدست سفیرانی سپرده شده است و آنها مقرب و عالی رتبه و کریمان و نیکوکارانند -

محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود: برده، ائمه معصومین هستند - سعد بن عبدالله از برید عجلای روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام معنای آیه را سؤال نمودم فرمود حدیث آل محمد را فرستگان در صحفی پاک و پاکیزه و طاهر از دروغ نوشته اند ممنوع باد از طریق خیرات و لعنت باد بر او چرا تا این اندازه کفر و عناد میورزد مراد با انسان مبتدیه بن ابی لهب است این آیه مانند آنست که بکسی بگویند قاتله الله یعنی خدا بکشد او را نمی نگرد از چه آفریدند او را از آب منی بیقصد آفرید او را پس از آن راه بیرون شدن از رحم را بر او آسان کرد و راه حق و باطل را باو بنمود پس بمیراند او را و بخاک قبر سپرد آنگاه که خواهد زنده کند او را دوباره پس از مرگ (کلا لما یقض ما امره) چنین نیست

مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (۲۲) فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ (۳۳)

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴) وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (۲۵) وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۲۶)

لِكُلِّ امْرِيءٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (۲۷) وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۲۸)

ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۲۹) وَوُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ (۴۰) تَرْهَقُهَا

قَتَرَةٌ (۴۱) أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجَرَةُ (۴۲)

کہ منکرین بعث و نشور گمان کرده اند این کافرین آنچه خدا فرمود از واجبات و محرمات بجای نیاوردند۔

علی بن ابراہیم و محمد بن عباس از ابی اسامہ روایت کردند کہ از حضرت باقر علیہ السلام تاویل آید را سؤال نمودم فرمودشان نزول آیه در بارہ امیر المؤمنین علیہ السلام است یعنی چقدر کفر و طغیان و عناد میورزید ای منافقین در اثر کشتن امیر المؤمنین علیہ السلام پس از آن کرامت و نسبت خلقت امیر المؤمنین علیہ السلام را بیان میکند و میفرماید آنحضرت از طینت پیغمبران خلق شد، و معین کرده حضرتش را برای خیر و نیکوئی و آنحضرت راہ هدایت و طریق مستقیم است پس از کشته شدن و مردن بطریق پیغمبران و مکث کردن، زنده کند آنحضرت را در زمان رجعت و حکم فرماید در بارہ دشمنان خود آنچه را خداوند امر فرمودہ باو (فلینظر الانسان الى طعامه انا صبينا الماء صبا ثم شققنا الارض شقا فانبتنا فيها حبا و عنباً و قصباً و زيتونا و نخلاً و حدائق غلبا و فاكهة و ابا متاعا لكم و لانعامكم) آدمی بقوت و غذای خود بچشم خرد بنگرد کہ من روزی او را از چه ساخته و چه سببها پدید آوردم تا روزی باو برسد ما آب باران را فرو ریختیم آنگاه خاک زمین را بشکافتیم و حبوبات برای غذا برویانیدیم و باغ انگور و نباتات و درخت زیتون و نخل خرما و باغهای پراز درختان کهن و انواع میوهها و گیاه و مرتعها پدید آوردیم تا شما آدمیان و حیوانات از آنها بهره مند شوید ۔

تا شما وحیرانات از آن بہرہ مند شوید (۳۲) آنگاہ کہ صدای بلند قیامت بگوش رسد (۳۴) در آن روز مرد از برادرش گریزد (۳۴) بلکہ از مادر و پدرش (۳۵) و زن و فرزندش میگریزد (۳۶) در آنروز ہر کس گرفتار کار خود است مشغول کند اورا و بکسی نتواند پرداخت (۳۷) در آنروز طایفہ ای رخسارشان روشن و درخشانت (۳۸) خندان شاہ و شادانند (۳۹) و رخسار طایفہ دیگر غبار نشستہ (۴۰) آنہا را تاریکی فرو گرفتہ (۴۱) آنان کافران و بدکارند (۴۲)

پایان ترجمہ سورہ عبس

در کافی از زید شحام روایت کردہ از حضرت صادق علیہ السلام سؤال کردم مقصود از طعام در این آیہ چیست؟ فرمود علم و دانشی است کہ باید اخذ نمود آن را از کسانی کہ خداوند معین نمودہ و این حدیث را مفید نیز در اختصاص روایت کردہ و در ارشاد از جمعی امامیہ روایت کردہ کہ سؤال نمودند از ابوبکر معنای آب را جواب داد نمیدانم چگونه چیزی کہ نمیدانم بگویم ولی معنای فاکہہ را میدانم بامیر المؤمنین علیہ السلام خبر دادند فرمود سبحان اللہ چگونه نمیداند معنای آب را آن گیاه و مرتع زار است کہ برای حیوانات خداوند آفریدہ تا آنہا و انسان نفس خود را زندہ بدارند و قوام بدنشان بآنها باقی بماند و فرمود میوه جات در دنیا یکصد بیست نوع است و بزرگ آنها انار است.

(فاذا جاءت الصاخة يوم يفر المرء من اخيه وامه و ابیه و صاحبته و بنیه لكل امری، منهم يومئذ شأن یغنیہ) آنگاہ کہ صدای بلند قیامت و نفخہ صور بگوش ہمہ خلق برسد آنروز ہر کس از برادر و مادر و پدر و زن و فرزندش بگریزد ابن بابویہ از حضرت رضا علیہ السلام روایت کردہ فرمود روز قیامت ہابیل از برادرش قابیل فرار میکند و ابراہیم از پدرش و لوط از عیالش و نوح از فرزندش کنعان فرار مینماید در آنروز مردم چنان گرفتار کار خود ہستند کہ بہ هیچکس نتوانند پرداخت پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود سہ موقف است کہ کسی یادی از اقربا و خویشان خود نکند یکی موقف میزان و سنجیدن اعمالست دوم هنگام عبور از

صراط سوم هنگام گرفتن نامہ اعمال است در این سه مورد هر کس بنفس خود مشغول است و از شدت ترس و احوال توجہی بازحام و اقرباء خود ندارد

(وجوه یومئذ مسفرة ضاحكة مستبشرة و وجوه یومئذ علیها غبرة ترهقها قرة اولئك هم الکفرة الفجرة) روز قیامت مردم دو طایفه باشند طایفه اهل ایمان رخسارشان چون صبح فروزانست خندان و خرم و گشاده رو باشند و طایفه دیگر صورتهایشان گرد آلود و غم اندوه است و بر آنها خاک ذلت و خجلت نشسته است اینان کافران و بد کارانند و دشمنان آل رسول هستند -

روز قیامت چون خدایتعالی حکم فرماید میان بهایم و حیوانات و آنها را خاک گرداند آن خاک گره شود و بصورت کافران و دشمنان آل محمد ﷺ بنشیند

پایان سورۃ عبس



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

سورة التكويد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱) وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲) وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ
(۳) وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴) وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ (۵) وَإِذَا الْبِحَارُ
سُجِّرَتْ (۶) وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ (۷) وَإِذَا الْمَوْؤَدَةُ سُئِلَتْ (۸) بِأَيِّ
ذَنْبٍ قُتِلَتْ (۹) وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ (۱۰) وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ (۱۱)

سوره تکویر در مکه نازل شده و بیست و نه آیه و صد و چهارده کلمه و پانصد و سی حرف است :

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره تکویر را قرائت کند در بهشت زیر سایه کرامت خداوند زندگانی نماید

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را تلاوت کند در پناه خداوند است آنوقتیکه نامه‌های اعمال را باز کند و ایمن باشد از ترس روز قیامت و اگر این سوره را بخوانند بر کسیکه درد چشم دارد شفا یابد باذن خداوند

سوره تکویر مشتمل است بر علامات و احوال قیامت و شاید آن و در قوت و امانت جبرئیل

قوله تعالی (إذا الشمس كورت وإذا النجوم انكدرت وإذا الجبال سيرت وإذا العشار عطلت وإذا الوحوش حشرت وإذا البحار سجرت وإذا النفوس زوجت) ایرسول ما بیاد آور هنگامیکه خورشید درهم پیچیده شود و ستارها تیره شوند و فرو ریزند و کوهها برفتار آیند و شتران ماده حمل خود را فرو گذارند و هنگامیکه

ترجمہ سورہ تکویر

بنام خداوند بخشنده مهربان

ہنگامیکہ آفتاب در ہم پیچیدہ شود (۱) و ستارگان تیرہ شوند (۲) و کوهہا برفدار آیند (۳) و شتران شیردار رہا شوند (۴) و زمانی کہ جانوران محشور شوند (۵) و دریاہا چون آتش شعلہ ور شود (۶) و ہنگامیکہ نفوس خلایق با ہمجنس خود جفت شوند (۷) و از دختران زندہ بگور پرسیدہ شود (۸) کہ بسکدام جرم و گناہ کشتہ شدند (۹) و زمانیکہ نامہ اعمال مردم گشودہ شود (۱۰) و آسمان پراکنده شود (۱۱)

نفوس خلایق با ہم جفت و ہمقرین شوند -

حضرت باقر علیہ السلام فرمود ذیل آیہ تزویج کنند باہل بہشت زنان نیکو و حورالعین را و اہل جہنم را ہریک با شیطان قرین گردانند -

ابن بابویہ ذیل آیہ اذا الشمس کورت از ابی ذر غفاری روایت کردہ کہ حضور پیغمبر بودیم آفتاب غروب کرد آنحضرت فرمود فرشتگان موکل بر خورشید باہم خداوند ہر روز لباسی از نور عرش پروردگار بر آن می پوشانند مانند شما کہ لباس می پوشید گویا می بینم کہ موکلان، آن را سہ شب حبس نمودند و لباسی بآن نمی پوشانند و امر میکنند بآن کہ از مکانیکہ غروب مینمود طلوع کند و همچنین است حال ماہ در طلوع و غروب و اینست معنای آیہ مزبور .

ابن شہر آشوب ذیل آیہ و اذا النفوس زوجت از ابن عباس روایت کردہ کہ پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود هیچ مؤمنی روز قیامت عبور نمیکند از صراط مگر آنکہ بدر بہشت کہ رسید خداوند چہار زن از زنان دنیا و ہفتاد حورالعین باو تزویج مینماید جز امیر المؤمنین علیہ السلام کہ فقط از زنان دنیا حضرت فاطمہ باو اختصاص دارد و غیر آنحضرت ہمہ سری از زنان دنیا برای امیر المؤمنین علیہ السلام نمی باشد ولی حورالعین بسیاری بآن حضرت تعلق دارد

(اذا المؤمنة سئلت بای ذنب قتلت) و زمانیکہ از دختران زندہ بگور شدہ

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ (۱۲) وَإِذَا الْجَنَّةُ أَزْلِفَتْ (۱۳) عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا
 أَحْضَرَتْ (۱۴) فَلَا أَفْسِمُ بِالْخُفِّ (۱۵) الْجَوَارِ الْكُنَّسَ (۱۶) وَاللَّيْلِ
 إِذَا عَسَفَ (۱۷) وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ (۱۸) إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ
 (۱۹) ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ (۲۰) مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ (۲۱) وَمَا
 صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ (۲۲) وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ (۲۳) وَمَا هُوَ عَلَى
 الْغَيْبِ بِضَنِينٍ (۲۴) وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۲۵) فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ
 (۲۶) إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۲۷) لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ (۲۸)
 وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۲۹)

پرسیده شود آنها بکدام گناه و جرم کشته شدند -

طبرسی ذیل آیه فوق از ابن عباس روایت کرده که مراد قتل آیه بمعنای
 قطع است و در باره رحم آل محمد علیهم السلام وارد شده و مقصود آنست که از مردم سؤال
 میکنند بچه سبب قطع مراوده وصله کردید با اهل بیت پیغمبر و دلیل و شاهد این
 معنی آیه. (قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی) است و این حدیث را ابن
 شهر آشوب در مناقب از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است -

و در کتاب کامل الزیارات از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود آیه نازل
 شده در باره حضرت امام حسین علیه السلام در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
 فرمود این آیه نازل شده در باره اقرباء آل محمد علیهم السلام و هر کس که در راه ولایت
 آنها کشته شده و در حدیث دیگر فرمود آنحضرت روز قیامت از قاتل محسن فرزند
 حضرت زهرا علیه السلام که در اثر فشار دادن آن مظلومه میان در نیم سوخته و دیوار
 سقط و شهید شده سؤال میکنند بچه گناه آن طفل را بقتل رساندند طبرسی از
 اصحاب رسول خدا روایت کرده گفتند در زمان جاهلیت رسم بر این بود زن حامله

وزمائی کہ دوزخ افروخته شود (۱۲) و بہشت باہلش نزدیک گردد (۱۳) در آنہنگام ہر نفسی آنچه آمادہ کردہ ہمہ را بداند (۱۴) چنین نیست سو گندیدہ ستارگان باز گردند و روند گان پنهان شدہ (۱۶) و قسم بشب چون تاریک شود (۱۷) و سو گند بصبح روشن وفتیکہ دم زند (۱۸) ہمانا قرآن گفتار فرستادہ شدہ بزرگوار است (۱۹) صاحب قوت و قدرتست نزد خدای مقتدر عرش با جہ و منزلت است (۲۰) و فرماندہ و امین وحی خدا است (۲۱) و رسول شما ہرگز دیوانہ نیست (۲۲) و او امین وحی، جبرئیل را در افق اعلیٰ مشاہدہ کرد (۲۳) و این رسول شما بر وحی از عالم غیب بخل نمیورزد (۲۴) و قرآن او ہرگز کلام شیطاں مردود نیست (۲۵) پس شما مردم بکجا میروید (۲۶) قرآن نیست مکر پندی برای جہانیان (۲) تا ہر کہ بخواہد از شما راہ راست پیش گیرد (۲۸) و شما کافران راہ حق نمیخواہید مگر آنکہ خدا پروردگار جہانیان بخواہد (۲۹)

پایان ترجمہ سورہ تکویر

نزدیک وضع حمل خود گودالی میکند و بر روی آن می نشست هنگام زائیدن چنانچہ آن طفل نوزاد دختر بود اورا بآن گودال می افکند و خاک بروی او میریخت و عربہا در آن زمان دخترہا را میکشتند یا زندہ بگور میکردند از برای غیرت و تعصب، روز قیامت از آنها سؤال میکنند بچہ سبب آنها را بقتل رسانیدند

(و اذا الصحف نشرت و اذا السماء كشتت و اذا الجحيم سعرت و اذا الجنة ازلفت علمت نفس ما احضرت) هنگامیکہ نامہ های اعمال خلایق گشودہ شود آسمان را از جای برکنند و آتش دوزخ را سخت برافروزند سمیر مبالغہ درافروختن آتش باشد یعنی دوزخ را برای کفار و منافقین بیفروزند و بہشت را نزدیک گردانند یعنی نزدیک شود بہشت برای مؤمنین و پرهیزکاران در این آیات فرمود چون چنین باشد ہر نفسی آنچه را کہ برای خود حاضر کردہ ہمہ را بداند و آیہ علمت نفس ما احضرت جواب آیات پیش میباشد

(فلا اقسم بالخنس الجوار الكنس و اللیل اذا عسعس و الصبح اذا تنفس انه لقول رسول کریم) چنین نیست سو گند ستارگان باز گردند و سیارہ روند گان

و پنهان شونده در مکان خود قسم بشب تار هنگامیکه جهان را تاریک کند و بصبح روشن و قتیکه دم زند این قرآن کلام رسول بر حق است و مراد از ستارگان کواکب سیاره است مانند مشتری زحل و ریخ عطارد زهره و غیره و برای آن خنس گفت چون در روز نابینا و در شب ظاهر و هوید باشند و جوار گفت از جهة آنکه سیر میکنند در مدار خود و داخل میشوند در خانه و بروج مانند داخل شدن آهو و وحوش در خانهای خود .

در کافی ذیل آیه فلا اقسم بالخنس از ام هانی روایت کرده که از حضرت باقر علیه السلام پرسش کردم معنای آیه را فرمود مقصود از خنس امام است که پنهان میشود از نظر مردم سال دویست شصت هجری و منقطع میشود علم و دانش او از مردم پس از آن ظهور مینماید و مانند ستاره شهاب که در شب تاریک درخشانده است میدرخشد اگر آن زمان را درک نمودی خوشا بحالت و دید گانت روشن باد - محمد بن عباس ذیل آیه و اللیل اذا غمس از اصبع بن نباته روایت کرده که از امیر المؤمنین علیه السلام سؤال نمودم معنای آیه را فرمود خداوند مثل زده آن را برای کسانی که عدول کردند از صاحبان امر و ائمه ای که خداوند آنها را معین نموده و دعوی ولایت کردند برای خودشان و مقصود از صبح ائمه معصومین است که نور آنها روشن تر از نور صبح است و قتی دمیده میشود

(ذی قوه عند ذی العرش مکین مطاع ثم امین و ما صاحبکم بمجنون ولقد رآه بالافق المبین) همانا جبرئیل فرشته باقوت و قدرت است و نزد خدای صاحب عرش، با جاه و منزلت و امین است یعنی در آسمان امین و استوار است بر وحی پروردگار ریاد و نقصان نکند و دروغ نگوید پس از آن خطاب میکنند بکفار این رسول و صاحب شما محمد صلی الله علیه و آله دیوانه نیست چنانکه شما گفتید و این پیغمبر جبرئیل امین را مشاهده کرد در افق اعلا بآن صورتیکه خدا او را آفریده است - (افق کنار آسمان و آن جائی است که خورشید بیرون میآید)

ابن بابویه از ابی حمزه روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس در هر روز از ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن

الرحیم الحی القيوم و اتوب الیہ نوشته شود برای او در افق مبین ابی حمزہ میگوید عرض کردم افق مبین چیست فرمود فضائیت در پیش عرش در آنجا نہرہائیت کہ در اطراف آنها ظرفہائی میباشد بہ تعداد ستارگان .

ابی بصیر میگوید از حضرت صادق علیہ السلام سؤال نمودم تاویل آیات را فرمود از فضیلت و خصایص پیغمبر خاتم کہ خداوند باو عطا فرمودہ و بد هیچ پیغمبری ندادہ یکی آنست کہ جبرئیل را بصورت اصلی در افق مبین مشاہدہ نمود و حضرتش روز قیامت نزد پروردگار مطاع و امین است گفتم معنای و ما صاحبکم بمجنون چیست ؟ فرمود یعنی پیغمبر شما در نصب کردن امیر المؤمنین علیہ السلام ولایت و خلافت و حجت در میان مردم ہرگز دیوانہ نیست و این کار را از روی دیوانگی انجام ندادہ بلکہ بدستور پروردگار است عرض کردم معنای

(وما هو علی الغیب بضنین یعنی چہ فرمود خداوند نسبت بعلم غیب بر پیغمبرش محمد صلی اللہ علیہ وسلم بخل نمی ورزد و او را بعلم غیب آگاہ فرمودہ و در حدیث دیگر فرمود آنچه از وحی خبر میدہند بہ پیغمبر آنحضرت متہم نیست و بخل نمی ورزد کہ بمردم نرساند و تبلیغ و تعلیم احکام نماید عرض کردم

(وما هو بقول شیطان رجیم) یعنی چہ فرمود کہنہ ای بودند پیش از اسلام در میان قریش کہ ہر چہ خبر میدادند از قول شیاطین بود کہ با آنها تکلم میکردند بر زبان خود شان در این آیہ میفرماید پیغمبر مساند آن کہنہ ہا نیست کہ بقول شیطان سخن گوید بلکہ کلام آنحضرت از روی وحی پروردگار است گفتم (فاین تذهبون ان هو الا ذکر للعالمین) یعنی چہ فرمود یعنی کجا فرار میکنید از ولایت امیر المؤمنین علیہ السلام علی ذکر است از برای کسیکہ خداوند عہد و میثاق گرفتہ است از او بر ولایت آن حضرت و برای جہانیان پند است عرض کردم (لن شاء منکم ان یستقیم) یعنی چہ فرمود ہر کس بخواہد راہ راست حق پرستی را پیش گیرد باید استقامت کند و پایدار بماند در ولایت و فرمانبرداری از علی و ائمہ بعد از آنحضرت عرض کردم .

(وما تشاؤن الا ان یشاء اللہ رب العالمین) یعنی چہ فرمود خداوند قرار دادہ

قلوب ائمه را محل اراده خود و هر وقت خداوند چیزی را بخواهد و اراده فرماید ائمه نیز می خواهند و مشیت بسوی خدا است نه بسوی مردم اینست معانی آیات شریفه ای ابی بصیر، علی بن ابراهیم از ابن عباس روایت کرده که شنیدم از امیر المؤمنین **علیه السلام** در تفسیر رب العالمین میفرمود خداوند سیصد و هفده عالم پشت کوه قاف و پشت هفت دریا خلق نموده و آنها اطلاعی از خلقت آدم و فرزندان او ندارند و هر عالمی سیصد و سیزده برابر عالمی است که آدم و فرزندان او را در آن خلق نموده اهل آن عوالم بمقدار چشم بهزدن معصیت خداوند را بجا نیاورده اند .

پایان سوره تکویر



مرکز تحقیقات علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

سورۃ انفطار

مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (۱) وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ (۲) وَإِذَا الْبِحَارُ
فُجِّرَتْ (۳) وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (۴) عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ
(۵) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ (۶) الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ
فَعَدَاكَ (۷) فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ (۸)

سوره انفطار نوزده آیه و هشتاد کلمه و سیصد بیست نه حرف است و درمکه نازل شده .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره انفطار و اذا السماء انشقت را قرائت کند چیزی مانع او نشود از قرب جوار الهی و پیوسته خداوند نظر رحمت باو افکند تا از حساب فارغ گردد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را تلاوت کند خداوند پناه دهد او را هنگامیکه نامه اعمال باز می شود مفتضح نگرداند و عیوب و پنهان دارد و اصلاح امورات او را بنماید در روز قیامت و هر محبوس یا بسته شده ای این سوره را قرائت کند خداوند فرج و گشایش در کار او بفرماید و اگر در وقت باریدن باران آنرا قرائت کند بمقدار قطرات باران خداوند گناهان او را بیامرزد و چنانچه این سوره را بخوانند بر کسیکه چشمش غبار دارد یا درد میکند باذن خداوند شفا یابد و دیدگان او قوی گردد .

سوره انفطار مشتمل است بر ذکر و بیان آثار و علائم قیامت و تهدید و توبیخ تکذیب کنندگان روز جزا و قیامت .

قوله تعالی (اذا السماء انفطرت و اذا الكواکب انتثرت و اذا البحار فجرت

و اذا القبور بعثرت علمت نفس ما قدمت و اخرت) یاد کن ای یا ایها الانسان آن روزیکه

ترجمه سوره انفطار

بنام خداوند بخشنده مهربان

هنگامیکه آسمان شکافته شود (۱) و ستاره‌ها فرو ریزد (۲) و زمانی که دریاها روان شود (۳) و هنگامیکه خلائق از قبرها برانگیخته شوند (۴) هر شخصی آنچه پیش فرستاد و آنچه پس گذاشته همراه بداند (۵) ای انسان غافل چه سبب شد که بخدای کریم بزرگوار خود مغرور گشتی (۶) آن خدائیکه تورا آفرید و بصورت تمام بیاراست و به تناسب اندام برگزید (۷) و در هر صورتیکه بخواست آفرید (۸)

آسمان شکافته شود و ستارگان فروریزند و دریاها روان گردد و بیکدیگر پیوسته کند تا یکی شوند و با آتش منقلب گردند و هنگامیکه قبرها را زیر و زبر کنند و شکافته شده و مردم از آن بیرون آیند در آنروز هر شخصی آنچه را که در مقدم عمر خود کرده و کارهایی که در آخر عمر انجام داده همراه بداند و خیر و شر آنها را تشخیص دهد.

(یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم الذی خلقک فسویک فعدک فی آی صورۃ ما شاء رکبک کلا بل تکذبون بالذین و ان علیکم لحافظین کراما کاتبین یعلمون ما تفعلون) در این آیه خطاب میکند بآدمی ای انسان غافل چه باعث شد که بخدای کریم و بزرگوار خود مغرور گشتی چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آیه را تلاوت می نمود میفرمود چهل و نادانی انسان بخدای خود او را فریفت و مغرور کرد و فرمود روز قیامت خداوند تبارک و تعالی به بنده خود گوید ای فرزند آدم چه مغرور کرد تورا بمن، چه کردی با آن علم و دانشیکه بتو عطا کردم و جواب پیغمبران مرا چه دادی - آن خدائیکه تورا از عدم بوجود آورد و بصورتی تمام و کامل بدون نقصان بیاراست و باعتدال قامت و تناسب اندام برگزید و بهر صورتی خواست از طول و قصر و حسن و قبیح و زشت و زیبا و سفید و سیاه بر حسب مصلحت بیافرید چنین نیست که شما کافران گمان میکنید و روز جزا و قیامت را تکذیب میکنید پیغمبر و امیر المؤمنین علیه السلام را دروغ می پندارید البته نگهبانانی از فرشتگان مأمورند بر مراقبت احوال و اعمال شما و آنها اعمال حسنات و سیئات شما را مینویسند

كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ (۹) وَإِنْ عَلَيْكُمْ أَحَافِظِينَ (۱۰) كَرَامًا
كَاتِبِينَ (۱۱) يَعْلَمُونَ مَا تَقُولُونَ (۱۲) إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (۱۳)
وَإِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (۱۴) يَصَاوُنَهَا يَوْمَ الدِّينِ (۱۵) وَمَا تُمِمْ عَنْهَا
بِغَائِبِينَ (۱۶) وَمَا أَذْرِيكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ (۱۷) ثُمَّ مَا أَذْرِيكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ
(۱۸) يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ (۱۹)

و کریمانند و کرم آنها آنست چون بنده ای حسنه ای بجا آورد فرشته مو کل طرف راست شاد شود و بشتاب یکی را ده بنویسد و اگر معصیتی کند هر دو فرشته ملول شوند و چون فرشته طرف چپ بنویسد دیگری گوید ساعتی توقف کن شاید پشیمان شود و توبه کند و بهمین کیفیت تا هفت ساعت نگذارد بنویسد آنگاه گوید این بنده نادان است یکی را یکی بنویس آن فرشتگان می دانند آنچه شما مردم بجا می آورید .

(ان الابرار لفی نعیم و ان الفجار لفی جحیم یصلونها یوم الدین وما هم عنها بغائبین) نیکوکاران جای ایشان در بهشت پر نعمت است و بدکاران باز گشتشان آتش دوزخ است - محمد بن عباس ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود ابرار ما هستیم و فجار دشمنان ما باشند روز جزا فجار و بدکاران ملازم دوزخند و از آتش دوزخ دور نخواهند بود پس از آن بیان میکند عظمت و احوال روز قیامت را بقولش .

(وما ادریک ما یوم الدین ثم ما ادریک ما یوم الدین یوم لا تملک نفس لنفس شیئا و الامر یومئذ لله) تو چه دانی که روز جزا چه روزی می باشد چگونه بروز جزا میتوانی آگاه شد و تکرار آن از برای مبالغه است روز جزا هیچکس قادر نیست تحمل کند چیزی را برای دیگری یعنی نمیتواند کسی عذاب را از دیگری

نہ چنین است بلکه روز قیامت و جزا را تکذیب میکنند (۹) همانا نگهبانان بر مراقبت احوال شما مأمورند (۱۰) و آنها نویسندگان اعمال شما و مقربان در گاه پروردگارند (۱۱) شما هر چه کنید همرا میدانند (۱۲) . همانا نیکوکاران در بهشت پر نعمتند (۱۳) و بدکاران در آتش دوزخ معذبند (۱۴) روز جزا بآن دوزخ درافتند (۱۵) و هیچ از آن آتش دور نتوانند بود (۱۶) و تو چگونه بروز جزا آگاه توانی شد (۱۷) و بزرگی آنروز را چگونه توانی دانست (۱۸) آنروز هیچکس برای کسی قادر بر هیچ چیز نیست و تنها حکم و فرمان در آنروز با خداست (۱۹) .

پایان ترجمہ سورہ انفطار

دفع کند و تنها حکم و فرمان در آنروز مخصوص خدایتعالی است - امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ملک و قدرت و پادشاهی و عزت و جبروت و جمال و بهاء و هیبت در آنروز مخصوص خدا است و شریکی در این اوصاف ندارد - طبرسی ذیل آیه مزبور از جابر روایت کرده که از حضرت باقر علیه السلام معنای آیه را فرمود ای جابر روز قیامت منادی از طرف پروردگار ندا کند نیست حاکمی امروز جز خدایتعالی .

پایان سورہ انفطار .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (۱) الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ (۲) وَ إِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ (۳) أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ (۴) لِيَوْمٍ عَظِيمٍ (۵) يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۶) كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ (۷) وَمَا أَذْرِيكَ مَا سِجِّينٌ (۸) كِتَابٌ مَّرْقُومٌ (۹) وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۰)

سورة مطففين در مکہ نازل شدہ وسی و شش آیہ و یکصد و شصت و نہ کلمہ و ہفتصد وسی حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ مطففین را قرائت کند در نمازهای واجب خداوند ایمن دارد او را از آتش جہنم و بر جسر جہنم عبور نکند و حساب او را نکشد

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس این سورہ را تلاوت نماید خداوند سیراب گرداند او را از شراب بہشتی و اگر آن را بر مخزن بنخواند محفوظ بماند آن مخزن از ہر آفت و حشراتی

سورہ مطففین مشتمل است بر بیان احوال مردم در روز قیامت و تہدید اشخاص کم فروش .

قوله تعالى (ويل للمطففين الذين اذا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ و اذا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ اُولَٰئِكَ اَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ) وای بحال کم کنندگان کیل و وزن چون بکیل یا وزن چیزی از مردم بستانند تمام بستانند و اگر چیزی بدهند کم کنند در کیل و وزن آن، آیا

ترجمہ سورہ مطففین

بنام خداوند بخشنده مهربان

وای بحال کم فروشان (۱) آنهائیکہ چون بکیل چیزی از مردم بستانند تمام می ستانند (۲) و چون چیزی بدهند در کیل یا وزن کم میدهند (۳) آیا آنها نمیدانند کہ پس از مرگ برای مجازات بر انگیخته شوند (۴) برای روز بزرگ (۵) و آن روزیست کہ مردم در حضور پروردگار جهانیان برای حساب میایستند (۶) نه چنین است کہ پنداشته اند همانا نامہ اعمال بدکاران در سجن است (۷) و چه میدانی تو کہ سجن چیست (۸) کتابیست نوشته شده (۹) وای در آن روز بحال دروغگویان (۱۰)

گمان نمیرند آنها کہ پس از مرگ روزی برای مجازات بر انگیخته شوند و آن روز بسیار روز بزرگی است روزیست کہ تمام مردم بایستند در حضور پروردگار، جهانیان برای حساب -

طبرسی از ابن عباس روایت کرده کہ سبب نزول آیه آن بود، چون رسول اکرم ﷺ بمدینہ منورہ نزول اجلال فرمود اہل مدینہ در کیل و وزن بی اندازہ خبیث بودند و کسب و تجارت آنها بشکل قمار بازی بود و انواع حیلہ و تدلیس را بکار میبردند مردی بود موسوم بابو جہنیہ دوصاع داشت یکی زیادہ و دیگری کم زیادہ میخرید و بکم میفروخت جبرئیل نازل شد و آیات فوق را در حق اہل مدینہ فرود آورد پیغمبر اکرم ﷺ بازار تشریف برد و آیات را بر اہل بازار قرائت نمود و فرمود پنج چیز بہ کیفر پنج چیز عرض کردند ای رسول خدا کدام است آن فرمود (۱) اگر قومی نقض عہد کنند خداوند دشمن را بر آنها مسلط گرداند (۲) و اگر فواحش در میان طایفہ ای ظاہر شود مسلط گرداند خداوند بر ایشان مرگ ناگہانی را (۳) و چنانچہ قومی کم فروشی کنند قحطی در میان آنها پدید آید (۴) و اگر زکوٰۃ ندهند خداوند باران را از ایشان منع کند۔

وامیر المؤمنین علیہ السلام روزی ببازار تشریف برد مردی را دید زعفران میکشد و ترازوی او درست نیست آنحضرت پیش رفت و زعفران را از کفہ ترازو بریخت

الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ يَوْمَ الدِّينِ (۱۱) وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ
 (۱۲) إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (۱۳) كَلَّا بَلْ رَانَ
 عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۴) كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ
 (۱۵) ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ (۱۶) ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ
 تُكَذِّبُونَ (۱۷) كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ (۱۸) وَمَا أَذْرِيكَ مَا
 عِلِّيُّونَ (۱۹) كِتَابٌ مَرْقُومٌ (۲۰) يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ (۲۱) إِنَّ الْأَبْرَارَ
 لَفِي نَعِيمٍ (۲۲) عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ (۲۳) تَعْرِفُ فِي وُجُوهِِهِمْ نَضْرَةَ
 النَّعِيمِ (۲۴) يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ (۲۵)

و فرمود اول تراوی خود را درست کن آنکاه اگر میخواهی چرب بسنج -
 شرف الدین نجفی ذیل آیه ویل للمطففین از حضرت صادق علیه السلام
 روایت کرده فرمود تاویل آیه آنست وای بر کسانی که خمس آل محمد را کم میکنند
 ولی چون بغنائم میرسند بحد کمال اخذ میکنند و وای بحال تکذیب کنندگان
 امیر المؤمنین علیه السلام وصی و خلیفه محمد صلی الله علیه و آله خاتم پیغمبران

(کلا ان کتاب الفجار لفی سجين وما ادریک ما سجين کتاب مرقوم ویل
 یومئذ للمکذبین الذین یکذبون بیوم الدین و ما یکذب الا کل معتد اثم اذا تلی
 علیه آیاتنا قال اساطیر الاولین کلابل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون کلا انهم
 عن ربهم یومئذ لمحجوبون ثم انهم لصالوا الجحیم ثم یقال هذا الذی کنتم به تکذبون)
 چنین نیست که کافران و منکران گمان کرده اند بحقیقت نامه بدکاران و کافران
 که اعمال ایشان بر آن نوشته شده در سجين باشد سجين آخرین طبقات زمین است
 در کافی ذیل آیه فوق از فضیل روایت کرده که سؤال نمودم از حضرت موسی بن

کسانیکہ روز جزا را تکذیب میکنند (۱۱) و آنروز را کسی تکذیب نمیکند مگر هر تجاوز کننده گناه کار (۱۲) هنگامیکہ آیات ما بر آنها تلاوت میشود گویند اینها افسانہ پیشینیان است (۱۳) نہ چنین است بلکہ تاریکی بر دلہای آنها غلبہ کرہ بسبب آنچه از عمل زشت بجا آوردند (۱۴) نہ چنین است بلکہ آنها از معرفت پروردگارشان در پردہ نادانی مستورند (۱۵) سپس آنان را با آتش دوزخ درافکنند (۱۶) و بآنها گویند این همان دوزخی است کہ تکذیب آن میکردید (۱۷) نہ چنین است همانا نامہ اعمال نیکو کاران در بہشت علیین است (۱۸) تو چہ میدانی علیین چیست (۱۹) کتابی است نوشتہ شدہ (۲۰) و فرشتگان مقرب بر آن گواہی دهند (۲۱) همانا نیکو کاران در بہشتند (۲۲) بر تختہا تکیہ زدہ و مینگرند (۲۳) و از رخسارشان نشاط و تازگی نعمت بہشت را میشناسی (۲۴) و ساقیان بآنها شراب ناب خالص مہر شدہ بنوشانند (۲۵)

جعفر علیہ السلام معنای آیہ را فرمود فجار اشخاصی هستند کہ جرئت پیدا کردند بر ظلم و ستم نمودن در حق مائمه و اعمال آنها بسوی آسمان بالا نرود زیر طبقہ ہفتم زمین حبس شود۔

پس از آن میفرماید ای محمد صلی اللہ علیہ وسلم چگونه میتوانی بحقیقت سچین آگاہ شوی کتابیست کہ بقلم قدرت نوشتہ شدہ وای بحال منکران و دروغگویان آنانکہ روز جزا را تکذیب میکنند و ایمان بآن ندارند و تکذیب نکند روز جزا را کسی مگر ستمکاران و بد کرداران عالم و چون آیات ما را بر آنها تلاوت کنی گویند این افسانہ پیشینیان است۔

علی بن ابراہیم از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمودہ این آیہ اشارہ باولی و دومی است کہ تکذیب کردند پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در باطن و پیروان ایشان تکذیب خواهند نمود حضرت حجة علیہ السلام را و بآن حضرت میگویند ما شما را نمی شناسیم از فرزندان حضرت فاطمہ علیہا السلام چنین نیست کہ آنها گمان کردہ اند بلکہ تاریکی ظلم و بد کرداری ایشان بر دلہای آنها غلبہ کردہ است کہ آیات ما را انکار میکنند۔

خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلَيْتَنَافِسِ الْمُتَنَافِسُونَ (۲۶) وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ
 (۲۷) عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ (۲۸) إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ
 آمَنُوا يَضْحَكُونَ (۲۹) وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (۳۰) وَإِذَا انْقَلَبُوا
 إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ (۳۱) وَإِذَا زَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَّاوُونَ
 (۳۲) وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ (۳۳) فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ
 يَضْحَكُونَ (۳۴) عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ (۳۵)
 هَلْ تُؤِثُّونَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (۳۶)

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود نیست بنده ای
 مگر آنکه در دل او نقطه سفیدی است چون مرتکب گناه میشود آن سفیدی سیاهی
 مبدل کرده اگر بعد از آن توبه نمود سیاهی برطرف شود و چنانچه گناه و معصیت
 را ادامه داد و توبه نکرد هر لحظه سیاهی آن افزوده تا تمام سفیدی را فرا گیرد در
 آنوقت دیگر صاحبش اقدام بعمل خیری نتواند کرد و این حدیث را طبرسی نیز
 روایت کرده .

چنین نیست که این مردم خیال کردند آنها از معرفت پروردگارشان در
 پرده نادانی مستور و از ثواب خدا محروم و ممنوع هستند -

ابن بابویه ذیل آیه مزبور از حسن بن فضال روایت کرده که از حضرت
 رضا علیه السلام سؤال نمود معنای آیه را، فرمود خداوند در مکان معینی نیست و حلول
 نکند در مکانی تا بندگانش از او مستور و در پس پرده باشند مراد آنست که
 خداوند بندگان را از ثواب و پاداش اعمال ممنوع و محجوب میگرداند -
 همانا کافران را بآتش دوزخ افکنند و آنها گویند این همان عذابی است
 که تکذیب میکردند آنرا - .

کہ بمشك مهر شده و براین نعمت و شادمانی باید بمیل و رغبت بکوشند (۲۶) و ترکیب طبع آن شراب از عالم بالا است (۲۷) چشمه ای که مقربان خدا از آن مینوشند (۲۸) بدکاران بر اهل ایمان میخندند (۲۹) و چون از نزد مؤمنین بگذرند بچشم طعن و استهزاء بآنها بنگرند (۳۰) و چون باز گردند بسوی کسان خود بنکوهش مؤمنین بایکدیگر تفریح و مزاح کنند (۳۱) و چون مؤمنین را مشاهده کنند گویند اینها مردم گمراهی هستند (۳۲) ما آن بدکاران را موکل و نگهبان مؤمنین نگردانیدیم (۳۳) پس امروز که روز جزا است مؤمنین بکفار میخندند (۳۴) و بر تختها تکیه زده و دوزخیان را مشاهده میکنند (۳۵) آیا جزائیکه بکافران میدهند جز آنعملی است که در دنیا مرتکب شدند (۳۶)

پایان ترجمه سورہ مطففین

در کافی از محمد بن فضیل روایت کرده که از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال نمودم بمعنای ثم یقال هذا الذی کنتم به تکذبون را فرمود منافقین چون مشاهده کردند مقام و منصب امیر المؤمنین علیه السلام را در روز قیامت و دیدند که آنحضرت دستور میدهد بدجہنم این مرد برای تو اورا بگیر چه از دشمنان من است و آن دیگری را واگذار برای من که از دوستان من بوده فرشتگان از طرف پروردگار بمنافقین و دشمنان اهل بیت خطاب کنند این وجود مقدس که قسم دوزخ و بهشت است همان امیر المؤمنین علیه السلام است که شما او را تکذیب میکردید و حقش را غصب نموده و بحضرتش ظلم و ستم میکردید

(کلا ان کتاب الابرار لفی علیین وما ادریک ما عایون کتاب مرقوم یشہدہ المقربون ان الابرار لفی نعیم علی الارائک ینظرون تعرف وجوہہم نضرۃ النعیم نسقون من ریح مختوم ختامہ مسک و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون) در آیات سابق بیان نمود احوال کفار و منافقین را! در این آیات بیان میکند حال مؤمن و نیکوکاران را بحقیقت نامه نیکوکاران در علیین است پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود علیین فوق آسمان ہفتم در زیر عرش پروردگار است در آنجا لوحی از زہر جد سبز میباشد کہ اعمال نیکوکاران بر آن نوشته شده است -

شرف الدین از حارث حمدانی روایت کرده گفت وارد شدم در خانه امیر-
 المؤمنین علیه السلام دیدم آنحضرت در حال سجده است و چنان گریه میکند که هر
 انسانی متأثر و مغموم میشود از گریه حضرتش، چون سر از سجده برداشت و فارغ
 شد عرض کردم ای مولای من بسیار متأثر شدم از گریه شما فرمود پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله را مشاهده کردم بمن فرمود یا علی دوزی و غیبت تو از من بطول انجامید
 بسیار مشتاق دیدار تو هستم خداوند بوعده خود در بازه تو وفا نمود عرض کردم
 ای رسول خدا در چه خصوص فرمود در درجات تو و همسرت فاطمه و فرزندان حسن
 و حسین بالاترین مقام بهشت را برای شما مهیا و آماده فرموده گفتم فدایت کردم
 نسبت بشیعیان من چگونه رفتار میفرماید فرمود آنها هم در بهشت قصر هائی دارند
 محاذی قصور ما عرض کردم ای رسول خدا پاداش شیعیان در دنیا چیست ؟ فرمود
 امن و عافیت گفتم در وقت مرگ حال آنها چگونه میباشد فرمود رفتار میکنند با
 ایشان بمقدار دوستی و محبت آنها نسبت بشما اهل بیت کسانیکه ما را بیحد و
 بی اندازه دوست میدارند مردن ایشان مانند شخص عطشانی است که شربت سرد
 خوشگوار بنوشد و دیگران مانند کسانی هستند که در رختخواب خود بخواب میروند
 کتاب نیکوکاران بقدرت حق نوشته شده و فرشتگان مقرب پروردگار بر
 آن گواهی دهند و نیکوکاران بر تختهای عزت تکیه کرده و نعمتهای خدا را
 بنگرند و در رخسارشان نشاط و شادمانی و تازگی نعمتهای بهشتی پدیدار است
 ساقیان بهشت بآنها شراب ناب سرد معطر بنوشانند که بمشک مهر کرده اند و دست
 کسی بآن نرسد تا بصاحبش بدهند و خردمندان باید برای این نعمت و شادمانی
 همیشگی رغبت کنند و بمیل و اراده بکوشند نه برای نعمت فانی دنیا (یعنی بواسطه
 عمل خیر و طاعت باید مردم بر یکدیگر سبقت کنند) . ترکیب طبع آن شراب
 از عالم بالا است، چه آن بهترین و بالاترین آشامیدنی های اهل بهشت است ؛ از اینجهت
 آنرا نسیم نامیدند و آمیختگی آن شراب از چشمه ایست که مقربان خدا از
 آن مینوشند .

حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس ترك کند نوشیدن شراب را برای خاطر

خداوند پروردگار بنوشاند باو شراب مختوم و سیراب گرداند اورا۔ محمد بن عباس از ابی حمزہ روایت کرده کہ از حضرت باقر علیہ السلام سوال نمودم مقربون چه اشخاصی هستند فرمود رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم و امیر المؤمنین علیہ السلام و حضرت فاطمہ و حسنین علیہم السلام و ائمه معصومین میباشند۔ ای ابی حمزہ بدانکہ خداوند ما را از اعلیٰ علین آفریده و دلہای شیعیان ما را از فاضل طینت ما خلق نموده و بدنہایتن را از چیزهای دیگر آفرید، از اینجہ دلہای آنها بطرف ما میل میکند چہ از جنس ما باشد۔ ما آل محمد از مقربین هستیم و سابقون همان مقربینند۔ و ذریہ ما ائمه بما ملحق میشوند چنانکہ خداوند میفرماید۔ الحقنا بہم ذریتہم۔ مقربین از شراب تسنیم خالص مینوشند ولی از برای شیعیان و مؤمنین تسنیم و غیر تسنیم را مخلوط و آمیختہ کنند و آنها از آمیختگی تسنیم مینوشند نہ از خالص آن

(ان الذین اجرموا کانوا من الذین آمنوا یضحکون و اذا مروا بہم یتغامزون و اذا انقلبوا الی اہلہم انقلبوا فکہین و اذا رآوہم قالوا ان هؤلاء لضالون) مجرمین و بدکاران چون اہل ایمان را بہ بینند برایشان میخندند و مسخرہ میکنند و چون گذر کنند بچشم طعن و استہزاء بہ مؤمنین بنگرند و چون باز گردند بسوی اہل خود با شوخی و مزاح و شادی و بازی بنگوہش مؤمنین پردازند و زمانی کہ مؤمنین را بہ بینند گویند اینان بحقیقت مردم گمراہی هستند۔ و حال آنکہ ما بدکاران را موکل و نگہبان مؤمنین نگردانیدیم۔

محمد بن عباس ذیل آیہ فوق از ابن عباس روایت کردہ چون امیر المؤمنین علیہ السلام از نزدیک منافقین میگذشت حضرتش را سخریہ و استہزاء مینمودند و میگفتند این آنکسی است کہ محمد صلی اللہ علیہ وسلم از میان اہل بیت خود او را بولایت و امامت برگزیدہ و اختیار کردہ۔ روز قیامت دری میان دوزخ و بہشت باز میشود، منافقین مشاہدہ میکنند کہ امیر المؤمنین علیہ السلام در بہشت بر سریری تکیہ نمودہ بآنها میگوید بجانب من آئید چون میخواہند بطرف حضرتش بروند آن در بستہ شود۔ باین طریق آنحضرت ایشان را استہزاء میکند

(فالیوم الذین آمنوا من الکفار یضحکون علی الارائک ینظرون ہل ثوب)

الکفار ما کانوا یفعلون) پس امروز که روز جزا است اهل ایمان هم بکفار میخندند و استهزاء میکنند و بر تختهای عزت تکیه کرده و دوزخیان را مشاهده میکنند. آیا کیفری که در دوزخ بکافران میدهد جز نتیجه کردار زشت آنها که در دنیا بجا آورده اند چیز دیگری هست ؟!

عبد بن عباس از ابی حمزه ثمالی روایت کرده که حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود روز قیامت تختی بر کنار جهنم گذارند امیر المؤمنین علیه السلام بر روی آن نشیند چون نظرش بدوزخ افتد تبسم مینماید، وقتی تبسم نمود جهنم زیر و زبر میشود پائین آن بالا آید و بالای آن پائین رود. منافقین بیرون آیند مقابل آنحضرت بایستند گوید ای امیر المؤمنین علیه السلام ایوصی رسول خدا بر ما ترحم کن و از برای ما نزد پروردگار شفاعت نما آنحضرت بر آنها میخندد و ایشان را استهزاء میکند و از آنجا بلند میشود. آنگاه منافقین را بر میگرددانند به جهنم در آن مکانیکه جاداده بودند. این حدیث را جمعی از مخالفین از ابن عباس روایت کرده اند که یکی از آنها حاکم ابو اسحاق حسکانی است، در کتاب شواهد تنزیل و قواعد تفضیل.

پایان سورة مطففين

سورة انشقاق

مرکز تحقیقات کتب ویرانہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱) وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۲) وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ (۳)
وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ (۴) وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۵) يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ
إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (۶) فَأَمَّا مَنْ أُوْنِيَ كِتَابَهُ يَمِينِهِ
(۷) فَسَوْفَ يُحَاسِبُ حِسَابًا يَسِيرًا (۸) وَنَقْلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۹)

سورة انشقاق در مکه نازل شده و بیست و پنج آیه و صد و نه کلمه و چهار صد و سی حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره انشقاق را قرائت کند در نماز های واجب یا مستحب مانع نشود او را هیچ حجابی از جانب خداوند و پیوسته نظر مرحمت پروردگار بر او باشد تا از حساب فارغ شود و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند نامه اعمالش را از پشت سر بساو ندهند ، و اگر این سوره را بنویسند و بر بانوی حامله به بندند که زائیدن بر او سخت و دشوار است بزودی و باسانی وضع حمل نماید و فارغ گردد و باید پس از وضع حمل ازاو باز کنند و الا تمام اعضاء او خارج شود و اگر بر دیوار خانه بنویسد آن خانه اش ایمن باشد از جمیع جانوران .

سورة انشقاق مشتمل است بر بیان علائم قیامت و آثار آن و توبیخ و تهدید کفار قوله تعالی (إذا السماء انشقت و اذنت لربها و حقت و اذا الارض مدت و االت ما فیها و تخلت و اذنت لربها و حقت یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه) هنگامیکه آسمان شکافته شود و فرمان پروردگار خود که سزاوار است گوش دهند و بشنوند و زمانی که زمین کشیده شود و پست و بلندیهایی آن هموار

ترجمہ سورہ انشقاق

بِذَامِ خُداوندِ بخشنده مہربان

ہنگامیکہ آسمان شکافتہ شود (۱) و بشنود و اطاعت کند فرمان پروردگار خود را و سزاوار است کہ فرمان او پذیرد (۲) و زمانیکہ پست و بلندپہای زمین ہموار شود (۳) و ہرچہ در درون دارد بیرون افکند و خالی شود (۴) و بفراہمان خدا گوش دہد و سزاوار است کہ فرمان بردار باشد (۵) ای انسان تو کار کن در راہ طاعت حق و کوشش نما تا حضور پروردگار برسی پس نائل بملاقات او شوی (۶) پس ہر کہ نامہ اعمال او بدست راستش برسد (۷) پس حساب کردہ شود زود حساب آسان (۸) و باز گردد او بسوی اہلش خوشحال و شادمان (۹)

کردہ و ہرچہ در درون دارد از مردگان و گنجہا و معادن ہمہ را بیرون افکند و خالی شود۔ امیر المؤمنین علیہ السلام فرمود چون علائم قیامت ظاہر شود زمین پسارہای جگر خود را بیرون اندازد یعنی دینہ و گنجہا و معادن را بیرون افکند مانند ستونہای زرین در آنوقت قاتل میگوید برای این ثروت و امثال آن جنایت کردہ و مرتکب قتل شدم دزد گوید بخاطر اینہا دست مرا بریدند پس از آن بروند و رہا کنند آنہا را و بفراہمان خدا گوش دہند و سزاوار است کہ فرمان بردار باشند۔

ای انسان تو با ہر رنج و مشقتی در راہ اطاعت و عبادت پروردگار کوشش کن عاقبت حضور خدای خود میروی و نائل بملاقات او میشوی یعنی ہر عمل خیر و شری کہ پیش فرستادہ اید ملاقات کنید اورا ، پس از آن بیان میکند احوال خلق را در روز قیامت بقولش (فاما من اوتی کتابہ بیمینہ فسوف یحاسب حسابا یسیرا و ینقلب الی اہلہ مسرورا) ہر کس روز قیامت نامہ اعمالش را بدست راست او دہند حسابش بسیار سہل و آسان باشد و بسوی اہل و خویشان خود در بہشت خوشحال و شادمان رود۔ ابن بابویہ از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود حساب ہر کس را کہ کشند او را عذاب کنند عرض کردند ای رسول خدا

وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَأَى ظَهْرَهُ (۱۰) فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُوراً (۱۱) وَيَصْلَى سَعِيرًا (۱۲) إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا (۱۳) إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ (۱۴) إِلَىٰ إِنْ رَبُّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا (۱۵) فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ (۱۶) وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ (۱۷) وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ (۱۸) لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ (۱۹) فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۲۰) وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ (۲۱) بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَكْذِبُونَ (۲۲) وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ (۲۳) فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۴) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۲۵)

پروردگار میفرماید نامه اعمال هر که را بدست راستش دهند حسابش آسان باشد فرمود مقصود از آن عرض حساب است ولی با هر که در حساب مناقشه کنند او را عذاب خواهند کرد.

محمد بن عباس از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مصداق آیه فوق امیر- المؤمنین علیه السلام و شیعیان آنحضرت میباشند که نامه اعمال آنها را بدست راست ایشان دهند.

و نیز آنحضرت فرمود روزی جبرئیل نازل شد دست پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله گرفت بجانب قبرستان برد صاحب قبری را صدا کرد مرد سفید روئی از قبر بیرون آمد و خاک از سر و صورت خود پاک مینمود و میگفت الحمد لله والله اکبر جبرئیل باو گفت بر گرد بجایگاه خود باز گشت سر قبر دیگری رفت صاحب او را صدا زد مرد سیاه رو و قبیح منظری از قبر خارج شد میگفت و احسرتا واثبورا جبرئیل باو گفت بر گرد بمکان خود باز گشت آنگاه جبرئیل به پیغمبر گفت ای محمد صلی الله علیه و آله باین کیفیت خلائق روز قیامت محشور میشوند مؤمنین میگویند الحمد لله همانطوریکه مرد اول گفت کفار و منافقین میگویند و احسرتا چنانچه آنمرد سیاه میگفت

واما کسیکہ نامہ اعمال اورا بدست چپ و از پشت سرش بدهند (۱۰) او بر
 هلاک خود فریاد و حسرت بسیار کند (۱۱) و بآتش سوزان دوزخ درافتد (۱۲) و
 آن شخص در دنیا میان اہلش مغرور و خوشحال بود (۱۳) و گمان میکرد کہ
 ہرگز بسوی خدا باز نخواہد گشت (۱۴) بلی پروردگار او باحوال و اعمالش بینا
 است (۱۵) نہ چنین است سو کند بسرخی بعد از غروب آفتاب (۱۶) و قسم بشب و
 آنچه در آن پوشیدہ شود (۱۷) و سو کند بماه تابان ہنگامیکہ تمام فروزان شود
 (۱۸) همانا شما احوال گوناگون و حوادث رنگارنگ خواہید یافت (۱۹) پس
 برای چہ آنها بخدا ایمان نمی آورند (۲۰) و ہر گاہ آیات قرآن بر آنها تلاوت
 شود سجدہ نمی کنند (۲۱) بلکہ آن مردم کافر تکذیب خدا و قرآن میکنند (۲۲)
 و خدا بآنچہ در دل پنهان دارند دانائے است (۲۳) ای پیغمبر آنها را بعد از دردناک
 بشارت بدہ (۲۴) مگر کسانیکہ ایمان آوردند و عمل نیکو بجا میآورند برای آنان
 اجر و پاداش بی منت و غیر مقطوع خواہد بود (۲۵)

پایان ترجمہ سورہ انشقاق

(و اما من اوتی کتابہ وراء ظہرہ فسوف یدعوا ثبورا ویصلی سعیرا انہ کان
 فی اہلہ مسرورا انہ ظن ان لن یحور بلی ان ربہ کان بہ بصیرا) اما آنکس کہ
 نامہ اعمالش را از پشت سر دہند بزودی برہلاک خود فریاد حسرت بخواند و بآتش
 سوزان دوزخ درافتد و در دنیا میان اہل خود خوشحال و شادان بود و گمان میکرد
 کہ بسوی خدا باز نخواہد گشت نہ چنان است کہ او گمان کردہ او بہ نزد
 ما آید و بحساب او رسیدگی شود خدا باحوال و اعمال او کاملاً آگاہ است

محمد بن عباس از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود چون خدایتعالی ارادہ
 میفرماید کہ بحساب مؤمن رسیدگی کند نامہ اعمال او را بدست راستش میدہد و
 باو میفرماید ای بندہ من تو این اعمال را بجا آوردی؟ عرض میکند بلی ای پروردگار
 باو میفرماید آمرزیدم آنها را و مبدل کردم آن سیئات را بحسنات مردم میگویند
 سبحان اللہ آیا این شخص یک سیئہ ہم بجا نیاوردہ بود این است معنی آیہ و اما
 من اوتی کتابہ بیمینہ فسوف یحاسب حساباً یسیرا و ینقلب الی اہلہ مسرورا شخصی

حضورش عرض کرد کدام اهل را خداوند اراده نموده فرمود اهل او در آخرت همان است که در دنیا بودند

(فَلَإِنَّمْ بِالْشَّفَقِ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقِ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقِ لِتَرْكَبُنَ طَبَقًا عَنْ طَبَقِ)
چنین نیست که کفار گمان کرده اند قسم بسرخی شفق مراد آن سرخی است که چون آفتاب فرو رود بر جای آن باقی میماند و قسم بشب و آنچه در او جمع میشود از حیوانات که در روز پراکنده و منتشر هستند در روی زمین و قسم بماه تابان هنگامیکه فروزان شود که شما احوال گوناگون و حوادث رنگارنگ خواهید یافت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود طریقه ای را که پیشینیان شما مرتکب شدند از معصیت و نافرمانی بعینه آنرا می پیمائید بدون کم و زیاد حتی اگر سابقین داخل در سوراخ جانوران میشدند شما هم میشوید اصحاب حضورش عرض کردند ای رسول خدا پیشینیان چه کسانی هستند فرمود یهود و نصاری - .

در کافی ذیل آیه فوق از زرارہ روایت کرده که حضرت باقر علیه السلام بمن فرمود ای زرارہ آیا این امت بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله اعمال ناشایسته ای مرتکب نشدند و اختیار نکردند مذهب و آئینی بعد از دین و مذهب حقہ اسلام

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود برای قائم ما غیبت طولانی خواهد بود اصحاب حضورش عرض کردند بچه نسب غیبت آن بزرگوار طولانی خواهد شد فرمود باید اعمال و طریقه زشتیکه امتهای گذشته در غیاب پیغمبر ایشان مرتکب شدند این امت هم در غیبت حضرت قائم علیه السلام ما فردا فرد انجام دهند و آیه را تلاوت نمود -

طبرسی از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود همان مکر و حیلہ ای که امتان گذشته نمودند نسبت بخلفا و اوصیاء پیغمبرانشان بعینه این امت نسبت بمن و فرزندانم مرتکب خواهند شد .

(فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِكَذِبُونَ
وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوْعَوْنَ فِيْهِمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ)
غیر ممنون (چه شده که کافران بخدا ایمان نمی آورند و چون قرآن بر ایشان

میخوانند سجده نمیکنند بلکه آنمردم کافر قرآن را تکذیب میکنند و آنچه در دل پنهان میدارند دانایتر است خداوند بآن از خود ایشان ای رسول ما آنها را بعذاب دردناک دوزخ بشارت بده جز کسانی که بخدا و رسول ایمان آورده و عمل نیک بجا میآورند برای ایشان اجر و پاداش بی نهایت در بهشت همیشگی خواهد بود. ابن شهر آشوب ذیل آیه فمالهم لایومنون از ابن عباس روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود شبیکه مرا بمعراج بردند و بمقام قاب قوسین او ادنی رسیدم پروردگار بمن فرمود ای محمد صلی الله علیه و آله سلام مرا بعلی برسان و باو بگو من تو را دوست میدارم و دوستان را نیز دوست میدارم و بخاطر دوستی تو اسمی از اسماء خود را مشتق کرده و تو را بآن اسم نامیدم چه من علی العظیم هستم و تو را علی نامیدم ای محمد صلی الله علیه و آله و هر کس چهار مرتبه ذکر علی العظیم را بگوید روز قیامت برای او نزد من حسنه ای از حسنات علی بن ابیطالب میباشد ابن عباس میگوید پیغمبر اکرم فرمود منافقین تصدیق نمیکنند فضایل علی علیه السلام را و ایمان بحضرتش نخواهند آورد.

پایان سوره انشاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ (۱) وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ (۲) وَشَahِدٍ وَمَشْهُودٍ (۳)
 قَتَلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ (۴) أَلْفَارِ ذَاتِ الْوَقُودِ (۵) إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُودٌ (۶)
 وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ (۷) وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن
 يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْغَزِيْرِ الْحَمِيدِ (۸) الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (۹)

سورة بروج در مکہ نازل شدہ و بیست و دو آیه و صد و نہ کلمہ و چہار صد و پنجاہ و ہشت حرف است خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ بروج را قرائت کند در نماز ہای واجب محشر موقف اوبا پیغمبران و رسولان است چہ این سورہ تعلق دارد بہ پیغمبران و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس این سورہ را قرائت کند بتعداد کسانی کہ در نماز جمعہ و عرفہ اجماع میکنند برای او اجر و ثواب خواہد بود و نجات میدہد این سورہ قاری خود را از سختیہا و شداید و اگر این سورہ را بنویسد و ہمراہ طفل کند کہ میخراہند او را از شیر باز دارند بآسانی از خوردن شیر منصرف گردد سورہ بروج مشتمل است بر بیان حال مؤمنین از اصحاب اخدود و تکذیب کنندگان پیغمبران قولہ تعالیٰ .

(والسماء ذات البروج و اليوم الموعود و شاهد و مشہود) قسم بآسمان کہ صاحب برجہا است و بروز قیامت کہ وعدہ دادہ شدہ و سوگند بہ پیغمبر خاتم کہ گواہ عالم است و ریز عید و عرفہ و قیامت .

(قتل اصحاب الاخدود) این آیہ جواب قسم است سوگند باینان کہ اصحاب

ترجمہ سورہ بروج

بنام خداوند بخشنده مهربان

سو کند بآسمان صاحب برجها (۱) و قسم بروز قیامت (۲) و قسم بمحمد و امت او (۳) کشته و هلاک شدند یاران اخدود (۴) همان کسانی که آتش سخت بجان خلق بر افروختند (۵) و بیرحمانه بر کنار آن آتش نشستند (۶) و سوختن مؤمنانیکه بآتش افکندند مشاهده میکردند (۷) و بآن مؤمنانیکه بسوختند عداوتی نداشتند جز آنکه آنها بخدای مقتدر غالب و ستوده ایمان آورده بودند (۸) آن خدائیکه مالک آسمان و زمین است و بر هر چیز گواه است (۹)

اخدود کشته و نابود شدند .

در اختصاص از اصبح بن نباته روایت کرده که ابن عباس میگفت روزی پیغمبر اکرم ﷺ بمن فرمود ای پسر عباس ذکر خداوند و ذکر من و علی و فرزندانش عبادت است بآن خدائیکه مرا بر سالت فرستاده است من بهترین مخلوقات و علی ﷺ وصی من افضل اوصیاء میباشد علی خلیفه خدا و حجت او است در روی زمین برای بندگانش و همچنین فرزندان علی بعد از او خلیفه و حجت خدا هستند بواسطه آنها خداوند عذاب را از اهل زمین بر داشته و حبس نموده و بسبب ایشان آسمان را نگاه داشته از فرود آمدن بزمین و بخاطر آنها کوهها را حفظ نموده و باران رحمت خود را فرو میفرستد و نباتات را از زمین میرویانند ایشان اولیاء خدایتعالی می باشند پس از آن فرمود ای پسر عباس تو گمان میکنی خداوند بآسمان صاحب برجها سو کند یا دهنمود، در سورہ بروج، گفتم ای رسول خدا پس معنای آسمان در این آیه چیست و فرمود مراد بآسمان من و بروج ائمه معصومین هستند که اول آنها علی ﷺ و آخر ایشان مهدی قائم ﷺ است .

و از حضرت باقر ﷺ روایت کرده فرمود شاهد محمد ﷺ است و مشهود قیامت آیا نمیشنوی قول خداوند را که میفرماید یا ایها النبی انا ارسلناک شاهدا و مبشرا و نذیرا و در آیه دیگر فرمود وذلک یوم مشهود .

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ
 وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ (۱۰) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
 جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ (۱۱) إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ
 لَشَدِيدٌ (۱۲) إِنَّهُ هُوَ يُبْدِيهِ وَيُعِيدُهُ (۱۳) وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (۱۴)
 ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ (۱۵) فَقَالَ لِمَا يُبْدِي (۱۶) هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ
 (۱۷) فِرْعَوْنُ وَثَمُودَ (۱۸) بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ (۱۹) وَاللَّهُ
 مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ (۲۰) بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ (۲۱)
 فِي لَوْحٍ مَحْضُوظٍ (۲۲)

و در معانی اخبار از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود شاهد روز جمعه
 و مشهود روز عرفه و موعود روز قیامت است اما داستان اصحاب اخدود بدینقرار
 است طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود امیر المؤمنین علیه السلام امر نمود
 بشخصی که از اسقف بزرگ و پیشوای نصاری داستان اصحاب اخدود را سؤال نماید
 آن شخص پرسش کرد اسقف نتوانست جواب بگوید حضرتش فرمود داستان ایشان
 بدینقرار است خدای تعالی پیغمبر را بر طایفه حبشه مبعوث گردانید آنها پیغمبر
 خود را تکذیب کرده و بقتل رسانیدند و اصحاب آن پیغمبر را اسیر کرده و بعضی
 را کشتند، شکافهائی در زمین کردند و آتش در آنها افروختند و گفتند هر کس بر
 دین ما میباشد کنار رود و آنکه بر دین پیغمبر است باید خود را در آتش افکند
 آنگاه اصحاب پیغمبر را بر آتش افکندند زنی را آوردند که طفل یک ماه داشت
 خواستند با طفلش بآتش اندازند آن زن بر طفل خود رقت کرد آن طفل بزبان آمد
 گفت ای مادر مرا با خودت بگذار در آتش افکنند سو گند بخدا این عذابها برای

آنهاييکه مردان و زنان مؤمنين را بفتنه انداخته و با آتش سوزان سوختند و توبه و بازگشت نکردند برای آنها عذاب دوزخ و عذاب آتش سوزان آماده است (۱۰) کسانی که بخدا ایمان آورده و نیکوکار شدند برای آنها باغهايست در بهشت که زیر درختانش نهرها جاریست این پاداش رستگاری بزرگی است (۱۱) ای رسول ما بگو بمردم که مؤاخذه و انتقام خدا بسیار سخت است (۱۲) آن خداوند خلق را بیافرید و پس از مرگ باز زنده گرداند و عود میدهد (۱۳) و او بسیار آمرزنده و مهربانست (۱۴) و صاحب عرش بزرگ و عزت است (۱۵) و هر چه بخواهد در کمال قدرت و اختیار انجام میدهد (۱۶) ای رسول آیا احوال لشکرهاي کفار بر تو حکایت شده (۱۷) و داستان فرعون و قوم ثمود بتو رسیده (۱۸) بلکه آنهاييکه کافرنند بتکذیب تو می پردازند (۱۹) و خدا بر احوال آنها احاطه دارد (۲۰) بلکه این قرآن بزرگوار است (۲۱) در لوح محفوظ نگاشته و نگاهداشته شده است (۲۲)

پایان ترجمه سوره بروج

پایداری در دین حق و راه خدا بسیار ناچیز و اندک است او را با طفلش در آتش انداختند در حالتيکه طفل سخن میگفت و این حدیث را در محاسن نیز روایت کرده است.

طبرسی در مجمع از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده فرمود در پیشینیان پادشاهی بود ساحری داشت چون پیر شنبه پادشاه گفت مرگ من نزدیک شده کودکی نزد من بیاورید تا باو سحر بیاموزم جوانی را نزد او بردند باو سحر آموخت ولی دل آن جوان بسحر میل ننمود براه طفل راهبی بود که مردم حضور او میرفتند و از علم و دانش آن راهب بهره مند می شدند آن جوان چند مرتبه نزد راهب رفت و از او سخنانی شنید میل براهب و دین او نمود و هر روز نزدش میرفت و حدیثی چند از او یاد میگرفت و در اثر آن رفتن نزد ساحر تأخیر افتاد ساحر او را می زد و اهلس نیز وی را می زدند شکایت آنها را براهب کرد راهب باو گفت چون نزد ساحر

میروی باو بگو مرا اہلہم نگاه داشتند از اینجہت حضور شما دیر آمدم و باہلت بگو مرا ساحر دیر مرخص کردہ اتفاق افتاد در آن ایام کہ جوان نزد ساحر و راہب رفت آمد میکرد مار بزرگی را مشاہدہ نمود کہ جلوئی مردم را گرفته و سد معبر و راہ را مسدود نمودہ کسی جرئت عبور کردن نداشت جوان گفت امروز در کار ساحر و راہب امتحان و تجربہ میکنم تا بدانم کدام یک از آنها بہتر و برحق میباشد آنکاء سنگی از زمین بر داشت و گفت خدایا اگر دین راہب بر حق است و او نزد تو محبوب تر است من این مار را با این سنگ بقتل برسانم و چنانچہ ساحر بر حق است مرا از کار او بیدار کن سنگ را انداخت و مار را بکشت مردم خوشحال شدند خبر براہب رسید بجوان گفت تو مبتلا شدی باید صبر کنی اگر سؤال کردند از تو این دینرا از کہ آموختی مبادا نام مرا ببری و کسی را راہنمائی کنی بطرف من کار آن جوان بجائی رسید کہ مستجاب الدعویہ شد مردم از اطراف نزد او میآمدند دعا میکردو مریضانرا خداوند شفا میبخشید پادشاہ ندیمی داشت نابینا چون این خبر شنید گفت مرا ببرید نزد آن جوان او را بردند بجوان گفت اگر دیدگان مرا بینا کنی مال بسیاری بتو خواہم داد جوان پاسخ داد من شفا نمیدہم کسی را بلکہ خداوند شفا میبخشد اگر ایمان باو آوری از خدا در خواست کنم تا تو را شفا کرامت فرماید آنمرد ایمان بخدا آورد جوان ہم دعا کرد بینا شد حضور پادشاہ رفت ملک از او پرسید چشم ترا کہ بینا کرد گفت خدایتعالی پادشاہ جواب داد مرا میگوئی گفت خیر پروردگار من و شما همانکسیکہ ہمہ ما را آفریدہ شفا عطا کرد پادشاہ سؤال نمود از او مگر تورا خدائی هست جز من گفت آری او خدای تو و ہمہ جهانیان است ندیم را زندانی کرد و دستور داد او را بزنند تا راہنمائی کند آنها را بسوی کسیکہ او را خدا پرست کردہ عاقبت در اثر اذیت و آزار گفت همان جوانیکہ سحر میآموخت مرا بخدای یگمانہ دعوت کرد منہم دعوت او را پذیرفتم امر کرد جوان را حاضر کردند باو گفت ای جوان کار تو در سحر بجائی رسیدہ کہ چشم نابینا باز و روشن میکنی جوان گفت من اینکار هرگز نتوانم کرد بلکہ خداوند شفا میدہد مریضانرا پادشاہ باو گفت کہ تورا باین راہ رہبری نمودہ؟

گفت چه کار داری آن جوان را چندان عذاب کردند تا گفت مرا راهب راهنمائی کرده دستور داد راهب را حاضر کردند باو گفت بیا از این دین بر کرد گشت بر نمیگردم امر نموده او را باره دو نیم کردند سپس بجوان گفت از این دین بر کرد جوان بر نکشت او را بدست جماعتی سپرد تا بالای کوه مرتفعی ببرند اگر از خدا پرستی دست برنداشت او را از بالای کوه بزیر اندازند و کوهرا بر سرش خراب کنند و چون جوان را بالای کوه بردند دستها را بدعا بلند کرد و گفت خدایا کفایت کن مرا از شر اینان و کیفر بده این جماعت را بهر طریق که صلاح میدانی آنرا کوه برگشت و تمام آن جماعت را هلاک نمود جوان سالم باز گشت خبر به پادشاه رسید او را خواست سؤال کرد رفیقانت چه شدند گفت خداوند آنها را بکیفر رسانید باز جوان را بجماعت دیگر سپرد تا او را ببرند و سوار کشتی کنند و در وسط دریا غرق نمایند چون او را بردند و خواستند غرق کنند دست بدعا پر داشت و گفت پرورد گیارا اینها را بجزای اعمالشان برسان ناگاه کشتی اهلش را غرق کرده و جوان سالم باز گشت نزد پادشاه رفت باو گفت همراهانت چه شدند جواب داد همگی غرق شدند آنگاه گفت ای پادشاه تو نمیتوانی مرا بقتل برسانی پادشاه در کار جوان فرو ماند جوان باو گفت میخواهی پیاموزم ترا که چگونه عمل نمائی برای کشتن من یکروز مردم را عموماً جمع کن در صحرا و مرا بشاخه درختی بلند به بند و تیری در کمان بگذار و بگو باسم پروردگار این جوان این تیر را رها میکنم و جز نام خدای من چیزی بر من کارگر نباشد آن پادشاه چون تیر را رها کرد گفت باسم پروردگار این جوان تیر را رها نمودم تیر بروی جوان اصابت کرده و جان داد مردم چون آنحالت را مشاهده کردند همه از دین پادشاه برگشتند و گفتند ما ایمان آوردیم بخدای این جوان پادشاه گفت از آنچه میترسیدم در آن افتادم پادشاه مردم را تهدید کرد آنها برگشتند دستور داد شکافهای مستطیلی کنند و آتش در آن افروختند و مردم را از آن ترسانیدند کسی بر نکشت همه را گرفتند و در آتش افکندند در آخر بانوئی را با کودکی آوردند که او برای طفل خود جزع میکرد آن طفل گفت ای مادر صبر کن که تو

در حقی و برای خاطر خدا، تورا میسوزانند و خود را در آتش افکند
و از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود طایفه‌ای از اخدود اهل کتاب
بودند پادشاه ایشان شراب نوشید و مست شد با خواهر خود نزدیکی نمود و همبستر
شد چون از مستی بهوش آمد پشیمان شد با خواهر خود گفت ما خلافتی کرده‌ایم
تدبیر چیست خواهرش جواب داد مردم را جمع کن و بآنها بگو خدا نکاح خواهر
را حلال کرده و چون مردم را جمع نمودند و سخن پادشاه را شنیدند گفتند ما
هرگز قول تورا قبول نمیکنیم چه پیغمبران عموماً خواهر را حرام کردند و در
کتابهای آسمانی در حرام بودن خواهر آیاتی موجود است پادشاه با خواهر گفت
مردم از من قبول نکردند خواهر جواب داد آنها را تازیانه بزنند تا قبول کنند
ایشان را تازیانه زدند باز قبول نکردند خواهر گفت آنها را بشمشیر بزنند جمعی
را بقتل رسانیدند قبول نکردند عاقبت دستور داد خندق بکنند و آتش در آن
بر افروزند و همه مردم را در آتش افکنند بدستور عمل کردند و تمام مردم را
بآتش سوزانیدند -

و هیچ يك از روایات با دیگری مخالفت ندارد زیرا اصحاب اخدود متعدد
بودند چه اخدود شکافهای مستطیلی است که سابق ایام پادشاهان جبار و ستمکاران
در زمین میکنند بطول چهل ذراع و عرض دوازده ذراع و آتش در آن می افروختند
و مؤمنینی که در اثر و اجرای دین و احکام با آنها مخالفت و پایداری میکردند در
آن آتش می افکندند و میسوزانیدند تا دین خدا را از بین ببرند و قوانین کفر
آمین خود را میان مردم رواج دهند -

ابن مسیب میگوید در زمان زیاست عمر بن خطاب علیه ما یرستحق، جمعی
مشغول حفاری بودند جسد جوانی را که دستهایش را بطرف صورت خود گذاشته
بود یافتند هر چه دستهایش را میکشیدند باز بجای اول میگذاشت عمر گفت پنهان
کنید او را چون آن مردم ستمکار آتش بر افروختند بر کنار آن خندقها نشستند
تا سوختن مؤمنین که در آتش افکنده بودند مشاهده کنند و با آن مؤمنین عداوتی
نداشتند جز آنکه ایشان بخدای مقتدر ستوده صفات ایمان آورده بودند همان خدائی

که مالک آسمانها و زمین است و بر همه چیز گواه است و هیچ چیز از او پوشیده و پنهان نیست .

(ان الذین فتنوا المؤمنین والمؤمنات ثم لم يتوبوا فلهم عذاب جهنم ولهم عذاب الحریق)
آنانکه مردان و زنان با ایمانرا با آتش فتنه سوختند و توبه و باز گشت نکرده اند
برای آنها عذاب جهنم و آتش سوزان دوزخ مهیا است

(ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم جنات تجری من تحتها الانهار
ذلك الفوز الکبیر) کسانیکه بخدا ایمان آورده و نیکو کار شدند برای آنها باغهایی
است در بهشت که زیر درختانش نهرها جاریست این پاداش سعادت و پیروزی بزرگی
است برای ایشان .

(ان بطش ربك لشدید انه هو یدعی و یعیذ و هو الغفور الودود ذو العرش المجید
فعال لما یرید) ایرسول ما بامت بگو مؤاخذ و انتقام خدا بسیار سخت است یعنی
هر گاه بگیرد خداوند جابرین و ستمکاران را بشدت و سختی عذاب کند ایشان
را آنخدائی است که آفرید ابتداء خلق را در دنیا و پس از مرگ دوباره زنده کند
و بعرضه محشر حاضر گرداند و او آمرزنده و دوستدار فرمانبرداران و مطیعان
است و صاحب عرش و با اقتدار و عزت است و هر چه بخواهد در کمال قدرت و اختیار
انجام میدهد پس از آن بیان میکند داستان جمعی از کافران را بقولش -

هل اتیک حدیث الجنود فرعون و ثمود بل الذین کفروا فی تکذیب و الله
و راءهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ) ایرسول ما آمد تو را داستان
لشگرهای پیشینیان امت که تکذیب کردند پیغمبران خدا را که از آنها است
فرعون و قوم ثمود تکذیب کردند موسی و صالح را آنگاه بیان میکند کفار هم عهد
رسول اکرم ﷺ را بلی آنانکه کافر و بتکذیب تو و قرآن می پردازند خدا
از پس ایشان محیط است و بر تمام احوال و افعال آنها احاطه دارد و این آیات
برای تسلی خاطر مقدس پیغمبر ﷺ است و معنای آیه آنست ای محمد ﷺ ملول
و دلتنگ مباش مشاهده کن چگونه حضرت موسی و صالح پیغمبر را فرعونیان
و ثمودیان تکذیب کردند و چگونه آنها را هلاک نمودیم این کفار که تو و قرآن

را تکذیب میکنند البته ایشان را نیز مانند پیشینیان عذاب و هلاک خواهیم کرد و آنها از قبضه قدرت ما بیرون نتوانند رفت و گریزی بر ایشان نخواهد بود این کتاب که بر تو نازل کرده ایم قرآنی است شریف و بزرگوار که در لوحی نوشته شده و آن لوح را فرشتگان نگاه میدارند .

ابن عباس از پیغمبر اکرم روایت کرده فرمود لوح محفوظ لوحی است از در سفید طول آن بمقدار بعد زمین است با آسمان و عرضش از مشرق تا مغرب و کناره‌های آن از یاقوت است و قلم آن از نور یکطرف آن بطرف راست عرش و طرف دیگر بر جبهه اسرافیل است هر گاه پروردگار وحی و تکلم میفرماید آن طرف زده میشود بر جبهه اسرافیل و او نگاه میکند بلوح و میرساند آن را به جبرئیل و جبرئیل به پیغمبران میرساند .

پایان سوره بروج



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

سورۃ طارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ (۲) النَّجْمُ الثَّاقِبُ (۳)
 إِذْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ (۴) فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵)
 خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶) يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷) إِنَّهُ
 عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (۸) يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (۹) فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ
 (۱۰) وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱) وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۲) إِنَّهُ
 لَقَوْلٌ فَصْلٌ (۱۳) وَمَا هُوَ بِالنَّزْلِ (۱۴) إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا (۱۵)
 وَ أَكِيدُ كَيْدًا (۱۶) فَمَلِ الْكَافِرِينَ أَهْلُكُم رُوَيْدًا (۱۷)

سوره طارق در مکه نازل شده و هدفه آیه و شمت و یک کلمه و دویست و سی و نه حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره طارق را تلاوت کند روز قیامت نزد خداوند با قرب و منزلت و از اهل بهشت است و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند بتعداد ستارگان حسنات برای او نوشته شود و اگر آنرا بنویسد و بشوید و شخص مجروح بدن خود را بآن آب شستشو کند چرک و ورم نکند و اگر بر چیزی بخواند و آنرا بمریض دهند بخورد دوا و شمای درد او بشود سوره طاق مشتمل است بر تهدید خلائق و بیان میکند قرآن حق را از باطل قوله تعالی .

لَوْ السَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقِ النَّجْمُ الثَّاقِبُ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَمَّا

۸۹
۱۷
۳

ترجمہ سورہ طارق

بنام خداوند بخشنده مهربان

سو گند باسماں و ستارہای پیدا شونده در شب (۱) و چه میدانی چیست طارق (۲) همان ستاره درخشان که نورش فرو رود (۳) نیست شخصی مگر آنکه برای او نگهبانی است (۴) باید آدمی نظر کند که از چه چیز آفریده شده است (۵) از آب نطفه جہنہ خلق شد، (۶) کہ از میان پشت پدر و استخوان سینہ مادران بیرون می آید (۷) همانا خداوند برزنده کردن و برگردانیدنش توانائی داد (۸) روزیکہ ظاہر شود نہانیا (۹) در آنروز قوتی و یاورى بر نجات خود نیابد (۱۰) سو گند باسماں فرو ریزنده باران (۱۱) و قسم بزمین شکافنده و گیاه روینده (۱۲) همانا قرآن سخن جدا کننده حق و باطل است (۱۳) و هرگز سخن بیہودہ و بازیچہ نیست (۱۴) آندشمنان ہرچہ بتوانند کید و مکر کنند (۱۵) و ما ہم در جزا و مقابل آنها مکر خواہیم کرد (۱۶) پس ایرسول ما اندکی مہلت دہ و فرو گذار کافران را تابسزای خود برسند (۱۷)

پایان سورہ طارق

علیہا حافظ) قسم باسماں و ستارگان طارق و آن ستارگانی است کہ در شب پیدا شود سبب نزول آیہ آن بود روزی پیغمبر اکرم ﷺ با عموی گرامش ابوطالب نشسته بودند ستارہ آتش داری از آسماں افتاد ابوطالب ترسید عرض کرد ای فرزند این ستارہ چیست پیغمبر اکرم ﷺ فرمود آیتی است از آیات خدایتعالی پس از آن جبرئیل نازل شد و این سورہ را فرود آورد.

و چه دانستی طارق چیست پس از آن تفسیر کرد آنرا طارق همان ستارہ درخشان است کہ نورش فرو رود.

ابن بابویہ ذیل آیات فوق از ابان بن تغلب روایت کردہ کہ حضور حضرت صادق ﷺ بودم شخصی از اہل یمن وارد شد سلام کرد آنحضرت جواب او را داد و فرمود مرحبا ای سعد آن شخص عرض کرد جز مادرم کس این اسم را نمیداند فرمود راست گفتی ای سعد مولی آن شخص گفت مولی لقب من میباشد فرمود خیری در لقب

نیست خداوند میفرماید در قرآن ولاتنا بزوا بالالاقاب بئس لاسم الفسوق بعد الایمان آنگاه فرمود ای سعد در یمن بچه کاری مشغول هستی عرض کرد فدایت کردم من از خانواده‌ای هستم منجم که نظر بستارگان مینمایم و کسی در این علم دانا تر از من نیست در یمن فرمود ستاره زحل در نجوم نزه تو چیست عرض کرد نحس است فرمود اینسخن را نگو زحل ستاره امیرالمؤمنین علیه السلام میباشد و نجم ثاقب است که خداوند میفرماید یمنی عرض کرد ثاقب یعنی چه فرمود محل طلوع آن در آسمان هفتم است نورش سوراخ میکند آسمانها را و روشنائی میدهد از آسمان دنیا از اینجهت آنرا ثاقب نامیدند.

و از ضحاک بن مزاحم روایت کرده که مسردی از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد طارق چیست؟ فرمود بهترین ستارگان است در آسمان و مردم آنرا نمیشناسند طارق نامیده شد چه نور آن میشکافد آسمانها را و روشنائی میدهد بزمین پس از آن بر میگردد بمکان اولی خود.

علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از ابی بصیر روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود سماء در این آیه وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام است و طارق فرشته روح است که با ائمه میباشد و از جانب پروردگار شب و روز با آن بزرگواران حدیث میگوید و ایشانرا حفظ و حراست مینماید و نجم ثاقب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است (ان کل نفس لماعلیها حافظ) هیچ شخصی نیست مگر آنکه از طرف خداوند براو حافظ و نگهبانی هست عمل او را نگاه میدارد و میشمارد خیر باشد یا شر.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود بر هر انسانی صد و شصت فرشته موکل میباشد که آفات را ازاو بر میگردانند و هفت فرشته از آنها مأمورند که شیاطین را از او باز دارند اگر او را لحظه‌ای بخود فرو گذارند شیاطین او را بر بایند.

(فلینظر الانسان مم خلق خلق من ماء دافق یخرج من بین الصلب والترائب انه علی رجعه لقادر یوم تبلی السرائر فماله من قوة ولا ناصر) ای انسان مفرور در ابتداء خلقت خود بنکر و بهین از چه آفریده شده‌ای از آب جهنده آفریده‌اند تو را یعنی آب منی آیینکه بیرون می‌آید از میان پشت پدر و سینه مادر و البته خداوند قادر

است بر پر گردانیدن آدمی پس از مرگ ، آنروز که اسرار باطن انسان را آشکار کنند در آنروز که روز قیامت است هیچ یار و یاورى بر نجات خود نیابد (والسماوات والارض ذات الصدع انه لقول فصل و ما هو بالهزل) سو گند با سمان که فرو ریزنده باران است و بحق زمین که شکافته میشود به نباتات و درختان و نهرهای آب که قرآن بحقیقت کلام پروردگار و جدا کننده حق است از باطل و هرگز سخن هزل و بیهوده نیست (انهم بکبدون کیدا واکید کیدا فمهل الکافرین امهلهم رویدا) دشمنان اسلام و مشرکین مکه هر چه میتوانند مکر و حیلہ میکنند ما هم در مقابل مکر ایشان مکر خواهیم کرد پس تو ای رسول ما اندکی کافران را مهلت بده ما نیز آنها را مهلت میدهم تا روز موعود . ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود منافقین و مشرکین کید و حیلہ کردند با رسول خدا و امیر المؤمنین و حضرت فاطمه و حسنین علیهم السلام پس خداوند به پیغمبرش فرمود ای رسول ما منہم با آنها کید میکنم و مهلت میدهم ایشان را تا وقت ظهور حضرت قائم علیه السلام و انتقام میکشم از ایشان بوجود مقدس آن بزرگوار از بنی امیہ و تیم وعدی و سایر ستمکاران و یاغیان و ظالمان اهل بیت علیهم السلام

پایان سورہ طارق

jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَىٰ (۱) الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ (۲) وَالَّذِي قَدَّرَ
فَهْدَىٰ (۳) وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ (۴) فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ (۵) سَنُقَرِّبُكَ
فَلَا تَنْسَىٰ (۶) إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ (۷) وَنُيَسِّرُكَ
لِلْيُسْرَىٰ (۸) فَذَكَرْ إِن نَّفَعْتَ الذِّكْرَىٰ (۹) سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْفَىٰ (۱۰)

سورة اعلیٰ

سورة اعلیٰ در مکہ نازل شدہ و نوزدہ آیتہ و ہفتاد کلمہ و دوہست و ہفتاد و یک حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ اعلیٰ را قرائت کند روز قیامت باو گویند داخل بہشت شو از ہر دری کہ میخواہی . عیاشی از ابی حمیصہ روایت کردہ کہ عقب سر امیر - المؤمنین علیہ السلام بیست شب تمام نماز بجا آوردم آنحضرت قرائت نکرد مگر سورہ اعلیٰ را و فرمود اگر مردم ثواب قرائت آنرا میدانستند ترک نمیکردند آنرا و ہر کس روزی بیست مرتبہ این سورہ را تلاوت نماید مانند کسی است کہ صحف ابراہیم و تورات موسیٰ را تلاوت نمودہ و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کہ این سورہ را قرائت کند بمقدار ہر حرفیکہ نازل شدہ بابراہیم و موسیٰ و محمد صلی اللہ علیہ وسلم خداوند باو اجر و پاداش عطا فرماید و اگر بر گوش کسیکہ درد میکند بخوانند دردش ساکت شود و اگر بر بواسیر خواندہ شود قطع مادہ او گردد و بزودی شفا یابد .

سورہ اعلیٰ مشتمل است بر صفات علی و قدرت پروردگار و خسران کفار و منافقین و رستگار یافتن مؤمنین بسبب تزکیہ نفس .

ترجمه سوره اعلیٰ

بنام خداوند بخشنده مهربان

نام پروردگار خود را که برتر از وصف است تنزیه کن (۱) آن خدائیکه آفریده مخلوقات را و بحد کمال خود رسانیده (۲) آن خدائیکه هرچیز را قدر و اندازه ای داد و براه کمال رهبری نمود (۳) آن خدائیکه گیاه را از زمین برویاند (۴) و آنگاه خشک و سیاه گردانید (۵) و ما آیات قرآن را بزودی بر تو قرائت میکنیم پس فراموش مکن (۶) مگر آنچه خدا بخواهد همانا او بامور پنهان و آشکار دانا است (۷) ما تو را بر شریعت سهل و آسان موفق میداریم (۸) پس بآیات قرآن خلق را پندده و متذکر ساز اگر سودمند افتد (۹) بزودی پند میگیرد هر که خدا ترس باشد (۱۰)

قوله تعالیٰ (سبح اسم ربك الاعلیٰ الذی خلق فسوی والذی قدر فهدی والذی اخرج المرعی فجعله غثاء احوی سنقرئك فلا تنسی الا ما شاء الله انه یعلم الجهر وما ینخفی) بنام پروردگار خود که برتر از وصف و بالاتر از همه موجودات است تنزیه کن و به تسبیح و ستایش او مشغول باش آن خدائیکه خلق را آفرید و بحد کمال رسانید و آن خدائیکه هرچیز را قدر و اندازه ای داد و براه کمالش هدایت نمود آن خدائیکه گیاه را از زمین برویاند و آنگاه بعد از سبزی خشک و سیاه گردانید ما آیات قرآن را بر تو بخوانیم تا یادگیری و فراموش نکنی مگر آنچه خدا خواهد که منسوخ کند آنرا و چون منسوخ شد از یاد تو و دیگران برود و خدایتعالی بامور آشکار و پنهان عالم دانا است

در تهذیب از عقبه بن عامر جهنی روایت کرده که آیه سبح اسم ربك الاعلیٰ چون نازل شد بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امر فرمود بمردم آنرا در سجود نماز قرار بدهند و آیه فسبح باسم ربك العظیم را دستور داد که رکوع قرار دهند و فرمود هیچ مؤمن و مؤمنه ای نمیگوید این کلامه را در سجود مگر ترازوی اعمال او گران گردد و خدایتعالی بفرماید راست گفت بنده من «من بلند تر از هر چیز هستم و

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى (۱۱) الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى (۱۲) ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَخْيَى (۱۳) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (۱۴) وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى (۱۵) بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا (۱۶) وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى (۱۷) إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى (۱۸) صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى (۱۹)

بوتر از من هیچ چیز نیست ای فرشتگان گواه باشید این بنده را آمرزیدم و بهشت باو کرامت کردم .

در بصائر الدرجات ذیل آیه سنقرئك فلا تنسى از سعد بن طریف خفاف روایت کرده که حضور حضرت باقر علیه السلام عرض کردم چه می فرمائید در حق کسیکه علم و دانشی از شما ائمه تحصیل و یسار گرفته پس از آن فراموش نموده فرمود نیست حجتی براو حجت بر کسی است که بشنود احادیث مارا پس از آن انکار کند آنرا و ایمان بآن نیاورد چنین شخصی کافر است اما در فراموشی تکلیفی براو نیست . (و نيسرك لليسري فذكر ان نفعت الذكرى سيدكر من يخشى و يتجنبها الاشقى الذى يصلى النار الكبرى ثم لا يموت فيها ولا يخشى) ای پیغمبر ما ترا بر شریعت سهل و آسان توفیق میدهیم تو هم امت را یاد و پند ده تا سودمند شوند و هر که خدا ترس باشد بزودی متذکر میشود و پند میگیرد و آنکه شقی تر است از پند و موعظه خدائی دوری بجوید و دروغ پندارد سخن خدا و رسولش را و از آن بر گردد و عاقبت بآتش سخت دوزخ در افتد و در آن دوزخ نه بمیرد تا راحت شود و نه از زندگانی خود برخوردار و بهره مند گردد .

(قد افلح من تزكى و ذكر اسم ربه فصلى بل تؤثرون الحياة الدنيا والآخرة خير و ابقي ان هذا لفي الصحف الاولى صحف ابراهيم و موسى) رستگاری یافت آنکسیکه تزکیه نفس کرد و زکوة فطره داد و نام خدا برد و به نماز و طاعت پرداخت . در تهذیب ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود از تمام

و آنکه شقی است و بدبخت از پند دوری بجوید (۱۱) آنکس عاقبت بآتش سخت دوزخ درافتد (۱۲) و در آن دوزخ نه بمیرد و نه زنده میشود (۱۳) بحقیقت رستگار شد آن کسیکه پاک شد (۱۴) و یاد کرد نام پروردگار خود را پس بنماز پرداخت (۱۵) آن کفارس زندگانی دنیا را بر آخرت برگزیده اند (۱۶) و آخرت بهتر و پاینده تر است (۱۷) این گفتار در کتب پیغمبران پیشین بیان شده است (۱۸) بخصوص در صحف ابراهیم و تورات موسی (۱۹)

پایان ترجمه سوره اعلیٰ

بودن نماز ادا کردن زکوة است مانند فرستادن صلوات بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که او نیز از اتمام نماز است و هر کس روزه بگیرد و زکوة فطره نهد روزه ای برای او نیست اگر عمداً صلوات را ترك کند نمازی برای او نخواهد بود خداوند ابتدا فرمود بزکوة پیش از ذکر نماز و فرمود قد افلح من تزکی • در کافی ذیل آیه (و ذکر اسم ربه فصلی) از عبد الله دهقان روایت کرده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم معنای آیه را فرمود یعنی هر وقت یاد نمودی اسم پروردگار را پس از آن صلوات بفرستید بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او، آنگاه ملامت کن آنهائیکه دنیا را بر آخرت برگزیده اند. در کافی ذیل آیه (بل تؤثرن الحیوة الدنیا) از مفضل بن عمر روایت کرده که از حضرت صادق علیه السلام پرسش کردم معنای آیه را فرمود مقصود از حیات دنیا ولایت اولی وومی و سومی و مراد از آخرت ولایت امیر المؤمنین علیه السلام است و ولایت آنحضرت در تمام صحف پیغمبران نوشته شده است و خداوند مبعوث ننمود هیچ پیغمبری را مگر آنکه عهد و پیمان گرفت از آنها به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام و اوصیاء از فرزندان آنحضرت. و از اصبع بن نباته روایت کرده که از امیر المؤمنین علیه السلام سؤال نمودم تفسیر آیه را فرمود دو هزار سال پیش از آفرینش آسمان و زمین، بر قائمه عرش نوشته شده لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمداً عبده و رسوله و ان علیاً وصی محمد صلی الله علیه و آله فاشهدوا بهما، و فرمود خداوند تا روز قیامت میداند آنچه را مردم در دل خود پنهان میدارند و از جمله چیزهائیکه در صحف ابراهیم نوشته شده است این است باید

شخص عاقل زبان خود را نگاہ بدارد و روزگار خود را بشناسد و بکار خود مشغول باشد .

ابی ذر غفاری گفت از رسول اکرم ﷺ سوال نمودم تعداد پیغمبران چند است فرمود یکصد بیست و چهار هزار، مجدداً سوال کردم پیغمبران مرسل چند نفر بودند؟ فرمود سیصد و شصت نفر و باقی غیر مرسل بودند عرض کردم آدم پیغمبر بود فرمود بلی خداوند او را بخودی خود آفرید و با او سخن گفت، پس از آن فرمود ای ابانذر چهار پیغمبر عرب بودند هود و صالح و شعیب و من که پیغمبر شما هستم . گفتم خداوند چند کتاب فرستاد فرمود یکصد و چهار کتاب ده کتاب بآدم فرستاد و پنجاه کتاب بشیث و سی کتاب با خنوخ و او ادیس است و اول پیغمبری بود که بقلم چیز نوشت و ده کتاب با ابراهیم عطا نمود و تورات را بموسی و انجیل را بعیسی و زبور را بداود عطا نمود و فرقان را بمن کرامت فرمود و تمام کتب را در ماه رمضان نازل نمود .

پایان سوره اعلیٰ

مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

سورہ غاشیہ
مرکز تحقیقاتی و تعلیمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَيْكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ (۱) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ (۲) عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ
(۳) تَصَلِي نَارًا حَامِيَةً (۴) تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آنِيَةٍ (۵) لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا
مِنْ ضَرِيْعٍ (۶) لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ (۷) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ
(۸) لِسْفِهَا رَاضِيَةٌ (۹) فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰)

سورة غاشیه در مکه نازل شده و بیست و شش آیه و هفتاد و دو کلمه و سیصد و هشتاد و یک حرف است خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سورة غاشیه را تلاوت کند در نمازهای واجب و مستحب، خداوند در دنیا رحمت خود را با او پیوشاند و در آخرت ایمن دارد او را از عذاب دوزخ و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس اینسوره را قرائت کند خداوند حسابش را آسان گرداند و اگر بخواند آن را بر طفلی که آرام ندارد ساکت شود و چنانچه بخواند آن را بر کسی که دندان درد میکند ساکن شود و اگر بر چیز خوردنی قرائت کند و بخورد خداوند صحت و سلامتی را در آن چیز روزی او گرداند .

سورة غاشیه مشتمل است بر بیان احوال آخرت .

قوله تعالى (هل أتيتك حديث الغاشية وجوه يومئذ خاشعة عاملة ناصبة تصلي نارا حامية تسقى من عين آنية ليس لهم طعام الا من ضريع لا يسمن ولا يغني من جوع) ای رسول ما آیا خبر هولناك قیامت که همه چیز را با هول و هیبت باز میپوشد بر تو حکایت شده در آن روز رخسار طائفه ای ترسناک و ذلیل باشد و همه کارشان رنج و مشقت است و پیوسته در آتش سوزان دوزخ معذبند و از چشمه آب گرم جهنم نوشند و نیست برای آنها طعامی مگر کثافات اهل دوزخ نه فربه کند آن طعام

ترجمه سوره غاشیه

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما آیا حدیث هولناک قیامت بر تو حکایت شده است (۱) در آنروز رخسار طایفه ای ترسناک است (۲) و همه کارشان رنج و مشقت است (۳) و پیوسته در آتش فروزان دوزخ معذبند (۴) و از چشمه آب گرم جهنم نوشند (۵) نیست برای آنها طعامی جز خار (۶) نه فربه کند کسیرا و نه سیر گردانند (۷) طایفه دیگر در آن روز رخسارشان شاد و خندانند (۸) و از سعی و کوشش خود در عمل خوشنودند (۹) و در بهشت عالی مرتبه اند (۱۰)

کسی را و نه سیر کند •

در کافی ذیل آیه فوق از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود فرا گیرد این مردم را شمشیر حضرت قائم علیه السلام و طاقت ندارند که امتناع کنند از آن شمشیر، آنها عمل میکنند بغیر آنچه خداوند نازل نموده و منصوب میکنند غیر اولی الامر را بولایت و وصایت و افروختند آتش جنگ را در دنیا و در آخرت آتش جهنم برای ایشان افروخته شود و فرمود مصداق حقیقی آیه ناصیهها و زیدیه و واقفیه و کسانی که مخالفت دین خدا را نمودند میباشد هر چند آنها کوشش در عبادت و نماز و روزه کنند خداوند در اثر مخالفت، اعمال ایشان را از بین ببرد و اگر شب و روز مشغول عبادت باشند بخاطر عداوت و دشمنی که با امیر المؤمنین علیه السلام دارند خداوند عبادات و اعمال آنها را قبول نفرماید و این حدیث را کسی از حضرت جواد علیه السلام روایت کرده •

(وجوه يومئذ ناعمة لضعفائها راضية في جنة عالية لا تسمع فيها لاغية فيها عين جارية فيها سرر مرفوعة واکواب موضوعة و نمارق مصفوفة و زراعی مبثوثة) جمعی دیگر رخسارشان بشاش و خندانند و از سعی و کوشش خود در طاعت که در دنیا کرده اند خوشنودند و در بهشت مقام عالی یافته اند و در آنجا هیچ سخن زشت و بیپوده ای نشنوند در آن بهشت چشمه های آب گوارا جاریست و سریر های بلند

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِاِغْيَةٍ (۱۱) فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲) فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ (۱۳) وَاَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ (۱۴) وَنَارِقٌ مَصْفُوقَةٌ (۱۵) وَزَرَابِيُّ مَبْنُوَّةٌ (۱۶) اَفَلَا يَنْظُرُونَ اِلَى الْاِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (۱۷) وَ اِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ (۱۸) وَ اِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ (۱۹) وَ اِلَى الْاَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ (۲۰) فَذَكِّرْ اِنَّا اَنْتَ مُذَكِّرٌ (۲۱) لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ (۲۲) اِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ (۲۳) فَيُعَذِّبُهُ اللّٰهُ الْعَذَابَ الْاَكْبَرَ (۲۴) اِنَّ اِلَيْنَا اِيَابُهُمْ (۲۵) ثُمَّ اِنْ عَلَيْنَا حِسَابُهُمْ (۲۶)

پایه نهاده اند و بهترین مشروبات را در قدحهای بزرگ گذاشته اند و بر هر سریری مسند و بالشهای لطیف و مرتب افراشته اند و فرشهای گرانبها گسترده اند و چون پروردگار وصف نمود بهشت را و پیغمبر اکرم ﷺ فرمود سربرهای بهشتی در نهایت باندی است سر فرو آرند تا مؤمنین پای بر آن نهند مشرکین تعجب کردند و دروغ پنداشتند جبرئیل نازل شد و آیات ذیل آورد .

(اَفَلَا يَنْظُرُونَ اِلَى الْاِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ وَ اِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ وَ اِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ وَ اِلَى الْاَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ) فرمود آيا اين مردم در خلقت شتر نمينگرند كه چگونه آفريده شده و بلند قامت است ولي چون خواهند بر آن سوار شوند گردن فرود آورد و زانو خم كند و تمكين نمايد ابن عباس ميگويد پيغمبر اکرم ﷺ فرمود هر چيزي را كه خداوند در بهشت آفريده نمونه آن را در دنيا خلق فرموده مگر فرشهاي بهشتي را .

و اين مردم كافر در خلقت كاخ آسمان بلند فكر نميكند كه چگونه آفريده شده و كوهها را نميبينند كه چگونه بر زمين بر افراشته اند و بر زمين نظر نميكند چه طور آنها گسترده اند آيا كسي قدرت و توانائي دارد كه اين قبيل مخلوقات را

و سخن لغو و بیهوده نشنوند (۱۱) در آن بهشت چشمه ها جاریست (۱۲) و در آن تختهای بلند مرتبه است (۱۳) و قدحها نهاده شده (۱۴) و بالشهای لطیف روی یکدیگر نهاده اند (۱۵) و فرشهای فاخر گسترده اند (۱۶) آیا بیشتر نمینگرند که چگونه آفریده شده است (۱۷) و در خلقت آسمان فکر نمیکنند که پدیدار و بلند است (۱۸) و کوهها را نمیبینند که چگونه بر زمین برافراشته شده است (۱۹) و بر زمین نظر نمیکنند چگونه پهن شده (۲۰) ای رسول ما تو پند ده که وظیفه تو جز این نیست (۲۱) و تو نگهبان بر آنها نیستی (۲۲) مگر هر کس روی گردانید و کافر شد (۲۳) خدا او را بعد از بزرگ معذب کند (۲۴) همانا باز گشت ایشان بسوی ما است (۲۵) آنگاه حساب و جزای اعمالشان بر ما خواهد بود (۲۶)

پایان ترجمه سوره غاشیه

بیافریند پس چرا مشرکین از خلقت بهشت تعجب میکنند .
(فذکر انما انت مذکور است علیهم تسيطر الامن تولى و کفر فیعذبہ اللہ العذاب الاکبر ان الینا یا بهم ثم ان علینا حسابهم) ای رسول ما تو این مردم غافل را متذکر ساز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست و نگهبان بر آنها نیستی جز آنکه هر کس پس از تذکر و پند روی از حق بر گرداند و کافر شود خداوند او را بعد از بزرگ در دوزخ معذب گرداند و البته باز گشت آنها بسوی ما است آنگاه حساب و جزای اعمالشان بر ما خواهد بود .

در کافی ذیل آیه (ثم ان علینا حسابهم) از جابر روایت کرده که حضرت باقر علیه السلام بمن فرمود ای جابر روز قیامت پروردگار خلائق اولین و آخرین را تماماً جمع میکند پیغمبر اکرم و امیر المؤمنین علیهما السلام را بخوانند و بر آن دو بزرگوار حله سبزی بپوشانند که روشنائی دهد میان مشرق و مغرب سپس ما ائمه را حاضر کنند و فصل حکومت میان خلائق و حساب آنها را بسوی ما واگذار کنند بخدا قسم ما داخل کنیم اهل بهشت را در بهشت و اهل دوزخ را بدوزخ پس از آن پیغمبران پیشینیان را بخوانند و نزد عرش پروردگار بایستند تا مردم فارغ شوند از حساب وقتی اهل بهشت در منازل خود قرار گرفتند خداوند امیر المؤمنین علیه السلام را میفرستد تا مؤمنان

را بمؤمنین تزویج کند سو کند بخدا جز آن حضرت کسی این عمل را انجام نهد و این موضوع از کرامت خداوند است که بآن حضرت عطا فرموده سو کند بخدا امیر المؤمنین علیه السلام قسمت کننده بهشت و دوزخ است .

و از سماعه روایت کرده که در خانه کعبه حضور حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ایستاده بودم و مردم مشغول طواف بودند آن حضرت بمن فرمود ای سماعه باز گشت این خلائق بسوی ما است و ما بحساب آنها رسیدگی میکنیم و شفاعت مینمائیم از ایشان و خداوند شفاعت ما را پذیرفته و اجابت میفرماید .

در تہذیب از موسی بن عبداللہ نخعی روایت کرده حضور حضرت امام علی النقی علیه السلام عرض کردم ای فرزند رسول خدا تعلیم نمائید مرا کلماتی هر وقت خواستم یکی از شما ائمه را زیارت کنم بتوانم آن حضرت زیارت جامعہ را بمن تعلیم نمود و از جملہ کلمات آن زیارت این بود قایاب الخلق الیکم و حسابہم علیکم و فضل الخطاب عندکم ای بزرگوارانیکہ باز گشت خلائق بسوی شما است و شما بحساب مردم رسیدگی مینمائید و فصل خصومت و حکومت در حضور شما ائمه انجام میشود

پایان سوره غاشیہ

jabir.abbas@yahoo.com

سورۃ فجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ (۱) و لَيَالٍ عَشْرٍ (۲) وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ (۳) وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ
(۴) هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حَبْرِ (۵) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ
(۶) إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ (۷) الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ (۸) وَثَمُودَ
الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (۹) وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ (۱۰)

سوره فجر در مکہ نازل شدہ و سی آیہ و صد و سی و نہ کلمہ و پانصد و نہ حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ فجر را قرائت کند در نمازهای واجب و مستحب روز قیامت از اصحاب حضرت امام حسین علیہ السلام باشد زیرا این سورہ بآن حضرت اختصاص دارد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس این سورہ را قرائت کند بتعداد قاری آن خداوند ثواب باو عطا کند و ہر کس این سورہ را بنویسد و در میان خود و اہلش گذاردہ و با او نزدیکی کند خداوند فرزند مبارکی روزی او گرداند و اگر هنگام طلوع فجر این سورہ را قرائت کند تا طلوع فجر دیگر از ہر شری ایمن باشد

سورہ فجر مشتمل است بر تنبیہ و تذکر کفار و منافقین بعداییکہ نازل نمود بر طایفہ عاد و ثمود و فرعونیان در اثر کفر و تکذیب کردن پیغمبران و آنکہ باز گشت خلائق بسوی خدا است و بیان احوال بشر و حکایت گفتار کفار در آخرت .

قوله تعالى (والفجر وليال عشر والشفع والوتر والليل اذا يسر هل في ذلك قسم لذي حجر) قسم بصبحگاه و بده شب اول ذیحجہ .

ترجمہ سورہ فجر

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم بصبحگاه (۱) و بده شب (۲) و سوگند بجفت و فرد (۳) و بشب چون بروز مبدل شود (۴) آیا این امور کہ قسم بآنها یاد شد نزد اهل خرد لیاقت سوگند نیست (۵) آیا ندیدی پروردگار تو با عباد و قوم ہود چہ کرد (۶) و یا ارم کہ صاحب قدرت و عظمت بودند چگونه رفتار نمود (۷) و حال آنکہ مانند شہرہای آنها از حیث بزرگی و زیبائی آفریدہ نشدہ بود (۸) و نیز با قوم ثمود آنانکہ بریدہ بودند سنگہا را برای مسکن ماوی خود (۹) و با فرعونیان صاحبان میخ و قدرت (۱۰)

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود هیچ ایامی بہتر و محبوب تر از ایام عشر اول ذیحجہ نزد پروردگار نیست عبادت ہر روزی از آن مطابق یکسال است حضورش عرض کردند جوانی است کہ این ایام را روزہ میگیرد امر فرمود او را حاضر کردند سؤال نمود ای جوان چہ شنیدہ ای در فضیلت این ایام کہ روزہ میداری عرض کردہ ای رسول خدا چیزی شنیدہ ام جز آنکہ خواستم من ہم عبادتی مانند حاجیان مشغول باشم فرمود بشارت باد ترا کہ ہر کس یکروز از این ایام را روزہ بدارد مثل آنست کہ صد روز روزہ داشتہ است و اگر قربانی کند مانند آنست کہ صد قربانی کردہ و چون روز ترویہ (روز ہشتم) و روز عرفہ روزہ بدارد مثل آنست کہ ہزار روز روزہ داشتہ و ثواب و پاداش عبادت در این دود روز ہزار برابر باشد .

و قسم بجفت و فرد، و سوگند بشب تا چون منقضی شود و بروز روشن مبدل گردد آیا در این امور کہ قسم بآنها یاد شد نزد اہل خرد لیاقت سوگند نیست .
شرف الدین ذیل آیات فوق از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود فجر وجود مقدس حضرت قائم علیہ السلام و لیال عشر فرزندان امام حسین علیہ السلام و شفع امیر المؤمنین علیہ السلام و حضرت فاطمہ علیہ السلام و تر پروردگار یکتا است ، ولیل دولت اولی و دومی است کہ جاریست تا دولت قائم علیہ السلام : محمد بن عباس از حضرت صادق علیہ السلام

الَّذِينَ طَفَفُوا فِي الْبِلَادِ (۱۱) فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ (۱۲) فَصَبَّ عَلَيْهِمْ
رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ (۱۳) إِنَّ رَبَّكَ لَبَالِغُ صَادٍ (۱۴) فَأَمَّا الْإِنْسَانُ
إِذَا مَا ابْتَلَيْهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵) وَأَمَّا إِذَا
مَا ابْتَلَيْهُ فَقَدَّرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶) كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ
الْيَتِيمَ (۱۷) وَلَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (۱۸) وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ
أَكْلًا لَّمًّا (۱۹) وَتُحِبُّونَ الْهَالَ حُبًّا جَمًّا (۲۰)

روایت کردہ فرمود شفع پیغمبر اکرم ﷺ و امیر المؤمنین علیہ السلام و وتر پروردگار
جهانیاں است .

علی بن ابراہیم از آن حضرت روایت کردہ فرمود شفع حضرت امام حسن
و امام حسین علیہ السلام است و وتر وجود مقدس امیر المؤمنین علیہ السلام میباشد .

(الم تر كيف فعل ربك بعاد ارم ذات العماد التي لم يخلق مثلها في البلاد) ایرسول
ما آیا ندیدی کہ خدای تو چه کرد بقوم عاد و اهل شهر ارم کہ صاحب قدرت و
عظمت بودند چگونه بکیفر رسانید آنها را .

داستان قوم عاد بدینقرار است: طبرسی از وهب بن منیہ روایت کردہ گفت در
عصر معویۃ بن ابی سفیان علیہ اللعنة و العذاب عبد اللہ بن قلابہ در صحرائی عدن شتر
خود را گم کرد در طلب آن جستجو میکرد رسید بشہری کہ اطراف آن قلعہ ہای
محکمہ داشت نزدیک دفت بگمان آنکہ از اهل آن خبر شتر خود را بگیرد دو
در بزرگ دید کہ مرصع بجواهرات و یاقوت سرخ و سفید است متوحش شد عاقبت
در را گشود قصور و کاخہائی را مشاہدہ کرد کہ نظیر آنرا ندیدہ بود ہر یک از قصرہا
از زر سرخ مرصع بانواع جواهرات ساختہ شدہ بود عبد اللہ میگوید مدہوش بماندم
در میان آن قصرہا مشک و زعفران ریختہ شدہ بود و بجای سنگ انواع جواهرات

آنهائیکہ در روی زمین و شهرها طغیان و سرکشی کردند (۱۱) پس بسیار فتنه و فساد کردند در شهرها (۱۲) تا آنکہ پروردگار تو بر آنها تازیانه عذاب فرود آورد (۱۳) همانا پروردگار تو در کمینگاہ ستمکاران است (۱۴) اما آدمی را چون خداوند بخواهد آزمایش کند گرامی بدارد او را و از کرم خود نعمتی باو عطا کند پس میگوید خدا مرا عزیز و گرامی داشت (۱۵) و چون بساز برای آزمودن او را اندک روزی دهد و فقیر گرداند گوید خدا مرا خوار گردانید (۱۶) چنین نیست بلکہ یتیم نوازی نمیکنند (۱۷) و فقیر را بر سفرہ طعام تحریم و ترغیب نمیکنند (۱۸) و میراث را بتمام میخورند و مراعات بینوایان نمیکنند (۱۹) و مال دنیا را بسیار دوست میدارند (۲۰)

در و یاقوت و زبرجد بکار رفته بود و نہرهای آب از طلا و نقرہ ساخته بودند و بجای ریگ مروارید و یاقوت در قعر نہرہا ریخته شدہ بود و ہر چہ گردش کردم کسی را ندیدم باخود گفتم نظیر این شہر در دنیا نیست این همان بہشت موعود است کہ خداوند وعدہ فرمودہ مقداری از مشک و عنبر و جواهرات کہ ریخته شدہ بود برادشتم و بیرون آمدم داستان خود را بہ بعضی از مردم حکایت کردم و آن جواهرات را کہ ہمراہ خود آورده بودم بایشان نشان دادم و بعضی را فروختم خبر بمعویہ رسید مرا احضار کرد و در خلوت از من سؤال نمود چنانکہ دیدہ بودم برای او شرح دادم باور نکرد شخصی را فرستاد کعب الاخبار را حاضر کرد از او پرسید ای کعب در دنیا شہری هست کہ از زر و سیم و انواع جواهرات بر این ہیئت ساخته شدہ باشد گفت بلی چنین شہری را شداد بن عاد بنا کرد و ذکر آنرا خداوند در قرآن بیان فرمودہ میفرماید: ارم ذات العماد التي لم يخلق مثلها في البلاد معویہ از کعب سؤال کرد مگر عاد اولی قوم ہود نبودند گفت خیر قوم ہود از فرزندان عاد اولی بود او دو پسر داشت یکی شدید و دیگری شداد چون عاد وفات کرد ہر دو بجای پدر بر تخت پادشاہی نشستند شدید ہم پس از چندی وفات کرد و شداد پادشاہ روی زمین شد تمام پادشاہان جہان مطیع و فرمانبردار او بودند شداد جریس بود

کَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۲۱) وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا
 (۲۲) وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى
 (۲۳) يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴) فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا
 (۲۵) وَلَا يُوثِقُ وِثْقَهُ أَحَدٌ (۲۶) يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷) ارْجِعِي
 إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً (۲۸) فَادْخُلِي فِي عِبَادِي (۲۹)
 وَادْخُلِي جَنَّتِي (۳۰)

بخواندن کتابها هر کجا نام بهشت و اوصاف آن بود شداد مسرور و خوشحال میشد
 تا آنکه آرزو کرد بهشتی در دنیا بنا کند. یکصد مرد قهرمان تهیه نمود و در تحت
 فرمان هر قهرمانی هزار نفر استاد و کارگر قرار داد و با قصای جهان نامه‌ها نوشت
 و حبر داد من میخوام شهری باین کیفیت بنا کنم هر کس هر چه طلا و جواهرات
 دارد بیاورد از اطراف و جوانب هر چه بود آوردند و در بهترین نقاط خوش آب و
 هوا شهری از طلا و نقره و انواع جواهرات در نهایت زیبائی ساختند و بستانهای
 احداث کردند سیصد سال در بناء آن مشغول بودند در آن وقت از عمر شداد نهمصد
 سال میگذشت چون تمام شد روزی با تمام لشکر و اعیان مملکت حرکت کرد تا
 بآن بهشت برود و سکونت کند یکروز باقی ماند که بآنجا برسد خدایتعالی بصیحه
 آسمانی تمام آنها را هلاک نمود و کسی از ایشان بآنجا نرسید در این عصر مردی
 از مسلمانان که قدی کوتاه و موی سرخ و خالی برابرو و دیگر بر گردن دارد
 بطلب شترش در بیابان میرود و بآنجا میرسد. آنگاه متوجه عقب سر خودش عبدالله
 را دید آنجا حاضر است گفت بخدا قسم همین شخص است .

(و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد) آیا ندیدی قوم ثمود را آنهاییکه سنگ
 را بریدند و کاخهایی برای خود از سنگ میساختند چگونه کیفر داد؟ مورخین گفته‌اند

نہ چنین است و زیکہ از زلزله پی در پی زمین متلاشی شود (۲۱) و اگر پروردگار تو فرشتگان صف در صف بمحشر آیند (۲۲) و آنروز جهنم را بیاورند در آنروز آدمی گناه خود را بیاد آورد و آن یاد آوری بجمال او چه سودی بخشد (۲۳) و با حسرت میگوید ایکاش درد دنیا برای زندگانی همیشگی امروز خود کار خیری پیش میفرستادم (۲۴) آنروز کسی را مانند آن عذاب نکنند (۲۵) و کسی را مانند آن بند نکنند (۲۶) در آن هنگام خطاب رسد بمؤمنین ای نفس مطمئن و دل آرام (۲۷) بسوی پروردگارت باز آی که تو خوشنود و او از تو راضی و خوشنود می باشد (۲۸) باز آی و در صف بندگان خاص من در آی (۲۹) و در بهشت من داخل بشو (۳۰)

پایان ترجمہ سورہ فجر

اول کسیکہ سنگ تراشید و از آن خانہا و متاع ساخت قوم نمود بود .
(و فرعون ذی الاوتاد الذین طفوا فی البلاد فاکثروا فیہا الفساد فصب علیہم ربک سوط العذاب) و نیز فرعون صاحب قدرت و شوکت را چگونه غرق و ہلاک نمود
چہ اینان در روی زمین ظلم و طغیان کردند و بسیار فتنہ و فساد برانگیختند تا آنکہ
خدای تو بر آنها عذاب پی در پی فرستاد .

ابن بابویہ ذیل آیہ و فرعون ذی الاوتاد از حمران روایت کردہ کہ از حضرت صادق علیہ السلام سؤال نمودم برای چہ فرعون را ذی الاوتاد نامیدند فرمود چون میخواست کسی را عذاب نماید دستور میداد او را بصورت روی زمین بخوابانند و دست و پای او را میکشیدند و میخ میکردند و رها مینمودند تا ہلاک گردد لذا خداوند او را ذی الاوتاد نامید .

طبرسی از ابن عباس و ابن مسعود روایت کردہ گفتند زنی مؤمنہ کہ ما شطہ دختر فرعون بود روزی سر آن دختر را شانہ میکرد شانہ از دستش افتاد گفت کور باد آنکہ بخدای کافر است دختر فرعون گفت مگر از برای تسو خدائی جز پدرم هست ؟ گفت آری پروردگار خدای من و پدرت و خدای آسمان و زمین و آفریدگار

جہانیاں است از ہنگی است۔ بیہمتا و بی شریافتہ دختر این موضوع را پیدر خود فرعون گفت امر کرد او را حاضر کنند ہلہ گفت از این اعتقاد و گفتار بر کرد و کافر شو بان خدائی کہ میگوئی و کرنہ ترا عطا می کنم تا مردم از آن عبرت بگیرند جواب داد من بخدای خود ہرگز کافر نمی شوم تو ہرچہ میخواہی انجام دہ امر کرد او را چہار میخ زدند باز نگفت، کودکان او را آوردند و باو گفتند اگر بر نگردی این کودکان را در برابر بت بقتل میرسانیم جواب داد ہرچہ میخواہید بکنید من از خدای خود بر نمیگردم طفل شیرخوار را روی سینہ مادرش سر بریدند و مادرش را نیز کشتند۔ آسیہ صال فرعون مؤمنہ بود و ایمان خود را پنهان میداشت چون آن حالت را دید فرعون را ملامت کرد و گفت زن بی گناہ را کہ مدتہا خدمت مامین نمود بقتل رسانیدی !! فرعون گفت تو دیوانہ شدہ ای آسیہ جواب داد من دیوانہ نیستم خدای تو و تمام جہانیاں همان کسی است کہ آسمان و زمین و کوء و دریا ہا را آفریدہ است فرعون بر او خشم گرفت و از نزد خودش بیرون کرد و دستور داد پدر و مادر آسیہ را حاضر کردند باآنها گفت همان نوع دیوانگی کہ زن ماشطہ را گرفتہ بود آسیہ را نیز گرفتہ است پدر و مادر او را تسبیح کردند و گفتند شوہر تو خدای آسمان و زمین است، پدر و مادر گفت اگر چنین است کہ شما میگوئید باو بگوئید آفتاب از مقدم او و ماہ از عقب او طلوع و سیر نمایند و ستارگان بر گرد او بچرخند گفتند نمیتواند این کار را انجام دہد۔ آفریدگار اینہا قادر است آنہا را بگردش در آورد و تمام آنہا مسخر او ہستند فرعون چون این سخنان را از آسیہ شنید امر کردہ او را نیز مانند زن ماشطہ بروی زمین بخوابانند و دست و پاہایش را چہار سیخ بکوبند، در آن حال آسیہ متوجہ پروردگار خود شد و گفت پروردگارا خانہ ای برای من در بہشت بنا کن و مرا از فرعون و کردار زشت او نجات دہہ فرشتگان جایگاہش را در بہشت باو نشان دادند و عذاب بر او آسان شد و جان دادو برای این نوع عذاب را کہ بدعت گذاشت نامیدہ شد بفرعون ذی الاوتاد ۔

(ان ربك لبالمرصاد) این آیہ جواب قسم است یعنی ای خداوند پروردگار

تو در کمینگاہ ستمکاران است میبیند و میشنود کردار و گفتار آنہا را ۔

(فاما الانسان اذا ما ابتليه ربه فاکرمه و نعمه فيقول ربی اکرم من واما اذا ما ابتليه فقدر عليه رزقه فيقول ربی اهانن کلا بل تکرمون الیتیم ولا تحاضون علی طعام المسکین و تأکلون التراث اکلا لما و تحبون المال حبا جما) در این آیات بیان میکند احوال بشر را . میفرماید اما انسان چون خدایتعالی او را آزمایش و امتحان کند بنعمتی و تندرست گرداند و مال و ثروت و انواع نعمتهای دیگر باو عطا کند در آن حال مغرور شود بآن ناز و نعمت و گوید خدا مرا عزیز و گرامی داشته است و گمان کند که این حق و نعمت بر خدا واجب بوده که باو عطا فرموده و چون او را بفقر و بیماری امتحان کند مغموم شود و گوید خدا مرا خوار گردانید پس انسان نه شکر نعمت کند و نه در محنت و ابتلا برد بار و صابر باشد . چنین نیست که او گمان کرده ثروت و توانگری بخاطر عزت و اکرام او نیست و فقر و احتیاج او برای خواری و اهانت باو نیست بلکه برای صلاح و مصلحتی است که پروردگار او را میداند و گاهی فقر و پریشانی برای آنست که یتیم نوازی نمیکند و بینوائی را بمیل و رغبت بر سفره طعام خود نمی نشانند و میراث را بتمام میخورند و مراعات صغیر و سایر ورثه را نمینمایند و سخت فریفته مال دنیا هستند و آن را ذخیره میکنند و در راه خدا انفاق نمیکند .

(کلا اذا دکت الارض دکا دکا و جاء ربک و الملك صفا صفا و جی . یومئذ یجهنم یومئذ یتذکر الانسان وانی له الذکری) چنین نیست که دنیا طلبان گمان کرده اند چون زمین از اثر زلزله پی در پی بکلی متلاشی شود ، در آن هنگام امر کند پروردگار که فرشتگان صف در صف بعرصه محشر آیند و آن دوزخ را بیاورند و همانروز انسان متذکر کار خود گردد و از خواب غفلت بیدار شود و آن تذکر چه سود بحال او بخشد چه وقت تذکر و تفکر نیست زیرا در آخرت تکلیف نمی باشد .

طبرسی از ابو سعید خدری روایت کرده گفت چون آیات فوق نازل شدند مبارک پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تغییر نمود و کسی جرئت نداشت از سبب آن سؤال کند اصحاب نزد امیر المؤمنین علیه السلام رفتند عرض کردند یا ابوالحسن شما بروید حضور

پیغمبر اکرم ﷺ عرض کرد ای رسول خدا جانم بفدایت چرا منغیر شده ای چه اتفاقی رخ داده که از آن دلتنگ و ملول هستید فرمود جبرئیل آیاتی آورد که بر من سخت آمد و آیات را قرائت نمود امیر المؤمنین علی (ع) پرسید ای رسول خدا چگونه دوزخ را بیاورند فرمود هفتاد هزار فرشته با هفتاد هزار زمام آن را بعرصه قیامت آورند آنگاه يك شراره از آن پدید آید که اگر فرشتگان آن را دفع نکنند تمام اهل محشر را بسوزاند آنگاه فرشتگان بمن گویند ای رسول خدا بشارت باد ترا که خدایتعالی گوشت و پوست ترا بر آتش حرام کرده است در آن حال هیچ بنده ای از بندگان خدا نیست و نه فرشته و پیغمبری مگر آنکه فریاد میکند و میگوید پرورد گارا نفس مرا نجات بده جز من که میگویم پرورد گارا امت مرا نجات ده پس از آن پل صراط که برنده تر از شمشیر است بروی دوزخ کشیده شود سه موقف مردم را نگاهدارند موقف اول از امانت و رحم پرش کنند دوم از نماز سوم از عدل پرورد گار اگر از موقف اول خلاص شد در موقف دوم او را نگاه میدارند و اگر از آنجا نجات یافت موقف سوم نگاهدارند اینست معنای آیه ان ربك لبالمرصاد و بعضی از مردم قدمهایشان بر صراط بلرزد و با دست بروند بعضی دیگر یکقدم بر دارند قدم دیگر نتوانند بگذارند فرشتگان در اطراف صراط ایستاده اند فریاد میزنند پرورد گارا عفو کن و در گذر از بندگانت و با فضل خود با ما رفتار بنما طایفه ای از مردم با آتش انداخته شوند و اگر بنده ای عبور کند از صراط بسبب رحمت پرورد گنا عبور کرده و نجات یافته است در آن حال آن بنده گوید ستایش خدایرا که بنعمت او تمام کردیم کارهای نیکو را و پاکیزه شدیم باعمال حسنات سپاس خدایرا که بلطف خود نجات داد مرا همانا پرورد گار من آمرزنده و مهربانست .

(یقول یالیتنی قدمت لحيوتی فیومئذ لا یعذب عذابه احد ولا یوثق و ثاقه احد) انسان در آن روز با حسرت و ندامت میگوید ایکاش در دنیا برای زندگانی همیشگی امروز کار خیر انجام میدادم و عذاب و شکنجه ای که خدا کند کسی نکند و آن بند که خدا نهد کسی نهد .

شرف الدین ذیل آیه فوق از معروف بن خربوذ روایت کرده که از حضرت باقر علیه السلام تاویل آیه را سؤال نمود فرمود مراد باحد دومی است و از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند جسم نیست تا حرکت بر او روا باشد و از جایی بجایی و از مکانی بمکان دیگر انتقال گردد و ذات مقدسش منزّه و مبرا است از توصیف و مکان و مقصود از آیه و جاء ربك والملك صفا صفا امر و حکم پروردگار است که با فرشتگان آید.

(یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربك راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی) در آن روز خطاب رسد بکسیکه نفس او ساکن و دلش آرام است بوعده پروردگار و تصدیق نموده او را باز گرد بسوی خدای خود که راضی و خوشنودی از پروردگار و پروردگار نیز از تو راضی و خوشنود میباشد و در صف بندگان خاص من در آی و در بهشت من داخل شو.

حضرت باقر علیه السلام فرمود هر نفسی که مطمئن شد بولایت امیر المؤمنین علیه السلام است خوشنود گردد به پاداش و ثواب پروردگار و فرمود در حال اختصار فرشتگان او را صدا می‌کنند ای کسیکه مطمئن شدی بولایت علی امیر المؤمنین علیه السلام باز گرد بسوی پروردگار خود خوشنود و پسندیده پس نیست برای او هم و غمی مگر آنکه ملحق شود بآنحضرت.

شرف الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که باصحاب خود فرمود قرائت کنید سوره فجر را در نمازهای خود چه این سوره اختصاص دارد بحضرت امام حسین علیه السلام ابو اسامه عرض کرد چگونه این سوره بآنحضرت اختصاص دارد فرمود مقصود از نفس مطمئنة آن حضرت و شیعیان او است.

ابن بابویه از سدید صیرفی روایت کرده که از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود آیا مومن کراهت دارد از قبض روح فرمود خیر وقتی فرشته موکل بر قبض ارواح وارد شد بر او جزع و فریاد میکند در آنحال آنفرشته باو میگوید بی تابی مکن ایدوست خدا بحق کسیکه عهد علیه السلام را بحق فرستاده من در حق تو نیکویی مینمایم و مهربان تر از پدر و مادر هستم باز کن دیده های خود را و مشاهده کن

جمال و نور پیغمبر اکرم ﷺ و امیر المؤمنین علیؑ و امام حسن و امام حسین و ائمه علیهم السلام را اینها رفقای تو میباشند. ای کسیکه نفس خود را مطمئن کرده ای بمحمد و علی و اهل بیت او علیهم السلام، برگرد بسوی پروردگار با ولایت و ثواب الهی و داخل بهشت شو در زمره بندگان خاص یعنی عهد محمد ﷺ و علی و اهل بیت آن بزرگواران قرار گیر در آن وقت چیزی بهتر از قبض روح برای اونست تا بزودی ملحق گردد بائمه خود •

پایان سوره فجر



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ (۱) وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ (۲) وَالْوَالِدِ وَمَا وَلَدَ
(۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ (۴) أَيْحَسِبُ أَنْ أَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ
(۵) يَقُولُ أَهْلَكَ مَا لَأُبْدَأَ (۶) أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ (۷) أَلَمْ
نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ (۸) وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ (۹) وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ (۱۰)

سوره بلد در مکه نازل شده و بیست آیه و هشتاد و دو کلمه است .
خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
فرمود هر کس سوره بلد را قرائت کند از نیکو کاران دنیا محسوب شود و در آخرت
نزد پروردگار قرب و منزلتی پیدا کند و از هم نشیمان شهدا باشد .
و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده فرمود هر کس این
سوره را قرائت کند روز قیامت ایمن باشد از غضب پروردگار و نجات یابد از عقبه
های صراط و اگر این سوره را بنویسد و بر طفل نوزاد به بندد محفوظ بماند از
هر آفتی و از ضرر اطفال صبیان سوره بلد مشتمل است بر حرمت مکه در جاهلیت و اسلام
و راه اطمینان و نظر در طرق توحید و خدا شناسی .

قوله تعالی (لا اقسام بهذا البلد و انت حل بهذا البلد و والد و ما ولد لقد
خلقنا الانسان فی کبد ایحسب ان لن یقدر علیه احد) سو گند یسار نمیکنم بشهر
مکه و حال آنکه تو ای پیغمبر فرود آمده ای باین شهر مکه و سو گند به پدر و
آنچه زاده از فرزندان همانا ما آفریده ایم انسان را در سختی و رنج و مشقت آیا
با این ناتوانی گمان میکند که هیچکس بر او قدرت و توانائی ندارد .
این آیه توبیخ و سرزنشی است برای کفار مکه چه آنها حلال نمیدانستند

ترجمہ سورہ بلد

بِذَا مَا خُذُوا نَدَّ بِخَشْنَدِهِ مَهْرَبَانِ

سو گند باین شهر مکہ (۱) و حال آنکہ تو فرود آمدہ ای باین شهر (۲) و قسم بہ پدر و فرزندان او (۳) ما انسان را در سختی ورنج آفریدیم (۴) آیا میپندارد کہ کسی بر او توانائی ندارد (۵) و میگوید من مال بسیار تلف کردم (۶) آیا گمان میکند کہ کسی او را نمیبیند (۷) آیا ماد و چشم باو عطا نکردیم (۸) و زبان و دو لب باو ندادیم (۹) و راه خیر و شر باو ننمودیم (۱۰)

کہ ظلم و ستم کنند بر کسی در شهر مکہ با این وصف بر پیغمبر اکرم ظلم و ستم کردند مفسرین گفتند آیہ در روز فتح مکہ نازل شد و خداوند حلال نمود بر پیغمبرش قتل کفار را در شهر مکہ یکساعت و مؤید آن فرمودہ رسول خدا است کہ فرمود از آنروز کہ پروردگار آسمان و زمین و خورشید و ماه را آفرید حرام نمود جنگ و قتال را در شهر مکہ تا روز قیامت و پیش از من برای کسی حلال نبوده و بعد از من ہم حلال نخواهد بود و برای من نیز جز یکساعت از روز حلال نیست و در آن ساعت ابن اخطل کہ دست در پرده کعبہ زدہ بود و مقبس بن صبابہ و جماعت دیگری از کفار را بقتل رسانیدند و معنای و انت حل بهذا البلد اشارہ بہمین است یعنی ای پیغمبر بر تو حلال است کشتن ہر کافر یکہ مشاہدہ کردی در این شهر مکہ، در اختصاص ذیل آیہ (ووالد وما ولد) از سلیمان بن قیس شامی روایت کردہ کہ، امیر المؤمنین فرمود من و اوصیاء بعد از من ہدایت کنندگان و محدث ہستیم گفتہ کدام یک از فرزندان وصی شما می باشد فرمود حسن و حسین پس از آن فرزندم علی بن الحسین و در آنروز آن حضرت طفل شیر خواری بود پس از آن ہشت نفر از فرزندان علی بن الحسین یکی را بعد از دیگری نام برد و آنها ہستند کہ خداوند در قرآن بایشان سو گند یاد نمودہ و می فرماید ووالد وما ولد، والد پیغمبر اکرم ﷺ و ولد ائمہ ہستند سلیمان میگوید عرض کردم یا امیر المؤمنین علیہ السلام دو امام در یک عصر و زمان جمع میشود؛ فرمود بلی لکن یکی از

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ (۱۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ (۱۲) فَكُ رَقَبَةً (۱۳) أَوْ
إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ (۱۴) يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ (۱۵) أَوْ مِنْسَكِينًا ذَا
مَتْرَبَةٍ (۱۶) ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَصَّوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ
(۱۷) أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ (۱۸) وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ
الْمَشْأَمَةِ (۱۹) عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ (۲۰)

آنها ساکت است تا دیگری وفات کند سلیمان میگوید از محمد بن ابی بکر سؤال کردم
آیا امیر المؤمنین علیه السلام محدث است گفت بلی فرشتگان با او حدیث میگویند
و میشوند مگر قرائت نکردی این آیه را که می فرماید وما ارسلنا من قبلك من
رسول ولا نبی ولا محدث . امیر المؤمنین علیه السلام محدث و حضرت فاطمه علیها السلام محدثه
است ولی نبی و نبیه نیستند .

ابن بابویه ذیل آیه (لقد خلقنا الانسان فی کبد) از حماد روایت کرده که حضور
حضرت صادق علیه السلام عرض کردم چهار پایان را مشاهده میکنم که در باطن دستهای
آنها دو علامت است مانند داغ کردن چرا این طور است فرمود آن محل منخر آنها
است که در شکم مادر قرار گرفته بودند و فرزندان آدم در شکم مادر مستوی هستند
چنانکه خداوند می فرماید لقد خلقنا الانسان فی کبد و جز انسان تمام حیوانات
سرهاشان در پشت مادر و دستهای آنها میان دستهای مادرشان قرار گرفته است.
علی بن ابراهیم ذیل آیه (ایحسب ان لن یقدر علیه احد) از حضرت باقر
علیه السلام روایت کرده فرمود آیه در باره عثمان وارد شده چه او گمان میکرد که کسی
نمی بیند او را و نمیداند که او دختر پیغمبر اکرم را با چوب جهاز شتر کشته و
بقتل رسانیده .

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود علت تزویج کردن پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله دختر خود رقیه را به عثمان آن بود. آن حضرت امر کرد منادی میان مسلمانان
ندا کند هر کس چاه رومه را حفر کند و بر جیش عسره اتفاق نماید از مال خود

باز ہم اطاعت نکرد و بعقبہ تکلیف تن در نداد (۱۱) و تو چه میدانی عقبہ چیست (۱۲) آن رها کردن کردن است از عذاب (۱۳) و طعام دادن در روز قحطی و گرسنگی است (۱۴) و بہ یتیم خویشاوند خود احسان کردن است (۱۵) یا بفقر خاك نشین دستگیری نمودن است (۱۶) سپس از کسانی باشد کہ ایمان آورده و دیگری را بصبر و بردباری و بہ بخشایش سفارش بکند (۱۷) ایمان هستند اصحاب دست راست (۱۸) و آنہائیکہ بآیات ما کافر شدند اصحاب دست چپ و اہل شقاوتند (۱۹) برای ایشان آتش شریویدہ خواهد بود (۲۰)

پایان ترجمہ سورہ بلد

من از طرف خداوند ضمانت میکنم خانہ ای برای او در بہشت. عثمان آن دو عمل را انجام داد و چون بخواستگاری رقیہ آمد رسول خدا بعثمان فرمود رقیہ راضی نمیشود مگر آنکہ صدق اورا خانہ ای فراز بدہی کہ من ضمانت کردم برای تو در بہشت. عثمان قبول کرد و رقیہ را بہمن صدق تزویج نمود پیغمبر شاهد گرفت و فرمود ای عثمان ذمہ من بری شد از خانہ بہشتی برای تو، و آن خانہ صدق رقیہ است و باو تعلق دارد رجوعی برای تو نیست. عثمان پس از چندی رقیہ را با چوب جہاز شتر آنقدر زد کہ شہیدہ شد و آن حضرت وفات کرد پیش از ہم بستر شدن عثمان با او

(الم نجعل له عینین و لسانا و شفقتین و ہدینا النجدين) آیا ما او را دو چشم ندادیم برای دیدن و زبان و دلب برای سخن گفتن و آیا راہ خیر و شر را باو ننمودیم پیغمبر اکرم ﷺ فرمود در کتب پیغمبران سلف چنین نوشته شدہ ایفرزند آدم اگر چشم با تو نزاع کند در آنچه بر تو حرام کردیم پیش آن دو پلک قرار دادیم تا بیوشانی آن را و اگر زبان با تو مجادلہ کند دو لب قرار دادیم تا بآن خاموش نمائی زبان را و اگر فرج در محرمات با تو نزاع کند پیش او پاہارا نہادیم تا حفظ نمائی آنرا.

دیلمی از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود مراد از عینین رسول اکرم

و مقصود از لسان امیر المؤمنین علیہ السلام و شفقتین حضرت امام حسن و امام حسین علیہما السلام

است و راه خیر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام میباشد .

(فلا اقتحم العقبة وما ادريك ما العقبة فك رقبة او اطعام في يوم ذي مسغبة يتيما ذامقربة او مسكينا ذامقربة) این آیه اشاره است بآیه يقول اهلك ما لا لبدا حضرت باقر علیه السلام فرمود هر اد عمرو بن عبدود است او گفت من مال بسیاری در راه دشمنی عنه و علی علیه السلام و اطفای نور آنها صرف کردم تا آنکه راه خدا را بر مردم مسدود کنم . پروردگار میفرماید چرا این مالها را باز نگذاشت برای عقبه و آن رها کردن نفس خود است از عذاب دوزخ چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه میفرماید الا ان امامکم عقبه کئود آگاه باشید ای مردم پیش روی شما عقبه سخت و دشواریست رسول خدا فرمود لا يجوزها المثقلون و انی ارید ان اخفف عنکم لتلك العقبة عبور نمیکند از آن عقبه کسیکه بارش سنگین است و من می خواهم بامر طاعت و عبادت شما را سبک گردانم برای آن عقبه .

در کافی^۶ از یونس روایت کرده که سؤال نمودم معنای آیه را از حضرت صادق علیه السلام فرمود ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام آزاد میکند گردنها را از آتش جهنم و نیز فرمود هر کس را خدا احسان و اکرام بفرماید بولایت ما ائمه، عبور کند او از عقبه قیامت و ما عقبه هستیم هر که ولایت ما را قبول کرد نجات یابد از آن عقبه .

و گذر میکند از عقبه باطعام کردن در روز فحطی به فقیران و بینوایان یا احسان کردن به یتیمی که از خویشاوند خود باشد یا دستگیری کردن بفقیر خاك - نشین و تهی دست. ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس احسان کند به فقیری از شیعیان ما خداوند آن قدر اجر و پاداش باو عطا کند که جز پروردگار کسی نداند و نیز فرمود بواسطه معرفت و ولایت ما آل محمد و آلهم مردم از عذاب جهنم رهایی یابند و ما هستیم که در روز گرسنگی بمردم اطعام میکنیم (ثم کان من الذین آمنوا و تواصوا بالمرحمة اولئک اصحاب المیمنة) و از گذر کنندگان باشند آنهائیکه بخدا ایمان آورده و دیگران را بصبر در واجبات و مهربانی باخلق سفارش میکنند و ایشان از اصحاب یمین و دست راست هستند یعنی از طرف راست به بهشت میروند و آنها دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام باشند .

(والذین کفروا بآیاتنا ہم اصحاب المشئمة علیہم نار مؤصده) و آنانکہ
بآیات ما کافر شدند اصحاب دست چپ هستند و برای ایشان آتشی خواهد بود سر
پوشیده کہ از ہر طرف احاطہ کند آنان را •

حضرت باقر علیہ السلام فرمود اصحاب مشئمة دشمنان آل محمد علیہم السلام هستند .

پایان سورہ بلد



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحًىهَا (۱) وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا (۲) وَالنَّهَارِ إِذَا جَاءَهَا (۳)
وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰهَا (۴) وَالسَّمَاءَ وَمَا بَنَىٰهَا (۵) وَالْأَرْضَ وَمَا طَحَىٰهَا
(۶) وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّيَا (۷) فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸)
قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيَهَا (۹)

سوره الشمس درمکه نازل شده و شانزده آیه و پنجاه و چهار کلمه و دویست و چهل و هفت حرف است .
خواص و ثواب تلاوت: آن ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره والشمس و سوره واللیل و الضحی و الم نشرح را قرائت کند روز و یا شب نیست چیزی مگر آنکه شهادت بدهد برای او روز قیامت حتی مو و بصره و گوشت و خون او شهادت بدهند برای او و پروردگار بآنها میفرماید من شهادت شما را قبول کردم ببرید این بنده را بسوی بهشت .

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند مانند آنست که صدقه داده بر کسی که آفتاب و ماه بر او می تابد و هر کس توفیقش کم شده باشد این سوره را قرائت کند خداوند باو توفیق عطا فرماید و قرائت این سوره حافظه را زیاد میکند و نزد مردم مقبول القول و با عظمت گردد و این سوره منفعتهای بسیاری دارد و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس روزی او کم شده یا کم توفیق است و یا خسران و زیان می بیند و حسرت و اندوه می خورد مداومت کند بر قرائت این سوره خداوند روزی و توفیق زیادی باو مرحمت فرماید و رفع زیان و حسرت او را بنماید و اگر آنرا بنویسد و آب بشوید و آن آب را بیاشامد اضطراب او زایل گردد .

ترجمہ سورہ والشمس

بنام خداوند بخشنده مهربان

قسم بآفتاب و تابش آن در وسط روز (۱) و بماء چون پیروی کند آفتاب را (۲) و سوگند بروز هنگامیکه جهان را روشن کند (۳) و بشب چون بپوشاند روز را (۴) و سوگند بآسمان و کسیکه بنا کرد آنرا (۵) و بزمین و آنکه آنرا بگسترده (۶) و بنفس ناطقه و آنکه او را بحد کمال بیافرید (۷) و باو شر و خیر الهام کرد (۸) هر که پاک کرد نفس خود را همانا رستگار شد (۹)

سودہ والشمس مشتمل است بر آنکہ ہر کس تزکیہ نفس کرد و تقوی و پرهیز کاری را پیشہ خود ساخت از عذاب دوزخ نجات یابد و رستگار شود و آنکہ فسق و فجور را پیشہ خود قرار داد و از عاقبت خود غافل بود و از کیفر پروردگار نترسید مانند طایفہ نمود بعد از خداوند گرفتار خواهد شد .
 قوله تعالی (و الشمس وضحیہا والقمر اذا تلیہا والنہار اذا جلیہا واللیل اذا یغشیہا والسماء وما بنیہا والارض وما طحیہا ونفس وما سویہا فآلہما فجورہا وتقویہا قد افلح من زکیہا) سوگند بآفتاب و تابش آن در نصف النہار و قسم بماء هنگام کمال و تمام نور آن و بروز کہ آفتاب را روشن کند یعنی پدید آرد چہ آفتاب در روز ہویدا شود و بحق شب چون پوشد آفتاب را چہ خورشید در شب ناپیدا بود و قسم بآسمان و آنکہ آنرا بنا کرد و بزمین و آنکہ آنرا بگسترانید و سوگند بنفس انسانی و آنکہ او را بحد نیکو و کمال آفرید و باو راہ خیر و شر را الهام نمود رستگار و ظفر یافت ہر کسیکہ نفس خود را از گناہ و کفر و پلیدی پاک و منزہ ساخت .

در کافی از سلیمان دیلمی روایت کردہ کہ از حضرت صادق علیہ السلام سؤال نمود
 تاویل آیات فوق را فرمود شمس رسول خدا است پروردگار واضح و روشن نمود
 بآن حضرت دین حق را برای مردم و حضرتش فرمود مثل من میان شما مردم مثل
 خورشید است در وسط النہار و علی علیہ السلام مانند ماہ است ہر گاہ آفتاب غروب کند

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا (۱۰) كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوِيهَا (۱۱) إِذِ انْبَعَثَ أَشْقِيهَا (۱۲) فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا (۱۳) فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ فَسَوَّيْهَا (۱۴) وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا (۱۵)

بنور ماه راهنمائی یابید و نهار امامان از ذریه فاطمه علیها السلام است سؤال می کنند مردم دین خدا و رسول را از ایشان آنها آشکار میکنند دین را برای مردم و مراد از شب بنی امیه و پیشوایان جور هستند که امر رسول اکرم صلی الله علیه و آله را تغییر دادند و بمسند آل محمد صلی الله علیه و آله جلوس کردند و پوشانیدند دین خدا را بجور و ستم و تاریکی آنها روشنائی آل محمد صلی الله علیه و آله را فرا گرفت و سماء پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ارض شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام است و در روایت دیگر آن حضرت فرمود شمس علی علیه السلام وضحی قیام قائم علیه السلام ما است و شاهد این معنا آیه و ان يحشر الناس ضحی است و مراد از لیل اولی و دومی است دولت آنها پوشانیده حق را و سماء محمد صلی الله علیه و آله است چه مردم بعلم و دانش بسوی حضرتش بالامیروند و بمقام او نزدیک میشوند و ارض شیعیان است و فجور و تقوی راه حق و باطل میباشد خداوند هر یک را نشان داده و همراهی را مردم خواهند باختیار خود سیر میکنند •

(وقد خاب من دسیها) محروم و ناامید شد کسیکه نفس خود را بکفر و گناه پلید گردانید و زیانکار خواهد بود •

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام نفس مقدس خود را تزکیه نمود و اولی و دومی تباه کردند نفس خویش را در اثر دسیسه و تزویر کردن در بیعت بسا آن حضرت و از ثواب و پاداش آخرت بی بهره و نصیب شدند •

(كذبت ثمود بطغويها اذا نبعث اشقيها فقال لهم رسول الله ناقة الله وسقياها)

و آنکس کہ و پلید کرد نفس خود را زیانکار و بی بهره ماند (۱۰) طایفه ثمود بسبب سرکشی پیغمبر خود را تکذیب کردند (۱۱) هنگامیکہ شقی ترین آنها بر خاست (۱۲) و رسول خدا با آنها گفت و اگذارید این شتر خدا را و آنرا سیراب کنید (۱۳) تکذیب کردند پیغمبر خدا را و شتر او را پی کردند خدا هم بسبب گناہشان پوشانید آنها را بعباد و با خاک یکسان نمود (۱۴) و از عاقبت کار و ہلاکت نرسید (۱۵)

پایان ترجمہ سورہ والشمس

فکذبوا فعقروها فدمدم علیہم ربہم بذنبہم فسویہا ولایخاف عقیبہا) طایفہ ثمود از روی غرور و طغیان و سرکشی پیغمبر خود صالح را تکذیب کردند هنگامیکہ شقی ترین آنها کہ قدار بن سالف بود بر خاست تا ناقہ صالح را پی کند رسول خدا صالح پیغمبر با آنها گفت این شتر آیت پروردگار است از خدا بترسید و آنرا سیراب کنید تا از شیرش بر خوردار شوید ایشان صالح را تکذیب کردند و ناقہ او را پی نمودند خداوند ہم آنها را بکیفر گناہشان ہلاک ساخت و شہر ایشان را با خاک یکسان نمود و هیچ بآک از ہلاک آنان نداشت آنها ہم از عاقبت گناہ خود نرسیدند کہ عاقبت بکیفر خواهند رسید .

ما شرح و داستان ناقہ صالح و پی کردن آنرا در بخش دوم تفسیر سورہ اعراف ذیل آیہ ۷۳ بیان نمودیم بآنجا مراجعہ شود .

علی بن ابراہیم ذیل آیہ (کذبت ثمود بطغویہا) از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود طایفہ ای از مسلمین مانند ثمود تکذیب کردند پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را خداوند در بارہ آنها می فرماید (فاما ثمود فہدینا ہم فاستحبوا لعمی علی الہدی فاخذتہم الصاعقۃ العذاب الہون) و عذاب خواری آنها شمشیر حضرت قائم علیہ السلام است هنگامیکہ ظہور بفرماید ، و ناقہ اللہ امام است مردم استسقا مینمایند بعلم او . ثعلبی و واحدی کہ ہردو از علماء عامہ هستند از ابن عباس و عمار روایت کردہ اند کہ پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بامیر المؤمنین علیہ السلام فرمود ای علی شقی ترین مردمان اول و پیشینیان کسانی بودند کہ پی کردند ناقہ صالح و بچہ آنرا و شقی ترین مردم این امت آنہائی هستند کہ باتو جنگ میکنند و محاسنت را از خون

سرت خضاب میکند ابن عباس گفت ابن ملجم یکی از فرزندان قدار بود همان کسی که پی کرد نافه صالح را و سر گذشت ابن ملجم با قدار هم یکی است چه قدار عاشق زنی بود بنام رباب و ابن ملجم نیز عاشق قطامه بود بخاطر او امیر المؤمنین علیه السلام را شهید کرد و گفت شنیدم از امیر المؤمنین علیه السلام که باین ملجم فرمود خبر بدهم ترا که مادرت در حالت حیض بتو حامله شد گفت بلی چنین است راست گفتی ای امیر المؤمنین علیه السلام و آن حضرت شنید از آن ملعون که گفت من بسا این شمشیر کردن علی علیه السلام را میزنم با این وصف رها کرد او را و فرمود قصاص پیش از جنایت جایز نیست .

در تہذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس فرائت کرد سوره و الشمس را و در خاتمه آن بگوید صدق الله و رسوله خداوند اجر جمیل باو عطا فرماید .

پایان سوره و الشمس



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

سورة الليل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلِّلَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ (۱) وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ (۲) وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ
 (۳) إِنْ سَأَلْتُمْ لَسْتُ (۴) فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ (۵) وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ
 (۶) فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ (۷) وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ (۸)
 وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ (۹)

سورة واللیل در مکہ نازل شدہ و بیست و یک آیہ و ہفتاد و یک کلمہ و سیصد و دو حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن : بعضی در سورہ و الشمس بیان شد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ و اللیل را تلاوت کند خداوند باو عطا کند چیزی کہ راضی و خوشحال گردد، و عسرت از او برطرف شود و غنی گرداند او را پروردگار بفضل و کرم خود، و ہر کس این سورہ را پیش از خواب پانزدہ مرتبہ قرائت نماید نبیند در خواب مگر خیر را و اگر در نماز عشاء قرائت کنند مانند کسی است کہ در نمازش یکربیع قرآن تلاوت نمودہ و نماز او قبول شود و اگر در گوش شخص بیہوش یا مصروع بخوانند آنرا در همان ساعت بہبودی حاصل کند .

سورہ واللیل مشتمل است بر بیان حال کافر و مؤمن .

قوله تعالیٰ (واللیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی وما خلق الذکر و الانثی ان سعیکم لستی) پروردگار در این آیات سو گند یاد کرد بشب تار چون روز را فرا گیرد و جہانرا در پردہ سیاه بیوشاند و بروز چون روشن شود و نیز قسم یاد کرد بذات مقدس خود کہ مخلوقات عالم را نر و مادہ آفرید برای تناسل و توالد . سعی و کوشش مکلفین و مردم مختلف است بعضی سعی میکنند کہ خود را از آتش دوزخ

ترجمہ سورہ الیل

بنام خداوند بخشنده مهربان

سو کند بشب تار چون پوشانید آفتاب را (۱) و قسم بروز چون روشن شود (۲) و سو کند بآنکه آفرید نر و ماده را (۳) هماناسی و کوشش شما مردم پراکنده و مختلف است (۴) اما هر کس حقوق را داد و پرهیز کار شد (۵) و بگفتار نیکو تصدیق کرد (۶) بزودی کار او را سهل و آسان میگردانیم (۷) و کسیکه بخل و رزید و بینیازی جست (۸) و گفتار نیکو را تکذیب کرد (۹)

آزاد کنند و بعض دیگر سعی میکنند گردن خود را به بندند طایفه ای کوشش میکنند در نجات خود و طایفه دیگر در هلاک خویش .

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود مردم دو طایفه هستند یکی آنکه سعی مینمایند خود را بخرند و آزاد نمایند دیگر آنکه خود را بفروشند و هلاک کنند علی بن ابراهیم از عہد بن مسلم روایت کرده کہ از حضرت باقر ع فرمود تاویل آیات فوق را سؤال نمود فرمود مراد ازل اولی دومی است کہ پوشید تاریکی جہل و ستم آنها روشنائی امیر المؤمنین ع را در خلافتیکہ برای خودشان تشکیل دادند و حق آن بزرگوار را غصب نمودند و آن حضرت صبر کرد تا دولت آنها پایان رسید و مقصود از نہار وجود مقدس حضرت قائم آل محمد ع است چون ظاہر شود باطل را محو نماید و از بین ببرد و در قرآن خداوند مثلہائی زده برای مردم و مخاطب قرآن پیغمبر اکرم و ما ائمه هستیم و مثلہای قرآن را جز ما ائمه کسی نمیداند و نمیفہمد و مراد آن حضرت آنست کہ خداوند لیل را مثل زده بمنافقین و دشمنان آل محمد ع و نہار را مثل زده بامیر المؤمنین ع و اولاد گرام آن حضرت .

(فاما من اعطی و اتقی و صلیق بالحسنی فسنیسره للیسری) در این آیہ بیان میکند حال مؤمنین را اما هر کس عطا کند و احسان نماید و پرهیز کار و خدا ترس باشد و یقین دارد بشوَاب و پاداش ، ما کار او را سهل و آسان کنیم تا بشوَاب رسد و توفیق دہیم او را و راه تکلیف را براو آسان کنیم .

طبرسی از ابن عباس روایت کرده کہ آیہ فوق در شأن ابو دحداح نازل شدہ

فَسَنِيْسِرُهُ لِّلْمُسْرِی (۱۰) وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى (۱۱) إِنَّ عَلَيْنَا
 لَلْهُدٰی (۱۲) وَإِنَّا لَنَآخِرَةُ وَآلَاوٰی (۱۳) فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظٰی
 (۱۴) لَا یَصْلٰیہَا إِلَّا الْآلَافُی (۱۵) الَّذِی كَذَبَ وَتَوَلٰی (۱۶)
 وَسَيُجَنَّبُہَا الْآتِقٰی (۱۷) الَّذِی یُؤْتِی مَالَهُ یَتَزَكَّى (۱۸) وَمَا
 لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِّعْمَةٍ تُجْزٰی (۱۹) إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّہِ
 الْأَعْلٰی (۲۰) وَلَسَوْفَ يَرْضٰی (۲۱)

سبب نزول، آن بود کہ مردی در خانہ یکی از انصار درخت خرمائی داشت بدون اجازہ وارد خانہ او میشد چون خرما از درخت می افتاد کود کان انصاری از آن میخوردند صاحب درخت با انگشت خرما را از دھان کود کان بیرون می آورد انصاری شکایت صاحب درخت را بہ پیغمبر اکرم ﷺ نمود آنحضرت دستور داد او را حاضر کردند فرمود آن درخت را بمن بفروش بدرختی در بہشت گفت نمی فروشم فرمود بیای بیای در بہشت بفروش عرض کرد نمی فروشم ابو دحداح آن درخت را بچہل درخت خرما خرید، حضور پیغمبر آمد عرض کرد ای رسول خدا درخت را از آن مرد خریداری کردم تقدیم حضورت مینمایم در عوض درختی در بہشت بمن مرحمت فرمائید فرمود ای ابو دحداح برای تو در بہشت باغھائی است یکی بعد از دیگری خداوند آیات فوق را نازل نمود و فرمود سعی و کوشش مردم مختلف است سعی ابو دحداح برای آخرت و سعی صاحب درخت برای دنیا است

(و اما من بخل و استغنی و کذب بالحسنى فسنيسرہ للمسري وما يغني عنه ماله اذا تردي) و آنکہ بخل ورزید و از لطف خدا بینیازی جست و تکذیب کرد احسان و نیکوئی را پس بزودی کار او را دشوار کنیم و ثروت و دارائی نجات نتواند داد او را هنگام مرگ، این آیه در بارہ صاحب درخت نازل شدہ و از آیه معلوم

بزودی کار او را سخت و دشوار کنیم (۱۰) و دارائی او بی نیاز نکند او را چون هلاک شود (۱۱) همانا بر ما است که خلق را هدایت و رهنمائی کنیم (۱۲) و ملک دنیا و آخرت مخصوص ما است (۱۳) و من شما را از آتشیکه زبانه کشد میترسانم (۱۴) و در آن آتش نیفتد جز شقی ترین خلق (۱۵) همان کسانی که حق را تکذیب کرده و روی از خدا بر گردانیدند (۱۶) و اهل تقوی و پرهیز کار بزودی از آن آتش دور شود (۱۷) همان کسانی که مال خود را انفاق میکنند و پاکی می جویند (۱۸) و نیست از برای کسی بر او حق نعمتی تا پاداش داده شود (۱۹) مگر آنکه برای خوشنودی خدای خود که برتر و بزرگتر است (۲۰) وزود باشد که خوشنود شود (۲۱)

پایان ترجمه سورة اللیل

میشود که آشخص منافق بوده .

(ان علينا للهدی و ان لنا للآخرة و الاولى فانذرکم نارا تلظی لا یصلیها الا الاشقی) همانا بر ما است نمودن راه هدایت خلق و ملک دنیا و آخرت بماتعلق دارد بهر که بخواهیم میبخشیم و شما را از آتشیکه زبانه میکشد در دوزخ ترسانیده و آگاه میسازم و هیچکس در آن آتش نیفتد جز شقی ترین مردم؛ همان کسی که تکذیب نمود آیات حق را و رو بر گردانید و او صاحب درخت بود .

(و سیجنبها الاتقی الذی یؤتی ماله یتزکی و ما لاحد عنده من نعمة تجزی الا ابتغاء وجه ربه الاعلی و لسوف یرضی) و بزودی پرهیز کار از آن آتش دوری بجوید همان کسی که مال خود را داد و پاکی جست و نیست از برای کسی نزد او نعمتی تا پاداش داده باشد مگر برای خوشنودی پروردگار خود که برتر و بزرگتر است از هر چیزی و البته برودی در بهشت بنعمتهای همیشگی خوشنود خواهد شد .

شرف الدین از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از لیل دولت شیطان است که باقی و برقرار است تا زمان ظهور قائم ما آل محمد و آل هاشم و نهار دولت حق آن حضرت است در عصر ظهور و اتقی کسی است که نفسش را بحق عطا کند و از باطل پرهیز نماید و معنای فسنیسره الیسری آنست که بهشت را برای او آسان

گرداند و معنای بخل واستغنی یعنی بخل میورزد از حق برای نفس خود و بسبب باطل از حق بینیا از میگرده و حسنی ولایت امیر المؤمنین علیه السلام است و هر کس تکذیب کرد ولایت آن حضرت را آتش جهنم برای او آسان گرداند و معنای وان علینا للهدی یعنی علی علیه السلام هدایت کننده مردم و راهنمای ایشان است .

(در محاسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که آیه را آن حضرت بطریق ذیل قرائت نمودند (ان علیا للهدی و ان له الاخرة والاولی) و هنگامیکه قائم ما علیه السلام ظهور نمود غضب میکند بر منافقین و از هر هزار نفر نهصد و نود و نه نفر را بقتل میرساند و اشقی دشمنان آل محمد هستند و اتقی امیر المؤمنین علیه السلام و شیعیان آن حضرت باشند و در حدیث دیگر از آن حضرت روایت کرده فرمود هر کس خمس آل محمد علیهم السلام را بآنها عطا کند و پرهیز نماید از ولایت خلفای ثلاثه و تصدیق کند ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را اراده نکند خیری را مگر آنکه خداوند برای او مهیا سازد و فراهم آورد و اما کسیکه بخل ورزد در دادن خمس آل محمد علیهم السلام و خود را بواسطه عمل نمودن برای بینیا از داند از ائمه و اولیاء خدا و تکذیب کند ولایت امیر المؤمنین علیه السلام را اراده نکند چیزی از شر را مگر آنکه برای او فراهم و آماده گردد و فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین علیه السلام و اصحاب و تابعین آنها زکوة مال میدادند و امیر المؤمنین علیه السلام در حالت رکوع انگشتی بسائل داد و آیه ویؤتون الزکوة وهم را کعون در شأن حضرتش نازل شد مراد از (وما لاحد من نعمة تجزی) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که نعمت او پیوسته جاریست بر تمام خلایق .

پایان سوره واللیل

سورة الضحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَىٰ (۱) وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ (۲) مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ (۳)
 وَلَآ آخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ (۴) وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ
 (۵) أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ (۶) وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ (۷) وَوَجَدَكَ
 عَائِلًا فَأَغْنَىٰ (۸) فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ (۹) وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ (۱۰)
 وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (۱۱)

سورة والضحي در مکہ نازل شدہ و یازدہ آیہ و چہل کلمہ و صد و نود و دو

حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن: بعضی در سورہ و الشمس گذشت و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ الضحیٰ را قرائت کند واجب شود بر او شفاعت من و بعد ہر سائل و یتیمی حسنت برای او نوشتہ شود و اگر این سورہ را بقصد باز یافتن غایب و مفقود شدہ بنویسند آن غایب و کم شدہ سالم بصاحبش بر گردد .

سورہ والضحیٰ مشتمل است بر شرافت و عظمت و قرب و منزلت پیغمبر اکرم

ﷺ نزد پروردگار .

قوله تعالى (والضحي والليل اذا سجي ما ودعك ربك وما قلى و الآخرة خير لك من الأولى و لسوف يعطيك ربك فترضى) .

طبرسی از ابن عباس روایت کردہ سبب نزول این سورہ آن بود کہ پانزدہ روز وحی نرسید بر پیغمبر اکرم ﷺ مشرکین بآنحضرت طعنہ زدند و گفتند خدای محمد ﷺ اورا رها کردہ و پروردگارش بر او غضب نمود، وحی بسوی او نمیفرستد

ترجمہ سورہ الضحیٰ

بنام خداوند بخشنده مهربان

سو کند بپاشت و هنگام ظهر (۱) و بشب چون تاریکی آرد (۲) پروردگار هیچوقت ترا وامگذار و بر تو غضب نکند (۳) همانا آخرت برای تو بهتر است از دنیا (۴) بزودی پروردگار تو چندان عطا کند که راضی و خوشنود شوی (۵) آیا خدا تو را یتیم نیافت پس در پناه خود جا داد (۶) و تو را گم کرده و حیران یافت پس راهنمایی نمود (۷) و تو را فقیر یافت پس بی نیاز کرد (۸) پس تو هم یتیمان را مران (۹) و فقیر و سائل را زجر مکن و میازار (۱۰) و حدیث کن نعمت پروردگار را بر مردم (۱۱)

پایان ترجمہ سورۃ الضحیٰ

پیغمبر از این سخنان دلنگ شد بکوه حرا تشریف برد و اندیشه میکرد و میگفت خدا یا تو میدانی این دشمنان چه میگویند فوراً جبرئیل نازل شد و این سوره را آورد پیغمبر باو فرمود ای جبرئیل بسیار شوق لقای ترا داشتم عرض کرد ای رسول خدا منهم مشتاق جمال شما بودم ولی چه کنم بنده مأمور هستم تا پروردگار امر نکند نمیتوانم بیایم و آیهای آورم آن حضرت چون جبرئیل را دید تکبیر گفت و از این جهت سنت شد که چون کسی مدتی دوست خود رانه بیند وقتی او را مشاهده نمود تکبیر بگوید پروردگار سو کند یاد کرد بروز روشن و هنگام ظهر و بشب تار و هنگام آرامش آن که خدای تو ای محمد ﷺ هیچوقت ترا رها و ترک نکرده و بر حضرت خشم ننموده آنگاه تسلیم میدهد خاطر مبارک پیغمبر را و میفرماید آخرت برای تو بهتر است از این دنیای فانی و خدای تعالی ترا چندان عطا کند که تو راضی باشی محمد بن عباس از حضرت صادق علیہ السلام روایت کرده فرمود روزی پیغمبر اکرم ﷺ وارد شد بخانه دخترش حضرت فاطمه علیها السلام دید آن بانوی محترمه لباسی از پشم شتر پوشیده و با یکدست جو آسیا میکند و با دست دیگرش پستان بدهان فرزندش میگذارد پیغمبر بحال دخترش رقت کرد و گریان شد و فرمود

ای نور دیدہ تلخی دنیا بشیرینی آخرت تلافی خواهد شد حضرت فاطمه گفت الحمد لله علی نعمائه و الشکر علی آلائه جبرئیل نازل شد و آیه و لسوف یعطیک ربک فترضی را آورد حضرت صادق علیه السلام فرمود سو کند بخدا آن شفاعت است که پیغمبر و دخترش راضی شدند بآن .

(الم یجدک یتیمًا فآوی و وجدک ضالًا فهدی و وجدک عائلًا فاعنی فاما الیتیم فلا تقهر و اما السائل فلا تنهر و اما بنعمة ربک فحدث) پروردگار در این آیه نعمتهائی که به پیغمبرش عطا فرموده تذکر میدهد و میفرماید آیا خدا تورا یتیم نیافت و در پناه خود جای داد چه پدر آن حضرت وفات کرد هنگامیکه مادرش باوحامله بود و در مدت دو سالگی مادرش نیز وفات نمود حضرت ابوطالب عم بزرگوارش او را در تحت تکفل و تربیت خود قرار داد و از فرزندان خودش محبوب تر بود نزد آن جناب و از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردند چرا خداوند پیغمبر را یتیم نمود فرمود تا آنکه خدا تربیت او کند و هیچ مخلوقی بر او منت نداشته باشد .

ابن بابویه از زرارہ روایت کرده که از حضرت باقر علیه السلام معنای آیه را سؤال نمود فرمود یعنی مردم بسوی تو پناه میآورند در صورتیکه یتیم به مردم پناه میبرد و یتیم کسی را گویند که مانند او در فضیلت و شرافت نمی باشد و از اینجهت حضرتش را درة الیتیمیه می نامند زیرا آن بزرگوار فرداست و مثل و مانندای برای او نیست، و تورا در بیابان مکه گم شده و حیران یافت در طفولیت و بتو رهنمائی کرد خلائق را . داستان گمشدن آن حضرت بدین قرار است: مدت شیرخوارگی رسول خدا که تمام شد حلیمه سعدیه او را بمکه آورد تا بعد المطلب برساند وقتی بدروازہ مکه رسید هاتقی صدازد ای بطحای مکه مبارک باد تورا که امروز نور و بهاء و جمال و زینت عالم بسوی تو آمد حلیمه آن حضرت را رها کرد و دنبال قضای حاجت رفت چون باز گشت او را نیافت فریادی کرد و جامه چاک زد و هر کس را میدید سؤال میکرد کودکی را باین شکل و شمائل ندیده اید وقتی مأیوس شد با خود گفت من چه عذری آورم حضور عبد المطلب آنگاه با خود گفت اگر باز نیابم او را خود را از این کوه بزیر افکنم تا از این غم رها شوم مردی دست حلیمه را گرفت نزد

بت بزرگ ہیل برد و گفت ای دستگیر ما در نوائب و شدائد تو منت های بسیاری بر قریش داری این سعدیہ کودکی بنام محمد ﷺ گم کردہ بر ما منت نہ و مارا باو راہنمائی کن حلیمہ میگوید چون آن مرد نام محمد ﷺ را نزد ہیل برد ہیل و تمام بتہا بروی در افتادند ہاتقی صدا زد ای مرد بیخرد دور باش این چہ سخنی است میگوئی نمیدانی کہ نابودی این بتہا بدست محمد ﷺ خواہد بود آن مرد از شدت ترس لرزید و روی بمن کرد و گفت ای حلیمہ دل مشغول مدار این محمد ﷺ کہ تو میگوئی خدائی دارد کہ او را حفظ مینماید حلیمہ گفت عبد المطلب با خبر شد گمان کرد قریش باو صدمہ ای وارد کردند شمشیر کشید و فریاد کرد ای آل غالب تمام قریش جمع شدند گفتند ای سید ما ترا چہ میشود فرمود فرزندم محمد گم شدہ تمام قریش در صدد جستجو بر آمدند او را نیافتند چون مایوس شد داخل خانہ کعبہ شد طواف کرد آنگاہ سر بآسمان بلند نمود عرض کرد ای پرورد گاہا محمد را بسوی ما برگردان منادی صدا زد جزع نکن خدای محمد ﷺ او را نگاہ میدارد او در وادی تہامہ نزد فلان درخت است عبد المطلب با ورقہ بن نوفل بجانب آن درخت رفتند کودکی را دیدند باشاخ درخت بازی میکند سؤال کرد ای کودک تو کیستی چہ عبد المطلب مدتی بود آن حضرت را زیارت نکردہ بود جواب داد من محمد بن عبد اللہ بن عبد المطلب ہستم گفت جانم فدای تو باد او را بغل گرفت و بسا خود بمکہ برد .

و بعضی گفتند معنای ضال مفراط در محبت است چنانچہ خداوند حکایت میکند گفتار برادران یوسف را نسبت پیدر خود و میفرماید ان ابانا لقی ضلال مبین و دیگر میفرماید تاللہ انک لقی ضلالک القديم یعنی ما تو را در دوستی یوسف مفراط یافتیم .

و تو محتاج بودی نوانگر نمود بمال خدیجہ و اموال غنایم و معنای دیگر آیہ و وجدک عائلا فاغنی آنست خلائق عیال تو بودند در علم و دانش و احتیاج بتو داشتند، یافتند ترا در حالتیکہ بی نیاز شدی بسبب وحی پرورد گار و سؤال نکردند از تو چیز را مگر آنکہ جواب آنہا را دادی و آنان بی نیاز شدند بدانش تو و

یافتند ترا گمنام در قومیکه نمیشناختند پیغمبر را سپس، خداوند هدایت و راهنمایی نمود آنها را بوجود مقدست ابرسول گرامی بامت بگو یتیمان را میازارند وسائل را زجر میکنند یا چیزش بدهند و یا بخوبی جواب دهند.

پیغمبر اکرم ﷺ اشاره نمود بانگشت سبابه و وسطی و فرمود من و آنکسیکه کفالت یتیم کند در بهشت مانند این دو انگشت هستیم و فرمود چون یتیم گریه کند عرش از گریه او بلرزد و فرمود هر کس دست محبت بر سر یتیمی فرود آورد بهر موئی که از دست او رود خداوند حسته ای در نامه عمل او بنویسد و فرمود اگر سؤال کنندگان دروغ نمیگفتند همانا اغنیاء و ثروتمندان هلاک میشدند آنگاه فرمود ای رسول ما نعمت پروردگارت را بازگو کن و آنچه خدا بر تو نازل کرده و امر فرموده از واجبات و محرمات و ولایت و فضیلت امیر المؤمنین علی (ع) بمردم برسان.

پایان سورة الضحی



مرکز تحقیق و تفسیر علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com



سورۃ انشراح

jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (۱) وَوَضَعْنَا عَنكَ وَزْرَكَ (۲) الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ (۳) وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ (۴) فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶) فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ (۷) وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ (۸)

سورہ انشراح در مکہ نازل شدہ و ہشت آیہ و دو ہست و نہ کلمہ و صد و سہ حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن بعضی در سورہ والشمس بیان شد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم (ص) روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ انشراح را تلاوت کند یقین و عافیت باو عطا فرماید و اگر این سورہ را بنویسد و باب بشوید و شخصیکہ سینہ درہ دارد یا بول او بند آمدہ آن آب را یا شامد خداوند اورا شفا مرحمت فرماید سورہ انشراح مشتمل است بر ذکر نعمتہائیکہ پروردگار بہ پیغمبرش عطا فرمودہ

قوله تعالى (الم نشرح لك صدرك ووضعا عنك وزرك الذي انقض ظهرك ورفعنا لك ذكرك) ايرسول گرامی آیا ماتورا شرح صدر و همت بلند عطا نکردیم - رسول اکرم (ص) در اثر عداوت جن و انس با حضرتش دامنک و ملول بود، پروردگار با نزول آیات و وعده فتح و فیروزی دل مبارک او را خوش و روشن گردانید - در بمائر الدرجات از حضرت صاق (ع) روایت کردہ فرمود خداوند بولایت امیر المؤمنین (ع) دل مبارک پیغمبر اکرم را روشن نمود و در اثر فتح مکہ و اسلام آوردن قریش سینہ حضرتش را باز و باوتوانائی داد -

آیا بار گرانیت را فرو نہادیم یعنی تکلیف بر تو آسان کردیم یا بار گران از دل تو برداشتیم بسبب آمرزیدن گناه امت چہ گناه امت بار گرانی بود بر دل

ترجمه سوره انشراح

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول گرامی آیا ماسینه تورا گشاده نکردیم (۱) و بار سنگین را از پشت تو برداشتیم (۲) باریکه ممکن بود پشت تورا گران دارد (۳) و نام تورا در جهان بلند کردیم (۴) پس بدان با هر دشواری آسانی است (۵) و یا هر سختی البته راحتی و آسانی است (۶) پس چون فارغ شدی از تبلیغ رسالت علی را منصوب بدار و بسوی پروردگار خود همیشه مشتاق باش و عبادت کن (۸)

پایان ترجمه

پیغمبر اکرم (ص) خداوند آن را برداشت و بعضی گفتند وضع بمعنای عصمت است و وزیر بمعنای گناه یعنی تورا معصوم قرار دادیم و گناه از تو سر نخواهد زد و بار سنگین جنگها را که پشت را میشکست بواسطه یاری علی (ع) برداشتیم و نام نیکوی تورا در عالم بلند کردیم طبرسی از ابی سعید خدری روایت کرده که پیغمبر اکرم ﷺ فرمود جبرئیل از پروردگار سؤال نمود چگونه نام محمد (ص) را بلند نمودی پروردگار فرمود نام محمد (ص) را بنام خود پیوستم و هر که گوید اشهدان لا اله الا الله نپذیرم و قبول نکنم از او تا آنکه بگوید و اشهدان محمد رسول الله و حسان در شعر خود اشاره باین حدیث کرده میگوید -

من الله مشهود يلوح ويشهد	اعز عليه بالنبيه - و خاتم
اذا قال في الخمس المؤذن اشهد	و ضم الاله النبي الى اسمه
فذل العرش محمود وهذا محمد	و شق له من اسمه ليحمله

(فان مع العسر يسرا ان مع العسر يسرا فاذا فرغت فانصب والي ربك فارغب) بدانکه با هر دشواری و سختی آسانی هست و یا هر رنجی راحتی است یعنی این رنج و سختی که از مشرکین و منافقین بتو میرسد از پس آن ظفر و آسایش خواهد بود و چون از حجة الوداع و تبلیغ رسالت فارغ شدی منصوب کن علی (ع) را بولایت و امامت و وصایت و پیوسته مشتاق لقای حق باش و از خلائق

بگسل و دل بسوی خدا بند کہ کافی است تورا ۔

در کافی از حضرت صادق (ع) روایت کرده فرمود یعنی وقتی فارغ شدی از تبلیغ رسالت و واجبات و محرمات و احکام منصوب کن علی (ع) را بخلافت و ولایت و وصایت و اعلان نما فضیلت او را آشکارا تا مردم هدایت بشوند بوجود مقدس علی امیر المؤمنین (ع) و بسوی پروردگار در امر نصب کردن علی (ع) راغب شو و میل نما و مشتاق باش و بنگرانی و کسراحت منافقین متوجه مباش. و این حدیث را ابن شهر آشوب و صاحب بمائر الدرجات و محمد بن عباس و جمع بسیاری از اصحاب حدیث بطرق عدیده از ائمه معصومین علیهم السلام روایت کرده اند

پایان سوره انشراح



مرکز تحقیقات علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

سورة التين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْتِّينِ وَالزَّيْتُونِ (۱) وَطُورِ سِينِينَ (۲) وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (۴) ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (۵) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ (۶) فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ (۷) أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ (۸)

سوره التین در مکه نازل شده و هشت آیه و سی و چهار کلمه و صد و پنجاه حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق (ع) روایت کرده فرمود هر کس سوره التین را در نمازهای واجب و یا مستحب قرائت کند خداوند در بهشت عطا کند باو چیزی که راضی باشد و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند نوشته شود برای او اجر و پاداش بی شمار و اگر مغمومی قرائت کند آن را عمش بر طرف گردد و چنانکه بر طعام خوانده شود و آن طعام و یا بخورد هیچ ضرری نبیند هر چند در آن زهر ریخته باشند سوره التین مشتمل است بر عظمت آفرید گاری که مستحق پرستش است و خلقت انسان و تطور احوال او و توبیح و سرزنش کسانی که تدبیر و تفکر نمیکنند و تکذیب مینمایند روز حشر و قیامت را

قوله تعالی . (والتین والزیتون و طور سینین و هذا البلد الامین لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثم ردناه اسفل سافلین) سو گند بانجیر و زیتون و بطور سینا و بشهر مکه که ما انسان را در مقام خلقت بنیکوترین صورت بیا فریدیم سپس بواسطه کفران نعمت به پست ترین رتبه برگردانیم -

ترجمہ سورہ التین

بنام خداوند بخشنده مهربان

سو گند بانجیر و زیتون (۱) و قسم بطور سینا (۲) و سو گند باین شہریکہ امان است (۳) همانا ما آدمی را بہ نیکوترین صورت بیافریدیم (۴) سپس بہ پائین ترین مرتبہ برگردانیم (۵) مگر آنہائیکہ بخدا ایمان آوردہ و عمل شایستہ بجا آوردند پس برای ایشان پاداش بدون منت خواہد بود (۶) پس ای انسان چہ تورا واداشت کہ تکذیب کنی روز جزا را پس از ظاہر و ہویدا بودن آن (۷) آیا خدا عادل و حاکم ترین حکم کنندگان (۸)

فیس

پایان ترجمہ

ابن بابویہ ذیل آیات فوق از حضرت موسی بن جعفر (ع) روایت کردہ فرمود خداوند از میان شہرہا چہار شہر را برگزیدہ یکی تین کہ مدینہ منورہ است دوم زیتون کہ بیت المقدس است سوم طور سینین کہ کوفہ است چہام بلد امین کہ مکہ میباشد۔

و از حضرت صادق (ع) روایت کردہ فرمود تاویل تین و زیتون حضرت امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و طور سینین علی بن ابیطالب (ع) و ولایت آنحضرت میباشد کہ منافقین تکذیب کردہ اند آن را و بلد امین پیغمبرا کرم (ص) است۔ و در مناقب از حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام ذیل آیہ ثم ردنہا اسفل سافلین روایت کردہ فرمود آیہ دربارہ تیمم وعدی نازل شدہ چہ در اثر بغض و عداوتیکہ آنہا با امیر المؤمنین علیہ السلام داشتند خداوند ایشان را در پست ترین مکان دوزخ جای دہد۔

(الذین آمنوا و عملوا الصالحات فلہم اجر غیر ممنون فما یکذبک بعد بالدين اليس الله باحکم الحاکمین) مگر آنانکہ بخدا ایمان آوردہ و نیکوکار شدند بآنها پاداش دائمی بہشت عطا کنیم پس ای انسان ناسپاس مشرک چہ واداشت تورا کہ تکذیب روز جزا بنمائی و منکر قیامت شوی آیا خدای مقتدر حکم قرمائی

عالم نیست و استفهام در آیه استفهام تقریری است یعنی البتہ هست -

احمد بن عبدالله مؤدب و ابن جریج کہ ہر دو از علماء عامہ ہستند از ابی ہریرہ و ابن عباس روایت کردند کہ پیغمبر اکرم ﷺ در خانہ ام ہانی خواب رفته بود چون بیدار شد محزون بود ام ہانی سبب حزن حضرتش را سؤال نمود فرمود در خواب قیامت و احوال آن و بہشت و نعمتہا و جہنم و انواع عذاب را مشاہدہ کردم معویہ و عمرو بن عاص را در وسط دوزخ دیدم فریاد میزدند و بر سر آنہا سنگہائی از زبانیہ آتش فرود میآوردند و بایشان میگفتند چرا ایمان بولایت امیر المؤمنین ﷺ نیاوردید رسول اکرم (ص) فرمود در آنحال از پشت پردہ عظمت پروردگار علی ﷺ را مشاہدہ کردم خوشحال و خندان است و میگوید پروردگار من و خدای کعبہ حکم فرمود میان من و دشمنانم سپس پیغمبر فرمود خداوند دشمنان علی را بجہنم میفرستد آنگاہ علی در موقف توقف مینماید و شفاعت میکند برای اہل بیت و ذریہ و شیعیان خود -

و از محمد بن فضیل روایت کردہ گفت تفسیر سورہ التین را از حضرت رضا ﷺ سؤال نمودم فرمود تین و زیتون حضرت امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ و طور سینا امیر المؤمنین ﷺ و البلد الامین رسول اکرم (ص) است ہر کس اطاعت و فرمان برداری نماید از آنحضرت ایمن باشد از عذاب جہنم و اسفل سافلین و کسانی ہستند کہ نقض کردند عہد و پیمانی کہ پیغمبر از آنہا گرفت در بارہ ولایت امیر المؤمنین ﷺ الا الدین آمنوا امیر المؤمنین ﷺ و شیعیان آنحضرت ہستند و دین ولایت امیر المؤمنین ﷺ و ائمہ معصومین علیہم السلام میباشد

پایان سورہ التین



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (۱) خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ (۲) اِقْرَأْ
 وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (۴) عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ
 كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاجٍ (۵) أَنْ رَأَاهُ اسْتَفْنَى (۶) إِنْ إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعِي
 (۸) أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى (۹) عَبْدًا إِذَا صَلَّى (۱۰) أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَتْ
 عَلَى الْهُدَى (۱۱) أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى (۱۲) أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى (۱۳)
 أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (۱۴) كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ (۱۵)
 نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ (۱۶) فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ (۱۷) سَدَّعُ الزَّبَانِيَةَ (۱۸)
 كَلَّا لَا تَطَّعُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (۱۹)

سورة علق در مکه نازل شده و نوزده آیه و هفتاد و دو کلمه و دویست و هشتاد

حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
 فرمود هر کس سوره علق را تلاوت کند در شب و یا روز اگر در آن روز بمیرد
 شهید از دنیا رفته است و مانند کسی است که با شمشیر در راه خدا جهاد نموده و
 کشته شده و در آخرت مبعوث میشود با شهداء .

و در خواص قرآن: از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده فرمود هر کس این
 سوره را قرائت کند خداوند باو عطا کند اجر کسیکه سوره های مفصل قرآن را
 قرائت نموده و اگر آن را در کشتی قرائت کند از غرق شدن ایمن باشد و چنانکه
 بر مخزنی خوانده شود از دزد و هر آفتی سالم بماند .

ترجمہ سورۃ علق

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول بنام پروردگارت کہ آفریننده مخلوقات است بخوان (۱) آن خدائیکہ آمی را از خون بسته آفرید (۲) بخوان بنام پروردگارت کہ گرامی تر است (۳) آن خدائیکہ آدمی را باخط و قلم آموخت (۴) و آنچه نمیدانست بساو تعلیم نمود (۵) چرا انسان این قدر طغیان و سرکشی میکند (۶) چون خود را غنی و بی نیاز می بیند (۷) همانا بسوی پروردگار خود باز خواهد گشت (۸) آیا نمی بینی آنکس را کہ باز میدارد (۹) آن بنده را کہ نماز میگذارد (۱۰) آیا چه می بینی اگر آن بنده نماز گذار براه هدایت و راست باشد (۱۱) و مردم را به پرهیزکاری امر میکند (۱۲) آیا چه می بینی کسیکہ حق را تکذیب کند و روی بر گرداند (۱۳) آیا ندانست کہ خدا می بیند او را (۱۴) نہ چنین است اگر باز نایستد موی پیشانی او را بگیریم (۱۵) و آن پیشانی دروغ زن خطا پیشه را (۱۶) آنگاه هر کس را از عشیرہ خود میخواست بخواند تا از هلاکش برهانند (۱۷) و ما ہم فرشتگان عذاب را بخوانیم کہ زبانہ دوزخ را بگیرند و او را بسوی آتش بکشند (۱۸) چنین نیست کہ کافران گمان کرده اند تو فرمان آنها میر و بہ سجده خدا پرداز و بحق نزدیک شو (۱۹)

پایان ترجمہ سورہ علق

سورہ علق مشتمل است بر امر بقرائت کردن اسم پروردگار و در طغیان و سرکشی کردن اغنیاء و تروتمندان و توبیخ مشرکین قریش و ابوجهل و تهدید ایشان بآتش دوزخ .

قوله تعالى (اقرأ باسم ربك الذي خلق خلق الانسان من علق اقرأ وربك الاكرم الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم) علی بن ابراهیم از ابن عباس روایت کرده کہ پیش از بعثت رسول اکرم ﷺ خوابهای راست و نیکو می دید و تاویل آنها مطابق آنچه دیده بود واقع میشد و تنہا بطرف کوه حرا تشریف میبرد روزی بر

کوه حرا نشسته بود جبرئیل او را صدا زد ولی ظاهر نشد بر او آنحضرت مدهوش شد مشرکین او را بخانه خدیجه بردند خدیجه حضرتش را در بغل گرفت و سر مبارکش را میان دامن خود گذاشت و بوسید عرض کرد تو را چه میشود پس در مادرم فدایت گردد پیغمبر اکرم ﷺ داستان خود را برای خدیجه بیان نمود خدیجه بسیار مسرور و خرم شد و گفت ستایش میکنم پروردگاری را که توفیق بمن عطا فرمود و شوهرم را پیغمبر مرسل قرار داد آنگاه گفت فردا هم بکوه حرا تشریف ببرید فرمود میروم سحرگاه نیز بکوه حرا تشریف برد طولی نکشید جبرئیل امین به نیکوترین صورت و خوشبو ترین رایحه بر حضرتش ظاهر شد سلام کرد و گفت ای محمد (ص) پروردگارت سلام میرساند و تو را بتحیت و اکرام مختصر گردانیده و میفرماید تو رسول و پیغمبر من هستی بر تمام مخلوقاتم از جن و انس و سایر موجودات دیگر بخوان آنها را بسوی من و بگویند و اعتقاد پیدا کنند به لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله آنگاه بزمین زد چشمه آبی نمایان شد پیغمبر از آن آب آشامید و وضو گرفت سپس پنج آیه از سوره علق را بر حضرتش خواند و باسمان بالا رفت آن حضرت از کوه حرا بزیب آمد عبور نمیکرد بدرخت و گیاه و دیواری مگر آنکه آنها با صدای رسا سلام میکردند و میگفتند السلام عليك یا رسول الله خدیجه در انتظار آن بزرگوار نشسته بود ناگاه مشاهده کرد پیغمبر وارد شد ولی چنان جلوهای نمود که خدیجه محو جمال و نور حضرتش شد و خرم و شادان گشت که فوق آن تصور نمی شود و نزد ورقه نوفل عموی خود رفت و داستان آنحضرت برای او بیان کرد. نوفل این اشعار را در جواب خدیجه انشا کرد -

فان يك حقا يا خديجة فاعلمي	حديثك ايانا و احمد مرسل
وجبرئيل ياتيه و ميكال معهما	من الله وحي يشرح الصدر منزل
يفوز به من فاز عزا لدينه	و يشقى به الفاوى الشقى المذل
فريقان منهم فرقة فى جنانه	و اخرى باغلال الجحيم مغفل

ای خدیجہ اگر این داستانی کہ برای من بیان نمودی راست باشد البته احمد (ص) پیغمبر مرسل و خاتم پیغمبران است جبرئیل و میکائیل بر او فرود می آیند و وحی از طرف پروردگار بسوی او میرسانند آنوحی سینه ها را گشاده گرداند و شرح صدر بمردم عطا کند رستگار میشود بآن کسیکه بخواهد عزیز و رستگار شود در دین حق و افزوده گردد طغیان و سرکشی ستمگران. مردم در اثر فرمان برداری و نافرمانی از او دو فرقه باشند طایفه ای در بهشت متنعم و جمعی در دوزخ بغل و زنجیر بسته شوند

پروردگار در ابتداء وحی خطاب نمود به پیغمبرش فرمود ای رسول گرامی بخوان این قرآن را بنام پروردگارت یعنی در ابتداء قرائت. نام او بر، همان پروردگاری که آفریننده موجودات است و اشیاء را از کتم عدم بعمره وجود آورد بمقتضای حکمت و مصلحت پس از آن تخصیص میدهد انسان را بذکر از میان تمام مخلوقات برای شرافت و تمیز داشتن او از سایر حیوانات و میفرماید همان خدائیکه انسان را بیا فرید از خون بسته بعد از آن برای تاکید باریکتر میفرماید بخوان این قرآن را بنام پروردگار خود که کریمترین کریمان عالم است آنخدائیکه مردم را علم نوشتن بقلم آموخت -

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود قلم یکی از نعمتهای خداوند است و اگر قلم نبود دین و ملک استقامت و پایدار نبود و عیش صالح وجود نداشت

و بآدمی بیاموخت آنچه را نمیدانست. مراد بانسان آدم ابوالبشر است چه میفرماید و علم آدم الاسماء کلها و ممکن است انسان در اینجا وجود مقدس رسول اکرم ﷺ باشد چنانکه میفرماید و علمك عالم تكن تعلم (کلان الانسان لیطغی ان راه استغنی ان الی ربك الرجعی) بحقیقت آدمی طافی و گردنکش است چون توانگر و بینیاز گردد و از حد خود بیرون رود -

پیغمبر اکرم ﷺ در دعا میفرمود خدایا من پناه بتو میبرم از فقر و مستمندی که مرا از نظر و یاد مردم میبرد و پناه میبرم بتو از توانگری و غنائیکه مرا بفکر

وطغیان و سرکشی و غرور و امیدارد و یاغی میکنند. آنگاه فرمود بدانید که بازگشت همه خلائق بسوی پروردگار است تا جزا و کیفر دهد آنها را که طغیان و سرکشی کردند (ارایت الذی ینہی عبدا اذا صلی ارایت ان کان علی الہدی او امر بالتقوی) این آیه در بارہ ابو جہل وارد شدہ و داستان آن بدین قرار است: روزی ابو جہل بقریش گفت آیامحمد را دیدہ اید کہ نماز میخواند و صورت بخاک میمالد و شمارا رہا میکند گفتند بلی گفت سو گند بہ لات و عزی اگر بہ بینم او نماز میخواند پای در گردش میگذارم و او را ہلاک میکنم آنها گفتند در این ساعت مشغول بنماز است رفت تا رسول خدا را اذیت و آزار نماید دیدند باز گشت باو گفتند چرا باز گشتی جوابداد چون خواستم حضرتش را اذیت کنم خندقی پر از آتش میان خود و او مشاہدہ کردم و شخصی را دیدم خواست آتش بروی من بریزد فرار کردم در این وقت جبرئیل فرود آمد و آیات را آورد فرمود ای رسول ما آیا دیدی آنکس را کہ مسخرہ میکرد و میخواست تورا بازدارد از نماز آیا چہ حکم میکنی در بارہ محمد ﷺ کہ تو میخواستی از نماز و معروف باز داری اگر او را براہ راست باشد و خلق را بتقوی و پرهیز کاری امر کند شما مردم بر جنین کسی کہ حق را تکذیب میکند و از رسول او روی بر میگرداند چہ رأی میدہید و مستحق چہ عذابش میدانید آیا آنکس نمیدانست کہ خدا اعمال زشت و کردار او را می بیند و از او انتقام میکشد نہ چنین است اگر او از کفر و ستم و تکذیب دست نکشد البتہ خداوند موی جبین او را بقر و انتقام بگیرد و پیشانی آن دروغ زن و خطا پیشہ را بخاک ہلاک در کشد آنگاہ ہر کرا خواہد از عشیرہ خود بخواند تا از ہلاکش برہانند۔

چہ ابو جہل بہ پیغمبر گفت: البتہ این وادی را پر از اسبان ابلق و مردان شجاع کنم کہ با تو قتال کنند خدایتعالی آیات کلائل لم ینتہ لنسفا بالناسیۃ تا آخر سندع الزبانیۃ را نازل نمود و فرمود در جواب ابو جہل ماہم فرشتگان فہر و عذاب را بخوانیم تا زبانیہ دوزخ را بر گیرند و او و کسانی را کہ بیاری خود خواندہ بسوی جہنم بکشند چنین نیست کہ ابو جہل خیال کردہ کہ تورا بزجر مطیع خود

گرداند) کلاً لا تطعہ واسجد واقترب) سجدہ کردن در قرائت این آیہ و یاشنیدن آن واجب است. فرمود ابرہ رسول ما تو هیچ از ابوجہل اطاعت نکن و بنماز و سجدہ خدا بہ پردازد و بحق نزدیک شو، چہ نماز و سجدہ موجب قرب بہ پروردگار است. در کانی ذیل آیہ فوق از حضرت رضا علیہ السلام روایت کردہ فرمود بہترین حالات مردم نزد خداوند سجدہ، آنها می باشد و خواندن این سورہ در نماز واجب جایز نیست چہ حین قرائت واجب میشود سجدہ و از این جہت ماحی نماز است .

پایان سورہ علق



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱) وَمَا أَدْرَاكَ مَا آيَةُ الْقَدْرِ (۲) لَيْلَةُ الْقَدْرِ
خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳) تَنْزِيلُ الْمَلَكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ
كُلِّ أَمْرٍ (۴) سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ (۵)

سوره قدر در مکه نازل شد و پنج آیه و سی و سه کلمه و صد و دوازده حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن: در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره قدر را صدای بلند قرائت کند مانند کسی است که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد مینماید و هر که آهسته آنرا قرائت کند مثل آنستکه در راه خداوند بخون خود غوطه‌ور است و هر کس ده مرتبه آن را قرائت نماید خداوند هزار گناه او را بپارزد.

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره قدر را تلاوت کند در نمازهای واجب منادی ندا کند ای بنده خدا آمرزیده شده‌ای اعمال خود را از نو بگیر .

در خواص قرآن از پیغمبر اکرم (ص) روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند مثل آنستکه یکماه روزه گرفته است و اگر در شب قدر آن را قرائت کند ثواب جهاد کنندگان در نامه عمل او نوشته شود و اگر بر مخزنی بخواند از هر آفتی سالم بماند و اگر آن را بر ظرف جدیدی بنویسد و صاحب لغوه بر آن نظر کند خداوند او را شفا دهد و اگر بر طلا و نقره و یا اثاث خانه بخواند و آنها را ذخیره کند مبارك شود برای او آن اشیاء .

سوره قدر مشتمل است بر بیان فضیلت شب قدر و آنکه عبادت و تقرب

ترجمه سوره قدر

بنام خداوند بخشنده مهربان

ما این قرآن را در شب قدر فرستادیم (۱) تو را چه چیز دانا کرد که شب قدر چیست (۲) شب قدر بهتر است از هزار ماه (۳) در آن شب فرشتگان و روح بر خست پرورده گارشان از هر فرمان فرود آوردند (۴) در آن شب رحمت و سلامتی و تهنیت است تا دمیدن صبح (۵)

پایان ترجمه سوره قدر

در آن شب بیش از سایر شبهای ایام سال است و قرآن در شب قدر نازل شده است.

قوله تعالى (انا انزلناه في ليلة القدر وما ادریک ما ليلة القدر ليلة القدر خير من الف شهر تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من کل امر سلام هی حتی مطلع الفجر .

سبب نزول این سوره بدین قرار است: در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود:

رسول خدا در خواب دید بنی امیه بالای منبر حضرتش رفتند و مردم را بسوی گمراهی و زمان جاهلیت سوق میدهند و از دین اسلام برمیگردانند حضرتش از خواب برخاست در حالتیکه محزون و دلشنگ بود جبرئیل نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خواب خود را برای او بیان کرد گفت بآنخدائیکه تو را برسالت فرستاده من از این موضوع اطلاعی ندارم آنگاه بآسمان صعود کرد، طولی نکشید فرود آمد و سوره قدر را آورد پرورده گار فرمود ما شب قدر را بتو عطا کردیم و آن بهتر است از هزار ماه که بنی امیه سلطنت میکنند.

طبرسی از ابن عباس روایت کرد، که حضور پیغمبر اکرم (ص) عرض کردند از بنی اسرائیل مردی بوه که هزار ماه اسلحه بکمر خود بسته و در راه خدا جهاد میکرد.

پیغمبر اکرم (ص) فرمود ایکاش در میان امت من هم چنین مردی وجود داشت ولی خداوند عمر های امت مرا کوتاه و کمترین عمر های امتها فرار داده جبرئیل نازل شد و سوره قدر را آورد پروردگار فرمود ما شب قدر را بتو عطا کردیم و آن بهتر است از هزار ماه کسه شخص بنی اسرائیلی در راه ما جهاد نمود.

و فرمود یکی از بزرگی و منزلت شب قدر آنست که ما قرآن را در آن شب نازل کردیم ، و ما در بخش اول تفسیر بیان نمودیم که پروردگار تمام قرآن را یکدفعه در شب قدر بآسمان دنیا و قلب مبارک پیغمبر اکرم (ص) نازل فرمود سپس در مدت بیست و سه سال بتدریج از باطن و آسمان دنیا بتوسط جبرئیل و بمناسبت بروز حوادث بمرحله ظاهر نازل فرمود اما شب قدر نامیده شد چه در آن شب جمیع مقدرات بشر تا سال آینده معین میشود از قبیل اجلها و ارزاق و موت و حیات و غنا و ثروت و فقر و احتیاج و خیر و شر و هر امری که باید تحقق پیدا کند .

و دیگر قدرش میگویند برای منزلت و شرف آن و تنگ شدن زمین در اثر فرود آمدن فرشتگان بسیاری بزمین و بعضی از عامه گمان کردند که شب قدر اختصاص دارد بعصر پیغمبر اکرم (ص) و گمان آنها باطل است ، طبری از ابوذر غفاری روایت کرده که از رسول خدا سؤال نمودم شب قدر اختصاص دارد بزمان پیغمبران یا بعد از ایشان هم شب قدر میباشد فرمود شب قدر تا قیامت هست و وجود دارد عرض کردم چه وقت است فرمود در ماه رمضان است .

و در حدیث دیگر فرمود طلب کنید شب قدر را در عشر آخر ماه رمضان و احادیث بسیاری از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده که شب قدر از این سه شب بیرون نیست: نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم.

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مردی از طایفه جهنیه حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شد عرض کرد ای رسول خدا منزل من تا مدینه دور

است تقاضا دارم راهنمایی فرمائید مرا بشب قدر تا در آنشب مدینه آیم و مشغول عبادت شوم در حضور شما پیغمبر اکرم بیست و سوم ماه رمضان را برای او تعیین فرمود و از این جهت آنشب معروف شد بشب جهنیه . کیفیت . احکام شب قدر در کتب ادعیه بیان شده است

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام مکرر باصحاب خود میفرمود هیچ وقت اولی و دومی حضور پیغمبر نرسیدند مگر آنکه آنحضرت با گریه و خشوع سورۃ قدر را برای آنها قرائت میفرمود عاقبت روزی ایشان گفتند ای رسول خدا جهت چیست این قدر سورۃ قدر را برای ما قرائت میفرمائید فرمود بخاطر کسیکه مشاهده میکنم او را بهچشم و حفظ کردم و جای دادم او را در قلب خود و اشاره فرمود بمن .

و دیگر فرمود برای چیزیکه علی علیه السلام آن را بعد از من مشاهده مینماید سؤال نمودند ای رسول خدا شما و علی چه چیز مشاهده مینمائید پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم من کل امر را با انگشت مبارک روی زمین نوشت سپس فرمود بآنها آیا بعد از قول خداوند که میفرماید من کل امر چیزی باقی میماند که نازل نکند عرض کردند خیر ای رسول خدا فرمود آیا میدانید بچه شخصی نازل میکنند در شب قدر هر چیزی را گفتند بر شما نازل میکنند ای رسول گرامی فرمود آیا بعد از من شب قدر وجود دارد عرض کردند بلی فرمود فرشتگان بعد از من در شب قدر بچه شخصی نازل میشوند وامورات هرچیز را فرود میآورند گفتند نمیدانیم در آنوقت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سر مرا در بغل گرفت و فرمود بدانید بر این علی فرشتگان و روح نازل میکنند هر چیز را بعد از من در شب قدر و چون شب قدر فرا میرسید بعد از پیغمبر اکرم (ص) چنان خوف و ترسی بر آنها غالب میشد که تصور آن نمیتوان کرد بخاطر آنکه میآدا امر و دستوری از پروردگار برای کیفر و نابودی ایشان برسد و آنها بخوبی شب قدر را میشناختند و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که بشیعیان میفرمود شما با مخالفین بوسیله سورۃ قدر حجت آورید تا غالب و رستگار شوید سو گند بخدا سور قدر حجت خدا

است از برای خلاق بعد از پیغمبر اکرم و آن سوره بزرگ دین شما شیعیان و نهایت علم ما ائمه است حجت بیاورید برای مخالفین بحکم والکتاب المبین انا انزلناه فی لیلۃ مبارکہ انا کنّا منذرین. و منذرین بعد از پیغمبر اکرم (ص) صاحبان امر بتنهائی هستند ایطایفه شیعه خداوند در قرآن کریم میفرماید و ان من امة الا خلا فیها نذیر شخصی حضورش عرض کرد ایفرزند رسول خدا نذیر این امت پیغمبر اکرم (ص) بود فرمود بلی راست میگوئی آیا زمانی که پیغمبری مبعوث نشود روی زمین و در اقطار عالم نذیری هست یا خیر سائل عرض کرد نذیری نیست آنحضرت فرمود آیا از برای خداوند نذیر نیست چنانکه رسول خدا که فرستاده او بود نذیر هم بود سائل گفت بلی برای خداوند نذیر میباشد فرمود پس بدان پیغمبر اکرم (ص) نذیر از دنیا مگر آنکه نذیری از برای او بود و اگر بگوئی نذیری نبود لازمه این سخن آنست که پیغمبر اکرم (ص) ضایع و باطل و عاطل گذاشته کسانی را که در اصلاّب مردان امت او بودند و بعد از آنحضرت بدنیآ آمدند سائل عرض کرد مگر قرآن کافی نیست از برای مردم فرمود بلی کافی است در صورتیکه ببایند تفسیری برای آن عرض کرد مگر پیغمبر اکرم (ص) تفسیر نفرموده آنرا فرمود تفسیر فرموده پیغمبر اکرم (ص) قرآن را برای یکنفر و بیان نموده قد و منزلت و شأن او را برای امت و آن شخص علی بن ابیطالب علیه السلام است. سائل عرض کرد. پس این امر اختصاص دارد بزمان امیر المؤمنین علیه السلام و عمومیت ندارد برای ازمنه بعد فرمود خداوند امتناع دارد از آنکه او را پرستش کنند و نبوده باشد در هر عصر و زمانی کسی که او را بشناساند بمردم و این امر نذیری و امامت امری بود که اظهار نفرمود آن را پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مگر در وقت و اوان خود. خداوند امور را موقوف بوقت معین قرار داده است چنانکه رسول اکرم (ص) رسالت خود را از خدیجه عیال خود هم پنهان میداشت تا آنکه خداوند امر و دستور داد آشکارا رسالت و نبوت خود را اعلام نماید. سائل گفت پس صاحب دین باید امر خود را پنهان بدارد فرمود مگر امیر المؤمنین علیه السلام امر خود را پنهان نداشت از آن زمان که به پیغمبر ایمان آورد تا وقتیکه امر شد با و اظهار بدارد سائل عرض کرد بلی چنین است آنحضرت فرمود:

ما ائمه ہر يك امر خود را پنهان میداریم تا وقتی کہ مأمور شویم بر اظہار آن
و بسند دیگر از آنحضرت روایت کردہ:

فرمود ابتداء خلقت چون خداوند دنیا را آفرید خلق نمود شب قدر را و پیغمبر
و اوصیاء اورا و در قضاء الہی گذشتہ بود کہ باید در ہر سال یکشب از جانب خداوند
تفسیر و امور آن سال تا سال دیگر فرود آید بر پیغمبر و اوصی او و ہر کس آن
شب را انکار نماید علم خدا را رد و انکار نمودہ و قیام نمیکنند پیغمبران و اوصیاء
آنها و محدثین مگر آنکہ برای ایشان از طرف پروردگار حجتی باشد و در شب قدر
آن را جبرئیل و فرشتہ روح بیاورند شخصی عرض کر آیا بر اوصیاء و محدثین
جبرئیل و فرشتگان نیز نازل میشوند فرمود شکی نیست کہ خداوند از ابتداء دنیا
تا انتہای آن در روی زمین حجتی برای خود قرار دادہ و معین فرمود روح و سایر
فرشتگان با او امر پروردگار در شب قدر بر آن حجت نازل می شوند . سو گند بخدا آدم
از دنیا نرفت مگر از برای او وصی بود و همچنین پیغمبران بعد از آدم و بر تمام اوصیاء
در شب قدر امر خداوند را فرشتگان و روح نازل میشوند و خداوند آیہ ذیل را
اختصاص دادہ با اوصیاء و صاحبان امر بعد از محمد ﷺ و دربارہ آنها فرمودہ:

«وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنہم فی الارض کما
استخلف الذین من قبلہم تا آخر آیہ ۵۵ سورہ نور فاولئک هم الفاسقون»

خدا بکسانی کہ از شما بندگان ایمان آورده و نیکوکار کرده وعدہ فرمودہ
در زمین خلافت دہد چنانکہ امم صالح پیغمبران گذشتہ جانشین پیشینیان خود شدند
و علاوہ بر خلافت دین پسندیدہ آنان را کہ دین اسلام است بر ہمہ ادیان تمکین
و تسلط عطا کند و بہمہ مؤمنان پس از خوف و اندیشہ از دشمنان ایمنی کامل
بخشد تا مرا بہ یگانگی بدون شائبہ شرك و ریا پرستش کنند و بعد از آن ہر کہ
کافر شود بحقیقت همان فاسقان تہ کارند آنحضرت فرمود ما ائمه همان خلیفہ ہای
خدا میباشیم کہ توانائی دادہ ما را بعلم و دانش ای مردم سؤال نمائید از ما اگر
تصدیق کردیم شما را پس ثابت و برقرار باشید و از جانب خود کاری انجام نہید و

برای و عقیده خود عمل نمائید همانا امر ائمه بسیار ظاهر و آشکار است سو گند
 بخدا حکم نموده پروردگار که نبوده باشد اختلافی بین مؤمنین و از این جهت امامان
 را شاهد و گواه بر مردم قرار داده است و شیعیان ما باید گواه باشند بر مردم و
 خداوند منع فرموده از اختلاف در حکم یا آنکه بین اهل دانش تناقضی بوده باشد
 پس از آن حضرت باقر علیه السلام فرمود فضل و برتری ایمان مؤمن بجمعه انا انزلناه
 و تفسیر آن نسبت بکسیکه چنین ایمانی ندارد مانند فضل و برتری انسان است
 بر بهائم و خدای عز و جل دفع میکند بمؤمنین که بسوره قدر ایمان دارند عذاب
 را از منکرین آن در دنیا و بعد کمال میرساند عذاب را برای کسانی که میداند
 که توبه نمیکند از انکار نمودن سوره قدر (مقصود از شیعیان کسانی هستند که اعتقاد
 دارند بامامت دوازده امام زیر ابوجود آن شخصیت های مقدس شب قدر باقی و برقرار است و
 در هر سال در شب قدر او امر پروردگار و مقدرات بشر بر آن بزرگواران نازل
 میشود

و در مقدمات بیان نمودیم که بزرگت آنها از مخالفین و عامه در دنیا عذاب
 برداشته شده است

حضرت باقر علیه السلام فرمود در این زمان از برای مؤمنین جهادی بجز حج
 و عمره و ولایت ائمه نمی بینم شخصی عرض کرد حضورش ایفرزند رسول خدا مسئله ای
 دارم بر من غضب نکنید از جهت پرسش آن فرمود سؤال کن عرض کرد آیا اموری را
 که در شب قدر فرشتگان و روح بر شما ائمه نازل میکنند

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آنها را میدانست و من یقین دارم که رسول خدا از دنیا
 درنگذشت مگر آنکه تمام علومیکه دارا بود بامیرالمؤمنین تعلیم نمود و آن
 حضرت تمام آنها را حفظ نمود. آنحضرت در پاسخ سؤال آنمرد فرمود چه تورا
 داخل این خانه نمود گفت قضا و قدر الهی مرا بحضور شما رسانید تا مسائل دین
 خود را از شما سؤال کنم و از روی فهم عمل نمایم فرمود پس بدان و حفظ کن آنچه را
 میگویم: شبیکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را بمعراج بردند از آنجا نزول اجلال نمود مگر

آنکہ خداوند تمام علوم گذشتہ و آیندہ و حوادث را باو تعلیم نمود و تفسیر بسیاری از آنها در شب قدر نازل میشود و تمام آن علوم را کہ پیغمبر در شب معراج فرا گرفت از پروردگار بامیر المؤمنین علیہ السلام تعلیم فرمود و در شب قدر تفسیر آنها بر آنحضرت نازل میشد و ما ائمہ عموماً ہمین طور هستیم آن شخص عرض کرد مگر تفسیر آن علوم را پروردگار فرمود فرمود بلی ولکن باید تفسیر آنها آنچه مربوط بآسال است از جانب پروردگار در شبهای قدر نسبت بہمان سال بر پیغمبر و اوصیاء بعد از آنحضرت نازل شود و دستور بگیرند از خداوند کہ این سال برای اموریکہ میدانستند چگونه رفتار و عمل نمایند

آن شخص عرض کرد ایفرزند رسول خدا تقاضا دارم واضح و روشن تریبان بفرمائید تا بفہم فرمود رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم از دنیا نرفت مگر آنکہ حافظ تمام علوم و تفسیر آنها بود سائل گفت پس چہ چیز در شب قدر نازل میشود و چہ دانشی افزودہ میگردد در شب قدر برای پیغمبر و اوصیاء او فرمود امر بانجام دادن یا ندادن بعضی از چیزها در شب قدر نازل میشود و این علم را سابق پیغمبر و امام نمیدانست آن مرد گفت پس چہ حادث می شود و زیادہ می گردد در شب قدر از علم و دانش غیر آنچه را میدانستند پیش از شب قدر آنحضرت فرمود دیگر بیش از این مأمور نیستم بکشف اسرار و مصلحت امور و حکمت این کتمان را نمیداند جز خداوند باز آن مرد زبان درازی کرد و گفت آیا علومشان زیادتر است از علم پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم از جهت گذشتن شبهای بسیاری از شبهای قدر فرمود خیر عرض کرد پس چگونه میداند وصی و امام علوم را غیر از آنچه می دانستند کہ پیغمبر باو تعلیم نموده و وصیت کرده آیا ممکن است بگوئیم یکی از اوصیاء میداند علوم را کہ اوصیاء دیگر نمیدانند آنها را فرمود هیچ پیغمبری از دنیا نمیرود مگر آنکہ تمام علوم او در سینه و وصیش می باشد و در شب قدر روح و فرشتگان نازل می کنند حکم ہر چیز را کہ باید پیغمبر و یا امام در میان بندگان حکم بفرمایند آن مرد گفت امام و پیغمبر بیش از شب قدر نمیدانستند حکم آن چیز را فرمود میدانستند حکم آن را ولکن مأموریت نداشتند بر امضاء آن حکم و عدم امضاء آن تا امر شود بآنها در شب قدر کہ چگونہ باید در این سال

حکم گفتند و رفتار نمایند آنمرد گفت ایفرزند رسول خدا من قدرت و توانائی ندارم که شب قدر را انکار کنم و اقرار و اعتراف دارم بتمام فرموده های شما حضرت باقر علیه السلام فرمود هر کس شب قدر را انکار کند از مانیت مجدداً آنمرد سؤال نمود آیا زیاد میشد در شب قدر علم و دانش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و میداند چیزهایی را که پیش از شب قدر نمیدانست فرمود آنحضرت در پاسخ آنمرد اینگونه سؤال برای شما جایز نیست. مگر نگفتم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تمام علوم گذشته و آینده را میدانست و از دنیا نرفت مگر آنکه جمیع آنها را بوسی خود یاد داد و اوصیاء بعد از پیغمبر دارای تمام علوم سیب شدند و سؤالی که نمودی خداوند نهی فرمود پیغمبران و اوصیاء آنها را از آنکه آگاه گردانند کسی را از بندگان

آنمرد گفت چگونه بشناسیم شب قدر را در هر سال فرمود ماه رمضان که داخل شد در هر شب یکصد مرتبه سوره حم دخان را قرائت کن چون شب بیست و سوم فرارسید مشاهده خواهی نمود آنچه را که سؤال نمودی و تصدیق خواهی کرد و می بینی که جنود شیاطین وارد می شوند بر اهل ضلالت و ارواح آنها و خبرهای دروغ بآنها میگویند و چون چنین شود ایشان میگویند در خواب چنین و چنان دیده ایم و هر کس اعتقاد و ایمان بشب قدر داشته باشد میداند که آنشب اختصاص دارد بما ائمه چه پیغمبر هنگام وفات فرمود ای مردم علی علیه السلام بعد از من ولی و امام شماست اگر از او اطاعت و پیروی نمائید هدایت و رستگار خواهید شد و هر کس ایمان ندارد بعلی بشب قدر معتقد نیست و کسیکه اعتقاد دارد بشب قدر بجز آنچه ما میگوئیم او دروغ گو و کاذب است چه ذات مقدس پروردگار پاک و منزله از آنست که او امر خود را با روح و فرشتگان بسوی کافر و فاسق و تبه کاری نازل نماید و چنین اشخاصی در گمراهی و ضلالت حیران و سرگردانند

و فرمود از علامت شت قدر آنستکه بوی خوشی میوزد و اگر زمستان است قدری از شبهای دیگر ملایم تر و چنانچه در تابستان است اندکی سرد و پاکیزه تر است.

در کافی از ابی یحییٰ صنعانی روایت کرده حضرت صادق علیه السلام میفرمود روزی جدم امیرالمؤمنین علیه السلام قرائت نمود سورہ انا انزلناه را و حسین حضور آن بزرگوار نشسته بودند حضرت امام حسین رو کرد پیدر خود گفت یا امیرالمؤمنین علیه السلام می بینم هر وقت تلاوت می نمائید این سورہ را حظی و لذتی از قرائت آن می برید فرمود چنین است ای فرزند آن سورہ چون بر جدت خاتم پیغمبران نازل شد بر من قرائت نمود و دست مبارکش را بر کتف من گذاشت و فرمود ایعلی و ایوصی من برامت وای جہاد کنندہ بادشمنان من تا روز قیامت ، این سورہ مخصوص تو می باشد بعد از وفات من و اختصاص بفرزندان تو دارد بعد از تو برادرم جبرئیل مقدمات و حوادث و پیش آمد های امت را در هر سال فرود آورد و نازل کند بر تو و فرزندان در شب قدر چنانکہ بر من نازل می کند و خداوند در آن شب نور ساطعی در قلب تو و فرزندان اوصیائت وارد کند تا طلوع فجر

و شیخ طوسی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده خانہ امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمہ علیہا السلام ، حجرہ رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم و سقف آن عرش پرورہ گار بود و زمین آن خانہ منفذی داشت کہ کشیدہ شدہ بعرش پروردگار و محل نزول وحی و فرود آمدن فرشتگان بود هر صبح و شام و هر ساعت از شبانہ روز و آن خانہ مملو بود از فرشتگان فوجی صعود مینمودند و فوج دیگر فرود می آمدند و هیچوقت فارغ نبود از تردد و رفت و آمد فرشتگان خدایتعالی حجاب را برداشت از آسمانها برای حضرت ابراہیم تا مشاہدہ نمود عرش پروردگار را و زیاد نمود قوای دیدگان او را تا عرش را دید و پروردگار چنان زیاد کرد قوای دیدگان علیہ السلام و علی و فاطمہ و حسن و حسین علیہم السلام را بطوریکہ نمی یافتند سقفی برای خانہ خود جز عرش پروردگار پس خانہ آنها مسقف بود بعرش رحمن و فرشتگان نازل می شدند بر ایشان باذن پروردگار و فرود می آوردند بر آنها ہر امر و سلامی را شخصی سؤال نمود آیا باہر امری سلام ہم بود فرمود بلی. گفت آن شخص این بیانات تنزیل آیه است فرمود بلی -

در صحیح ترمذی روایت کردہ پس از آنکہ مجبور شد حضرت امام حسن

ﷺ با معویه صلح کند شخصی ازجا بلند شد و با کمال جسارت بآنحضرت گفت مؤمنین را روسیاه کردی ای حسن بن علی آن حضرت درپاسخ آنمرد فرموداذیت نکن مأمور بودم براین امر جدم پیغمبر اکرم ﷺ در خواب دید بنی امیه بر منبرش بالا رفتند محزون شد جبرئیل فرود آمد و سوره انا انزلناه را آورد پروردگار فرمود ای محمد ﷺ محزون مباش شب قدر بهتر است برای تو از هزار ماه که بنی امیه سلطنت می کنند ترمذی که یکی از علماء مخالفین است میگوید راوی گفت ما شماره کردیم سلطنت بنی امیه را بدون روزی کم و زیاد هزار ماه بود -

حضرت باقر علیہ السلام فرمود فرشتگان و روح القدس در هر عصری بر امام زمان در شب قدر نازل میشوند و حضور آنحضرت تقدیم میدارند آنچه نوشته شده و مقدر گردیده در لوح محفوظ و درود میفرستند و تحیات میآورند بر امام زمان تا طلوع فجر مردی عرض کرد ایفرزند رسول خدا شمامی شناسید شب قدر را فرمود چگونه مانمی شناسیم آن شب را و حال آنکه در آنشب فرشتگان از آسمان فرود می آیند و بدور ما طواف میکنند و تحیت بر ما میفرستند و مقدرات تمام خلایق را بما تسلیم میدارند -

در کافی از حضرت صادق علیہ السلام روایت کرده فرمود در شب معراج پیغمبر نماز بجا آورد چون فارغ شد از قرائت سوره الحمد در رکعت اول خطاب شد باو قرائت کن ای محمد نسبت پروردگارت را یعنی سوره قل هو الله احد را و در رکعت دوم خطاب شد بآنحضرت تلاوت کن سوره انا انزلناه را چه آن سوره نسبت خود و اهل بیت میباشد تا روز قیامت -

و از ابن عباس روایت کرده که پیغمبر اکرم (ص) فرمود در شب قدر فرشتگان سدره المنتهی و جبرئیل بزمین فرود می آیند با آنها پرچمهایی است یکی از پرچمها را بروی قبر من نصب میکنند و یکی دیگر را در مسجد الحرام و بیت المقدس و طور سینا نصب خواهند نمود و نمیگذارند از کنار هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنه ای مگر آنکه برایشان سلام میکنند جز کسانی که شراب خورده اند و یا گوشت خنزیر و آنشب شب بسیار مبارکی است مقدرات و سر نوشت تمام بشر در آنشب نازل میشود بر امام زمان علیہ السلام و شب قدر تا روز قیامت باقی خواهد بود . پایان سوره قدر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى
تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ (۱) رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُطَهَّرَةً (۲) فِيهَا كُتِبَ
قِيَمَةٌ (۳) وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ
(۴) وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ
وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (۵)

سورہ بینہ در مدینہ نازل شدہ و ہشت آیہ و نواد و چہار کلمہ و سیم صد و نوادو نہ حرف
است خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویہ از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود
ہر کس سورہ بینہ را قرائت کند از کسانی است کہ بیزاری جستہ از مشرکین و داخل
گردیدہ در دین محمد صلی اللہ علیہ وسلم و با ایمان محشور خواہد شد و حساب او آسان شود
و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس این سورہ را
تلاوت کند در قیامت رفیق بہترین مردمان خواہد بود و اگر آن را بر ظرف جدیدی
بنویسند و نظر کند در آن صاحب لقوہ دیدگان او شفا یابد و اگر بر نان بنویسند
و آن را بدزدہ بخوراند در همان ساعت مفتضح گردد و چنانچہ آن
را بر انگشتی بخوانند با سم دزدی انگشت بر حرکت آید و اگر بنویسند و شخص
یرقانی ہمراہ خود بدارد شفا یابد و اگر این سورہ را بنویسند و آب محو کنند و کسی کہ
مبتلا بمرض برص است یا چشم او سفیدی بہم رسیدہ از آن آب بپاشد بر طرف گردد
و چنانچہ بنویسند این سورہ را برورمی کہ بزدند باذن خدا بر طرف گردد

سورہ بینہ مشتمل است بر آنکہ حجت و برہان پیش از قرآن ہم بر کفار و
مشرکین تمام بود با اینوصف آنها از کفر و عصیان جدا نبودند
قوله تعالی (لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى

ترجمه سوره بینه

بنام خداوند بخشنده مهربان

آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکین از کفر و عصیان جدا نبودند تا آنکه برهان روشن بر آنها آمد (۱) از جانب خدا رسولی فرستاده شد تا کتابهای پاک و منزله را بر آنها تلاوت کند (۲) و در آن کتابها نامهای حقیقت و راستی مسطور و نوشته شده است (۳) و اهل کتاب در حق این رسول راه تفرقه و خلاف نه پیمودند مگر پس از آمدن حجت روشن بر آنها (۴) و امر نشدند مگر آنکه خدا را از روی اخلاص و بی‌ریا پرستش کنند و از برای او است دین اسلام و نماز بپا دارند و زکوة بدهند این است دین درست و راه راست و سعادت (۵)

تاتیمهم البینه رسول من الله یتلو صحفا مطهرة فیها کتب قیمة و ماتفرق الذین اوتوا الکتاب الامن بعد ما جائهم البینه) کافران اهل کتاب و مشرکین از کفر و عصیان جدا نبودند تا آنکه برهان و حجت حق بر آنها آمد و رسولی از جانب خدا چون محمد ﷺ فرستاده شد تا کتابهای پاک و منزله آسمانی را بر آنها قرائت کند و در آن کتابها نامهای حقیقت و راستی مسطور و نوشته شده است و اهل کتاب پراکنده نشدند در حق این رسول و نبوت او و راه تفرقه و خلاف نه پیمودند مگر پس از آنکه حجت و بیان کامل بر حقانیت و صحت نبوت رسول بر آنها در کتابهای ایشان آمد و آنها بر انکار آن رسول لجاجت نمودند در محاسن ذیل آیه فوق از حضرت باقر (ع) روایت کرده فرموده مراد از کافرین کسانی هستند که شیعیان را تکذیب نمودند زیرا کتاب آیات خدا است و اهل آن شیعیان باشند و مشرکین منافقین مرجیه هستند و بینه واضح شدن حق است برای آنها و رسول از جانب خدا محمد ﷺ است و معنی یتلو صحفا مطهرة یعنی پیغمبر راهنمایی میکند مردم را بسوی اولی الامر و ائمه معصومین بعد از خود و آیه: و ماتفرق الذین اوتوا الکتاب، دلیل است بر بطلان قول جبری مسلکان که میگویند کفار را خداوند در اصل کافر آفریده، چه خدا ایتعالی میفرماید پس از آنکه حجت برایشان تمام شد کافر شدند (و ما امروا الا لیعبدوا الله

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ (۶) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (۷) جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ (۸)

مخلصین لہ الدین حنفاء و یقیمہ و الصلوۃ و یؤتوا الزکوۃ و ذلک دین القیمۃ و در کتابهای آسمانی امر نشدند مگر بآنکه با اخلاص کامل و بدون ریا پرستش کنند خدا را و از دین غیر حق روی بگردانند و نماز بپا دارند و زکوۃ بدهند و دین راست و درست و راه سعادت همین است

(ان الذین کفروا من اهل الکتاب و المشرکین فی نار جهنم خالدين فیہا اولئک هم شر البریۃ) کسانی که از اهل کتاب کافر شدند و مشرکین همه در آتش دوزخ باشند و آنجا همیشه معذبند و ایشان بدترین خلائق هستند۔

حضرت باقر علیه السلام فرمود پروردگار قرآن را نازل نمود بر اهل کتاب و مشرکین و آنها کافر و مرتد شدند و معصیت و نافرمانی کردند با امیر المؤمنین علیه السلام و در اثر نافرمانی ایشان بدترین خلق خدا هستند (ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریۃ جزاؤهم عند ربهم جنات عدن تجری من تحتها الانهار خالدين فیہا ابدارضى الله عنهم و رضوا عنه ذلک لمن خشی ربہ) آنان که بخدا ایمان آورده و عمل نیکو بجا میآوردند بحقیقت بهترین خلق خدایند و پاداش آنها نزد خدا بهشت عدن است که نهرها زیر درختانش جاریست و در آنجا همیشه متنعمنند خدا از آنها خشنود و آنها نیز از خدا راضی هستند و این بهشت مخصوص کسانی است که از خدا بترسند و بطاعت او مشغول باشند۔

درامالی از جابر انصاری روایت کرده که حضور پیغمبر بودم امیر المؤمنین

آنانکه از اهل کتاب کافر شدند و مشرکین همیشه در آتش دوزخ معذبند و آنها بدترین مردم اند (۶) و کسانی که ایمان آورده و نیکو کار شدند بهترین آفریدگانند (۷) پاداش آنها نزد خداوند بهشت های جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاریست و همیشه در آنجا بمانند و خدا از آنها خشنود و آنها نیز از خدا راضی هستند و این پاداش مخصوص کسی است که از خدا بترسد (۸)

پایان ترجمه سوره بینه

ﷺ وارد شد پیغمبر فرمود برادرم علی آمد آنگاه توجهی بخانه کعبه نمود و بدست مبارک اشاره کرد و فرمود بآنخدائیکه جانم در دست قدرت او است روز قیامت علی و شیعیان اورستگاران عالمند و فرمود علی از حیث ایمان اول شما است و او با وفاترین اشخاص است بعهد خدا و عادل ترین شما است بر رعیت و قسمت میکند میان شما بعدل و مساوات و بزرگترین خلائق است نزد پروردگار و هر وقت علی را پیغمبر اکرم ﷺ میدید میفرمود خیر البریه آمد و چون آیه فوق نازل شد توجهی بامیر المؤمنین ﷺ نمود و فرمود بخدا قسم مراد از آیه تو هستی ای علی و شیعیانت وعده گاه تو و آنها فردای قیامت کنار حوض کسوتر است تو پیشوای آنان باشی و آنها عموماً توجهشان بسوی تو میباشد.

در محاسن از حضرت باقر ﷺ روایت کرده فرمود مراد الذین آمنوا شیعیان ما اهل بیت میباشد و مقصود از آیه وان الذین کفروا دشمنان ما خاندان نبوت است و فرمود اخلاص ایمان بخدا و رسول اکرم ﷺ است و مراد از نماز در این آیه امیر المؤمنین ﷺ و دین فیمه حضرت فاطمه ﷺ است و خداوند راضی است از مؤمنین در دنیا و آخرت و مؤمنین اگر چه راضی هستند در دنیا از خدا ولی در دل آنها چیزهایی است از مصائب دنیا ولی چون مشاهده کردند روز قیامت و ثواب و پاداش خداوند را که بآنها عطا فرموده بطور دلخواه از خداوند راضی و خشنود شوند و رضا و خشنودی برای کسانی است که اطاعت پروردگار را نموده اند.

ابوبکر شیرازی که یکی از مخالفین است در کتاب نزول آیات قرآنی در

شأن امیر المؤمنین علیه السلام از انس بن مالک روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده آیه فوق در شأن علی نازل شده و علی اول کسی است که ایمان بمن آورده و عمل نیکو از قبیل نماز و روزه و زکوة و سایر واجبات بجا آورده و علی خیر البریه و افضل مخلوقات است و این حدیث را جمعی از مخالفین مانند خطیب خوارزمی و موفق بن احمد و اعمش و دیگران از ابن عباس روایت کرده اند۔

محمد بن عباس از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام وفات بدخترش فاطمه علیها السلام فرمود علی علیه السلام را بمن برسان چون آنحضرت وارد شد پیغمبر باو فرمود ای علی نزدیک من بیا چون نزدیک رفت رسول خدا باو فرمود تو خیر البریه هستی و خداوند آیه ان الذین آمنوا و ادبروا عن الناس تو و شیعیانت نال فرموده و آیه ان الذین کفروا را در حق دشمنان تو و پیروان آنها فرو فرستاده . روز قیامت وارد محشر می شوند در حالتیکه صورتهاشان سیاه و لب تشنه و محزونند آنها اشقیاء و منافقین است و دشمنان تو و شیعیانت هستند و بدترین خلق عالمند و احادیث در این باب از خاصه و عامه بسیار است و همه متفقند که امیر المؤمنین علیه السلام خیر البریه است

پایان سوره بینه

سورة الزلزلة

مركز تحفہ کتب و علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱) وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَنْقَالَهَا (۲) وَقَالَ
الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (۳) يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (۴) بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا (۵)
يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (۶) فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ
ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (۷) وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (۸)

سورہ زلزلہ در مدینہ نازل شدہ و ہشت آیہ و سی و پنج کلمہ و صد و شصت و نہ حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: در کافی از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود
ہر کس سورہ زلزلہ را تلاوت کند در نمازهای واجب و یا مستحب ہر گز ہزلزلہ و
صاعقہ و آفات دنیا نمیرد و هنگام وفات او فرشتگانی از جانب خداوند بیایند
و بعزرائیل سفارش کنند کہ در حق او مہربانی کند عزرائیل در پاسخ آنها گوید
پروردگار بمن امر فرمودہ از شما اطاعت کنم. و وقتی روح او را قبض نمود پروردگار ای بالا
رود و جایگاہ خود را در بہشت مشاہدہ نماید و ہفتاد ہزار فرشتہ مشایعت کنند روح
او را و بشارت دہند بہ بہشت۔

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس این سورہ
را قرائت کند مانند کسی است کہ ربع قرآن را تلاوت نمودہ و اگر آن را بر نان
بنویسند و بدزد بخوراند آندزد مبتلا شود بدرد دل و مفتضح گردد و ہر کس آن را
بنویسد و قرائت کند و ہمراہ خود داشتہ باشد و وارد شود بر کسی کہ از او میترسد
نجات یابد و اگر بر طشت جدید کہ هنوز استعمال نشدہ بنویسد و مبتلا بمرض لقوہ
در آن نظر کند درد اوسا کن و پس از سہ روز باذن خدا شفا یابد
سورہ زلزلہ مشتمل است بر ذکر قیامت و بیان احوال آن

ترجمہ سورہ زلزال

بنام خداوند بخشنده مهربان

چون زمین بسخت ترین زلزله خود جنبانده شود (۱) و بارهای سنگین خود را از دل خاک بیرون افکند (۲) در آنروز انسان گوید چیست خبرهای زمین (۳) در آن هنگام زمین خبرهای خود را از آنچه مردم روی آن انجام دادند بگوید و آگاہ سازد (۴) در آنروز مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند تا کردارشان را به بینند (۵) پس هر کس بقدر ذرہ ای کار نیکی کرده پاداش آنرا خواهد دید (۶) و آنکہ بقدر ذرہ ای کار زشتی مرتکب شده کیفر آنرا خواهد دید (۷)

پایان ترجمہ سورہ زلزال

قوله تعالى (اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان مالها يومئذ تحدث اخبارها) بیاور ای محمد ﷺ هنگامیکہ زمین سخت بجنبید و بلرزدہ درآید و بارهای گران درون خود را از معادن و گنجها و مرده گان از دل خاک بیرون افکند در آنروز انسان (کہ وجود مقدس امیر المؤمنین علیہ السلام است) گوید چیست این اضطراب و جنبیدن و خبرهای تو ایزمین؟! زمین آنحضرت را بحوادث و اخبار گذشته و آنچه مردم بروی آن انجام داده اند خبر دهد و آگاہ گرداند ابن بابویہ از حضرت فاطمہ علیہا السلام روایت کرده فرمود در زمان ابوبکر زلزله شدیدی در مدینہ رخ داد بطوریکہ عموم مردم ترسیدند و نزد ابوبکر و عمر رفتند مشاہدہ کردند آنوقت از شدت ترس بشتاب حضور امیر المؤمنین علیہ السلام میروند مردم ہم بہ تبعیت آنها حضور آنحضرت رسیدند امیر المؤمنین علیہ السلام از منزل خارج شدند ابوبکر و عمر و عموم مردم در عقب آن بزرگوار رفتند تا رسیدند بیاروی شهر آنحضرت بروی زمین نشست مردم ہم اطراف او نشستند دیوارهای مدینہ مانند گہوارہ حرکت میکرد اهل مدینہ از شدت ترس صداهای خود را بگریہ و زاری بلند کرده و فریاد میزدند یا علی بفریاد ما برس ہر گز چنین زمین لرزہ ای ندیدیم، لبهای آنحضرت بحر کت آمد و بادست مبارک بزمین زد و فرمود ایزمین آرام و قرار بگیر

زمین باذن خدا ساکت شد و قرار گرفت مردم از اطاعت و فرمان برداری زمین از امیر المؤمنین علیه السلام تعجب کردند، فرمود شما تعجب کردید که زمین اطاعت امر من نمود وقتی باو گفتم قرار بگیر؟ عرض کردند بلی یا امیر المؤمنین علیه السلام فرمود من همان انسانی هستم که خداوند در قرآن میفرماید: وقال الانسان مالها۔ من بزمین میگویم بیان کن برای من حوادث و اخبار، یکه بر روی تو واقع شده و انجام گرفته است و بمن بگو عملهایی که مردم در روی تو بجا آورده اند پس از آن فرمود اگر این همان زمین لرزه هائی بود که خداوند در سوره زلزله میفرماید خبر میداد زمین بمن اخبار خود را ولی آن نیست۔

در مجمع از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود ای مردم آیا میدانید خبرهای زمین چیست که برای امیر المؤمنین علیه السلام بیان میکند عرض کردند خدا و رسولش دانایتر است و بهتر میدانند فرمود گواهی میدهد بر مرد وزن بآنچه بر پشت آن عمل کردند و میگوید این شخص کار نیکو بجا آورده و آن دیگری مرتکب عمل زشت شده اینست خبرهای زمین، و پروردگار بزمین الهام میکند که اخبار و حوادث خود را بامیر المؤمنین علیه السلام بگوید و آنحضرت را آگاه سازد

(یومئذ یصدر الناس اشأنا لیروا اعمالهم فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره ومن یعمل مثقال ذرة شریره) در آنروز قیامت مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند طایفه ای مؤمن و بعضی منافق و جمعی کافر تا پاداش و کیفر اعمال خود را در حساب حق به بینند و در آن روز هر کس بقدر ذره ای کار نیک کرده پاداش آنرا خواهد دید و هر کس بقدر ذره ای کار زشتی انجام داده بکیفر آن خواهد رسید۔

این آیه را می کند عقاید جبری مسلکان را که میگویند بنده از خود اختیاری ندارد و عمل از خود او نمی باشد، علی بن ابراهیم ذیل آیه فوق از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود اگر شخصی از اهل جهنم باشد چنانچه در دنیا بقدر ذره ای عمل نیک بجا آورده خداوند آن عمل را باو نشان میدهد و میفرماید این عمل را برای غیر من بجا آورده ای و بمن ربطی ندارد پاداش آنرا از غیر من بطلب و اگر از اهل بهشت باشد و ذره ای عمل زشت بجا آورده آنرا باو نشان دهند و خداوند او را بیامرزد

وازاودہ گندرد ۔

طبرسی از ابی عبیدہ روایت کردہ گفت معصعہ عموی فرزدق شاعر حضور پیغمبر اکرم ﷺ رسید آنحضرت آیہ فوق را تلاوت مینمود معصعہ شنید گفت برای من از قرآن همین آیہ بس است و کفایت میکند اگر آیات دیگری نشنوم عرب دیگری شنید عرض کرد ای رسول خدا آیا حساب ذرہ را ازہا میکشند فرمود بلی آنعرب فریاد زد واسوتاہ و گریہ بسیاری کرد پیغمبر اکرم ﷺ فرمود این عرب دلش از ایمان باخبر است ۔

پایان سورہ زلزلہ



مرکز تحقیقات کتب و تاریخ اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا (۱) فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا (۲) فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا (۳)
فَأَثَرُنَّ بِهِ نَقْعًا (۴) فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا (۵) إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ (۶)
وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ (۷) وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ (۸) أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا
بُغِيَِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (۹) وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (۱۰)
إِنَّ رَبَّهُم بِمَا يَكْمُلُ لَهُمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (۱۱)

سورة عاديات درمکہ نازل شدہ ویازدہ آیہ وچہل کلمہ وصد وشتتوسہ حرف
است خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ
فرمود ہر کس سورہ عادیات را قرائت کند ثواب یکختم قرآن دارد و اگر مداومت
کند ہر قرائت آن و مدیون باشد خداوند دین او را بزودی ادا کند و ہر خائفی
آن را قرائت کند ایمن باشد و اگر گرسنہ و عطشانی بخواند آن را سیر
و سیراب گردد

سورہ عادیات مشتمل است بردستان جنگ ذات سلاسل و احوال قیامت
قولہ تعالیٰ (والعادیات ضبحا فالموریات قدحا فالمغیرات صبحا فآثرن بہ
نقعا فوسطن بہ جمعا ان الانسان لربہ لکنود و انه علی ذلک لشہید و انه لحب
الخير لشدید)

سو گند باسبانی کہ سواران اسلام درجہاد کفارتا ختمند تاجائی کہ نفسہایشان
بشمارہ افتاد و درتا ختم ازسم ستوران برسنگ آتش افروختند و بردشمن شبیخون
زدند تا صبح گاہ آنہارا بغارت گرفتند و گرد و غبار از دیار کفار برانگیختند و سپاہ
دشمن را ہمہ در میان گرفتند سو گند باین مجاہدان دین کہ انسان نسبت بہ

ترجمہ سورہ عادیات

بسم اللہ الرحمن الرحیم

قسم باسبانی کہ تاختند تا جائیکہ نفسشان بشمارہ افتاد (۱) و در تاختن از سم ستودان برسنگ آتش افروختند (۲) و بردشمن شبیخون زدند تا صبحگاه آنها را بغارت گرفتند (۳) و گره و غبار از دیار کفار برانگیختند (۴) و سپاہ دشمن را ہمہ در میان گرفتند (۵) سو گند باین جہاد کنندگان کہ انسان نسبت بہ پروردگارش کفران نعمت و ناسپاسی کند (۶) و خود او بر این ناسپاسی گواہی دہد (۷) و او بر دوستی مال سخت فریفتہ است (۸) آیا نمیداند چون از قبرها برانگیختہ شوند (۹) و آنچه در سینہ ہا پنهان است پدیدار میشود (۱۰) همانا پروردگارشان ددان روز بحال آنها آگاہ است (۱۱)

پایان ترجمہ سورہ عادیات

پروردگارش کفران نعمت و ناسپاسی میکند و او بر این ناسپاسی خود گواہی خواہد داد و بر دوستی مال سخت فریفتہ و بخیل است۔

علی بن ابراہیم از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود سورہ عادیات نازل شدہ در بارہ اہالی وادی یابس و داستان آنها بدین قرار است: دوازده ہزار نفر مرد جنگجو از اہالی یابس اجتماع نمودہ و باہم سو گند یاد نمودند کہ تخلف نکنند از یکدیگر و خوار و ذلیل نکنند یکی از آنها دیگر را و فرار نکنند تا آنکہ پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم و امیر المؤمنین علیہ السلام را بقتل برسانند و یا تمام آنها کشتہ شوند۔ جبرئیل نازل شد رسول خدا را از تصمیم و عہد آنها باخبر نمود و دستور داد ابوبکر را با چہار ہزار نفر از مہاجر و انصار بجانب آنها روانہ کند پیغمبر بمنبر تشریف برد بعد از حمد و ثنای پروردگار فرمود ایطایفہ مہاجر و انصار الحال جبرئیل بر من نازل شد و خبر داد کہ اہل وادی یابس اجتماع کردہ و باہم عہد بستند کہ ہیچیک از آنها بدیگری مکر و حیلہ نکنند و فرار ننمایند تا آنکہ من و علی را بقتل برسانند و دستور داد بمن ابوبکر را با چہار ہزار نفر بسوی آنها بفرستم مہیا شوید و حرکت نمائید

باسم خداوند انشاء الله. مسلمانان مجهز شدند برای حرکت، پیغمبر ابوبکر فرمود چون بمکان یابس رسیدید نخست اسلام را بر آنها عرضه بدارید اگر پذیرفتند جنگ نکنید و چنانچه امتناع کردند بایشان جهاد کنید و اموالشان را بتصرف در آورید و استحکامات آنها را خراب کنید ابوبکر بالشگری آراسته با تانی و آرام بسوی ایشان حرکت نمود چون بآنوادی رسیدند دو سوار مسلح از اهل وادی جلوی مسلمین را گرفتند سؤال کردند بچه خیال و قصدی باینجا آمده اید بر رئیس و سر کرده خود بگوئید نزد ما بیاید تا با او گفتگو کنیم ابوبکر با جمعی از مسلمین نزد آنها رفت گفت من فرستاده پیغمبر خدا هستم بمن امر فرموده تا شما را باسلام دعوت کنم تا همان مرتبیکه برای مسلمانان هست برای شما نیز باشد و چنانچه اسلام قبول نکنید با شما جنگ خواهیم کرد گفتند ای ابوبکر اگر نبود قرابتی میان ما و شما البته خود و اصحاب را بقتل میرسانیدیم بطوریکه یادگار و مثل شود برای کسانی که بعد از شما دنیا می آیند بر گرد با اصحاب و رحم کن بخود و ایشان ما جز پیغمبر و علی قصد کشتن دیگری را نداریم، ابوبکر بمسلمانان گفت ایشان چندین برابر شما هستند کمکی دیگر شما ندارید خانه ایشان خالی است بر گردید تا صورت حال را بعرض پیغمبر برسانیم مسلمین عموماً گفتند ای ابوبکر مخالفت فرمان خدا و رسولش ممکن آنچه امر شده بتوانجام ده و از خدا ترس و یا این قوم جهاد کن و خلاف دستور رسول خدا ننما هر اندازه اصرار کردند ابوبکر قبول نکرد و نپذیرفت و گفت من چیز را میدانم که شما نمیدانید و شخص حاضر مشاهده میکند چیزی را که غایب آن را نمی بیند عاقبت از جهاد با آنها منصرف شد و باز گشت. مسلمانان به پیغمبر اکرم ﷺ خبر دادند آنچه را کفار ابوبکر گفتند رسول خدا فرمود ای ابوبکر مخالفت امر من کردی سو گند بخدا تو معصیت کاری پس از آن پیغمبر بمنبر تشریف برد بعد از حمد و ثنای پروردگار فرمود ابوبکر مخالفت امر من نمود و از سخنان اهالی یابس سینه اش بتنگ آمد و ترس آنها در دلش جای گرفت و اطاعت از خدا و رسولش نکرد اینک جبرئیل آمد و امر نمود که بجای ابوبکر عمر را بفرستم آنگاه متوجه عمر شد و با او فرمود برو وادی یابس تا تو کل بخدا مبادا

مانند ابوبکر معصیت خدا و رسولش را بجا آوردی عمر با همان لشکر روانه شد بسوی کفار چون بوادی یابس رسید و مشرف بآنها شد باز دو بیست نفر سوار مسلح جلوی آنها را گرفتند نزدیک بود روح از تن عمر پرواز کند از شدت ترس بخود میلرزید و فرادرا برقرار و جهاد اختیار کرد و باز گشت جبرئیل خبر بر گشت عمر را به پیغمبر ﷺ رسانید چون عمر باز گشت پیغمبر باو فرمود توهم مانند ابوبکر معصیت خدا و رسولش را بجا آوردی فرشتگان عرش از نا فرمانی تو با خبر شدند چرا خلاف امر مرا نمودی و عمل برآی خودت کردی قبیح باد رأی تو. بعد از آن فرمود جبرئیل دستور داد علی علیه السلام را بفرستم امیر المؤمنین علیه السلام را خواست باو فرمود خداوند خواسته این فتح و فیروزی نصیب تو شود بزودی بخواست خدا فتح میکنی و باز میگردی آنگاه با ابوبکر و عمر فرمود شما هم جزء لشکریان اسلام بروید مبادا در هیچ موردی با علی مخالفت نمائید قشون اسلام بسوی وادی یابس حرکت کردند

امیر المؤمنین آنها را از راهی غیر راه ابوبکر و عمر سیر داد چنان بسرعت و شتاب سیر داد که مسلمانان خسته شدند و از تلف شدن حیوانات سواری خود میترسیدند امیر المؤمنین علیه السلام بآنها فرمود نترسید رسول خدا این طریق امر و دستور فرموده و خبر داد که خداوند فتح و فیروزی را نصیب ما خواهد نمود بشارت باد شمارا بخیر و خوشی و پاکیزه باد نفس و دلهای شما. بشتاب سیر کردند تا رسیدند نزدیک وادی یابس اهالی از آمدن امیر المؤمنین و اصحابش با خبر شدند دو بیست نفر مرد جنگجو جلوی مسلمین را گرفتند گفتند شما چه اشخاصی هستید و بچه مقصد در اینجا آمده اید امیر المؤمنین علیه السلام فرمود من علی بن ابیطالب پسر عموی رسول خدا هستم آمده ام تا شما را دعوت کنم بکلمه توحید و گفتن لا اله الا الله محمدا رسول الله تا آنچه را که برای مسلمین هست شما هم از آن برخوردار باشید بآنحضرت گفتند ما قصد کشتن تو را داریم هر گز اسلام قبول نکنیم و بآنچه تو و پیغمبر عمل مینمائید مخالف هستیم آماده جنگ باش و اصحاب خود را مهیا کن برای مبارزه. کشنده تو ما هستیم وعده ما و شما صبح فردا امیر المؤمنین علیه السلام بآنها فرمود

وای بر شما مرا بزیادتی جمعیت خود میترسانید؟ یاری میجویم از خدا و فرشتگان و مؤمنین بر جنگ با شما و لاجول و لا قوة الا بالله العلی العظیم آنها بر گشتند بمرکز خود امیر المؤمنین و اصحابش نیز بفرود گاه خود مراجعت نمودند چون تاریکی شب فرا گرفت امیر المؤمنین علیه السلام باصحاب خود امر فرمود حیوانات و اسبهای خود را زین کنند و آماده سازند صبح که خواست آشکار شود نماز را با اصحاب بجا آورد و در تاریکی صبح دستور داد یک دفعه حمله کنند و آنها را بقتل برسانند در میان اصحاب کسی نبود مگر آنکه هر يك از آنها چند نفر از کفار را بقتل رسانیدند و جمعی را اسیر کردند و خانه ها و استحکامات ایشان را ویرانه و خراب نمودند و اموالشان را با خود حرکت داده و روانه مدینه شدند جبرئیل نازل شد و خبر فتح و فیروز را که خداوند نصیب امیر المؤمنین علیه السلام فرموده بود به پیغمبر داد و گفت از اصحاب علی علیه السلام بجز دو نفر کشته نشدند پیغمبر اکرم مسجد تشریف برد و بالای منبر رفت پس از حمد و ثنای پروردگار فرمود خداوند بدست علی فتح و فیروزی بمسلمان عطا فرموده و جز دو نفر از مسلمین بیشتر کشته نشدند و از منبر بزیار آمد باتمام اهالی مدینه تا چند میلی شهر باستقبال امیر المؤمنین (ع) تشریف بردند آنحضرت چون نظرش به پیغمبر افتاد از اسب پائین آمد باحترام رسول خدا پیغمبر او را گرفت و میان دید گانش را بوسید غنیمتهائی که خداوند نصیب و روزی مسلمانان نموده بود از اهل یابس حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله تقدیم داشت حضرتش آنها را قسمت نمود میان جهاد کنندگان و جنگجویان وادی یابس حضرت صادق علیه السلام فرمود غنیمتهائی که از وادی یابس نصیب مسلمین شد بجز در جنگ خیبر از هیچ جنگی آن مقدار نصیب ایشان نشد خداوند سوره عادیات را در آنروز نازل کرد (ان الانسان لربه لکنود) این آیات درباره ابوبکر و عمرو بن عاص نازل شده چه آنها اصرار داشتند و میخواستند بازدارند امیر المؤمنین علیه السلام را از آنراهی که سیر مینمود از بخل و حسد و کینه ای که نسبت به حضرتش داشتند، چه یقین پیدا کردند راهی که امیر المؤمنین علیه السلام سیر مینماید عاقبت فتح و فیروز خواهد بود عمرو بن

عاص بابوبکر میگفت علی جوان است و کم تجربه و راه را نمیدانند این راهیکه میرود خوفناک است و درندگان بسیاری دارد. مردم را وسوسه کردند مسلمین نزد امیر المؤمنین علیه السلام رفتند عرض کردند یا ابوالحسن این راهیکه اختیار فرمودید درندگان بسیاری دارد اگر برگردید برای دیگری بهتر است. بآنها فرمود بروید دنبال کار خود و مهار اسبهارا نگاهدارید، کافی است از برای شما، پس از آن متوجه ابوبکر و عمرو بن عاص شد فرمود در این عقیده و گفتار کسی باشما دو نفر موافق نیست اطاعت من کنید و سخنان مرا بشنوید من داناتریم بآنچه انجام میدهم آنها ناچار سکوت اختیار کردند و خودشان نسبت بعداوت و دشمنیکه با امیر المؤمنین دارند گواهی میدهند و پیوسته بر متاع و زندگانی دنیا حریصند

(افلا یعلم اذا بعثنا فی القبور و حصل ما فی الصدور ان ربهم بهم یومئذ لخبیر) حضرت صادق علیه السلام فرمود این آیات بخصوص درباره اولی و دومی و عمرو بن عاص نازل شده و شامل مردان دیگر است چه آنها در باطن قصد سوء داشتند نسبت بامیر المؤمنین (ع) خداوند خبر داد از اعمال آنها فرمود آیا نمیدانند که روزی برای جزا و کیفر نیک و بد اعمال خود از قبر برانگیخته میشوند و آنچه در دلها از نیک و زشت دارند و پنهان میکنند همه را خداوند پدیدار و آشکار میسازد، محققاً آنروز پروردگار بر نیک و بد کردارشان آگاهست و پاداش و کیفر آنها بایشان خواهد رسید. این حدیث را در اهالی نیز روایت کرده است

پایان سورہ عادیات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ (۱) مَا الْقَارِعَةُ (۲) وَمَا أَذْرِيكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳) يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ
كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴) وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵) فَأَمَّا مَنْ
تَقَاتَ مَوَازِينَهُ (۶) فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ (۷) وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ
(۸) فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (۹) وَمَا أَذْرِيكَ مَا هِيَةٌ (۱۰) نَارٌ حَامِيَةٌ (۱۱)

سوره القارعه درمکه نازل شده و یازده آیه و سی و شش کلمه و صد و پنجاه و دو حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره قارعه را مکرر تلاوت کند خداوند او را از فتنه دجال ایمن بدارد و آزاد گرداند از آتش جهنم و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس القارعه را قرائت کند میزان اعمال او سنگین گردد و اگر بنویسد ابن سوره را و شخصی که معسرو تهی دست است همراه خود بدارد خداوند درهای روزی را بر او بگشاید. از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس این سوره را بنویسد و در میان متاعیکه کساده شده بگذارد خداوند آن را رونق دهد و دوزیش را برساند

سوره القارعه مشتمل است بر ذکر قیامت و احوال مردم در آن روز
قوله تعالی (القارعه ما القارعه وما اذریک ما القارعه یوم یكون الناس کالفرش المبثوث و تكون الجبال کالعین المنفوش) قارعه یکی از اسامی قیامت است و صفت است از برای موصوف محذوفی که عبارت از ساعت یا خصلت و یا داهیه باشد. یعنی چیست روز قیامت همان روز وحشت و اضطراب. پس از آن برای بزرگی آن روز فرمود ای محمد صلی الله علیه و آله توجه دانی قیامت چه روزی می باشد آنگاه بیان میکند اوصاف

ترجمہ سورہ قارعه

بنام خداوند بخشنده مهربان

قارعه چیست روز سخت قیامت (۱) همان روز وحشت و اضطراب (۲) توجہ دانی کہ آنروز سخت چیست (۳) روزیستکہ مردم مانند پروانہ و ملخ پراکنده شوند (۴) و کوهها مانند پشم زده شدہ متلاشی گردد (۵) پس آنروز عمل ہر کس گران و سنگین باشد هنگام سنجیدنش (۶) اودر زندگانی پسندیدہ و خوشی خواہد بود (۷) واما آنکہ عملش سبک و زن است (۸) پس جایگاہش در ہاویہ دوزخ است (۹) و چہ دانی کہ ہاویہ چیست (۱۰) ہاویہ همان آتش سوزندہ و گدازندہ است (۱۱)

پایان ترجمہ سورہ قارعه

قیامت را : در آنروز سخت مردم مانند ملخ و پروانہ چراغ پراکنده باشند و تشبیہ نمود مردم را بہ پروانہ چہ پروانہ خود را بر آتش چراغ زند، آنروز بیشتر مردم در آتش دوزخ افتند و کوهها از ہیبت آن چون پشم زده متلاشی گردد (فاما من ثقلت موازینہ فہوفی عیشۃ راضیۃ واما من خفت موازینہ فامہ ہاویۃ و ما ادريک ماہیہ نار حامیۃ) پس آنروز عمل ہر کس در میزان حق سنگین و گران باشد او در بہشت با سایش و زندگانی پسندیدہ خواہد بود و اما آنکہ سبک و بیفقد باشد عملش در میزان حق پس جایگاہش در قصر ہاویہ دوزخ خواہد بود، توجہ کونہ میداننی سختی ہاویہ را و تصور آن توانی کرد ہاویہ همان آتش سوزندہ و گدازندہ است کہ از کفر و گناہ خلق برافروختہ شدہ است ۔

در کافی از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود چیزی میزان عمل را سنگین نمیکنند مگر صلوات بر محمد صلی اللہ علیہ وسلم و آل او چون میزان اعمال مردم را می سنجند سبک باشد وقتی صلوات را بر آن افزودند سنگین گردد و در حدیث دیگر فرمود تسبیح نصف میزان را پر کند و الحمد للہ تمام آن را و اللہ اکبر فرا گیرد فضای بین آسمان و زمین را ۔

و از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود آیه و اما من ثقلت موازینہ در حق امیر المؤمنین علیه السلام نازل شده و آیه و من خفت موازینہ در بارہ آن سه نفر فرود آمده -

ابن شهر آشوب از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس انکار کند ولایت امیر المؤمنین (ع) را میزان اعمال او سبک باشد و جایگاهش در هاویه جہنم است -

در کافی از حضرت صادق (ع) روایت کرده فرمود عبور کرد حضرت عیسی علیه السلام از کنار شهری، دید تمام اهل آن مرده اند و بدنهایشان بروی زمین افتاده است حیوانات آنها هم مرده اند فرمود اهل این شهر قطعاً بسخط و غضب پروردگار گرفتار شده اند و دفعتاً هلاک گردیده اند اگر بطریق متعارف وفات کرده بودند بعضی بعض دیگر را دفن مینمودند حواریون عرض کردند ای رسول خدا بخوان پروردگار را تا اینان پاسخ تو را بدهند و آگاہ کنند ما را با اعمال و کردارشان که بچه سبب خداوند آنها را هلاک نموده حضرت عیسی دعا کرد و صدا زد ایشان را یکی جواب داد لبیک ای روح الله فرمود چگونه بود اعمال شما عرض کرد مردم این شهر بت پرست بودند و دل بدینا و متاع آن بسته بودند آرزوهای دور و دراز داشتند و پیوسته بلمهو و لعب و مشغول و از خداوند غافل بودند و ترسی نداشتند فرمود چگونه دنیا را دوست میداشتند عرض کرد ما نند دوست داشتن طفل پستان مادر را هر گاه دنیا اقبال مینمود مسرور و خوشحال میشدند و چنانچه ادبار میکرد مجزون و دلتنگ بودند سؤال فرمود پرستش ایشان بتهارا بچه نحو بود عرض کرد از اهل معاصی اطاعت و پیروی میکردند فرمود عاقبت شما بکجا کشید گفت شب را در خوشی و خرمی بودیم صبح کردیم در حالتیکه در هاویه جہنم قرار گرفتیم فرمود هاویه چیست ؟ عرض کرد سجین است سؤال کرد سجین چه میباشد جواب داد کوههایی است از سنک که مبدل با آتش میشود و فروخته میگردد بر ما تا روز قیامت فرمود چه گفتید و چه جواب شنیدید از فرشتگان غضب خداوند عرض کرد ما گفتیم بر گردانید ما

را بسوی دنیا تا خدا را پرستش کنیم و زاهد گردیم جواب دادند دروغ میگوئید فرمود
چرا از میان این همه مردم تو تنها جواب مرا میدهی و با من سخن میگوئی عرض
کرد ابرسول خدا تمام آنها بلجانی از آتش بسته شده اند بدست فرشتگان غلاظ
و شداد خدا و من در میان ایشان بودم ولی از آنها نبودم چون عذاب نازل شد مرا هم
گرفت و من بموئی بسته شده ام در کنار دوزخ نمیدانم مرا داخل جهنم میکنند
و یا نجات میدهند حضرت عیسی علیه السلام رو بحواریون نمود و فرمود اید وستان خدا خوردن
نان جو خشک بانمک خیر بسیار است با داشتن عافیت دنیا و آخرت و سلامتی در دین
پایان سورة القارعه



مرکز تحقیقات علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهِكْمُ التَّكَاثُرُ (۱) حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (۲) كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۳) ثُمَّ
 كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (۴) كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (۵) لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ
 (۶) ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (۷) ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۸)

سورہ تکوثر در مکہ نازل شدہ ، ہشت آیہ و بیست و ہشت کلمہ و صد و بیست
 حرف است

خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویہ از حضرت صادق (علیہ السلام) روایت کردہ
 فرمود ہر کس سورہ تکوثر را قرائت کند در وقت خواب از فتنہ و عذاب قبر خلاص
 شود و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم روایت کردہ فرمود ہر کس این سورہ را تلاوت
 کند خداوند حسابہای نعمت دنیا را از او نکشد و اگر در وقت عصر قرائت کند آن را
 تا غروب روز دوم در امان باشد

سورہ تکوثر مشتمل است بر توبیخ و سرزنش خلائق از جهت اشتغال آنها بجمع
 آوردن اموال و تفاخر بہ ثروت و بفرزدان و بقبور مردگان و غافل بودن از خدا تا
 هنگام مرگ و روبرو شدن با عذاب

قولہ تعالیٰ (الْهِكْمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ) کلا سوف تعلمون ثم کلا سوف
 تعلمون کلا لو تعلمون علم اليقين لترون الجحيم ثم لترونها عين اليقين ثم لتسئلن
 يومئذ عن النعيم مشغول کرد شمارا بسياری اموال و فرزندان و قبیلہ و از یاد خدا و مرگ
 غافل داشتہ است تا اینکه بزیارت اہل قبور رفتید و بجای آنکہ عبرت بگیریید
 بقبرہای مردگان خود با ہم فخر و مباهات میکردید ۔

این آیات نازل شدہ در بارہ دو قبیلہ از قریش بنی عبد مناف و بنی سہل بن عمرو بن

ترجمہ سورہ تکاثر

بنام خداوند بخشنده مهربان

شما مردم را بسیاری اموال و فرزند و قبیلہ مشغول کرده و از یاد خدا و مرک غافل داشته است (۱) تا آنکہ زیارت و ملاقات کنید قبرہارا (۲) نہ چنین است بزودی خواهید دانست چہ سختیہا در پیش دارید (۳) پس چنین نیست بزودی خواهید دانست با چہ عذابی روبرو میشوید (۴) نہ چنین است اگر بطور یقین میدانستید (۵) ہمانا دوزخ را مشاهده خواهید کرد (۶) سپس بچشم یقین آن را می بینید (۷) آنکاہ از نعمتہای بزرگ در آن روز شما را باز می پرسند (۸)

پایان ترجمہ سورہ تکاثر

مصیص بن کعب آنها بایکدیگر فخر و مباحثات میکردند، ہر یکی از اینان میگفت اشراف و بزرگان ما بیشترند بنی عبد مناف اشراف خود را شمارہ کردند و غالب شدند بنی سہیل بآنها گفتند بیائید تا بگورستان برویم و گورها را بشماریم تا بدانید گور اشراف ما بیشتر است یا گورہای اشراف شما۔

نہ چنین است شما از یاد خدا و مرک غافل هستید بزودی خواهید دانست در گور پس از مرک چہ سختیہا در پیش دارید باز ہم در قیامت خواهید دانست با چہ عذابی روبرو میشوید تکرار آیہ برای تأکید است و دیگر اشارہ بعذاب قبر و عذاب دوزخ است

امیر المؤمنین علیہ السلام فرمود پیش از نزول آیہ جماعتی شك داشتند در عذاب قبر چون آیہ نازل شد یقین پیدا کردند کہ در قبر ہم انسان را عذاب خواهند کرد آنکاہ فرمود اگر بطور یقین میدانستید چہ حادثہ بزرگی در پیش دارید ہر گز در اثر بازیچہ دنیا از عالم آخرت غافل نمیشدید البتہ پس از مرک دوزخ را مشاهده خواهید کرد آنکاہ آنرا بعین یقین یعنی برأی العین خواهید دید ۔

لطیفۃ از برای یقین سہ مرتبہ است علم الیقین و عین الیقین و حق الیقین در این سورہ دو مرتبہ را بیان فرمودہ۔ یکی علم الیقین چنانکہ فرمود لو تعلمون علم الیقین لترون

الجحیم و فرمود ثم لترونها عین الیقین و مرتبه سوم را در سوره واقعه بیان نموده در آیه ۹۴ و ۹۵ میفرماید و تسلية جحیم ان هذا لهو حق الیقین برای توضیح و فرق مراتب سه گانه مثل زدند آنها را با آتش، گفته اند هر چه بتوسط نور آتش دیده میشود بمنزل علم الیقین است و معاینه و دیدن جرم آتش که نور دهنده است بمثابت عین الیقین باشد و تأثیر آتش در آنچه میرسد و میسوزاند و محو میکند و آتش صرف می ماند بمثل حق الیقین است و عذاب دوزخ چون از دور دیده شود بعلم الیقین آنرا دیده و چنانکه از نزدیک ببیند آنرا بعین الیقین دیده و چون داخل دوزخ شود و سوخته گردد بمرتبه حق الیقین دوزخ را مشاهده نموده -

و روز قیامت باز می پرسند از نعمتهای خداوند که باو عطا فرموده -

ابن بابویه از ابراهیم بن عباس روایت کرده که روزی حضور حضرت رضا علیه السلام شرفیاب شده بودم میفرمود نعمت حقیقی در دنیا وجود ندارد بعضی از فقها حضورش عرض کردند پس معنای آیه ثم لتسئلن يومئذ عن النعمیم چیست؟ مگر مراد از این نعمت اطعمه و آب سرد گوارا نیست حضرت رضا علیه السلام حالش تغییر پیدا کرد و فرمود شما مردم از نزد خود چنین تفسیر میکنید، در محضر پدرم مذاکره تفسیر آیه شد بعضی از مردم گفتند مراد آب سرد است و بعضی دیگر گفتند خواب گوارا است و طایفه ای عقیده داشتند عیال نیکو و صاحب جمال است پدرم در غضب شد و فرمود هرگز خداوند سؤال نمیکند از بندگان خود آنچه را با آنها عطا نموده و منت بر ایشان نمیکند، منت گذاشتن از مخلوق قبیح است چه رسد بخالق و پروردگاران و توانا. نعیم در این آیه دوستی و ولایت ما اهل بیت پیغمبر است خداوند پرسش میکند از آن پس از سؤال کردن از توحید و نبوت و هر بنده ای وفات کرد و مراعات نمود موالات و دوستی ما آل محمد علیهم السلام را میکشاند این ولایت و دوستی او را بسوی نعمتهای بهشتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بامیر المؤمنین علیه السلام فرمود یا علی علیه السلام نخست چیزی که سؤال میکنند از انسان پس از مردنش شهادت لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی المؤمنین میباشد هر کس اعتقاد باینها داشته و اقرار باین سه شهادت کرد اقرار و اعتقاد اومی کشاند او را بسوی نعمتهای بهشتی که هرگز نابودی و زوال پذیر برای

آنها نیست و از مخالفین ابو نعیم حافظ از صحابہ روایت کرده کہ ما از پیغمبر اکرم ﷺ معنای نعیم را سؤال نمودیم فرمود ولایت علی بن ابیطالب است و حضرت رضا علیہ السلام فرمود شاہد براینکہ مراد از نعیم ولایت و محبت ما اہل بیت است آیہ: وقفوہم انہم مسئو لون میباشند۔

عیاشی از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ کہ ابوحنیفہ از حضرتش سؤال کرد معنای آیہ را باو فرمود نزد توجہ مراد است عرض کرد قوت طعام و آب فرمود اگر خداوند موفق کند تو را تا توقف نمائی در قیامت حضور او آیا از تو سؤال میکند ہر رقمہ ایکہ خوردہ ای و چنانچہ بخواہد این سؤالات را بنماید بطول انجامد ابوحنیفہ گفت پس چیست معنای نعیم فرمود ما اہل بیت همان نعیمی ہستیم کہ خداوند عطا کردہ بہ بند گانش و بسبب ما الفت می گیرند بایکدیگر بعد از اختلافشان و بوسیلہ ما مہربان کرد مردم را بعد از آنکہ باہم دشمن بودند و ہدایت کرد آنها را بسوی اسلام و ما نعمتی ہستیم کہ خداوند پرشش میکند از او۔

و در حدیث دیگر آنحضرت فرمود با ابوحنیفہ شنیدہ ام کہ تفسیر کردی نعیم را بطعام و شراب عرض کرد بلی فرمود اگر کسی تو را دعوت کند بمہمائی و طعام و شراب نیکو و گوارا بتو بدهد آیا خداوند بخل میکند و از این نعمت سؤال میکند از تو عرض کرد پس نعیم چیست؟ فرمود دوستی و ولایت ما اہل بیت پیغمبر است و احادیث در خصوص آنکہ نعیم ولایت و محبت ائمہ معصومین است از خاصہ و عامہ بسیار است ما بہمین چند حدیث اکتفا نمودیم

پایان سورہ تکاثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ (۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (۳)

سوره عصر درمکه نازل شده ، سه آیه و چهارده کلمه و شصت و هشت حرف است خواص و ثواب تلاوت آن . ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سوره عصر را در نمازهای نافله قرائت کند روز قیامت محشور شود با صورت نورانی تا داخل بهشت گردد و در خواص فر آن از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که این سوره را قرائت کند خداوند در نامه اعمال او ده حسنه بنویسد و عاقبت بخیر باشد و اگر این سوره را قرائت کند بر مخزن یا چیزی که در زمین پنهان نموده است خداوند حفظ کند آن را برای صاحبش

سوره عصر مشتمل است بر وعید و توبیخ کفار و منافقین

قوله تعالی (والعصر ان الانسان لفی خسر الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر) سو گند بزمان نورانی رسول یا دوران ظهور امام زمان علیه السلام همانا انسان در نقصان و زیانکاریست مگر آنانکه بخدا ایمان آورده و نیکوکار شدند و وصیت کردند فرزندان خود و مردم را بامر حق و سفارش کردند یکدیگر را به صبر و بردباری . ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از عصر زمان خروج قائم عا آل محمد صلی الله علیه و آله است و مقصود از انسان که زیانکار است دشمنان ما ائمه میباشد و مراد از ایمان اعتقاد داشتن بائمه و آیات خدا است و عمل نیکو مواسات کردن بابرادران مؤمن و سفارش نمودن در باره عترت پیغمبر و ائمه معصومین علیهم السلام است -

و در حدیث دیگر فرمود آنحضرت : خداوند خارج کرده بر گزیدگان از

ترجمہ سورہ عصر

بنام خداوند بخشنده مهربان

سو گند بزمان نورانی رسول (۱) کہ انسان در زیانکاریست (۲) مگر آنانکہ ایمان آورده و نیکو کار شدند و سفارش کردند بامرحق و وصیت کردند یکدیگر را بصبر و بردباری و شکیبائی (۳)

پایان ترجمہ سورہ عصر

مخلوقاتش را از انسان زیانکار و فرموده مگر آنہائیکہ بولایت امیر المؤمنین علیہ السلام ایمان داشتہ و بفرزندانشان آنولایت را سفارش کنند و دستور بہ صبر و بردباری دهند نسبت باذیت و آزاریکہ از طرف مخالفین مشاہدہ مینمایند و البتہ خداوند ایشان را بکیفر و عذاب خود گرفتار خواهد نمود

پایان سورہ عصر



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱) الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲) يُحْسِبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳) كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵) نَارُ اللَّهِ الْمَوْقُودَةُ (۶) الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (۷) إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ (۸) فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ (۹)

سورة همزه درمکہ نازل شدہ، نہ آیه وسیوسہ کلمہ وصدوسی حرف است خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویہ از حضرت صادق (ع) روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ همزہ را در نمازهای واجب قرائت کند فقر و احتیاج از او دور گردد و روزی اوزیاد شود و ایمن باشد از مردن بد۔

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کردہ فرمود ہر کس این سورہ را قرائت کند بتعداد کسانیکہ بہ پیغمبر اکرم ﷺ و اصحابش سخریہ کردند خداوند باو اجر عطا کند و اگر آن را بنویسند و کسیکہ چشم او درد میکند ہمراہ خود بردارد مرض او برطرف گردد باذن خداوند

سورہ همزہ مشتمل است بر وعید و توبیخ ہر عیب جوی ہرزہ زبان کہ طعنہ بر مردم میزند و تہدید کفار و منافقین و متکبرین و گردنکشان

قوله تعالى (ويل لكل همزة لمزة الذي جمع مالا وعده يحسب ان ماله اخلده كلالينبذن في الحطمة و ما ادريك ما الحطمة نار الله الموقدة التي تطلع على افئدة انها عليهم مؤصدة في عمد ممددة) وای بر ہر عیب جوی ہرزہ زبان کہ بر مردم طعنہ میزند و جدائی می افکنند میان دوستان و خویشان و بر بی گناہان دروغ می بندند ہمزہ کسیرا می گویند کہ حضور شخص عیب جوئی کند از اولمزہ غیبت کنندگان

ترجمه سورة همزة

بنام خداوند بخشنده مهربان

وای بر هر عیب جوی هرزه زبان که طعنه بمردم میزنند (۱) همان کسیکه مال و دارائی جمع کرده و بحساب و شماره اش سرگرم است (۲) گمان میکند که مال و دارائی دنیا عمر جاوید باو خواهد بخشید (۳) نچنین است بلکه با آتش سوزان دوزخ در افتد (۴) چه میدانی تو که آتش سوزان چیست (۵) آن آتش را خشم خدا افروخته است (۶) شراره آن بر دلهای ناپاک کافران شعله ور است (۷) آتشیکه بر آنها از هر طرف احاطه کرده است (۸) و مانند ستونهای بلند زبانه کشیده است (۹)

پایان ترجمه سورة همزة

را گویند که در غیبت مردم عیب جوئی از آنها بنماید و بعضی گفتند همزه ع جوئی بزبان و لوزه عیب جوئی بچشم و ابرو و اشاره است و سبک و کوچک شمردن بی نوایان و تهی دستان و غضب کردن بر آنهاست و آیه نازل شده درباره امیه بن خلف جحمی و ولید بن مغیره که عیب جوئی می کردند از رسول اکرم ﷺ و چون میگذاشتند از نزدیک حضرتش با چشم و ابرو و اشاره نمودن بدست طعنه میزدند و سخریه میکردند بآنحضرت -

محمد بن عباس از سلیمان روایت کرده که معنای آیه را از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود فرمود مراد از آن کسانی هستند که بآل محمد علیهم السلام سخریه و هرزه زبانی نمودند و بجای اهل بیت نشستند در آن مکانیکه حق آنها نبود و اموال عترت رسول را غصب کردند همان کسانی که مالی جمع کرده و دایم بحساب و شماره اش سرگرم بودند و آن را روی هم گذاشته در راه خدا انفاق نمیکردند و گمان میکنند که مال و دارائی دنیا عمر همیشگی بآنها خواهد بخشید چنین نیست که گمان کرده اند بلکه به آتش سوزان دوزخ انداخته شوند -

و حطمه در کهای است از در کات دوزخ و آتشی است که شکننده هر چیز است آتشیکه چگونه سختی آن را می توان تصور نمود آن آتش را خشم خدا افروخته.

ونسبت داده آن را بخدا چه پروردگار خلق فرموده آن آتش را. شراره آن آتش
بر دلها رسد یعنی با آنکه مکان دل در چند پوشش است باینوصف از همه بگذرد
و باو رسد.

ابوذر غفاری میگفت ای مردمان متکبر و گردنکشان بشارت باد شمارا بسینه
های سوزان و بدنهای لرزان -

آن آتش از هر جانب بر آنها احاطه کرده و ایشان را فرا گرفته و مانند عمود
ها و ستونهای بلند زبانه کشیده -

انس بن مالک از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود مؤمن زیرک است
و حذر میکند از بدیها و شتاب زدگی نمیکند و دانا و پارسا باشد ولی منافق غماز
و عیب جو است و باکی ندارد از جمع کردن مال از طریق حلال و حرام و اینکه از کجا کسب
کند و در چه جا مصرف نماید -

عباشی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود کفار و مشرکین اهل توحید
را در آتش سخریه و استهزاء میکنند و میگویند بایشان توحید و خداشناسی بحال شما
سودی نبخشید ما و شما یکسان هستیم در آنوقت پروردگار بفرشتگان و پیغمبران
و مؤمنین خطاب کند از ایشان شفاعت کنند و آنها را مانند ملخ از جهنم بیرون آورند
پایان سوره همزه

سورۃ فیل
jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱) أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (۲) وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳) تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (۴) فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ (۵)

سورہ فیل در مکہ نازل شدہ و پنج آیہ و بیست کلمہ و نود و شش حرف است خواص و ثواب تلاوت آن ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ فیل راقرائت کند در نمازهای واجب کوهها و بیابانها و اشجار گواہی دهند کہ اواز نماز گذاران است و منادی از جانب پروردگار صدازند اورا ای بندہ من گواہی اینہارا در حق تو قبول نمودم ای فرشتگان داخل کنید اورا بہ بہشت ۔

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس این سورہ راقرائت کند خداوند اورا از عذاب و مسخ درد دنیا ایمن بدارد و اگر این سورہ را بر نیزہای بخواند آن نیزہ باہر چہ تصادم کند بشکند آن را و قرائت این سورہ قلب را تقویت دہد

سورہ فیل مشتمل است بر داستان اصحاب فیل

قوله تعالی (۱) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ) ای رسول ما آیا ندیدی کہ خدای تو با اصحاب و لشکر فیل سوار چه کرد آیا کید و حیلہ آنها را تباه نکرد و برہلاک ایشان مرغان ابابیل را فرستاد تا آن سپاہ را بستگہائی از گل سنگباران کردند و جسد آنها را مانند علف زیر دندان حیوان خورد گردانیدند و داستان اصحاب فیل بدین تقریر است پادشاهی بود از اہل حمیر بنام ذرعہ ذونواس

ترجمه سوره فیل

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما آیا ندیدی پروردگار تو با اصحاب فیل چه کرد (۱) آیا حیل و تدبیر آنها را تپاه نکرد (۲) و برهلاک ایشان مرغان ابابیل فرستاد (۳) تا آن سپاه را بسنگهای سجیل سنگباران کردند (۴) و اجساد آنها را مانند گیاه زیر دندان حیوان خورده گردانیدند (۵)

پایان ترجمه سوره فیل

جهود بود جماعتی از طایفه حمیر هم کیش او بودند جزاندکی از اهل نجران که نصاری بودند امیر آن پادشاه موسوم بعبده الله نام آنها را بدین یهود دعوت کرد و گفت اگر نپذیرید بقتل میسانم شما را اختیار نکردند مذهب یهود را عاقبت ایشان را بقتل رسانید جز یک نفر از اهل سبا که او را اوس بن ثعلبان میگفتند براسبی سوار شد و خود را بقیصر روم رسانید داستان طایفه خود را بقیصر گفت و از او درخواست یاری کرد قیصر جواب داد شهر شما از ولایت ما دور است لکن نامه ای به پادشاه حبشه مینویسم او نیز بدین ما است تا تورا یاری کند نامه ای بنجاشی نوشت و گفت چون این نامه بتورسد باید این قوم را یاری کنی چون نامه بوی رسید مردی موسوم بارباط از اهل حبشه را مأمور کرد برود بیمن و دستورداد باو شهرهای آنها را خراب کند و بعضی را بقتل برساند بعضی دیگر را باسیری گرفته نزد او بفرستد ارتباط بدستور او عمل کرد اهل یمن چون شنیدند لشکر حبشه بسوی آنها میرود متفرق شدند و گریختند لشکر بدنبال آنها تا اخت جمعی را هلاک نمود و جمع دیگر را اسیر کرد حضور پادشاه فرستاد ارتباط نامه به پادشاه نوشت پادشاه در جواب نامه باو دستورداد در یمن توقف کن بالشگری که همراه تو میباشد پس از مدتی ابرهه که یکی از سر کرده های لشکر ارتباط بود با او در مقام مخالفت بیرون آمد لشکر دو فرقه شدند و در مقام جنگ با یکدیگر بیرون آمدند ابرهه شخصی فرستاد نزد ارتباط باو گفت ما دونفر باهم خصومتی داریم گناه لشکر چیست بیرون آی تا باهم مبارزه

کنیم اگر من تو را بکشم لشکر و ولایت بمن تعلق میگیرد و اگر تو مرا بکشی آسوده و فارغ میشوی ارتباط قبول کرد باهم مبارزه کردند ارتباط حمله کرد بر ابره دهن و بینی او را مجروح کرد و از اسب بزمین افتاد غلام ابره بر ارتباط حمله کرد و او را کشت و لشکر جمع شدند بر ابره این خبر پادشاه رسید خشم گرفت نامه ای بابره نوشت بامر و دستور؛ که با ارتباط جنگ کردی و او را کشتی من لشگری میفرستم تا تو را بگیرند و موی جبینت را ببرند و خاک ولایت را باینجا آورند ابره سر خود را تراشید و قدری از خاک در ظرفی ریخت پیش پادشاه فرستاد و گفت آنچه شما سو گند یاد نموده ای درباره من خودم بجا آوردم و من بنده شما هستم اگر امر بفرمائی از قبل شما در این ولایت میمانم و اینجا را نگاهداری میکنم و چنانچه رأی شما غیر از این است دستور فرمائید عمل کنم پادشاه از سخن او خوشنود شد و امر کرد باو توقف کند در این پس از آن برای خوشنودی شاه معبدی در شهر صنعابنا کرد و او را قلیس نام نهاد بنائی کرد که نظیر آن در آن عصر نبود نامه ای بشاه نوشت من بنام شما کنیسه ای بنا کردم که در روی زمین چنین عمارتی وجود ندارد و چندان حرمت نهادم بر آن که خلایق از راه دور می آیند و او را می بینند بزودی چنان سازم آن را تا مردمیکه بجانب مکه میروند زیارت میکنند اینجا نیز بیایند پادشاه از این عمل بسیار خرم و خوشحال شد داستان کنیسه میان عرب پراکنده و مشهور شد مردی از طایفه بنی مالک آنجا رفت و در زاویه آن پنهان شد و بخاطر گفتار ابره که گفت حج عرب را باین مکان برگردانم استخفاف کرد بآن کنیسه و شب از آنجا گریخت خدام بابره خبر دادند دلتنگ شد سؤال نمود کسی از اعراب باینجا آمده است گفتند مردی از اعراب چند روز در اینجا سکونت کرد اکنون پیدا نیست گریخته ابره گفت کار آن عرب است سو گند یاد نمود که قرار نگیرد تا کعبه را خراب کند در عوض بی احترامی و استخفافیکه آن عرب بجا آورده باین کنیسه آنگاه لشکر بسیاری از حبشه جمع کرد و بجانب بلاد اعراب حرکت نمود خبر با اعراب رسید اول پادشاه حمیر بالشگری راه را بر او گرفت جنگ و کارزار

کردند ابرہہ غالب شد ذونفر پادشاہ حمیرا گرفت خواست اورا بکشد گفت من بکار تو آیم در این عزیمتیکہ کردہ ای دستور داد اورا بستند و ہمراہ خود بردند از آنجا رفت بطایفہ خشعم روبرو شد آنہا بسر کرد گی نفیل بن حبیب با ابرہہ جنگ کردند و مغلوب شدند لشکر ابرہہ نفیل را گرفتند نزد ابرہہ بردند گفت مرا نکش تا دلیل تو باشم در زمین اعراب چہ تو احوال این ولایت ہارا نمیدانی اورا نیز بستند و با خون بردند بطایف رسیدند مسعود بن متعب پیش ابرہہ آمد گفت ای پادشاہ ما باتو جنگ نداریم و تو ہم بقصد مانیامدہ ای مارابت خانہ ای هست بنام بیت اللات آن خانہ ہم مطلوب تو نیست مطلوبت خانہ مکہ است اگر میخواہید کسیرا برای راہنمائی باشما بفرستم ابرہہ گفت روا باشد او مردی را بنام ابو رغال فرستاد چون بمنزلی رسیدند کہ نامش مغمس بود ابو رغال مرد آنجا بخاکش سپردند اکنون رسم شدہ ہر کس از آن مکان عبور میکند سنگی بر آنجا می افکند ابرہہ از آن منزل لشکر خود را با مردی بنام اسود بن مقصود از پیش خود فرستاد او دوہست شتر از مال عبدال مطلب کہ مشغول چرا بودند غارت کرد و بلشکر ابرہہ آورد ابرہہ آنگاہ رسولی بہ نزد رئیس مکہ کہ عبدال مطلب بود فرستاد گفت باو بگو من برای قتال باشما اینجا نیامدہ ام مقصودم خراب کردن کعبہ است اگر منعم نکنی باتو کاری ندارم و چنانچہ ممانعت نمائی باتو جنگ خواہم کرد عبدال مطلب در جواب فرستادہ ابرہہ گفت من خودم نزد ابرہہ میآیم آن بزرگوار با جماعتی از فرزندان و بنی ہاشم بہ نزد ابرہہ رفتند ذونفر پادشاہ حمیر چون شنید عبدال مطلب می آید با ابرہہ گفت ای پادشاہ بدانکہ عبدال مطلب سید قریش است و در میان تمام اعراب بزرگوارتر از او نیست و او کسی است کہ مردمان را طعام میدہد و بزرگواری او در تمام عرب مشہور است حرمت اورا نیکو بدار و سخنش را نیکو بشنو و تا ممکن است رضای اورا بجو کہ سرفراز عرب است عبدال مطلب وارد شد برابرہہ مردی بود قامتش بلند و نیکو صورت و فصیح زبان و باہیبت ابرہہ چون آن بزرگوار را دید در نظرش بسیار بزرگ جاوہ کرد فوراً از سریر خود پزمین فرود آمد اورا گرامی داشت و گفت برای چہ کارت شریف آورده اید اینجا فرمود بستگان شما شتران مرا

ر بوده اند بگوئید تا آنها را پس دهند ابرهه گفت و اعجابا من چون این مرد را دیدم گمان کردم شخص عاقلی است من با این همه لشکر عظیم آمده ام تا خانه ایشان که شرف و مفخر عرب در آنست ویران کنم او هیچ همتی ندارد مگر برای شتران خود اواز چشم من بیفتاد مترجم سخنان ابرهه را بعدا مطلب گفت جواب داد این شتران بمن تعلق دارد و از برای خانه کعبه خدائی است اگر بخواهد نگاهداری می کند از آن ابرهه گفت چنین است، دستور داد شتران را باو باز دهند

عبدالمطلب شتران را گرفت و در کوه حرا بچرا فرستاد و بمکه باز گشت و عمر بن نعایه بزرگ قبیله کنانه و خویلد بن وائله سید بزرگ هذیل و جمعی از رؤسای اعراب نزد ابرهه رفتند و گفتند تلك اموال اهل حجاز و تهامه را از ما بگیر و از خراب کردن خانه کعبه منصرف شو و باز گرد ابرهه قبول نکرد عبدالمطلب بقریش گفت شما در اطراف این کوهها پراکنده شوید تا از لشکر ابرهه محفوظ بمانید و خود آن بزرگوار وارد خانه کعبه شد و حلقه در را بدست گرفت و با تضرع و زاری عرض کرد پرورد گارا تو خود دفع کن شر ابرهه را از خانه خود آنگاه بمکانی پنهان شد با قوم خود، ابرهه با لشکرش وارد مکه شد مقدم لشکر دوازه فیل بود و در میان آنها فیل بسیار عظیم و با هیبت که پادشاه حبشه آن را فرستاده بود نامش محمود بود و پیش رو فیلان حرکت میکرد هر کجا آن میرفت فیلان با او میرفتند نفیل بزرگ قبیله خثعم در گوش آن آهسته گفت ای محمود میدانسی این چه سرزمینی است اینجا حرم خدا است مبادا گرد آن بروی که هلاک خواهی شد و چون فیلها را بیاراستند و آماده نمودند برای حراب کردن خانه فیل بزرگ خوابید و پیش نرفت چندانکه آن رازدند قدم پیش نگذاشت تعجب کردند در آنحال خدایتعالی از طرف دریا پرندگان بشکل خطاف فرستاد هر یکی از آنها سه سنگ کوچک داشتند یکی در منقار و دو در چنگال باندازه نخودی در بالای سر هر مردی یکی از آن پرندگان ایستاد و سنگی بر سر او افکند آنرا هلاک شدند لشکر فرار میکردند و پرندگان دنبال ایشان میرفتند و سنگ با آنها میزدند و میکشتمند آنها را، نفیل چون مشاهده کرد این حالت را گفت از کیفر خدا کجا فرار می کنید و در همانحال خداوند بر ابرهه درد

و مرضی گماشت کہ تمام سرانگشتان او افتاد و خون و کثافت از آن بیرون آمد
خود را بصنعا رسانید شکمش آماس کرد و ترکید و اعضاء بدنش بیرون ریخت
و هلاک شد

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود ابرہہ بافیلها و لشکر
انبوهی وارد شہر مکہ شد برای خراب کردن خانہ کعبہ در اثنای ورود بر خورد کردند
بہ شتران عبدالمطلب و آنہا را بغارت بردند عبدالمطلب نزد ابرہہ رفت اجازہ ورود
خواست اذن دادند وارد شد برابرہہ و او در چادری از حریر روی تختی نشسته بود
سلام کرد ابرہہ جواب داد چون نظرش بہ جمال عبدالمطلب افتاد محو او شد چہ
صورت آن بزرگوار مانند قرص ماہ میدرخشید ابرہہ گفت آیا پدرانت ہم چنین
نورانی بودند فرمود بلی ابرہہ گفت الحق با این فخر و شرفیکہ داری برای ریاست
قوم سزاواری، آن بزرگوار را کنار خود روی تخت نشانید دستور داد فیل بزرگ را
کہ سفید رنگ و دارای دونیش بود و زینت شدہ بانواع جواهرات و سبب فخر
و مباہات پادشاہ بود بر پادشاہان دیگر حاضر کنند

وقتی فیل را حضور ابرہہ آوردند چون عبدالمطلب را دید مقابل او سجدہ
نمود و خداوند زبانش را گشود و بعربی سلام کرد بر عبدالمطلب ابرہہ چون این
حالت را از فیل مشاہدہ کرد دستور داد بر گردانند آن را سپس متوجہ عبدالمطلب
شد و گفت من بزرگی و سخاوت شما را شنیدہ بودم حاجتی دارید بفرمائید و ابرہہ
گمان میکرد آنحضرت آمدہ از اوتقاضا کند کہ از خراب کردن کعبہ منصرف
شود عبدالمطلب گفت اصحاب توشتران مرا بودند دستور دہ آنہا را بمن باز گردانند
ابرہہ تعجب کرد و گفت شما از آن بزرگی کہ داشتید از نظر من افتادید من برای
خراب کردن کعبہ کہ مرکز فخر و شرف شما و قومت میباشد آمدہ ام و بزرگی
شما بخاطر آن خانہ است تورہا کردی خانہ را و از من تقاضا نمودی کہ منصرف
بشوم از خرابی آن، شتران خود را طلب نمودی، عبدالمطلب فرمود من صاحب خانہ
نیستم خداوند خودش بخانہ خود سزاوارتر است ابرہہ دستور داد شتران او را دادند
آنگاہ آنحضرت رو بفیل کرد و گفت ای محمود میداننی تورہا برای چہ کار آوردہ اند

باسر اشاره کرد نمیدانم فرمود میخواهند بتوسط توخانه کعبه را خراب کنند
فیلها را وارد خانه کردند آنها خوایدند هرچه زدند فیلهارا، از جای خود حرکت
نکردند.

خداوند پرندگان ابابیل را فرستاد و بر منقار هر يك سنگی بود محاذی سر
آنها سنگ را می افکندند از سرفرو میرفت و از عقب آنها خارج میشد و آنآ مانند
کیاهی که زیر دندان حیوانات خورد میشود متلاشی میشدند عبدالمطلب فرزند خود
عبدالله را فرستاده بود تا خبر آورد آن بزرگوار بر کوه ابوقبیس بالا رفت مشاهده
کرد پرندگان بسیاری آمدند دور خانه کعبه طواف کردند آنگاه هر يك محاذی
یکی از لشگریان این ره قرار گرفتند و سنگهایی که در منقار داشتند فرو ریختند
و آنها را هلاک کردند

عبدالله پیدارش خبر رسانید عبدالمطلب باو گفت اهل مکه را ندا کن بیایند
غنائم جمع کنند فرمود حضرت صادق علیه السلام باقی نماند از آن لشگر مگر یک نفر
که فرار کرده بود داستان اصحاب خود را برای مردم مکه بیان می نمود یکی از
پرندگان آمد بادت اشاره کرد این پرندۀ از جنس آنها است هنوز سخنش تمام
نشده بود مردم مشاهده کردند پرندۀ محاذی سراو قرار گرفت و سنگ خود را بر سر
آمرود فرو افکند از عقبش خارج شد و او نیز بهلاکت رسید و بعد از آن پرندگان
دیدۀ نشدند خداوند سوره فوق را نازل نمود بر پیغمبرش تا قرائت کند بر کفاریکه
اورا تکذیب میکردند و کسی از کفار قریش این داستان را تکذیب و انکار نکرده
چه تمام آنها بچشم خود مشاهده کرده بودند آن حادثه را و اشعارهای بسیاری در
خصوص آن داستان سروده بودند

پایان سوره فيل



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا إِلَافَ قُرَيْشٍ (۱) إِلَّا فِيهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲) فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳) الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

سورہ قریش درمکہ نازل شدہ، چہار آیہ و ہفدہ کلمہ و نود حرف است خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ قریش را قرائت کند خداوند در قیامت سوار کند اورا بمر کبی از مر کبہای بہشتی و سوارہ محشور شود و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس این سورہ را تلاوت کند مانند کسی است کہ اطراف خانہ کعبہ طواف نمودہ و در مسجد الحرام اعتکاف کردہ و چنانکہ کسی از خوردن طعامی میترسد این سورہ را بر آن بخواند آن طعام شفا شود و اذیت نکند اورا و اگر قرائت شود بر آبی و آن آب را پاشند بر قلب بیماری کہ نمیدانند مرض او چیست باذن خداوند شفا یابد سورہ قریش اشارہ است بنعمتہائی کہ خداوند باہل مکہ و قریش عطا فرمودہ تا آنہا سپاس گذار باشند و خدای یگانہ صاحب کعبہ را پرستش کنند قولہ تعالی (لَا إِلَافَ قُرَيْشٍ إِلَّا فِيهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ)

عیاشی از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود الم تر کیف فعل ربك ولا یلا ف قریش یک سورہ میباشند و در یکر کعت از نماز میتوان آنہا را بدون فصل بسم اللہ خواند و طبری روایت کردہ کہ در قرآن ابی بن کعب میان آن دو بسم اللہ نیست - و معنای آنست: خداوند ہلاک نمود اصحاب فیل را تا آنکہ قریش در مکہ برقرار بمانند و باہم الفت و انس بگیرند و قریش فرزندان نضر بن کنانہ را میگویند ہر يك از اعراب کہ نسب او بہ نضر برسد قرشی مینامند اورا، پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود خدای تعالی از فرزندان اسماعیل بنی کنانہ را برگزید و از بنی کنانہ قریش را و از قریش بنی ہاشم را

ترجمه سوره قریش

بنام خداوند بخشنده مهربان

خدا با اصحاب فیل چنان کرد تا آنکه قریش با هم الفت و انس گیرند (۱)
الفتیکه در سفرهای زمستان و تابستان ثابت و بر قرار بماند (۲) پس بشکرانه
این نعمت باید پروردگار این خانه کعبه راستایش و پرستش کنید (۳) آنخدائیکه
هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطرات ایشانرا ایمن ساخت (۴)
پایان ترجمه سوره قریش

واذبنی هاشم مراً بر گزید و من بهتر عرب هستم از حیث پدر و مادر و زتنفس. و اشتقاق قریش
از قرش است بمعنای کسب و جمع و طلب چه آنها بازرگان و تاجر و کاسب بودند
ایلافهم بدل کلمه لایلاف است یعنی تا الفت بگیرند الفتیکه در سفرهای زمستان و
تابستان ثابت و بر قرار بمانند.

طبری از ابن عباس روایت کرده که اینسوره نازل شده در باره قریش چه
ایشان امور معاش و زندگانی خود را در تمام دوره سال بوسیله دو سفر اداره میکردند
فصل زمستان بسوی یمن مسافرت مینمودند و در فصل تابستان بشام میرفتند از مکه
و طایف خشکبار و فلفل و ادویه جات که از ناحیه دریا می آوردند بشام میبردند و
از آنجا البسه و حبوبات و گندم و جو میخریدند و در این سفر باهم الفت میگرفتند
و هر سفری یکی از رؤسای آنها همراهشان بود چون پیغمبر اکرم ﷺ مبعوث شد
خداوند آنها را از این مسافرتها بی نیاز فرمود تا از حرم مفارقت نکنند و اطراف
رسول خدا جمع شوند و کسی بخاطر حرم متعرض قافله قریش نمی شد چه مردم
میگفتند ایشان اهل حرم خدا هستند و همسایگان خانه پروردگار می باشند و اگر
آنها مسافرت نمیکردند کسی نمیتوانست در مکه بماند و اگر حرمت حرم نبود
ایشان نمیتوانستند مسافرت کنند چه راهزنان راه را بر آنها می بستند.

پس بشکرانه این نعمتها باید خدای کعبه را به پرستید چه او شمارا طعام
داد و از ترس و خطرات سفر شمارا ایمن ساخت.

پایان سوره قریش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ (۱) فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ (۲) وَلَا
يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۳) فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ (۴) الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ
سَاهُونَ (۵) الَّذِينَ هُمْ يُرَآؤْنَ (۶) وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ (۷)

سورہ ماعون در حکہ نازل شدہ ، ہفت آیہ و بیست و پنج کلمہ و صدو بیست و پنج حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویہ از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ ماعون را در نمازهای واجب خود قرائت کند خداوند قبول میفرماید نماز و روزہ او را و حساب اعمال او را نکشد .

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ ماعون را تلاوت کند خداوند او را بیمارزد و اگر این سورہ را صد مرتبہ ہنگام صبح قرائت کند حفظ کند خداوند او را تا صبح دیگر و همچنین است چنانچہ بخواند آن را در شب .

سورہ ماعون مشتمل است بر توبیخ و سرزنش کفار قریش و کفران نعمت آنها .

قوله تعالى (أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ) این آیہ نازل شدہ در بارہ کفار قریش عموماً و در حق ابوجہل و ابوسفیان و ولید بن مغیرہ خصوصاً چہ آنها ہر وقت شترویا گوسفندی ذبح میکردند چون یتیم و بینوا از ایشان چیزی طلب مینمود با عصا او را میزدند و از در خانہ خود می راندند خدایتعالی سورہ و آیہ فوق را در بارہ ایشان فرستاد و فرمود ایرسول

ترجمہ سورہ ماعون

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما آیا دیدی آنکس که روز جزا را انکار و تکذیب میکرد (۱) پس آنکس یتیم را از در خود میراند (۲) و ترغیب و تحریص نمیکند مردم را بر طعام دادن به فقیر (۳) پس وای بر آن نماز گزاران ریا کار (۴) همان کسانی که از نماز سهو کنند و دل از یاد خدا غافل دارند (۵) آنانیکه ریا میکنند (۶) و زکوة یا هرا حسانی را منع میکنند (۷) .

پایان ترجمہ سورہ ماعون

ما آیا دیدی کفار قریش را که روز جزا را انکار میکردند و یتیم را از در خود می راندند و از حقشان منع میکردند و راغب نبودند بر طعام دادن مسکینان و مستمندان وای بر آن نماز گزاران که غافل هستند از یاد خدا و توجه بمخلوق دارند همانائیکه اگر طاعتی کنند بر یا و خود نمائی کنند و هرا حسانی را (اعم از حق واجب مانند خمس و زکوة یا مستحب مثل عاریه دادن اثاث خانه) از بمحتاجان منع کنند این آیات در باره منافقین نازل شده است چون مردم را می دیدند نماز و سایر واجبات دیگر بجا می آوردند و چون نمیدیدند بجا نمی آوردند و اگر نماز میخواندند امیدی بخیر آن نداشتند و چنانچه رها میکردند از شرش نمیترسیدند و باکی نداشتند از بجا آوردن نماز و ترک آن .

و حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس تأخیر اندازد نماز را از اول وقت تا آخر وقت بدون عذر وجهتی اوساهی در نماز است و مصداق آیه شریفه میباشد .

محمد بن عباس ذیل آیه ارایت الذی یکذب بالدين از حضرت صادق علیه السلام و حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمودند مراد از دین در این آیه ولایة امیر المؤمنین علیه السلام است .

ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود نذر خداوند عملی محبوب تر از نماز نیست ای مردم مشغول نکنند امورات دنیا شمارا از اوقات نماز، پروردگار ذم نموده کسانی را که نماز را سبک می شمارند و در اوقات آن سستی میکنند، آنگاه قرائت فرمود آیه الذین هم عن صلواتهم ساهون .

پایان سوره ماعون



مرکز تحقیقات علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ (۲)

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ (۳)

سوره کوثر در مکه نازل شده ، سه آیه و ده کلمه و چهل و دو حرف است .
خواص و ثواب تلاوت آن : ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده
فرمود هر کس سوره کوثر را قرائت کند در نمازهای واجب و مستحب خداوند
سیراب گرداند او را از نهر کوثر در روز قیامت و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس سوره کوثر را تلاوت کند خداوند او را سیراب
گرداند از حوض کوثر و از هر نهر بهشتی و بنویسد در نامه اعمال او ده حسنه
و هر که در شب جمعه این سوره را صد مرتبه قرائت کند در خواب پیغمبر اکرم
صلی الله علیه و آله مشاهده کند .

سوره کوثر مشتمل است بر نعمتی که خداوند به پیغمبر عطا فرموده و امر
آنحضرت بنماز .

قوله تعالی (انا اعطیناک الکوتر فصل لربک وانحر ان شانئک هو الابتر)
طبرسی از ابن عباس روایت کرده سبب نزول اینسوره آن بود روزی پیغمبر
اکرم صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد عمر بن عاص بن وائل سهمی و حکیم بن عاص را
دید در مسجد نشسته اند متوجه آنحضرت شدند ای ابتر و در عصر جاهلیت رسم
بود اگر مردی فرزندی نداشت باو ابتر میگفتند و عمرو بن عاص گفت من بغض
تجدید صلی الله علیه و آله را در دل دارم در آن حال جبرئیل نازل شد و سوره کوثر را آورد و گفت
دلنگ مشو از آنکه تو را ابتر خواند ما فرزندان بسیاری به تو عطا کنیم که در
اقطار عالم مکانی نباشد مگر آنکه جماعتی از فرزندان و نسل تو آنجا باشند روز

ترجمہ سورہ کوثر

بسم اللہ الرحمن الرحیم

ای رسول، ما تورا عطای بسیار بخشیدیم (۱) پس نماز گزار و قربانی کن (۲)
 همانا دشمن بدگوی تو نسل بریده است (۳)

پایان ترجمہ سورہ کوثر

طف معاندین در کربلا اہل بیت را شہید کردند و کسی را جز حضرت امام زین العابدین
 علیہ السلام باقی نگذاشتند خدایتعالی از نسل آن بزرگوار تنہا عالم را پر کرد اکنون
 ای رسول ما، بشکرانہ این نعمت برای خدا بنماز و طاعت و قربانی و اعمال حج
 بپرداز کہ دشمنان بدگو و عیب جویان تو نسل بریده خواهند بود و در جہان از
 ایشان و اعقابشان اثری باقی نخواہد ماند.

در امالی از ابن عباس روایت کردہ کہ پیغمبر اکرم ﷺ میفرمود خداوند
 بمن پنج چیز عطا فرمودہ و بعلی نیز پنج چیز مرحمت نمودہ یکی جوامع کلم
 است کہ بمن و علی دادہ شدہ دیگر مرا نبی و علی را وصی قرار داد سوم بمن نہر
 کوثر و بعلی نہر سلسبیل مرحمت نمودہ چہارم بمن وحی و بعلی الہام میفرماید
 پنجم مرا بمعراج برد، و درہای آسمان و حجب را برای علی علیہ السلام گشود
 تا آنکہ نظر کرد بسوی من در معراج و نظر کردم بسوی علی پس از آن پیغمبر
 اکرم گریہ کرد عرض کردم فدایت کردم ای رسول خدا چرا گریہ میکنید فرمودہ ای
 ابن عباس اول خطایی کہ بمن شد در معراج گفتندہ ای محمد ﷺ بزیر پای خود
 نظر کن چون نظر کردم دیدم پردہء وحجب پازہ شدہ علی را مشاہدہ کردم سرش
 را بجانب آسمان کردہ بسوی من نظر میکند و با من سخن میگوید پروردگار ہم
 با من تکلم میفرماید عرض کردم ای رسول خدا پروردگار چہ میفرمود فرمود
 خطاب نمود ای محمد ﷺ من قرار دادم علی علیہ السلام را وصی و وزیر و خلیفہ تو بدان
 ای محمد ﷺ علی علیہ السلام میشنود کلام من و تورا من در حضور پروردگار اطاعت و
 قبول نمود فرمان او را در بارہ علی علیہ السلام آنکہ خدایتعالی امر فرمود بغرشتگان

بعلی ﷺ سلام کنند ایشان عموماً سلام کردند علی ﷺ جواب سلام فرشتگان را داد در آن وقت دیدم فرشتگان یکدیگر را بشارت میدهند و عبور نکردم از هیچ آسمان و نقطه‌ای مگر آنکه فرشتگان بمن تهنیت و مبارک باد میگفتند و سوگند یاد مینمودند و میگفتند ای محمد ﷺ بآن خدائیکه تورا بحق و راستی مبعوث نموده سرور و خوشحالی و خرمی بر تمام فرشتگان رخ داده در اثر منصوب کردن پروردگار علی ﷺ را بر خلافت و وصایت و وزارت و جانشینی تو، آنگاه مشاهده کردم فرشتگان حمله عرش پروردگار سر بز انوی غم نهاده اند گفتم ای جبرئیل چرا این فرشتگان مغموم هستند جواب دادم و غم اینها بخاطر آنستکه جمال علی ﷺ را مشاهده نکردند چه نبوده فرشته ای مگر آنکه نظر کرده بجمال علی و او را تهنیت و مبارکباد گفته جز فرشتگان عرش پروردگار ای محمد از حضور پروردگار اجازه بگیر برای آنها در این ساعت تا ایشان نیز نظر بجمال علی کنند و مبارکباد باو گویند پیغمبر اکرم ﷺ فرمود من اجازه گرفتم برای آنها ایشان زیارت کردند جمال علی ﷺ را و تهنیت گفتند باو جبرئیل گفت وقتی من بزمین فروه آمدم و علی ﷺ را زیارت کردم آخرین فرد فرشتگان بودم علی ﷺ هم بمن خبر داد ای جبرئیل تو آخرین فرشتگانی هستی که مرا زیارت کرده ای پیغمبر اکرم ﷺ فرمود من از سخنان علی ﷺ فهمیدم که قدم نگذاشتم در آسمانها و عرش مگر آنکه تمام آنها برای علی ﷺ کشف و باز شده بود و نظر بتمام آنها کرده بود ابن عباس میگوید عرض کردم ای رسول خدا مرا وصیتی بفرمائید فرمود بر تو باد بدوستی علی ﷺ بآن خدائیکه مرا به پیغمبری فرستاده خداوند هیچ حسنه ای را از بندگان خود قبول نکند و نپذیرد تا آنکه از آن بنده از دوستی و ولایت علی پرسش نماید و خدایتعالی دانا تر است از خود آن بنده اگر دارای ولایت علی بوده اعمالش را بپذیرد و قبول فرماید و چنانچه دارای ولایت علی ﷺ نبوده از اعمالش سؤال نکنند و بدون سؤال او را بجہنم ببرند ای ابن عباس سوگند بخدا آتش جہنم بغض و عداوتش زیاد و سخت تر است بر دشمنان علی از آنکسانیکه شرك بخدا آورده و برای او فرزندی قائل شده اند بخدا قسم فرضا اگر تمام پیغمبران

و فرشتگان متفق بشوند بر عداوت و بغض علی هرگز اینکار را نکنند و خداوند تمام آنها را با آتش جهنم بسوزاند ابن عباس میگوید عرض کردم ای رسول خدا آیا کسی هست که علی علیه السلام را دشمن و مبغوض بدارد فرمود بلی طایفه ای هستند که میگویند ما از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل اسلام هستیم با اینوصف دشمن علی علیه السلام هستند ایشان از اسلام نصیبی ندارند علامت بغض و عداوت آنها آنستکه دیگری را بر علی ترجیح و تفضیل میدهند بخدا قسم نفرستاده خداوند پیغمبری را گرامی تر از من و نه وصی را افضل تر از علی علیه السلام ابن عباس میگوید من پیوسته بوصیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عمل مینمودم تا هنگام رحلت آن حضرت حضورش شرفیاب شدم عرض کردم ای رسول خدا بچه امر میفرمائی مرا بعد از خود فرمود مخالفت کن با مخالفین علی علیه السلام و یار و یاور آنها مباش عرض کردم ای رسول خدا برای چه امر مؤکد نمیفرمائید مردم را بترك نمودن مخالفت با علی علیه السلام دیدم گریه بسیاری نمود تاغش کرد پس از بهوش آمدن فرمود در علم خداوند گذشته است که این مردم با علی علیه السلام مخالفت میکنند سو گند بخدا منکرین و مخالفین علی علیه السلام از دنیا نهیروند مگر آنکه نعمتی که خداوند با آنها مرحمت فرموده تغییر دهند ای ابن عباس اگر میخواهی خداوند را ملاقات کنی در حالتیکه از تو راضی باشد از علی علیه السلام و مسلك او جدا مباش و پیروی کن از او امر او و با دوستان علی دوست باش و با دشمنان او دشمن باش ای ابن عباس شکی از علی در دل خود جای مده شك کردن در باره علی علیه السلام کافر شدن بخداوند است سید رضی در مناقب از انس بن مالک روایت کرده است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روزی بابوبکر و عمر فرمود بروید منزل علی علیه السلام تا حدیث کند شما را بآنچه در شب گذشته اتفاق افتاده منم در عقب شما خواهم آمد انس میگوید من نیز با آنها بخانه علی رفتم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم تشریف آورد فرمود یا علی علیه السلام حدیث کن برای ما آنچه اتفاق افتاده در شب گذشته گفت ای رسول خدا حیا میکنم فرمود خداوند از بیان حق حیا نمیکند حدیث کن، علی گفت دیشب آب خواستم برای طهارت نیافتم صبح شد ترسیدم نماز فوت شود حسن را بطرفی و حسین را بطرف دیگر فرستادم برای آب طول کشید

آمدن آنها در این اثنا سقف اطاق شکافته شد سطلی با روپوش سبز بزمین فرود آمد روپوش را برداشتم دیدم آب است تطهیر و غسل نمودم و نماز را بجا آوردم سطل از سقف اطاق بالا رفت و شکاف آن بهم آمد مانند اول پیغمبر اکرم ﷺ فرمود آن سطل از بهشت بود و آب آن از نهر کوثر و روپوش آن از استبرق بهشتی کیست مانند تو ایعلی، جبرئیل خادم تو میباشد در شب، و این حدیث را محمد بن عباس نیز روایت کرده است.

طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود وقتی این سوره نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از جبرئیل سؤال نمود نحر یکه خداوند امر نموده مرا بآن چه نحر است گفت ای رسول خدا مقصود از نحر در اینجا قربانی کردن نیست مراد آنست چون خواستید تکبیرة الاحرام برای نماز بگوئید باید دستها را محاذی صورت بلند کنید و همچنین در هر تکبیر چه پیش از رکوع یا سجود و یا سر بر داشتن از رکوع و سجود در حال گفتن تکبیر دستها را مقابل صورت بلند کنید آنوقت تکبیر بگوئید.

ما فرشتگان هفت آسمان همین طور نماز بجا میآوریم و برای هر چیزی زینتی است و زینت نماز بلند کردن دستها است محاذی صورت در حال گفتن تکبیر در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود مقصود از نحر اعتدال در ایستادن است بعد از سر بر داشتن از رکوع و استقامت نمودن پشت است بعد اعتدال و درامالی از ابن عباس روایت کرده گفت چون سوره کوثر بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد امیر المؤمنین علیه السلام عرض کرد ای رسول خدا کوثر چیست؟ فرمود نهریست که خداوند گرامی داشته مرا بآن نهر گفت آن نهر شریف را برای ما وصف فرمائید پیغمبر اکرم فرمود یا علی کوثر نهریست که از زیر عرش پروردگار جاری میشود آب آن از شیر سفید تر و از عسل شیرین تر است حصار آن زبرجد و یاقوت و مرجان است و گیاه آن زعفران و خاکش از مشک و عنبر است آن نهر بمن و تو و شیعیانت اختصاص دارد من و تو و عترت و اهل بیت ما کنار کوثر ایستاده ایم هر کس میخواهد ما را ملاقات کند باید کنار کوثر ملاقات نماید و

کسانی ما را میتوانند ملاقات کنند کہ از سخنان ما تجاوز نکنند پس شما مردم کوشش کنید تا ما را کنار کوثر ملاقات نمائید سیراب میکنیم دوستان خود را از نہر کوثر و مانع میشوند از ورود دشمنان بر آن و ہر کس شربتی از کوثر بپاشد بعد از آن تشنه نخواہد بود۔

محمد بن عباس از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود روزی پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم نماز صبح را بجا آورد پس از آن متوجہ امیر المؤمنین علیہ السلام شد فرمود یا علی این نور چہ نورست کہ تو را احاطہ نمودہ عرض کرد ای رسول خدا محتاج غسل کردن بودم از منزل خارج شدم و راہ بیابان گرفتم و رفتم در طلب آب، نیافتم باز گشتم هنگام مراجعت منادی صدا زد ای امیر المؤمنین متوجہ صدا شدم کسی را نیافتم دیدم طشتی از طلا مملو از آب است کنار آن ابریقی گذاشتہ اند از آن آب غسل کردہ این نور ازائر آن آب است۔ پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود منادی جبرئیل بود و آن آب را از نہر کوثر برای تو آورده کنار کوثر دوازده ہزار درخت است ہر وقت اہل بہشت میل پیدا کنند بطرب، بادی بر آن درختان میوزد صدای فرحنا کی بگوش آنها میرسد کہ اگر نہ آن بود کہ خداوند تعالی مرگ را از اہل بہشت بر طرف کردہ بود ہمانا از شدت حلاوت و خوشی و فرحنا کی آن صدا میمردند و آن نہر در بہشت عدن است و مخصوص من و تو و فاطمہ و حسن و حسین میباشد۔

پایان سورہ کوثر

(سورہ کافرون)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱) لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ
مَا أَعْبُدُ (۳) وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (۴) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵)
لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

سورہ کافرون در مکہ باز شدہ ، شش آیت و بیست و شش کلمہ و ہشتاد و ہشت
حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن : در کافی از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ
فرمود سورہ توحید ثلث قرآن و سورہ کافرون ربع آن میباشد ہر کس این دو
سورہ را در وقت خواب قرائت کند از شرک بخدا بری شود و چنانکہ در نمازہای
واجب قرائت کند این سورہ را خداوند او و پدر و مادرش را بیمارزد و اگر از جملہ
اشقیاء باشد محو کند او را و داخل در سعدا گرداند و از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت
کردہ فرمود بجبیر اگر میخواہی در سفر حال تو بہتر و زادت از ہمراہان خود
بیشتر شود سورہ کافرون و نصر و توحید و معوذتین را قرائت کن .

جبیر میگوید سفری رفتم کہ در آن مال کمتر و زادم از ہمہ ہمراہان اند کتر
بود چون بدستور رسول خدا آن پنج سورہ را قرائت کردم مالم بسیار شد و نیز
فرمود ہر کس این سورہ را بخواند شیاطین از او دور گردد و در قرآن هیچ سورہ ای
نیست کہ شیطان دشمن تر بدارد از این سورہ چہ این سورہ برائت از شرک است .

سورہ کافرون مشتمل است بر برائت از کفار .

قوله تعالى (قل يا ايها الكافرون لا اعبد ما تعبدون ولا انتم عابدون ما اعبد ولا

ترجمہ سورہ کافرون

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بکافران بگو (۱) من آن بتان را که شما بخدائی می پرستید هرگز ندی پرستم (۲) و شما هم آنخدای یکتائی که من پرستش میکنم پرستش نمی کنید (۳) نه من خدایان باطل شما را ستایش میکنم (۴) و نه شما یکتاخدای معبود مرا پرستش خواهید کرد (۵) پس دین شرك شما برای خودتان و دین توحید و خدا پرستی من هم برای خودم باشد (۶)

پایان ترجمہ سورہ کافرون

انا عابد ما عبدتم ولا انتم عابدون ما عبد لکم دینکم ولی دین

علی بن ابراهیم از ابا جعفر احول روایت کرده که ابوشاکر از من سؤال نمود آبا شخص سزاوار است اینگونه تکلم کند و سخن خود را مرتبه ای بعد از مرتبه دیگر تکرار نماید من جواب او را نتوانستم بگویم بمدینه طیبہ مشرف شدم از حضرت صادق علیه السلام اینسوره و جهت تکرار آنرا سؤال نمودم فرمود سبب نزول سوره آن بود که جماعتی از قریش از آن جمله حارث قیس سهمی و عاص بن وائل و ولید بن مغیرہ و اسود بن عبد یغوث و اسود بن مطلب و امیہ بن خلف بودند حضور پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم رسیدند گفتند ای محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم با ما موافقت کن تا ما نیز با تو موافقت کنیم یکسال خدایان ما را عبادت کن تا مایکسال خدای تورا عبادت کنیم اگر دین ما بهتر باشد تو از آن بینصیب نخواهی بود و چنانچه دین تو بهتر باشد ما از آن خیر بی نصیب نخواهیم بود پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم فرمود یکساعت دین شما را اختیار نخواهم کرد گفتند پس یکمرتبه براین بتمای ما سلام کن تا ما بتو ایمان آوریم و خدای ترا عبادت کنیم فرمود اینکار هم نخواهم کرد و مقصود آنها این بود که پیغمبر را مدنس کنند و هرگز ایشان ایمان نمیآوردند بلکه بر کفر خود اصرار میورزیدند جبرئیل نازل شد و اینسوره را آورد و تکرار آن برای آن است که جواب آنها را مانند خود ایشان بدهد پس در جواب آنها که گفتند عبادت کن

خدایان ما را یکسال فرمود، قل یا ایها الکافرون لا اعبد ما تعبدون ای رسول ما در جواب کافران مشرک بگو من آن بتها و خدایان شما را هرگز نمیپرستم و در پاسخ ایشان که گفتند ما نیز یکسال خدای ترا میپرستیم فرمود/ولا انتم عابدون ما اعبد و شما هم آن خدای یکتائیکه من پرستش میکنم پرستش نمیکنید و در جواب مرتبه دیگر آنها که گفتند تو عبادت کن خدایان ما را یکسال فرمود/ولا انا عابد ما عبدتم من نیز خدایان باطل شما را عبادت نمیکنم و در پاسخ گفتارشان که گفتند ما پرستش میکنیم خدای تورا یکسال فرمود/ولا انتم عابدون ما اعبد و نه شما یکتا خدای معبود مرا عبادت خواهید کرد پس دین شرک شما برای خودتان باشد و دین توحید و خدا پرستی منهم برای من تا روزیکه بامر خدا شما را از شرک بر گردانم، ابو جعفر احوال میگوید بر گشتم بجانب عراق و این فرمایشات را در جواب سخنان ابوشاکر گفتم ابوشاکر جواب داد اینکلمات را از حجاز بار شتر کرده ای سخنان خودت نمیباشد ابو جعفر میگوید حضرت صادق علیه السلام بعد از فراغت این سوره سه مرتبه فرمود دین من اسلام است - طهرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر گاه فارغ شدید از قرائت سوره کافرون دو مرتبه بگوئید **اعبد الله وحده** و چون تلاوت نمودید/آیه لا اعبد ما تعبدون را بگوئید **ولکن اعبد الله مخلصا** له دینی و فرمود هر کس این سوره را در وقت طلوع آفتاب ده مرتبه قرائت کند هر حاجتی که از خداوند بطلبد باجابت رسد.

پایان سوره کافرون



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ
أُفْوَاجًا (۲) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)

سورہ نصر در مکہ نازل شدہ ، سہ آیہ و شانزدہ کلمہ و ہفتاد و ہفت حرف است .
خواص و ثواب تلاوت آن: ابن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کرده
فرمود ہر کس سورہ نصر را در نمازهای واجب و مستحب قرائت کند خداوند او
را بر تمام دشمنان نصرت دہد و با او کتابی باشد کہ نوشتہ شدہ ایمن است از آتش
جہنم و هنگامیکہ از قبر بیرون آید عبور نکند بچیزی مگر آنکہ بشارت دہند
او را بخیر تا داخل بہشت گردد و در دنیا درہای خیر بروی او گشادہ شود و در
خواص قرآن از پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم روایت کردہ فرمود ہر کس سورہ نصر را قرائت
کند مانند کسی است کہ در روز فتح مکہ در رکاب من بودہ و اگر آنرا در نماز
قرائت کند نمازش قبول گردد و چنانچہ در اوقات نماز این سورہ را ہفتہ مرتبہ بخواند
نمازش بہ بہترین و جہی پذیرفتہ شود .

سورہ نصر مشتمل است بر فتح و فیروزی اسلام و ظہور دین .

قوله تعالى (إذا جاء نصر الله والفتح ورأيت الناس يدخلون في دين الله أفواجا
فسبح بحمد ربك واستغفره أنه كان توابا) این سورہ سال حجۃ الوداع در منی نازل
شد. پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بگریست و فرمود خبر مرگ مرا بمن دادند چہ پیش از
این جبرئیل خبر دادہ بود گشودن مکہ آخر عہد شما خواہد بود و دیگر آنکہ
ہر کار بنہایت برسد وقت زوال آن میباشد و داستان فتح مکہ بدین قرار است: چون
پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم در سال حدیبیہ با قریش صلح کرد و از جملہ شروط صلح آن
بود کہ ہر کہ می خواہد در عہد رسول خدا باشد بر او اعتراضی نیست و ہر کس

ترجمہ سورہ نصر

بنام خداوند بخشنده مهربان

ہنگامیکہ یاری خدا و فتح و فیروزی مکہ فرارسد (۱) در آن روز عہد مردم را ہنگری کہ فوج فوج بدین خدا داخل میشوند (۲) پس ستایش کن و پاک و منزدان پروردگار خود را و از او مغفرت و آمرزش طلب کہ او توبہ پذیر است (۳)

پایان ترجمہ سورہ نصر

بخواہد در عہد قریش بر آید، چنانکہ شرح آن در سورہ فتح بیان شد بنو خزاعہ در عہد رسول اکرم ﷺ درآمدند و بنو بکر در عہد قریش رفتند و میان این دو طایفہ مخالفت و کینہ و نزاع بود از عصر قدیم و زمان جاہلیت و پیوستہ در صد بہانہ جوئی بودند کہ جنگ و جدال کنند عاقبت بنو بکر بہ بنو خزاعہ کید و مکر کردند و بہ پستی بانی و یاری قریش بر آنها شبیخون زدند و کارزار کردند و چند نفر را از خزاعہ بقتل رسانیدند و از جملہ کسانی کہ یاری کردند بنو بکر را عکرمہ بن ابی جہل و سہیل بن عمر بود عمرو بن سالم خزاعی از مکہ بیرون آمد حضور پیغمبر اکرم ﷺ در مدینہ شرفیاب شد و عہد شکنی قریش را بسمع مبارک آنحضرت رسانید پس از آن بدیل بن ورقاء خزاعی حضورش رسید و خبر داد از عہد شکنی قریش. پیغمبر اکرم ﷺ فرمود خداوند یاری نکند مرا اگر یاری نکنم طایفہ بنو خزاعہ را سپس فرمود دل خوش دارید کہ من انتقام از قریش خواہم کشید قریش ہم از کردار خود پشیمان شدند و ترسیدند لذا ابو سفیان را روانہ مدینہ کردند و باو گفتند برو با محمد ﷺ تجدید عہد کن و در مدت صلح بیفزای چون ابو سفیان از مکہ خارج شد رسول اکرم ﷺ باصحاب فرمود بہمین زودی ابو سفیان وارد مدینہ خواہد شد تا عہد را تازہ کند ابو سفیان در بین راہ بدیل را ملاقات کرد با جماعتی از خزاعہ از آنها سؤال کرد از کجا میآئید گفتند برای سیر و گردش رفتہ بودیم ابو سفیان بر فقای خود گفت گمان میکنم بدیل و طایفہ اش بمدینہ حضور پیغمبر اکرم ﷺ رفتند و شکایت کردند از ما قریش و از ما پنهان

و پوشیده داشتند این موضوع را به بینیداگر در فضلہ شتران آنها کہ افکنده اند استخوان خرما هست از مدینہ آمدہ اند چون رفتند مشاہدہ کردند در فضلہ ہای شتران ایشان استخوان خرما وجود داشت گفت اینان از نزد محمد ﷺ آمدہ اند ابو سفیان وارد مدینہ شد در مسجد رفت عرض کرد ای محمد ﷺ خون قوم خود را حفظ کن و بآنها مہلت بده و در مدتشان بیفزای فرمود مگر شما قریش عہدیکہ با من بستید شکستید عرض کرد خیر فرمود ہر طبق عہد خود ما ہستیم و دیگر سخنی با ابوسفیان نگفت ابوسفیان نزد ابوبکر رفت باو گفت برای من بآ محمد ﷺ سخن گوی جوابداد نمیتوانم سخنی بگویم نزد عمر رفت همان جوابداشتید پس از آن رفت نزد دخترش ام حبیبہ کہ عیال پیغمبر اکرم ﷺ بود خواست پای خود را برهنہ کند و روی فرش بنشیند ام حبیبہ فرش را جمع کرد گفت ای دخترم بخل کردی کہ روی فرش بنشینم ام حبیبہ جوابداد این جای رسول خدا است و تو مشرک و پلید هستی من روا نمی دارم بجای پیغمبر بنشینی از آنجا ہم بیرون رفت نزد حضرت فاطمہ رفت باو گفت ای سیدہ زنان دو جہان پناہ دہ قریش را و در مدت صلح آنها بیفزای فرمود پناہ من رسول خدا است عرض کرد آیا امر نمیکنی فرزندان حسن و حسین علیہما السلام ما را نزد جدشان حمایت کنند و این فخر تا قیامت بر آنها باقی بماند فرمود فرزندان من کودک ہستند و در جہان چہ کسی حمایت میکند از دشمن پیغمبر خدا پس از آن حضور امیر المؤمنین عرض کرد یا ابوالحسن کار بر من سہت شدہ چہ دستوری می دہی فرمود تو بزرگ قوم هستی برو در مسجد و بگو من حمایت میکنم قریش را اگر پیغمبر اکرم ﷺ جوابدہد تو را مقصودت حاصل میشود و اگر جواب ندهد جز این چارہ ای نیست بہمین دستور عمل کرد و بطرف مکہ روانہ شد قریش باو گفتند چہ کردی داستان خود را بیان کرد گفتند علی تو را مسخرہ کردہ است جواب داد چارہ ای جز این نداشتم آنکاہ رسول خدا امر فرمود باصحاب مہیا شوند برای جہاد باہل مکہ و فرمود احوال ما را پوشیدہ دارید تا ناگہان بمکہ فرود آئیم من از خداوند درخواست کردہ ام کہ خبر ما را بر اہل مکہ پنهان بدارد در آنوقت حاطب بن ابی بلتعہ نامہ ای نوشت برای اہل

مکه و آنها را خبر داد از حرکت پیغمبر اکرم ﷺ و نامه را بوسیله زن سیاهی فرستاد جبرئیل نازل شد و پیغمبر را خبر داد از نامه آنحضرت امیر المؤمنین علی (ع) را با زبیر فرستاد تا نامه را از آن زن بگیرند و شرح نامه و گرفتن آنرا در سوره ممتحنه ذیل آیه .

۱ - بیان نمودیم بآنجا مراجعه شود پیغمبر اکرم ﷺ روز دهم ماه رمضان سال هشتم هجری با ده هزار نفر از مهاجر و انصار از مدینه بیرون آمد و بجانب مکه رهسپار شد و شخصی از طایفه بنی غفار را در مدینه جای خود گذاشت درین راه ابوسفیان بن حارث بن عبد المطلب و عبدالله بن امیه بن مغیره را ملاقات نمود چون پیغمبر و اصحاب او را دیدند ترسیدند و دانستند که اهل مکه نمیتوانند با اینهمه لشکر مقاومت نمایند خواستند حضور پیغمبر برسند و امان بطلبند آنحضرت اجازه نداد ام سلمه عرض کرد ای رسول خدا یکی پسر عمو و دیگری پسر عمه شما است از شما امان میطلبند فرمود اینها جفا کردند در حق من نمیخواهم آنها را به بینم ابوسفیان پسر خردسالی همراه داشت گفت بخدا قسم اگر محمد ﷺ مرا بخود راه ندهد دست این پسر را میگیرم و در این بیابان میروم تا از گرسنگی و تشنگی بمیرم رسول خدا چون این سخن را بشنید بحالت او ترحم نمود اجازه داد وارد شدند و اسلام آوردند پیغمبر اکرم ﷺ نزول اجلال فرمود بمنزل ظهوان و خبر آنحضرت بر قریش پوشیده بود و از آمدن آن بزرگوار اطلاعی نداشتند ابوسفیان بن حرب و حکیم بن حزام و بدیل بن وقار از مکه بیرون آمدند در تجسس بودند عباس عموی پیغمبر اکرم ﷺ گفت اگر رسول خدا باین هیئت و کیفیت وارد مکه بشود اثری از قریش باقی نخواهد ماند بر شتر پیغمبر سوار شد گفت میروم شاید هیزم کنی یا ساربانانی را به بینم و بوسیله آنها بقریش خبر دهم تا بیایند و از رسول خدا امان بگیرند آن سه نفر که از مکه بیرون آمده بودند بر بلندی کوه رفتند آتش بسیاری را مشاهده نمودند باخود گفتند آتش چیست بدیل میدانست که لشکر پیغمبر است ولی پنهان کرد و گفت آتش بنی خزاعه است عباس در شب تاریکی بآنها رسید گفت ای ابوسفیان توئی شناخت عباس را گفت ای ابا الفضل آری

من ہستم چہ خبر داری عباس گفت رسول خدا با دہ ہزار نفر بسوی مکہ و شما می آید البتہ طاقت مقاومت با او را ندارید ابوسفیان گفت پس چارہ چیست عباس گفت بر این شتر سوار شو تا برویم حضور رسول خدا امان از برایت بگیرم اورا سوار شتر کردم و آوردم در خیمہ رسول خدا بنشاندم داخل خیمہ شدم عرض کردم ای رسول خدا ابوسفیان روی بشما آورده من شفاعت میکنم از او فرمود فردا اورا پیش من بیاور عباس میگوید فردای آنروز او را حضور پیغمبر اکرم ﷺ بردم فرمود ای ابوسفیان وقت آن نرسیدہ کہ ایمان آوری و بگوئی لا الہ الا اللہ ابوسفیان گفت پدر و مادرم فدای تو باد من دانستم کہ جز خدا خدای دیگری نیست اگر می بود روز بدر و احد و امروز بفریاد من میرسبد فرمود وقت آن نیست گواہی بدهی کہ من رسول خدا ہستم ابوسفیان گفت تن و جانم فدای تو باد مراد از نفس چیز نیست مہلت دهید مرا عباس میگوید من گفتم وای بر تو ای ابوسفیان اسلام آور پیش از آنکہ گردنت را بزنند پیغمبر اکرم ﷺ امر فرمود او را در گذر گاہ لشکر بدازند تا مردم اورا مشاہدہ کنند ابوسفیان را در جای تنگی وا گذاشتند گروه لشکر کہ میگذشت سؤال میکرد ایمان کیستند جواب می دادند بنو فلان و بنو فلان تا آنکہ مو کب رسول خدا رسید با جلال و بزرگواری ابوسفیان رو کرد بعباس و گفت پسر برادرت ملکی عظیم بافت عباس میگوید باو گفتم وای بر تو این منصب نبوت و پیغمبریست نہ پادشاهی آنگاہ بدیل بن ورقا و حکیم بن حزام آمدند اسلام اختیار نمودند و بیعت کردند پیغمبر اکرم ﷺ آنہارا فرستاد تا مردم را باسلام دعوت کنند و حرکت رسول خدا بسرعتی صورت گرفت کہ تاہنگام ورود وی بدروازہ های مکہ قریش فکر نزدیک شدن او را نمی کردند برای رعایت احتیاط شہر مکہ محاصره شد و حضرتش جامہ شنجرفی پوشیدہ و بر شتری بنام القصوی سوار بود با پیروزی وارد شہر مکہ شد پرچم بدست سعد بن عبادہ انصاری بود رجز میخواند و میگفت الیوم یوم الملاحمہ الیوم تسبی الحرمہ عباس حضور پیغمبر آمد عرض کرد ای رسول خدا می ترسم امروز سعد را بر قریش صولت و اثری باشد کہ عار آن بر ما بماند رسول اکرم ﷺ امیر المؤمنین رضی اللہ عنہما را خواست پرچم را از سعد گرفت بدست آن بزرگوار داد و فرمود کسی را مکشید مگر آنکہ با شما قتال کنند .

چون پیغمبر وارد شد تمام بزرگان قریش از ترس کشته شدن وارد خانه کعبه شدند رسول خدا داخل خانه کعبه شد ایستاد مقابل درو با صدای بلند فریاد زد **لا اله الا الله** وحده انجز وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده ای مردم بدانید و آگاه باشید هر مال و خونیکه ادعا می کنند در زیر قدم من است مگر سدانست کعبه و سقاییت حاج که بر میگردد باهش و هر کس عمداً کسی را بکشد باید دیه مغلظه بدهد ای طایفه قریش خداوند نخوت جاهلیت را از میان شما برد بداند همه مریم از آدم و حوا هستند و خدای تعالی آدم را از خاک آفرید و آیه (یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی) را تلاوت نمود و جمعیت از هر طرف وجود مقدسش را محاصره کرده بودند متوجه مردم شد و فرمود ای اهل مکه از من چه انتظار دارید؟ من با شما چه کنم هزاران صدا همزوج با تضرع و استرحام از میان جمعیت بلند شد و همه گفتند از تو انتظار داریم همان معامله ای را بکنی که یوسف با برادران خودش نمود و آنچه لایق کرم تو است باما رفتار نمائی پیغمبر اکرم ﷺ فرمود امروز همه شما را آزاد کردم (اذهبوا انتم الطلقاء) بروید همه شما آزادید از امروز اهل مکه را طلقاً خوانند این جمله کوتاه را بعنوان اولین منشور آزادی بشر تلقی کرده اند سپس رسول خدا برای آنکه بادت خودش بت های داخل کعبه را نابود کند هفت مرتبه دور کعبه طواف نمود بتها را نابود می کرد و میفرمود:

(جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل كان زهوقاً) آنگاه اهل مکه باحضرتش بیعت کردند و باین کیفیت فتح مکه پایان رسید و مردم فوج فوج داخل اسلام میشدند و پس از آنکه سوره نصر نازل شد پیغمبر اکرم بسوی مسجد خیف درمنی تشریف بردند متوجه مردم شده و فرمودند خداوندیاری کند هر کسی را که سخنان مرا بشنود و حفظ کند و برساند بآنها که نشنیده اند چه بسا حامل علمیکه نیست او عالم و چه بسیار حامل علمیکه میگوید و میرساند آنرا بشخصیکه او دانا تر از خود او است. سه طایفه هستند که خیانت کرده نشوند یکی مرد مسلمانی که عمل خود را خالص گرداند از برای خداوند دیگری و امام مسلمین است که نصیحت میکند مردم را، سوم کسانی هستند که ملازم جماعت مسلمانانند دعای این سه طایفه از عقب

سر احاطہ نموده مردم را ای مردم بدانید و آگاہ باشید میان شما بجای خود دو چیز پر بها و بزرگ را میگذارم اگر شما بآن دو چیز تمسک بجوئید هرگز گمراه نخواهید شد: یکی قرآن است و دیگری عترت و اهل بیت من می باشد هر گز این دو چیز از هم جدا نشوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند و فرمود آنها مانند دو انگشت سیابتین هستند نه مثل سیابه و وسطی که فاصله هست میان آنها و دیگری برتری دارد بر آن یکی.

و در اهالی از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود وقتی سوره نصر نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بمن فرمود علی واجب کرده خداوند بر مؤمنین جهاد را در زمان فتنه بعد از من چنانکه واجب نموده جهاد با مشرکین را با من عرض کردم ای رسول خدا فتنه چیست که در آن زمان جهاد واجب شده فرمود بزودی طایفه ای ظاهر شوند که شهادت می دهند بلا اله الا الله و باینکه من رسول خدا هستم ولی آنها مخالفت میکنند با طریقه من و طعمه می زنند در دین اسلام گفتم ای رسول خدا آیا با چنین اشخاصی که شهادت بخدا و رسول می دهند جهاد کنم فرمود بلی چه ایشان در دین من بدعت می گذارند و از امر و نهی خدا دوری می جویند و خون عترت و ذریه مرا حلال می دانند عرض کردم ای رسول خدا شما وعده شهادت بمن داده اید از خداوند بخواهید تعجیل او را فرمود چگونه است صبر تو یا علی هر گاه خضاب شود محاسنت از خون سرت گفتم ای رسول خدا صبر مینمایم فرمود بلی چنین است آماده شو از برای خصومت چه مخاصم امت من تو هستی گفتم ای رسول خدا راهنمایی بفرما مرا برستگاری فرمود هر وقت قومت عدول کردند از هدایت بسوی گمراهی مخاصمه نما با آنها چه هدایت از طرف خداوند است و گمراهی از جانب شیطان ایعلی تو بر هدایت هستی و هدایت متابعت و پیروی کردن از او امر خدا است نه پیروی نمودن از هوای نفس و رأی خود گویا مشاهده می کنم که این مردم تأویل میکنند قرآن را و میگیرند متشابهات آنرا و حلال می دانند شراب را و منع میکنند زکوة را عرض کردم ایشان چه اشخاصی هستند فرمود اهل فتنه می باشند با آنها جهاد

کنید تا برگردند بجانب عدل گفتم ای رسول خدا آیا عدل از طرف ما است فرمود
بلی عدل از ما است بوسیله ما فتح میشود و بما ختم میکند پروردگار عدل خود
را و بسبب ما الفت اندازد میان دلهای مردم بعد از مشرک بودن آنها و فتنه کردن
ایشان گفتم الحمد لله حمد برای خدائی که بخشید بما از فضل و موهبت خود .

طبری از ابن مسعود روایت کرده کہ زمانیکہ سورہ نصر نازل شد پیغمبر
اکرم ﷺ میفرمود سبحانک اللهم اغفر لی انک انت التواب الرحیم .

پایان سورہ نصر



مرکز تحقیقات علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ (۱) مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ (۲) سَيَصْلَىٰ
نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳) وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴)
فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۵)

سورة اللہب

سودہ ابی لہب در مکہ نازل شدہ، پنج آیہ و بیست کلمہ و ہفتاد و نہ حرف است۔

خواص و ثواب قرائت آن از بن بابویہ از حضرت صادق علیہ السلام روایت کردہ فرمود
ہر گاہ قرائت کنید سورہ ابی لہب را لعنت فرستید بر ابی لہب زیرا او از تکذیب
کنندگان رسول خدا بود و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کردہ
فرمود ہر کس این سورہ را قرائت کند خداوند جمع نکند میان او و ابولہب در
دوزخ و ہر کس فرقہ شکم داشتہ باشد بر او خواندہ شود ساکن گردد و اگر در
وقت خواب این سورہ تلاوت کند در حفظ خدا باشد۔

سورہ تبت مشتمل است بر توبیخ و وعید ابولہب و عیالش و حفظ نمودن
پیغمبر اکرم از اذیت و آزار ابو لہب و ام جمیل ہمسر او۔

قوله تعالیٰ (تبت یدای لہب و تب ما اغنی عنہ مالہ وما کسب سیصلی نارا
ذات لہب و امرأتہ حمالۃ الحطب فی جیدہا حبل من مسد) سبب نزول این سورہ آن
بود: چون آیہ و اندر عشیرتک الاقرین بر پیغمبر اکرم ﷺ نازل شد آن حضرت
بنی عبد المطلب و بنی عبد مناف و بنی ہاشم را جمع کرد و بآنها فرمود اگر من
بگویم در زیر این کوه لشگری فرود آمدہ و قصد دارد شمارا غارت کند باور میکنید؟

ترجمہ سورہ لہب

بنام خداوند بخشنده مهربان

بریده باد دودستابی لہب و قطع گردد (۱) مال و ثروتیکہ اندوخت بینیازش
نگرداند و از ہلاکش نہرہاند (۲) زود باشد کہ بدوزخ در آتشی شعلہ وردہ افتند (۳)
و ہمسرش ہیضم آتش افروز دوزخ است (۴) در گردن او ریسمانی است از لیف
خرما (۵)

پایان ترجمہ سورہ لہب

گفتند بلی فرمود من شمارا می ترسانم بعذاب سخت دوزخ ابولہب گفت تبارک، ما
را برای این موضوع دعوت نمودی خداوند در پاسخ گفتار ابولہب سورہ تبت را
نازل فرمود .

در بصائر الدرجات از حضرت باقر علیہ السلام روایت کردہ فرمود شبی پیغمبر اکرم
صلی اللہ علیہ وسلم در نماز سورہ تبت را قرائت نمود بام جمیل گفتند ع در نمازش ہنک
حرمت تو و شوہرت را نمود بیرون آمد در طلب آنحضرت و میگفت اگر ع را
بہ بینہ ہلاک می کنم اورا رسید بہ نزدیک پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم ابوبکر حضور رسول
خدا نشستہ بود عرض کرد ای رسول خدا من از ام جمیل می ترسم فرمود ہرگز
نخواہد دیدم را سوال کرد ای ابوبکر ع اندیدی خداوند میان او و پیغمبرش
پردہ ای پوشید کہ ام جمیل رسول خدا را ندید .

ابولہب فرزند عبدالمطلب وعموی پیغمبر بود عیالش دختر صخر و خواہر
ابوسفیان سخن چینی می کرد از برای پیغمبر و خبر آنحضرت را بکفار می رسانید
و شوہرش را وادار می کرد بر اذیت و آزار پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم و قلادہ و گردن بند
گرانہائی داشت در گردن گفت این قلادہ را در عداوت ع مصرف خواہم
کرد و مسد عبارت از گردن بند است، و ابن عباس گفت مراد از مسد زنجیر آہنین
است کہ طولش ہفتاد ذراع میباشد در دہنش کنند و از زیرش بیرون آرند روز قیامت
و بعض دیگر گفتند مقصود از مسد رسنی بود کہ بآن ہیضم می آورد چہ او از خساست

طبع خودش می رفت همیزم من آورد و خازنهائی سر راه پیغمبر اکرم میانداخت برای اذیت و آزار آنحضرت. و چون رسول خدا ابولہب را از عذاب دوزخ می ترسانید میگفت اگر قیامت راست باشد من خود را از دوزخ به مال میخرم چه او مواشی و مال بسیاری داشت پروردگار فرمود دفع نکند او را از دوزخ مالش و بینیا از نگرداند. در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود چون قریش قصد کشتن پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم را نمودند گفتند با ابولہب چه کنیم؟ ام جمیل عیال او گفت من او را باز میدارم و میگویم دوست دارم امروز در خانه بمانی ابولہب و عیالش در خانه نشسته مشغول خوردن و آشامیدن بودند و کفار لمہیای قتل پیغمبر شدند حضرت ابوطالب امیر المؤمنین علیہ السلام را طلبید باو گفت ای فرزندم برو نزد عمویت ابولہب، اجازه ورود بخواه اگر در را باز نمودند داخل بشو و گرنه در را بشکن و وارد خانه شو، بگو پدرم میگوید امراء قوم عاجز و ذلیل و خوار نشدند امیر المؤمنین رفت پیغام پدر را رسانید ابولہب گفت ای فرزندم برادر دیر است میگوید چه میخواهی فرمود پسر برادرت محمد را میخواهند بقتل برسانند و تو در خانه آسوده و فارغ بال مشغول خوردن و آشامیدن هستی. چون این سخن را شنید از جا بلند شد، شمشیرش را بدست گرفت عیالش میخواست ممانعت کند از او، چنان سیلی بصورتش زد که دید گانش بر گشت، بیرون آمد از خانه و متوجه کفار قریش شد، با آنها گفت من با شما بیعت کردم تا پسر برادرم را بقتل برسانید؟ قسم بدو بت بزرگ لات و عزی همانا اسلام اختیار میکنم آنگاه مشاهده میکنید با شما چگونه معامله خواهم نمود کفار عذر خواهی کردند و برگشتند. و این سوره یکی از دلایل صدق نبوت پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم است چه خبر داد بوسیله این سوره که ابولہب و عیالش ام جمیل بر حالت کفر بمیرند و داخل دوزخ شوند و آنها بحالت کفر مردند.

پایان سوره ابی لہب

سورۃ الاخلاص
مرکز تحقیقات کمپیوٹر علوم اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳)
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴)

سوره اخلاص در مکه نازل شده ، پنج آیه و پانزده کلمه و چهل حرف است . خواص و ثواب تلاوت آن : در کافی از پیغمبر ا درم روایت کرده فرمود هر کس در رختخواب خود یکمرتبه سره اخلاص را قرائت کند خداوند گناهان پنجساله او را بیامرزد و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود کسیکه پنج روز بر او بگذرد و در نمازش سوره اخلاص بخواند باو گویند ای بنده خدا تو از نماز گذاران نیستی و فرمود هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد سوره اخلاص را رها نکند عقب هر نمازی و چون قرائت کند آن سوره را خداوند جمع نماید خیر دنیا و آخرت را برای او ، و پدر و مادرش را بیامرزد و بمفضل فرمود خود را حفظ کن از شر مردم بخواندن سوره اخلاص ، آنرا از طرف راست و چپ و از پیش و عقب و بالای و پائین خود قرائت کن . و چون بر پادشاهی وارد شوی در وقت نظر کردن بر اوسه مرتبه این سوره را قرائت کن و انگشتان دست چپ خود را بهم بگذار و باز نکن تا از نزد او خارج شوی و فرمود در نماز پس از قرائت بسم الله از هر سوره ای بسوره دیگر میتوان برگشت مگر از سوره اخلاص و قل یا ایها الکافرون .

و فرمود نماز از بین تمام سوره ها با سوره قل هو الله است . و فرمود هر کس ده مرتبه قرائت کند سوره اخلاص را هنگامیکه از منزل خود خارج میشود در حفظ خداوند است تا برگردد بمنزل . در تهذیب از ابن عباس روایت کرده گفت پیغمبر اکرم ﷺ با امیر المؤمنین علیه السلام فرمود ایعلی توما نند سوره اخلاص هستی هر کس

ترجمه سوره اخلاص

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو او خدای یکتا است (۱) خدائی است که از همه بی نیاز و همه مخلوقات باو نیازمندند (۲) زائیده نشده و کسی فرزند او نیست (۳) و نمیباشد کسی مثل و همتای او (۴)

پایان ترجمه سوره اخلاص

یک مرتبه این سوره را قرائت کند ثلثی از قرآن را تلاوت نموده و چنانچه دو مرتبه بخواند دو ثلث قرآن را قرائت کرده و اگر سه مرتبه بخواند سه ثلث قرآن را قرائت نموده. همچنین هر کس تو را بدل دوست داشته باشد اجر و ثواب ثلث عبادت را باو بدهند و چنانچه بزبان و دل دوست بدارد ترا دو ثلث اجر و ثواب باو بدهند و اگر بزبان و دست و دل ترا دوست میدارد اجر و ثواب تمام عبادت باو کرامت کنند ابن بابویه از ابی بصیر روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با اصحاب خود فرمود کدام یک از شما تمام مدت عمر خود را روزه میدارید و کدام یک تمام شبها را زنده داری مینمائی سلمان فارسی عرض کرد ای رسول خدا من پیوسته روزها را روزه میدارم و شبها را بعبادت و زنده داری مشغول هستم و هر روز یک قرآن ختم میکنم بعضی از اصحاب از سخنان سلمان در غضب شدند و گفتند ای رسول خدا این مرد فارسی می خواهد بر ما عربها فخر و مباهاات کند دروغ میگوید ما بسیاری از روزها را دیدیم روزه دار نیست و شبها میخوابد پیغمبر اکرم در پاسخ آن فرمود چه میگوئید شما سلمان مانند لقمان حکیم است سؤال کنید از او تا جواب بدهد آنوقت سلمان گفت من در هر ماه سه روز روزه میدارم و خداوند میفرماید من جاء بالحسنة فله عشر امثالها.

(هر کس عمل نیکی بجا آورد ده برابر خداوند پاداش باو مرحمت می کند) و متصل میکنم ماه شعبان را بمه ماه رمضان باین کیفیت تمام روزها را روزه میدارم و پیغمبر اکرم فرمود هر کس با طهارت بخوابد مانند آنست که شب زنده

داری نموده من شبها با وضوء می خوابم و هر روز سه مرتبه سوره اخلاص میخوانم آن اصحابه چون این سخنان را از سلمان شنید گویا سنگی بدهانش انداختند و متعجب و شرمسار شد دیگر سخنی نگفت و خطیب خوارزمی که از علماء مخالفین است از پیغمبر اکرم ﷺ روایت کرده فرمود علی مانند سوره اخلاص است چنانچه شرحش گفته شد.

و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند یا گوش بدهد بقرائت آن خداوند دوست بدارد او را و هر کس را خدا دوست داشت از آتش دوزخ نجات یابد و اگر این سوره را بر قبرهای مردگان بخواند ثواب بسیاری دارد و این سوره حرز هر آفتی است و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس این سوره را قرائت کند و ثوابش را هدیه نماید برای مردگان برای او ثواب تمام قرائت قرآن باشد و چنانچه بخوانند این سوره را بر کسی که چشم او درد میکند بقدرت خداوند در چشم او گردد و از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود هر وقت پیغمبر اکرم ﷺ از قبرستان عبور می نمود بازده مرتبه سوره اخلاص را تلاوت میفرمود و ثواب آنرا بر روح مردگان هدیه میکرد و میفرمود هر کس باین دستور رفتار کند خداوند بتعداد مردگان آن قبرستان اجر و پاداش باو عطا کند.

این سوره مشتمل است بر بیان توحید.

(قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفو احد)

طبرسی از حضرت عسگری روایت کرده فرمود سبب نزول این سوره آن بود دشمنان خدا یهودیان و علماء آنها از پیغمبر اکرم ﷺ سؤال کردند که توصیف کند و خبر بدهد آنها را از خداوند، سوره اخلاص در پاسخ سؤال ایشان نازل شد، در مجمع از ابی بن کعب روایت کرده که سبب نزول سوره آن بود مشرکین از پیغمبر اکرم ﷺ سؤال کردند نسبت خدای خود را برای ما بیان کن و بگوی خدای تو چیست از زر است یا از سیم یا از روی و یا از آهن خدای تعالی در پاسخ سؤال آنها این سوره را فرستاد و آتشی فرود آمد بعضی از آنها را بسوخت و بعضی

دیگر فرار کردند و در واقعه‌ای هلاک شدند .

در احتجاج از داود بن قاسم روایت کرده که از حضرت جواد معنای قل هو الله احد را سؤال نمودم فرمود احد کسی است که همه مردم متفقاً اقرار دارند به یگانگی او مگر نمیشنوی، قول پروردگار را که میفرماید و لئن سئلتهم من خلق السموات و الارض و سخر الشمس و القمر ليقولن الله .

(اگر از این مردم مشرك سؤال کنی چه کسی آسمان و زمین را آفرید و خورشید و ماه را مسخر نموده میگویند خدای تعالی) با این وصف پس از گفتار نخست برای او مصاحب و شريك فائز میشوند ابن بابویه از حضرت باقر (علیه السلام) روایت کرده فرمود صمد چیز است که جوف ندارد نمی خورد و نمی آشامد و نمی خوابد و دائم است و هرگز برای او زوالی نیست و تغییر نکند و هر وقت اراده فرماید فوراً ایجاد شود و کسی است که ایجاد نموده و آفریده تمام اشیاء را از اضداد و اشکال و ازواج، و خود متفرد است به یگانگی، ضد و شکل و مثل و مانند و شریکی ندارد پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود احد نور است که در آن ظلمت و تاریکی نمیباشد و علمی است که چهل و نادانی در آن نیست و صمد چیز است که جوف ندارد و جزء و اجزاء در آن نیست لم یلد یعنی حادث نیست ولم یولد یعنی در اصلا ب و ارحام نبوده ولم یکن له کفو یعنی شبیه و شريك ندارد و از برای او یار و معینی نیست واحد یعنی جزء و اجزاء ندارد و دارای کم و کیف نیست و واقع نمیشود بر او اسم عدد و نه زیاده و نقصان و در حدیث دیگر فرمود صمد یعنی منتهی میشود بسوی او اشیاء و اهل آسمان و زمینی در حوائجشان بر میگردند بسوی او لم یلد یعنی فرزندی از برای او نیست چنانچه یهود و نصاری میگویند عزیز و مسیح فرزندان خدا هستند و قریش میگویند فرشتگان دختران خداوند و مجوس میگویند خورشید و ماه و ستارگان فرزندان خدا هستند خداوند لعنت کند تمام آنها را ولم یولد یعنی در صلب و رحم نبوده و از شیئی خلق نشده ولم یکن له کفو احد یعنی نیست از برای او شبه و مثل و نظیر و مانندی در آنچیزیکه عطا و تفضیل و رحمت میفرماید بر

بند گانش، واحد و واحد یکی است و توحید اقرار بیگانگی او است و مراد از واحد واحد عددی نیست چنانچه امیر المؤمنین علیه السلام میفرماید واحد لا بالعدد .

طبرسی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هو اشاره بغایب است هاء آن تنبیه است از معنای ثابت و واو اشاره است بر اینکه خدا غایب است از حواس ظاهره بشر چنانچه هذا اشاره است بحاضر و مشاهده بحواس چه کفار بحرف اشاره و هذا اشاره میگردند بخدایان خود و میگویند هذه آلهتنا المحسوسة بالابصار این خدایان ما است که به چشم مشاهده میکنیم او را ای محمد صلی الله علیه و آله تو هم اشاره کن بآن خدائیکه پرستش میکنی او را تا ما به بینیم و درک کنیم خدایت را سوره نازل شد و امر فرمود به پیغمبرش بگو ای محمد صلی الله علیه و آله هو الله احد پس ها اثبات میکند وجود ثابت پروردگار را و او او اشاره است بر آنکه آن وجود ثابت مدرك به بصرو بحواس ظاهره نیست و او مدرك ابصار و مبدء حواس است چنانچه فرمود لا تدركه الابصار و هو يدرك الابصار و فرمود حضرت باقر علیه السلام امیر المؤمنین علیه السلام فرمود پیش از جنگ بدر شبی در خواب خضر پیغمبر را ملاقات نمودم باو گفتم تعلیم ده مرا چیزیکه بوسیله آن بر دشمنان غالب شوم گفت بگو یا هو یا من لا هو الا هو چون صبح شد خواب خود را برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان نمودم فرمود یا علی خضر اسم اعظم خدا را بتو تعلیم نموده و فرمود قرائت کن قل هو الله احد را پس از آن بگو یا هو یا من لا هو الا هو اغفر لی و انصرنی علی القوم الکافرین امیر المؤمنین فرمود مکرر در روز بدر و صفین این کلمات را میگویم عمار یاسر از حضرتش سؤال کرد این کنایات و کلمات چیست یا امیر المؤمنین؟ فرمود اینها اسم اعظم پروردگار است و عماد و ستون توحید لا اله الا هو است و فرمود الله همان معبودیست که: خلاق و اله و حیران هستند از درک حقیقت او، و احاطه پیدا کردن بکم و کیفیت او .

و از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود جمعی از اهل فلسطین حضور پدرم حضرت باقر علیه السلام شرفیاب شدند و سؤال نمودند معنای صمد را آنحضرت فرمود الصمد پنج حرف است الف دلیل است بر انیت و حقیقت ذات خدای تعالی و

این است معنای آیه شہدائے لاله الاہو و اشارہ و تنبیہ است بآنکہ غایب است از حواس و لام دلیل است بر الہیت او بآنکہ ہو، اللہ است و الف و لام ادغام میشوند در تلفظ و ظاہر نمیشوند بر زبان و شنیده نمیشوند بگوش ولی در نوشتن ظاہر هستند و ادغام در لفظ و اظہار در کتابت دلیل است بر لطیف بودن او و آنکہ حواس ظاہرہ درک نمیکند اورا و هیچ لسانی نمی تواند وصف کند اورا و هیچ گوشی تاب شنیدن اورا ندارد چہ معنای اللہ چنانچہ گفته شد چیزی است کہ خلائق در او حیرانند و ماہیت او را درک نکنند نہ بحواس و نہ موہم بلکہ او مبدع اوہام و خالق حواس است و ظاہر شدن الف و لام در کتابت دلیل است بر آنکہ خدای تعالی ظاہر گردانیدہ ربوبیت خود را در اثر ایجاد خلائق و ترکیب ارواح لطیفہ ایشان در اجساد کثیفہ آنها و ہر گاہ بندہ ای نظر کند بسوی نفس خود روح خویش را نمی بیند و درک نمیکند اورا بیکسی از حواس ظاہرہ پنجگانہ همچنانچہ لام الصمد ظاہر و ہویدا نیست در مقام تلفظ ولی ہر گاہ بکتابت آن نظر کرد ظاہر میشود برای او آنچہ لطیف و دقیق و پنهان بود پس ہر وقت بندہ اندیشہ و فکر کند بر ماہیت باری و کیفیت او والہ و جیران بماند و فکر او بجائی نرسد و تصور او را نتواند نمود چہ پروردگار خالق صور است نہ خود صور و چنانچہ نظر کند بسوی مخلوقاتش ثابت شود از برای آن بندہ و یقین پیدا کند کہ پروردگار خالق موجودات و بشر است و او ارواح را در اجساد وارد و داخل فرمودہ و ترکیب کردہ آنها را بالاجساد و صاد دلیل است بر اینکہ خدای تعالی راستگو است و کلام و گفتار او صادق است و مردم را دعوت بحق و صدق میفرماید و وعدہ او صادق است در دار صدق .

و میم دلیل است بر ملک او چہ خدای تعالی ملک الحق المبین است ملک و سلطنت او پیوستہ بودہ و خواہد بود ہر گز زوال پذیر نیست .

و دال دلیل است بر دوام ملک او و منزہ است از کون و فساد و ہر گز نابود و زایل نشود بلکہ پروردگار مکون کائنات و بوجد او موجودات قائم و بر پا است پس از آن فرمود حضرت باقر علیہ السلام اگر می یافتہ کسی را کہ توانائی بار علم

را داشته باشد همانا تمام توحید و احکام اسلام و دین و شرایع را از کلمه الصمد برای او تفسیر و شرح میدادم چگونه ما ائمه می یابیم کسی را که تاب و تحمل برداشتن علم سبکه خداوند بما عطا فرموده داشته باشد چنانچه جدم امیر المؤمنین فرمود کسی را می یافتم که تاب تحمل بر داشتن علوم را داشته باشد همانا شرح و تفسیر می کردم از برای او بآء بسم الله الرحمن الرحیم را و مکرر می فرمود بر منبر سلونی قبل ان تفقدونی فان بین النجوانح منی علما جما هاهنا الا لا اجد من یحمله الا و ان علیکم من الله الحجة البالغة فلا تتولوا قوما غضب الله علیهم قد یئسوا من الآخرة كما یئس الکفار من اصحاب القبور .

پایان سوره اخلاص



مرکز تحقیقات علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

سورة الفلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (۱) مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (۲) وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا
وَقَبَ (۳) وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ (۴) وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ (۵)

سوره فلق در مدینه نازل شده ، پنج آیه و بیست و سه کلمه و هفتاد و چهار حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن :طبرسی از عقبه بن عامر روایت کرده که پیغمبر اکرم ﷺ فرمود خبر دهم تورا بدو سوره از قرآن که افضل سوره ها هستند؛ عرض کردم بلی فرمود آنها معوذتین است ، این دو سوره بهترین چیز است که پناه دهندگان بآن پناه میجویند در کافی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود هر جوانی در ابتداء جوانی خود تعهد کند که در هر شب معوذتین را سه مرتبه قرائت کند و سوره اخلاص را صد مرتبه و اگر طاقت ندارد پنجاه مرتبه قرائت کند خداوند بر طرف نماید از او هر علت و مرض و عطش و فساد معده و فشار خون را و محفوظ بماند از این امراض تا وقت مردن و فرمود در نماز وتر قرائت کنید سوره معوذتین را، هر کس در نماز وتر معوذتین و توحید را قرائت کند گفته شود باو ای بنده خدا بشارت بادترا که خداوند نماز وترت را قبول فرموده و فرمود این دو سوره را در وقت خوابیدن و بیدار شدن قرائت کن تا محفوظ بمانی از هر آفتی معوذتین مشتمل است بر استعاذه از اعداء و دشمنان .

قوله تعالی (قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق و من شر غاسق اذا وقب و من شر النفاثات فی العقد و من شر حاسد اذا حسد) در این سوره امر میکند خداوند پیغمبرش را که بامت بگوید پناه برید بخدا از شر این چیزها مفسرین در معنای فلق اختلاف کرده اند ابن عباس گفت فلق صبح است چه آن شکافته میشود

ترجمہ سورہ فلق

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو پناه میبرم به پروردگار فروزنده صبح روشن (۱) از شر مخلوقات شریر و مردم بد اندیش (۲) و از شر شب تاریک چون تاریکی آن در آید (۳) و از شر زنان افسونگر چون بجادو در گرہها بدمند (۴) و از شر حسود بدخواه چون آتش رشک و حسد بر فروزد (۵)

پایان ترجمہ سورہ فلق

از شب و بعض دیگر گفتند بمعنای خلق است چه پنداری موجودات از عدم شکافته میشوند و از آن بیرون می آیند و جمله من شر ما خلق عام بعد از خاص است و مراد جمع مخلوقات است از آدمی و سباع و درندگان و حیوانات. ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود فلق چاهی است در جهنم که پناه میبرند اهل جهنم از آتش آن و سؤال میکنند از خداوند که اجازه بفرماید تنفس کند آن ناخن خداوند تنفس میکند از شدت حرارت آن جهنم میسوزد و در آن چاه صندوقی است از آتش که اهل آن چاه پناه میبرند بخدا از شدت حرارت صندوق و در آنجا شش نفر از مردم اولین و شش نفر از آخرین است اولین یکی قابیل پسر آدم که برادرش را کشت، دوم نمرود است که حضرت ابراهیم را در آتش افکند، سوم فرعون است، چهارم سامری است که گوساله را ساخت، پنجم کسی است که بنی اسرائیل را از دین موسی برگردانید ششم همان شخص است که نصاری را از دین و طریقه حضرت عیسی بازداشت. و شش نفر آخرین اولی و دومی و سومی و معویہ و ذو الندین رئیس خوارج نهران و ابن ملجم قاتل امیر المؤمنین علیه السلام.

و اختصاص داد عالم خلق را باستعاذہ چه شر منحصر است بعالم خلق و عالم امر خیر محض است (ومن شر غاسق اذا وقب) و پناه میجویم از شر شب تاریک تاریکی آن عالم را فرا گیرد و تخصیص داد استعاذہ را بشب چه مضرات در شب بسیار است زیرا گزندگان و درندگان و دزدان و جنایتکاران و فتنه انگیزان در تاریکی شب قیام کنند و دفع شر و مضرات آنها در شب دشوار و مشکل است (ومن

شر النفاثات فی العقد) و پناه میجویم از شر زنان افسونگر چون جادو در کرهها بدمند و امر فرمود استعانه از شر ساحران را برای آنکه اگر کسی اعتقاد کند که سحر اثر میبخشد ورنجی از اینجهت در دل او پدید آید پناه بجوید بخدا.

طبرسی از مفضل بن عمر روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود امیر المؤمنین علیه السلام فرموده جبرئیل نازل شد بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله گفت ای رسول خدا دختران لبید بن اعصم یهودی برای وجود مقدس سحر و جادو کردند و رشته ای گرفتند و یازده گره بر آن زدند و در حقه گذاشتند و در چاه بنی ذریق افکندند کسی را بفرست آنرا بیرون آورد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علیه السلام و زبیر بن عوام را فرستاد آن را بیرون آورد و حضورش تقدیم داشتند پیغمبر امر فرمود آن حضرت سوره معوذتین را بر آن رشته خواندند هر آیه ای که قرائت مینمود یک گره از آن رشته باز میشد و چون از قرائت معوذتین فارغ شد تمام گره ها باز شد و این خود نوعی از اخبار غیب است و معجزه ایست از آنحضرت و اگر سحر تأثیری بوجود مقدسش داشت و یهودیان هم قدرت بر اینگونه اعمال داشتند همانا حضرتش را و بسیاری از مؤمنین را بقتل می رساندند با آن شدت عداوت و دشمنی که با پیغمبر و مسلمین داشتند (ومن شر حاسدا اذا حسد) و پناه می جویم از شر حسود بد خواه چون آتش رشک و حسد بر فروزد. پروردگار جمع فرموده شرور را در این سوره و ختم نمود آنها را بحسد تا بدانند مردم حسد پست ترین طبیعت بشر است.

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده فقر و مستمندی نزدیک است که انسان را بکفر بکشانند و حسد نزدیک است که غالب گرداند حاسد را بر مقدرات الهی و فرمود آفت دین حسد و عجب و تکبر است و فرمود خداوند بموسی فرمودای موسی حسد میر بر مردم بواسطه چیزهایی که خداوند بآنها عطا نموده و نظر و چشم داشت بنعمتهای ایشان نداشته باش چه حاسد غضب کننده است بر نعمت من و مخالف است با قسمت من که تقسیم نمودم میان بندگان خود و شخص حاسد از من نیست و من از او نمیباشم. مؤمن غبطه میخورد

والی حسد نمیورزد منافق حسد میبرد و غبطه نمیخورد .
 در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود حسد محو می کند ایمان را چنانکه آتش محو می نماید هیزم را و فرمود پیر هیزم از حسد، بعضی از شما بر بعضی دیگر حسد نبرد، عیسی بن مریم با یکی از اصحاب خود مسافرت مینمود رسیدند بدریا عیسی گفت باسم الله بصره و یقین منه و از روی آب دریا عبور کرد آن مرد صاحب عیسی نیز همان کلمات را که عیسی گفت بزبان آورد و از روی آب دریا عبور نمود در وسط راه با خود گفت این عیسی روح الله از روی آب دریا عبور نمود منهم عبور کردم بمحض این که این معنا خطور کرد در دل او آب او را فرا گرفت نزدیک شد غرق شود استغاثه کرد بعیسی آنحضرت او را نجات داد فرمود ای بنده خدا چه گفتی با خود که در اثر آن می خواستی غرق شوی عرض کرد عجیبی در من داخل شد گفتم عیسی از روی آب عبور میکند منهم عبور میکنم فرمود چون نفس خود را در غیر موضعیکه خداوند نهاده نهادی و قراردادی، لذا پروردگار بر تو غضب نمود، توبه کن از گفتاری که بزبان جاری کردی و پیر هیزم از خدا و حسد مهربانسی، آن مرد توبه کرد و بر گشت بحالت اولی خود و از روی آب دریا عبور نمود و بساحل رسید .

پایان سورۃ فلق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱) مَلِكِ النَّاسِ (۲) إِلَهِ النَّاسِ (۳) مِنْ شَرِّ
الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ (۵)
مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ (۶)

سوره ناس در مدینه نازل شده ، شش آیه و هفده کلمه و هشتاد و یک حرف است .

خواص و ثواب تلاوت آن بعضی در سوره فلق بیان شد حضرت صادق (علیه السلام) فرمود هر کس سوره ناس را قرائت کند هر شب در منزل خود ایمن باشد از شر جن و وسواس و اگر این سوره را بنویسد و همراه طفل کند محفوظ بماند از آزار و اذیت اجنه و در خواص قرآن از پیغمبر اکرم روایت کرده فرمود هر کس این سوره را بر دردی بخواند آن درد ساکن شود بماند خدایوند و شفای است از برای قاری .

قوله تعالی (قل اعوذ برب الناس ملك الناس اله الناس من شر الوسواس الخناس الذي يوسوس في صدور الناس من الجنة والناس) پروردگار امر میفرماید به پیغمبرش که بامت بگوید که پناه بجویند با فریدگار آدمیان و پادشاه و یکتا معبود، و پرستش آنها از شر شیطان وسوسه کننده که خناس است یعنی پوشیده و پنهان است آن شیطان که وسوسه و اندیشه بد افکند در دل مردمان چه از جنس جن باشد و یا از نوع انسان .

طبری از حضرت صادق روایت کرده فرمود نیست دلی مگر از برای اودو گوش است بر یکی فرشته ایست که هدایت میکند او را و بر دیگری شیطانی است

ترجمه سوره ناس

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای رسول ما بگو پناه میبرم به پروردگار مردم (۱) پادشاه آدمیان (۲) یکتا
معبود آدمیان (۳) از شر دیو و سوسه کننده که خناس است (۴) آن شیطانیکه وسوسه
و اندیشه بد افکند در دل مردمان (۵) چه آن شیطان از جنس جنیان باشد و یا از
نوع آدمیان (۶)

پایان ترجمه سوره ناس

که گمراه می نماید او را فرشته امر میکند و او میدارد او را به عبادت و طاعت و
عمل نیکو و شیطان نهی و زجر میکند او را و همین طور است شیطان انسی که او
میدارد شخص را بر معصیت و نافرمانی چنانچه شیطان جنی وادار میکند او را و
خداوند نگاه می دارد مؤمنین را از وسوسه شیطانی چنانچه میفرماید و ایدهم
بروح منه .

حضرت عیسی از پروردگار درخواست نمود که موضع شیطان را باو نشان
دهد، عیسی دید شیطان سرش مانند سر مار است سر بر دل فرزند آدم نهاده هر گاه
بنده ای مشغول ذکر خدا میشود شیطان میگریزد و چون از یاد خدا غافل میشود
می آید و با او حدیث میگوید پیغمبر اکرم ﷺ فرمود شیطان دهن و بینی خود
را بر دل فرزند آدم نهاده است چون متذکر خدا شود از او دور گردد و هر گاه خدا
را فراموش کند دل او را مانند لقمه در دهن گیرد، وسوسه آدمی قوی تر از وسوسه
شیطانی باشد چه آنکه وسوسه شیطان خفی و پنهان است ولی وسوسه آدم صریح
و آشکار و علانیه است .

لطيفة: وسوسه آدمی بدو طریق تصور میشود یکی آنکه نفس اماره انسانی او
را و میدارد بارتکاب مناهای و اعمال زشت، دیگر شخصی از جنس آدمی اغوا میکند
او را و در ظاهر می نمایاند بآو که من پند و نصیحت و اندرز میکنم تورا و حال
آنکه قصدش اغوا کردن و رساندن شر است باو چنانچه بسیاری از دوستان و رفقای

انسان از این قبیل اشخاص میباشد لذا پروردگار در آیه دیگر میفرماید شیاطین الانس و الجن پس شیطان جنی وسوسه میکند او را و شیطان انسی آشکارا و علانیه باو میگوید این کار را بکن و این عمل را انجام مده و در ظاهر باو میگوید من خیر خواہ تو هستم پس زیان و ضرر از ناحیه این دو طایفه عاید انسان میشود از اینجهت پروردگار امر فرموده استعاذہ بجوئیم از آنها و هر گاہ شخص پناه جست از شر آنها بخدایتعالی پروردگار او را نگاه میدارد و حفظ میفرماید و نمی گذارد شرور اینان باو برسد •

پایان سوره ناس



مرکز تحقیقات کتب و علوم اسلامی

jabir.abbas@yahoo.com

خاتمه کتاب

سیاس بی منتها پرورد گاری را سزااست که دلہای ما را بنور ایمان منور ساخت و اسرار قرآن مجید و احادیث را بما آموخت. از آنروزی که قلم ددست گرفته و خواستم این تفسیر شریف را که از نفایس تفاسیر عصر گذشته و حاضر است از حیث مطالب تألیف نمایم، در اندیشه فرو رفتم که خدمت بزرگی بعهده گرفتم و چگونه میتوانم بتمنهایی با نبودن وسائل کافی در پیرامون آیات مقدس الہی کہ چہارده قرن است جہان بشریت را بنخود متوجہ و معطوف داشتہ قلم فرسائی کنم تا عاقبت بذیل عنایت ولی عصر روحی فداء متوسل شدہ و از آن بزرگوار استمداد و یاری جست. شکر خدای را کہ توفیق عطا فرمود تا این درد کرانہا را کہ از سنت نبوی و احادیث آل عصمت و طہارت صلوات اللہ علیہم اجمعین گرد آوری شدہ در ہفت بخش و مجلد بہ پایان رساندم. از خصوصیات این تفسیر آنستکہ بشر را با اصول آدمیت و مدنیت میخواند و او را از حضيض جہالت باوج عرفان و حقیقت میرساند و خفتگان راہ حقیقت را بیدار و متذکر میسازد و خوی نیکورا معرفی می نماید و بحقیقت دائرۃ المعارف اسلام و مذهب جعفری است، دلیل و راهنمایی است برای دانشمندان، چہ طرق و استنباطات احکام شرعیہ را بطور سہل و آسان رہبری کردہ و علوم و معارف را از سر چشمہ صافی کہ بیان و گفتار ائمہ معصومین است بمردم جہان گوشزد میکند و توحید و نبوت و خدا شناسی و امامت را با دلیل و برہان علم و خرد می شناساند، سخنان باطل گمراہ کنندگان را محو و نابود میکند، مسائل حرام و حلال، واجبات و محرمات، احکام تکلیفی و اجتماعی، قصص و داستان را بیان می نماید این تفسیر بنام نامی ولی عصر عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف آغاز و انجام پذیرفت. پرورد گارا چون توانائی ندارم کہ کوچکترین نعمتہای بیشمار ترا سیاس گزارم پس سر نیاز و ناتوانی بدر گاہ تو فرود آورده ام تو بکرم غیر متناہی خود مرا بپذیر و بقصور و تقصیرم مگیر. پرورد گارا در قرآن مجید چنین فرمودہ ای کہ چون برادران یوسف عزیز مصر در حال پریشانی و قحطی و سختی با اندک ہدایائی باستان برادر خود رفتند و گفتند:

(یا ایها العزیز عسنا و اهلنا الضر و جئنا ببضاعة مزجاة فاوف لنا الکیل و تصدق علينا ان الله یجزی المتصدقین) .

یوسف عزیز که پرتوی از مهر جهانتاب و لطف و کرم تو بر دلش تابیده بود آنانرا با همه گناهانیکه کرده بودند پذیرفت و بر خشم خود چیره شد و از ایشان در گذشت ، پروردگارا منهم رو بتو آورده ام ، مجموعه این تفسیر شریف را حضور خلیفه و حجت مولای خود امام زمان اهدا مینمایم و با کمال عجز و انکسار عرض میدارم ، ای عزیز عالم ای حجت پروردگار ای امام غایب ، من گرفتار سختی زندگانی و ذات روزگار شده ام با این هدیه بیمقدار بساحت قدست متوسل شده ام چه شود از کرم خود اندکی بر من ترحم فرموده منت گذارید و صدقه روا دارید خداوند جزای خیر و پاداش نیک بر صدقه دهندگان میدهد .

ای حجت خدا از روی احسان بر ما تفضل فرما و شفاعت را در روز محشر از ما و پدر و مادر دریغ مفرما پروردگارا جامعه مسلمین را از گزند دشمنان محفوظ بدار و آتش حسد و کینه و نفاق و مصیبت و بد بختی و جنگ و خونریزی را از میان آنها خاموش ساز .

در ظهور حجت ولی عصر روحی و روح العالمین له الفداء تعجیل فرما .
در خاتمه از خوانندگان گرامی تقاضا دارم چنانچه روایت و یا مطلبی از این تفسیر نقل مینمایند از نام بردن اسم مؤلف و تفسیر مضایقه نکنند و در حال حیات و ممات از دعای خیر و طلب مغفرت برای اینجانب و پدر و مادر دریغ نفرمایند ، چه بسیار رنج کشیدم تا این تفسیر را در دست عموم قرار داده ام و از خداوند توفیق همراهی مسئلت می نمایم .

والسلام علی من اتبع الهدی

تهران مورخه ۱۷ شهر رجب یک هزار و سیصد و هشتاد و یک هجری مطابق

۱۳۴۰/۱۰ شمسی .

حاج سید ابراهیم بروجردی

پایان کتاب

غلطنامه

متمنی است اول اغلاط را تصحیح فرمائید سپس بقرائت به پردازید .

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳	۲۲	وبفضل بن عمر	وبفضل بن عمر
۱۷	۴	رسید در تقریظ	رسید و معروف است در تقریظ
۱۷	۶	باویه	ابن بابویه
۱۷	۸	از صاحبان سایر کتب	از صاحبان کتب
۱۷	۱۸	جسارتها کردم	جسارتها کرده
۱۸	۲	کتب و رساله عملیه	اغلب کتب
۲۲	۱۹	و حوادث	و حوادث
۳۱	۳	در آن بهشت	در آن دو بهشت
۳۲	۲۴	عرضکرد	عرضکردم
۳۷	۷	دست راست (۸) چقدر	دست راست چقدر
۳۷	۷	(۹)	(۸)
۳۷	۸	(۱۰)	(۹)
۳۷	۸	بیشی گرفتند آنها	بیشی گرفتند (۱۰) آنها
۴۴	۳	افراستم مالا تحرثون	افراستم ما تحرثون
۴۴	۲۱	باید خطاب بخورش بلفظ	باید خطاب بلفظ
۶۳	۶	ای بندگان بگیرید	ای بندگان سبقت بگیرید
۶۵	۳	و بآنچه شما دلشاد	و بآنچه شما داده شده دلشاد
۶۵	۱۸	زکوة خود	زکوة دادن
۶۷	۱۳	بیوسد ضکرد	بیوسد عرضکرد
۷۴	۱۷	عترت رسول اکرم آنحضرت میباشد	عترت رسول اکرم آنحضرت میباشد
۹۵	۱۶	و فرمان برداری امر	و فرمان برداری مرا
۹۹	۱۵	اموال و آنها وفی	اموال آنها
۱۰۶	۱۰	را پس	را نازل نمود پس
۱۰۸	۱۷	فرمود (۷) آیه	فرمود آیه
۱۱۱	۱۰	بشیطان بقول الله تعالی	بشیطان بقولش
۱۱۳	۲۱	بقول الله تعالی	بقولش
۱۱۵	۲۲	بدون وجه	بدون توجه
۱۲۵	۲۴	و مراوده کنیم	و مراوده کنید
۱۲۸	۱۲	مصافحه خواهیم کرد	مصافحه نخواهم کرد

جلد ہفتم	غلطنامہ	۵۴۸
وامی بفرمان برداری	وامی بفرمان برداری	۱۳۰
از جملہ پس از آن میفرماید تا کلمہ بقولش در سطر ۱۹ مؤخر است	از جملہ پس از آن میفرماید تا کلمہ بقولش در سطر ۱۹ مؤخر است	۱۳۱
از سطر ۲۰ تا بیست دو مقدم است	از سطر ۲۰ تا بیست دو مقدم است	۱۳۱
حضورش عرض کرد	حضورش عرض کرد	۱۳۴
احکام شروع	احکام شروع	۱۴۹
واصحاب از آن مکان	واصحاب از آن مکان	۱۶۱
مسمود از پیغمبر اکرم	مسمود از پیغمبر اکرم	۱۷۳
مرتبہ سوم اورا طلاق بدهد	مرتبہ سوم اورا طلاق بدهد	۱۷۸
وسع و طمع	وسع و طمع	۱۸۱
شدند مدخولہ	شدند مدخولہ	۱۸۳
یاغیر مدخولہ هستند یعنی نزدیکی	یاغیر مدخولہ هستند یعنی نزدیکی	۱۸۳
کف زمین را	کف زمین را	۱۸۶
باین میجوئی	باین میجوئی	۱۸۹
واو دیگر برا خدا	واو دیگر برا خدا	۱۸۹
هنگامیکہ	هنگامیکہ	۱۹۵
فاطمہ زهرا پیغمبر اکرم	فاطمہ زهرا پیغمبر اکرم	۱۹۶
راوندگان قرار دادیم	راوندگان قرار دادیم	۲۰۱
منزل خود نمیکرد	منزل خود نمیکرد	۲۲۱
باوامرو نواهی	باوامرو نواهی	۲۲۴
واوردانکوهش	واوردانکوهش	۲۲۵
یونس کہ تعلیل کرد	یونس کہ تعلیل کرد	۲۲۵
آن مردم ساقہ خشک	آن مردم ساقہ خشک	۲۲۹
ان کان هذا هن الحق	ان کان هذا هن الحق	۲۴۰
آنها باسانی	آنها باسانی	۲۴۱
خیر ابی	خیر ابی	۲۴۴
یعنی مگر مأمون	یعنی مگر مأمون	۲۴۴
پرستیدند	پرستیدند	۲۴۹
ودوزی آنها نیفزود	ودوزی آنها نیفزود	۲۵۱
پس از مړک ما	پس از مړک ما	۳۵۱
آیه ربه انهن	آیه ربه انهن	۲۵۴
مانند بعضی	مانند بعضی	۲۶۲
مذکور در خلقت بلکه در علم خداوند مذکور در علم خداوند در خلقت و تکون	مذکور در خلقت بلکه در علم خداوند مذکور در علم خداوند در خلقت و تکون	۳۰۱
بدکاری هستید	بدکاری هستید	۳۱۸
وسه کہ	وسه کہ	۳۲۰
قرائت کند زیارت	قرائت کند زیارت	۲۲۰

اعلام آنروز	۱۲	۳۲۵
آنروز		
ومرروز هزاران هزار سال	۲۱	۳۲۶
ومرروز هزار سال		
قرائت کند مگر	۱۰	۳۳۰
قرائت کند نمیرد مگر		
برتو آن نروتمند	۱۳	۳۴۱
برتو تکلیفی نیست اگر آن نروتمند		
ازفرز ندان حضرت فاطمه	۲۳	۳۶۳
ازفرز ندان حضرت فاطمه نیستی		
لایسجرون	۶	۳۷۲
لایسجدون		
اتفاق افتاد ان ایام	۲	۳۸۰
در آن ایام		
که در آنرو اجرای دین و احکام آن	۱۷	۳۸۲
که در آنرو اجرای دین و احکام آن		
با آنها مخالفت و پایداری		
با آنها مخالفت میورزیدند		
لحظه ای خود	۲۲	۳۸۸
لحظه ای بخود		
آنکاه ملامت	۱۴	۳۹۳
آنکاه ملامت کند		
وجود یومند	۱۶	۳۹۶
وجود یومند		
تامؤمنین را بمؤمنین	۲۵	۳۹۹
تامؤمنات بمؤمنین		
و آیه پروردگار تو و فرشتگان	۱	۴۰۷
وامر کند پروردگار تو و فرشتگان		
خدا نیست عادل و حاکم ترین	۸	۴۴۳
خدا عادل و حاکم ترین حکم کنندگان		
حکم کنندگان		
حکم کنندگان نیست		
فرمود آیه در باره تیمم	۱۸	۴۴۳
فرمود آیه در باره تیمم		
خدو رند دشمنان	۱۰	۴۴۴
خدو رند دشمنان		
نور ساطعی در قلب	۱۰	۴۶۱
نور ساطعی در قلب		
بهترین مردمان	۱۲	۴۶۴
بهترین مردمان		
طیرا اباطیل	۳	۴۹۴
طیرا اباطیل		
و بوجود او موجودی	۲۴	۵۳۵
و بوجود او موجودات		
از غلطهای جزئی صرف نظر شد		